فتاوی دار العلوم دیوبند

مدلل و مکمل

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمه الله

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد أحمد الحقانی الأفغانی غفرالله له

جلد ششم (٦)

مکتبه حنفیه

کاسی روڈ ، کوئته . فون: 2662510 - 081

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل
حوت ۱۳۸۸ \ ربیع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ 2010

Maktabah Hanafiyah	مکتبۂ حنفیۂ
Publishing Organization	مؤسسه انتشارات
AL - ILM Computers	العلم کمپیوترز
Composing Organization	کمپوزنگ اداره

Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510 کاسی رود حاجی غیبی چوک، کوئته ، شمارۂ تلیفون:
AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 العلم کمپیوترز ، کوئته ، پاکستان ، شمارۂ تلیفون:

فهرست فتاوی دار العلوم دیوبند جلد ششم

ختم شد فهرست

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین وعلی آله واصحابه اجمعین.
سپاس خداوند متعال را که جلد ششم فتاوی را تکمیل فرمود دقت زحمت وجستجویی که در ترتیب وتزئین این فتاوی ضرور می باشد از اهل علم پوشیده نیست به همین جهت هروقت جلد جدیدی تکمیل وبه حواشی ومراجع مزین میگردد ودر اختیار عموم مردم قرار میگیرد قلب من حقیر از حمد وشکر وسرور مملوء میشود که وظیفه ای که از جانب دار العلوم به من سپرده به تدریج انجام میگیره وامت مسلمه از آن مستفید میگردد واقعیت آن است که هر چه انجام میگیرد همه نتیجه توفیق ودستگیری رب العزت است.
باسپاس از خداوند متعال باید بگویم که در این جلد سه مبحث جا داده شده که عبادت اند از مبحث زکات مبحث صوم ومبحث حج که موجب ضخامت این جلد گردیده اما بر خاطر دشوار نخواهد بود هنگام تصحیح ترتیب ونوشتن حواشی حدود ششصد صفحه بسیار ممکن است که از من حقیر اشتباهاتی رخ داده باشد ویقیناً که رخ داده است اما تا جایی که به بحث وتحقیق تعلق دارد حتی الوسع از من کوتاهی به وقوع نپیوسته اما پیروزی بدست پروردگار عالیمان است هشت سال قبل یعنی درمارچ ۱۹۶۰ من حقیر در رساله دار العلوم دیوبند مقاله جامع در مورد رویت هلال نوشته ودرآن به اساس قرآن وسنت ثابت کرده بودم که این رحجان اقایانی که دارای تحصیلات عصری می باشند صحیح نیست که درمورد رویت هلال فیصله متخصصین نجوم وعلمای ریاضی پذیرفته شود وخود را تکلیف رویت هلال را ندهند.
در ارتباط خبر رادیو فیصله ای که اکابر جمعیت علمای دیوبند قبلاً کرده وفیصله کنونی مجلس شرعی مساله مذکور را واضح ساخت.

فیصله ای که علماء در ارتباط با رادیو کرده اند خلاصه آن قرار ذیل است:

اعلان رویت هلال از سوی رادیوی خبر بوده وشهادت اصطلاحی نیست اعلان اجمالی رادیو مبنی بر اینکه در فلان شهر هلال دیده شده وفردا عید خواهد بود قابل قبول نیست همچنان پراساس چنین اعلانی روزه گرفتن وافطار کردن نماز درست نمی باشد همچنان خبر رادیو های شهرهای مختلف به اساس رادیو یک شهر دراین موارد قابل قبول نیست.

برای آن اعلان رادیو که به آن اساس روزه گرفته می شود یا افطار میگردد ضرور است که تفصیلی بوده واز سوی علمای بامسئولیت یا لا اقل به استناد مسئولیت ایشان باشد که انها به طور اصول شهادت شرعی را پذیرفته وبه رویت هلال حکم کرده اند مثلاً ستیشن رادیو مسلمانی اعلان کند که کمیته رویت هلال شهر ما یا جماعت علما یا قاضی شرع پس از ثبوت شرعی به رویت هلال حکم کرد بر اساس چنین اعلان واضحی روزه وافطار روزه درست می باشد.

اگر اعلان کننده رادیو شخص مسلمان ومتدین نبوده بلکه کارمند غیر مسلمان آن اداره باشد از کمیته مسئول رویت هلال یاجماعت علما ویا قاضی شرع با تصریح نام اعلان نماید اعلان مذکور قابل قبول بوده وبه اساس آن صوم وافطار صوم جائز است اعلان رادیوی پاکستان ورادیوی دیگر ممالک نزدیک نیز رفتی اعتبار دارد که اطلاع انها مطابق اصول واحکام مذکوره باشد.

فیصله مجلس تحقیقات شرعی در ارتباط با مطلع چنین است.

درشهرهای دور از هم اختلافات مطالع اعتبار دارد البته در شهرهای نزدیک معتبر نیست ومقصود از شهر های دور (بلاد بعیده) آن است که انقدر از هم دور باشند که در رویت یک روز فرق می باشد مانند مصر وحجاز.

مگر باید واضح بسازیم که در فتاوی اختلاف مطالع در مورد روزه غیر معتبر قرار داده شده واکنون نیز برهمین قول فتوی داده میشود.

در مورد رویت هلال از طیاره قرار ذیل فیصله صورت گرفت.

اگر طیاره آنقدر بلند پرواز کند که موجب تبدیلی مطع میگردد در آن صورت رؤیت هلال اعتبار ندارد اما اگر آنقدر بلند پرواز نکرده باشد در آنصورت شها دتش معتبر خواهد بود.

دراخیر فریضه خود می دانم که به حضور سرپرست بخش حکیم الاسلام حضرت مولانا صاحب قاری حافظ محمد طیب دامت برکاته واستادان گرامی خویش دامت فیوضهم اظهار شکران وسپاس نمایم زیرا به اساس توجه ودعای ایشان است که من حقیر شایسته این خدمت گرانقدر گردیده ام به خداوند عز وجل دعا میکنم که این خدمت را دربارگاه خویش قبول نموده وآنرا برای مرتب زاد آخرت ووسیله فلاح دارین بسازد.

محمد ظفیر الدین

مرتب فتاوی دار العلوم دیوبند

۱۰ جمادی الاولی ۱۳۷۸ هـ ق



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله وکفی وسلامٌ علی عباده الذین اصطفی!

زکات

فصل اول

شروط وصفت زکات

حکم زکات چه وقت نازل شد: سوال: (۱) حکم زکات درقرآن مجید درچند جا آمده وحکم زکات درکدام سال هجری نازل شده است؟

جواب: در الدر المختار وشامی آمده که حکم زکات همراه بانماز در ۳۲ جا در قرآن مجید آمده اما درمورد اینکه بر علاوه درچند جای دیگر ذکر زکات صورت گرفته چیزی ننوشته اند برای دانستن آن به قرآن مجید رجوع کنید.

زکات درسال دوم هجری فرض در الدر المختار آمده (قرنها بالصلوة فی اثنین وثمانین موضعاً فی التزیل وفرضت فی السنة الثانیة قبل فرض رمضان) شامی گوید: (وصوابه اثنیں وثلاثین) ([1]).

تحقیق دریک مساله: سوال: (۲) درغایة الاوطار نوشته شده که مقصود ازغنی در اینجا آن است که صاحب نصاب یعنی ۵۷ روپیه داشته باشد خواه این مقدار نقد باشد یا جنس مثلاً باغ زمین ویا منزل دیگری غیر از منزلی که سکونت میکند اینقدر قیمت داشته باشد برای چینین شخصی خوردن چیزی که نذر شده جائز نیست آیا برچنین شخصی قربانی وصدقه فطر واجب می باشد یانه وایا این مسأله صحیح است یانه؟

جواب: دراین مورد نیز اختلاف است وآنچه درغایة الاوطار آمده مذهب امام ابو یوسف می باشد ومذهب امام محمد که فتوی نیز برآن داده شده چنان است که بدون نقدین با زمین وغیره صاحب نصاب نمی شود ([2]).

---

(۱) ردالمحتار کتاب الزکاة ج۲ ص ۲ ، ط. س ج۲ ص ۲۵۶. ظفیر

(۲) وذکر فی الفتاوی فیمن له حوانیت ودور للغلة لکن غلتها لا تکفیه وعیا له انه فقیر ویحل له اخذ الصدقة عند محمد وعند ابی یوسف لا یحل لم سئل محمد عمن له ارض یزرعها او حانوت یستغلها أو دار غلتها ثلاثة آلاف ولا تکفي لنفقته ونفقة عیاله سنةً یحل له أخذ الزکاة =

بر مال نابالغ زکات لازم نیست: سوال: (۳) برمال نابالغ زکات واجب است یانه؟

جواب: در الدر مختار آمده (وشرط افتراضها عقل وبلوغ) ([1]) ودر ردالمحتار گوید (فلا تجب علی مجنون وصبی لانها عبادة محضة ولیسا مخاطبین بها)

ودر هدایة آمده: (ولیس علی الصبی والمجنون زکوة خلافاً للشافعی فانه یقول هی غرامة مالیة فتعتبر بسائر المؤن کنفقة الزوجات ولنا انها عبادة فلا تتادی الا بالاختیار تحقیقاً لمعنی الابتلاء والاختیار لهما لعدم العقل) ([2]) از این عبارت واضح گردید که بر نابالغ زکات واجب نیست واز نصوص غیر مکلف بودن ومرفوع القلم بودن طفل ثابت است پیامبر ﷺ فرموده: (رفع القلم عن ثلاثة عن النائم حتی یستقیظ وعن الصبی حتی یبلغ وعن المجنون حتی یفیق) ([3]) وعدم وجوب نماز روزه حج وسائر عبادات بر نا بالغ نیز دلیل عدم وجوب زکات بر او می باشد وبر علاوه حدیث (حتی لا تأکله الصدقه) نیز بر آن حجت است.

مقدار نصاب چقدر است وزکات هر سال داده میشود یا یک مرتبه: سوال: (٤) زیور باید چند روپیه قیمت داشته باشد که زکات داده شود وطلا باشد یا نقره وبهسی که یکبار زکات را بدهد برای تمام عمر معاف میشود یا نه ونصاب پول انگریزی چقدر است مثلاً کسیکه به قیمت چهل روپیه زیور دارد در آن زکات است یانه ودر کم وزیاد از آن چطور است؟

جواب: در زیور زکات واجب وده ونصاب نقره دوصد درهم یعنی ۲ \ ۱ ۵۲ توله سکه رائج ونصاب طلا ۱\۲ واگر زیور از هر دونوع باشد قیمت طلا به نقره سنجیده شده وزکات داده شود در زکات دادن ٤\۱ حصه واجب می باشد یعنی به حساب دونیم روپیه درصد روپیه زکات تمام سال میگردد ([4]) ودادن زکات هر سال لازم می باشد ([5]).

= وإن كانت قيمتها تبلغ ألوفا. وعليه الفتوى. وعندهما لا يحل اهـ (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ط. س. ج۲ ص ۳٤۸). ظفير

(۱) ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ٤ ط. س. ج۱ ص ۲۵۸. ظفير

(۲) هدايه كتاب الزكوٰة ج۱ ص ۱٦۸.

(۳) نصب الرايه كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۳۳۳.

(٤) فاذا كانت مائتين وحال عليها الحول ففيها خمسة دراهم الخ وليس فيما دون عشرين مثقالا من ذهب صدقة فاذا كانت عشرين مثقالا عليها نصف مثقال الخ وفي تبر الذهب والفضة عليهما واوانيهما الزكوٰة (هدايه باب زكوة المال ج۱ ص ۱۷٦ , ۱۷۷) . ظفير

(۵) وتجب على الفور عند تمام الحول الخ (عالمگيرى كتاب الزكوٰة ماحديه ج۱ ص ۱۷۰) ظفير

کسیکه نداند چه وقت صاحب نصاب شده چه کند: **سوال**: (۵) پدر شخصی وفات نمود ودر جمله دیگر اشیاء مقداری زیور آلات نیز به او رسید اما زیور مذکور به مقداری بود که زکات در آن فرض نیست چند روز بعد او مقدار دیگری زیور خریده وبا آن یکجا کرد ومقداری زیور از اطفال اوبود که مقدار مجموعی آن ۹۵ توله گردید دقیق معلوم نیست که از دوسال یا چهار سال قبل ۹۵ توله شده است پس ایا او زکات سال های گذشته را هم کند یا فقط از امسال را؟

جواب: باید از وقتی که به اساس گمان غالب مقدار زیور به ۹۵ توله رسیده زکات آنرا ادا کنید زکات سال های گذشته را نیز بدهد وبه گمان غالب عمل کند ویا از روی قرائن تخمین نماید واحتیاطاً زکات مدت بیشتر را بدهد مثلاً اگر گمان دونیم سال باشد زکات سه سال را ادا کند زیراکه گر مقدار زیاده باشد بهتر است چون موجب ثواب بیشتر میگردد ودر صورت کم شدن خوف عتاب است رزکات تمام زیور موجوده را به حساب دونیم روپیه درصد روپیه بدهد (۱).

زکات در پول دختر: **سوال**: (٦) آیا در پول دختر که دوستی برایش داده باشد زکات است یانه؟

جواب: زکات بر آن واجب است (۲).

دادن زکات هر نوع مال در اوقات علیحده درست است یا نه؟ **سوال**: (۷) دادن زکات تمام انواع مال در اوقات جداگانه درست یانه؟

جواب دادن زکات لوازم واسباب جد اگانه در اوقات مختلف درست است.

برکتاب ها که به اساس مروت داده میشود زکات است یا نه: **سوال**: (۸) شخصی گاهی کتاب ها را می فروشد وگاهی به اساس مروت به مردم می دهد بر آنها زکات است یانه؟

جواب: اگر کتاب های مذکور اصولاً برای تجارت باشد اگر کسی را به اساس مروت وبدون قیمت هم بدهد زکات برآن لازم است (۳).

---

(۱) ای سبب افتراضها ملک نصاب حولی الخ تام الخ اوشرط افتراض ادائها حولان الحول وهوفی ملکه وتنمية المال کالدراهم والدنانیر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ٦ وج۲ ص۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۵۹). ظفیر

(۲) الزکوٰة واجبة علی الحر العاقل البالغ المسلم اذاملک نصابا تاما وحال علیه الحول (هدایه کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱٦۷). ظفیر =

زکات قرض حسنه: **سوال**: (۹) پولی را که کسی به قرض حسنه داده باشد در آن زکات است یانه؟

جواب: بعد از حصول زکات آنرا کند واگر قبل از حصول بدهد نیز درست است (۱).

کسیکه فقط پنجصد روپیه دارد بر او زکات است یانه: **سوال**: (۱۰) زید فقط پنجصد روپیه دارد امانه خانه دارد ونه مقروض است ونه جایداد دیگر دارد بلکه کار میکند ومخارج شبانه روزی خود رم پوره میکند ومی خواهد از پول مذکور برای خود خانه بسازد؟ آیا برآن پول زکات واجب است یانه؟

جواب: زکات بر آن واجب است باید بعد از ختم هر سال زکات بدهد (۲).

مهر مانع زکات نیست: **سوال**: (۱۱) شخصی مثلاً ده هزار روپیه دارد که زکات ۲۵۰ آن روپیه می باشد اما مبلغ پنج هزار مهر زنش بر او قرض است بدین جهت ۱۲۵ روپیه زکات داد آیا اینکار درست بوده یا در آن خللی وجود دارد سوال دوم که دشوار تر است اینکه هنگام ادای زکات متوجه موضوع نبوده وچند سال زکات ده هزار را داده اکنون پولی را که زیاده داده چگونه دوباره بدست آرد آیا چند سال زکات ندهد تا پولی را که اضافه داده پوره شود گویا زکات را پیشکی ادا نموده وبه حیله ای ضرورت نیست آیا اینکار درست می باشد؟

جواب: مهر مؤجل طوریکه اکنون رواج عام است مطابق مذهب صحیح مانع زکات نمی باشد یعنی دین مهر مؤجل از پول موجوده وضع نگردد (۳) بلکه دادن زکات تمام پول موجود ضرور می باشد پس مثلاً کسی که ده هزار روپیه دارد پنج هزار مهر مؤجل زنش بر او قرض است باید زکات ده هزار که ۲۵۰ روپیه می شود کند لهذا اگر زکات پوره ده هزار را داده چیزی اضافه نداده که برای باز پس گرفتن ان حیله کند ویا درآینده زکات ندهد شامی درمورد دین مهر مؤجل

(۳) وفی عرض تجارة قیمة نصاب الخ ربع عشر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکاة المال ج۲ ص ٤١ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۸) . ظفیر الدین

(۱) ولوکان الدین علی مقر الخ فوصل الی ملکه لزم زکاة مامضی (ایضا کتاب الزکوة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰٦). ظفیر

(۲) الزکوة واجبة علی الحر العاقل البالغ المسلم اذا ملک مائتین وحال علیه الحول ففیها خمسة دراهم الخ (ایضا ج۱ ص ۱۷٦). ظفیر

(۳) فارغ عن دین له مطالب من جهة العباد سواء کان لله کزکاة وخراج او للعبد ولو کفالة او مؤجلا ولو صداق زوجته المؤجّل (درمختار) والصحیح انه غیر مانع (ردالمحتار کتاب الزکاة ج ۲ ص ٦ – ۷ ، ط. س. ج ۲ ص ۲٦۰). ظ

بحث نموده ونوشته است که: (والصحیح انه غیر مانع) ([1]).

<u>زکات پول امانت را می توان کرد</u>: سوال: (۱۲) مقداری پول عمرو نزد زید امانت است وعمرو خود به خارج رفته وبه زید نوشته است که از پول امانت من فریضه زکات را کن زید مبلغ مذکور را حساب نموده واز قیمت مبلغ واجب ال مقداری کتب دینی خریده ومقداری هم پول نقد به مصرف زکات داد آیا وکالت مذکور جائز بوده و آیا زکات شده است یانه؟

جواب: از این طریق زکات درست است وزکات عمرو به دلیل صحت وکالت شده است ([2]).

<u>زکات با تکت ونوت می شود یانه</u>: سوال: (۱۳) اگر در حساب زکات تکت یا نوت داده شود میگردد یانه؟

جواب: نوت به منزله وثیقه بوده واز دادن نوت آن وقت زکات خواهد شد که معطی له بتواند به عوضی آن زر نقد بگیرد وحاصل آنکه زکات را باید از مال کرد در حالیکه نوت وتکت مال نیست ([3]).

<u>زکات هر سال داده میشود</u>: سوال: (۱٤) مالی که یکبار زکات آن در یکسال گردید در حالیکه منفعتی هم نکرده باشد آیا باید درسال دیگر هم زکات انرا بدهد یانه؟

جواب: پول یا زیوراتی که یک سال زکات ان داده شد وقتیکه یکسال دیگر تکمیل گردید باز زکات آن واجب ال میگردد خواه از پول منفعتی کرده باشد یانه؟ ([4]).

<u>آیا زن تواند بدون اطلاع شوهر زکات زیور وسامان آلات خویش را بدهد یانه</u>: سوال: (۱۵) زنی که زیورات جهیز دارد آیا می تواند بدون اطلاع شوهر خود زکات آنرا کند یانه؟

جواب: زیورات جهیز ملکیت زن است وزکات آن بر ذمه او لازم می باشد وبرای ادای زکات

---

(۱) ردالمحتار کتاب الزکاة ج ۲ ص ۷ . ط. س. ج ۲ ص ۲٦۱. ظفیر

(۲) وشرط صحة ادائها نية مقارنة له ای للاداء ولو کانت المقارنة حکما (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ١٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۸). ظفیر

(۳) وجاز دفع القیمة فی زکات وعشر خراج ونذر وفطرة (الدر المختار وعلی هامش رد المحتار باب الزکوة الغنم ص ۲۹ ج ۲) خارج از مال قرار دادن نوت وتکت قابل غور است خصوصاً دراین زمانه که سکه نقره ای هرگز دستیاب نبوده وتمام کارو بار حکومت ومردم برنوت صورت میگیرد. والله اعلم (ظفیر)

(٤) وشرط ای شرط افتراض ادائها حولان الحول وهوفی ملکه وثمنية المال الدراهم والدنانیر لتعینها للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزکوٰة کیفما امسکهما (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۳ . ط. س. ج۲ ص ۲٦۷). ظفیر

آن ضرورتی به اجازه از شوهر ویا اطلاع دادن به او نیست. ([1]).

برامین در مال امانت زکات است یانه: سوال: (۱٦) مال متروکه میت تا کنون میان وارثان او تقسیم نگردیده بلکه در تحویل امینی می باشد وورثه همه بالغ بوده وتا کنون سهم عده ای تعپین واز تعداد دیگری تعین نشده در این مناقشه یکسال کامل سپری گردید دراین صورت درمال مذکور بر امین زکات واجب ال می باشد یانه؟

جواب: زکات مال بر مالکان لازم شده وبر ذمه امین زکات نیست واگر آن مال طلا یانقره باشد بر وارثان به اندازه سهم هریک زکات لازم است وهر وقتی که مال تقسیم گردیده در دسترس ایشان قرار گیرد وبه اندازه نصاب باشد زکات زمانه گذشته آن بر ذمه ایشان لازم است در الدرالمختار آمده: (الا الذهب والفضة السائمة لما فی الخانیة لو ورث سائمة لزمه زکوتها.بعد حول نواه اولا) ([2]).

پولی که غرض حفاظت داده شده زکات آن ازچه وقت است: سوال: (۱۷) زید مبلغ پنجصد روپیه را به غرض حفاظت به برادر خود عمرو داد وگفت اگر خواستی توسط آن کارو باری کن ونفع ونقص آن مربوط خودت واگر خواستی آنرا طور امانت نگهدار عمرو پس از چهار سال به اجازه زیدخانه ای به قیمت ششصد روپیه برای او خرید وپنجصد او را وصد روپیه دیگر از طرفت خود داد بر زید زکات آن چهار سال واجب است یانه وآیا صرف زکات پنجصد واجب گردیده یا حکم دیگر است؟

جواب: زکات آن چهار سال به حساب پنجصد روپیه لازم گردیده است ([3]).

در اعانه مدرسه زکات واجب نیست: سوال: (۱۸) وقتی که برای اعانه مدرسه یکسال کامل بگذرد؟ آیا در ان زکات واجب است یانه؟ جواب در اعانه مدرسه که به اندازه نصاب جمع شده

---

(۱) جهز ابنه بجهاز وسلمها ذالک لیس له الاسترداد منها ولا لورثة بعده ان سلمها ذالک فی صحته بل تختص به وبه یفتی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المهر ج۲ ص ۵۳ ، ط. س. ج۳ ص ۱۵۵) ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۱۸ ، ط س. ج۲ ص ۲۷۳. ظفیر

(۳) ولوکان الدین علی مقر الح فوصل الی ملکه لزم زکوة مامضی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦) . ظفیر

ویکسال کامل نیز بر آن گذشته باشد زکات نیست([1]).

زکات دادن ازمال حرام چه حکم دارد: **سوال**: (۱۹) دادن زکات از مال حرام جائز است یانه؟

جواب مال حرام باید مطابق شرایط کاملاً صدقه گردد وزکات در آن نیست اما درصورتیکه مال حرام با حلال خلط شده باشد به سبب ملکیت زکات درآن لازم می باشد ([2]).

زکات برقیمت خانه است یا بر عاید آن: **سوال**: (۲۰) زید دارای جایدادی می باشد که یک لک روپیه قیمت داشته وعاید ماهوار آن چهار صد روپیه می باشد زکات را به حساب قیمت خانه بیدهد یا به حساب عاید آن؟

جواب: بر قیمت زمین وجایداد زکات نیست بلکه اگر آنچه به حساب کرایه ودیگر عاید است جمع گردد واز خرج اضافه شده ویکسال کامل بر آن بگذرد در آن زکات واجب می شود ([3]).

برزیورات وپول زکات است یانه: **سوال**: (۲۱) شخصی که برعلاوه جایداد وعاید بهرایه زیورات وپول نقد نیز دارد بر آن زکات علیحده لازم است یانه؟

جواب: بر زیور وپول نقد نیز زکات واجب می باشد.

زکات به چه حسابی وچه وقت داده شود: **سوال**: (۲۲) زکات به چه نرخي چه وقت ودر چه ماه داده شود؟

جواب: شرع زکات چنان است که یک بر چهل حصه پول زیور وغیره داده شود یعنی در هرصد روپیه دونیم روپیه ([4]).

---

(۱) وسببه ای سبب افتراضها ملک نصاب حولی (درمختار) قوله ملک نصاب فلا زکوٰة فی سوائم الوقف والخیل المسبلة لعدم الملک (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۵۹). ظفیر

(۲) ولوخلط السلطان المال المغصوب بماله ملکه فتجب الزکاة فیه ویورث عنه لان الخلط استهلاک إذا لم یمکن تمییزه عند أبي حنیفة، وقوله أرفق إذ قلما یخلو مال عن غصب، وهذا إذا کان له مال غیر ما استهلکه بالخلط منفصل عنه یوفي دینه. وإلا فلا زکاة، کما لو کان الکل خبیثا کما في النهر (درمختار) في القنیة لو کان الخبیث نصابا لا تلزمه الزکاة لان الکل واجب التصدق علیه فلا یفید ایجاب التصدق ببعضه (ردالمحتار باب زکوٰة الغنم قبیل مطلب فی التصدق من المال الحرام ج۲ ص ۳۳ – ۳٤ ، ط. س. ج۲ ص۲۹۰). ظفیر

(۳) ولا زکاة علی مکاتب واثاث المنزل ودور السکنی ونحوها (درمختار) قوله ونحوها کثیاب البدن الغیر المحتاج الیها کالحوانیت والعقارات (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۵). ظفیر

(٤) نصاب الذهب عشرون مثقالا والفضة مائتان درهم الخ واللازم فی مضروب کل منهما ومعموله ولو تبراً وحلیا مطلقا وفی عرض تجارة =

با صاحب نصاب شدن زن شوهر صاحب نصاب نمی شود: سوال: (۲۳) اگر زن صاحب نصاب باشد آیا به این دلیل شوهرش نیز صاحب نصاب شمرده می شود یانه وزکات وقربانی بر ذمه گدام یک می باشد؟

جواب: باصاحب نصاب شدن زن شوهر صاحب نصاب نمیگردد وقربانی وغیره بر ذمه شوهر واجب نمیگردد ([1]).

بر قرضداری که عاید شخصی دارد زکات است یانه: سوال: (۲٤) شخصی دو هزار روپیه قرضدار بوده ومقداری سرمایه وعاید نیز دارد که از مقدار قرضش کمتر می باشد آیا بر او ازکات واجب است یانه؟

جواب. چون قرض از سرمایه وعاید او بیشتر می باشد لذا زکات بر او واجب نیست ([2]).

تعریف صاحب نصاب: سوال: (۲۵) چه کسی را صاحب نصاب می گویند وتملیک به چه چیزی گفته می شود؟

جواب: کسی که به اندازه نصاب طلا ونقره داشته باشد صاحب نصاب گفته می شود.

سوال: (۲٦) اگر شخصی ۳٦ توله و۵ ماشه و٤ رتی نقره یا ۵ توله و۲ ماشه و٤ رتی طلا داشته باشد، صاحب نصاب است یا نه؟

جواب: نصاب نقره ۲\۱ ۵۲ توله ونصاب طلا ۲\۱ ۷ توله می باشد پس کسی که ازین مقدار کمتر داشته باشد صاحب نصاب نیست ([3]) ومعنای تملیک مالک ساختن است.

برپول مدرسه که نزد مهتمم مدرسه نگهداری می شود زکات نیست: سوال: (۲۷) بر پول مدرسه که نزد مهتمم مدرسه نگهداری می شود زکات واجب میگردد یانه؟

جواب: زکات در آن فرض نیست ([4]).

= قیمة نصاب الخ من ذهب او ورق الخ ربع عشر (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۵) . ظفیر

(۱) الزکوٰة واجبة علی الحر العاقل البالغ المسلم اذامنک نصابًا ملکًا تامًا وحال علیه الحول الخ (هدایه کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱٦۷) . ظفیر

(۲) ومن کان علیه دین یحیط بماله فلا زکوٰة علیه (هدایه کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱٦۸) . ظفیر

(۳) لیس فیما دون مائتی درهم صدقة فاذا کانت مائتین وحال علیه الحول ففیها خمسة دراهم الخ لیس فیما دون عشرین مثقالا من ذهب صدقة فاذا کانت عشرین ففیها نصف مثقال (هدایه باب زکوٰة المال ج۱ ص ۱۷٦ – ۱۷۷) . ظفیر =

زکات قرض پس از بدست آمدن داده میشود: سوال: (٢٨) شخصی قرض حسنه داده زکات آنرا باید بدهد یانه؟ مقداری از قرض او طوریست که در عوض آن چیزی از زیورات در گرو گذاشته شده ومقدار از قروض اوچنان است که هیچ چیزی درعوضش نیست دراین مورد چه حکمی وجود دارد واگر نزد شخصی مقداری پول باشد وزکات آنرا می پردازد وهمیشه سال به سال مقداری پول دیگر نیز بدست می آورد وآنرا نگیهمدارد سوال این است که اگر از پول جمع شده سابقه هر سال زکات بدهد سر انجام وقتی فرا خواهد رسید که بواسطه پرداختن مسلسل زکات مقدار آن از نصاب کم گردد، امیدوارم جواب این شبه را لطف فرمائید.

جواب: قرضی که داده شده اگر به تنهایی یا بایکجا نمودن با پول موجود به قدر نصاب باشد زکات بر آن واجب است اما کردن زکات آن پس از حصول قرض لازم می باشد اما اگر قبل از حصول قرض زکات ان داده شود باز هم میگردد ودر این مورد قرضی که در بدل آن زیور وغیره گذاشته شده ویا چیزی درعوض گذاشته نشده مساوی می باشد وزکات هر دوپس از بدست آمدن لازم می باشد ([1]) وشبهی که شما نوشته اید جواب آن این است که از پول جمع شده هر سال زکات داده می شود تا از نصاب کم گردد وپس از آن زکات ساقط می شود وتا وقتیکه پول به قدر نصاب موجود باشد واجب بودن زکات در آن خلاف عقل نیست زیرا کسیکه مالک نصاب می باشد شرعاً وعرفاً غنی گفت می شود ([2]) واینکه غنی از فقرا خبر گیری کند واز خود چیزی به ایشان بدهد مقتضی عقل ومروت است ([3]).

---

(٤) وسببه ای سبب افتراضها ملک نصاب حولی (درمختار) قوله ملک نصاب فلا زکوٰة فی سوائم الوقف والخیل المسبلة لعدم الملک (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج ٢ ص ٩ ، ط. س. ج٢ ص ٢٥٩). ظفیر

(١) فتجب زکوتها اذا تم نصابا وحال الحول لکن لافوراً بل عند قبض اربعین درهماً من الدین القوی کقرض وبدل مال تجارة (درمختار) اذا تم نصابا. الضمیر فی تم یعود للدین المفهوم من الدیون والمراد اذا بلغ نصابا بنفسه اوبما عنده مما یتم به النصاب. (ردالمحتار باب زکوٰة المال ج٢ ص ٤٧ ، ط. س. ج٢ ص ٣١٥) ظفیر

(٢) الزکوٰة واجبة علی الحر العاقل البالغ المسلم اذاملک نصابا تاما وحال علیه الحوال الخ ولابد من ملک مقدار النصاب لانه ﷺ قدر السبب به (هدایه کتاب الزکوٰة ج١ ص ١٦٧) . ظفیر

(٣) اساس این قانون اسلام چنان نیز معلوم میگردد که مردم پول را جمع نموده وبیکار نگذارند بلکه آنرا درکار وبار زمین وغیره به گردش اندازند تا مردم ومملکت از آن فایده گیرند زیرا در این که پول نقد جمع گردد وبیکار نفیند سراسر نقص مردم وکشور میباشد در هدایة در ارتباط به زکات زیورات نوشته شده بقیه درحاشیه بعدی دیده شود بقیه حاشیه صفحه قبلی (ان السبب مال نام ودلیل النماء موجود وهو الاعداد للتجارة خلقة والدلیل هو المعتبر (هدایة باب زکوة المال ص ١٧٧ ج١) ماحصل این عبارت آن است که که چون درپول یا طلا =

بریولی که بواسطه رهن قرض گرفته شده اگر یکسال بران بگذرد زکات است یانه:

سوال: (۲۹) اگر شخصی مبلغ صد روپیه رهن گرفته وتمام سال آنرا به این فکر نگهداشته باشد که شاید وقتی ضرورت کردن آن پیش آید ومقدار از آنرا در ضروریات خویش خرج کرده باشد زکات بر آن پول واجب خواهد بود یانه؟

جواب: مفهوم این سوال به ظاهر آن است که شخصی مبلغ صد روپیه قرضه گرفته ودرعوض آن زمین خود ویا چیز دیگری را رهن گذاشته وظاهر است که شخصی که صد روپیه گرفته صد روپیه قرضدار است یعنی مدیون بوده وبر مدیون زکات واجب نمی باشد پس اگر نزد او علاوه از این پول زیور وپول دیگر بقدر نصاب نباشد زکات این پول بر ذمه او واجب نیست (۱).

زکات زیوراتی که درمهر داده شد بر ذمه کیست: **سوال**: (۳۰) زیوراتی که هنگام نکاح از سوی شوهر در مهر زن داده می شود زکات برذمه کیست؟

جواب: چون زیوری که درمهر زن داده شده ملکیت او گردیده پس زکات آن نیز بر ذمه خود زن می باشد نه برذمه شوهر (۲).

زکات پولی که در سیالی داده میشود: **سوال**: (۳۱) یک هزار روپیه زید درسیالی رفت وپس از ده سال آنرا بدست آورد زکات آن هست یانه؟

جواب: دادن زکات چنین پول پس از بدست آوردن ان لازم می باشد نه قبل از آن (۳).

= ونقره صلاحیت نمو وزیاد شدن موجود می باشد اگر شما یا شخص دیگری از آن جلو گیری کند وکاري را که باید از آن بگیرد نگیرد گاه از جلوگیری کننده وسبب وجوب زکات بیشتر شدن آن نمی باشد.

(۱)کل دین له مطالب من جهة العباد یمنع وجوب الزکوة سواء کان الدین للعباد کالقرض وثمن البیع وضمان المتلفات وارش الجراحة وسواء کان الدین من النقود او المکیل اوالموزون الخ (عالمگیری مصری بولاق کتاب الزکوة ج۱ ص ۱۷۲) ظفیر

(۲) وشرط افتراض ادائها حولان الحول وحولی ملک الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۱ ص۱۳ . ط. س. ج۲ ص ۲۶۷). ظفیر

(۳) بحث نخستین در ارتباط به سالی آن است که درحکم قرض می باشد یا درحکم هبه اگر در حکم قرض باشد پس از بدست آوردن آن زکات سال های گذشته لازم می باشد واساس درهبه یا قرض قرار دادن سیالی رسم ورواج می باشد چنانچه در بعضی از اقوام به طور قرض داده می شود وحساب ان نوشته می شود وسپس هنگام عروسی باز پس گرفته می شود اما دربعضی از اقوام چنان می باشد که از آن یاد نمی کنند یعنی بطور بخشش داده می شود (سئل فیما ارسله الشخص الی غیره فی الاعراس ونحوها هل یکون حکمه حکم القرض فیلزمه الوفاء به ام لا اجاب ان کان العرف بانهم یدفعونه علی وجه البدل یلزم الوفاء ان مثلیا فبمثله وان قیمیا فبقیمة وان کان العرف خلاف ذلک بان کانوا یدفعونه علی وجه الهبة ولا ینظرون فی ذلک الاعطاء البدل فحکمه حکم الهبة فی سائر احکامه (رد المحتار کتاب الهبة قبیل باب الرجوع =

اگرپول هزار روپیه بوده اما پنجصد آنرا به حساب سیالی می دهد زکات آن چیست:

سوال: (۳۲) زید یک هزار روپیه دارد اما پنجصد آنرا به حساب رواج قومی در سیالی می دهد در اینصورت باید زکات چه مقدار پولی را بدهد؟

جواب: در اینصورت باید زید زکات یک هزار روپیه را بدهد.

دارایی زید در قبضه والدین وبرادرش بود واکنون در قبضه خودش آمده زکات انرا از چه وقت بدهد: **سوال:** (۳۳) دارایی زید از هنگام بلوغش تا اکنون که ۲۲ ساله می باشد در قبضه والدین وبرادرش بود وبه همین علت زید نتوانسته که زکات وقربانی را از جانب خود کند اکنون زید تمام دارایی خود را درتصرف وقبضه خود در آورده ومی خواهد که زکات وقربانی ذمه خود را ادا کند چطور آنرا نماید وزکات آنرا باید از چه وقت تا چه وقت کند؟

جواب: از هنگامی که پول درقبضه اش آمده زکات را کند وزکات زمانه گذشته بر او نیست (۱). فقط

اگرفتن زکات توسط حیله درست است یانه: **سوال:** (۳٤) اگر شخصی غنی برای گرفتن زکات بکدام وجه حیله سازد مثلاً مال خود را ملکیت زوجه ویا طفل صغیر خود گرداند تا با این حیله صدقه بگیرد آیا این حیله جائز بوده وصدقه گرفتن برای او حلال می باشد وازگردن کسی که صدقه می دهد ساقط میگردد یانه؟

جواب: به این حال صدقه گرفتن برای او حلال خواهد شد اما این حیله مکروه است چنانچه در الدر المختار امده: (انه لا زکوة علی الواهب اتفاقاً لعدم الملک وهی من الحیل وفیها آن یهبه

= ص ۷۰۷ ج ٤) از این جوابات واضح گردید که چون سیالی درحکم هبه می باشد لهذا آنرا در حساب وضع قرار نداده به همین جهت فقها تصریح کرده اند (لا زکاة علی مکاتب ومدیون للعبد بقدر دینه فیزکی الزیدان اذا بلغ نصاباً (الدر المختار) ولوکان الدین علی مقر ملی او مفلس فوصل الی ملکه لزم زکات ما مضی فتجب زکاتها اذا تم نصاباً وحال الحول لا فورا بل عند قبض اربعین درهماً من الدین القوی کقرض (باب زکوة المال ٤۷ و٤۸ ج ۲)

(۱) وعند قبض مائتین منه لغیرها ای من بدل مال لغیر تجارة وهو المتوسط کثمن سائمة وعبید خدمة وهما مما هو مشغول بحوائجه الاصلیة کطعام وشراب واملاک ویعتبر ما مضٰی من الحول قبل قبض فی الاصح (درمختار) اما لمتوسط ففیه روایتان فی روایة الاصل تجب زکوٰة فیه ولا یلزمه اداء حتٰی یقبض مائتی درهم فیزکیها وفی روایة ابن سماعة عن ابی حنفة لا زکوٰة فیه حتٰی یقبض یحول علیه الحول لانه صار مال زکوٰة فان صار مال کالحادث ابتداء الخ وعلی روایة ابن سماعة یزکیها عن الماضی والاعن الحال الا یمضی حول جدید بعد القبض (ردالمحتار باب زکوٰة المال ج ص ٤۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۵). ظفیر

لطفله قبل اتمام بیوم (۱) ودر کراهت وعدم کراهت حیله اسقاط اختلاف بین صاحبان معروف است چنانچه در شامی آمده: (قال ابو یوسف لا یکره لانه امتناع عن الوجوب لا ابطال حق الغیر وفی المحیط انه الاصح وقال محمد یکره واختاره الشیخ حمید الدین العزیز لان فیه اضرار بالفقراء الی ان قال وقیل الفتوی فی الشفعة علی قول ابی یوسف وفی الزکوة علی قول محمد وهذا تفصیل حسن (شامی باب زکوة الغنم ص ۲۷ ج ۲).

نصاب مفتی به زکات: سوال: (۳۵) در نصاب زکاتبه اساس آنچه مشهور می باشد اختلاف است زکات مفتی به کدام یک می باشد؟

جواب: حساب آن از وزن سبعه معلوم میگردد زیرا ۲/۵۲۱ توله می شود ودوصد درهم به وزن سبعه همین قدرمی باشد (۲).

بر خانه کرایی زکات است یانه؟ سوال: (۳٦) خانه ای که کرایه آن ماهوار ده روپیه باشد زکات بر قیمت آن لازم است یا برکرایه آن؟

جواب: بر قیمت آن زکات نبوده واگر کرایه آن به اندازه نصاب جمع گردد وحول بر آن بگذرد زکات برآن واجب می شود (۳).

برپول مهرکه نزد شوهر باشد زکات است یانه: سوال: (۳۷) مهر یک یک زن ۲۵۰ روپیه بوده وچون شوهرش پول ندارد تا کنون مهر او را نداده آیا دراینصورت بر ذمه زن زکات مهر واجب است یانه؟

جواب: قبل از حصول زکات درآن واجب نیست (٤).

بر قیمت زمین زراعتی زکات نیست: سوال: (۳۸) هنده یک قطعه زمین زراعتی دارد که

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب زکوٰة ج۲ ص ۵۱ ، ط. س. ص ج۲ ص ۳۲٤) . ظفیر

(۲) نصاب الذهب عشرون مثقالا والفضة مائتا درهم کل عشر دراهم وزن سبعة مثاقیل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۵). ظفیر

(۳) ولا زکوٰة فی ثیاب البدن الخ ودور السکنی ونحوها (درمختار) ای کثیاب البدن الغیر المحتاج الیها وکا الحوانیت والعقارات (ردالمحتار کتاب زکوٰة ج۲ ص ۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٤ و۲٦٥) . ظفیر

(٤) وعند قبض مائتین مع حولان الحول بعده ای بعد القبض من دین ضعیف وهو بدل غیر مال کمهر ودیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۵) . ظفیر

قیمت آن هزار روپیه می باشد زکات بر آن واجب است یانه وزکات برقیمت زمین می باشد یا بر حاصلات؟

جواب: برقیمت زمین زکات نبوده واگر زمین عشری باشد بر حاصل آن یعنی بر مقدار غله پیدوار آن عشر (١\١٠) می باشد اما اگر زمین عشری نباشد چیزی بر آن نیست ([1]).

زکات تمام پول داده شود: **سوال**: (٣٩) نزد شخصی چهار صد وهفت روپیه از مخزج خانه باقی چمانده وبر آن یکسال گذشت شخص مذکور زکات چهار صد روپیه را بدهد یا از چهار صد وهفت روپیه را؟

جواب: زکات چهار صد وهفت روپیه پوره را بدهد ([2]).

زکات نقد مال وخرج چگونه داده شود: **سوال**: (٤٠) زید با دوصد روپیه به تجارت آغاز کرد وچون پس از یکسال حساب نموده سرمایه ذیل نزد او موجود بود صد روپیه نقد حدود یک صد بیست وپنج روپیه جنس به قیمت سه صد روپیه مال او نزد مردم قرض است پس آیا زکات از پولی که در اخیر سال نقد موجود می باشد داده شود وبر پولی که در جریان سال خرج نموده زکات است یانه وبر ظروف مستعملی که گاهگاه آنها را به فروش می رساند زکات می باشد یانه؟

جواب: در اخیر سال بر پولی که به شکل نقد ویا مال التجاره موجود باشد زکات واجب است وپولی که بر ذمه دیگران قرض می باشد زکات بر آن واجب بوده اما ادای آن پس از حصول می باشد واگر حصول نگردد زکات آن ساقط است وپولی که پیش از تکمیل شدن سال به مصرف رسیده بر آن زکات نمی باشد وظروف مستعملی که به غرض تجارت خریده نشده اند بر آن زکات نیست اما اگر به فروش رسیده وپول آن شامل پول های تجارتی گردیده باشد زکات آن

---

(١) والنوع الثاني شرط المحلية وان تكون عشرية فلا عشر فى الخارج مّن ارض الخراج الخ (عالمگیری مصری بولاق زکوٰة الزروع ج١ ص ١٨٥). ظفیر

(٢) واللازم فى مضروب كل منهما الخ وفى عرض التجارة قيمته نصاب الخ ربع وفى كل خمس بحسابه ففى كل اربعين درهما درهم وفى كل اربعة مثاقيل قيراطان ومابين الخمس الى الخمس عفو وقالا مازاد بحسابه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوٰة المال ج٢ ص ٤٢ ، ط س ج٢ ص ٢٩٧). ظفیر

داده میشود ([1]).

بر مالک نصاب که دین مهر بیشتر از مالش باشد زکات است یانه: سوال: (٤١) شخصی مالک نصاب است اما این مهر بیشتر از مالش بر ذمه او می باشد آیا این دین مانع زکات است یانه؟

جواب: صحیح آن است که دین مهر مانع زکات نبوده وزکات لازم می باشد طوریک در شامی آمده: (والصحیح انه غیر مانع) ([2]).

زکات سال گذشته فرض می باشد: سوال: (٤٢) دادن زکات-مال ماحصل سال گذشته برصاحب نصاب فرض است یانه؟

جواب: دادن زکات مال ماحصل سال گذشته برصاحب نصاب فرض می باشد چنانچه در هدایة آمده است: (ومن کان له نصاب فاستفاد فی اثناء الحول من جنسه ضمه الیه) هدایه ص ١٧٥.

خانه ای که به کرایه داده شده زکات آن به چه طریق داده میشود: سوال: (٤٣) خانه ای که به مبلغ ماهوار دذ روپیه به کرایه داده شده زکات بر آن است یانه؟

جواب: خانه ای که کرایه آن به اندازه نصاب باشد زکات بر کرایه آن لازم بوده وبرخود خانه زکات نیست چنانچه در شامی آمده: (ولافی ثیاب البدن واثاث المنزل ودور المکنی ونحوها ای کثیاب البدن الغیر المحتاج الیها وکالحوانیت والعقارات) شامی چاپ هندج ٢ ص ٨.

زکات پولی که ازکرایه خانه بدست می آید: سوال: (٤٤) پولی که از کرایه خانه بدست می آید، اگر بقدر نصاب باشد زکات بر آن است یانه؟

جواب: وقتیکه مقدار پول به اندازه دوصد درهم شود چه از کرایه خانه باشد یا از زمین یا از وجه دیگری در ملکیت شخص آید ویکسال بر آن بگذرد زکات در آن واجب می شود چنانچه درصفحه ١٧٦ هدایة آمده است : (لیس فیما دون مائتی درهم صدقة فاذا کان مأتین وحال علیها

---

(١) ومن کان له نصاب فاستفاد في اثناء الحول من جنسه ضمه اليه وزكاه به الخ لان المجانسة هي العلة في الاولاد والارباح لان عندها يتعسر التمييز فيعسر اعتبار الحول لكل مستفاد وما شرط الحول الا للتيسير (هدايه باب صدقة السوائم فصل فی الخيل ج١ ص ١٧٥) ولوكان الدين على مفر الخ فوصل الى ملكه لزم زكوٰة ما مضى (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٢) ظفير

(٢) ردالمحتار كتاب زكوٰة تحت قول الماتن اوموجلا ج٢ ص ٧ ، ط س. ج٢ ص ٢٦١. ظفير

الحول ففيها خمسة دراهم)

زیوراتی که معمولاً پوشیده نشود برآن زکاة است یانه: **سوال:** (۴۵) زیورات طلایی ونقره ای که یک ماه دوماه گذاشته شود ودوسه ماه پوشیده شود وبه قدر نصاب ویا زیاد تر از ان باشد آیا درآن زکات است یانه؟

جواب: زیورات طلایی ونقره ای که به مقدار نصاب باشد زکات در آن واجب است چه آنرا استعمال کند یانه، چنانچه درهداية در صفحه ۱۷۷ آمده:

(وفی تبر الذهب والفضة وحليهما واوانيهما زكوة)

درچه چیزهایی ازاشیاء مندرجه ذیل زکات است: **سوال:** (۴۶) نزد شخصی اشیای ذیل وجود دارد زمین ظروف حیوانات تکه زیور آلات به قیمت یک هزار روپیه غله پول نقد دو هزار روبیه وسامان ولوازم خانه در کدام یک از این اشیاء زکات لازم است؟

جواب؟ دراشیای مذکور غیر از زیور آلات وپول نقد زکات لازم نیست در زمین مطابق شروط عشر واجب می باشد ودرحیوانات اگر سائمه باشند مطابق قاعده زکات واجب است ودر اشیای متباقی یعنی ظروف مورد استعمال تکه های پوشیدنی وغله زکات نیست وتفصیل مسأله درکتب فقه موجود است (۱).

بر قرضدار زکات است یانه: **سوال:** (۴۷) شخصی قرضدار بوده ومقدار قرضش به نسبت پول نقدی که نزدش موجود می باشد بیشتر است آیا تادیه زکات بر او لازم می باشد یانه؟

جواب: بر قرضدار زکات نیست واگر شخصی قرض داشته باشد پس از حصول زکات بر آن لازم است (۲).

زکات برقیمت خرید است یا برنرخ موجود: **سوال:** (۴۸) زکات به اساس نرخ خرید داده می

---

(۱) ولا في ثياب البدن المحتاج إليها لدفع الحر والبرد، وأثاث المنزل ودور السكنى ونحوها وشرطه أي شرط افتراض أدائها حولان الحول وهو في ملكه وثنمية المال كالدراهم والدنانير لتعينهما للتجارة بأصل الخلقة فتلزم الزكاة كيفما أمسكهما ولو للنفقة أو السوم بقيدها الآتي أو نية التجارة في العروض (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٤) واللازم فی مضروب كل منهما ای الذهب والفضة ومعموله ولوتبرا اوحليا مطلقا (ايضا باب زكوٰة المال ج۲ ص ٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۷ و۲٦۸) . ظفير

(۲) فلا زكاة على مكاتب الخ ومديون للعبد بقدر دينه فيزكي الزائد ان بلغ نصاباً (ايضا كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۳) لوكان الدين على مقر الخ فوصل الى ملكه لزم زكوٰة مامضى (ايضا ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦) . ظفير

شود یا به اساس نرخ موجود؟

جواب: قیمت موجود یعنی قیمت وقت تادیه زکات اعتبا ر دارد.

بر پس انداز یکساله زکات مطابق چه حسابی واجب است: سوال: (۴۹) بر پول نقدی که در جریان یکسال پس انداز گردیده به چه حسابی زکات واجب می باشد؟

جواب: حساب زکات آن است که دادن (۱\٤۰) حصه واجب می باشد [1].

به دارایی طفل ثروتمند زکات است یانه: سوال: (۵۰) دادن زکات از مال طفل ثروتمند جائز است یانه؟

جواب: جائز نیست [2].

بر زیورات زن، اسپ سواری وگاوهای قلبه ای زکات است یانه؟ سوال: (۵۱) در زیور آلات زن، اسپ سواری وگاوهای قلبه ای زکات لازم می باشد؟

جواب: بر زیور آلات زن زکات واجب است [3] اما در اسپ سواری وگاوی هایی که به کار زراعت اشتغال دارند زکات لازم نمی باشد [4].

اگر به بیت المال حکومت شرعی بهار زکات ارسال نشود بلکه شخص خودآنرا کند چه حکم دارد: سوال: (۵۲) درمنطقه پتنه واریسه ایالت بهار امیر شرعی برای بیت المال مقرر شده زکاة وعشر را جمع آوری میکند لیکن در اکثر جاها حصول نگردیده وخود مالکان آنرا به فقرا ومساکین تقسیم می نمایند آیا دراین صورت زکات می شود یانه؟

جواب: دراینصورت زکات می شود زیرا خداوند متعال فرموده است: (انما الصدقات للفقراء والمساکین) [5] الخ.

---

(۱) وتعتبر القيمة يوم الوجوب وقالا يوم الاداء اجماعا وهو الاصح ويقوم في البلد الذى المال فيه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوة الغنم ج۲ ص ۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷٦) . ظفير

(۲) وليس على الصبى والمجنون زكوة الخ لنا انها عبادة فلا تتادى الا بالاختيار تحقيقا لمعنى الابتلاء ولا اختيار لهما (هدايه كتاب الزكوة ج۱ ص ۱٦۸). ظفير

(۳) وفي تبر الذهب والفضة وحليهما واوانيهما الزكوة (هدايه باب زكوة المال ج۱ ص ۱۷۷). ظفير

(٤) وليس في دور السكنى وثياب البدن واثاث المنزل ودواب الركوب وعبيد الخدمة وسلاح الاستعمال زكوة لانها مشغولة بالحاجة الاصلية ليست بنامية ايضاً (هداية كتاب الزكوة ج۱ ص۱٦۹ ط. س. ج۲ ص۲٦۵). ظفير

(۵) اما بهتر آن است که زکات ظاهر اموال از طریق امیر شریعت اداء شود وزکات پول نقد را خود نیز می توان اداء نمود. ظفیر

مقصد از اثاث البیت چیست: سوال: (۵۳) در شریعت اطلاق لفظ ناث البیت برچه چیزهایی صورت می گیرد آیا ظروف ولباس های پوشیدنی وبرداشتنی نیز درجمله اثاث البیت شامل مي باشند؟

جواب: لفظ اثاث البیت برتمام آن اشیای مذکور اطلاق میگردد (۱).

اگرشخصی پول نقد زکات را با پول خود یکجا کند وسپس پول زکات را کم کم بدهد چه حکم دارد: سوال: (٥٤) اگر شخصی پول زکات را باپول خود یکجا نماید وسپس آنرا وقتاً فوقتاً به نیت ادای زکات در زکات وغیر آن خرج کند زکات صاحب زکات چه وقت میشود وقتی که به وکیل سپرده یا وقتیکه به مصرف رسیده است واینکه وکیل آنرا با پول خود خلط فرموده ودر غیر مصرف زکات مثلاً بر سادات یا غنی مجهول خرج کرده است تا به درحه ها بیش از پول زکات پول او خرج شده پس زکات شده است یانه؟

جواب: در نقود عدم تعین مطلقا وجود ندارد بلکه درامانت وصدقات وغیر نقود معین می باشد طوریکه در اشباه ونظائر است (لا یتعین في المعاوضات ویتعین فی الامانات والهبة والصدقة) (۲) وچنین عبارتی درشامی نیز آمده است پس پول زکات را بدون اجازه با مال خود یکجا کردن جائز نیست وزکات شخص زکات دهنده وقتی می شود که به مصرف زکات برسد واگر وکیل از پول خود زکات موکل را علیحده کرده به نیت زکات از طرف او بدهد زکات در همان وقت می شود اما اگر وکیل برای فقرا وغیره داده است از طرف خودش حیثیت هبه وصدقه را دارد در الدرالمختار آمده: (ولو خلط زکوة موکلیه ضمن وکان متبرعاً قال فی الشامی قوله ضمن وکان متبرعاً لانه ملکه بالخلط وصار مؤدیا مال نفسه قال فی التتار خانیة الا اذا وجد الاذن واجاز المالکان ای اجاز قبل الدفع الی الفقیر لمافی البحر لوادی زکوة غیره لغیر امره فبلغه فاجاز لم یجز لانها وجدت نفاذاً علی المتصدق لانها ملکه ولم یصرنائباً عن غیره فنفذت علیه لکن قدیقال

(۱) ولاثیاب البدن المحتاج الیها لدفع الحر والبرد واثاث المنزل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۰ . ط. س. ج۲ ص ۲٦٤) فلیس فی دور السکنی الخ وکذا طعام اهله ومایحتمل به من الاوانی اذالم یکن من الذهب والفضة الخ والات المحترفین (عالمکیری کشوری کتاب زکوٰة ج۱ ص ۱۷۰ ، ماجدیه ج۱ ص ۱۷۲). ظفیر

(۲) الاشباه والنظائر . ظفیر

تجزی عن الامر مطلقاً لبقاء الاذن بالدفع قال فی البحر ولو تصدق عنه بامره جاز ثم قال فی التتار خانية او وجدت دلالة الاذن بالخلط كما جرت العاده بالاذن من ارباب الحنطة بخلط ثمن الغلات) ([١]).

زكاتْ پولي كه براي ضرورت خاصي نگهداري شده است: **سوال**: (٥٥) اگر شخصی بسیاری از احتیاجات خود را معلق گذاشته وبرای ضرورت خاصی مقدار پولی را جمع نماید آیا زکات برآن است یانه؟

جواب: بعد از گذشت یکسال زکات برآن واجب است ([٢]).

اگروكيل به مستحق ديگرى زكات را بدهد چه حكم دارد: **سوال**: (٥٦) اگر زید شخصی بنام عمرو را وکیل زکات خود تعیین کند که انرا به مستحق خاصی مثلاً خالد بدهد اما وکیل به جای او زکات را به بکر که او نیز مستحق می باشد بدهد زکات زید می شود یانه؟

جواب: درشامی آمده: (وهذا حيث لم يامره بالدفع الى معين اذا لوخالف ففيه قولان حكاهما فى القينة) ([٣]) نتیجه آنکه دراین مساله دو قول است یک قول آنکه زکات می شود ودوم آنکه نشده ووکیل ضامن می باشد پس احتیاط در آن است که به شخص دیگری ندهد وبه همان شخص بدهد که مؤکل تعیین نموده باشد. ([٤])

مقدار قرض بيست هزار بوده وپول ذخير نداشته باشد زكات واجب است يانه: **سوال**: **(٥٧) زید بیست هزار روپیه قرض گرفته ودر شرکت نساجی بمبی شریک شده در حالیکه به علت تادیه قرض هیچ پول ذخیره نداشته باشد زکات بر او واجب است یانه؟**

جواب: **در اینصورت که به قدر مال موجود قرضدارمی باشد وذخیره دیگر ندارد زکات ([٥]) بر**

---

(١) ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٤ . ط. س. ج٢ ص ٢٦٩. ظفير

(٢) شرط افتراض ادائها حولان الحول وهو فى ملكه وتنمية المال كالدراهم والدنانير بيعهما للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزكوة كيفما امسكها ولو للنفقه (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الزكوة ص ١٣ ج ٢)

(٣) ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٥ . ط. س. ج٢ ص ٦٦٩. ظفير

(٤) وهنا الوكيل انما يستفيد التصرف من الموكل وقد امره بالدفع الى فلان يمنك الدفع الى عبره كما لواوصى لزيد بكذا ليس للوصى الدفع الى عبره (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٥ . ط. س. ج٢ ص ٢٦٩). ظفير

(٥) فلازكوة على مكاتب الخ ومديون للعبد بقدر دينه فيزكي الزائد ان بلغ نصابا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الزكوٰة ج٢ =

واجب نست:

<u>اگر شخصی یکسال زکات را ندهد سال دیگر چه کند</u>: سوال: (۵۸) اگر شخص صاحب نصاب یکسال غفلت ورزیده وزکات را نپردازد در سال بعدی به چه حسابی زکات را اداء کند؟

جواب: درسال بعدی باید زکات همان سال وسال گذشته آنرا بپردازد وحساب چنان است که هر قدر پول ومالی که درختم سال گذشته بوده زکات آنرا بدهد وامسال هر قدر روپیه وغیره موجود باشد زکات آنرا بپرد ازد (۱).

<u>اگر برای زنی والدنیش زیور آلات خریده باشند زکات آن برخود زن است یا بر شوهرش</u>: سوال: (۵۹) به زوجه زید والداینش زیور آلات داده اند زکات آن بر زید است یا بر زنش زید آنقدر در آمد ندارد که زکات بدهد ووقتیکه زید عاید داشته باشد نمی داند که زیور مذکور چه قدر است آیا مطابق تخمین می تواند زکات بدهد یانه واگر به اساس حساب کردن زکات چند ساله مقدار پول زکات زیاد شود باددادن آن بطور متفرق زکات می گردد یانه؟

جواب: زکات بر ذمه زن زید است او باید آنرا کند وهنگامیکه زید صاحب ثروت شود می تواند از طرف زن خود زکات آنرا بدهد وزیور آلات باید اندازه گردیده ومطابق ان زکات داده شود ودادن زکات چند سال بطور متفرق وکم کم جایز است. (۲)

<u>اگر شخصی زیور آلات را ملکیت مادر خود بسازد، زکات آن برچه کسی است</u>: سوال: (۶۰) شخصی زیور آلات را به مادر خود داده واو را اختیار کلی داد زکات آن بر مادر واجب است یا بر پسرش؟

جواب: چون زیورات را ملکیت والده خویش ساخته زکات آن بر والده اش واجب می باشد (۳) واگر پسر بخواهد می تواند از طرف او زکات بدهد.

= ص ۸ ، ط. س. رج۲ ص ۲٦۳). ظفیر

(۱) وافتراضها عمری ای علی التراخی وصححه الباقانی وغیره وقیل فوری ای واجب علی الفور وعلیه الفتوٰی فیاثم بتاخیرها بلاعذر وترد شهادته (ایضا ج۲ ص ١٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۲) وافتراضها عمری ای علی التراخی (درمختار) قال فی البدائع وعلیه عامة المشائخ ففی ای وقت ادی یکون مودیا للواجب (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ١٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۳) الزکوٰة واجبة علی الحر العاقل البالغ المسلم اذا ملک نصابا ملکا تاما اوحال علیه الحول (هدایه کتاب الزکوٰة ج۱ ص ١٦۷ ، =

اگر پسی ازتکمیل سال با تاخیر دو سه ماه زکات رابدهد چه حکم دارد: سوال: (٦١) در رمضان گذشته دادن زکات زیورات واجب ال بود اما پول عاید دوسه ماه بعد می رسد آیا این وقفه درست است یانه؟

جواب: این وقفه درست است ([1]).

قیمت زمین به قدر نصاب است نه ازحاصلات کدام یک معتبر است: سوال: (٦٢) اگر قیمت اراضی شخصی بیشتر از نصاب اضحیه وصدقه فطر باشد اما قیمت پیداوار سالانه به حد نصاب نمی رسد در اینصورت کدام جهت معتمد ومعتبر است جهت قیمت یا پیداوار؟

جواب: دراین مورد میان امام ابو یوسف وامام محمد اختلاف است وامام محمد فرموده که این چنین نصاب مانع اخذ زکات نیست وصدقه فطر واضحیه بر او واجب نمی باشد وامام ابویوسف نصاب مذکور را مانع اخذ زکات دانسته وصدقه فطر واضحیه را بر او واجب می گوید واستادان کرام قول امام ابو یوسف را احوط دانسته وپسندیده اند وقول امام محمد اوسع است وفقهاء بر آن فتوٰی داده اند (انه تجب علی کل مسلم ذی نصاب فاضل عن حاجة الاصیلة کدینه وحوائج عیاله وان لم یتم کما مرو به ای بهذا النصاب تحرم الصدقة وتجب الاضیحة وذکر فی الفتاوی له حوانیت ودور الغلة لکن غلتها لاتکفیه ولعیاله انه فقیر ویحل له اخذ صدقة عند محمد وعند ابی یوسف لایحل) ([2]).

زکاتی که برشرکت تجارتی لازم می شود اما اگر یکی ازشرکا آنرا ندهد چه حکم دارد: سوال: (٦٣) تقریباً هفت سال می شود که زید وبکر تجارت را دریک دوکان شریکی آغازکرده اند هنگام شرکت میان زید وبکر معاهده شده بود که هر یک زکات را از سهم خود به صورت جداگانه بپردازد وبر این معاهده چهار سال عمل صورت گرفت در یک سال حدود هزار روپیه به نام زکات صرف گردید وبه اساس معاهده سهم زید درآن مبلغ دوصد پنجاه روپیه

= ط. س. ج٢ ص.......). ظفیر

(١) وافتراضها عمری ای علی التراخی (درمختار) قال فی البدائع وعلیه عامة المشائخ ففی ای وقت ادی یکون مودیا للواجب (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج٢ ص ١٦ ، ط. س. ج٢ ص ٢٧١). ظفیر

(٢) ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٨٨ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٨. ظفیر

وسهم بکر درآن مبلغ ٧٥٠ روپیه بود اما زید از دادن زکات سهم خود انکار وزید در این مورد چه حکم وجود دارد؟

جواب: دراینصورت هر قدر پولی که به حساب سهم زید زکات داده شده باشد بر ذمه خودش بوده واز پول او وضع گردیده ورقمی که بر ذمه بکر است به حساب خودش محاسبه میگردد وانکار زید اعتبار ندارد در الدر المختار آمده (و ان تعدد النصاب تجب اجماعاً ویتراجعان بالحصص (الدرالمختار) قوله ان تعدد النصاب ای بحیث یبلغ قبل الضم مال کل واحد بانفراده نصاباً فانه یجب حینئذ علی کل منها نصاب زکاته) شامی (١).

برشخص که دروضعیت ذیل باشد زکات است یانه: **سوال**: (٦٤) زید مقروض بوده وعاید هر سالش مخارج او را کفایت نمی کند اکثراً جایداد خود رافروخته مخارج خود را تامین می نماید عیال او زیاد بوده وبر تعلیم ایشان پول زیادی به مصرف می رسد ونزدش بر علاوه لوازم خانه مقداری طلا ونقره ظروف صندوق تکه باب وغیره موجود می باشد آیا بر زید صدقه فطر قربانی فاتحه محرم حج فاتحه شب برات ومساعدت با فقرا واجب است یا نه؟

جواب: اگر زیور ونقد آنقدر باشد که بعد از ادای قرض به قدر نصاب باقی بماند زکات برهمان مقداری که باقی مانده واجب است (٢) وصدقه فطر واضحیه بر او واجب بوده واگر به قدر مخارج حج نقد وزیورات باقی بماند حج بر او واجب بوده اما فاتحه محرم وفاتحه شب برات بر هیچ کسی واجب نبوده بلکه جائز نمی باشد وامداد با فقرا وخویشاوندان در صورتی است که از مخارج اهل وعیالش بیشتر داشته باشد.

قرض را مجزی نموده واز بقیه زکات را بدهد: **سوال**: (٦٥) نزد هنده دوصد پنجاه روپیه نقره ای وهفتاد وسه روپیه طلایی وجود دارد که قیمت آن در بازار مبلغ یک هزار هفتصد وهشتاد ونه روپیه می شود همچنان از جایداد شوهر متوفایش ماهانه مبلغ صد روپیه برایش می رسد که از بابت آن هشتصد روپیه بقایا بوده ومبلغ ٣٥٧ روپیه قرضه بوده هنده مذکور به

---

(١) ردالمحتار للشامی کتاب الزکوٰة باب زکوٰة المال ص ٤٧ ج٢

(٢) فلازکوٰة علی مکاتب الخ ومدیون للعبد بقدر دینه فیزکی الزائد ان بلغ نصابا (الدر المحتار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج٢ ص٩ ط. س. ج٢ ص٢٦٤). ظفیر

شراکت زید یک هزار ودوصد یا یک هزار وسه صد روپیه می باشد اما فروشنده از پول انکار نموده وبدست آمدن درشک است هنده به زید گفته که اگر پول حصول شد من ذمه دار ادای آن می باشد آیا اکنون تمام پول بر ذمه هنده می باشد وزکات همه مجری می شود ویا از نصف آن؟

جواب: در اینصورت قرضی که بر ذمه هنده می باشد آنرا مجری نموده وزکات باقی مانده بر ذمه او واجب می باشد ودر این وقت از قرضه متازعه می باشد همان نصف که ذمه هنده است مجری می شود (۱).

مالی راکه به ملکیت پدرخود بدهد زکات آن برچه کسی است: سوال: (۶۶) زید مالی را که خود بدست آورده به پدر خود داده وپدرش در آن اختیار تام دارد زکات آن بر چه کسی است ومال دیگری را پدر وپسر مشترکاً بدست اورده اما درقبضه پدر بوده واو درآن متصرف می باشد زکات این مال بر چه کسی لازم است؟

جواب: کسیکه مالک است زکات بر ذمه او می باشد (۲) اما به صورت دیگر چون پدر در مورد تمام تصرفات وانتظامات آن اختیار دارد پس ادای زکات نیز بر ذمه او می باشد.

آیا بر پولی که درماه دوازد هم با آن خانه خریده شود زکات است: سوال: (۶۷) شخصی هزار روپیه دارد که از حاجات ضروریه او بیشتر می باشد وچون یازده ماه بر ان گذشت غرض نجات از زکات توسط آن منازل ویا اموال را خریداری نمود آیا بر پول مذکور زکات است یانه؟

جواب: چون سال مکمل بر آن نگذشته واو توسط آن خانه ویا لوازمی که بر آن زکات نیست خریده پس زکات از پول مذکور ساقط است. (۳)

---

(۱) ومنها الفراغ عن الدين قال اصحابنا كل دين له مطالب من جهة العباد يمنع وجوب الزكوٰة سواء كان الدين للعباد كالقرض وثمن المبيع الخ وسواء كان الدين من النقود (عالمگیری مصری کتاب الزكوٰة ج۱ ص ۱۶۲ ، ماجدیه ج۱ ص ۱۷۲) ومديون العبد بقدر دينه فيزكي الزائدان بلغ نصابا (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۹ . ط. س. ج۲ ص ۲۶۳). ظفير

(۲) الزكوٰة واجبة على حر مسلم عاقل بالغ اذاملک نصابا ملكا تاما (هدایه کتاب الزكوٰة ج۱ ص ۱۶۵). ظفير

۳) ولابد من الحول لانه لابد من مدة يتحقق فيها النماء وقدر الشرع بالحول لقوله ﷺ لا زكوٰة في مال حتى يحول عليه الحول (هدايه كتاب الزكوٰة ج۱ ص ۱۶۸) . ظفير

اگر دو برادر ودو خواهر صد ر پیه داشته باشند زکات بر آن واجب است یانه: سوال: (٦٨) شخصی صد روپیه دارد که از حاجات اولیه او زیاده می باشد اما ایشان دو برادر ودو خواهر نیز دارد اما ایشان در مورد پول مذکور چیزی نمی گویند وانکار نیز نمی نمایند پس بر آن شخص درپول مذکور زکات واجب است یانه؟

جواب: اگر صد روپیه تنها ملکیت خودش باشد زکات بر آن واجب است اما اگر ترکه پدری بوده ودو برادر ودو خواهر او درآن شریک اند بدین ترتیب سهم هیچ یک از آنها به قدر نصاب بوده لذا بر هیچ کدام از ایشان زکات واجب نیست وسهم هر برادر آن ٣ ١\٣ (٣٣ روپیه) وسهم هر دو خواهر برابر یک برادر می باشد ودر اینکه ایشان سهم خود را نگرفته اند حق ایسان ساقط نمی گردد (١).

بیشتر ازمقدار زکات دادن چه حکم دارد: سوال: (٦٩) اگر زکات سه چهار روپیه بوده وار یکی دو روپیه زیاده بدهد آیا زکاتش باطل می شود؟

جواب: در اینصورت ثواب بیشتر حاصل می کند هم زکات می شود وهم ثواب یک روپیه ای را که بیشتر داده حاصل می نماید.

شخصی که یک هزارو دوصد روپیه دارد اما یک هزار یکصد روپیه قرضدار می باشد چه قدر زکات بدهد: سوال: (٧٠) نزد زید یک هزار ودو صد روپیه می باشد اما یک هزار ویکصد روپیه قرضدار است اگر پدرش بکر زکات را ازطرف او کند زکات صدروپیه را بدهد یا از یک هزار ویکصد روپیه را؟

جواب: در اینصورت صرف زکات صد روپیه واجب می شود ویک هزار ویکصد روپیه بدلیل قرض مستثنی می شود (٢).

وکیل نمی تواند درزکات تصرف کند: سوال: (٧١) آیا وکیل می تواند که مال زکات را به تصرف خود در اورده وبه جای آن از طرف خود زکات را کند یا نه؟

---

(١) لیس فیمادون مائتی درهم صدقة الخ (هدایه باب زکوٰة المال ج١ ص ١٧٦). ظفیر

(٢) ومن کان علیه دین یحیط بماله فلازکوٰة علیه الخ وان کان اکثرمن دینه زکی الفاضل اذابلغ نصاب بالفراغة عن الحاجة والمراد به دین له مطالب من جهة العباد الخ (هدایه کتاب الزکوٰة ج١ ص ١٦٨). ظفیر

جواب: برای وکیل چنین تصرفی جائز نمی باشد وپولی که به حساب زکات نزد او می آید باید آنرا برای فقرا بدهد (۱).

ایا برای زکات ماه معینی وجود دارد: **سوال**: (۷۲) برای ادای زکات کدام ماه معین است؟

جواب: برای ادای زکات شرعاً کدام ماه ویا روز معین نیست البته فضلیت بعضی از ماه ها وروزها در آن دخیل است، یعنی ماهی که به نفس خود متبرک می باشد مانند رمضان المبارک که ادای صدقات وغیره در آن افضل می باشد اما ضرور آن است که در ماهی که ادای زکات واجب است درهمان ماه زکات را کند وسپس همان ماه را تعیین نماید درکتاب شرعة الاسلام آمده: (یعین صاحب المال لزکوته شهراً لایجاوز لما فیه من التاخیر ومن اخر الزکوة بعد وجوبها علیه من غیر عذر یاثم) (۲).

اگرشخصی که ازمال مالک نفع میگیرد زکات را کند چه حکم دارد: **سوال**: (۷۳) شخصی مالک نصاب بوده واز ملکیت او دیگران نفع میگرند اگر زکات مالک نصاب را مردم دیگری که از آن نفع میگیرند همه یکجا بکشند در اینصورت از طرف مالک نصاب فریضه زکات می شود یانه؟

جواب: در اینصورت زکات برذمه مالک نصاب واجب است اما اگر به اساس امر واجازه او از طرف او مردمی که از آن نفع میگیرند زکات را نمایند زکات می شود چنانچه درشامی آمده: (وکذا لو امر غیره بالدفع عنه جاز) (۳).

برغله ای که بعد ازخرج یکسال باقی بماند زکات است یانه: **سوال**: (۷٤) بر غله ای که بعد از خرج یکسال مکمل باقی بماند زکات واجب است یانه؟

جواب: برغله ای که برای خوراک تمام سال خریده شده وبعد از پایان سال باقی مانده زکات واجب نیست (٤).

---

(۱) ولوخلط زکوة موکلیه ضمن (ایضا ج۲ ص ٤۱) . ظفیر

(۲) شرح شرعة الاسلام فصل فی سنن الزکوة والصدقة ص ۱۵۸). ظفیر

(۳) ردالمحتار للشامی کتاب الزکوة ج۲ ص۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۹. ظفیر

(٤) ومنها فراغ المال عن حاجة الاصلیة فلیس فی دور السکنی وثیاب البدن واثاث المنزل الخ وکذاطعام اهله (عالمگیری، کتاب الزکوة =

آیا در زمین وباغ مانند زیورات زکات است واگر قرضدار باشد چه کند: سوال: (۷۵) پیدوار اراضی صحرایی زید سالانه ده من غله بوده که در آن اقسام مختلف غله شامل می باشد وعاید سالانه میوه جات باغ او سالانه بیست روپیه بوده ومنزل مسکونی او پخته می باشد برعلاوه زید مامور دولت است ماهوار هفده روپیه معاش دارد همچنان یک راس اسپ قیمتی که صد روپیه قیمت دارد نیز درملکیت او می باشد او عیالدار بوده وسیصد روپیه به حساب سود قرض گرفته و ۱۵۰ روپیه بدون سود قرضدار می باشد وبخشی از اراضی صحرائی او دربدل چهار صد وپنجاه روپیه گرو می باشد ونزد زن او صد روپیه نقره وسید روپیه طلائی وجود دارد بر مال زید زکات فرض است یانه؟

جواب: اگر زیوراتی که نزد زن زید است ملکیت خود زید بوده اما بیشتر از آن قرض دار باشد به شکلی که سوال شده بر زید زکات فرض نیست ([1]).

بر اراضی زراعتی زکات است یانه: سوال (۷٦) اگر شخصی دارای اراضی زراعتی بوده وقرضدار نیز بوده اما قیمت اراضی زراعتی او بیشتر از قرض بوده ومقداری زیورات نیز داشته اما قیمت زیورات از مقدار قرض بسیار کم باشد آیا بر زیورات مذکور زکات واجب است؟

جواب: زکات درآن لازم نیست. ([2])

نصاب زکات به حساب پول انگریزی حه قدر است: سوال: (۷۷) مقدار صحیح نصاب به حساب پول انگریزی چند است؟

جواب: مقدار نصاب دوصد درهم بوده وهر روپیه تقریباً دو آنه م باشد ([3]).

زکات صد روپیه چند است: سوال: (۷۸) از صد روپیه به چه اندازه زکات کشیده شود؟

ج۱ ص ۱٦۱ ، ماجدیه ج۲ ص ۱۷۲) ظفیر

(۱) فلا زکوٰة علی مکاتب الخ ومدیون للعبد بقدر دینه فیزکی الزائد ان بلغ نصابا (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص۸ ، ط. س. ج۲ ص۲٦۳). ظفیر

(۲) ولا فی ثیاب البدن الخ ودور السکنی ونحوها (درمختار) قوله ونحوها کثیاب البدن غیر المحتاج الیها وکالحوانیت والعقارات (ردالمحتار للشامی کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٤ و۲٦۵) . ظفیر

(۳) چون قیمت نقره متغیر است لذا نصاب هر وقت فرق مرکند اما اینقدر باید به یاد داشت که وزن دوصد درهم برابر ۱\۲ ۵۲ توله می باشد. ظفیر الدین

مشهور هشت فیصدی می باشد آیا صحیح است؟

جواب: حساب هشت فیصدی صحیح است زیرا دادن ۱\۴۰ حصه در زکات واجب می باشد. (۱) فقط

زیوراتی که به عروس داده می شود زکات آن بر چه کسی است: سوال: (۷۹) عده ای از اقوام دختران نابالغ خود را به نکاح می دهند دراین حالت زکات زیوراتی که پدر داماد به عروس می دهد بر چه کسی است؟

جواب: زیوراتی که پدر داماد می دهد درعرف ملکیت عروس نمی باشد لذا زکات آن برذمه پدر داماد است اما درجایی که عرف عروس رامالک زیورات مذکور بداند زکات نیز بر خود عروس میباشد.

درصورت ذیل باید چه مقدار زکات داده شود: سوال: (۸۰) در آغاز سال زید ۱۶۰۰ روپیه به تفصیل ذیل داشت سیصد روپیه منازلی که آباد کرده وخریده هشتصد روپیه بر مردم قرض دارد وپنصجد روپیه نزد او موجود می باشد اما چهار صد روپیه قرضدار نیز است در اینصورت باید به چه اندازه زکات بدهد؟

جواب: بر منازلی که آباد نموده وخریده زکات نیست بر پنجصد روپیه که موجود است زکات لازم می باشد امام باید چهار صد روپیه قرض را از آن وضع کند پس در اینصورت باید فقط زکات صد روپیه را بدهد (۲) البته در هشتصد روپیه ای که بر ذمه مردم است نیز زکات واجب میباشد اما وقت ادای آن بعد از حصول قرض است اما اگر اکنون آنرا بپردازد نیز درست می باشد.

درزکات ماه اعتبار دارد یاتاریخ: سوال: (۸۱) برای حساب زکات کدام تاریخی مبین اعتبار دارد یا ماه زیرا که این دوصورت موجب تفاوت بسیار میگردد شرعاً دراین مورد چه حکم است؟

جواب: درحساب به زکات تاریخ اعتبار دارد درهمان تاریخی که سال تکمیل شود زکات واجب

---

(۱) لیس فیما دون مائتی درهم صدقة الخ فاذا کانت مائتین وحال علیها الحول فیها خمسة دراهم (هدایه باب زکوٰة المال ج۱ ص ۱۷۶). ظفیر الدین غفر له

(۲) ومن علیه دین یحیط بماله فلازکوٰة علیه الخ وان کثر من دینه زکّی الفاضل اذابلغ نصاب (کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱۶۸). ظفیر

می گردد وهر وقتی که زکات را کند همان تاریخ وجوب اعتبار دارد درسال آینده درهمان تا ریخی زکات واجب می شود که سال گذشته واجب شده بود ([۱]).

بر مال نابالغ که درشرکت باشد زکات است یانه: **سوال:** (۸۲) مستقیم وعبدالحلیم دو برادر بودند عبد الحلیم وفات نمود وپسر نابالغی از اومانده ومستقیم بطور ولی وسرپرست بر مال آن کودک نیز قابض می باشد مستقیم زکات سهم خود را میدهد پس آیا زکات سهم عبدالحلیم متوفی را هم باید بدهد یانه؟

جواب: بعد از وفات عبدالحلیم حصه او به پسر نابالغ رسیده ودر مال نابالغ زکات واجب نیست پس مستقیم از حصه آن پسران زکات ندهد بلکه فقط زکات حصه خود را بپردازد ([۲]).

بر امانت اطفال نابالغ که نزد والدین باشد زکات است یانه: **سوال:** (۸۳) درحصه اطفال نا بالغ که بطور امانت نزد پدر ومادر باشد زکات است یانه؟

جواب: زکات درآن لازم نمی باشد طوریکه در الدر المختار آمده (وشرط افتراضها عقل وبلوغ فلا تجب علی مجنون والصبی) شامی

آیا در پیداواری که برای خوردن کافی نباشد زکات است: **سوال:** (۸٤) بسا اوقات مقدار حاصلات آنقدر می باشد که برابر قیمت خرج شده نیز نمی گردد در اینصورت زکات را باید چطور نمود؟

جواب: حاصلات هر قدر که باشد باید ۱۱۰\ حصه آن کشیده شود چه کم باشد وچه زیاد مثلاً اگر مقدار حاصلات صد من باشد بایده من آنرا بدهد واگر ده من باشد باشد یک من آنرا بپردازد ([۳]) ومخارج را حساب نکند.

آیا برپولی که امیدحصول آن نباشد زکات است: سوال (۸۵) زید تجارت می نماید وقرض

---

(۱) عن ابن عمر قال رسول الله ﷺ من استفاد مالا فلازکوة فیه حتی یحول علیه الحول (رواه الترمذی. مشکوٰة ص ۱۰۷) وسببه ملک نصاب حولی لحولانه علیه (درمختار) ای الحول القمری لا الشمسی (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ٥ ، ط. س. ج۲ ص ۲٥۹). ظفیر

(۲) وشرط افتراضها عقل بلوغ اسلام وحریة (درمختار) قوله بلوغ قال فی البحر وخرج المجنون والصبی فلا زکوٰة فی مالهما کمالا صلاة علیهما للحدیث المعروف (رفع القلم عن ثلاث). (طحطاوی ج۱ ص ۳۸۹). ظفیر

(۳) البحر کتاب الزکوٰة ج۲ ص ٤ ، ط س ج۲ ص ۲٥۸ ظفیر قال ابوحنیفة رحمه الله فی قلیل ما اخرجته الارض وکثیره العشر سواء سقی سیحا او سقته السماء الا القصب والحطب والحشیش (هدایه ج۱ ص ۱۸۳). ظفیر

او بر ذمه مردم باقی می باشد عده ای از قرضداران او فرار نموده وعده ای آنقدر فقیر اند که امید حصول قرض از ایشان نیست اکنون زید زکات آن پول ها را کند یانه؟

جواب: ادای زکات پول قرض بعد از حصول واجب می باشد پس پولی که حصول نشده ادای زکات آن لازم نیست (وکان الدین علی مقر ملی او علی معسر او مفلس ای محکوم بافلاسه او علي جاحد علیه بنية وعن محمد لازكوة وهو الصحيح لان البينة قد لاتقبل او علم به قاض فوصل الی ملکه لزم زکات مامضی (الدر المختارص ۱۲ ج ۲).

زکات پولی که درجریان سال زیاد شود چطور گردد: سوال: (۸٦) در ابتداء سال مثلاً نزد زید یک هزار روپیه بود ودوجریان سال کم وپیش می گردید ودر پایان سال ده هزار روپیه شد دادن زکات چه مقدار پولی واجب می باشد؟

جواب: آخر سال اعتبار دارد در اینصورت زکات ده هزار روپیه واجب میگردد (۱).

زیورات خانه به تمام اعضای خانواده تقسیم شده نصاب میگردد یا مجموعه آن: سوال: (۸۷) در اینجا رواج چنان است که زن وشوهر وفرزندان بالغ ونابالغ ایشان همه یکجا زندگی می کنند وکار وبار منزل را انجام میدهند وتمام ضروریات را از عاید خویش ادا می نمایند تا جایی که چیزی را که والدین به زن میدهند آنرا نیز از شوهر وفرزندان خود علیحده نمی دارد مثلاً سه نفر به این شکل زندگی میکنند شوهر زن وپسر ایشان پس اگر درپایان سال از عایدات ایشان ۵۲ روپیه زیور ویا نقد موجود باشد مالک آن فقط شوهر است یا زن وپسرش نیز درآن سهیم شمرده می شود یا در زندگی پدر ومادر فرزند ایشان نظر به شریعت سهم ندارد؟ عده ای از اشخاص چنان اند که اگر فقط شوهر مالک شمرده شود صاحب نصاب است واگر زن وپسرش نیز درآن سهیم شمرده شوند به حد زکات نمی رسد.

جواب: تمام آن اموال ملکیت شوهر است به استثنای مالی که پدر ومادر زن برایش داده اند واکنون با مال خانه شوهرش خلط می باشد که مالک آن زن است پس اگر ملکیت شوهر به حد

---

(۱) والمستفاد ولو بهبة وارث وسط الحول يضم الى نصاب من جنسه فيزكيه بحول الاصل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زكوة الغنم ج ۲ ص ۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۸). ظفیر

نصاب برسد بعد از گذشت یکسال زکات درآن لازم میگردد (والله تعالی اعلم)

زکات سامان آلات تجارتی: **سوال**: (۸۸) سامان آلات تجارتی مثلاً کشتی ها گاو کراچی ها وشتر کراچی ها که برای حمل ونقل اموال تجارتی وبرای انتقال اموال عروض تجارتی شامل می باشد یا درآلات محترفه؟

جواب: این اشیاء درآلات محترفه شامل بوده ودرآنها زکات نیست (وکذلک آلات المحترفین ای لازکوٰة فیها) ([1]).

پولی که به اشتباه به فقیر داده شود پس از نیت در زکات حساب می شود یانه: **سوال**: (۸۹) زید مبلغ یکصد هفت روپیه را به عمرو فرستاد وهمراه با آن خطی ارسال کرد که درآن نوشته بود که صد روپیه از تو بوده وهفت روپیه را به پسران خالد بپرداز زید در خواندن خط اشتباه نمود لذا صد روپیه را به پسران خالد که غنی نمی باشند پرداخت وعمرو لازم ندید که پول را دوباره از پسران خالد بگیرد آیا پول مذکور در زکات مجری می شود یانه؟

جواب: اگر پول مذکور نزد ایشان موجود باشد پس از نیت در زکات حساب می شود ودر غیر آن نه طوریکه در (الدر المختار) آمده (کما لو دفع بلانیة ثم نوی والمال قائم فی ید الفقیر) ([2]).

نصاب زکات: **سوال**: (۹۰) نصاب زکات چند است مفصلاً تحریر فرمائید؟

جواب: نصاب نقره ۱\۲ ۵۲ توله می باشد زیرا در شریعت در مورد دراهم وزن سبعه اعتبار دارد وتصریح آن در کتب فقه موجود است ووزن سبعه آن است که ده درهم برابر هفت مثقال است وبه این حساب دوصد درهم برابر به ۱٤۰ مثقال می شود (مثقال به وزن معروف چهار ماشه می باشد چنانچه تصریح آن درکتب متعدد موجود است وعلمای کبار آنرا اختیار کرده اند پس دوصد درهم مساوی می شود ٦۳۰ ماشه که چون بر ۱۲ تقسیم شود حاصل تقسیم ۱\۲ ۵۲ توله می شود پس نصاب زکات همین است. ([3])

حکم زکوٰة منزل: **سوال**: (۹۱) شخصی منازل زیادی دارد که آنها را به کرایه میدهد زکات بر

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۵. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۸. ظفیر

(۳) برای تفصیل بیشتر ص ۳۸ ج۲ ردالمحتار ملاحظه شود.

آن است یانه؟ همچنان گاو کراچی های کرایی دارد در آنها زکات است یانه؟ ومفهوم این عبارت چیست: (او یواجر داره التی للتجا رة بعرض من العروض)؟

جواب: عبارت (او یواجر داره التی للتجارة بعرض (۱) من العروض) خانه ای که قید تجارت با آن باشد همین قید اعتبار دارد پس خانه ای که غرض تجارت آباد گردیده یا خریده شده در پولی که از کرایه آن بدست می آید زکات لازم می باشد وبرقیمت آن خانه نیز زکات واجب است واگر منازل برای سکونت اعمار گردیده ویاخریده شده باشند وبه کرایه داده شده باشند درقیمت منازل مذکور زکات لازم نبوده ودرکرایه آنها به شروطی که دوفقه مذکور است زکات لازم می باشد وحکم گاو کراچی نیز چنین است وآنچه را علامه شامی درشرح این قول نقل میکند آنرا ملاحظ نمائید که قول جامع را تصحیح نموده ونزد علامه موصوف همین ترجیح معلوم می شود وتفصیل ورروایت جامع همین است که در فوق به نظر آمد (۲).

<u>زکات مطابق نرخ خریداری داده شود یامطابق نرخ فروش</u>: سوال: (۹۲) الف: شخصی مقداری کتاب را به نرخ تاجرانه خرید یا در مطبعه خرد چاپ نمود که هزار روپیه برایش تمام شد اما ارزش آن در بازار دوهزار روپیه می باشد دراین مورد سوالاتی وجود دارد.

<u>مقصد از بازار چیست بازار محل یاچیزی دیگر</u>: سوال: (۹۳) ب: تمام شد مال یک هزار روپیه می باشد اما در بازار دوهزار روپیه ارزش دارد مقصود از بازار چیست؟ ایا بازار محل یا بازار شهر وقیصه؟

<u>درعطر زکات است یانه</u>: سوال: (۹٤) ج: درعطر وروغنی که به غرض تجارت ساخته می شوند زکات واجب است یانه واگر واجب باشد بکدام حساب است؟

<u>زکات عطر وروغن به حساب تمام شد داده شود یابه حساب ارسال</u>: سوال: (۹۵) در عطر

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۱۳ ، ط. س ج۲ ص ۲٦۷. ظفیر

(۲) قوله او یواجر داره التی الخ قال فی البحر لکن ذکر فی البدائع الاختلاف فی بدل منافع عین معدة للتجارة. ففي كتاب زكاة الاصل أنه للتجارة بلا نية. وفي الجامع مايدل على التوقف على النية. وصحح مشايخ بلخ رواية الجامع، لان العين وإن كانت للتجارة لكن قد يقصد ببدل منافعها المنفعة، فتؤجر الدابة لينفق عليها والدار للعمارة فلا تصير للتجارة مع التردد إلا بالنية اهـ. وقيد بقوله: التي للتجارة إذ لو كانت للسكنى مثلا لا يصير بدلها للتجارة بدون النية. فإذا نوى يصح ويكون من قسم الصريح. (ردالمحتار ج۲ ص۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۷). ظفیر

وروغن اکثراً به ذریعه پارسل به فروش رسیده وبسیار کم به حساب قنوج نیز فروخته می شود پس زکات چنین مالی در پایان سال به حساب تمام شد داده شود یا به حسابی که برون گردیده است؟

ودر پایان سال تمام عطر وروغن موجود وغیره وزن شده وبه حساب تمام شد محاسبه گردیده وزکات آن داده شود مثلاً یک توله عطر به قیمت شش آنه تمام شده ونرخ فروش آن هشت آنه می باشد پس زکات به حساب تمام شد یعنی شش آنه داده شود یا به حسابی که فروش می شود که هشت آنه می باشد؟

جواب: الف: مقصد ازآن محل می باشد (والله اعلم)

ب: هنگامیکه قیمت عطر وروغن مذکور به قدر نصاب باشد زکات درآن واجب است.

ج: زکات آن به قیمت بازار داده شود وهدف از بازار همان بازاری است که مال درآن موجود می باشد طوریکه الدر المختار آمده: (ویقوم فی البلاد الذی المال فیه) ص ۳۰ ج ۲.

د: به همان قیمتی که فروش می شود زکات آن داده شود واگر در پرداختن پول نقد نقصان به نظر آید طریقه آسان همان است که در (القاسم) آمده وآن اینکه ۱\۴۰ حصه خود عطر وروغن کشیده شود وپس از آن چه آنرا بفروشد وقیمت آنرا به فقرا بدهد ویا خود جنس را بر ایشان تقسیم نماید درست است. (والله اعلم)

برقرض زکات است یانه: **سوال**: (۹۶) شخصی که یک هزار روپیه قرض داده وماهوار سه صد روپیه آنرا به شکل قسط دوباره بدست می آورد پس بر پول که قرض می باشد زکات است یانه؟

جواب: هر قدری که حصول می شود دادن زکات تمام سال های آن لازم می باشد یعنی بعد از حصول زکات ایام گذشته را نیز بدهد چنانچه در الدر المختار آمده (واعلم ان الدیون عند الامام ثلاثة قوی ومتوسط وضعیف فتجب زکاتها اذا تم نصاباً وحال الحول لکن لافور بل عند قبض اربعین درهماً من الدین القوی کقرض وبدل مال تجارة) ص ۴۸ ج ۲.

حولان حول: **سوال**: (۹۷) حولان حول برای وجوب زکات از کدام وقت معتبر است؟

جواب: حولان حول پس از تمام شدن نصاب معتبر می باشد چنانچه درشامی آمده (حولان الحول علی النصاب شرط لکونه سبباً) ص ٤١ ج ٢.

بر مهر زکات است یانه: سوال: (۹۸) بر مهرو تاپه که درآن طلا ونقره باشد زکات واجب است یانه؟

جواب: بر مهر وتاپه که درآن طلا ونقره باشد زکات واجب است (واللازم فی مضروب کل منهما ومعموله (الدر المختار) قال الشارح قوله ومعموله ای مایعمل من نحو حلیة سیف اومنطقة اولجام او سرج او الکواکب فی المصاحف والاوانی وغیرها اذا کانت تخلص بالاذابة) شامی ص ٤١ ج ٢. فقط

فصل دوم

ادای زکات

اگر به عوض روپیه هشت آنه ای ویا چهار آنه ای بدهد زکات می شود: سوال: (۹۹) برذمه شخصی پنج روپیه زکات واجب می باشد اگر به جای آن مثلاً ده هشت آنه ای یابیست چهار آنه ای بدهد زکات می شود یانه؟

جواب: دراین صورت زکات می شود ([1]).

درمورد نوت حکم وجوب وادای زکات چیست: سوال: (۱۰۰) درمورد نوت حکم وجوب زکات چگونه می باشد؟

جواب: هنگامی که نوت به قدر نصاب باشد زکات درآن واجب است واگر نوت را در زکات بدهد وقتیکه شخص مذکور آنرا به روپیه تبدیل کند زکات می شود ([2]).

اگر پولی که برای زکـــات کشیده شده سرقت شود آیا دوباره زکات را بکشد: سوال:

---

(١) طوریکه با دادن روپیه زکات اداء می شود با دادن همان مندار هشت آنه ای وچهار آنه ای نیز زکات اداء می شود زیرا حکم سکه رائج الوقت می باشد.

(٢) در زمان ما اگر چه نوت قانوناً حواله یا وثیقه است اما عملاً ودرعرف عام حکم سکه وثمن خلقی را دارد وبه همین جهت از چندین سال روی روپیه را کسی ندیده است وتمام کار وبار ومعاملات توسط همین نوت ها صورت میگرد لذا به نظر من با دادن همین نوت ها زکات اداء می شود زیرا اگر کسی بخواهد که روپیه نوت را به روپیه تبدیل نماید نمی تواند آنرا بدست آرد. ظفیر.

(١٠١) شخصی زکات مال خود را کشید ودر جایی گذاشت واز آنجا دزدی آنرا سرقت نمود زکات شده است یانه؟

جواب: در اینصورت زکات اونشده دوباره زکات بدهد (١).

زکات قرضی که کم کم حصول می شود چطور داده شود: **سوال**: (١٠٢) زکات قرضی که وقتاً فوقتاً وکم کم حصول میگردد چطور داده شود اگر از جمله ٢٥٠ روپیه ٥٠ روپیه آن دوسال بعد حصول شود و٢٥ روپیه ان سه سال بعد زکات دوساله پنجاه روپیه وسه ساله ٢٥ روپیه داده شود وعلی هذا القیاس یا به ترتیب دیگری داده شود واگر مقروض بجای روپیه غله وغیره بدهد وآن اشیاء درخانه به مصرف رسد از قیمت ان به همان ترتیب زکات دو یاسه سال داده شود یا به شکل دیگری واگر دربدل قرض زمین داده شود زکات چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: هر وقت هر قدر قرضی که حصول شود زکات آن تاوقت مذکور همراه زکات سال های گذشته داده شود اگر به عوض قرض غله بدست آمد زکات سال های گذشته قرض که به عوض آن غله آمده داده شود (٢) ودر آینده بر غله خوردنی زکات نیست واگر در بدل قرض زمین بدست آید باز هم قرض حصول گردیده زکات سال های گذشته لازم شده است. (٣)

دادن تکه باب از خانه در بدل زکات چطور است: **سوال**: (١٠٣) اگر در زکات به جای روپیه از خانه خود غله یا تکه باب به نرخ بازار بدهد آیا زکات اداء می شود یانه واگر این اشیاء را از بازار خریده وبدهد چه حکم دارد؟

جواب: در هر دو صورت زکات می شود چه حساب نموده واز خانه خود غله لباس وغیره را (٤)

---

(١) ولا یخرج عن العهدة بل بالاداء للفقراء (درمختار) فلوضاعت لاتسقط عنه الزکوٰة ولومات کانت میراثا عنه (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج٢ ص ١٥ ، ط. س. ج٢ ص ٢٧٠)، ظفیر

(٢) اعلم الدیون عند الامام ثلاثة قوی متوسط وضعیف، فتجب زکاتها اذا تم نصاباً وحال الحول لکن لا فوراً بل عند قبض اربعین درهما من الدین القوی کقرض ومال تجارة فکلما قبض اربعین درهماً یلزمه درهم (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج٢ ص ٤٧ – ٤٨ ، ط. س. ج٢ ص ٣٠٥) ، ظفیر

(٣) لوکان الدین علی مقر الخ فوصل الی ملکه لزمه زکوٰة مامضی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج٢ ص ١٢ ، ط. س. ج٢ ص ٢٦٦)، ظفیر

(٤) وجاز دفع القیمة فی زکوٰة وعشر وخراج وفطرة ونذر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة الغنم ج٢ ص ٢٩ ، ط. س. ج٢ ص ٢٨٥)، ظفیر

داده ویا از بازار خریده وآنرا به فقرا بدهد.

با دادن زکات به مدرسه زکات می شود یانه: سوال: (١٠٤) وقتی به مدرسه دیوبند یا انجمن دیگر اسلامی پول زکات ارسال میگردد در قبضه هیچ مسکین مستحق قرار نمی گیرد بلکه در قبضه مهتمم داده می شود ومهتمم نیز مسکین نمی باشد در اینصورت زکات می شود یا نه؟

جواب: پول زکات چون به مدارس فرستاده می شود مهتمم مدرسد شکلی را در پیش میگیرد که در ادای زکات شخص زکات دهنده هیچ شبهی باقی نماند وآن اینکه اول پول مذکور را به ملکیت مسکینی می دهد که از جمله مصارف زکات است سپس شخص مذکور آنرا غرض مصارف مدرسه به مهتمم میدهد چون در زکات تملیک مسکین ضروری می باشد واین کار بدانجهت صورت میگیرد که هیچ شبهی باقی نماند برعلاوه طلبه مسکین از مصارف عمده زکات می باشند وصرف پول زکات در خوراکی وپوشاک ایشان بدون هیچ تردیدی درست است ودر مدارس پول زکات بر طلبة مسکین صرف میگردد بهر حال شما هیچ ترددی را به خود راه ندهید بدون تکلف با پول زکات با طالبان مدارس امداد فرمائید زیرا اجر آن مضاعف است.

درعاید حرام زکات است یانه: سوال: (١٠٥) زید یا هنده از عاید نا جائز مالی بدست آورده اما اکنون از حرفه خود تائب گشته واز مال خود زکات صدقات وخیرات را میدهد اما حتی یک پول او هم از عاید حلال نمی باشد آیا زکات وصدقات او جائز خواهد بود؟

جواب: درمورد وجوب وعدم وجوب زکات درمال حرام تفصیل وجود دارد وآن اینکه نزد او مال حلالی باشد وحرام را با آن مخلوط کند نزد امام صاحب زکات بر آن لازم است واگر مال حلال او بقدر نصاب نباشد زکات در آن لازم نبوده وتمام مال واجب التصدق می باشد یعنی هنگامیکه باز گرداندن مال مذکور به مالکان یا وراثان آنها نا ممکن باشد چنانچه در (الدر المختار) آمده (ولو خلط السلطان المال المغصوب بمال ملكه فتجب الزكوة فيه ويورث عنه وهذا اذا كان له مال غير ما استهلكه بالخلط منفصلٍ عنه يوفى دينه والا فلا زكوة كما لوكان الكل خبيثاً) ودر شامی از قنیه چنین نقل گردیده (لوكان الخبيث نصاباً لايلزمه الزكوة فيه لان الكل

واجب التصدق علیه فلا یفید ایجاب التصدق ببعضه) ([١]) وساختن مسجد از مال حرام درست نیست اما در صورتیکه مالکان آن یا ورثه ایشان پیدا نشوند تصدق آن بر طلبه مدرسه درست می باشد. فقط

<u>با دادن نوت زکات می شود یانه</u>؟ سوال: (١٠٦) چون نوت مال نیست لذا شبه پیدا می شود که نزد کسی که تنها نوت است زکات بر او واجب نمی باشد واگر نوت را در زکات بدهد زکات نمی شود واگر روپیه زکات را به نظام بانکی ار سال نماید وبه مرسل الیه نوت داده شود زکات نمی گردد.

جواب: بدان جهت واجب می باشد که روپیه نوت های مذکور درخزانه دولت موجود می باشد مانند آنکه روپیه کسی درخزانه باشد زکات واجب است ([٢]) واگر نوت در زکات داده شود وقتیکه آنرا به روپیه تبدیل کند وآنرا در قبضه خود بگیرد زکات می شود همچنان روپیه زکات که به نظام بانکی ارسال می گردد وبه مرسل الیه نوت داده می شود وقتی که نوت مذکور را به روپیه تبدیل کند زکات میگردد خلاصه آنکه نوت وثیقه روپیه می باشد ([٣]) (در شرایط موجوده باید نوت به عوض روپیه قبول شود زیرا اکنون رواج روپیه باقی نمانده وگذاشتن شرط تبدیل آن به است. ظفیر)

<u>اگر پول زکات کشیده شده ومقداري از آن تقسیم شده ومقداري سرقت گردد چه حکم دارد</u>: سوال: (١٠٧) شخصی پس از نیت زکات را اخراج کرد وبه تقسیم ان شروع نمود ومقداری روپیه را تقسیم کرد ومقداری سرقت گردید زکات اوشده است یانه؟

جواب: هر قدر روپیه ای که سرقت گردیده باید به همان مقدار دوباره بدهد ([٤]).

---

(١) ردالمحتار ج٢ ص ٣٣ – ٣٤ ، ط. س. ج٢ ص ٢٩١. ظفير

(٢) وكذا الو ديعة عند غير مصارفه (درمختار) فلوعند مصارفه تجب الزكوٰة (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٢ ، ط. س. ج٢ ص ٢٦٦). ظفير

(٣) ويشترط ان يكون الصرف تمليكا لا اباحة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ١٥ ، ط. س. ج٢ ص ٢٤٤). ظفير الدين غفر له

(٤) ومفارقته بعزل ما وجب كله اوبعضه ولا يخرج عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (الدرالمختار) فلوضاعت لا تسقط عنه الزكوٰة (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص١٥ ، ط. س. ج٢ ص ٢٦٩). ظفير الصديقي

برمال غصب ورشوت زکات است یانه: سوال: (١٠٨) درمال غصب ورشوت زکات است یانه؟

جواب: در صورتیکه مالک ها ویا ورثه آن معلوم نشوند تمام آن مال باید خیرات داده شود (١) زکات درآن نیست.

برکتب حدیث زکات است یانه: سوال: (١٠٩) برکتب حدیث که قیمت آن یک هزار وپنجصد روپیه باشد زکات واجب است یانه؟

جواب: بر کتاب هایی که برای تجارت نبوده وبرای مطالعه وخواندن باشند زکات نیست (٢).

مبلغ زکات به شکل را جستر ارسال گردد اما نرسد چه باید کرد: سوال: (١١٠) مبلغ ده روپیه زکات برای امداد مظلومان به شکل راجستر ارسال گردد وچون پس از مدتی سند حصول نیامد بطور یاد دهانی مکتوبی فرستاد در مقابل مکتوبش جواب آمدکه من به یاد ندارم که نوتی از تو به شکل رجستر رسیده باشد شخصی که جواب مکتوب را نوشته شخص بسیار با اعتبار است در اینصورت زکات گردیده یا دوباره آنرا اداء کند؟

جواب: دراینصورت وی باید ده روپیه زکات را دوباره بدهد. (٣)

اگر شخصی قرض بیوه ای را به این نیت بپردازد که آنرا در زکات حساب کند چه حکم دارد: سوال: (١١١) یک زن بیوه مستحق زکات است اگر شخصی قرض زن مذکور را به این نیت کند که در آینده آنرا از پول زکات وضع نماید جائز است یانه؟

جواب: با این نوع دادن قرض زکات نمی شود بلکه ادای قرض به این ترتیب می تواند صورت گیرد که که هر قدر روپیه ای را که می خواهد بدهد آنرا به بیوه مذکور داده وملکیت او سازد

---

(١) والا فلا زکوٰة کما لوکان الکل خبیثا کمافی النهر (درمختار) فی القنیة لوکان الخبیث نصابا لایلزمه الزکاة لان الکل واجب التصدق علیه فلا یفید ایجاب التصدق ببعضه آهـ ومثله فی البزازیة (ردالمحتار باب زکاة الغنم ج٢ ص ٣٤ ، ط. س. ج٢ ص ٢٩١). ظفیر

(٢) فلا زکوٰة علی مکاتب الخ ولا فی ثیاب البدن الخ وکذا الکتب وان لم تکن لاهلها اذا لم تنو للتجارة غیر ان الاهل له اخذ الزکوٰة وان ساوت نصابا الا ان تکون غیر فقه وحدیث وتفسیر الخ وفی الاشباه الفقیه لایکون غنیا بکتبه المحتاج الیها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج٢ ص ١٠ – ١١ ، ط. س. ج٢ ص ٢٦٣). ظفیر

(٣) وحیلة الجواز ان یعطی مدیونه الفقیر زکوٰة ثم یاخذ ما عن دینه (درمختار) قوله حیلة الجواز ای فیما اذا کان له دین علی معسر الخ (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج٢ ص ١٦ ، ط. س. ج٢ ص ٢٧١). ظفیر

وسپس از او گرفته ودر قرضش بدهد این ترتیب زکات وفرض هردو می گردد.

با دادن زکات به مدرسه آیا زکات می شود یانه: سوال: (١١٢) در غیر از مدارس اسلامی وبه غیر از درقبضه دادن طلبه وغیره کسی پول زکات را درخزانه بگذارد یا به خزانه دار بسپارد آیا زکات می شود یانه؟

جواب: زکات وقتی می شود که پول مذکور به شکلی برای طلبه برسد مثلاً به شکل لباس غذا ویا نقد ملکیت ایشان گردد ودر مدارس اکثراً چنین می شود که مهتمم مدرسه وکار کنان آن اول پول مذکور را تملیک نموده وسپس درخزانه می گذارند تابعداً حسب ضرورت به مصرف رسد ([1]).

آیا با دادن بدون خواست زکات می شود یانه: سوال: (١١٣) اگر شخصی پول زکات را بدون خواستن وبدون گفتن اینکه پول زکات است به مستحقی بدهد آیا زکات می گردد یانه؟

جواب: در اینصورت زکات می شود زیرا ضرور نیست که برای کسیکه زکات داده می شود بگوید که زکات است البته باید زکات درمحل خود صرف گردد ([2]).

اگر قرضی که امید حصول آن نباشد دفعتاً بدست آید چه باید کرد: سوال: (١١٤) اگر امید حصول قرضی نباشد مثلاً ده سال بعد حصول گردد در اینصورت زکات سال های گذشته نیز واجب است یانه؟

جواب: وقتیکه قرضه حصول گردد دادن زکات سال های گذشته آن نیز واجب است اما اگر حصول نشده زکات آن واجب نبوده واگر وقتی حصول گردد دادن زکات سال های گذشته نیز واجب می شود ([3]).

برقیمت ماشین زکات است یانه: سوال: (١١٥) زیدبه قیمت صد روپیه ماشینی خریده آیا باید

---

(١) ولا يخرج عن العهد بالعزل بالاداء للفقراء (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٥ ، ط. س. ج٢ ص ٢٧٠). ظفير الدين غفر له

(٢) وشرط صحة ادائها نية مقارنة له للاداء (الدرالمختار) والمراد مقارنتها للدفع الى الفقير (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٤ ، ط. س. ج٢ ص ٢٦٨) . ظفير

(٣) ولوكان الدين على مقر ملئ اومعلس الخ فوصل الى ملكه لزم زكوٰة مامضى (ايضا كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٢ ، ط. س. ج٢ ص ٢٦٦). ظفير الدين غفر له

زکات آنرا بدهد یانه؟

جواب: زکات درآن واجب نیست (فلیس فی دور السکنی وثیاب البدن واثاث المنازل ودواب الرکوب وعبیدة الخدمة وسلاح الاستعمال زکوة وکذا طعام اهله وما یحتمل به من الاوانی اذا لم یکن من الذهب والفضة وکذا آلات المحترفین (عالمگیری کتاب الزکوة ص ٧٣ ج ١)

زکوة منزلی که به نیت کرایه خریده شده باشد: سوال: (١١٦) زید مکانی خریده نه به نیت تجارت ونه به نیت سکونت بلکه به نیت کرایه وآنرا به کرایه داده که عاید سالانه آن ششصد روپیه می باشد در اینصورت آیا زکات برعاید آن می باشد یا برخود مزل یا بر هر دو واین منزل در عروض شامل خواهد بود یا درعقار یا درحساب خانه مسکونی؟.

جواب: منزل را به کرایه دادن وبه نیت کرایه خریدن نیز تجارت است پس زکات برقیمت آن واجب می باشد در الدر المختار آمده (والاصل ان ما عدا الحجرین والسوائم انما یزکی بنیة التجارة بشرط عدم المانع المودی الی المثنی وهو کسب المال بعقد شراء او تجارة قوله ما عدا الحجرین وما عدا ما ذکر کالجواهر والعقارت والمواشی العلوفه والعبید والثیاب والامتعة ونحو ذلک من العروض ([1]) (قوله مالم یبعه) ای یوجره ([2]) از اینجا معلوم می شود که خریدن به نیت اجاره نیز تجارت میباشد.

اگر پسر از طرف پدر زکات را اداء کند چه حکم دارد: سوال: (١١٧) شخصی که زکات بر اوفرض است اما ادای آن برایش دشوار به نظر می آید ویک پسر او بالغ می باشد واز نزد پدر پول بخواهد واز طرف او زکات را اداء کند آیا بدین ترتیب زکات می شود یانه؟

جواب: در اینصورت برای ادای زکات از سوی پدر باید از او اجازه گیرد که من از سوی تو زکات را اداء می کنم یعنی قبل ازگرفتن پول یا بعد ازآن به او اطلاع دهد واز او اجازه بگیرد

---

(١) ردالمحتار کتاب الزکوة ج٢ ص ١٨ . ط س. ج٢ ص ٢٧٣. ظفیر

(٢) ردالمحتار کتاب الزکوة ج٢ ص ١٧ . ط. س. ج٢ ص ٢٧٢. منزلی که به نیت کرایه دادن خریده شود بر اصل قیمت آن اصولاً نباید زکات باشد (ولو اشتری قدوراً من صفر یمسکها ویواجرها لاتجب فیها الزکوة کما لاتجب فی بیوت الغلة کذا فی فتاوی قاضی خان وکذلک العطار لو اشتری القواریر ولو اشتری جوالق لیواجرها من الناس فلا زکوة فیها لانه اشتراها للغلة لاللمبایعة کذا فی محیط السرخسی (عالمگیری مصری لفصل ثانی فی العروض ص ٦٨ ج ١) از اینجا معلوم گردید که خریداری غرض بدست آوردن عاید درتجارت شامل نمی باشد بلکه خریدن برای فروش تجارت است (والله اعلم)

واگر در اخذ اجازه قبل از گرفتن پول این احتمال باشد که شاید اجازه ندهد پس بعد از گرفتن پول به او اطلاع داده واجازه بگیرد که من از سوی تو زکات را اداء می کنم وپس ازآن به نیت ادای زکوة از جانب پدر آنرا به محتاجان بدهد ([1]).

اگر زکات دهنده به فقیر بگوید که این رقم را لله برای پسرم زکات می شود یانه:

سوال: (١١٨) اگر عوام چنین حیله بمایند که زکات را به مصرف زکات داده وبه او بگوید که تو خاص به رضای خداوند آنرا به پسر من بده اجازه چنین حیله ای است یانه وآیا بدین ترتیب زکات می شود یانه؟

جواب: این حیله جائز بوده وزکات می شود ([2]).

اگر زکات راکشیده وبه تدریج خرج کند چه حکم دارد: **سوال:** (١١٩) اگر زکات را کشیده وآنرا علیحده بگذارد وسپس آهسته آهسته آنرا به مستحقین بدهد جائز است یانه؟

جواب: جائز می باشد چنانچه در الدر المختار آمده است. ([3])

اگر زیاد به مصرف رسد یا می توان انرا در زکات آینده حساب کرد یانه: **سوال:** (١٢٠) اگر بیشتر از رقم زکات صرف گردد آیا می توان رقم خرج شده را در زکات سال آینده حساب نمود یانه؟

جواب: اگر رقم زیاده به نیت زکات داده شده باشد می توان آنرا در زکات سال آینده حساب نمود چنانچه در الدر المختار آمده: (ولو عجل ذونصاب زکوته سنین او النصب صح) ([4]).

اگر زکات قرض را اداء کند آیا زکات می شود یانه: **سوال:** (١٢١) زید پنجصد روپیه به بکر قرض داده وسالانه زکات آنرا اداء مي كند آيا زکات می شود ویا اینکه هنگامیکه رقم مذکور را حاصل نماید زکات تمام مدت را بدهد؟

---

(١) وشرط صحة ادائها نية مقارنة له ای للاداء ولو كانت المقارنة حكما كما لو دفع بلانية ثم نوى الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكاة ج٢ ص١٤ ، ط. س. ج٢ ص ٢٦٨)، ظفير

(٢) وحيلة التكفين التصدق بها على فقير ثم هو يكفن الثواب لهما وكذا فی تعمير المسجد (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب كتاب الزكوة ج٢ ص ١٦ ، ط. س. ج٢ ص ٢٧١)، ظفير

(٣) اومقارنة بعزل ماوجب كله اوبعضه ولايخرج عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (ايضا ج٢ ص ١٥)

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوة الغنم ج٢ ص ٣٦ ، ط. س. ج٢ ص ٢٦٩ — ٢٧٠ ، ظفير

جواب: زکات می شود ([1]).

بر آلات زکات است یانه: سوال: (١٢٢) بر آلاتی از قبیل ماشین خیاطی وغیره زکات است یانه؟

جواب: بر آلات اهل حرفه زکات نیست طوریکه در الدر المختار آمده: (وکذلک آلات المحترفین) ([2]).

منزلی که سال شش ماه به کرایه داده می شود چه حکم دارد: سوال: (١٢٣) آن منزل مسکونی یا دوکان شخص که تمام سال خالی میباشد یا تخمیناً شش ماه به کرایه داده می شود زکات بر آن واجب است یانه؟

جواب: زکات بر آن واجب نیست. ([3]).

کسیکه ازحرفه دلالی پول جمع کند زکات برآن است یانه: سوال: (١٢٤) زید دلالی می نماید وبه مشتری می گوید که فلان آنرا ده روپیه می خرد وبه این ترتیب مشتری را ترغیب می نماید که آنرا بخرد واجوره دلالی را بدست می آورد اکنون از اجوره همین کار به قدر نصاب پول نزد او وجود دارد آب بر روپیه جمع شده او زکات است یانه؟

جواب: در اینصورت زید بخاطر دروغ گفتن گنهگار میشود ودرحدیث شریف آمده که درچنین خرید وفروش برکت نیست اما با آنهم زید مالک پولی که بدست آورده بوده ([4]) وزکات درآن لازم است ([5]).

---

(١) ولو عجل ذونصاب زکوٰة سنین اولنصب صح لوجود السبب الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب زکوٰة الغنم ج٢ ص ٣٦ . ط. س. ج٢ ٢٩٣) ولو کان الدین علی مقر الخ فوصل الی ملکه لزم زکاة ما مضی (کتاب الزکاة ج٢ ص١٢. ط. س. ج٢ ص ٢٦٦) از اینجا معلوم میگردد که اگر زکات آنرا سال به سال بدهد به دادن مزید ضرورتی نیست.

(٢) ولا زکاة فی ثیاب البدن الخ وکذلک آلات المحترفین (ایضا ج٢ ص ١٠ - ١١ . ط. س. ج٢ ص ٢٦٤ - ٢٦٥). ظفیر

(٣) فلا زکوٰة علی مکاتب الخ واثاث المنزل ودور السکنٰی ونحوها (درمختار) کالحوانیت والعقارات (رد المحتار کتاب الزکاة ج٢ ص ١٠ . ط. س. ج٢ ص ٢٦٣ - ٢٦٥). ظفیر

(٤) واما الدلال فان باع العین بنفسه باذن ربها فاجرته علی البائع وان سعی بینهما وباع المالک بنفسه یعتبر العرف (درمختار) فتجب الدلالة علی البائع او المشتری او علیهما بحسب العرف جامع الفصولین (ردالمحتار کتاب البیوع فصل فیما یدخل فی البیع تبعاً قبیل مطلب فی حبس المبیع الخ ج٤ ص ٥٧ ، ط. س. ج٢ ص ٥٦٠). ظفیر

(٥) الزکوٰة واجبة علی الحر العاقل البالغ المسلم اذاملک نصابا تاما وحال علیه الحول (هدایه کتاب الزکوٰة ج١ ص ١٦٧). ظفیر

<u>رقمي كه به اساسی دلالی دروغ بدست آید در آن زکات است یانه</u>: سوال: (١٢٥) زید به عمرو گفت که این مال از بکر است وخالد آنرا به بیست روپیه می خرید اما من ندادم در حالیکه خالد آنرا به پانزده روپیه می خرید عمرو به اساس این ترغیب مال مذکور را خرید وزید به اساس این دلالی چهار روپیه بدست آورد اکنون نزد زید رقم قابل زکات ازهمین کار جمع گردیده آیا زکات بر ذمه او واجب است؟

جواب: واجب است (١).

<u>با سپردن رقم زکات به مهتمم مدرسه زکات می شود یانه</u>: سوال: (١٢٦) با دادن رقم زکات به مهتمم مدرسه زکات می گردد یانه؟

جواب: باسپردن آن به مهتمم مدرسه زکات نمی شود بلکه وقتیکه به مستحق برشد زکات اداء می گردد (٢) (مهتممین مدارس پس از حیله تملیک آنرا در خزانه می گذارند وهنگام حیله زگات می شود) ظفیر

<u>اگر قیمت چیزی تعیین گردیده ودر زکات داده شود وباز معلوم گردد که قیمتش بیشتر بوده چه حکم دارد</u>: سوال: (١٢٧) شخصی پیراهنی را در زکات د ا د وقیمت آنرا ١\٢ روپیه محاسبه نمود سپس معلوم گردید که قیمت آن ٣\٤ روپیه می باشد در اینصورت آیا می تواند آنرا در زکات ٤/٣ روپیه حساب کند یانه؟

جواب: ظاهر است که اگر پیراهن مذکور در دست کسیکه برایش داده شده موجود باشد می تواند آنرا در زکات ٤\٣ روپیه حساب کند.

<u>زکات منزل کرایي</u>: سوال: (١٢٨) درمنازل کرایی زکات بر کرایه خانه است یا برقیمت آن؟

جواب: بر کرایه آن زکات است هنگامیکه کرایه آن به حد نصاب باشد ویکسال کامل بر آن بگذرد زکات درآن وا جب می گردد (٣).

---

(١) الزکوة واجبة علی الحر العاقل البالغ المسلم اذاملک نصابا تاما وحال علیه الحول (هدایه کتاب الزکوة ج١ ص ١٦٧). ظفیر

(٢) او نوی عند الدفع للوکیل ثم دفع الوکیل بلا نیة الدر المختار علی هامش رد المحتار ص ١٤ ج ٢)

(٣) ولافی ثیاب البدن واثاث المنزل ودور السکنی ونحوها (الدرالمختار) قوله نحوها کثیاب البدن الغیر المحتاج الیها وکالحوانیت والعقارات (رد المحتار ص ١٠ ج ٢) ولوکان الدین علی مقر ملئی (الی قوله) فوصل الی ملکه لزم زکوة مامضی (الدرالمختار). ظفیر

زکات قرض بعد از حصول آن: سوال: (١٢٩) قرضه ای که قابل حصول است زکات آن همین اکنون داده شود یا پس از حصول آن وقرضه ای که اکنون قابل حصول است وشاید مدتی بعد غیر قابل حصول گردد وهمچنان قرضه هایی که به شکل قسط حصول می گردند درمورد آنها چه حکمی وجود دارد؟

جواب: دادن زکات قرض پس از حصول آن واجب می باشد اما اگر قبل از حصول بدهد جائز است قرضه ای که اکنون قابل حصول بوده وشاید درآینده قابل حصول آن نباشد درمورد آن نیز همین حکم است که مدتی گذشته زکات آن پس از حصول قرض واجب می باشد اما اگر اکنون بدهد نیز درست است واگر قرض به اقساط حصول گردد هر قدری که حصول می شود زکات آنرا بدهد واگرتمام زکات آنراقبل ازحصول ویا بعد ازحصول یکجا بدهد نیزدرست است. ([1])

اگر رقم زکات دزدی شود چه حکم دارد: سوال: (١٣٠) شخصی درماه رمضان زکات را اخراج نمود مقداری از آنرا تقسیم نمود ومقداری را به این نیت گذاشت که آنرا وقتاً فوقتاً بدهد مقداری از آن دزدی گردید ومقداری دیگری را فراموش نمود که در کجا گذاشته در این مورد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: به همان مقدار زکات را دوباره اداء کند ([2]).

زکات پول جائز ونا جائزی که خلط باشند چگونه داده شود: سوال: (١٣١) زید وظیفه رسمی داشته ورشوت خوار نیز می باشد پول رشوت را با اصل تنخواه جمع کرده واکنون رقم کثیری دارد که رقم رشوت درمال او بیشتر می باشد پس در اینصورت بر زید درکل این مال زکات واجب می شود یانه؟ وچون تمام پول حلال وحرام را مخلوط نموده آیا می تواند از این به قدرضرورت گرفته وبه حج برودیانه درحالیکه بداند که پول تنخواه انقدر درآن است که مصارف

---

(١) وشرط صحة ادائها نية مقارنة له ای للاداء ولو كانت المقارنة حكما (الدرالمختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٤ . ط. س ج٢ ص ٢٦٨) ظفير

(٢) ولوخلط السلطان المال المغصوب بماله ملكه فتجب الزكاة فيه ويورث عنه لان الخلط استهلاك إذا لم يمكن تمييزه عند ابي حنيفة، وقوله أرفق إذ قلما يخلو مال عن غصب، وهذا إذا كان له مال غير ما استهلكه بالخلط منفصل عنه يوفي دينه. وإلا فلا زكاة. كما لو كان الكل خبيثا كما في النهر (درمختار) في القنية لو كان الخبيث نصابا لا تلزمه الزكاة لان الكل واجب التصدق عليه فلا يفيد ايجاب التصدق ببعضه (ردالمحتار باب زكوٰة الغنم قبيل مطلب فی التصدق من المال الحرام ج٢ ص ٣٣ – ٣٤ ، ط. س. ج٢ ص ٢٩٠). ظفير

حج را کفایت کند؟

جواب: مذهب امام صاحب آن است که با خلط کردن مال حرام با مال خلال مثلاً تنخواه زکات بر تمام مال واجب می شود به شرط آنکه رقم تنخواه او آنقدر باشد که اگر مال حرام را به مالکان یاورثه آنها بدهد چیزی که باقی می ماند به قدر نصاب باشد وهنگامیکه که اکثریت مال حرام باشد زکات دران لازم نیست بلکه درصورت نا ممکن بودن دادن آن به مالکان یا ورثه ایشان تمام رقم حرام واجب التصدق می باشد واگر رقم تنخواه آنقدر باشد که مخارج را کفایت کند آنرا علیحده نموده وحج نماید درست است. (۱)

به کسی گفته شودکه رقم زکات را تقسیم نماید اما اوخود خرج کند چه حکم دارد:

سوال: (۱۳۲) زید به عمرو نوشت که رقم زکات را بر فلان وفلان تقسیم کن اما عمرو آنرا نگهداشت وخود خرج نمود اگر زید اکنون اجازه دهد زکات می شود یانه؟

جواب: در (الدر المختار) آمده: (وللوکیل ان یدفع لولده الفقیر وزوجته لا نفسه الا اذا قال ربها ضعها حیث شئت) ودر شامی آمده: (وهذا حیث لم یامره بالدفع الی معین.) (۲) از اینجا معلوم گردید که هرگاه زید معین کرده باشد که زکات را به فلان وفلان بده در اینصورت درست نیست که زید خلاف آن عمل کند واینکه آنرا خود نگهدارد وخرج کند زکات زید نمی شود وضامن همان رقم می باشد وبعد از خرج کردن اجازه زید کافی نبوده وزکاتش نمی شود.

سند ما که بدست آید زکات ازچه وقت واجب شود: سوال: (۱۳۳) زید بر جایی قابض مالک ومتصرف بود حاکم وقت موضع مذکور را از زید گرفته به عمرو داد ومقداری زمین به زید داد که بس از او اولادش در آن کشت می کردند سپس عمرو آنرا از اولاد زید گرفت وچندین سال حاصلات آنرا خورد تابالاخره ورثه زید ثبوت ملکیت سابقه وعوض آنرا در محکمه به اثبات رسانیدند وسند ملکیت اراضی مذکور از طرف محکمه به ایشان داده شد وهمچنان سند سال هایی که در ملکیت زید بوده وآنرا خورده به ایشان داده شد در جمله ورثه زید زنی می

---

(۱) ویجتهد فی تحصیل نفقة حلال فانه لایقبل بالنفقة الحرام کما ورد فی الحدیث مع انه یسقط الفرض عنه معها (ردالمحتار مطلب فی من حج بمال حرام ص ۱۹۱ ج ۲)

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الزکوة ص ۱۴ ج ۲

باشد که صاحب نصاب نبوده واز جمله مصارف زکات است که در آینده نزدیک به اساس سندی که برایش داده شد صاحب اراضی وثروت زیادی خواهد شد اکنون امور ذیل قابل استفسار است:

الف: اصل اراضی ورقمی که از بابت حاصلات آن به مراتب بیشتر از مقدار نصاب به او خواهد رسید پس بر زن مذکور از روز بدست آوردن آنها زکات واجب خواهد بود یا زکات سال های گذشته را نیز باید بدهد وچون تمام این رقوم یکجا به زن مذکور نمی رسید بلکه فصل به فصل یا سال به سال آنرا بدست می آورد بس زکات سال های گذشته را به همین حساب بدهد که هر مقدار رقمی که گمان تصور حصول آن در هر تاریخی که باشد از همان تاریخ یا طور دیگری؟

ب: موعد اجرای سند سه سال بوده ومعلوم نیست که زن مذکور تمام آنرا حصول میکند یا بخشی از آنرا ویا هیچ چیزی را بدست آورده نمی تواند؟

جواب: از وقتیکه سند اجرا شده زکات بر ذمه زن مذکور واجب گشته وادای آن وقتی لازم می باشد که حصول گردد.

ب: زن مذکور پس از بدست آوردن سند مصرف زکات نمی باشد اگر ضرورت پیدا کند قرض بگیرد وبعد از حصول اموال خود قرض را بپردازد در الدر المختار آمده: (ومغضوب (ای ولا تجب في مغضوب) لابنية عليه فلو بنية تجب لما مضى) ودرشامی آمده (ای تجب بعد قبضه من الغاصب لما مضى من السنين قال وينبغي ان يجرى هنا ماياتي مصححاً عن محمد انه لازكوة فيه لان البينة قد لاتقبل فيه) شامی ص ۱۱ ج ۲

<u>دادن زکات سال های گذشته ضرور می باشد یانه</u>: سوال: (۱۳٤) الف: دادن زکات سال های گذشته ضرور می باشد یانه؟

ب: برعلاوه خانه مسکونی دوسه منزل دیگر دارد باید زکات آنها را بدهد یانه واگر بدهد به چه حسابی؟

ج: قرضی که حصول می گردد زکات برآن است یانه؟

د: شخصی نه نمازمی خواند ونه زکات می داد اکنون می خواهد زکاترا اداء کندزکات سال های

گذشته را چگونه اداء کند؟

جواب: الف: دادن زکات سال های گذشته ضرور می باشد ([۱]).

ب: بر قیمت آن منازل زکات نیست واگر کرایه آنها به قدر نصاب برسد ویکسال کامل بر آن بگذرد زکات بر همان رقم کرایه واجب می باشد ([۲]).

ج: هنگامی که قرض حصول گردد باید زکات آن داده شود ([۳]).

د: چون یک سال بر این مال بگذرد ومال به قدر نصاب باشد باید فوراً زکات آنرا بدهد ودادن زکات سال های گذشته از وقتیکه زکات واجب شده نیز لازم می باشد.

رقمی که به نیت زکات گذاشته شده وغائب گردد زکات شده است یانه: **سوال**: (۱۳۵) نیت زکات را نموده ورقم را علیحده نماید اما گم شود یا کسی آنرا سرقت کند آیا زکات شد یا باید دوباره آنرا اداء نماید؟

جواب: زکات نشده باید دوباره آنرا اداء کند ([۴]).

آیا درماه های دیگر غیر از رمضان نیز می توان زکات داد: **سوال**: (۱۳۶) آیا غیر از رمضان می توان در ماه های دیگر نیز زکات را اخراج کرد یانه؟

جواب: دادن زکات درماه ها وروز های دیگر غیر از رمضان درست است وهیچ تخصیصی در مورد رمضان المبارک وجود ندارد وهر وقتیکه از رسیدن مال به حد نصاب یکسال بگذرد باید همان وقت زکات را بدهد وسال کسیکه در رمضان تکمیل میگردد آنرا در رمضان بپردازد البته ثواب زکات دادن در رمضان هفتاد مرتبه بیشتر می باشد به همین جهت اکثر مردم مال خویش را در رمضان شریف حساب می کنند.

اگر یکی از اعضای خانواده چیزی را به نیت زکات بدهد زکات می شود یانه: **سوال**:

---

(۱) زیرا در الدر المختار امده: فانه دین فی ذمته) ص۶ ج ۲

(۲) ومنها (ای من شرایط وجوب الزکوة) کون النصاب ناميا (فتاوی عالمگیری ص ۱۷ ج ۱)

(۳) ولوكان الدين علی مقر ملئ او علی معسر فوصل الی ملکه لزم زکوة مامضی (الدرالمختار علی هامش رد المحتار ص ۱۳ ج ۲)

(٤) ولايخرج من العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (درمختار) فلو ضاعت لا تسقط عنه الزکوة (ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۱۵ . ط. س. ج۲ ص ۲۷۰). ظفیر

(۱۳۷) اگر یکی ازاعضای خانواده شخصی که باید زکات بدهد چیزی رابه نیت زکات به کسی بدهد ووقتی آنرا به اطلاع مال رساند که از دست گیرنده خرج شده باشد آیا هنگام اطلاع مالک زکات محسوب می شود یانه واگر اعضای خانواده چیزی را به کسی قرض بدهند وهنگامیکه مالک اگاه گردد نیت زکات را بنماید چیز مذکور در زکات حساب می شود یا نه؟

جواب: اگر مالک قبلاً به اعضای خانواده اجازه داده باشد که زکات را اداء کنند هر وقتیکه اعضای خانواده اش چیزی را به نیت زکات بدهند زکات می شود واگر چنین نباشد اگر تا وقت اجازه دادن مالک اگر روپیه مذکور نزد کسیکه برایش داده باشد موجود باشد ومالک نیت زکات را بنماید زکات می شود واگر خرج شده باشد زکات نمی گردد پولی که به قرض داده شده بانیت در زکات حساب نمی شود در اینصورت فقها نوشته اند که پول مذکور را حصول نموده ودوباره به نیت زکات بدهد. ([1])

با ارسال مبلغ زکات به سیستم بانکی زکات می شود یانه: **سوال**: (۱۳۸) زید می خواهد به مدرسه عالی دیوبند مبلغ چهار صد روپیه زکات را بدهد اگر آنرا به سیستم بانکی ارسال نماید در ادای زکات نقصی باقی نمی ماند؟

جواب: درسال به نظام بانکی حرجی نیست به مهتمم بنوسید که پول زکات است.

باحیله زکات می شود یانه: **سوال**: (۱۳۹) باحیله زکات وکات دهنده می شود یانه واگر نمی شود صرف کننده ضامن می باشد یانه؟

جواب: زکات می شود ([2]) وچون زکات شود ضمان برکسی نیست.

اراکین مدرسه چگونه باشند. **سوال**: (۱٤۰) آیا لازم است که اراکین مدارس اسلامی پابند صوم وصلاة بوده ووضع ایشان موافق شرع باشد یانه؟

جواب ایشان باید شرع باشند.

---

(۱) وشرط صحة ادائها نية مقارنة له ای للاداء ولوكانت المقارنة حكما كما لودفع بلانية ثم نوى والمال قائم فی يد الفقير الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص۱٤ . ط. س. ج۲ ص ۲٦۸) . ظفير

(۲) وحيلة التكفين بها التصدق على فقير ثم هو يكفن فيكون الثواب لهما وكذا فی تعمير المسجد الخ (در مختار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۲۷۱). ظفير

آیا کسیکه وضع ظاهری اوخلاف شرع است می تواند رکن مدرسه باشد: سوال: (۱٤۱) کسانیکه پابند صوم و صلوة هستند اما وضع ظاهری ایشان خلاف شرع است آیا می توانند شرعاً اراکین مدرسه اسلامی باشند یانه؟

جواب: چنین اشخاص رکن مدرسه ساختن درست نیست.

دراینصورت زکات نمی شود: سوال: (۱٤۲) زید برای عمرو گفت که چند روپیه زکات را بده من آنرا بر مدرسه یا طلبه خرج خواهم کرد عمرو به اساس گفته زید چند روپیه داد ودرتفصیل آن چیزی نگفت تصادفاً زید روپیه های مذکور را درکارهای شخصی خود به مصرف رساند وچند روز بعد از طرف او نیت زکات را نموده به همان مقدار پول به مدرسه بدهد آیا زکات می شود یانه؟ واگر زکات نشده اکنون به چه طریقی اداء می شود؟ رقمی که به نیت زکات داده شده حکم آن چیست؟ زید آنقدر استطاعت ندارد که به مقدار روپیه را به عمرو تملیک کند البته او می تواند به عمرو بگوید که رقمی که برای زکات دادی خرج شد ودوباره به همان مقدار از سوی تو داده شد.

جواب: در اینصورت زکات عمرو نشده است وزید باید پول او را بدهد وپس از آنکه خرج گردیده اجازه گرفتن از عمرو باعث سقوط زکات نمی شود زیرا شامی از بحر نقل نموده: (والمال قائم فی ید الفقیر بخلاف ما اذا نوی بعدها)

شکلی از ادای زکات: سوال: (۱٤۳) زید چند روپیه برای خرید اری بعضی اشیاء به عمرو داد اواز آن چیز هایی خرید وفرستاد ومتباقی را در امور شخصی خود به مصرف رساند وقتیکه پول داده شده بود این مساله ذکر نگردیده بود که اگر برایت ضرورت پیش آید آنرا خرج کن اما اگر گفته می شد گمان غالب بر آن است که قبول می کرد بعد از مدتي زید نوشت که پول باقی مانده را پول زکات شمرده ودرمصارف زکات صرف کن، در جوابش نوشت که درمصارف زکات صرف گردید آیا بدین صورت زکات شده است؟

جواب: در اینصورت زکات شده است در الدرالمختار آمده: (وشرط صحة ادائها مقارنة له ای للاداء ولو کانت المقارنة حکماً او نوی عنه الدفع للوکیل ثم دفع الوکیل بلا نیة) شامی ص ١٤

ج۲. فقط

رقم زکات را درضرورت شخصی خود خرج کرد وسپس آنرا اداء نمود: سوال: (۱٤٤) در ماه رمضان رقم زکات را علیحده گذاشت وپس از چند روز آنرا در ضرورت شخصی خود خرج نمود سپس بعد از چندی آنرا به نیت زکات اداء نمود آیا اینکار جائز است زکات شده است یانه؟ وثواب آن به حساب ماه رمضان خواهد بود یانه؟

جواب: اینکار جائز بوده وزکات شده است اما ثواب ماه رمضان حاصل نگردیده در الدر المختار آمده: (وشرط صحة ادائها نية مقارنة له ای للاداء ولوكانت المقارنة حكماً) شامی ص ١٤ ج ٢)

خرج کردن پول زکات بطور قرض: سوال: (۱٤٥) زید از چند جا رقم زکات را جمع نموده وبه طریق قرض آنرا گرفته وخود خرج کرد زید صاحب نصاب است اما اینقدر توانایی ندارد که دفعتاً رقم زکات و اداء کند رقم زکات را طوری اداء می کند که ماهوار چیزی از مخارج خود را کم نموده ودر زکات می دهد آیا در اینصورت زکات اداء می شود یانه؟ واگر شرعاً طریق دیگری باشد مطلع فرمائید.

جواب: اول زکات دهندگان را از اینکار با خبر سازد وسپس از طرفي ایشان زکات را بدهد زکات می شود ([1]).

حیله در زکات: سوال: (۱٤٦) در اکثر مدارس اعانه دوامدار بسیار کم بوده وبیشتر رقم زکات وصدقه واجبه مانند کفاره وپوست قربانی وغیره جمع میگردد وچون اعانه دوامدار معاش مدرسین را کفایت نمی کند لذا اراکین مدرسه ونائب مهتمم چنان حیله می نمایند که رقمی را که از زکات جمع شده به فقیری داده او را مالک آن می سازند وبه او می گویند که تو آنرا ازسوی خود به مدرسه بده باچنین حیله ای رقم زکات را در معاش مدرسین می توان خرج کرد یانه؟

جواب: این حیله درست بوده وپس از آن خرج کردن پول مذکور درمعاش مدرسین درست می

---

(۱) قال في التتارخانية الا اذا وجد الاذن اواجاز المالكان آه اجاز قبل الدفع الى الفقير (ردالمحتار ج۲ ص ١٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۹).
ظفير الدين غفر له

باشد وهر قدر رقمی که ضرور باشد می توان درهمان مقدار این حیله را نمود ونصاب در آن شرط لازمی نبوده وصرف فرق اولی وغیر اولی می باشد وکسانیکه به شکلی از اشکال دراین حیله اشتراک می کنند مرتکب گناه نمی شوند وبه اساس نیت نیک امید ثواب برای ایشان است [۱].

فصل سوم

زکات حیوانات

آیا بر حیوانی که برای زراعت یا شیر نگهداری شده زکات است: سوال: (۱٤۷) اگر شخصی حیوانی را برای زراعت نگهداری کند وهمچنان ماده گاوها وماده گاومیش ها داشته باشد که خانواده اش از شیر آن منحیث غذا استفاده کنند، آیا دادن زکات چنین حیوانات سال به سال واجب می باشد واین نکته را نیزباید یاد آوری کنم که حیوانات مذکور در چراگاه وسیعی نگهداری می گردند که محصول مقرره اراضی مذکور به حکومت پرداخته می شود.

جواب: حیوانی که برای زراعت نگهداری می شود اگر چه سائمه باشد، زکات در آن واجب نیست وحیواناتی که برای شیر ونسل گیری نگهداری می شوند، اگر سائمه بوده وبه قدر نصاب باشند، زکات در آن ها واجب است. [۲]

آیا که در حیواناتی که درخانه به ایشان مواد غذایی داده شود زکات واجب است:

سوال (۱٤۸) نزد من دو گاومیش نر ویک گاو میش ماده هفده گاوماده وسه نر گاو چوچهٔ موجود است مجموعاً سی وشش حیوان می شود، کارگران شب سبزه را درو نموده وهمراه با دانه به ایشان می دهند، در چنین حیواناتی زکات است یانه؟

جواب: در حیوانات مذکوره زکات واجب نیست، زیرا در شامی آمده: اذ لو حمل الكلاء اليها في البيت لا تكون سائمة. [۳]

---

(۱) وحيلة التكفين بها التصدق على الفقير ثم هو يكفن فيكون الثواب لهما وكذا في تعمير المسجد (الدر المختار على هامش ردالمحتار ج۲ ص ۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفير

(۲) هي الرعية وشرعا المكتفية بالرعي المباح في اكثر العام لقصد الدر والنسل الخ والزيادة والسمن لبعم الذكور فقط لكن في البدائع لو اسامها اللحم فلا زكاة فيها كما لو اسامها للحمل والركوب (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب السائمة ج۱ ص ۲۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۵). ظفير

زکات حیواناتی که زیر استعمال باشند: سوال: (۱۴۹) در نرگاوی که برای زراعت است ودر اسپ سواری ودر ماده گاوی که برای شیر نگهداری شده باشد، زکات است یا نه؟

جواب: بر حیوا نات مذکور زکات نیست. (۱)

زکات بز: سوال: (۱۵۰) در زکات بر چوچه ها نیز زکات است ویا چوچه ها با بزهای کلان یکجا شمرده می شوند یانه؟

جواب: چوچه ها با بزهای کلان یکجا شمرده می شوند ودرهمه زکات واجب است. (۲)

زکات حیوانات: سوال: (۱۵۱) نزد ششخصی چهار گاومیش نر وچهار گاو نر ویک اسپ وشتر به قیمت تقریباً یک هزار روپیه است که برای خوارک ایشان کاه خریداری می نماید آیا در حیوانات مذکور شرعاً زکات است؟

جواب: اگر حیوانات مذکور برای تجارت نباشند درآنها زکات نیست. (۳)

فصل چهارم

مسائل زکات طلا نقره وپول نقد

درنصاب طلا ونقره چرا اینقدر تفاوت وجود دارد: سوال: (۱۵۲) زکات بر کسانیکه واجب است که نزد ایشان ۲\۱ ۵۲ توله نقره یا ۲\۱ ۷ توله طلا یک سال تمام موجود باشد این مساله را ندانستم که ۲\۱ ۵۲ توله نقره با ۲\۱ توله طلا چه نسبتی دارد مثلاً اگر نرخ نقره فی توله یک روپیه باشد قیمت مجموعی آن ۲\۱ ۵۲ روپیه می گردد واگر قیمت یک توله طلاسی

---

(۳) ردالمحتار باب السائمة ج۲ ص ۲۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۵). ظفیر

(۱) ولیس فی دور السکنٰی وثیاب البدن واثاث المنازل ودواب الرکوب وعبید الخدمة وسلاح الاستعمال زکوٰة (هدایه ج۱ ص ۱۹۶ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۶۴ – ۲۶۵). ظفیر

(۲) ولافی حمل (الی قوله) الا تبعا لکبیر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج ۲ ص ۲۶ . ط. س. ج ۲ ص ۲۸۲). ظفیر

(۳) ولیس فی دور السکنٰی وثیاب البدن واثاث المنزل ودواب الرکوب وعبید الخدمت وسلاح الاستعمال زکوٰة لانها مشغولة بالحاجة الاصلیة (هدایه ج۱ ص ۱۶۹ . ط. س. ج۲ ص ۲۶۴ و۲۶۵) ولافی ثیاب البدن (الی قوله) ونحوها وکذا الکتب وان لم تکن لاصلها اذا لم تنو للتجارة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۲ ص ۱۰ . ط. س. ج۲ ص ۲۶۴ – ۲۶۵) وشرطه حولان الحول ونمیة المال کالدراهم والدنانیر الخ اونیة التجارة (درمختار مختصراً. ج۲ ص ۲۶۷) . ظفیر

روپیه باشد قیمت مجموعی آن ۲۲۵ روپیه می شود آیا در زمانه های قدیم قیمت دو وزن فوق الذکر طلا ونقره برابر بود؟

جواب: در زمان پیامبر (ﷺ) وپس از ان تامدتی درقیمت آن دوهمین قدر تفاوت که در نصاب آنها است وجود داشت در آن زمان قیمت یک دینار طلا برابر به ده درهم نقره بود یعنی طلا ده چند نقره قیمت داشت. (۱)

اداي زكات به حساب ماهوار چطور است: **سوال:** (۱۵۳) هر ماه حساب کردن وزکات همان ماه را ادا نمودن چطور است؟

جواب: اداي زکات به طریق مذکور درست است (۲).

درزکات نقره کدام نرخ اعتبار دارد: **سوال:** (۱۵٤) نقره یا زیور آلات نقره ای هنگامی خریداری گردید که نرخ آن ۱۲ روپیه فی توله بود باگذشت یکسال نرخ آن فی توله ۱٤ روپیه گردید یا بر عکس نرخ آن نزول نموده واکنون زکات آن به نرخ خریداری داده شود یا به نرخ موجوده بازار؟

جواب: درنقره یا طلا ویا زیورات وزن اعتبار دارد هنگامی که به مقدار ۱\۲ ۵۲ توله نقره نزد کسی موجود باشد، دادن ۱\٤۰ حصه آن در زکات واجب است (۳) وقیمت آن اعتباری ندارد (در زکات دادن قیمت وقتیکه زکات کشیده می شود اعتبار دارد نه قیمت خریداری)

نزدکسیکه نصاب ازطلا ونقره موجود بوده ودیگری ازنصاب باشد چه کند: سوال (۱۵۵) نزد شخصی یکی از طلا ونقره به حد نصاب وجود داشته ودیگر آن از نصاب کمتر است در اینصورت چه کند یکی را تابع دیگری کردن در کتب فقه درحالاتی نوشته شده که نصاب پوره

---

(۱) وفي الهداية كل دينار عشرة دراهم في الشرع (ردالمحتار باب زكوٰة المال ج۲ ص٤۲) قبل ازين است: حاصله ان الدينار اسم للقطعة من الذهب المضروبة المقدرة بالمثقال فاتحادهما من حيث الوزن (ايضا ج۲ ص ۳۹) از ينجا معلوم مى گردد كه در گذشته قيمت بيست مثقال طلا با دو صد درهم نقره برابر بود اما اكنون ميان نرخ آن دو تفاوت بسيار وجود دارد اما چون نص واردهٔ صراحت دارد نمى توان درآن تغيير وتبديل نمود. والله تعالى اعلم. ظفير

(۲) وان قدم الزكوٰة على الحول وهو مالک نصاب جاز (هدايه قبيل زكوٰة المال ج۱ ص ۱۷۶). ظفير

(۳) والمعتبر وزنهما اداء ووجوبا لا قيمتهما واللازم في مضروب كل منهما ومعموله ولو تبرا او حليا ﷺ ربع عشر ﷺ (الدر المختار) قوله لا قيمتهما نفي لقول زفر باعتبار القيمة في الاداء وهذا ان لم ينو من خلاف الجنس والا اعتبرت القيمة اجماعا كما علمت (ردالمحتار ج۲ ص ٤۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷ و۲۹۸) . ظفير

نباشد. فقط

جواب: در اینصورت نیز هر دو را یکجا نموده وزکات را اداء کنید ([1]) یعنی چون به حساب نصاب یکی صاحب نصاب گردید چیز دوم اگر چه از نصاب کمتر باشد دادن زکات آن ضروری است که باید ۱\٤۰ حصه آن داده شود.

زکات نوت: **سوال**: (۱۵۶) نوت را وثیقه قرض خیال نموده وادای زکات برحصول نقد موقوف می باشد یا بالفعل با پایان سال لازم می گردد؟

جواب: وجوب ادای زکات بر حصول نقد موقف است هر چند نفس وجوب از سابق ثابت می باشد لهذا اگر قبل از حصول نقد زکات را بدهد نیز درست است زیرا پس از حصول نقد زکات تمام سال های گذشته نیز لازم می گردد ([2]) (در زمانه کنونی انتظار نقد بی فایده است زیرا پیدا نمی شود لذا اگرنوت به قدر نصاب باشد زکات وادای آن واجب است) ظفیر

در زیورات زکات است یانه ووجوب آن بر مرد است یا برزن: **سوال**: (۱۵۷) نز خانم من زیوراتی وجود دارد که قیمت مجموعی آن سه صدالی چهار صد روپیه می باشد که ملکیت خود اوست آیا در زیورات مذکور زکات واجب می باشد ومسئول ادای آن کیست باید یاد آور شوم که خانم من هیچ عایدی ندارد که از آن زکات را اداء نماید پس ادای زکات چگونه صورت گیرد ایا او از زیورات خود به مقدار زکات به فروش برساند وزکات آنرا بدهد؟

جواب: ادای زکات زیورات مذکور در هر سالی واجب می باشد واگر راه دیگری برای ادای زکات وجود نداشته باشد به اساس ضرورت آن مقدار زیور را که دان آن درزکات لازم می باشد بدهد؟ این فرض خداوند است وچون زیور ملکیت اوست ادای زکات آن نیز بر ذمـه او ([3]) می

---

(۱) ويضم الذهب الى الفضة وعكسه بجامع الثمنية قيمة (درمختار) وفي البدائع ايضا ان ما ذكر من وجوب الضم اذا لم يكن كل واحد منهما نصابا بان كان اقل فلو كان كل منهما نصابا تاما بدون زيادة لا يجب الضم بل ينبغي ان يؤدى كل واحد زكاته فلو ضم حتى يؤدى كل من الذهب او الفضة فلا باس به عندنا (ردالمحتار باب زكوٰة المال ج۲ ص ٤٥ – ٤٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۳). ظفير

(۲) ولوكان الدين الخ فوصل الى ملكه لزم زكوٰة مامضى (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦ و۲٦۷). ظفير

(۳) الزكوٰة واجبة على الحر العاقل البالغ المسلم اذاملك نصابا ملكا تاما وحال عليه الحول لقوله تعالى وآتوا الزكوٰة. ولقوله ﷺ ادوا زكوٰة اموالكم. وعليه اجماع الامة والمراد بالواجب الفرض (هدايه كتاب الزكوٰة ج۱ ص ۱٦۷) وفي تبر الذهب والفضة وحليهما واوانيهما =

باشد (اگر زیور را بفروشد ویا از شوهر بگیرد وزکات آنرا بدهد هردو صورت جائز است.

بر پول نقد زن بیوه زکات است هر چند ضرورت هایی داشته باشد: سوال: (۱۵۸) یک زن بیوه فقط ۲۵۰۰ روپیه دارد ودو دختر او عروسی نشده اند آیا در پول مذکور زکات واجب است یانه؟

جواب: در رقم مذکور زکات واجب است (۱).

زکات دوصد توله نقره: سوال: (۱۵۹) زکات دوصد توله نقره چقدر خواهد بود اگر بخواهد قیمت نقد آنرا بدهد پنج روپیه بدهد یاسه روپیه ودو آنه که قیمت پنج توله نقره می باشد واگر نقره خریده ودر زکات بدهد زکات اداء می شودیانه؟

جواب: اگر نقد زکات می دهد باید پنج روپیه بدهد واگر پنج توله نقره خریده شود (به هر قیمتی که آنرا بخرد) وآنر در زکات بدهد زکات اداء می شود (۲).

آیا برای تکمیل شدن نصاب طلا ونقره باهم یکجا گردند: سوال: (۱۶۰) نزد شخصی به قیمت ۲۰ ۲۵ روپیه زیورات طلایی وبه قیمت ٤٧ روپیه زیوارت نقره ای موجود است آیا آن هردو را با هم یکجا نموده وزکات بدهد یانه؟

جواب: طلا ونقره وقتی به حد نصاب یعنی ۲\۱ ۵۲ توله برسد زکات در آن واجب است وزکات آن مقدار طلا ونقره بیش از نصاب باشد نیز باید داده شود خلاصه باید زکات تمام زیورات که نقد موجود است باید اداء گردد (۳).

= الزکوٰة (ایضا ج۱ ص ۱۷۷) . ظفیر

(۱) ولنویة المال کالدراهم والدنانیر لعینهما للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزکوٰة کیفما امسکهما ولو للنفقة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ص ۲٦٧). ظفیر

(۲) ویعتبر فیهما ان یکون المودی قدر الواجب وزنا الخ ولو ادی من خلاف جنسه یعتبر القیمة بالاجماع کذافی التبین (عالمگیری مصری کتاب الزکوٰة باب ثالث ج۱ ص ١٦٧ ، ماجدیه ج۱ ص ۱۷۸). ظفیر

(۳) واللازم فی مضروب کل منهما ومعموله ولوتبرا اوحلیا مطلقا الخ وفی عرض التجارة قیمة نصاب الخ ربع عشر الخ ویضم الذهب الی الفضة وعکسه بجامع الثمنیة قیمة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤١ وص ٤٢ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷ - ۲۹۸) باید گفت که نصاب سال ۱۳۳۸ ق پنجاه ودونیم روپیه بود زیرا هرتوله نقره یک روپیه قیمت داشت یعنی اصل نصاب ۲\۱ ۵۲ توله نقره می باشد اکنون قیمت کم ازکم ۱۷۱ روپیه می باشد واگرنقره بیشتر گران شود باز هم همان نرخ اعتبار دارد این قیمت نیز مربوط به سال ۱۳۸۵ قمری یعنی سال تدوین کتاب است اما اکنون نرخ به مراتب گران تی باشد (مترجم)

<u>نصاب طلا ونقره به حساب وزن هندوستان</u>: سوال: (۱۶۱) جناب شما نصاب طلا ونقره را به حساب وزن هندوستان چقدر می دانید روپیه چند ماشه شمرده می شود وچند روپیه نصاب کامل می باشد؟

جواب: نصاب نقره دوصد درهم یعنی به وزن سبعه ده درهم برابر هفت مثقال است (۱) وچون این وزن به روپیه وتوله وماشه حساب شده ۱\۲ ۵۲ توله گردیده است پس اگر وزن روپیه پوره یک توله باشد که برابر ۱\۲ ۷ توله می شود یعنی ۱\۲ ۷ توله طلا نصاب پوره است وبه این ترتیب محاسبه شده که یک مثقال چهار ماشه طوریکه معروف است چهار ماشه شمرده شده پس دوصد درهم به وزن سبعه ۱۴۰ مثقال وبه اعتبار ماشه ۶۳۰ ماشه می شود که چون بر ۱۲ تقسیم گردد حاصل تقسیم ۱\۲ ۵۲ توله می باشد.

<u>زکات زیورات طلا ونقره</u>: سوال: (۱۶۲) نزد الف مقداری زیورات نقره ای ومقداری زیورات طلایی می باشد او قرض واجب الادائی نیز برذمه دارد زیورات نقره ای خانم او۵۰ ۱۴۲ توله واز دختران نابالغش ۲ ۱ ۵۴ توله و زیورات طلایی خانمش ۵ توله و۱۱ ماشه برعلاوه هشت عدد سکه مضروب طلایی نیز موجود می باشد ۲,۹۷ بر دیگران قرض واجب الاداء دارد وخود تقریباً ۴,۱۶۲ قرضدار است در اینصورت زکات واجب الادای بر او چقدر است وآیا در زکات قیمت شمرده شود یا وزن؟

مجموعه زیورات نقره ای ۱۹۶۳ ٤توله میگردد قیمت طلا وسکه ها را نیز به روپیه محاسبه نموده ودرآن شامل کنید واز مجموعه آن ۱۶۲ روپیه قرض را بکشید چیزی که باقی می ماند دادن ۴۰ \ ۱ حصه آن واجب می باشد (۲) وقرضی که بر ذمه مردم است پس از حصول زکات

---

(۱) نصاب الذهب عشرون مثقالا والفضة مائتا دراهم کل عشرة دراهم وزن سبعة مثاقیل والدینار عشرون قیراطا، والدرهم اربعة عشر قیراطا، والقیراط خمس شعیرات، فیکون الدرهم الشرعي سبعين شعيرة. والمثقال مائة شعيرة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوة المال ج۲ ص ۳۸ – ۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۵). ظفیر

(۲) تجب في کل مائتی درهم خمسة دراهم وفي کل عشرين مثقال ذهب نصف مثقال مضروبا کان اولم یکن مصوغا اوغیر مصوغ حلیا کان للرجال اوللنساء تبرا کان اوسکة کذافي الخلاصة (عالمگیری مصری کتاب الزکاة باب ثالث فصل اول ج۱ ص ۱۶۷ ، ماجدیة ج۱ ص ۱۷۸) ومديون للعبد بقدر دينه فيزكي الزائد ان بلغ نصابا (درمختار) قوله بقدر دينه متعلق بقوله فلا زكوة (ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۳). ظفیر

آن واجب الاداء می باشد (۱).

<u>بر زیوری که همیشه پوشیده نمی شود نیز زکات است</u>: سوال: (۱۶۳) در زیوری که همیشه پوشیده نمی شود بلکه گاهگاه پوشیده می شود آیا زکات واجب است واگر باشد به چه حسابی به قیمت خرید یا نرخ موجود وبا اجوره یا بدون اجوره؟

جواب: زکات برآن واجب بوده وزکات آن به حساب وزن داده می شود یعنی به هر مقدار طلا ونقره موجود باشد حساب گردد (۲) (در زیورات قیمت اعتبار ندارد زیرا که درآن قیمت اجوره نیز شامل می باشد بلکه وزن اعتبار دارد یعنی وقتیکه نقره ۱\۲ ۵۲ توله ویاطلا ۱\۲ ۷ توله باشد شخص صاحب نصاب شمرده میٰ شود واگر در زکات نقد داده شود نرخ وقت زکات کشیدن اعتبار دارد ونرخ دوران خرید را اعتبار نیست مثلاً نزد زنی صد توله طلا خریده شده در زمانه گذشته وجود دارد که درآن وقت به صد روپیه خریده شده وزکات آن ۱\۲ ۲ توله می باشد واکنون که هر توله سه روپیه قیمت دارد زکات آن هفت ونیم روپیه می شود لذا دادن دونیم روپیه غلط می باشد) ظفیر.

<u>نزد کسیکه به قدر نصاب پول سیاه موجود باشد درآن زکات است یانه</u>: سوال: (۱۶٤) اگر نزد کسی بیش از حاجت اصلی وبیش از حد نصاب پول سیاه نه از طلا ونقره بلکه از مس وبرنج موجود باشدکه روپیه نقد شمرده نمی شود یابعد از گذشت یکسال زکات درآن است؟

جواب: درغیر از طلا ونقره برای وجوب زکات نیت تجارت شرط می باشد که تفصیل آن درکتب فقه موجود است (۳) (چون پول سیاه حیثیت حواله رادارد لذا بدون نیت تجارت نیز زکات درآن واجب می باشد) ظفیر.

---

(۱) ولو کان الدین علی مقر ملئ او علی معسر ...... الخ فوصل الی ملکه لزم زکاة ما مضی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۶). ظفیر

(۲) والمعتبر وزنهما اداء ووجوبا لا قیمتهما (درمختار) ای من حیث الوجوب یعنی یعتبر فی الوجوب ان یبلغ وزنهما نصابا نهر حتی لو کان له ابریق ذهب او فضة وزنه عشرة مثاقیل او مائة درهم وقیمته لصیاغته عشرون او مائتان لم یجب فیه شیء اجماعا قهستانی (ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷). ظفیر

(۳) شرط افتراض ادائها حولان الحول وهوفی ملکه اوثنمیة المال کالدراهم والدنانیر لتعینهما للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزکاة کیفما مسکهما ولو للنفقة اوالسوم الخ اونیة التجارة فی العروض (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ =

رقم زکات به شکل بیمه ارسال گردد یا به نظام بانکی: سوال: (۱٦۵) درکتاب (بهشتی زیور) آمده که اگر کسی رقم زکات را برای دیگری غرض اداء کردن بدهد وآن شخص خود آنرا خرج نماید وسپس از نزد خود به همان مقدار در زکات بدهد زکات اداء نمی شود ونظام بانکی نیز همین شکل را دارد پس آیا رقم زکات به نظام بانکی فرستاده شود یا توسط بیمه؟

جواب: احوط آن است که توسط بیمه ارسال گردد اما به سیستم بانکی ارسال کردن نیز درست است ومی توان آنرا تاویل نمود.

زکات رقم کمایی شده: سوال: (۱٦٦) آیا دادن زکات در پولی که خود شخص کما یی کرده واجب است؟

جواب: چون رقم به قدر نصاب جمع گردد ویکسال کامل بر آن بگذرد زکات در آن واجب است (۱).

در رقمی که برای داده شده ویکسال برآن گذشته باشد زکات است یانه: سوال: (۱٦۷) زید به پسران خود وصیت نمود که از مال من با چهار صد روپیه از سوی من حج کنید ویک هزار روپیه را به فقرا غذا بدهید بعد از وفات او پسرانش به قیمت یک هزار روپیه به فقرا غذا دادند اما تا کنون با آن چهار صد روپیه حج نکرده اند ویکسال برآن گذشته آیا دربول مذکور است یانه در حالیکه ثلث کل یک هزار وچهار صد روپیه نیز کم می باشد؟

جواب: اداء کردن زکات پول مذکور فرض می باشد (۲).

زکات کرایه منازل: سوال (۱٦۸) زکات بر قیمت منازل است یا بر کرایه آنها؟

جواب: منازلی که برای کرایه دادن خریده شده باشند زکات درکرایه آنها واجب است (۳).

زکات زیوراتی که درآنها غش است: سوال: (۱٦۹) زیورات طلایی که در کشور ما ساخته

ـ ص ۲٦۷) ظفیر

(۱) الزکوٰة راجبة علی الحر العاقل البالغ المسلم اذاملک نصابا ملکا تاما رحال علیه الحول (هدایه کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱٦۷). ظفیر

(۲) نصاب الذهب عشرون مثقالا والفضة مائتا درهم کل عشرة دراهم وزن سبعة مثاقیل الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۵) ظفیر

(۳) وکذالک العقار لواشتری القواریر ولواشتری جوالق لیواجرها من الناس فلا زکوٰة فیها لانه اشتراط للغلة لا للمبالغة کذافی محیط السرخسی (عالمگیری الفصل الثانی فی العروض ج۱ ص ۱٦۸، ماجدیه ج۱ ص ۱۸۰). ظفیر

میشود ۱\۳ حصه در آن غش می باشد پس زکات زیور به چه حسابی داده می شود؟

جواب: چیزی که اکثریت یعنی بیش از نصف آن طلا باشد همه آن حکم طلا را داشته مانند طلای خالص زکات در آن واجب است. (۱)

آیا در رقمی که برای نگهداری شده وچند سال برآن گذشته زکات است یانه: سوال: (۱۷۰) زنی از مدت شش سال بدینسو مصارف رفت وآمد دونفر را به حج علیحده نموده ونگهداشته وامسال می خواهد به حج برود آیا بر رقم مذکور زکات تمام سال های بگذشته واجب است یانه؟

جواب: دادن زکات رقم مذکور واجب است وتا وقتیکه رقم مذکور خرج نگردیده دادن زکات تمام سال های گذشته آن لازم است (۲).

تطبیق دوعبارت: سوال: (۱۷۱) صاحب نصاب کسی است که ۲\۱ ۵۲ توله نقره داشته باشد در حالیکه در فتاوی رشیدیه به ۵۰ روپیه نقد یا به همین قیمت مال زائد از حاجات اصلیه نوشته شده تطبیق ان چگونه است؟

جواب: در فتاوی رشیدیه به حساب تقریبی عمل شده یعنی درهم را پوره چهار (آنه) قرار داده وپنجاه روپیه نوشته درحالیکه یک درهم ۳ ماشه و۵، ۱ رتی می باشد که به این حساب ۲\۱ ۵۲ توله می شود واگر کسر مذکور گذشته شده وپوره ۳ ماشه حساب گردد دوصد درهم پوره ۵۰ توله می شزد واحتیاط آن است که پنجاه توله را نصاب شمرده وزکات آن اداء گردد (۳).

در تمام زیورات نقد زکات واجب بوده وباید بر مستحقین خرج شود: سوال: (۱۷۲) در مساله زکات یک مولوی صاحب می گوید که زکات بر مالی است که افزایش یابد ورقم وزیوری که دفن گردیده وهیچ وقت استعمال نگردد دراین حکم نبوده وزکات برآن نیست ومن می گویم

---

(۱) وغالب الفضة والذهب فضة وذهب (درمختار) ای فتجب زکاتهما لازکوٰة العروض (ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤۲ ، ط. س ج۲ ص ۳۰۰) ظفیر

(۲) الزکوٰة واجبة علی الحرالعاقل البالغ المسلم اداملک نصابا ملکاتاما وحال علیه الحول (هدایه کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱٦۷) . ظفیر

(۳) نصاب الذهب عشرون مثقالا والفضة مائتا درهم کل عشرة دراهم وزن سبعة مثاقیل والدنانیر عشرون قیراطا والدرهم اربعة عشر قیراط والقیراط خمس شعیرات فیکون الدرهم الشرعی سبعین شعیرة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوة المال ج۲ ص ۳۸ – ۳۹ ، ج۲ ص ۲۹۵). ظفیر

که زکات درتمام اموال خواه تحت استعمال باشد یا نباشد ویا دفن باشد فرض است ومستحق آن محتاج می باشد مولوی صاحب می گوید که به محتاج مختص نیست بلکه نخست بر خانواده واطفال خود که وابستگان او هستند وعایدی ندارند در پرورش وتعلیم ایشان خرج کند واگر چیزی اضافه باقی ماند به یتیمان مساکین ومحتاجان بدهد.

جواب: دراین مساله حق همان است که شما می گونید وآن اینکه بر روپیه ونقد وزیور وهر چیز طلائی ونقره ای وسکه پس از گذشت یکسال کامل زکات فرض است اگر چیز دفن شده ویا تحت استعمال نباشد ودرنقد فقها نموی تقدیری را ثابت می نمایند که تفصیل آن درکتب فقه موجود است (۱) وتمام طلبه ای که می توانند عربی بخوانند از آن باخبر اند پس مولوی صاحب چنان یک غلطی بزرگ می نماید که هیچ طالب نمی کند ومصرف زکات محتاجان ومساکین اند خداوند متعال فرموده: (انما الصدقات للفقراء والمساکین) دادن زکات به فرزندان وزوجه وپدر ومادر را تهام فقها حرام نوشته اند وبه این ترتیب زکات اداء نمی شود.

مطلب یک عبارت کتاب (بهشتی زیور): **سوال**: (۱۲۳) این کتاب (بهشتی زیور) چه معنی دارد(هنگامی که فقط نقره یا فقط طلا موجود باشد وزن اعتبار دارد نه قیمت)؟

جواب: مطلب آن این است که مثلاً نقره به وزن دوصد درهم یعنی ۱\۲ ۵۲ توله نصاب زکات است اما اگر به قیمت دیده شود از حد نصاب کم باشد یعنی قیمت آن ۱\۲ ۵۲ روپیه نیست پس بدین جهت گفته که وزن اعتبار داشته وزکات واجب گشته است. (۲)

زکات طلا از نقره: **سوال**: (۱۷٤) اگر زکات طلا از نقره داده شود زکات دادن درست است یانه وزکات نقره چطور داده شود؟

جواب: اگر زکات طلا از نقره داده شود دادن قیمت درست می باشد واگر زکات نقره از خود

---

(۱) واللازم فی مضروب کل منهما ومعموله ولوتبراً اوحلیا مطلقا الخ من ذهب اوفضة الخ ربع عشر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤١ – ٤٢ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷ و۲۹۸). ظفیر

(۲) والمعتبر وزنهما اداء ووجوبا لا قیمتهما (درمختار) ای من حیث الاداء یعتبر فی الوجوب ان یبلغ وزنهما نصابا نحو حتی لوکان له ابریق ذهب اوفضة وزنه عشرة مثاقیل اومائة درهم وقیمة لصیاغته عشرون اومائتان لم یجب فیه شی اجماعا. قهستانی الخ لاقیمتهما الخ وهذا ان لم یزد من خلاف الجنس (ردالمحتار باب زکوة المال ج۲ ص ٤٠ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷). ظفیر

نقره داده شود وهر قدر که زکات واجب باشد پوره اداء گردد مثلاً اگر دادن ۲۰ توله نقره در زکات واجب باشد اگر بخواهد روپیه را در زگات بدهد باید بیست روپیه بدهد نه اینکه مثلاً ۲۰ توله نقره ۱۵ روپیه باشد ووی ۱۵ روپیه بپردازد اینکار درست نیست ([1]).

در زیوراتی که از سوی پدر خسر داده شده زکات دادن چطور است: سوال: (۱۷۵) پدر خصر نعیمه محمد اکرام که به جای شوهر او علی اصغر تمام ضرورر یاتش را تامین میکند مبلغ چهار صد روپیه قرضدار بوده ونزد او آنقدر ذخیره وجود ندارد که زکات درآن واجب باشد البته نزد نعیمه زیوراتی وجود دارد که قیمت آن مبلغ سه صد روپیه می باشد وآنرا پدر خودش وپدر خسرش برایش داده اند ایا برنعیمه زکات واجب است؟

جواب: زکات زیورات مذکور بر نعیمه واجب است زیرا ملکیت او می باشد ([2]).

در زیوارتی که صرف برای پوشیدن داده شده باشد زکات است یانه: سوال: (۱۷٦) علی اصغر شوهر نعیمه برای نعیمه زیوراتی داده که قیمت آن مبلغ دوصد روپیه می باشد وگفته این زیورات از من است هر وقتیکه بخواهم آنراه می گیرم وآنرا صرف برای تزنین در اختیار تو قرار داده ام برای نعیمه پوشیدن ابن نوع زیورات جائز است یا نه وزکات آن بر علی اصغر واجب است یا برنعیمه؟

جواب: زکات برعلی اصغر واجب می باشد نه بر نعیمه وپوشیدن آن برای نعیمه درست است. ([3]) فقط

زکات زیوراتی که درآن نگین وغیزه نصب است چطور داده شود: سوال: (۱۷۷) زید می خواهد زکات زیورات زوجه خود را بدهد اما مشکل آن است که دربعضی از زیورات نگین نصب گردیده اگر نگین را بکشد زیور خراب می شود واگر آنرا نزد زرگر وزن نماید وزن

---

(۱) والمعتبر وزنهما اداء ووجوبا لاقيمتهما (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوٰة المال ج۲ ص ٤٠ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷). ظفير الدين غفر له

(۲) وسبب افتراضها ملك نصاب حولى تام فارغ عن دين له مطالب من جهة العباد الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ٥ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۷) وفى تبر الذهب والفضة وحليهما واوانيهما الزكوٰة (هدايه باب زكوٰة المال ج۱ ص ۱۷۷). ظفير

(۳) الزكوٰة واجبة على الحر العاقل البالغ المسلم اذاملك نصابا ملكا تاما وحال عليه الحول (هدايه كتاب الزكوٰة ج۱ ص ۱٦۷). ظفير

صحیح معلوم نمی شود همچنان اگر مقدار طلا از حد نصاب کم باشد زکات آن به شمول نقره داده شود یا زکات طلا علیحده اداء گردد همچنان زکات طلا ونقره از یک چیز کشیده شود یا اینکه زکات طلا از طلا داده شود وزکات نقره از نقره واگر در زکات زیوری داده خود آیا درآن حرجی نیست؟

جواب: باید به صورت صحیح اندازه گردیده وزکات آن داده شود اما باید برای اندازه کننده گفت که تا جایی که ممکن است احتیاط را مد نظر داشته باشد مثلاً حد اعظم مقدار طلا ونقره را که به نظر آید همان را اختیار کند. در اینصورت قیمت را با نقره شامل نموده وزکات آنرا بدهید همچنان دادن زکات از یک جنس جائز می باشد واگر در زکات زیوری داده شود در آن حرجی نیست. (۱)

بدون اجازه شوهر فروختن زیور غرض ادای زکات درست است یانه: سوال: (۱۷۸) بر ذمه هنده زکات زیوراتش از چند سال بدینسو واجب است وعایدی ندارد که زکات آنها را اداء کند مگر اینکه قسمتی از زیورات را بفروشد ویا اینکه شوهرش انرا اداء نماید مگر هر وقتیکه هند این مساله را به شوهر خود یاد آوری میکند می گوید که اداء خواهیم کرد وبه فروش بخشی از زیورات راضی نمی گردد در اینصورت اگر هنده بدون اجازه شوهر وبدون رضای او بخشی از زیورات را بفروشد وزکات آنرا اداء کند جائز است یانه؟

جواب: اگر زیورات مذکور ازسوی شوهر داده ویا ساخته شده وطوریکه عرف است ملکیت زن نمی باشد زکات آن بر ذمه شوهر بوده وبر زن چیزی لازم نیست واگر شوهر زکات آنرا ندهد خودش گنهگار گردیده وزن گنهگار نمی شود واگر زیورات مذکور در جهیز از سوی والدین براي زن مذکور داده شده وملکیت خودش باشد زکات آن برذمه خودش واجب بوده ومی تواند

(۱) ويضم الذهب الى الفضة وعكسه بجامع الثمنية وقالا بالاجزاء الخ (درمختار) قوله يضم الخ عند الاجتماع اما انفراد احدهما فلا تعتبر القيمة اجماعا بدائع لان المعتبر وزنه اداء ووجوبا لماس. وفي البدائع ايضا ان ما ذكر من وجوب الضم اذالم يكن كل واحد منهما نصابا بان كان اقل فلو كان كل منهما نصابا تاما بدون زيادة لا يجب الضم، بل ينبغي أن يؤدي من كل واحد زكاته. فلو ضم حتى يؤدي كله من الذهب أو الفضة فلا بأس به عندنا. ولكن يجب أن يكون التقويم بما هو أنفع للفقراء رواجا. وإلا يؤدي من كل منهما ربع عشره (ردالمحتار باب زكوة المال ج۱ ص ۴۵ وص ۴۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۳). ظفير

بخشی از آنرا بفروشد وزکات آنرا اداء کند وضرورتی به اجازه گرفتن از شوهر نیست. ([1])

زکات تکه های زر بفت: سوال: (۱۷۹) لباس زنان هندوستانی تکه های قیمتی زربفت شجر بنارسی وغیره می باشد که درآنها تارهای نقره حتماً وجود دارد زکات آن چگونه مشخص گردید زیرا تخمین آن مشکل می باشد؟

جواب: تار زری را که درتکه های بنارسی وغیره می باشد خود تخمین نموده ویا توسط شخص که در اینکار مهارت داشته باشد وتخمین نمودن تاپه طلا ونقره نیز اشان است مثلاً یک بسته مکمل همان تکه دیده شود که درآن چقدر طلا ونقره وجود دارد وسپس از روی آن تخمین گردد خلاصه آنکه درچنین مواردی تخمین کافی می باشد وتخمین باید حتی الوسع چنان صورت گیرد که کمی باقی نماند هر چند کمی زیادت صورت گیرد ([2]).

اگر شوهر زن خود را مالک زیورات بسازد زکات بر چه کسی است: سوال: (۱۸۰) شوهر پس از سپری شدن چند سال از نکاح زن خود را مالک زیورات ساخت واو اکنون پس از چهار سال می خواهد زکات زیورات مذکور را بدهد زن تاریخی را که درآن مالک زیورات مذکور گردیده به یاد ندارد ودر صورتیکه میان مال زن وشوهر امیتازی نباشد چه کسی نیت زکات را بنماید؟

جواب: چون شوهر زن خود را مالک زیورات مذکور ساخته لذا خود زن باید نیت کند واگر شوهر از سوی او زکات را اداء نماید نیز درست است.

زکات زیورات را از چه وقتی بدهد: سوال: (۱۸۱) الف: زید زکات رقم نقد را می پرداخت وزکات زیورات را بدین گمان نمی داد که زیورات تحت الاستعمال اند واکنون چون پس از پرسش برایش معلوم گردیده که که رستگاری درآن است که زکات زیورات نیز داده شود می خواهد زکات زیوارت را نیز بدهد اما او بیاد ندارد که از چه وقتی مالک نصاب است وچه وقتی دادن زکات رقم نقد خویش را شروع نموده ومقادیر زیاد از جمله زیورات مذکور به فروش نیز

---

(۱) الزکوٰة واجبة علی الحرالعاقل البالغ اذاملک نصابا ملکا تاما وحال علیه الحول (هدایه کتاب الزکاة ج۱ ص ۱۶۷). ظفیر

(۲) وفی تبر الذهب والفضة وحلیهما واوانیهما الزکوٰة (هدایه باب زکوٰة المال فصل فی الذهب ۱ ص ۱۷۷). ظفیر

رسیده است که به عوض آن رقم نقد بدست آمده وزکات آن داده شده است ومقداری از زیورات هنوز موجود بوده ونرخ طلا ونقره نیز پیوسته کم وزیاد شده است وقلب او نیز گواهی نمی دهد که از چه وقتی زکات بدهد در اینصورت زید از چه وقتی وبه کدام نرخی زکات زیورات را اداء کند؟

ب: رواج در اینجا چنان است که هنگام عروسی زیورات به طریقی به عروس داده می شود که نمی داند که ملکیت اوست یانه زید وخانمش هر دو بدون آنکه اولادی داشته باشند وفات نمودند صرف پدر زید وبرا دران وخواهران خانمش زنده هستند اکنون چه کسی مستحق است که زیورات مذکور را بگیرد وزکات آن را از چه وقتی اداء کند؟

جواب: دادن زکات زیورات نیز فرض بوده واز وقتیکه مال آن شده است باید زکات آنرا بپردازد باید دراین مورد تخمین صورت گیرد واگر چند روزی زیادت واقع شود بهتر می باشد اما نباید کمی صورت گیرد.

زیوراتی که دراین روزگار از سوی شوهر به زن داده می شود مطابق عرف زن مالک آن نمی باشد بلکه ملکیت شوهر بوده وبعد از وفات شوهر به زن ووالدین اومطابق شرعیت سهم می رسد وحصه ای که به زن می رسد پس ازفوت او به پدرش تعلق میگیرد زیرا در وجود پدر برادر وخواهر محروم اند وزکات از وقتی داده می شود که زیورات ساخته شده است. (۱)

<u>درتبدیلی نوت به روپیه فایده گرفتن چطور است وبر نوت زکات است یانه</u>: سوال:

(۱۸۲) هنگام تبدیل کردن نوت به روپیه فایده گرفتن جائز است یا به واگر نزد کسی تنها نوت موجود باشد آیا پس از حولان حول زکات برآن واجب است یانه؟

جواب: در صورتیکه راه دیگری برای تبدیل کردن وجود نداشته باشد دادن مفاد جائز است گرچه قاعده آن است که دادن وگرفتن مفاد بر نوت جائز نیست اما به مجبوریت میتوان مفاد داد

---

(۱) ولی تبر الذهب والفضة وحلیهما واوانیهما الزکوٰة الخ لنا ان السبب مال نام ودلیل النماء موجود وهو الاعداد للتجارة خلقة (هدایه باب زکوٰة المال ج۱ ص ۱۷۷). ظفیر روشن است که منظور عرف شبه قاره هند است اما در افغانستان تا جایی که من معلومات دارم زیورات ملکیت زن می باشد. (مترجم)

ویا گرفت (۱) وبرنوت پس از حولان حول زکات لازم میگردد (۲).

بایکجا نمودن طلا ونقره نصاب تکمیل میگردد آیا زکات واحب است یانه: سوال (۱۸۳) نزد زنی مقداری زیوارت طلایی ومقداری زیورات نقره ای وجود دارد اما مقدار هردو از نصاب کم باشد واگر هر دو باهم یکجا گردند نصاب تکمیل می شود آیا باید زکات داده شود یانه؟

جواب: در اینصورت قیمت را حساب نموده وزکات واجب میگردد مثلاً طلا را به قیمت نقره تبدیل نموده وبه مجموعه آن دیده شود اگر نصاب نقره توسط آن مجموعه تکمیل گردد زکات لازم می باشد (۳).

زکات معاشی که هنگام ادای زکات بدست نیامده است: سوال: (۱۸٤) زید دریک کار خانه کار میکند، به تاریخ ۱۰ یا ۱۲ شعبان دوماه رخصتی سالانه به او داده می شود واو به تاریخ پانزدهم رمضان به دلیل صاحب نصاب شدن فریضه زکات را اداء میکند ومعاشی شعبان ورمضان وقتیکه درماه شوال دوباره به وظیفه حاضر گردد برایش داده می شود پس آیا درتاریخ پانزدهم رمضان سال ۱۳۳۵ ادای زکات معاش آن دوماه واجب می باشد یا اینکه به شرط زکات آنرا در رمضان ۱۳۳٦ ادا کند؟

جواب: چون تا کنون معاش شعبان ورمضان حصول نگردیده لذا دادن زکات آن در این رمضان واجب نمی باشد اگر رقم حصول گردد وتاختم سال آینده باقی بماند ادای زکات آن لازم میگردد (٤).

قیمت طلا به حساب نرخ بازار محاسبه میگردد: سوال: (۱۸۵) درخانه زید مقداري زیورات وجود دارد که خود او مالک آن می باشد اکنون نرخ بازار نظر به نرخی که برای او تمام شده

---

(۱) الضرورات تبیح المحظورات (الاشباه والنظائر ص ....). ظفیر

(۲) شرط افتراض ادائها حولان الحول وهوفي ملکه وثمنیة المال کالدراهم والدنانیر لعینهما للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزکوٰة کیفما امسکهما ولوللنفقة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۷). ظفیر

(۳) شرط إفتراض ادائها حولان الحول وهوفي ملکه وثمنیة المال کالدراهم والدنانیر لعینهما للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزکوٰة کیفما امسکهما ولوللنفقة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۷). ظفیر

(٤) وتضم قیمة العروض الی الثمنین والذهب الی الفضة قیمة وضم احدی النقدین الی الاخر قیمة مذهب الامام حتی ان من کان له مائة درهم وخمسة مثاقیل ذهب تبلغ قیمتها مائة درهم فعلیه الزکاة عنده (البحر الرائق ج۲ ص ۲۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۰). ظفیر

گران است واگر زیورات مذکور را بفروشد یقیناً که به ثلث کمتر از نرخ بازار به فروش می رسد پس به چه حسابی زکات انرا بدهد زیرا قیمت خرید وفروش در بازار فرق دارد واگر به فقرا طلا در زکات داده شود به سختی موجب خساره ایشان میگردد زیرا دوکاندا ران آنرا به نرخ بسیار ارزان از ا یشان خریداری می نمایند.

جواب: به قیمتی که در بازار است یعنی به قیمتی که دوکاندار می فروشد محاسبه نموده وزکات آنرا بدهد واگر می خواهد در زکات خود طلا را بدهد ۱\٤ حصه آنرا به فقرا بدهد زکات اداء میشود اگر چه فقر (آنرا به قیمت نازل بفروشند (۱).

<u>رقمی که به تدریج زیاد می شود زکات آن حطور داده شود</u>: سوال: (۱۸٦) شخصی بطور ماهوار از رجب ۱۳۳۵ الی جمادی الثانی ۱۳۳٦ به اندازه های مختلف رقم ذخیره کرده است که مجموع آن ها رقم قابل زکات میگردد ودر سرمایه او زیادت پیوسته دوام داشته است که زکات آنرا سالانه همیشه می دهد اما زکات این ارقام متفرق را سالانه چگونه ادا کند در حالیکه ده روپیه در رمضان بیست روپیه در شوال وبه همین ترتیب سرمایه او بلند رفته اکنون زکات آنرا در رجب به چه حساب بدهد؟

جواب: اگر او در رجب ۱۳۳۵ صاحب نصاب بوده پنجاه یا شصت روپیه نقد یا زیور یا مال رجب نزد او موجود بوده وپس از آن ارقام دیگری درشعبان رمضان وسوال ذخیره نموده وتا جمادی الثانی ۱۳۳٦ نزد او مثلاً ۵۰۰۰ روپیه نقد جمع گردیده دادن زکات همان ۵۰۰ روپیه لازم میگردد واگر در رجب ۱۳۳۵ نزد او به مقدار نصاب مال موجود نبوده باشد از وقتیکه نزد او مال به قدر نصاب جمع گردد از همان وقت سال شروع می شود وسپس ارقامی که در وسط سال اضافه می شود در پایاني سال جمع گردیده وزکات تمام آن داده می شود ودر شوال ۱۳۳٦ باید زکات تمام رقم داده شود دراین مورد از عالمی بطور شفاهی بپرسید (۲).

---

(۱) وجاز دفع القيمة في زكوة الخ وتعتبر القيمة يوم الوجوب وقالا يوم الاداء الخ ويقوم في البلد الذى المال فيه (ايضاباب زكوة الغنم ج۲ ص ۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۵) واللازم في مضروب كل منهما الخ ربع عشر (ايضا باب زكوة المال ج۲ ص ٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷ – ۲۹۸) ظفير

(۲) والمستفاد ولو بهبة اوارث وسط الحول يضم الى نصاب من جنسه فيزكيه بحول الاصل الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب =

اگر رقمی که قرض گرفته شده نگهداری شود زکات آن بر چه کسی است: سوال: (۱۸۷) شخص از دیگری دو یا چهار صد روپیه قرض حسنه گرفته ویکسال آنرا نگهداشته است اکنون زکات بر قرض دهنده می باشد یا بر قرض گیرنده؟

جواب: زکات آن بر قرض دهنده لازم می باشد که وقتیکه رقم مذکور دوباره نزد او بیاید دادن زکات سال گذشته آن واجب می باشند (۱).

درزکات طلا ونقره کدام نرخ اعتبار دارد: سوال: (۱۸۸) اگر کسی در زکات زیورات خود مثلاً دوتوله طلا یانقره را بکشد واگر بخواهد به جای طلا یا نقره مذکور قیمت آنرا بپردازد درآن عام اعتبار دارد یا نرخ زمانی که طلا یانقره مذکور فروخته شده است؟

جواب: اگر دادن دوتوله نقره در زکات لازم باشد دادن همان دوتوله ضرور می باشد هر چند خود نقره را بدهد یا روپیه سکه دار را ودرست نیست که اگر قیمت دوتوله نقره ۱ ۷۵ باشد آنرا بپردازد بلکه باید دو روپیه پوره بدهد واگر قیمت نقره زیاد باشد مثلاً یک توله آن ۲۵. ۱ قیمت داشته باشد دادن ۲۵. ۱ روپیه بر او لازم نیست مگر اینکه تبرعاً بدهد واگر دادن یک توله طلا لازم باشد اختیار دارد که یک توله طلا می دهد یا قیمت آنرا مثلاً اگر قیمت آن در بازار سه روپیه باشد وسه روپیه بدهد زکات اداء می شود (۲).

اگرحصه ای از زکات بخود شخص باز گرداند شود چه حکم دارد: سوال: (۱۸۹) هنده همیشره زید وفات نمود واز ترکه او چیزی زیور برای زید نیز رسید وزید آنرا غرض ادای زکات واجبه همشیره متوفای خود به برا در خود بکر دارد بکر دید که زید خود مصرف زکات است وبسیار قرضدار می باشد لذا زیور مذکور را فروخته وقیمت آنرا به نیت زکات همشیره

= زکوٰة الغنم ج۲ ص ۲۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۸). ظفیر

(۱) ولوکان الدین علی مقر الخ فوصل الی ملکه لزم زکوٰة مامضٰی (ایضا کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۶). ظفیر

(۲) والمعتبر وزنهما اداء ووجوبا لا قیمتهما (درمختار) وهذا ان لم یؤد من خلاف الجنس والا اعتبرت القیمة اجماعا کما علمت (ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷) وجاز دفع القیمة في زکاة وعشر وخراج وفطرة ونذر وکفارة غیر الاعتاق (درمختار) ثم إن هذا مقید بغیر المثلی، فلا تعتبر القیمة في نصاب کیلي او وزني. فإذا ادی اربعة مکاییل او دراهم جیدة عن خمسة ردیئة او زیوف لا یجوز عند علمائنا الثلاثة إلا عن أربعة، وعلیه کیل أو درهم آخر خلافا لزفر، وهذا إذا أدی من جنسه. وإلا فالمعتبر هو القیمة اتفاقا لتقوم الجودة في المال الربوي عند المقابلة، بخلاف جنسه. (ردالمحتار باب زکوٰة الغنم ج۲ ۲ص۲۹). ظفیر

متوفای خود به زید داد در اینصورت زکات ادا شده است یانه زیرا این شبه وجود دارد که زید موکل بوده وبکر فقط وکیل می باشد وفعل وکیل عین فعل موکل است ودراینصورت گویا زید خود زکات داده وخود زکات را میگیرد؟

جواب: زیوری که از ترکه همشیره به زید رسیده ملکیت زید می باشد وچون وکیل زید آنرا فروخته ودوباره آنرا به زید بدهد زکات اداء نمی شود زیرا قیمت ملکیت او نزد خودش باقی مانده است (۱).

زکات نقد وزیورات: **سوال**: (۱۹۰) نزد زید به قیمت یک صد وپنجاه روپیه زیورات طلائی ویکصد وپنج روپیه نقد موجود می باشد رقم نقد را برای اعمار خانه نگهداشته وزیورات را زنان خانواده اش گاهگاهی می پوشند باید چند روپیه را وچه وقت به حساب زکات بدهد ومصرف اساسی زکات چیست؟

جواب: در اینصورت نزد زید ۲۵۵ روپیه نقد وزیورات وجود دارد پس باید زید هر سال به حساب فی صد ۲ ۱\۲ روپیه شش روپیه وشش آنه را در زکات بدهد واگر درسالی قیمت ها کنم وزیاد شود به همین اندازه درآن تغییر وارد می شود وزکات در رقم نقد زیورات وسامان تجارتی پس از گذشت یکسال واجب می باشد (۲) مصرف زکات فقرا مساکین اطفال یتیم زنان بیوه وغیره می باشد وکسیکه زیاد محتاج بوده وقرابتی داشته باشد دادن آن به او بهتر است وارسال به مدارس اسلامی برای طلبه فقیر ثواب بیشتر دارد (۳).

در رقمی که با آن منزل مسکونی خریده شود ایا زکات واجب است: **سوال**: (۱۹۱) شخصی منزلی را به قیمت پنجصد روپیه خریداری نمود اما اعضای خوانواده او سکونت در آنرا

---

(۱) ولایدفع المزکی زکوٰة ماله الی ابیه وجده وان علا ولا الی ولده ولا الی ولد ولده وان سفل لان منافع الاملاک بینهم متصلة فلایتحقق التملیک علی الکمال (هدایه باب من یجوز دفع الصدقات الیه ج۱ ص ۱۸۸) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۸۵ ، ط. س. ج۲ ص۳۴۴). ظفیر

(۲) وشرط افتراض ادائها حولان الحول وهو فی ملکه وثمنیة المال کالدراهم والدنانیر لتعینهما للتجارة فتلزم الزکوٰة کیفما امسکهما (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۷) واللازم فی مضروب کل منهما ومعموله ولوتبرا اوحلیا مطلقا الخ ربع عشر (ایضا باب زکوٰة المال ج۲ ص ۴۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷ و۲۹۸). ظفیر

(۳) ومصرف الزکوٰة الخ وهو فقیر هومن له ادنی شیئ ای دون نصاب الخ ومسکین الخ وفی سبیل الله الخ وابن السبیل الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

نپسندیدند لذا اراده فروش آنرا نمود آیا در اینصورت در پنجصد روپیه مذکور زکات واجب است یانه؟

جواب: در پنجصد روپیه ای که با آن منزل خریده شده زکات واجب نیست اما تاوقتی که رقم مذکور موجود بوده ومنزل خریده نشده بود زکات درآن واجب بوده وچون منزل خریده شده زکات ساقط گردید (۱) وهنگیامیکه منزل به فروش برسد وپول نقد بدست بعد از گذشت یکسال زکات درآن واجب می گردد (۲).

رقمی به مالک اراضی در رهن گذاشته باشد درمورد زکات آن چه حکم است: سوال:
(۱۹۲) رقمی که دربدلي رهن اراضی به مالکان اراضی داده می شود باید در زکات آن هر سال اداء گردد یانه یا بعد از حصول اداء شود وبه تقدیر دوم زکات تمام سال های گذشته واجب می شود یانه؟

جواب: در رقم مذکور بعد از حصول زکات لازم می باشد وطوریکه در الدر المختار آمده باید زکات سای های گذشته نیز داده شود (۳).

صرف بدلیل موجودیت زیور زکات واجب است یانه: سوال: (۱۹۳) نزد زنی که به قیمت صد روپیه زیورات وجود داشت تا وقتیکه صاحب مال بود زکات آنرا پیوسته می داد اما اکنون فقیر گردیده اما زیورات مذکور هنوز نزد او موجود می باشند آیا دادن زکات بر زن مذکور لازمی می باشد یانه؟

جواب: اگر زیورات او به قدر نصاب باشد دادن زکات زیورات مذکور لازم بوده وگرفتن زکات برای او جائز نمی باشد (٤).

---

(۱) ولا یدفع زکوٰة فی لباب البدن الخ واثاث المنزل ودور السکنیٰ ونحوها (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۰).
ظفیر الدین غفر الله له

(۲) وشرطه ای شرط افتراض ادائها حولان الحول وهوفی ملکه وتنمية المال کالدراهم والدنانیر لعینهما للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزکاة کیفما امسکهما ولوللنفقة (ایضا ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۷). ظفیر

(۳) ولوکان الدین علی مقر الخ فوصل الی ملکه لزم زکوٰة مامضیٰ (ایضا ج۲ ص۱۲ ط. س ج۲ ص۲٦٦). ظفیر

(٤) واللازم فی مضروب کل منهما ای الذهب والفضة ومعموله ولوتبرا اوحلیا مطلقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷ و۲۹۸) . ظفیر

آیا در رقمی که به شکل ضمانت به دولت داده شود زکات است یانه: سوال: (۱۹٤) شخصی غرض ضمانت وظیفه دولتی مبلغ صد روپیه را به دولت سپرده است وتا وقتیکه او در وظیفه باشد رقم ضمانت او پس برایش داده نمی شود وهنگامی که تقاعدکند رقم مذکور برایش باز پس داده می شود پس در رقم مذکور زکات است یانه؟ اگر زکات واجب باشد باید بعد از باز گرفتن داده شود یا سال به سال اداء کردن آن واجب می باشد؟

جواب: در رقم مذکور پس از باز پس گرفتن اداء کردن زکات تمام سال های گذشته واجب می باشد واگر گمان چنان است که بعد از باز پس گرفتن دادن زکات چندین سال گذشته لازم خواهد بود که رقم کثیری می شود اگر هر سال بارقم موجوده خود زکات آنرا بدهد نیز درست می باشد (۱).

در زیورات ساخته شده اوجواهر زکات نیست: سوال: (۱۹۵) در زیوراتي که فقط از جواهر ساخته شده باشند زکات است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (لا زکوة فی اللآلی والجواهر وان ساوت الفاً اتفاقاً الا ان تکون للتجارة) (۲) پس در زیوراتی که از جواهر ساخته شده وبه نیت تجارت نباشد زکات نیست.

زکات زیورات طلایی که جواهر کاری شده باشند: سوال: (۱۹٦) زیوارتی که طلایی بوده وجواهر کاری شده باشند زکات آنها به چه طریقی داده شود؟

جواب: زیور را نرخ گذاری نموده وزکات آنرا اداء کند (۳).

زکات زیوری که یک حصه آن نقره ودوحصه آن جواهرات باشد: سوال: (۱۹۷) در زیوری که یک حصه آن نقره ودو حصه آن جواهرات باشد زکات به چه حسابی داده شود؟

جواب: اگر در زکات نقره می دهد نقره زیور مذکور را اندازه کند هر قدر نقره باشد ۱\٤۰ حصه آنرا بدهد (٤).

---

(۱) وکذا الودیعة عند غیر معارفه (درمختار) فلوعند معارفه تجب الزکوة (ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦). ظفیر الدین غفر له

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة قبیل باب السائمة ج۲ ص ۱۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة قبیل باب السائمة ج۲ ص ۱۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦. ظفیر =

اگر قیمت طلا ونقره معلوم نگردد آیا می توان به اساس قیمت مدتی قبل زکات داد:

سوال (۱۹۸) اگر قیمت طلا ویانقره به صورت صحیح معلوم نگردد وقیمت سه چهار ماه گذشته را مد نظر قرار داده وزکات را اداء کند آیا زکات اداء می شود یانه؟

جواب: اصل آن است که قیمت زمان فروش معلوم گردد ومطابق آن زکات ادا گردد اما چون معمولاً ظرف سه چهار ماه تفاوت زیادی درقیمت های رونما نمی گردد پس اگر جانب احتیاط مد نظر قرار داده شده وبه این طریقه زکات اداء گردد زکات اداء می شود ([1]).

اگر زیور زن رهن باشد زکات آن بر ذمه کیست: سوال: (۱۹۹) اگر زیور زن به اساس ضرورت رهن داده شود زکات آن بر ذمه زن است یا بر ذمه شوهرش؟

جواب: زکات آن برذمه زن می باشد ([2]).

زکات در رقمی که به اساس فوت ناگهانی کسی به ورثه اش ازسوی حکومت داده می شود: سوال: (۲۰۰) زید اثر تصادم ریل وفات نمود کمپنی ریل در بدل جان زید برای والدین خانم وسه طفل نابالغش که دو دختر سه ساله وچهار ساله ویک پسر یک ونیم ساله می باشد سی هزار روپیه داده اما شرط آن این است که در پسته خانه گذشته شده وده سال بعد در عروسی دختران وتعلیم اعلای پسر او به خرج رسد وشش هزار روپیه ای که سهم زن اوست جهت پرورش اطفالش غرض حفاظت در پوسته خانه نگهداری خواهد شد دراین صورت در رقم آن اطفال وآن بیوه زکات فرض است یانه؟

جواب: تاوقتیکه اطفال نابالغ باشند درسهم ایشان زکات نیست طوریکه در الدر المختار آمده: (وشرط افتراضها عقل وبلوغ)، ودرشامی گوید (فلا تجب علی مجنون وصبی ([3])، وسهمی که

---

(٤) واللازم فی مضروب کل منهما ومعموله ولو تبرا اوحليا مطلقا الخ ربع عشر الخ وغالب الفضة والذهب فضة وذهب وماغلب غشه منهما يقوم ويشترط فيه النية الا اذاكان يخلص منه مايبلغ نصابا اواقل وعنده ما يتم به الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زكوٰة المال ج۲ ص ٤٢ – ٤٣ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷ و۲۹۸). ظفير

(۱) وتعتبر القيمة يوم الوجوب وقالا يوم الاداء وفی السوائم يوم الاداء اجماعًا وهو الاصح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زكوٰة الغنم ج۲ ص ۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸٦). ظفيرس

(۲) الزكوٰة واجبة علی حر مسلم عاقل بالغ اذاملک نصابا ملكا تاما (هدايه كتاب الزكوٰة ج۱ ص) . ظفير

(۳) ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۵۸. ظفير

برای زن ووالدینش رسیده در آن زکات واجب می باشد واطفال بعد از آنکه بالغ شوند پس از بلوغ درسهم ایشان نیز زکات واجب می گردد (۱).

زکات پولی که به کار انداخته شده باشد: سوال: (۲۰۱) رقمی که به کار انداخته شده وزیاد تر با آن داد وستد صورت گیرد وسال کامل درهیچ یک حال بر آن نگذرد آیا در رقم مذکور زکات واجب الاداء می باشد؟

جواب: در اخیر سال هر قدر مال تجارت ورقم نقد موجود باشد حساب شود وزکات آن اداء گردد (۲) ورقمی که بر ذمه مردم قرض می باشد دادن زکات آن نیز پس از حصول به شمول ایام گذشته لازم می باشد. (۳)

در مورد زکات جایداد ومنزل شخصی که از ضرورت بیشتر باشد چه حکمی وجود دارد:

سوال: (۲۰۲) هنگامیکه جایداد ومنزل شخصی از ضرورت زیاد بوده وبه کرایه داده شده باشد زکات بر قیمت آن می باشد یا بر عاید آن؟

جواب: زکات برقیمت لازم نبوده بلکه هرگاه عاید آن به قدر نصاب برسد وبر آن تنها یا یکجا با رقوم موجود دیگر یک سال پوره بگذرد زکات درآن لازم می گردد (۴).

زکات جایدادی که برزمین کرایی باشد: سوال: (۲۰۳) اگر بر زمین هایی کرایی جایداد بنا گردد وقیمت ان تا وقتی بر جامی باشد که جایداد درآن قائم باشد زکات آن چطور اداء گردد؟

جواب: وقتی کرایه آن جمع گردد حسب شرایط زکات درآن لازم می باشد. (۵)

زکات رقمی که براوراق دولتی نصب میگردد: سوال: (۲۰۴) رقمی که بر اوراق دولتی وغیره نصب میگردد میعاد رایسی آن بسیار طولانی می باشد زکات آن چطور اداء گردد؟

---

(۱) ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۵۸. ظفیر

(۲) وقیمة العرض للتجارة تضم الی الثمنین لان الکل للتجارة وضعا وجعلا الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤٥ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۳) . ظفیر

(۳) ولوکان الدین علی مقر الخ فوصل الی ملکه لزم زکوٰة مامضٰی (ایضا کتاب الزکاة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦). ظفیر

(٤) ولازکوٰة فی ثیاب البدن الخ واثاث المنزل ودور السکنٰی ونحوها وکذا الکتب (درمختار) قوله ونحوها ای کثیاب البدن الغیر المحتاج الیها وکالحوانیت والعقارات (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٤ – ۲٦۵). ظفیر

(۵) فاذا کانت مائتین وحال علیها الحول ففیها خمسة دراهم (هدایه باب زکوٰة المال ج۱ ص۱۷٦). ظفیر

جواب: مفهوم سوال درک نگردید باید در مورد این سوال تشریحات بیشتر بدهید.

زکات رقمی که در پسته خانه نگهداری می شود: سوال: (۲۰۵) الف: رقمی که از سر سال به اینطرف در پسته خانه نگهداری می شنود در مورد زکات آن چه حکمی وجود دارد؟

زکات بررقم بانک: سوال: (۲۰٦) ب: رقمی که بطور قرض به بانکی داده شده زکات آن چه حکم دارد؟

زکات رقمی که به دولت قرض داده شده: سوال: (۲۰۷) ج: رقمی که به دولت قرض داده شد. در مورد زکات آن چی حکمی وجود دادر؟

زکات رقمی که در داد وستد به کارمی رود: سوال: (۲۰۸) د: رقمی که در داد وستد بکار می رود وبه قرض داده می شود زکات آن چه حکم دارد؟

جواب: الف، ب، ج، د: در تمام این موارد حکم زکات وجود دارد که پس از حصول دادن زکات سال های گذشته نیز واجب می باشد ([1]).

زکات زیورات هرسال داده می شود: سوال: (۲۰۹) آیا زکات زیورات هر سال داده می شود یا فقط یک مرتبه کفایت میکند؟

جواب: زکات زیورات باید هر سال داده شود ([2]).

زکات زیورات: سوال: (۲۱۰) نزد من زیوری وجود دارد که از رشش ۵۳ روپیه می باشد این تخمین نظر به قیمت بازار بسیار بلند صورت گرفته بعد از سپری شدن دوسال پنج روپیه را در زکات این زیور داده ام بر علاوه زیور مذکور نزد من هفت روپیه نیز موجود می باشد آیا بر آن نیز پس از گذشت یکسال زکات لازم می گردد ورقمی که به قرض داده ام باید بر آن سال علیحده بگذرد یانه؟

جواب: زکات زیور راکه کشیده اید از مقدار اصلی کمی بیشتر می باشد که خوب است ورقمی

---

(۱) وفي مقربه تجب مطلقا سواء كان مليئا اومعسرا اومفلسا كذا في الكافي (عالمكيرى مصرى، كتاب الزكوٰة، باب اول ج۱ ص۱٦٤، ط. س. ج۲ ص ۱۷۳). ولو كان الدين على مقر ملئ الخ فوصل الي ملكه لزم زكوٰة ما مضى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص۱۲ ط.س. ج۲ ص۲٦٦). ظفير

(۲) فاذا كانت مائتين وحال عليها الحول ففيها خمسة دراهم (هدايه باب زكوٰة المال ج۱ ص۱۷٦). ظفير

که نقد موجود می باشد زکات آن نیز لازم بوده وگذشتن سال جدا گانه برآن ضرور نیست وقتی که بر زیور یکسال بگذرد دادن زکات آن رقم نیز لازم می باشد (۱) به همین ترتیب بر رقمی که قرض داده شده نیز گذشتن علیحده ضرور نیست اما زکات آن قبل از حصول واجب الاداء نمی باشد واگر قبل از حصول بدهید بهتر است. (۲)

دوصد درهم شرعی چند روپیه است: سوال (۲۱۱) دو صد درهم شرعی چند روپیه است؟

جواب: دوصد درهم شرعی به وزن سبعه ۲\۱ ۵۲ توله می باشد پس یک درهم شرعی به وزن سبعه سه ماشه و۵، ۱ رتی می باشد که اگر کسر رتی بر داشته شود وفقط سه ماشه حساب گردد پنجاه رپیه میشود بناء بعضی از حضرات کسر را انداخته وپنجاه روپیه را نصاب گفته اند (این محاسبه مربوط به سال ۱۳۳۲ قمری می باشد که دران وقت نقره ارزان بود وباید دانست که مدار محاسبه نقره می باشد) ظفیر.

در پول سیاه زکات است یانه: **سوال**: (۲۱۲) نزد شخصی پنجاه روپیه پول سیاه موجود است که برای مخارجش می باشد ویکسال پر آن گذشته آیا زکات درآن واجب است یانه؟

جواب: پول سیاه که برای تجارت نباشد درآن زکات واجب نیست (اگر نزد صاحب نصابی باشد درآن نیز زکات پس از حولان حول ضرور می باشد) ظفیر.

اگر شخصی جایداد خود را به قسط بفروشد زکات را چگونه ادا کند: **سوال**: (۲۱۳) زید قسمتی از جایداد خود را طوری فروخت که قیمت به شکل قسط برایش داده می شود وزمانه ادای هر قسط تعیین گردیده بیع جائز بوده اما چون مال طوری است که نصاب شمرده نمی شود وآنچه درمقابل آن گرفته می شود طوری است که نصاب می باشد آیا دراین صورت بر رقمی که طرف قبول طرفین زکات واجب میگردد یا بر رقوم معین که به زید داده می شود وبه مقداری که حصول می گردد گذشت سال ضروری می باشد یا اینکه از تاریخ فروش حساب نموده و زکات آنرا اداء کند.

---

(۱) فاذا كانت مائتين وحال عليها الحول ففيها خمسة دراهم (هدايه باب زكوٰة المال ج۱ ص۱۷٦). ظفير

(۲) ولوكان الدين على مقر (الى قوله) فوصل الى ملكه لزم زكوٰة مامضٰى (ايضا كتاب الزكاة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦). ظفير

جواب: هروقت به هر اندازه رقمی که حصول میگر دد سال از همان وقت حساب شود وپس از گذشت سال زکات درآن واجب می شود ودر بعضی از روایات آمده که پس از حصول مقدار نصاب زکات لازم میگردد واین قول را ظاهر روایت ومفتی به قرار داده اند ودر بعضی از روایات قول اول را صحیح خوانده اند شامی گوید: (وهو الاقیس) (۱).

زیور چقدر ارزش داشته باشد زکات درآن واجب می گردد: سوال: (۲۱٤) زیور طلایی ونقره ای چقدر ارزش داشته باشد زکات برآن واجب می گردد وبا چه ارزشی به حد نصاب می رسد؟

جواب: اگر زیور نقره ای ۱\۲ ۵۲ توله وزیور طلایی ۱\۲ ۷ توله باشد شخص صاحب نصاب بوده وزکات درآن واجب می باشد (۲).

بر تکت وغیره زکات است یانه: سوال: (۲۱۵) نزد زید اضافه از جوائج ضروری رقمی بطور پس انداز وجود دارد که زکات در آن فرض می باشد که آنرا نزد بکر امانت گذاشته ورقمی که نزد خود اوست به جای آنکه روپیه نقد یا

طلا باشد نوت ویا تکت می باشد که در حقیقت نوعی کاغذ قرضه است که به زید قرض بدون سود داده شده وزید آنرا در بانک گذاشته است واوراق اشتراک خط آهن را خریداری نموده یا آنرا در تجارتی بکار انداخته است آیا درتمام صورت های بازکات واجب الاداء می باشد؟

جواب: در تمام این صورت ها زکات واجب الاداء می باشد اما در صورت قرض دادن زکات بعد از حصول می باشد که باید زکات سال های گذشته نیز داده شود چنانچه در الدر المختار آمده (ولو کان الدین علی مقر فوصل الی ملکه لزم زکوة ما مضی). (۳)

دادن زکات از طرف شخص دیگری: سوال: (۲۱٦) زید بطور ماهوار برای پدر خود عمرو

---

(۱) فتجب زکاتها اذا تم نصابا وحال علیه الحول لکن لافورا بل عند قبض اربعین درهما من الدین القوی کقرض وبدل مال تجارة الخ (درمختار) والحاصل ان مبنی الاختلاف فی الدین المتوسط علی انه هل یکون مال زکوٰة بعد القبض اوقبله فعلی الاولی لابد من مضی حول بعد قبض انصاب وعلی الثانی ابتداء الحول من وقت البیع الخ (ردالمحتار ج۲ ص ٤۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۵، باب زکوٰة المال). ظفیر

(۲) لیس فیما دون مائتی درهم صدقة الخ ولیس فیما دون عشرین مثقالا من ذهب صدقة (هدایه زکوٰة الما ل ج۱ ص ۱۷٦). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س ج۲ ص ۲٦٦. ظفیر

مقداری پول ارسال می نمود که آنرا ماهوار خرج نماید عمرو تمام آن رقم را خرج نمی کرد بلکه مقدار کم آنرا خرج نموده ومقدار بیشتر آنرا ذخیره می نمود تا آنکه مقدار آن زیاد گشت وعمرو این رقم را بدان گمان ذخیره می نمود که بکار زید خواهد امد وچون زید از مساله مطلع گردید گفت که اکنون باید زکات این رقم را اداء کرد عمرو گفت این رقم از تو بوده واز من نیست لذا من زکات آنرا نخواهم داد اکنون سوال این است که در این رقم بر زید زکات واجب است یانه؟ واگر زید زکات را بدهد اداء می شود یانه؟ مسأله را به تفصیل بیان فرمائید.

جواب: رقمی را که زید برای مخارج ماهوار به پدر خود عمرو فرستاده ونزد او ذخیره شده ملکیت عمرو می باشد (اگر چه آنرا به این گمان ذخیره کرده باشد که بکار زید خواهد آمد) ووقتیکه به قدر نصاب برسد ویکسال کامل بر آن بگذرد زکات آن بر عمرو واجب می باشد اما اگر زید از عمرو وبه اجازه او زکات سال های گذشته وآینده را اداء کند درست است وزکات اداء می شود بر زید لازم است که به عمرو اطلاع که من زکات زمان گذشته این رقم وآینده آنرا اداء می کنم به من اجازه دهید در شامی آمده: (قال فی التتار خانیه الا اذا وجد الاذن او اجاز المالکان ای اجاز قبل الدفع الی الفقیر) شامی ص ١٤. ج ٢ ودر الدر المختار آمده: (لان المعتبر نیة الامر) رد المحتار ص ١٤ ج ٢.

<u>زکات عایدات زراعتی که در اوقات مختلف جمع می گردد</u>: **سوال**: (۲۱۷) زید آدم زراعت پیشه بوده ودر امور زراعتی کار می کند پس اگر سال گذشته از این مدرک دوصد روپیه عاید داشته وبعد از گذشت سال زکات آنرا اداء نمود اما تا اکنون سال دیگری نگذشته ورقم دیگری از این مدرک بدست آورده است حالا مساله ای را که می خواهم بپرسم آن است که بر رقم جدیداً آمده باید یکسال بگذرد که زکات برآن واجب گردد یا درسال آینده با رقم سابقه یکجا گردیده وزکات آن اداء شود لهذا برمال مستفاد زکات واجب می گردد یانه؟ زکات برمال عام مستفاد واجب می گردد یا بر مال خاصی؟

جواب: رقمی که در وسط سال اضافه گردد از سابق مثلاً دوصد روپیه موجود باشد ودرمیانه سال رقمی دیگری از زراعت حاصل شود درسال آن همان وقتی معتبر است که نسال دوصد

روپیه می باشد خلاصه آنکه هر وقتیکه سال رقم سابقه تکمیل گردید باید زکات تمام مال داده شود وبرای مال مستفاد به سال جدید ضرورتی نیست طوریکه در الدر المختار آمده: (والمستفاد ولو بهبة او ارث وسط الحول يضم الى جنسه فيزكيه بحول الاصل) (۱)

زکات رقم ذخیره شده: سوال: (۲۱۸) شخصی تامدت هشت سال صد صد روپیه ذخیره نمود هر سال مقدار رقم او صد روپیه بالامی رفت وزکات اداء نشده است تا پایان سال هشتم تمام رقم مذکور خرج گردید دراینصورت او به چه طریقی وبه چه اندازه ای زکات را اداء کند؟

جواب: جواب این مساله آن است که زکات سال های گذشته لازم است هر وقتیکه رقم موجود باشد زکات فرض خداوندی می باشد پس آنرا در یکبار یاطی چند بار اداء کند وبه اساس محاسبه ای که ما نمودیم ۸۱ روپیه زکات بر ذمه او می باشد که خواه یکبار یا بصورت تدریجی باید آنرا به فقرا ومصارف زکات بدهد (۲).

فصل پنجم

زکات سامان تجارتی

زکات دوکان پرچون فروشی بصورت تخمینی درست است یانه: سوال: (۲۱۹) زید دوکان پرچون فروشی دارد وروزانه صدها رقم جنس می فروشد بدین جهت در اخیر سال نمی تواند اجناس دوکان خود را وزن کند اگر زکات را بصورت تخمینی ادا کند ادا می شود یانه؟

جواب: هنگام تخمین این نکته را مد نظر داشته باشد که حتی الوسع اندکی بیشتر تخمین کند تا در زکات کمی واقع نگردداگر در تخمین کمی صورت گیرد به همان اندازه زکات بر ذمه او باقی خواهد ماند (۳).

رقمی که درخریداری سهام کمپنی بکارافتاده است درخود آن زکات میباشد یا برمنافع

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوٰة الغنم ج۲ ص ۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۸. ظفير

(۲) وافتراضها عمری علی التراخي وصححه الباقاني وقيل فوری ای واجب علی الفور وعليه الفتوىٰ. فيأثم بتاخيرها بلاعذر (درمختار) قوله: (عمري) قال في البدائع: وعليه عامة المشايخ، ففي أي وقت أدى يكون مؤديا للواجب ويتعين ذلک الوقت للوجوب. وإذا لم يؤد إلى آخر عمره يتضيق عليه الوجوب، حتى لو لم يؤد حتى مات يأثم (ردالمحتار كتاب الزكوة ج۲ ص ۲۱٦ . ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفير

(۳) الزكوٰة واجبة فی عروض التجارة كالغلة ماكانت اذا بلغت قيمتها نصاب من الورق والذهب (عالمگيری كتاب الزكوٰة باب ثلث فصل دوم ج۱ ص ۱٦۸ ماجديه ج۱ ص ۱۷۹). ظفير

آن: **سوال**: (۲۲۰) زید پانزده سهم یک کمپنی را به قیمت پنج هزار روپیه خریده منفعتی که از کمپنی بدست می آید سالانه تقسیم گردیده وبه سهم داران مطابق سهم ایشان تقسیم میگردد زید نیز از این مدرک پنجصد روپیه بدست آورده آیا بر زید دادن زکات پنج هزار لازم می باشد یا باید فقط زکات منافع سالانه را بدهد؟

جواب: بر زید دادن زکات آن پنج هزار روپیه نیز لازم وفرض می باشد چنانچه این مساله در الدر المختار آمده است. ([1])

اگر زکات به شکل متفرق داده شود چه حکم دارد: **سوال**: (۲۲۱) زید با چهار هزار روپیه به تجارت اغاز کرد واکنون نزد او پنج هزار روپیه می باشد او غرض دادن زکات این طریقه را اختیار نموده که روزانه ٤ ٨ روپیه را کشیده وبه مساکین می دهد ودر اخیر سال آنرا محاسبه نموده وکمبود آنرا پوره می کند آیا این صورت جائز است؟

جواب: این طریقه اخراج زکات شرعاً درست بوده وزکات ادا می شود. ([2])

بر قرضی که با آن تجارت نموده زکات است یانه: **سوال**: (۲۲۲) زید مبلغ یک هزار و یکصد روپیه قرض گرفت وبه تجارت آغاز کرد او هیچ سرمایه شخصی نداشت آیا بر زید زکات لازم است؟

جواب: اکنون جزی بر او لازم نیست اما وقتیکه زیاد بریک هزار ویکصد روپیه مذکور رقم دیگر به قدر نصاب نزد او جمع گردد زکات همان مقدار اضافه را بدهد ([3]).

مالی که نزد تاجر موجود باشد قیمت خریداری آن اعتبار دارد یا ارزش موجوده آن:

سوال: (۲۲۳) مالی که نزد تاجر موجود است واکنون می خواهد زکات آنرا بعد از گذشت یکسال بدهد در زکات قیمت خریداری اعتبار دارد یا قیمت موجوده آن؟

---

(۱) کالدراهم والدنانیر لعینهما للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزکوة کیفما امسکهما (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۲ ص ۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۷). ظفیر

(۲) وشرطه صحة ادائها نیة مقارنة له ای للاداء ولوکانت المقارنة بعزل ما وجب کله اوبعضه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۱٤ . ط. س. ج۲ ص ۲٦۸) ظفیر

(۳) فلا زکوة علی مکاتب الخ ومدیون للعبد بقدر دینه فیزکی الزائد ان بلغ نصابا (ایضا کتاب الزکوة ج۲ ص ۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۳). ظفیر الدین غفر له

جواب: قیمتی که هنگام زکات دادن مال مذکور در بازار دارد معتبر می باشد پس زکات به قمان حساب داده شود چه از قیمت خریداری کم باشد یا زیاد (۱).

زکات دواخانه چگونه اخراگردد: **سوال:** (۲۲٤) زید دواخانه یونانی دارد که درآن هزاران قلم دوا وجود داشته وفروش یک ماشه ودوماشه صورت گرفته که نگهد اشتن حساب آن مشکل است زکات ادویه مذکور چگونه داده شود واگر هریک وزن گردیده وقیمت آن محاسبه شود وقت زیادی را در بر میگیرد.

جواب: حساب کردن برای زکات ضروری می باشد اگر علیحده علیحده وزن کردن وقیمت گذاشتن دشوار باشد سالانه از ادویه موجود مقدار فروخته شده را منفی نمائید خلاصه آنکه اندازه کردن مال موجود از ضروریات است. (۲)

زکات تجارت وزکات رقمی که با آن زمین خریده است: **سوال:** (۲۲۵) رقمی که درتجارت بکار افتاده باشد حکم زکات درمورد آن چیست ورقمی که در خریداری اراضی بکار رفته درآن زکات واجب است یانه؟

جواب: درتمام رقمی که در تجارت بکار افتاده وبا آن سامان تجا رتی خریده شده زکات واجب می باشد به شرط آنکه به حد نصاب رسیده ویکسال برآن گذشته باشد چنانچه این مساله درعامه کتب فقه آمده است وزمین ومنزل نیز اگر به غرض تجارت خریده شود مثلاً زمین یا دوکان به کرایه داده شود بر کرایه وعاید آن پس از رسیدن به حد نصاب زکات واجب می باشد که تفصیل آن درکتب فقه موجود است. (۳)

بر قیمت ماشین آرد زکات است یانه: **سوال:** (۲۲٦) شخصی ماشین آرد نمودن را نصب کرده آیا درآن زکات است؟

---

(۱) وعنده تعتبر قيمة يوم الوجوب وقالا يوم الاداء الخ ويقوم في البلد الذى المال فيه (درمختار) وفى المحيط يعتبر يوم الاداء بالاجماع وهو الاصح (ردالمحتار باب زكاة الغنم ج۲ ص ۳۰ ط. س. ج۲ ص ۲۸٦). ظفير

(۲) وفى عرض تجارة قيمة نصاب الخ من ذهب او فضة مضروبة الخ مقوما باحدهما الخ ربع عشر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكاة المال ج۲ ص ٤١ – ٤۲ . ط. س. ج۲ ص ۲۹۸). ظفير

(۳) المحتاج اليها كالحوانيت والعقارات (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱۰ . ط. س. ج۲ ص ۲٦۳ و۲٦۵). ظفير

جواب: برقیمت این ماشین زکات است. (۱)

زکات کتاب برتمام شد آن است یا برقیمت آن موجوده آن ودادن کتاب درزکات چه حکم دارد: سوال: (۲۲۷) در چاپ کتاب فرقات الصرف مبلغ ۱۳۰ روپیه خرج گردیده منافع سنجیده شد وقیمت تعیین گردید واکنون به حساب من سال تکمیل گردیده زکات مطابق نرخ تمام شد داده شود یا منافع قرار داد شده نیز محاسبه گردد من بر رقم ونتیجه کار اعتماد ندارم که نتیجه چطور وچه وقت بدست خواهد آمد همچنان دادن این کتاب در زکات به مستحقین جائز است یانه؟

جواب: دادن زکات مبلغ ۱۳۰ روپیه که درچاپ کتاب به مصرف رسیده بر شما لازم است دادن کتاب مذکور در زکات جائز است اما هنگام دادن کتاب در زکات آنرا به نرخ تمام شد محاسبه کنید.

در رقمی که برذمه خریداران قرض است زکات می باشد یانه: سوال: (۲۲۸) تاجران در پایان سال مال التجارة خود را محاسبه می نمایند واکثر قسمت منافع بر ذمه خریداران قرض باقی می ماند بر این رقم که بر مردم قرض است نیز زکات می باشد یانه و اگر رقم زکات علیحده اخراج نگردد واز جمله مال گاهگاهی یک روپیه دو روپیه در تمام سال بدهد زکات ادا می شود یانه؟

جواب: رقمی که قرض است زکات آن آن واجب می باشد وطوریکه در الدر المختار آمده زکات آن بعد از حصول لازم می گردد اگر رقم زکات به نیت زکات علیحده نگردد هر وقتیکه یک روپیه دو روپیه داده شود باید نیت زکات صورت گیرد واگر نه زکات ادا نمی شود (۲).

نزد تاجری که هم رقم نقد باشد وبقایا زکات آنرا چگونه ادا کند: سوال: (۲۲۹) یک تاجر تقریباً ده هزار روپیه نقد نزد خود دارد وبه قیمت پنج هزار مال تیار نزد او می باشد واین

---

(۱) نزد من در قیمت ماشین زکات نیست: ولو اشتری قدور من صفر یمسکها ولو اجرها لاتجب فیها الزکوة کما لا تجب فی بیوت الغلة کذا فی قاضی خان وکذلک العطار لو اشتری القواریر او اشتری جوالق لیواجرها من الناس فلا زکوة فیها لانه اشتراها للغلة لا للمبایعة کذا فی محیط السرخسی (عالمگیری مصری فصل ثانی فی العروض ص ۱۶۸ ج ۱). ظفیر

(۲) وشرطة صحة ادائها نیة مقارن ای للاداء ولو لکانت المقارنة حکما کما لودفع بلا نیة ثم نوی والمال قائم فی ید الفقیر الخ جاز (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص۱٤ ، ط. س. ج۲ ص۲٦۸). ظفیر

مال اکثراً تبدیل می گردد وتقریباً به قیمت دو هزار روپیه مال او درکار خانه موجود می باشد وتقریباً پنج هزار روپیه او بر ذمه مردم قرض می باشد که به تدریج حصول می گردد لذا شرعاً فقط بر پولی که نقد در منزل است زکات می باشد ویا برتمام اموال وقرض نیز؟

جواب: دادن زکات پول نقد مال التجارة وقرضی که بر ذمه مردم است واجب می باشد البته رقمی که بر ذمه مردم است زکات آن پس از حصول داده می شود اما باید زکات سال های گذشته آن نیز پس از حصول ادا گردد مثلاً اگر قرض دوسمال بعد حصول گردد پس از حصول دادن زکات هر دوسال لازم می باشد واگر قبل از حصول بدهد نیز حرجی نیست بهر حال زیات در تمام آنها لازم است چه نقد باشد چه مال تیار شده چه مال تیار نشده وچه قرضی که بر ذمه مردم است واگر خود قرضدار باشد آنرا از مجموعه رقم منفی نماید (۱).

زکات مالی که قیمت آن پیوسته تبدیل می شود: **سوال**: (۲۳۰) قیمت مالی که پیوسته تغییر میکند وگاهی حتی از قیمت خرید هم کمتر می گردد وامکانی برای فروش آن نباشد زکات آن چگونه ادا گردد؟

جواب: وقتیکه سال کامل برآن بگذرد همان قیمتی را مال مذکور درهمان وقت داشته باشد حساب نموده و ۱\٤۰ حصه آنرا چه از نقد وچه از خود مال بدهد (۲).

آیا درتجارت زکات منافع وزکات آنچه خرج شده نیز داده شود: **سوال**: (۲۳۱) تاجری با سرمایه یک هزار روپیه به تجارت شروع میکند وبعد از یکسال کامل چون محاسبه می نماید نزد او به قیمت یک ونیم هزار روپیه مال موجود بوده وتمام سال از آن خرج نیز کرده است لذا به موجب حکم شریعت زکات آنچه را در جریان سال خرج نموده نیز باید بدهد یا تنها زکات یک ونیم هزار روپیه موجود را؟

---

(۱) وشرط ای شرط افتراض ادائها حولان الحول وهوفی ملکه وثنیة المال الدراهم والدنانیر لتعینهما للتجارة باصل الخلقة فتلزم الزکوٰة کیفما امسکهما ولو للنفقة الخ ونیة التجارة فی العروض واما صریحا الخ او دلالة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص۱۳) فلازکاة علی مکاتب الخ ومدیون (ط س. ج۲ ص ۲۶۷).

(۲) وتعتبر القیمة یوم الوجوب وقالا یوم الاداء اجماعا ویقوم فی البلد الذی المال فیه (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة الغنم ج۲ ص ۳۰ ، ط س. ج۲ ص ۲۸٦). ظفیر

جواب: فقط ادای کردن زکات همین یک ونیم هزار روپیه لازم می باشد چنانچه این در الدر المختار آمده است. (۱)

سهام کمپنی تجارتی را خریده وقیمت سهام در اوقات مختلف مختلف بوده کدام قیمت اعتبار دارد: سوال: (۲۳۲) شخصی سهام یک کمپنی تجارتی راخریداری نموده وقتیکه کمپنی شروع بکار نموده قیمت یک سهم آن پنجصد روپیه بود وهنگامی که اوسهام را خریداری نموده قیمت یک سهم هزار روپیه بوده واکنون قیمت یک سهم پنجصد روپیه می باشد شخص مذکور چه قدر زکات بدهد؟

جواب: همان قیمتی که اکنون است یعنی زکات پنجصد روپیه را بدهد (۲).

تاجری که رقم او به نوعیت های مختلف باشد چطور زکات بدهد: سوال: (۲۳۳) شخصی تجارت تکه می نماید به قیمت پنج هزار روپیه مال نزد او وجود دارد ونیمی از آنرا که فروخته است بدست آمدن پنج هزار روپیه آن یقینی می باشد وتوقع می رود که سه هزار روپیه دیگر را نیز بدست بیاورد اما درآن شک وجود وتوقع بدست آوردن یک هزار دیگر کاملاً نیست شخص مذکور چهار هزار روپیه قرضدار نیز می باشد در اینصورت باید زکات چه رقمی را ادا کند؟

جواب: آنقدر مال ونقدی که موجود است زکات آنرا ادا نماید ومالی که نیمه فروش شده **وقیمت آن بر ذمه مردم قرض است ادای زکات آن پس از حصول واجب می گردد هر قدر که به تدریج حصول می گردید زکات آنرا بدهد (۳) وهر اندازه ای که قرضدار باشد آنرا از مجموعه مال موجود منفی نموده وزکات بقیه را ادا کند (۴).**

---

(۱) ومن كان له نصاب فاستفاد في اثناء الحول من جنسه ضمه اليه وزكاة به (هدايه كتاب الزكوٰة فصل في الخيل ج۱ ص ۱۷۵). ظفير

(۲) وتعتبر القيمة يوم الوجوب وقالا يوم الاداء ويقوم في البلد الذى المال فيه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوٰة الغنم ج۲ ص ۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸٦). ظفير

(۳) ولوكان الدين على مقر الخ فوصل الى ملكه لزم زكوٰة مامضى (الدر المختار على هامش ردالمحتاركتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۲) فتجب زكاتهما اذاتم نصابا وحال عليه الحول لكن لافورا بل عند قبض اربعين درهماً من الدين القوى كقرض وبدل مال تجارة فكلما قبض اربعين درهما يلزمه درهم (ايضا زكوٰة المال ج۲ ص ٤۷ – ٤۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۵). ظفير

(٤) فلا زكوٰة على مكاتب الخ ومديون للعبد بقدر دينه فيزكي الزائد ان بلغ نصابا (ايضا كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۳). ظفير الدين غفر له

مالیه ای که حکومت میگیرد زکات محسوب می شود یانه: سوال: (۲۳۴) دولت از منافع تجارت وکرایه منازل مالیه میگیرد آیا مالیه مذکور زکات محسوب می شود یانه؟

جواب: رقمی که در مالیه داده می شود زکات محسوب نمی گردد زکات باید علیحده ادا گردد (۱). فقط

برنجی که برای تجارت باشد زکات آن چگونه اخراج گردد: سوال: (۲۳۵) نزد شخصی به غرض تجارت درتمام سال برنج موجود می باشد زکات آنرا چگونه اخراج کند؟

جواب: برنج را نرخ گذاری نموده وزکات را به رقم نقد بدهد.

زکات مالی که تاجران به فروشندگان می دهند: سوال: (۲۳۶) اکثر تاجران اموال خویش را به فروشندگان می دهند ورسیدن قیمت آن به اساس قرائن قوی متقین می باشد در اینصورت قیمت موعود در زکات حساب می شود یا نه زیرا بعضی اوقات چنان واقع می شود که امروز نزد تاجر مال می آید وفردا فروشنده آنرا بطور قرض می برد.

جواب: زکات دراین مال واجب است مگر ادای آن پس از حصول واجب می باشد وهنگام ادای زکات باید زمانه گذشته نیز درنظر گرفته شود مثلاً اگر چند سال بعد رقم مذکور حصول گردد ادای کردن زکات سال های گذشته نیز لازم می باشد (۲).

آیا زکات همه منافعی که درتجارت در اوقات مختلف سال حاصل میشود باید داده شود: سوال: (۲۳۷) زید رقمی را برای تجارت به عمرو داد وعمرو با این رقم تجارت را آغاز نمود بعد از ختم سال معلوم گردید که در آبی نفع کرده است پس آیا برعلاوه رقم اصلی درهمان سال اول دادن زکات منافعی که کم کم روزانه بدست آمده نیز لازم می باشد؟

جواب : مساله چنان است که بر مال مستفاد همراه با مال اصل زکات واجب می باشد خلاصه آنکه چون نصاب از قبل موجود باشد منافعی که از ان بدست می آید درختم سال زکات برآن نیز

---

(۱) اخذالبغاة والسلاطین الجائرة زکوٰة الخ لا اعادة علی اربابها انه صرف الماخوذ فی محله الاتی ذکره وان لایصرف فیه فعلیهم فیما بینهم وبین الله (درمختار) ویظهر لی ان اهل الحرب لوغلبوا علی بلدة من بلادنا کذالک لعلیلهم (شامی باب زکوٰة الغنم ج۲ ص ۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۸). ظفیر

(۲) فتجب زکوٰتها اذاتم نصابا وحال الحول لکن لافوراً بل عند قبضه اربعین درهما من الدین القوی کقرض وبدل مال لتجارة فلما قبض اربعین درهما یلزمه درهم (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ۴۷ – ۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۵). ظفیر

لازم می باشد وچون نزد عمرو رقم اصل وجود ندارد بر ذمه او زکات منافع سهم او از وقتیکه به حد نصاب برسد پس از حولان حول لازم می گردد. [۱]

دوکانی که حساب نشده زکات آن چطور اداء گردد: سوال: (۲۳۸) دوکان زید از وقتی که ساخته شده تا اکنون هیچگاه چنان حسابی نشده که مقدار مال آن به صورت صحیح اندازه گیری گردد، در چنین حالتی برای ادای زکات کدام روشی را در پیش گیرد وزکات سال های گذشته را که اداء ننموده چه حکم دارد؟

جواب: آنرا محاسبه نموده وزکات آنرا اداء کند وزکات سالهای گذشته را نیز اداء نماید. [۲]

زکات نقد ومال تجارت: سوال: (۲۳۹) دوکان عطاری بوده وهزاوران قلم ادویه، فرش خانه وغیره در آن وجود دارد، اگر قیمت مجموعی تخمین گردد آیا خلاف شرع نخواهد بود، قرض به مقادیر کم بر مردم می باشد، مثلاً کسی چهار روپیه، کسیٔ هشت روپیه، وکسی پنج روپیه قرضدار است که از تعداد زیاد ایشان امید حضور نیست، بدین ترتیب حدود صد روپیه بر حدود پنجاه نفر قرض است که از کسی چهارماه می گذرد واز کسی هشت ماه واز کسی ده ماه، اگر دو، سه سال بعد حصول شود، حکم زکات آن چیست؟

جواب: ادویه وبساط خانه را به همان قیمتی محاسبه کنید که اکنون در بازار است وبه اساس همان قیمت زکات بدهید [۳] وزکات قرض پس از حصول داده شود وبا رقم موجوده یکجا گردد زکات همه را بدهید به همین ترتیب آنچه بعداً حصول گردد آنرا در حساب سال آینده شامل نمائید. [۴]

درسامان تجارتی کدام نرخ اعتبار دارد: سوال: (۲٤۰) در دادن زکات سامان تجارت نرخ

---

(۱) والمستفاد ولو بهبة او ارث وسط الحول يضم الى نصاب من جنسه بحول الاصل (درمختار) قوله او ارث ادخل فيه المفاد بشراء او ميراث او وصية وما كان حاصلا من الاصل كالاولاد والربح الخ قوله يضم الى نصاب الخ واشار الى انه لا بد من بقاء الاصل حتى لو ضاع استانف للمستفاد حولا منذ ملكه (ردالمحتار باب زكوٰة الغنم ج۲ ص ۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۸). ظفير

(۲) وفي عرض تجارة قيمته نصاب الخ من ذهب ومن فضة الخ ربع عشر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوٰة المال ج۲ ص ٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۸). ظفير

(۳) وتعتبر القيمة يوم الوجوب وقالا يوم الاداء اجماعا وهو الاصح ويقوم في البلد الذى المال فيه (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب زكوٰة الغنم ج۲ ص ۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸٦). ظفير

(٤) ولوكان الدين على مقر الخ فوصل الى ملكه لزم زكوٰة مامضى (ايضا كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦). ظفير

خریداری اعتبار دارد یا نرخی که اکنون در بازار می باشد.

جواب: در دادن زکات سامان تجارتی همان نرخی اعتبار دارد که اکنون در بازار است مطابق آن عمل شود زیرا اگر مطابق نرخ خرید زکات باشد ونرخ بازار از آن بیشتر باشد به همان مقدار زکات بر ذمه او باقی مانده که باید آنرا ادا کند. (۱)

بر قیمت جایداد زکات نیست وهنگام دادن زکات قرض وضع میگردد: سوال: (۲۴۱)

شخصی جایدادی دارد که منافع آن سالانه پنجاه هزار روپیه می باشد وبه قیمت بیست هزار روپیه سامان تجارتی دارد که منافع سالانه آن حدود دونیم الی سه هزار روپیه می باشد وشخص مذکور گاهی برای شش ماه سه هزار روپیه قرض نیز میگیرد درتمام این صورت آیا زکات بر او واجب است؟ در نظر باید داشت که دین مهر نیز بر ذمه او می باشد.

جواب: سامان تجارتی که مثل قیمت آن بیست هزار روپیه می باشد بر کل آن زکات لازم است وباید ۱\۴۰ حصه یعنی ۲،۵ فیصد آنرا سالانه در زکات بدهد (۲) وبر قیمت جایداد زکات نیست (۳) بلکه رقمی که از منافع آن حاصل ویکسال برآن بگذرد زکات آنرا بدهد وسه چهار هزار روپیه که بر ذمه او قرض می باشد اگر درختم سال هنگام ادای زکات بر ذمه او باشد آنرا از جمع رقم خود منفی نماید وزکات باقی مانده رقم نقد ومال التجاره وزیورات وغیره را بدهد (۴) ودین مهر را وضع نکند زیرا مانع زکات نیست چنانچه درشامی آمده: (الصحیح انه غیر مانع (۵)) یعنی صحیح آن است که این مهر مؤجل مانع زکات نیست.

بعد از وضع قرض مالی که باقی می ماند زکات آنرا بدهد وقیمت را به نرخ موجوده

---

(۱) وفی عرض تجارة قیمته نصاب الخ من ذهب ومن فضة الخ ربع عشر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ۴۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۸). ظفیر

(۲) وفی عرض تجارة قیمة نصاب الخ من ذهب اوورق ای فضة مضروبة (فافادان التقویم انما یکون بالمسکوک عملا بالعرف) ربع عشر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج ۲ ص ۴۱ – ۴۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۸ و۲۹۹). ظفیر

(۳) ولازکوٰة فی ثیاب البدن الخ واثاث المنزل ودور السکنٰی ونحوها (درمختار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۴ و۲۶۵). ظفیر الدین غفر له

(۴) ومدیون للعبد بقدر دینه فیزکی الزائد ان بلغ نصابا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۳). ظفیر

(۵) ردالمحتار کتاب الزکوٰة تحت قوله اومؤجلا ج۲ص ۱۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۱). ظفیر

حساب کند: سوال: (۲٤۲) در تجارت اگر ی پس ادای قرض مثلاً به قمیت هزار روپیه مال التجارة باقی بماند دادن زکات همان یک هزار واجب می باشد اما مال التجارة همیشه چنان می باشد که اگر قصد فروش دوکان یا رها کردن آن باشد هیچ وقتي مال یک روپیه به یک روپیه فروش نمي شود پس هنگام ادای زکات همان قیمت موجود که قیمت خریداری است محاسبه گردد یا قیمتی که هنگام فروش ویا ترک دوکان بدست خواهد آمد.

جواب: بعد از ادای قرض مثلاً اگر مال به قیمت یک هزار باقی بماند باید زکات همان یک هزار داده شود ودر زکات قیمت موجوده در بازار محاسبه میگردد قیمت کمی که هنگام ترک دوکان از فروش مال بدست خواهد آمد را در نظر مگیرید بلکه نرخ موجوده مال در بازار اعتبار دارد (۱).

زکات قرض پس ازحصول می باشد: سوال: (۲٤۳) مثلاً اگر در دوکان به قیمت صد روپیه مال موجود بوده وپنجصد روپیه دیگر برذمه اشخاص دیگر قرض باشد که حصولی همه آنها یقینی نمی باشد پس آیا زکات همین رقم موجود یعنی صد روپیه داده شود یا زکات قرض نیز ادا گردد؟

جواب: دادن زکات صد روپیه در پایان لازم است واز جمله پنجصد روپیه قرض هر قدر که حصول گردد دادن زکات گذشته وحال آن لازم می باشد هدف آن است که بر قرض زکات واجب می باشد لیکن ادای آن بعد از حصول قرض لازم می گردد (۲) ورقمی که حصول نشود زکات آن ساقط میگردد (۳).

زکات منافع با اصل مال یکجا داده شود: سوال: (٤٤۲) آیا تاجرآن منافعی را که در جریان

---

(۱) الزَّكَاةُ وَاجِبَةٌ فِي عُرُوضِ التِّجَارَةِ كَائِنَةً مَا كَانَتْ إِذَا بَلَغَتْ قِيمَتُهَا نِصَابًا مِنَ الْوَرِقِ وَالذَّهَبِ الخ وَتُعْتَبَرُ الْقِيمَةُ عِنْدَ حَوَلَانِ الْحَوْلِ الخ إِذَا كَانَ لَهُ مِائَتَا قَفِيزِ حِنْطَةٍ لِلتِّجَارَةِ تُسَاوِي مِائَتَيْ دِرْهَمٍ فَتَمَّ الْحَوْلُ ثُمَّ زَادَ السِّعْرُ أَوِ انْتَقَصَ فَإِنْ أَدَّى مِنْ عَيْنِهَا أَدَّى خَمْسَةَ أَقْفِزَةٍ . وَإِنْ أَدَّى الْقِيمَةَ تُعْتَبَرُ قِيمَتُهَا يَوْمَ الْوُجُوبِ الخ وَعِنْدَهُمَا يَوْمَ الْأَدَاءِ وَكَذَا كُلُّ مَكِيلٍ أَوْ مَوْزُونٍ أَوْ مَعْدُودٍ الخ (عالمگیری کتاب الزکوٰة باب ثالث فصل دوهم ج۱ ص ۱۹۸ ماجدیه ج۱ ص ۱۷۹). ظفیر

(۲) واماسائر المدیون المقر بها فهی علی ثلاث مراتب الخ قوی وهو ما یجب بدلا عن سلع التجارة اذاقبض اربعین زکی لما مضی (عالمگیری مصری کتاب الزکوٰة باب اول ج۱ ص ۱٦٤ ، ماجدیه ج۱ ص ۱۷۳). ظفیر

(۳) ولا (زکوٰة) فی مال مفقود الخ ودین کن جحده المدیون سنین ولابیة له الخ والاصل فیه حدیث علی* لازکوٰة فی مال الضمار وهو ما لایکمن الانتفاع به مع بقاء الملک (الدر المحتار علی هامش ردالمحتار کتاب زکوٰة ج۲ ص ۱۱ – ۱۲ ، ج۲ ص ۲٦٦). ظفیر

سال بدست می آورند با اصل سرمایه یکجا نموده وزکات آنرا بدهند یا صرف ادای زکات اصل سرمایه لازم می باشد؟

جواب: منافعی که درجریان سال بدست می آید در پایان سال با اصل سرمایه یکجا محاسبه گردیده وزکات ان داده می شود (۱).

زکات نقد وقرض دوکان چطور داده شود: **سوال**: (۲٤۵) زید در دوکان خود هشت هزار روپیه دارد که پنج هزار روپیه مال آن در دوکان باقی بوده وسه هزار آن بر مردم قرض است اکنون زکات بر مال موجود می باشد یا بر قرض نیز واجب است باید گفت که رقم قرض سالانه یکجا حصول نمی گردد بلکه کم کم مثلاً ٦۰۰ روپیه یاهفتصد روپیه حصول می گردد وسپس باز به همین مقدار به قرض می رود.

جواب: دادن زکات قرض وقتی واجب می شود که رقم مذکور حصول گردد که پس از حصول دادن زکات زمانه گذشته آن نیز لازم می باشد لذا بهتر است که زکات مال وقرض را درپایان سال یکجا محاسبه نمود وپرداخت تا وقت حصول قرض بار بار ضرورت محاسبه پیش نیاید (۲).

زکات رقم مضاربت برذمه کیست: **سوال**: (۲٤٦) شخصی رقمی را غرض مضاربت به شخص دیگری داد ویکی دو سال تجارت نمود وصاحب مال را منفعتی نداد بلکه همه را برای خود نگهداشت در حالیکه مالک سرمایه زکات آنرا نیز ادا کرده بود پس آیا برای مالک جائز است که اصل رقم را یکجا با مقدار زکاتی که داده از او بگیرد یا نه؟

جواب: مضاربت اگر صحیح باشد حکم آن این است که اصل رقم وسهم نفع مثلاً نصف یا ثلث به مالک تعلق می گیرد اما چون درمضارب خیانت نمود واز دادن منافع انکار ورزید وی مستحق گرفتن اصل رقم آن بوده وزکات چنین رقمی پس از حصول واجب الاداء می باشد اما اگر قبل از حصول ادا کند نیز درست است پس رقمی را که مالک در زکات ادا نموده نمی تواند آنرا

---

(۱) ومن كان له نصاب فاستفاد في اثناء الحول من جنسه ضمه اليه وزكاه به (هدايه كتاب الزكاة فصل في الخيل ج۱ ص ۱۷۵). ظفير

(۲) واعلم أن الديون عند الامام ثلاثة: قوي، ومتوسط، وضعيف، فتجب زكاتها إذا تم نصابا وحال الحول، لكن لا فورا بل عند قبض اربعين درهما من الدين القوي كقرض وبدل مال تجارة فكلما قبض أربعين درهما يلزمه درهم (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوٰة المال ج۲ ص ٤٧ - ٤٨ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۵). ظفير

از مضارب بگیرد (فتجب زکاتها اذا تم نصاباً وحال الحول لکن لافور بل عند قبض اربعین درهماً من الدین القوی کقرض وبدل مال تجارة فکلما قبض اربعین درهماً یلزمه درهم (۱) ولو عجل ذو نصاب زکوته لسنین او لنصب صح) الدر المختار (۲).

منزلی که جهت به کرایه دادن خریده شده زکات برقیمت آن است یا بر عاید آن:

سوال: (۲۴۷) شخصی بر علاوه منزل مسکونی یک منزل دیگر نیز دارد ومنزل مذکو را صرف بدانجهت خریده که رقمش محفوظ واز کرایه آن مخارج خود را تامین کند آیا زکات این منزل را هرسال بدهد یانه واگر بدهد از قیمت آن بدهد یا از عاید آن؟

جواب: در اینصورت برقیمت منزل مذکور زکات واجب نیست اما اگر رقم کرایه به قدر نصاب یابیشتر از آن جمع گردد ویکسال برآن بگذرد دادن زکات آن لازم می گردد (۳).

زکات مال التجارة: سوال: (۲۴۸) مال التجارة گر است زکات آن چطور داده شود؟

جواب: گر را قیمت نموده ۱\۴۰ حصه آنرا بدهید (۴) یا ۱\۴۰ حصه خود گر در زکات داده شود. فقط

قرض همراه بانفع: سوال: (۲۴۹) زید فزوشنده تکه است واو به بکر مبلغ چهار صد روپیه به حساب فیصدی منافع تکه باب با اخذ این وعده داد که اگر رقم مطابق وعده پس داده شد خوب ودر غیر آن باید فیصدی یک روپیه نفع بدهد بکر نیز به اینکار راضی گردید آیا اینکار جائز است؟

جواب: اینکار جائز نبوده بلکه حر م وسود می باشد.

تجارتی که به اساس مضاربت صورت می گیرد زکات آن چطور اداء گردد: سوال:

(۲۵۰) سرمایه زید وزحمت بکر یکجا کار می نماید وهر دو مسئول نفع وخساره می باشند پس

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ۴۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۵. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة الغنم ج۲ ص ۳۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۳. ظفیر

(۳) فلا زکوٰة علی مکاتب الخ واثاث المنزل ودور السکنی ونحوها (درمختار) قوله ونحوها ای کثیاب البدن الغیر المحتاج وکالحوانیت والعقارات (ردالمحتار الزکوٰة ج۲ ص ۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۳ و۲۵۶). ظفیر

(۴) واللازم فی مضروب کل منهما (الی قوله) وفی عرض تجارة قیمة نصاب من ذهب اوورق مقوما باحدهما ربع عشر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۲ ص ۴۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۷ و۲۹۸). ظفیر

اکنون هردو یکجا گردیده وزکات را ادا کنند یا طور دیگری؟

جواب. زکات رقم مذکور برذمه زید واجب می باشد وهر وقتیکه رقم نفع نزد بکر به اندازه نصاب جمع گردد ویکسال کامل برآن بگذرد زکات همان رقم برذمه او واجب می شود.

زکات مالی که به فروشنده گان داده می شود وقیمت آن پس از یکسال بدست می آید چگونه داده شود: سوال: (۲۵۱) مالی که منافع آن سنجیده شده وبه فروشنده گان ارسال می گردد ورقم آن گاهی یکسال بعد وگاهی یک ونیم سال بعد بدست می اید زکات ان همراه با منافع اخراج گردد یا بدون منافع وگاهی چنان واقع می شود که فروشنده پس از یکسال دوباره خود مال را مسترد می کند ورقم از ایشان به دشواری حصول میگردد.

جواب: مالی که به فروشنده گان داده می شود زکات آن همراه با منفعت تعین شده پس از حصول واجب می باشد هر قدری که حصول میگردد زکات آنرا ادا کنید وآنچه حصول نگردد چیزی درآن لازم نیست. (۱)

تاجر زکات نقد وقرض هر دو را بدهد یا تنها از نقدرا: سوال: (۲۵۲) شخصی تاجر بوده ومقداری از رقمش قرض ومقداری نقد نزدش موجود می باشد پس هنگام ادای زکات زکات تمام رقم را ادا کند یا فقط از رقم نقد را که نزدش موجود می باشد؟

جواب: زکات تمام رقم را اداء کند اما رقمی که قرض است ادای زکات آن پس از حصول لازمی بوده وبعد از حصول دادن زکات ایام گذشته نیز واجب می باشد (۲).

اگر قرض دوسال بعد بدست آید زکات سال های گذشته واجب است یانه: سوال: (۲۵۳) اگر مثلاً قرض پس از دو سال حصول گردد زکات هر دوسال داده شود یا از یکسال؟

جواب: زکات هر دوسال را ادا کند (۳).

---

(۱) فتحب زکاتها اذا تم نصاباً وحال الحول لکن لا فوراً بل عند قبض اربعین درهما من الدین القوی کقرض وبدل ما ل تجارة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة الما ل ج۲ ص ٤۷ – ٤۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۵)، ظفیر

(۲) ولوکان الدین علی مقر ملی الخ فوصل الی ملکه لزم زکوة مامضی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦)، ظفیر

(۳) ولوکان الدین علی مقر ملی الخ فوصل الی ملکه لزم زکوٰة مامضی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦)، ظفیر

اگر رقم یکماه بعد ازماه ادای زکات بدست آید چه باید کرد: سوال: (۲۵۴) اگر تمام رقم درتجارت صرف گردد واین شخص هر سال در رمضان زکات می دهد ورقم درشوال بدست آید باید زکات امسال را ادا کند یانه وچه وقت اداء نماید؟

جواب: زکات امسال را نیز اداء کند ورقمی که درشوال حصول می گردد زکات آن همراه با زکات سال گذشته آن لازم می باشد.

رقمی که درمیان سال حصول گردد زکات چطور اداء شود: سوال: (۲۵۵) گر رقمی درمیان سال حصول گردد زکات آن درهمان وقت داده شود یا در رمضان المبارک؟

جواب: وقتی که حصول گردد دادن زکات آن لازم می باشد اما اگر قبلاً یا بعداً داده شود نیز درست است اما باید از اول محاسبه گردد.

در رقمی که درحصول قرض خرج گردیده زکات است یانه: سوال: (۲۵٦) شخصی به محکمه شکایت نموده وهفتاد روپیه حصول نمود در حالیکه چهل روپیه در محکمه خرج شد وزکات آن چهل روپیه را نیز داده بود اکنون زکات تمام هفتاد روپیه را بدهد یا چهل روپیه را از آن منفی کند؟

جواب: زکات تمام رقم اداء شود وآنچه خرج شده منفی نگردد.

فصل ششم

عشر زکات پیداوار

در زمین اجاره ای عشر است یانه؟ سوال: ۲۵۷ شخصی که زمین مشخصی ندارد وزمین را اجاره گرفته وکشت می کند ورقم مصارف را نیز ندارد بلکه به سود قرض گرفته وبر زمین خرج میکند، در این صورت در پیداوار آن عشر واجب است یا نه؟

جواب: مطابق قول صاحبین عشر زمین عشری به ذمهٔ مستاجر می باشد، چنانچه در الدرالمختار آمده: وقالا علی مستاجر، [۱] ودر باب العشر نیز چنین آمده: ویجب مع الدین. به اساس این روایات دادن عشر پیداوار بر او واجب می باشد.

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة باب العشر ج۲ ص ۷٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳٤. ظفیر

آیا بر زمین اجاره وزمینی که به مزدوری داده شده نیز عشر می آید: سوال: ۲۵۸ زید از یک زمیندار زمینی را به اجاره سالانه بیست روپیه برای کاشت گرفت و ۳۵ روپیه در مزدوری مصرف نمود، حاصلات آن صد روپیه شده است، زید باید در آن چقدر زکات بدهد؟

سوال: در اینصورت اگر زمین عشری باشد باید در آن چقدر زکات بدهد؟

جواب: در اینصورت اگر زمین عشری باشد باید ۱۰ ۱\۲ حصهٔ پیدوار آنرا به فقرا بدهد هر قدری پیداواری که شده باشد مثلاً از صد روپیه باید ده روپیه بدهد. (۱)

عشر در زمین مزارعت: سوال: ۲۵۹ الف: زمین خود را که بارانی می باشد به این شرط به عمرو داد که هر قدر تخم که درکشت به مصرف رسد من خواهم داد وپیداوار آنرا نصف نموده خواهیم گرفت، مالیهٔ دولتی را نیز الف اداء می کند، از زمین فوق الذکر ۲۲ من غله بدست آمد که نصف آن ۱۱ من به الف تعلق گرفت، اجورهٔ را نیز تقریبا یک من شکل مشترک داده اند، گویا مجموعه حاصلات ۲۳ من بوده است، آیا بر الف عشر واجب است وبه چه اندازه؟ آیا تمام عشر را الف که مالک زمین است بدهد یا صرف از حصهٔ خود را، یا اینکه به سبب اجاره عشر ساقط گشته است؟

جواب: اگر زمین عشری به مزارعت داده شود طوریکه در صورت سوال شده است، عشر آن برذمه هر دو واجب می باشد وفقها اینرا نوشته اند که زمین که خراجی باشد عشر درآن و اجب نیست.

بر زمیندار عشر است یانه: سوال: (۲۶۰) مردمی که در هندوستان زمیندار می باشند خود زمین را کشت نمی کنند بلکه دهقانان آنرا کشت می نمایند که از آن مالیه سرکاری را اداء نموده ومتباقی را زمیندار خود به مصرف می رساند بر چنین زمینداران بعد از ادای مالیه آیا حق شرعی دیگری چون خراج وغیره لازم می باشد یانه؟

جواب: از زمینی که خراج یعنی مالیه دوتلی داده می شود دادن عشر ۱\۱۰ حصه ضروری نمی باشد اما اگر بدهد بهتر است تفصیل مسأله آن است که زمینی که به کشت داده می شود دوصورت می تواند داشته باشد یکی انکه دربدل رقم نقد به اجاره داده شود دوم آنکه اجاره

---

(۱) وكذا يجب العشر فى مسقى سماء سيح كثير (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتارباب العشر ج۲ ص ٦٦ ، ط. س. ج۲ ص۳۲٦). ط

دربدل غله صورت گیرد در صورت دوم اگر تخم از مزارع باشد پس هر یک از مالک ومزارع باید از حصه خود عشر بدهند اما در صورت اولی عشر بر مستاجر می باشد این قول صاحبین بوده والدر المختار فتوی برآن نقل کرده است: (والعشر علی الموجر کخراج موظف وقالا علی المستاجر کمستعیر مسلم وفی الحاوی وبقولهما ناخذ وفی المزارعة ان کان البذر من رب الارض فعلیه ولو من العامل فعلیها بالحصة) ([1]) ودر شامی آمده (قوله ارض غیر الخراج اشار الی ان المانع من وجوبه کون الارض خراجیه لانه لایجتمع العشر والخرا ج ([2]))

درباغ عشر است یانه: **سوال**: (۲۶۱) نزد کسانیکه باغ ام وغیره باشد آیا درآن هم کدام حق شرعی است که اداء گردد موضوع را با صراحت بیان فرمائید.

جواب: در این مورد نیز همان حکم وجود دارد که در سوال قبلی گفته شد وآن اینکه اگر مالیه دولتی داده شود عشر درآن نیست ([3]).

مالیه ای که ای که حکومت میگیرد حیثیت عشر یا خراج را دارد یانه: **سوال**: (۲۶۲: زمین های زراعتی هندوستان که تحت اداره انگلیس می باشد عشری است یا خراجی بهر تقدیر در صورتیکه مالیه ادا شود عشر یا خراج فرض خواهد بود یانه در صورتیکه واجب باشد زمین هایی که دولت توسط نهر به آنها آب می رساند واز آبیاری قیمت آب را می گیرد از چنین زمین باید عشر داد یا نصف عشر آیا این امکان وجود دارد که مالیه دولتی را وضع نموده وگفت که بقیه عشر فرض است وزمین بها ولپور که حاکم آن مسلمان می باشد در امور تفسیر طلب مذکور مانند سائر اراضی است یا از آنها فرق دارد؟

جواب: درعبارت شامی این تصریح وجود داردکه درزمین های هندوستان نه عشراست ونه خراج

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۷۴ – ۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۴). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۲۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۵. ظفیر

(۳) دلیل به ظاهر همان است که جواب دهنده دانشمند نقل کرده است قوله ارض غیر اشار الی انه المانع من وجوبه کون الارض خراجیة لانه لایجتمع العشر والخراج (ردالمحتار باب العشر ص ۶۶ ج ۲) مگر به نزد من خاکسار این دلیل درست نمی باشد زیرا صرف با دادن مالیه دولتی زمین خراجی نمی گردد طوریکه جواب دهنده دانشمند در جواب بعدی خود صریحاً گفته است که مالیه ای را که دولت می گیرد نمی توان خراج گفت این جواب تحت وضع کنونی هندوستان می باشد که به دلیل دار الحرب بودن درآن نه عشر است نه خراج لذا عبارتی که در حواله نقل گردیده غالباً تسامح می باشد والله اعلم.

یعنی نه عشری هستند ونه خراجی وآنچه رادولت مالیه میگیرد آنرا نمی توان خراج گفت عبارت شامی چنین است: (فان ارضها لیست ارض خراج او عشر) [1] جایی که عشر واجب باشد در آنچه دادن ۱۰\۱ حصه پیداوار لازم بوده وچیزی از آن منفی نمی شود وزمین هایی که در مقابل آب آن محصول داده می شو درآنها نصف عشر می باشد وعشر را باید به ریاست اسلامی می داد. فقط

در باغ های هندوستان عشر نیست: سوال: ۲۶۳: در باغ های ام گاهی ام های بسیار خورد چیده می شود واز آن چیتنی وغیره می سازند پس اندازه عشر چه خواهد وچگونه باید آنها را ادا کرد یا اینکه درآن عشر نیست؟

جواب: از روایات فقه معلوم میگردد که در زمین ها وباغ های هندوستان نه عشر است ونه خراج (زیرا دار الحرب بوده وزمین های دارالحرب عشری ویا خراجی نمی باشد فان ارضها لیست ارض خراج اوعشر).

استفسار درمورد زمین هندوستان: سوال: (۲۶٤) در جواب استفتای فوق تجریر فرمودید که از روایت فقه معلوم می شود که در زمین های وباغ های هندوستان عشر نمی باشد شبه آن که در (الامداد شعبان) نوشته شده در پیداوار که مقصود از آن بدست آوردن عاید باشد عشر واجب است چه غله باشد وچه میوه پس در زمین زراعتی وباغ در هر دو واجب می باشد چنین جوابی از حضرت مولانا رشید احمد قدس سره منقول است در اینصیورت چه حکم وجود دارد؟

جواب: بدون شک که دراین باره قبلاً حقیر نیز همان چیز را نوشته ودر الامداد وغیره نیز این مضمون موجود است اما پسی از گذشت مدتی این عبارت شامی که در ذیل نقل می گردد در جلد دوم در باب الزکاة از نظر گذشت که حاصل آن این است کلا اراضی دارالحرب نه عشری است ونه خراجی این مساله نزد فقها متفق علیه ومسلم به نظر می اید پس از دیدن این عبارت اصل آن چیزی کل حضرت قاری ثناء الله پانی پتی قدس سره در (ما لابدمنه) تحریر فرموده که مسائل عشر در این کتاب بدانجهت تحریر نگردید که زمین های اینجا عشری نمی باشد خلاصه

---

(۱) ردالمحتار باب الزکوٰة ص ٦۱ ج۲. ظفیر

آنکه پس از تشریح شامی وتصریح قاضی صاحب من حقیر به گفتن این سخن آغاز کردم زمین های هندوستان عشری نیست با این همه احتیاط در دادن عشر می باشد عبارت شامی چنین است (قال فی فتح القدیر قید بالخراجیة والعشریة لیخرج الدار فانه لاشی فیها لکن ورد علیه الارض التی لاوظیفة فیها کالمفازة اذ یقضی انه لاشی فی الماخوذ منها ولیس کذلک فالصواب ان لا یجعل ذلک القصد الاحتراز بل لتنصیص علی ان وظیفتهما المستمرة لاتمنع الاخذ مما یوجد فیهما واقول یمکن الجواب بان المراد بالعشریة والخراجیة ما تکون وظیفتهما العشر والخراج سواء کانت بید احد او لا فتشمل المفازة وغیر ها بدلیل ما قدمناه عن الخانیة من ان ارض الجبل عشریة فیکون المراد الاحتزاز بها عن دار الحرب ویدل علیه انه فی متن در رالبحار عیر بمعدن غیر دار الحرب فعلم ان المراد معدن ارضنا ولهذا قال القهستانی بعد قوله فی ارض خراج او عشر الاحصر فی ارضنا سوا کانت جبلاً اوسهلاً مواتاً او ملکاً واحترز به عم داره وارضه وارض الحرب ثم رایت عین ما قلته فی شرح الشیخ اسمٰعیل حیث قال ویحتمل ان یکون احترازاً عما وجد فی دارالحرب فان ارضها لیست ارض خراج او عشر) (۱).

از این عبارت معلوم می گردد که زمین دارالحرب نه عشری است ونه خراجی لذا اکنون بدلیل تصریح فقها مجبوراً لفظ عشری از زمین هندوستان نفی می گردد وخلاف آنرا تا کنون درجایی ندیده ام که به وجوب عشر بودن اراضی حرب تصریح کرده باشد لهذا فتوایی را که قبلاً مطابق قواعد عامه به وجوب عشر داده بودم ناگزیر ترک کردم.

سوال: زمینی که از آب کوه با تکلیف آبیاری شود در آن عشر است یا نصف عشر:

(۲٦۵) قطعه زمینی است که از آب کوه آبیاری می شود اما پس از تکلیف ومشقت بند انداختن پس شرعاً در آن عشر واجب است یا نصف عشر؟

جواب: درشامی در باب الزکاة آمده: (۲) (احترز به عن داره وارضه وارض الحرب ثم رایت عین ها قلته فی شرح الشیخ اسمعیل حیث قال ویحتمل ان یکون احترازاً عما وجود فی دار الحرب

(۱) ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۱۹. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۱۹. ظفیر

ِض خراج وعشر) از این عبارت معلوم میگردد که زمین های هندوستان نه
ِ نه خراجی واگر این صورت در زمین دار الاسلام باشد درآن عشر لازم است زیرا
ـمان می باشد چنانچه این مساله درالدر المختار آمده است ([1]).

ِ ـدار کیست ودرمورد عشر چه تفصیلی وجود دارد: **سوال**: (۲٦٦) زمیندار کسی است که به حاکم وقت خراج می دهد یا کس دیگری وکسیکه زمین را به اجرت می گیرد مستاجر است یانه زمیندار خود مالک زمین است یا در حقیقت مستاجر دولت می باشد برای عشر ملکیت شرط است یانه؟ وبرای وجوب عشر بر مستاجر ومزارع عشری بودن زمین شرط است یانه؟

جواب: زمیندار همان شخصی است که به دولت خراج می دهد ومالک زمین زمیندار می باشد وبرای عشر ملکیت شرط می باشد اما در صورت مزارعت واجاره قول صاحبین که مذهب مفتی به می باشد آن است که در صورت مزارعت زمیندار ومزارع هر دو از حصه خود به قدر عشر بدهند ودر صورت اجاره نزد صاحبین عشر بر مستاجر می باشد امام صاحب عشر را بر مؤجر واجب فرموده وعده ای از فقها به مذهب امام صاحب فتوی داده اند اما در این زمان فتوی دادن به مذهب صاحبین اقرب است الدر المختار از حاوی چنین نقل می نماید: (وبقولهما ناخذ وفی المزارعة ان كان البذر من رب الارض فعليه ولو من العامل فعلهما بالحصة) ([2]) والله اعلم.

در زمین هندوستان احتیاطاً عشر باید داد: **سوال**: (۲٦۷) زمین هندوستان عشری است یا خراجی ودر عشر زکات واجب می باشد یانه در حالیکه زمینداران کاشتکاری نموده وبه دولت مالیه می دهند در اراضی که خود کاشت می نمایند زکات واجب است یانه؟ زکات غله ومال التجارة که کشیده می شود در آن قید سال وجود دارد یا هروقتیکه حاصل گرفته شود وزکات از حساب تمام غله داده شود یا پس از منفی کردن اخراجات؟

جواب: در ردالمحتار باب الركاز این تصریح وجود دارد که در کشوری چون هندوستان هیچ

---

(۱) ونجب فی مسقی سماء ای مطر وسیح کنهر بلاشرط نصاب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲٦). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳٤. ظفیر

زمینی عشری وخراجی نیست لذا محصولی که دولت می گیرد خراج گفته نمی شود وچون در هندوستان هیچ زمین عشری نیست عشر نیز واجب نمی باشد (۱).

درصورت قرضدار بودن عشر واجب است یانه: سوال: (۲٦۸) شخصی قرضدار است واز مصارف خود چند روپیه پسی انداز می کند ومی خواهد آنرا در خود قرض بدهد ودر خانه چیزی که کشت می کند از آن زکات را کشیده ادا میکند آیا درست است یانه؟

جواب: در الدر المختار باب العشر آمده: (یجب مع الدین) (۲) یعنی عشر با وجود قرض نیز لازم می باشد پس در جاییکه عشر واجب است درآن جا دین مانع وجود عشر بیست ودر جاییکه واجب نیست اگر داده شود حرجی نمی باشد.

در غله ای که از زراعت بدست می اید و دولت از آن مالیه می گیرد عشر است یانه:

سوال: (۲٦۹) چرا باید زکات پیداوار زراعتی وغیره را داد در حالیکه سالانه آن به زمیندار داده می شود پس چه طریقه ای برای دادن زکات یا عشر در پیداوار وجود دارد؟

جواب: دادن ۱\۱۰ حصه یا ۱\۲۰ حصه را عشر ونصف عشر می گویند ودر زمین که دولت از آن مالیه می گیرد عشر ونصف محشر نیسست. (۳) اصل مساله آن است که هندوستان دار الحرب بوده وبدین جهت عشر نیست اما مطلب چنین نیست که بدلیل مالیه دولتی عشر نباسد ویا اینکه چنان گمان شود که مالیه دولتی قایم مقام عشر است)

ایا در پیداوار باید یک بر چهل حصه را کشید: سوال: (۲۷۰) الر زمین از غیر مسلمان باشد مثلاً هندو وسپس نصاری برآن مسلط شود باید ۱\٤۰ حصه پیداوار آنرا داد این قول صحیح است یا غلط؟

جواب: درپیداوارزمین برمالک زمین دادن۱\۱۰حصه می باشدحکم دادن ۱\۲ (٤) یا۱\٤۰حصه

---

(۱) ویحتمل ان یکون احترازا عما وجد فی دار الحرب فان ارضها لیست ارض خراج اوعشر (ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۰). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ٦۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲٦. ظفیر

(۳) ویحتمل ان یکون احترازا عما وجدفی دار الحرب فان ارضها لیست ارض خراج اوعشر (ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۰). ظفیر

(٤) یجب العشر الخ فی مسقی سماء ای مطر وسیح الخ ویجب نصفه فی مسقی غرب الخ ودالیة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار =

نیست به طریق صدقه نفلی هر قدری که بخواهید بدهید اما فرض نیست.

زمین معافی عشری است یانه وعشر چه طریقه ای دارد: سوال: (۲۷۱) مقداری زمین معافی در قبضه زید می باشد اگر زید این زمین را خود کشت، کند بدلیل صاحب نصاب بودن اگر زکات واجب می گردد چقدر باید بدهد؟ واگر زید این زمین معافی را به شخص دیگری به اجاره یا مزارعت بدهد باز هم باید زکات بدهد یانه واگر باید بدهد مقدار آن چیقدر است؟

جواب: از روایت شامی در باب الرکاز معلوم می شود که زمین کشوری چون هندوستان عشری وخراجی نیست واحتیاط درآن است که عشر پیدوار زمین داده شود یعنی اگر خود کاشت نماید عشر تمام پیداوار را خود ادا کند واگر به کسی به مزارعت می دهد هر یک بقدر حصه خود عشر بدهد ودر اجاره نقد به اساس اختلاف قولین عشر بر موجر یا بر مستاجر می باشد [1].

در زمینی که به مزارعت کشت شود چطور باید عشر داد: سوال: (۲۷۲) نزد من مقداری زمین موجود است که خراج بخشی از آنرا به زمیندار هندو از بخش دیگر آنرا به زمیندار مسلمان می دهم من زمین را به مزارعت میدهم اما تخم از عامل می باشد دراین حالت عشر به کدام حساب داده شود واگر نصف تخم از من ونصف دیگر از عامل باشد در آن وقت چه کسی باید عشر بد هد؟

جواب: از یک روایت شامی معلوم می گردد که در اراضی دارالحرب خراج وعشر نیست ([2]) ودر اراضی که عشر لازم وفرض می باشد فتوی چنان نوشته شده که در صورت مزارعت بر زمیندار وکشتکار به قدرت سهم خود عشر لازم می گردد که باید آنرا ادا کنند ([3]).

= باب العشر ج۲ ص ٦٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۵) در صورت مسئوله جونکه زمین در ملک غیر مسلم است فلهذا درآن عشر نیست: واخذ الخراج من ذمی غیر تغلبی اشتری ارضا عشریة من مسلم وقبضهما منه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۷۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۹). ظفیر

(۱) والعشر علی الموجر کخراج موظف وقالا علی المستاجر کمستعیر وفی الحاوی وبقولهما ناخذ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۷٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳٤). ظفیر

(۲) احتراز عما وجد فی دارالحرب فان ارضها لیست ارض خراج اوعشر (ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۰). ظفیر الدین عفر الله له

(۳) وفی المزارعة ان کان البذر من رب الارض فعلیه ولومن العامل فعلیهما بالحصة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۷۵ ، ط. س ج۲ ص ۳۳۵). ظفیر

فرق میان عشر ویک بر چهل چیست: سوال: (۲۷۳) الف: فرق میان عشر ویک بر چهل چیست؟

کاشتکاری جائز است یانه: سوال: (۲۷٤) ب: کاشتکاری جائز است یانه؟

در زراعتی که از آن مالیه داده می شود عشر است یانه: سوال: (۲۷۵) ج: در زراعتی که از آن به دولت مالیه داده می شود دادن عشر یا ۱\٤۰ حصه درآن واجب است یانه؟

ازجمله سه نوع کدام زمین عشری است: سوال: (۲۷٦) د: زید سه نوع کشت می کند اول اینکه پارچه زمین از زمیندار گرفته وپیدوار آن میان ایشان نصف میگردد ومالیه آن را مالک ادا می کند دوم اینکه زید زمین ملکیت خود را کشت می نماید ومالیه آنرا نیز خودش می دهد سوم اینکه زید زمین معافی دارد که آنرا کشت می کند واز آن مالیه نمی دهد دراین سه صورت بر زید دادن عشر واجب است یانه؟

عشر فرض است یا واجب یا مستحب: سوال: (۲۷۷) عشر یا دادن یک بر چهل حصه فرض است یا واجب یا مستحب؟

عشر در هر فصل است یا سال یک مرتبه: سوال: (۲۷۸) و: عشر یا ۱\٤۰ حصه را باید سال یک مرتبه داد یا در هر فصل؟

مصارف عشر کدام است:

سوال: (۲۷۹) ز: مصارف عشر یا ۱\٤۰ حصه چه کسانی اند؟

جواب: از الف الی ز: کاشتکاري طوریکه تفصیل آن درکتب فقه موجود بوده وانواع کاشتکاری را که درسوال نوشته اید همه درست اند ([1]) وعشر عبارت از ۱\۱۰ حصه پیدوار زمین می باشد ودادن ۱\٤۰ حصه در زکات می باشد که بر روپیه مال التجارة وغیره لازم می گردد پس در پیداوار زمین که دادن ۱\۱۰ حصه می باشد نام آن عشر است ودر روپیه وغیره که بس از یکسال کامل دادن ۱\٤۰حصه می باشد نام آن زکات است.

از روایت شامی معلوم می گردد که بر زمین های هندوست ان عشر نیست اما در جایي که عشر

---

(۱) وعـهما جائزة والفتوی علی ق لهما لحاجة الناس (عالمگیری کتاب المزارعة ج۵ ص ۲۳۵ , ماجدیه ج ۵ ص ۲۳۵). ظفیر

لازم می باشد در هر فصل زمین دادن ١\١٠ حصه است ([1]) مثلاً از ده من دادن یک من لازم می باشد ودر روپیه وغیره بعد از یکسال کامل یک مرتبه دادن فرض می باشد ومصارف عشر وزکات فقرا مساکین وغیره اند ([2]).

در ترکاری زکات است یانه ومقدار آن چقدر است: سوال: (٢٨٠) در ترکاری اگر زکات واجب باشد مقدار آن چقدر است؟

جواب: نزد امام صاحب عشر که عبارت از زکات پیدوار می باشد درسبزی وترکاری نیز است اما تا وقتیکه شرایط عشر موجود نباشد واجب نیست ودر مورد عشری بودن زمین های هندوستان تردد واختلاف وجود دارد ([3])

در زمین مزارعت عشر برچه کسی است: سوال: (٢٨١) خراج مقاسمه در زمین مزارعت بر چه کسی است یا به حساب حصه هر یک از طرفین است چنانچه در عشر می باشد واگر مانند عشر بر هردو است مقصود این عبارت شامی (ثم اعلم ان هذا کله فی العشر اما فی الخراج فعلی رب الارض اجماعاً کما فی البدائع) ([4]).

جواب: در جلد سوم شامی در باب عشر خراج وجزیه در مورد این قول الدر المختار (و هو ای الخراج نوعان خراج مقاسمه می گوید: (وقد تقرر ان خراج المقاسمة کالعشر لتعلقه بالخراج ولذا یتکرر بتکرار الخارج فی السنة وانما یفارقه فی المصرف فکل شی یوخذ منه العشر او تصفه یوخذ منه خراج المقاسمه وتجری الاحکام التی قررت فی العشر وفاقاً وخلافاً) ([5]).

از این عبارت معلوم می گردد که در عبارت مقوله شامی (ثم اعلم ان هذا کله فی العشر اما الخراج فعلی رب ارض اجماعاً کما فی البدائع) مراد از خراج خراج موظف می باشد نه خراج

---

(١) یجب العشر الخ فی ارض غیر الخراج الخ بلا شرط نصاب الخ وبلا شرط بقاء وحولان حول (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج٢ ص ٦٦ ، ط. س. ج٢ ص ٣٢٥). ظفیر

(٢) مصرف الزکوٰة والعشر الخ هوفقیر وهومن له ادنی شی ای دون نصاب الخ (ایضا باب المصرف ج٢ ص ٧٩ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩) . ظفیر الدین غفر الله له

(٣) احتراز عما وجد فی دار الحرب فان ارضها لیست ارض خراج اوعشر (ردالمحتار باب الرکاز ج٢ ص ٦١ ، ط. س. ج٢ ص ٣٢٠) ظفیر الدین غفر الله له

(٤) ردالمحتار کتاب الزکوٰة باب العشر ج٢ ص ٧٦ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٥. ظفیر

(٥) ردالمحتار کتاب الجهاد باب العشر والخراج والجزیة ج٣ ص ٣٥٩ ، ط. س. ج٤ ص ١٨٥. ظفیر

مقاسمه ودر مورد اصل مساله یک روایت در ص ٤٥ باب الرکاز شامی چنین آمده: (و لهذا قال القهستانی بعد قوله فی ارض خراج عشر الاحصر فی ارضنا سوا کانت جبلاً وسهلاً مواتاً او ملکاً او احترز به عن داره وارضه وارض العرب ثم رایت عین ما قلته فی شرح الشیخ اسمٰعیل حیث قال ویحتمل ان یکون احترازاً عما وجدفی دار الحرب فان ارضها لیست ارض خراج او عشر (١) از اینجا معلوم میگردد که زمین های هندوستان عشری یا خراجی نمی باشد.

در زمین میراثی زمیندار عشر است یانه: سوال: (۲۸۲) شخصی زمین زمینداری را کشت می کند وپس از گذ شتن مدت زمان طولانی کاشتکاری موروثی می کردد زمین مذکور توسط نهر آبیاری شده ومالیه آن نیز داده می شود آیا در زمین مذکور عشر است یانه؟

جواب: در پیدوار این زمین عشر نیست (٢) اصل مسئله آن است که در زمین دار الحرب عشر نمی باشد. فقط

درزمین خراجی عشر است یانه: سوال: (۲۸۳) در زمین خراجی عشر واجب است یانه؟

جواب: بین احناف این مساله متفق علیه می باشد که عشر وخراج جمع نمی گردد لهذا نزد ایشان فتوی دادن عشر در زمین خراجی وجود ندارد (٣) واین مساله دیگر است که اگر حکام از زمین عشری خراج گرفتند مسأله میان خدا وبنده بوده وبباید شخص مذکور عشر بدهد زیرا احتیاط در آن است.

در زمینی که محصول آنرا دولت می گیرد وعاید خاصی ندارد عشر است یانه: سوال: (۲۸٤) زمینی که از پیداوار آن محصول دولتی به مشکل ادا می گردد یا بسیار کم عاید دارد درآن عشر فرض است یانه؟

جواب: درچنین زمین عشر واجب نبوده وازروایت شامی معلوم می شود که در هیچ یک اززمین

---

(۱) ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦٢ ، ط. س. ج۲ ص ۳۱۹. ظفیر

(۲) احتراز عما وجد فی دار الحرب فان ارضها لیست ارض خراج اوعشر الخ (ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦١ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۰. ظفیر الدین غفر الله له

(۳) اشار الی ان المانع من وجوبه کون الارض خراجیة لانه لایجتمع العشر والخراج (ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ٦٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۵. ظفیر الدین غفر الله له

های هندوستان عشر واجب نمی باشد زیرا دار الحرب بوده واراضی آن عشری وخراجی نمی باشد ([1]).

در زمین نهری عشر است یانصف عشر: **سوال**: (۲۸۵) در زمین های نهری عشر واجب است یا نصف عشر؟

جواب: در زمین های نهری که از آب آن محصول داده می شود نصف عشر واجب می باشد طوریکه در الدر المختار آمده (ویجب نصفه فی مسقی غرب ودالیة وفی کتب الشافعیه او سقاه بماء اشتراه وقواعد نا لاتاباه) ([2]).

درزمینی که از آب آن اجوره داده شود عشر است یانصف عشر: **سوال**: (۲۸٦) تمام آن اراضی نهری که به اثر سمعی نصاری آباد گردیده وقبل از این ویران بوده وپیداوار آن فقط به سبب باران بود واکنون توسط نهر آبیاری می گردند وخراج هم می گیرند عده ای از علما می گویند که تمام اراضی نهری درحکم عشر است وبعضی عکس آنرا وعده ای از بیست حصه یک حصه گویند کدام قول راجح بوده وکدام یک مجروح می باشد؟

جواب: درشامی آمده که در اراضی دار الحرب عشر وخراج نیست از این روایت معلوم می گردد که در اراضی هندوستان عشر واجب نمی باشد ([3]) ونیز فقها تصریح نموده اند که اگر در زمین عشری با آب نهر آبیاری گردد ومحصول آن به دولت داده شود نصف عشر یعنی ۱\۲۰ حصه واجب می شود ([4]) واین تصریح نیز وجود دارد که عشر باخراج جمع نمی گردد ([5]).

زمینی که برزراعت ششصد روپیه خبر شده وعاید هشتصد روپیه باشد برآن چه زکات می آید: **سوال**: (۲۸۷) الف: یک کاشتکار در کشت زمین خود مجموعاً ششصد روپیه به مصرف رساند وحاصل آن مبلغ هشتصد روپیه گردید درآن دادن چقدر زکات واجب می باشد؟

---

(۱)شامی باب الرکاز ج۲ ص ٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۸. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ٦۸ وص ٦۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۸. ظفیر

(۳) باب الرکاز ج۲ ص ٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۰. ظفیر

(٤) ویجب نصفه فی مسقی غرب ای دلو کبیر ودالیة ای دولاب لکثرة المونة الخ بلارفع منون الخ الزرع وبلا اخراج البذر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص٦۸ وص٦۹ ، ط. س. ج۲ ص۳۲۸). ظفیر

(٥) لانه لایجتمع العشر والخراج (ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ٦٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۵). ظفیر

بر زمینی که در آن خساره گردد عشر است یانه: **سوال**: (۲۸۸) ب: به همین ترتیب در زمین دیگری ششصد روپیه مصرف نمود وپیدوار آن پنجصد روپیه شد یعنی صد روپیه تاوان گردید دراینصورت زکات چه شکلی خواهد داشت؟

آیا در زمینی که به مزدوری داده شده عشر است: **سوال**: (۲۸۹) ج: یک کاشتکار مانند انچه در سوال (الف) ذکر شد تمام مخارج زمین را پرداخته ومزرعه را توسط چاه آبیاری نموده واز آن حاصل می گیرد شخص مذکور زکات را چطور اداء کند؟

جواب: (الف ب ج): در زمین هایی که عشر واجب می باشد در آنجا اخراج ۱۰\۱ حصه تمام پیداوار واجب است بدون آنکه مخارج وضع گردد طور یکه در الدر المختار آمده (بلا رفع مؤن الزرع) ([1]) ودر مزارعت بر مالک وکاشتکار به اندازه حصه ایشان عشر واجب می شود واز روایت شامی در باب الرکاز معلوم می گردد که در زمین های دارالحربی عشر نیست ودر مورد سوال (ج) تفصیل دیگری وجود دارد وآن اینکه کشیدن ۲۰\۱ حصه واجب می باشد ([2]).

آیا برای ادای عشر طلب عامل شرط است: **سوال**: (۲۹۰) زید می گوید که برای ادای عشر طلب عامل شرط است وتا وقتیکه عامل طلب نکند ادای آن واجب نمی باشد.

جواب: این قول زید صحیح نیست در زمین عشری اگر عشر را ادا کند نیز درست است (ویسقط عن صاحب الارض کما لو ادی بنفسه) ([3]) البته این بحث جدا گانه است که در دار الحرب عشر واجب نمی گردد تصریح این مساله در باب الرکاز شامی آمده که زمین دار الحرب نه عشری می باشد ونه خراجی واز اینجا معلوم می گردد که در دار الحرب عشر واجب نمی گردد اما اگر از روی استحسان بدهد بهتر است.

بحث مفصل نبودن عشر در اراضی هندوستان وعملکرد علمای دیوبند: **سوال**: (۲۹۱) مفتی صاحب السلام علیکم از دو روز بدینسو بیحد گرفته بودم امروز خداوند تعالی اندکی

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب العشر ج۲ ص ۶۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۸. ظفیر

(۲) وما سقی بغرب اودالیة اوسانیة ففیه نصف العشر علی القولین لان المؤنة تکثر فیه وتقل فیما یسقی السمآء اوسیحا وان سقی سیحا وبدالیة فالمعتبر اکثر السنة کما هو فی السائمة (هدایه باب زکوٰة الزروع والثمار ج۱ ص ۱۸۴). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۶۷ تحت قول المتن ولذاکان للامام اخذه جبرا، ط. س ج۲ ص ۳۲۶. ظفیر .

بهبودی داد من تا امروز غافل بودم هر چند در ذهن من بود که دادن عشر غله مانند زکات واجب الاداء می باشد ومعمولاً وقت آمدن غله مقداری به خاطر خداوند عز وجل می دادم اما ۱\۱۰ حصه را دقیقاً نداده ام وهیچ حساب وکتابی از سال های گذشته وجود ندارد آیا این گناه عفو خواهد شد؟ ارسال غله به مدرسه دشوار است لذا قیمت آنرا ارسال می کنم نصف عشر چه معنی دارد ومن عشر بدهم یا نصف عشر غله ام مقرر بوده واکثراً حصول می گردد وبه مقدار زیاد باقی می ماند که به فروش رسانیده شده وبه رقم نقد تبدیل می گردد اگر زکات از همین رقم نقد داده شود مضا یقه ای درآن نخواهد بود؟

جواب: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته نامه گرامی شما رسید در گذشته ها تا مدتی علم من چنان بودکه در زمین های عشری هند عشری واجب می باشد لذا به اساس نوشته ها یک عالم بزرگ چنین فیصله نمود ودر بسیاری جاها فتوی دادم که زمین های ملکیت مسلمانان عموماً عشری بوده پس باید این مسأله را دانست وعشر داد زیرا در زمین های عشری دادن عشر یا نصف عشر به حکم آیة مبارکه (و آتوا حقه یوم حصاده) ([1]) مانند زکات فرض است سپس مدتی در کتاب (مالا بدمنه) تصنیف حضرت قاضی صاحب ثناء الله (رح) این تحقیق وتصریح به نظر آمد من درکتاب خود همراه مسائل زکات بدانجهت مسائل عشر را ننوشتم که زمین های این سرزمین عشری نیست در پهلوی آن این مساله را نیز باید ضروراً پذیرفت که این حکم قاضی صاحب که زمین های اینجا عشری نیست فیصله متفقه آن زمان است زیرا قاضی صاحب شاگرد خاص شاه ولی الله بوده ومعاصر حضرت شاه عبدالعزیز ودیگر حضرات می باشد پس ضروراً این امر فیصله متفقه آن زمان بوده است که در هندوستان زمین های عشری نیست لذا پس از آن این معمول دیده می شود که بزرگان برعکس مسأله زکات به عشر اهتمام نورزیده اند که باعث تعجب وتردد ودرعین حال موجب تائید تحقیق قاضی صاحب می گردید که اینکه تمام بزرگان اهتمام به عشر وترک گفته اند (دلیلی موجود است که بدان دلیل عملاً متروک گردیده پس چند سال بود که مولانا محمد انور شاه صاحب یا شخص دیگری فرمود که در باب الرکاز شامی

---

(۱) سورة انعام رکوع : ٤ طفیر

این روایت وجود دارد که اراضی آنجانه عشری است ونه خراجی این روایت را دیده ودلیل حضرت قاضی صاحب ثناء الله پانی پتی برایم معلوم گردید که آن حضرات زمین های هندوستان را عشری نمی دانستند زیر هندوستان را دار الحرب می شمردند عبارت روایت شامی درباب الرکاز چنین است: (واحترز به عن داره وارضه وارض الحرب فان ارضها لیست ارض خراج او عشر) ([1]) وعبارت (ما لابد منه) چنین می باشد: (وتفصیل اجناس سوائم وقدر واجب آن طول دارد ودر این دیار این اموال بقدر وجوب زکات نمی باشد لهذا مسائل زکات آن مذکور نکرده وهمچنین احکام عشر زمین عشریه که دراین دیار نیست ومسائل عاشر که به طرق وشوارح باشد مذکور نکرده شد) ([2]) پس از این بحث یک مشکل باقی می ماند وآن اینکه حضرت اقدس گنگوهی به وجوب عشر حکم می نمود ودر تحریر وتقریر خود این مساله را آشکار کرده است وحقیقت آن است ودر این مسأله شکی وجود ندارد که اقتضای نصوص قرآنی واحادیث نبوی چنین می باشد وامام صاحب نیر در (جمیع ما اخرجت الاراض) به وجوب عشر حکم فرموده وطوریکه در دار الحرب زکات ساقط نمی شود بلکه باید مالک مال خود آنرا اداء کند پس به همین ترتیب باید عشر در هر جایی واجب باشد اما چون برای وجوب عشر عشری بودن زمین ضروری می باشد وچون گفته شود که زمین دار الحرب عشری نیست پس برای وجوب نیز دلیلی وجود نخواهد داشت پس فعل وقول حضرت گنگوهی (رح) را می توان مبنی بر احتیاط گفت چنانچه مرشد ما حضرت مولانا شاه رفیع الدین صاحب قدس سره (مهتمم دار العلوم دیوبند) به مردمان خاص خود حکم اخراج عشر را می نمود وبنا براین چون پدر بزرگوارم از حاصلات غله به قدر سهم من برایم می داد که معمولاً ده تا بیست خروار می بود هنگام دادن می گفت از ده خروار یک خروار را به رضای خوداوند بده دادن قیمت عاشر جائز می باشد ([3]).

نصف عشر عبارت از ۱\۲۰ حصه بوده وعلت آن فرق قیمت آب وغیره می باشد یعنی اصل در

(۱) ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ۶۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۰. ظفیر

(۲) ما لابدمنه ازقاضی ثناء الله پانی پتی ص ۹۴ وص ۹۵ کتاب الزکوٰة. ظفیر عبارتی که نقل گردیده از مولف (مالا بدمنه) می باشد اذا در آن تصرفی نکردیم (مترجم).

(۳) حتی یجوز اداء قیمة (ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۷۳ . ط. س. ج۲ ص ۳۳۲) . ظفیر

اراضی عشریه عشر بوده بدین معنی که دادن ۱\۱۰ حصه پیداوار واجب می باشد اما اگر در آبیاری زمین مشقت زیاد باشد ومخارج آن زیاد گردد به جای عشر دادن نصف عصر واجب می ماند طوریکه از این عبارت الدر المختار معلوم می گردد ویجب فی مسقی سماء ای مطر وسیح ویجب نصفه فی مسقی غرب ای دلو کبیر ودالیة أی دولاب للکثرة المونة وفی کتب الشافعیه او سقاه بماء اشتراه وقواعد نا لاتاباه) (۱) وعلامه شامی گوید که دلیل آن چنان به نظر می آید که هنگامی که مخارج زیاد گردد به جای عشر دادن نصف عشر یعنی ۱\۲۰ حصه واجب باقی می ماند والله تعالی اعلم.

در زمین هندوستان عشر واجب است یانه: سوال: (۲۹۲) اینکه فقها فرموده اند که عشر وخراج جمع نمی گردد این فرموده ایشان به حکومت مسلمانان مخصوص می باشد که از زمینی که خراج گرفته شود عشر گرفته نمی شود در مورد حکومت غیر اسلامی نیز همین حکم خواهد بود در جلد دوم شامی این تصریح وجود دارد که چون کفار حربی بر سرزمین ما مسلط شوند احکام در مورد ایشان مانند احکام باغیان خواهد بود یعنی طوریکه با گرفتن زکات اموال ظاهره از سوی باغیان زکات مذکور از ذمه مالک ساقط مگردد به همین ترتیب با گرفتن کافر متغلب نیز ساقط مي شود این رای علامه مذکور قابل قبول است یانه مقصود انکه در زمین هندوستان عشر واجب است یا خراج؟

جواب: علامه شامی در باب الرکاز تصریح نموده که اراضی دار الحرب نه عشری می باشد ونه خراجی یعنی نه در انجا عشر واجب می باشد ونه خراج وخراجی که کفار بگیرند خراج شرعی نیست ونه واجب می باشد از اینجا معلوم میگردد که چون هندوستان دار الحرب گفته نشود به نظر محقیقن عشر درآن واجب نیست واگر کسي احتیاطاً بدهد مسأل علیحده ای است وتائید این نظر انر تصریح حضرت قاری ثناء الله پانی پتی نیز می گردد که در ما لابد منه) فرموده است که ما مسآئل عشر را بدان نجهت ننوشتم که دراین بلاد عشر واجب نیست واگر زمین های هندوستان عشر گفته شود باز حکم مذکور در اینجا نیز جاری می باشد که عشر وخراج جمع

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۶۸ وص ۶۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۶ و۳۲۸). ظفیر

نمی گردد وتائید این نکته از آن می شود که مرحوم مولانا عبدالحی در فتاوی خود تصریح نموده که در هندوستان از زمینی که عشر گرفته می شود خراج در آن نیست استدلال او از همین قاعده کلی است که عشر وخراج جمع نمی گردد واین تحقیق علامه شامی (ویظهر لی ان اهل الحرب لو غلبوا علی بلدة من بلادنا کذلک (۱) صحیح معلوم می شود که عبارت باب الرکاز چنین است: (واحترز به عن داره وارضه وارض الحرب ثم رایت عین ما قلته فی شرح الشیخ اسمٰعیل حیث قال ویحتمل ان یکون احترازاً عما وجدش دار الحرب فان ارضها لیست ارض خراج او عشر) (۲) ص ٤٥ ج۲. شامی.

در افیون عشر واجب است یانه: سوال: (۲۹۳) افیون مال متقوم است یانه ودر آن عشر واجب می باشد یانه؟

جواب: اقول وبالله التوفیق صحیح چنان به نظر می آید که افیون مال متقویم بوده وعشر درآن واجب است.

زکات کاه: سوال: (۲۹٤) در کاه که از زمین پیدا می شود زکات آن چه حسابی دارد؟

جواب: دادن ۱۰\۱ حصه در آن عشر واجب است وهرچیز یکه پیداوار زمین باشد دادن ۱۰\۱ حصه درآن واجب می باشد.

در پیداوار تنباکو عشر است یانه: سوال: (۲۹۵) اگر شخصی در زمین خود تنباکو بکارد درپیداوار آن عشر لازم خواهد بود یانه؟

جواب: اگر زمین عشری باشد عشر آن درآن لازم است. (۳)

زمین عشری وزمینی که از هندوگرفته شود ودیگرا راضی هندوستان چه حکم دارد:

سوال: (۲۹٦) تعریف زمین عشری چیست وآیا تمام زمین ها عشر بوده ودادن عشر همه واجب است در حال یکه دولت نیز مالیه می گیرد را یا درزمینی که مسلمان از هندو گرفته نیز عشر می

(۱) ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦۱ ، ط س. ج۲ ص ۲۸۸. ظفیر

(۲) قال ابوحنیفة رحمه الله فی قلیل ما اخرجته الارض وکثیره العشر سواء سقی سیحا اوسقته السماء الا القصب والحطب والحشیش (هدایه ج۱ ص ۱۸۳). ظفیر

(۳) وقال ابوحنیفة رحمه الله فی قلیل ما اخرجته الارض وکثیره العشر الخ (هدایه باب زکوٰة الزروع والثمار ج ۱ ص ۸۳). ظفیر

باشد وعشر بر ذمه مالک است یا کاشتکار واگر مال خود کشت کند چه حکم دارد؟

جواب: مقصود از زمین عشر آن است که از زمینی که عشر داده شود عشری می باشد (۱) وقتیکه وضع کاملاً روشن نباشد طوریکه اکنون است عموماً حکم می شود که زمین های ملکیت مسلمانان به شکل معافی می آید ویا آنرا از مسلمانی می خرد عشری بوده وزمینی را که از کافر بخود خراجی باقی می ماند وبعضی از حضرات چنین نیز نوشته اند که چون دولت از همه زمین ها مالیه می گیرد پس همه آنها خراجی می باشند اما احتیاط در آن است که مسلمانان از اراضی ملکیت خود عشر بدهند زمین اگر به اجاره داده شود نزد امام صاحب عشر آن بر مالک است که از رقم اجاره ۱۰\۱ حصه را صدقه کند اگر مالک خود کشت نماید باید از تمام پیداوار ۱۰\۱ حصه آنرا اخراج کند ومحصول دولتی وغیره را وضع نماید (۲).

در زمینی که شخص خود کشت کند عشر است یانه: **سوال**: (۲۹۷) بکر زمین بسیار کمی دارد که خود کشت می کند ووسیله روزی کودکانش می باشد آیا در پیداوار آن عشر واجب است یانه؟

جواب: عشر ونصف عشر درآن واجب است (اما اگر هندوستان دار الحرب قبول شود واجب نیست طوریکه یک بحث آن گذشت) (۳).

غله ای که زکات آن داده نشود حلال است یاحرام: **سوال**: (۲۹۸) زید از غله خود ۱۰\۱ حصه زکات آنرا نداد غله مذکور حلال است یا حرام؟

جواب: غله مذکور حلال بوده وزید به دلیل ندادن زکات گنهگار وفاسق می گردد.

---

(۱) زمین عشری آن است که مالک آن مسلمان باشد وباسر زمینی که باقوت فتح ومیان مجاهدین تقسیم شود (هو كل ارض اسلم اهلها وفتحت عنوة وقسمت بين الغانمين فهى ارض عشر (هدايه باب العشر و الخراج ص ٦٧ ج ٢) والعشر على الموجر كخراج موظف (درمختار) اى لواجر الارض العشرية فالعشر عليه من الاجرة كما فى التارخانيه (ردالمحتار باب العشر ج٢ ص ٧٤ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٤). ظفير

(۲) اخذ البغاة والسلاطين الجائرة زكوٰة الاموال كالسوائم والعشر والخراج لا اعادة على اربابها ان صرف الماخوذ فى محله الاتى ذكره وان لايصرف فيه فعليهم فيما بينهم وبين الله اعادة غير الخارج الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب العشر ج٢ ص ٣٢ ، ط. س. ج٢ ص ٢٨٨). ظفير

(۳) قال ابوحنيفة رحمه الله فى قليل ما اخرجته الارض وكثيره العشر سواء سقى سيحا اوسقت السماء الا القصب والحطب الخ وسقى الغرب او دالية اوسانية ففيه نصف العشر (هدايه باب زكوٰة الزروع ج١ ص ١٨٣ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٥). ظفير

زکات درپیداوار زمین کاشتکار وزمیندار: **سوال**: (۲۹۹) بر زارعین مسلمان خواه زمیندار باشند یا کاشتکار در پیداوار زراعت یکسان زکات فرض است یا فرقی دارد وچقدر زکات باید داده شود؟

جواب: زکات در پیدوار زمین ۱\۱۰ حصه می باشد که بنام عشر یاد می گردد اما شرط آن است که زمین عشری باشد نه خراجی درصورت مزارعت عشر بر هردو می باشد یعنی هر قدر غله که به مالک زمین برسد عشر آنرا بدهد وکاشتکار نیز از سهمی که برایش رسیده عشر آنرا اخراج کند (۱).

زکات بر کل پیداوار است یا مالیه از آن وضع می شود: **سوال**: (۳۰۰) در ممالک متحده (اگره) و (اوده) هیچ زمینی نیست که از مالیه دولت مستثنی باشد پس در حالت متذکره زمیندار یا کاشتکار از پیدوار زمین رقم مالیه یا اجاره زمیندار را وضع کند وزکات آنرا بدهد یا از تمام بدون آنکه چیزی وضع نماید؟

جواب: اگر زمین عشری باشد باید ازکل پیداوار آن عشر داده شود و مالیه دولتی وغیره از آن وضع نگردد (۲)

مقصود از جمع شدن عشر وزکات چیست: **سوال**: (۳۰۱) مولانا صاحب عبدالحی در مجموعه فتاوی جلد دوم صفحه ۳۱۸ نوشته اند که هر که در زمین ملکیت با آب باران کاشت کرد محشر غله بر او واجب الاداء است مگر در صورتیکه خراج زمین مذکور به حاکم وقت داده شود در آنوقت عشر ساقط است به حکم عبارت ردالمحتار وغیره که (الایتجمع العشر مع الخواج) تفصیل این مسأله چگونه است وعبارت مذکور چه معنی دارد؟

جواب: معنای این قول او (لا یجمتع العشر والخراج انه لا یوخذ من الارض الخراجیة العشر ولا

---

(۱) وفي المزارعة ان كان البذر من رب الارض فعليه ولومن العامل فعليهما بالحصة (الدرالمختار) ان العشر على وب الارض عنده وعليهما عندهما الخ وهو الظاهر لما في البدائع من ان المزارعة جائزة عندهما والعشر يجب في الخارج والخارج بينهما فيجب العشر عليهما (ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۷۵). ظفير

(۲) وتجب في مسقى سماء وسيح بلا شرط نصاب وبقاء وحولان حول الخ يجب العشر ويجب نصفه في مسقى غرب ودالية لكثرة المؤنة الخ بلا رفع مئون الزرع وبلااخراج البذر لتصريحهم بالعشرفي كل الخارج (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ٦٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲٤ – ۳۲٦). ظفير

من العشریة الخراج ولکن ان اخذ من العشریة الحراج فهل سقط العشر فهو محل تامل) پس ظاهر ان است مولانا صاحب عبد الحی حکم زمین خراجی را نوشته که اگر از آن خراج گرفته ادای عشر لازم نخواهد بود لیکن اگر از زمین عشری خراج گرفته شد ظاهر آن است که دیاناً به ذمه مالک ادای عشر لازم است. (۱)

عشر به دلیل مالیه دولتی ساقط نمی گردد: سوال: (۳۰۲) از زمینی که دولت مالیه می گیرد عشر از آن ساقط می شود یانه؟

جواب: رفتن مالیه از زمین عشری باعث سقوط عشر نمی گردد چنانچه در (ردالمحتار) آمده (هذا هو الاحتیاط) (۲) اما اگر زمین عشری نبوده وخراجی باشد دادن مالیه کافی بوده وعشر درآن واجب نیست.

از این سه نوع زمین درکدام یک عشر است: سوال: (۳۰۳) نزد من سه نوع زمین وجود دارد در کدام یک عشر است ودرکدام یک خراج؟

نوع اول: زمین ویرانه دولتی بود من به دولت درخواست دادم وبرایم داده شد واکنون ملکیت من است نوع دوم را از یک کافر خریده ام که ملکیت من می باشد نوع سوم زمین دولتی است که غرض زراعتی برای یکسال یا پیشتر داده می شود.

جواب: درنوع اول عشر لازم است (لان العشر الیق بالمسلم وما اسلم اهله طوعاً او فتح عنوة وقسم بین جیشنا... باجماع الصحابة (الدر المختار) قوله لانه الیق بالمسلم ای کافیه من معنی العبادة (ردالمحتار) وفیه لو ان مسلم او الذمی سقاها مرة بما العشر ومرة بما الخراج فالمسلم احق بالعشر والذمی بالخراج) (۳) ودر نوع دوم خراج است: (او اشتری مسلم من ذمی ارض خراج یجب الخراج (الدر المختار) (٤) ودر نوع سوم عشر درخارج لازم است: (لانهم صرحوا

---

(۱) احذ البغاة والسلاطین الجائرة زکوٰة الاموال کالسوائم والعشر والخراج لا اعادة علی اربابها ان صرف الماخوذ فی محله الاتی ذکره وان لایصرف فیه فعلیهم فیما بینهم وبین الله اعادة غیر الخارج الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۸)، ظفیر

(۲) احذ البغاة ان اهل الحرب لوغلبوا علی بلاد کذالک (رد المحتار)، ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب الجهاد باب العشر والخراج والجزیة ج۳ ص ۳۵۱ ، ط. س. ج٤ ص ۱۷٦. ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الجهاد باب العشر والخراج والجزیة ج۳ ص ۳٦٤ ، ط. س. ج٤ ص ۱۹۱. ظفیر

بان الملک غیر شرط فیه هل سبب وجوبه الارض النامیة وشرطه ملک الخارج ای لا ملک الارض کما فی الاراضی الموقوفة (الدر المختار) ([1]).

<u>**زمین عشری وخراجی**</u>: **سوال**: (۳۰۴) کدام زمین عشری وکدام زمین خراجی است؟ اگر دولت از زمین عشری خراج بگیرد عشر ساقط می شود یانه؟

جواب: اراضی ملکیت مسلمانان را که حال آنها معلوم نیست احتیاطاً عشری باید شمرد وباید از آنها عشر داد واز زمین عشری اگر خراج گرفته شود عشر ساقط نمی گردد ([2]).

<u>**آیا در زمینی که خراج باشد عشر نیست**</u>: **سوال**: (۳۰۵) از (الفاروق) که مصنف آن مولانا شبلی نعمانی می باشد ظاهر می گردد که در زمینی که خراج باشد عشر نیست مسأله را واضح سازید خداوند عزوجل شما را اجر دهد.

جواب: فقها حنفی نوشته اند که از ز ینی که محصول گرفته شود عشر درآن نیست. ([3])

<u>**در زمین نو آباد عشر است یانه**</u>: **سوال**: (۳۰۶) علمای دین چه می گویند درمورد زمین هایی که هنوز نو آباد اند یا جدیداً قابل زراعت می شوند مثلاً در پنجاب شهرهای (لائل پور) و(سرگودا) آباد بوده وشهر (منتگمری) اکنون آباد می شود آیا در زمین های مذکور عشر است در حالیکه از همه آنها دولت مالیه می گیرد وتکلیف مشقت ومخارج زید به کار دارند طوریکه انسان گاهی درآن هیچ نفع نمی کند؟

جواب: درشامی منقول است (احقرازاً عما وجد فی دار الحرب فان ارضها لیست ارض خراج او عشر) ([4]) به اساس این روایت عشر لازم نیست اما اگر چنین اراضی در دارالاسلام باشد درآن عشر لازم است لذا اگر احتیاطاً داده شود بهتر می باشد.

<u>**عشر زراعت بر صاحب واجب است یا برهمه**</u>: **سوال**: (۳۰۷) عشر زراعت بر صاحب نصاب

---

(۱) ردالمحتار کتاب الجهاد باب العشر والخراج والجزیة ج۳ ص ۳۵۲ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷۸. ظفیر

(۲) وما اسلم اهله طوعًا اوفتح عوة ولسم بین جیشا الح عشر (الدر المحتار علی هامش ردالمحتار کتاب الجهاد. باب العشر والخراج والجزیة ج۳ ص ۳۵۰). ظفیر

(۳) ولایوخذ العشر من الخارج من ارض الخراج لانهما لایجتمعان (ایضا کتاب الجهاد باب العشر والخراج والجزیة ج۳ ص ۳۶۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۲). ظفیر

(٤) ردالمحتار باب الرکاز ج۲ ص ٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۰. جواب این سوال دراصل کتاب نیز وجود ندارد (مترجم). ظفیر

واجب است یا بر همه واگر کسی که عشر می خواهد صاحب نصاب باشد دادن عشر وزکات به او درست یانه؟

آیا در زمین عشری مخارج کارگران در عشر محاسبه می شود: سوال: (۳۰۸) در زمین عشری اجوره ای که به کارگران داده می شود آیا می توان آنرا از حساب عشر وضع کرد یانه؟

جواب: در عشر اجوره کارگران ودیگر مخارج حساب نمی گردد یعنی به دلیل اجوره مزدوران ومخارج دیگر در عشر کمی واقع نمی شود لذا باید درآن ۱\۱۰ حصه داده شود چنانچه در الدر المختار آمده (بلا رفع مؤن ای کاف الزرع وبلا اخراج البذر لتصریحهم بالعشر فی کل الخارج) ([1]).

زمین عشری کدام است ودر زمین اجاره ای عشر است یانه: سوال: (۳۰۹) زمین عشری به چه نوع زمینی گفته می شود وکسانیکه به زمیندار محصول می دهند به چه حسابی صدقه غله برایشان واجب است؟

جواب: از تصریح شامی معلوم می شود که زمین های هندوستان عشری وخراجي نمی باشد واگر احتیاطاً عشر داده شود بهتر است ودر مورد کسانیکه به زمیندار محصول می دهند اختلاف است که عشر برکدام یک واجب می باشد امام صاحب گوید که بر زمیندار واجب است وصاحبین می گوید که بر مستاجر است ودر الدر المختار آمده (وبقولهما نأخذ) [2] وشامی پس از تحقیق گوید: (فلا ینبغی العدول عن الافتاء بقولهما فی ذلک) [3].

در زمینی که بابیل برای کاه حیوانات کشت شود حکم شرعیت چیست: سوال: (۳۱۰) اگر چند نفر توسط بیل زمینی را برای کاه حیوانات کشت کنند آیا درآن عشر لازم خواهد بود مسأله را واضح سازید خداوند شما را اجر دهد.

---

(۱) الدر المختار علی هامش رد محتار باب العشر ج۲ ص ۶۹ . ط. س. ج۲ ص ۲۲۸. ظفیر

(۲) عبارت کامل آن چنین است. والعشر علی الموجر کخراج موظف وقالا علی المستاجر کمستعیر مسلم وفی الحاوی وبقولهما ناخذ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب العشر ج۲ ص۷۵ . ط. س. ج۲ ص۳۳۴). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب العشر ج۲ ص ۷۵ تحت قول : وبقولهما ناخذ. ظفیر

یعنی اگر ز مین بر ای غله کشت شده باشد اما اراده تبدیل گر دد وقطع شده وبه حیوانات داده شود عشر در آن نیست اما اگر به قصد خوراکه حیوانات کاشته شده باشد طوریکه از عبارت مذکور ظاهر است عشر درآن واجب می باشد. ظفیر

جواب: عشر در زمینی که برای کاه حیوانات بوده ویا غله در آن پیدا شود نیز واجب می باشد اگر زمین بارانی باشد ۱\۱۰ حصه واگر آب خریده می شود کشیدن ۱\۲۰ حصه درآن واجب است واگر کشت را بدون دانه وبدون پختگی قطع کند وبه حیوانات بخوراند عشر درآن واجب نیست (یجب العشر فی مسقی السماء ای مطر وسیح کنهر بلاشرط نصاب الی قوله الا فیما یقصد به استغلال الارض نحو حطب (الدر المختار باب الزکوة) ودر کتاب (الجوهر در ص ۱۲۸ ج ۱ چنین آمده (اذا اتخذ ارضه مقصبة او مشجرة او منبتاً للحشیش وساق الیه الماء ومنع منه الناس یجب فیه العشر)

عشری بودن زمین هندوستان وقاضی ثناء الله: سوال: (۳۱۱) اراضی هندوستان عشری است یانه؟ قاضی ثنا الله پانی پتی (رح) در (ما لابد منه) نوشته که زمین عشری دراین دیار نیست.

جواب: این سخن محجیق نیست که حضرت قاضی صاحب در (ما لابد منه) این الفاظ را که (زمین عشری دراین دیار نیست) به چه دلیلی تحریر نموده است ([1]) اما ظاهر نصوص وروایات معلوم می گردد که اصل در زمین های ملکیت مسلمانان عشر می باشد وشاید قاضی صاحب به این دلیل عشر را نفی کرده باشند که دولت محصول تعین نموده لهذا اراضی مذکور خراجی گشته ودر زمین خراجی عبشر نمی باشد اما اولاً تمام اراضی چنین نیست ثانیاً اگر از زمین عشری خراج گرفته شود عشر ساقط نمی گردد بهر حال احتیاط درآن است که در اراضی ملکیت مسلمانان مطابق تشریح مولانا صاحب اشرف علی تانوی عشر واجب گفته شود.

عشر بر پیداوار می باشد وهر وقتی که در زمین عشری غله وغیره پیدا شود درآن وقت عشر لازم می باشد وحولان حول آن درآن شرط نیست محصول آب.نصف عشر یعنی ۱\۲۰ حصه نیست عشر یعنی ۱\۱۰ حصه واجب است طوریکه عموم روایات فقهی به آن دلالت دارد (وتجب فی مسقی سماء ای مطر وسیح ای نهر (الدر المختار) شامی گوید (قد صرحوا بان فرضیة العشر ثابته الکتاب والسن والاجماع والمعقول وبانه زکوة الثمار والزروع لعموم قوله تعالی

---

(۱) بعداً این مساله به مفتی علام اشکار گردید که قاضی صاحب بدانجهت عشر را در اینجا واجب نفرموده که این مملکت را حکم دار الحرب بود وتفصیل آن به قلم شخص مفتی صاحب گذشت. ظفیر

(انفقوا من طیبات ما کسبتم ومما اخرجنا لکم من الارض) وقوله تعالی و(اٰتو حقه یوم حصاده) وقوله (صلی الله علیه وسلم) ما سقت السما ففیه العشر وما سقی بغرب او دالیة ففیه نصف العشر) شامی ص ۳۵۳ ج ۳.

در زمین اینجا عشر است یانه: سوال: (۳۱۲) در زمین ما عشر است یانه؟ اگر کسی بگوید اینکه انگلیس از یک کانال زمین ما چهار آنه می گیر د آیا خراج گفته می شود یانه؟ وثانیاً اینکه برای عشر شرط است که زمین عشری باشد وآن اینکه اگر بادشاه اسلام عشر مقرر کند آن زمین عشری می گردد اما درمورد زمین هندو پنجاب از هیچ تاریخی معلوم نمی شود که پادشاهی عشر گذاشته باشد مثلاً جهانگیر یا اکبر یا پادشاهانی که قبلاً گذشته اند ثانیاً اینکه این سر زمین دارالحرب است یا دار الاسلام است به چه شرایطی دار الاسلام است مقصود آنکه بعضی از علما می گویند که در اینجا هرگز عشر نیست وعده ای به عشر قائل اند رای شما چیست؟

جواب: در الدر المختار آمده (ما اسلم طوعاً او فتح عنوة وقسم بین جیشنا عشریة لانه الیق بالمسلم) ودر (ردالمحتار) آمده: (ولو قال بینا ما اذا قسم بین المسلمین غیر الغانمین فانه عشر لان الخراج لایوظف علی المسلم ابتداء قهستانی) ص ۳۵۱ ودر (الدر المختار) آمده (ولو ترک السلطان العشر لایجوز اجماعاً ویخرجه بنفسه للفقراء) [۱] در شامی آمده (وذ کره فی الزکوة لانه منها قال فی الفتح قیل ان تسمیته زکوة علی قولهما لاشتراطهما النصاب والبقاء بخلاف قوله ولیس بشیء اذ لاشک انه زکوة حتی یصرف مصارفها واختلافهم فی اثبات بعض شروط لبعض انواع الزکوة ونفیها لایخرجه عن کونه زکوة (شامی باب العشر ص ٤٥ ج ۲) از عبارات فوق چند موضوع آشکار گردید اول اینکه اصل در اراضی مسلمانان عشری بودن می باشد دوم اینکه اگر پادشاه اسلام عشر نگیرد عشر ساقط نمي شود بلکه باید مالک زمین خود عشر را بدهد سوم اینکه عشر نیز زکات می باشد پس چون وظیفه مسلمان عشر می باشد لذا اراضی ملکیت او یا دراصل عشری بوده که سلاطین مسلمان آنرا فتح کرده به مسلمان داده باشد یا آنکه حال سابق آن اراضی معلوم نباشد در این هر دو صورت عشر لازم است اگر در زمینی اصلاً باید عشر

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العشر والخراج والجزیة ج۳ ص ۳۵ . ط. س. ج۲ ص ۱۷٦. ظفیر

تعین گردد اما پادشاه اسلام یا دیگر این کار را نکند عشر ساقط نمی گردد وزمین مذکور از عشر بودن خارج نمی شود وچون عشر به منزله زکات می باشد که در هرجا واجب است چه درسر زمین اسلامی وچه در غیر آن به همین ترتیب عشر نیز در هر جا لازم می باشد وباید واضح کرد که اگر از زمین عشری خراج گرفته شود باز هم عشر نزد خداوند عزوجل ساقط نمی گردد لهذا باید صاحب زمین عشر را کشیده وبه فقرا بدهد نتیجه اینکه احوط آن است که مسلمانان از پیداوار اراضی خود عشر را ادا کند؟

عشر در زمینی که باید از آن مالیه داد: سوال: (۳۱۳) در زمینی که ملکیت شخص بوده ومی تواند انرا بفروشد اما مجبور می شود که از آن خراج بدهد وآن اراضی از آسمان سیرآب می گردد آیا عشر است یانه؟

جواب: عشر لازم است. (۱)

تعریف زمین عشری: سوال: (۳۱٤: الف: زمین عشری به چه زمینی گفته می شود وتعریف آن چیست؟

جواب: در الدر المختار امده: ما اسلم اهله طوعاً او فتح عنوة وقسم بين جيشنا والبصرة عشرية) (۲) پس چنین زمینی عشری می باشد تا وقتیکه ملکیت کافری درآن متخلل نگردد.

زمین خراجی: سوال: (۳۱۵) ب: زمین خراجی به چه زمینی گفته می شود وشرایط آن چیست؟

جواب: در این مساله تفصیل وجود دارد ویک نوع آن این است که وقتی ملکیت غر مسلمی بوده باشد.

حکم زمین های هندوستان: سوال: (۳۱٦) ج: زمین های هندوستان به حالت کنون عشری اند خراجي؟ درحالیکه دولت برتانیه بر این سرزمین مسلط گشته ودر وقت تسلط اعلان عام کرد

---

(۱) اخذ البغاة والسلاطين الجائرة زكوٰة الاموال كالسوائم والعشر والخراج لا اعادة على اربابها ان صرف الماخوذ في محله الاتي ذكره وان لايصرف فيه فعليهم فيما بينهم وبين الله اعادة غير الخارج الخ (درمختار) ويظهر لى ان اهل الحرب لو غلبوا على بلدة من بلادنا كذالک (ردالمحتار باب زكوٰة الغنم ج۲ ص ۳۲ . ط. س. ج۲ ص ۲۸۸) ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب زكوة الغنم ج۲ ص ٦٨ . ط. س. ج۲ ص ۳۳٤ ظفير

که تمام اراضی ضبط است وکسی حق ندارد اما اگر صاحب اراضی دعوی نمود وثبوت پیش کند مطابق تجویز حاکم به او داده خواهد شد چنانچه آنعده از مالکان اراضی که دعوی نمودند وحق خود را ثابت ساختند همان اراضی خودشان یا به عوض آن زمین دیگری به ایشان داده شد وبرای عده ای در مقابل انجام خدمت زمین اعطا گردید وحاکم وقعت سالانه از زمینداران مالیه می گیرد وعده ای معاف اند.

جواب: ضبط کردن دو معنی دارد یکی قبضه مالکانه است که در چنین زمینی عشر باقی نمی ماند وقبضه دوم حاکمانه ومنظمانه بوده که نزد من این مسأله ترجیح دارد که اگر چنین اراضی عشری باشد باقی می ماند اما اگر آن اراضی ابتدا عشری نبوده ویا دولت آنرا به عوض زمین دیگری ویا دربدل خدمتی داده شده باشد چون قبل از دادن به سبب استیلا ملکیت دولت شده بود لهذا آن زمین عشر نیست.

عشر بر کاشتکار است یا بر زمیندار: **سوال**: (۳۱۷) د: در صورت وجوب عشر یا نصف عشر عشر یا نصف عشر مذکور بر زمیندار واجب خواهد بود یا بر کاشتکار؟ کاشتکار کسی است که تمام کارهای زمین را انجام می دهد ودربدل آن از زمیندار نصف یا ثلث پیداوار رامطابق شرایط میگیرد ومالیه را زمیندار ادا می کند.

جواب (والعشر علی الموجر کخراج موظف وقا لاعلی المستاجر کمستعیر مسلم وفی الحاوی وبقولهما ناخد وفی المزارعة ان کان البذر من رب الارض فعلیه ولو من العامل فعلیهما بالحصة (الدرالمختار) (۱) از این روایت معلوم می گردد که اگر زمین به کرایه داده شده باشد عشر آن به اساس قول مفتی به بر کاشتکار است واگر به مزارعت داده شده وتخم از کاشتکار باشد عشر بر کاشتکالی وزمیندار مطابق سهم هریک خواهد.

زمینی که از آن مالیه داده می شدود: **سوال**: (۳۱۸) هـ: اراضی که از آن مالیه داده می شود عشری اند یا خراجی؟

جواب: مداراین امربرمالیه نیست واگرزمینی عشری باشد وبرآن مالیه تعیین گرددهمچنان عشری

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة الغنم ج۲ ص ۶۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۴. ظفیر

باقی می ماند.

عشر زمینی که از مالیه معاف است: سوال: (۳۱۹) و: زمین هایی که از مالیه معاف اند دونوع می باشند یکی-آن اراضی که در بدل اراضی دیگر بوده یعنی مالیه اراضی مذکور از اراضی دیکر حساب می شود دوم آن اراضی که در بدل خدمتی یا به عوض اراضی دیگر داده شده این هر دونوع اراضی از مالیه معاف می باشند اراضی مذکور عشری اند یا خراجی؟

جواب: جواب این سوال نیز مانند سوال ۳۱۸ (هـ) می باشد.

چگونگی عشر: سوال: (۳۲۰) ز: دریک قریه مدار پیداوار بعضی از اراضی بر آب آسمان می باشد وآبیاری نمی گردد وآبیاری. بعضی از اراضی توسط چاه تالاب وغیره صورت می گیرد وآبیازی بعضی از اراضی به هر دو نوع فوق صورت می گیرد یعنی اگر به بارش اکتفا شود حاصلات آن کم خواهد شد واگر آبیاری شود حاصلات آن زیاد می گردد اراضی که توسط آسمان آبیاری می گردند اگر باران به وقت صورت گیرد به آبیاری ضرورتی باقی نمی ماند در تمام این صورت ها عشر واجب می باشد یانصف عشر؟

جواب: ویجب العشر فی مسقی سما او سیح کنهر ویجب نصفه فی مسقی غرب ای دلو کبیر ودالیة ای دولاب لکثرة المؤنة وفی کتب الشافعیه او سقاه بماءٍ اشتراه وقواعدنا لاتاباه ولو سقی سیحاً وبآلة اعتبر الغالب ولو استویا فنصفه وقیل ثلاثه اربعاه) (۱) قلت واختلف الترجیع والاحتیاط فی الثانی) از اینجا معلوم می گردد که در زمین بارانی عشر بوده ودر زمینی که از چاه تالاب وغیره بیاری شود نصف عشر می باشد وزمینی که به هر دونوع آبیاری شود اکثریت مدنظر گرفته می شود واگر هر دونوع مساوی باشند در نیم پیداوار عشر ودر نیم دیگر نصف عشر می باشد. فقط

عشر زمینی که ازکافر خریده شده: سوال: (۳۲۱) الف: در زمینی که از کافر خریده شده عشر است یانه؟

جواب: در اینصورت زمین مذکور همچنان خراجی باقی می ماند وعشر لازم نمی گردد در شامی

---

(۱) الدر المختار باب العشر ج۲ ص ۱۳۹ . ط. س. ج۲ ص ۳۲٦ و۳۲۸. ظفیر

آمده: (فصار شراء المسلم من الذمي بعد ما صارت خراجية فتبقى على حالها) ([1]).

عشرمیوه: سوال: (۳۲۲) ب: در حاصلات باغ ودر حاصلاتی که سوخته باشد عشر است یانه؟

جواب: درحاصلات باغ عشر واجب بوده ودر سوخته نیست. ([2])

عشرکرایه: سوال: (۳۲۳) درکرایه خانه مسکونی که به کرایه داده شده باشد عشر واجب است یانه؟

جواب: واجب نیست. فقط

عشر جایدادی که درآن حق مدرسه باشد: سوال: (۳۲٤) جایدادی که درآن مالیه دولتی نبوده بلکه مالیه آن در شفاخانه مدرسه وغیره به مصرف می رسد آیا اخراجات مذکور داخل عشر می باشد وعشر منفی می شود یانه؟

جواب: این حقوق منفی نمی گردد بلکه از مجموعه پیداوار عشر داده می شود.

فصل هفتم

مصارف زکات

تعریف مسکین: سوال: (۳۲۵) مسکین به چه کسی گفته می شود؟

جواب: کسیکه مالک نصاب نبوده ومحتاج باشد فقیر ومسکین گفته می شود وتفصیل آن در کتب فقه نوشته شده است. [3]

---

(۱) ردالمحتار ج۲ ص ۷۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹. ظفیر

(۲) قال ابوحنیفة رحمه الله في قليل ما اخرجته الارض وكثيره العشر سواء سقى سيحًا اوسقته السماء الا القصب والحطب والحشيش (هدايه ج۱ ص ۱۸۳)، ظفیر

(۳) والمسكين من لاشيئ له على المذهب لقوله تعالى اومسكينا ذا متربة، وآية السفينة للترجم (درمختار) قوله المذهب من انه اسوا حالا من الفقير وقيد على العكس والاول اصح بحر وهو قول عامة السلف اسمٰعيل والهم بالعطف انهما صنفان وهوقول الامام وقال الثانى واحد (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۰ . ط. س. ج۲ ص ۳۳۹) از اینجا معلوم می گردد که در اصطلاح مسکین به کسی گفته می شود که نزدش هیچ نباشد یکاملاً پریشان حال باشد وکسیکه صاحب نصاب نبوده توانایی خوردن ونوشیدن خود را دارد در اصطلاح فقیر گفته می شود: (الفقير وهو من له ادنى شي اى دون نصاب (رد المحتار) ودر اصطلاح ما مسکین وفقیر به یک معنی استعمال می گردد یعنی کسیکه مستحق گرفتن زکات می باشد. ظفیر

چون صاحب زکات اجازه دهد به پرسش ضرورت نیست: **سوال**: (۳۲۶) شخصی که من نزد او نوکری می کنم زکات را اخراج نمود وگفت که این سه روپیه را تو خود بگیر اکنون من آیا می توانم بدون پرسش از او آن سه روپیه را بگیرم؟

جواب: وقتیکه مالک زکات اجازه داد گرفتن درست است نیت زکات نموده وآنرا در کار خود مصرف کنید ([1]).

ایا می توان زکات را درتجارت به کار برد: **سوال**: (۳۲۷) آیا می توان با رقم زکات تجارت نمود ومنافع آنر در مخارج خود به کار برد طوریکه اصل محفوظ ومامون باشد؟

جواب: دراین صورت زکات ادا نمی شود زیرا برای ادای زکات شرط است که رقم زکات به مسلمانی که صاحب نصاب نبوده وسید نباشد تملیک گردد ([2]).

از رقم موجوده زکات دهد یامی تواند جداگانه نیز بدهد: **سوال**: (۳۲۸) زید دوصد روپیه دارد آیا از همین رقم باید پنج روپیه زکات را بدهد یا اینکه می تواند این دوصد روپیه را نزد خود نگهدارد وترتیب دیگری گرفته ویاقرض کند وپنج روپیه زکات را بدهد؟

جواب: اختیار دارد خواه از همان دوصد روپیه بدهد ویا انرا از جای دیگری را ادا کند البته اگر نزد اوبیش ازدوصد روپیه باشد باید زکات مقدار اضافه را نیز ادانماید وبه گرفتن قرض ضرورتی نیست نتیجه اینکه هر قدر رقمی که نزد او باشد باید زکات تمام را بدهد ([3]).

اگر با رقم زکات لباس خریداری گردد وداده شود چه حکم دارد: **سوال**: (۳۲۹) اگر بارقم زکات برای مستحق زکات لباس خریداری گردد وبرایش داده شود جائز است یا اینکه باید بصورت نقد دارده شود.

جواب: اگر بارقم زکات برای مستحق لباس خریداری گردد وبرایش داده شود درست است.

---

(۱) وللوکیل ان یدفع لولده الفقیر وزوجة لا لنفسه الا اذا قال ربها ضعها حیث شئت (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۴ وص ۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۹). ظفیر

(۲) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لاباحة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴) ظفیر الدین عفر الله له

(۳) واللازم فی مضروب کل منهما ومعموله ولوتبرا الخ وفی عرض تجارة قیمة نصاب الخ ربع عشر (ایضا باب باب زکوٰة المال ج۲ ص ۴۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۷ و۳۹۸). ظفیر

به شخصی که رقم زکات برای داده شده ایا می تواند به زنش که مسکین باشد از آن بد هد: سوال: (۳۳۰) زید رقم زکات خود را به عمرو داد که بر مستحقین تقسیم کند عمرو خودش صاحب نصاب است اما زنش مسکین می باشد آیا پس می تواند از این زکات چیزی به زن خود بدهد؟

جواب: در این صورت عمر می تواند از رقم مذکور به زن خود بدهد. (۱)

دادن زکات به خشو درست است یانه: سوال: (۳۳۱) دادن زکات خشو جائز است یانه؟

جواب: به خشوی خود که مالک نصاب نباشد زکات دادن جائز ودرست است اما باید کاملاً به او تملیک گردد تا به هر ترتیبی که بخواهد آنرا خرج کند (۲).

اگربدون اینکه نا زکات گرفته شود زکات داده شود اداء می گردد یانه: سوال: (۳۳۲) اگر شخصی به کدام دوست خود زکات بدهد واز گرفتن نام زکات بشرمد بلکه برایش بگوید که این رقم را گرفته برای خود یا اولاد هایت لباس بساز درست است یانه؟

جواب: دادن زکات به چنین ترتیبی درست است وزکات اداء می شود نیت زکات در دل کافی می باشد وظاهر ساختن او برای آن شخص ضرور نیست. (۳)

زکات را به مسکین ندهد بلکه به حکم اوبرایش تکت بخرد وبرایش بدهد زکات اداء می شود یانه: سوال: (۳۳۳) یک شخص سرمایه دار زکات را به این ترتیب به مسافرین مسکین می دهد که به جایي که مسافر مسکین می رود نفر خود را همراه او به تکت فروشی ریل می فرستد که او تکت همانجا را می خرد وبرایش می دهد وپول نقدر را بدست او نمی دهد اگر مسافر به علت عذری نرود وتکت ردی شود زکات سرمایه دار مذکور ادا خواهد شد یانه؟

جواب: چون نفر موظف سرمایه دار به اجازه مسکین برای او تکت می خرد چون وکیل ونائب سرمایه دار است وتکت را درقبضه مسکین دهد لهذا زکات سرمایه دار مذکور ادا می گردد وپس

---

(۱) وللوکیل ان یدفع لولده الفقیر وزوجته لالنفسه الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۹). ظفیر

(۲) ولا الی من بینهما ولاد (درمختار) وقید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب کالاخوة والاعمام والاخوال الخ (رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٦). ظفیر

(۳) ولا یجوز اداء الزکوٰة الابنیة مقارنة للاداء اومقارنة لعزل مقدار الواجب الخ (ایضا ج۱ ص ۱۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۰). ظفیر

از آن اگر مسافر مذکور به علت عذري نرود وتکت ردی شود باز هم زکات اداء شده است ([1]). فقط

<u>درمدرسه زکات درکجا وچطور خرج گردد</u>: سوال: (۳۳٤) اگر مدرسه از نظر اقتصادی درحالت خراب باشد خرج مال زکات درآن به چه ترتیبی دُرست است؟

جواب: در اینصورت از حیله تملیک کار گرفته رقم مذکور زا به هر شکلی بخواهد در مدرسه خرج کند وحیله تملیک آن است که اول رقم زکات به شخصی که صاحب نصاب نیست داده شود سپس اواز طرف خود برای مدرسه بدهد ([2]).

<u>اگر در زندگی پدر چیزی بطور میراث به پسر برسد مانع زکات است یانه</u>: سوال: (۳۳۵) چیزی که در زندگی پدر به حیث میراث به پسر میرسد مانع زکات است یانه؟

جواب: در زندگی پدر اولادش مالک مال او نمی باشند لهذا مانع اخذ زکات برای اولاد بالغ نیست. فقط

<u>اگر شخصی از رقم زکات کتاب بخرد وبرای مطالعه خود نگهدارد حکم آن چیست</u>:

سوال: (۳۳٦) اگر کسی با رقم زکات کتاب بخرد وغرض دیدن مسائل آنرا نزد خود نگهدارد زکات اداء میشود یانه؟

جواب: در اینصورت زکات اداء نمی گردد ([3]).

<u>اگر با رقم زکات کتاب بخرد وبرای مطالعه عا بگذارد اماکسی را مال آن نسازد زکات اداء شود یانه</u>: سوال: (۳۳۷) اگر شخصی با رقم زکات کتاب هایی بخرد وآنرا در ملکیت خود نگهدارد وهر کسی که ضرورت داشته باشد بتواند آن کتاب ها استفاده کند اما کسی را مالک آن نسازد دراین صورت زکات اداء می گردد یانه؟

---

(۱) الا اذا وكله الفقراء (درمختار) لانه كلما قبض شيئا ملكوه (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ١٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۹). ظفير

(۲) حيلة التكفين بها التصدق على فقير ثم هو يكفن فيكون الثواب لهما وكذافي تعمير المسجد (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٦ ص ١٦ ، ط. س. ج ۷ ص ۲۷۱). ظفير

(۳) وشرط صحة ادائها نية مقارنة له اى لاداء الخ ولايخرج عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (الدر المحتار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ١٤ ، ط. س. ج۲. ص ۲٦۸) ومصرف الزكوٰة الخ هو الفقير وهو من له ادنى شئ اى دون نصاب الخ ويشترط ان يكون الصرف تمليكا (باب المصرف ج۲ ص۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفير

جواب: در اینصورت نیز مانند سوال قبلی زکات اداء نمی شود.

اگر رقم زکات را دربانک بگذارد ودر وقت ضرورت مصرف کند چه حکم دارد: **سوال**: (۳۳۸) شخصی رقم زکات را از اشخاص مختلف جمع می کند وآنرا در بانک بطور امانت می گذارد سپس وقتاً فوقتاً مقداری از رقم مذکور را از بانک گرفته ودر مصارف زکات صرف می کند واین مسأله نیز معلوم است که در بانک ارقام تمام مردم مخلوط می باشد در اینصورت زکات اداء می شود یانه؟

جواب: اگر پس از حیله تملیک آنرا در بانک بگذارد اداء می شود ودر غیر آن نه.

خرج رقم زکات پس حیله درتبلیغ چطور است: **سوال**: (۳۳۹) عده ای از اشخاص رقم زکات را غرض تبلیغ داده می گویند حیله نموده وآنرا بگیر در حالیکه در حیله تملیک گیرنده ودهنده هر دو به خوبی وواضحاً می دانند که تملیک مقصود نیست آیا پس توسط حیله مذکور زکات اداء خوا هد وخرج آن رقم برای غرض دیگری جائز خواهد گشت یانه؟

جواب: این حیله را فقها نوشته اند وشرعاً جائز است وانجام این حیله ضروری می باشد تا زکات شخص دهنده فوراً اداء گردد پس از آن مهتمم وسائر منتظمان اختیار دارند که طوریکه لازم ببینند آنرا صرف کنند (۱).

اگر در بدل رقمی که در زکات واجب گشته کتاب تقسیم کندچه حکم دارد: **سوال**: (۳٤۰) من شخص تجارت پیشه می باشم امسال تمام رقمی که در زکات اخراج شد من به جای آن به طلبه کتاب دادم آیا زکات اداء شده ونقصی باقی نمانده است؟

جواب بدین ترتیب که قیمت کتاب ها محاسبه گردد ودر زکات حساب شود زکات اداء می گردد ودرآن هیچ نقصی باقی نمی ماند (۲).

---

(۱) حواله مسائل حیله بارها داده شد اصل حیله این است که امر اصولی وقانونی انجام می شود مثلاً مصرف زکات فقیر ومستحق است که به او میرسد و واو به حیث مالک هر چه بخواهد می تواند بکند واین بحث علیحده است که خواهی نخواهی حیله کردن مناسب نیست زیرا مصارف زکات مشخص میباشد پس از حیله اصل مستحقین عملاً محروم باقی می مانند لذا درنهایت مجبوریت باید به حیله متوصل شد.

(۲) وجاز دفع القیمة فی زکوٰة وعشر وخراج وفطرة ونذر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة الغنم ج۲ ص ۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۵) ظفیر

اگر شخصی که می گیرد نداندکه مال زکات است زکات اداء میشود یانه: سوال: (۳٤۱) در مدارس پول زکات به شکل اعانه داده می شود وکسیکه میدهد می گوید که من رقم زکات را می دهم اما گیرنده نمی داند آیا بدین ترتیب زکات اداء می شود؟

جواب: برای مردم دادن رقم زکات به این ترتیب به مدرسه درست است اما بر گیرنده لازم است که آنرا طوری مصرف کند که زکات اداء گردد (۱).

دادن کتاب به طلبه از رقم زکات چطور است: سوال: (۳٤۲) از رقم زکات دادن کتاب ویا پاره های قرآن شریف به طلبه درست است یانه؟

جواب: جائز است (۲).

فروختن غله زکات وازآن برای فقرا لباس خریدن درست است: سوال: (۳٤۳) اگر کسی غله زکات را بفروشد واز آن به مسکین غذا بدهد یا برایش لباس بسازد درست است یانه؟

جواب: درست است. (۳)

خرج رقم زکات در پاک کاری نهر زبیده درست است یانه: سوال: (۳٤٤) اگر رقم زکات در پاک کاری نهر زبیده خرج شود زکات اداء می شود یانه؟

جواب: برای ادای زکات شرط است که شخص محتاجی مالک آن ساخته شود به همین جهت فقهاء نوشته اند که حرج رقم زکات درمسجد نیز درست نمی باشد پس با خرج رقم درپاک کاری نهر مذکور زکات اداء کمی گردد (٤).

تعمیر مدرسه بارقم زکات درست نیست: سوال: (۳٤۵) آیا بارقم زکات می توان مدرسه اعمار نمود یانه؟

---

(۱) وشرط صحة ادائها بة مقارنة للاداء الخ اونوی عند الدفع لنوکیل ثم دفع الوکیل بلانیة اومقارنة بعزل ما وجب کله اوبعضه (الدر المختار علی هامش ردالمحتارکتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۸). ظفیر

(۲) یصرف المزکی الی کلهم اوالی بعضهم الخ تملیکا لا اباحة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۳ ، ط. س. ج۲ ص۲٤٤). ظفیر

(۳) وجاز دفع القیمة فی زکوٰة وعشر وخراج (ایضا کتاب الزکوٰة باب الغنم ج۲ ص ۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۵). ظفیر

(٤) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لا اباحة الخ لایصرف الی بناء نحو مسجد ولا الی کفن میت (ایضا باب المصرف ج۲ ص۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٤). ظفیر

جواب: تعمیر مدرسه ویا مسجد بارقم زکات درست نیست زیرا در زکات تملیک فقیر شرط می باشد وبدون مالک ساختن فقراء زکات ادا نمی شود (۱) درکتب فقه چنین چیزی نوشته شده وحیله برای چنین افعال در الدر المختار مذکور است. (۲) ھ

مصارف زکات: سوال: (۳٤٦) عاید شخص سالانه ده من غلهٔ وصد روپیه نقد می باشد ودو خواهر وبرادری دارد که نفقه خور هستند وعاید گاهی بدست می آید وگاهی نه آیا این شخص می تواند زکات بگیرد یانه؟

جواب: می تواند بگیرد (۳).

دادن زکات به شخصی که عاید دارد: سوال: (۳٤۷) شخصی ماهوار ۵۰ ۶۰ روپیه عاید دارد آیا این شخص می تواند زکات بگیرد؟

جواب: چنین شخصی غنی بوده ونمی تواند زکات بگیرد (٤).

دادن زکات بدون گفتن چطور است: سوال: (۳٤۸) الف: چون زید غنی است زکات را ادا می کند اگر او به پسران ودختران کاکای خویش که مفلس ومحتاج اند زکات بدهد وبه ایشان نگوید زیرا اگر ایشان خبر شوند که زکات است آزرده خواهند شد دراینصورت اگر زید زکات بدهد وبه ایشان نگوید که زکات است آیا زکات اداء می گردد ودرآن سخنی نیست؟

ثواب صله رحم حاصل می شود یانه: سوال: (۳٤۹) ب: وبا اینکار بر علاوه ادای فرض آیا زید ثواب صله رحمی را نیز حاصل میکند یا نه؟

به علت نگفتن مواخذه است یانه: سوال: (۳۵۰)ج. د: چون به ایشان نگفته که زکات است زیرا از قرشه می داند که اگر ایشان بدانند نمی گیرند یا آزرده می شوند بر زید مواخذه ای است

---

(۱) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لا اباحة الخ لایصرف الی بناء نحو مسجد ولا الی کفن میت (ایضا باب المصرف ج۲ ص۸۵ ، ط. س ج۲ ص ۳٤٤) ظفیر

(۲) وحیلة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هویکفن فیکون الثواب لهما وفی تعمیر المسجد وتمامه فی حیل الاشباه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج ۲ ص۲۷۱). ظفیر

(۳) مصرف الزکوة الخ فقیر الخ ای دون نصاب اوقدر نصاب غیر نام مستغرق فی الحاجة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۲ ص ۷۹ و ۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(٤) ولا الی غنی یملک قدر نصاب فارغ عن حاجة الاصلیة (ایضا ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷). باید یاد بگیرد که این سخن در سال ۱۳۳۲هـ ق بود امروز صاحب چهل روپیه غنی نیست. والله اعلم. ظفیر

یانه زیرا به اساس رواج دادن زکات به اقارب شرم است لذا از آن اجتناب باید کرد پس آیا بر زید مواخذه شرعی یا کم از کم ملامتی است یانه؟

جواب: الف: برای ادای زکات شرط است که دهنده نیت زکات را بنماید وبه شخصی که داده می شود محل ومصرف زکات باشد وشرط نیست که به او اطلاع داده شود که زکات است پس اگر زید به کاکاها وپسران کاکای خویش که محتاج بوده ومصرف زکات می باشند زکات بدهد وموضوع را برای ایشان آشکا نسازد که زکات است زکات اداء می گردد (وشرط صحت ادائها نیة مقارنة للاداء) (الدر المختار) قوله نية اشار الی انه لا اعتبار للتسمية فلوسماها هبة او قرضاً تجزيه فی الاصح) شامی (۱).

ب: ثواب صله رحم را نیز حاصل می کند طوریکه درحدیث آمده: (قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) (الصدقة علی مسکین صدقة وهی علی ذی الرحم ثنتان صدقه وصلة) رواه احمد والترمذی وغیر هما (مشکوة باب افضل الصدقة ص ۱۷۱)

ج: مواخذه ای نیست.

د: هیچ مواخذه وملامتی بر او نیست بلکه از حدیث سابق الذکر معلوم گردید که صله رحم بوده وهم زکات اداء می شود یعنی دوثواب حاصل می گردد.

<u>دادن رقم زکات به کسیکه خواستن برایش حرام می باشد چطور است</u>: سوال: (۳۵۱) بر شخصی که سوال شرعاً حرام است دادن زکات چه حکم دارد؟

جواب: (ویاثم معطیه ان علم بحاله لا عانته المحرم) (۲) الدر المختار وشامی از مشارق نقل کرده اند که قیاس همین است که دهنده آنهکار می شود اما کسیکه او را غنی خیال نموده وبه نیت هبه بدهد آنهگارنمی شود پس دراین مساله نیز بحثی است بهرحال باوجود علم به حال کسیکه می خواهد وغنی بودن او معلوم باشد دادن برایش خوب نیست.

<u>دادن رقم زکات غرض ایصال ثواب به میت چطور است</u>:سوال: (۳۵۳) دادن رقم زکات به

---

(۱) ردالمحتار ج۲ ص ۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۸). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۲ ص ۹۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۵. ظفیر

میت به این ترتیب که از طرف او غذا پخته نمود وبه فقرا داد جائز است یانه؟

جواب: دادن رقم زکات به میت به ترتیبی که شما نوشته اید درست نیست (۱) پس آنرا از طرف میت به شکل غذا ویا لباس به محتاجان ندهید مقصود آنکه به هر ترتیبی که داده می شود به نیت زکات داده شود وثواب آن به میت ایصال نگر دد.

دادن زکات به فقرای حرفوی درست است یانه: **سوال**: (۳۵٤) دادن زکات به کسانیکه گدای حرفوی هستند درست است یانه؟

جواب: به فقرایی که حرفه ایشان گدایی است واشخاص مذکور اکثراً ثروتمند می باشند دادن زکات درست نیست.

دادن زکات به هندوی فقیر چطور است: **سوال**: (۳۵۵) دادن خیرات به رضای خدا یا دادن زکات به هندوی فقیر درست است یانه؟

جواب: دادن خیرات به رضای خدا به هندوی فقیر جائز بوده لیکن دادن زکات درست نیست. (۲) فقط

تعلیم دختران فقیر از رقم زکات درست است یانه: **سوال**: (۳۵٦) تعلیم دینی وتدرس دختران فقیر بارقم زکات درست است یانه؟

جواب: در زکات تملیک شرط می باشد یعنی باید ملکیت محتاجی گردد پس اگر به دختران فقیر به شکل نقد یا لباس یا غذا داده شود درست است اما دادن معاش معلمه یا دیگر کارکنان از رقم زکات درست نیست (۳) باقی مسائل زکات وتفصیل انرا از علمای دهلی بپرسید یا درکتاب (بهشتی زیور) مطالعه نماید درنامه نوشتن وفهماندن همه مسائل دشوار می باشد.

ازمال زکات غذا پختن ودادن به فقرا وخریدن چیزی چه حکم دارد: **سوال**: (۳۵۷) با مال زکات غذا پختن ودادن به فقرا ویا خریدن چیزی برای ایشان جائز است یانه؟

---

(۱) ولا یکفن بها میت لانعدام التملیک وهو الرکن (هدایه کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱۸۸). ظفیر

(۲) ولا یجوز ان یدفع الزکوٰة الی ذمی ویدفع الیه ماسوی ذالک من الصدقة (هدایة کتاب الزکوٰة ج۱ ص ۱۸۷)

(۳) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة کمامر فلاتصرف الی بناء نحو مسجد والی کفن میت وقضاء دینه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤٤). ظفیر

جواب: درست است.

<u>از جمله این اقارب دادن زکات به کدام یک درست است</u>: سوال: (۳۵۸) پدر ومادر خشو خسر پسر خاله کاکا برادر خواهر واولاد آنها به کدام یک اقارب فوق الذکر می توان زکات داد وبه کدام یک نمی توان داد؟

جواب: دادن زکات به تمام این اقارب بدون پدر ومادر درست است ([1]).

<u>دادن زکات به بی نماز چطور است</u>: سوال: (۳۵۹) دادن زکات به بی نماز درست است یانه؟

جواب: اگر آن بی نماز محتاج ومصرف زکات باشد دادن زکات به او درست است. ([2])

<u>آیا به کسیکه زکات داده می شود گفتن موضوع به اوضرور است</u>: سوال: (۳٦۰) به کسیکه زکات داده می شود آیا مطلع کردن او ضرور است که چیزی که به تو داده می شود زکات می باشد؟

جواب: ضرور نیست.

<u>دادن زکات به داماد وبرادر چه حکم دارد</u>: سوال: (۳٦۱) دادن زکات به اماد وخواهر وبرادر جائز است یانه؟

جواب: جائز است.

<u>آیا با دادن زکات به نا بالغ زکات اداء می شود یانه</u>: سوال: (۳٦۲) بادادن زکات به نابالغ زکات اداء می گردد یانه؟

جواب: اداء می گردد ([3]).

<u>در جمله اقارب به کدام یک دادن زکات درست است</u>: سوال: (۳٦۳) در جمله اقارب مال

---

(۱) ولا الی من بینهما ولاد الخ (درمختار) وقید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب کالاخوة والاعمام والاخوال الفقراء بل هم اولی (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٦). ظفیر

(۲) انما الصدقات للفقراء والمساکین الخ (هدایه ج۱ ص ۱۸٦). ظفیر

(۳) دفع الزکوة الی صبیان اقاربه برسم عید او اوالی مبشر او مهدی الباکورة جاز (الدرالمختار) قوله الی صبیان اقاربة ای العقلاء والا فلا یصح الا بالدفع الی ولی الصغیر (ردالمحتار باب المصرف ص ۹٦ ج ۲). ظفیر

زکات را به چه کسی می توان داد وبه چه کسی نمی توان داد؟

جواب: بدون اصول وفروع وزوج وزوجه دادن زکات به تمام اقارب جائز است. (۱)

دادن زکات غرض ادای قرض شخصی که جایداد صحرا یی دارد دوست است یانه:

سوال: (۳٦٤) اگر شخصی که جایداد صحرایی دارد ومقروض باشد آیا می توان از مال زکات قرض او را اداء نمود واگر می توان حمد اعظم چه رقمی را می توان درقرض او داد؟

جواب. مالي در قرض شمرده خواهد شد مثلاً دراین صورت رقمی که موجود است برای ادای قرض مشخص شود نه جایداد صحرایی در الدر المختار آمده (ولو له نصب صرف الدین لا یسرها قضا) ودر شامی آمده (کان یکون عنده دراهم ودنانیر وعروض التجارة وسوالم یصرف الدین الی الدراهم والدنانیر.) (۲)

زکات در مدرسه ومصرف آن: **سوال**: (۳٦٥) این مدرسه از چند روز بدینسمو آغاز گردیده است اکنون مردم می خواهند که صدقات زکات وعشر خود را بدهند چه شخصی می تواند مصرف آن باشد؟ مثلاً مدرسی که غنی است می تواند معاش خود را از آن بگیرد یانه؟

جواب: دادن زکات عشر وتمام صدقات واجبه مانند صدقه فطر وکفارات درمعاش مدرسین درست نیست پس اگر به مدرسه زکات بیاید نخست آنرا به فقیر بدون نصابی تملیک کنید سپس از طرف او در مخارج مدرسه آنرا به مصرف برسانید (۳).

خرج رقم زکات درتعمیر درسگاه چطور است: **سوال**: (۳٦٦) شخصی می خواهد رقم زکات خود را به انجمن بدهد اما سوال این است که آیا از رقم زکات می توان مخارج طلبه تعمین درسکاه ومعاش مدرسین را داد؟

جواب: در خوراک پوشاک وسائر مخارج طلبه می توان رقم زکات را به مصرف رساند اما نمی توان آنرادرک معاش مدرسین یاتعمیر درسگاه خرج کردم مگراینکه حیله صورت گیرد ونخست

---

(۱) ولا الی من بینهما ولاد اوبینهما زوجیة (درمختار) وقید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب (رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٦ ، ط. س. ج۲ص ۳٤٦). ظفیر

(۲) ظاهراً هیچ ارتباطی مابین سوال وجواب دیده نمی شود. ظفیر

(۳) وحلیة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ١٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱) ظفیر

به شخصی که صاحب نصاب نیست تملیک گردد سپس آن شخص از سنوی خود در تعمیر مدرسه وغیره صرف کند ([1]).

آیا مسئولین مدرسه توانند از رقم زکات قرض بدهند: سوال: (۳۶۷) آیا مهتمم یا اراکین مدرسه می توانند بدون اجازه معلمین از رقم از زکات یا صدقات دیگر به کسی قرض بدهند؟

جواب: ظاهر است که جائز نمی باشد ([2]).

آیا زکات را می توان توسط حیله در معاش مدرسین خرج کرد: سوال: (۳۶۸) آیا مهتمم واراکین مدرسه می توانند بدون اجازه عطاء کننده گان با این حیله که نخست قیمت پوست قربانی ویا زکات را به طالبی بدهند وسپس از او بگیرند ودر معاش مدرسین صرف کنند این صرف کردن جائز است یانه؟

جواب: طوریکه در الدر المختار آمده فقها این حیله را جائز نوشته اند ([3]).

دادن معاش کار کنان مدرسه از رقم زکات درست است یانه: سوال: (۳۶۹) ما تصمیم داریم مدرسه ای بسازیم وتمام مصارف آن یعنی معاش مدرسین وغیره ومخارج طلبه را از طریق زکات بدست آوریم آیا دادن معاش کار کنان از رقم زکات درست است؟

جواب: دادن معاش معلم از رقم زکات درست نیست زکات باید بدون معاوضه تعلیم وغیره به رضای خداوند به مساکین وفقراء داده شود وطوریکه درکتب فقه امده تملیک آن به ایشان ضرور است ([4]).

اگر معلم صاحب نصاب اولاد دار باشد دادن زکات وعشر به او درست است یانه: سوال: (۳۷۰) شخصی صاحب نصاب است اگر او زکات خود را به شخصی بدهد که همیشه درکار تعلیم مصروف است وخود نیز به قدر نصاب جمال دارد اما اولاد داراست آیازکات دهنده

---

(۱) وحلية التكفين بها التصديق على فقير ثم هو يكفن فيكون الثواب لهما وكذا في تعمير المسجد (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱) . ظفير

(۲) ولايخرج عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص۱٦، ط. س. ج۲ ص۲۷۱). ظ

(۳) رد المحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱. ظفير

(٤) انما الصدقات للفقرآء والمساكين الخ (هدايه ج۱ ص۱۸٦) ويشترط ان يكون الصرف تمليكا لا اباحة (الدرالمختار باب المصرف). ظفير

اداء می شود یانه وآیا این مدرس اولاد دار مصرف غله عشر وپوست قربانی می باشد یانه؟

جواب: چون معلم مالک نصاب است دادن زکات به او درست نیست وزکات اداء نمی شود (١) ومدرس اگر چه صاحب نصاب نباشد معاش او را نمی توان از رقم زکات داد ومدرس اولاد دار مالک نصاب نیز مصرف عشر نمی باشد (٢) دادن قیمت پوست قربانی به او درست است دادن زکات به کسیکه درست باشد دادن پوست قربانی وعشر نیز درست است وبه کسیکه دادن زکات درست نیست دادن این چیزها نیز به او درست نمی باشد (٣) اگر دار مدرسه رقم زکات وغیره صدقات واجب به طلبه مسکین داده شود درست آست وآن رقم را می توان بر ایشان صرف کرد. (٤)

خرج زکات برطلبه چطور است: **سوال**: (٣٧١) اگر رقم زکات درمصارف مدرسه مثلاً خورد ونوش لباس وکتب طلبه ای که مسکین اند خرج شود زکات اداء خواهد شد یانه واگر برای یک طالب صد روپیه داده شود جائز است یانه وبرای دادن معاش مدرسین وملازمین چه حیله ای وجود دارد؟

جواب: در زکات تملیک فقیر شرط است پس اگر طالبان مسکین باشند صرف زکات در خوراک ولباس شان درست است واگر کتاب خریده شده وبه ایشان تملیک شود هم صحیح است (٥) همچنان اگربه یک طالب علم صدروپیه داده نیزدرست می باشد وبرای معاش مدرسین وکارکنان حیله جواز آن است که اولاً زکات به شخص مسکینی داده شود وملکیت اوگردد وباز

---

(١) ولا الی غنی یملک قدر نصاب فارغ حاجة الاصلیة من ای مال کان (درمختار) فان کان له فضل عن ذالک (ای الحاجة الاصلیة) تبلغ قیمته مائتی درهم حرم علیه اخذ الصدقة (ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٨٨ ، ط. س. ج٢ ص ٣٤٧). ظفیر

(٢) ولا الی غنی یملک قدر نصاب (الدر المختار باب المصرف ص ٨٨ ج٢)

(٣) مصرف الزکوٰة والعشر الخ هوفقیر (درمختار) وهومصرف ایضا لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیرذالک من الصدقات الواجبة کمافی القهستانی (ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٧٩ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩). ظفیر

(٤) مصرف الزکوٰة الخ هو فقیر الخ ومسکین الخ فی سبیل الله وهو منقطع الغزاة وقیل. الحاج وقیل طلبة العلم الخ (ایضا ج٢ ص ٨٣ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩). ظفیر

(٥) مصرف الزکوٰة الخ هوفقیر الخ ومسکین الخ وفی سبیل الله الخ یصرف الزکاة الی کلهم اوالی بعضهم الخ ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة (ردالمحتار) فلا یکفی الاطعام الا بطریق التملیک (ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٧٩ وص ٨٥ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩). ظفیر الدین غفر الله له

آن شخص از ملکیت خود آنرا در معاش مدرسین وغیره بدهد جائز است. ([1])

دادن معاش مدرسین وساختن تعمیر مدرسه از زکات چطور است: سوال: (٣٧٢) دادن زکات به مدرسه ای جائز است یانه؟ وصرف زکات درمعاش مدرسین وتعمیر مدرسه چطور است؟

جواب: رقم زکات را در تعمیر مدرسه ومعاش مدرسین بدون حیله صرف کردن درست نیست. ([2]) فقط

به دختر یتیمی که خادمه باشد ساختن زیور زیور از رقم چطور است: سوال: (٣٧٣) نزد زید دختر یتیمی است که فقط به او غذا ولباس می دهد آیا زید می تواند به این دختر از رقم زکات لباس بخرد ویا زیور بسازد وزنی که رقم زکات را معاوضه خدمت خود فکر خواهد کرد دادن زکات به او درست است یانه؟

جواب: به دختر یتیمی که معاش برایش مقرر نیست بلکه صرف دربدل غذا ولباس کار می کند ساختن زیور برای او از رقم زکات درست است واگر او را نقد بدهد بهتر می باشد ([3]) ولباسی که برایش مقرر است آنرا از رقم زکات نسازد وزنی که خادمه است وآنرا عوض خدمت خود فکر خواهد کرد دادن زکات برایش درست نیست.

آیا شخص ثروتمند می تواند صدقه نذر وزکات را بگیرد: سوال: (٣٧٤) برای شخص ثروتمند گرفتن مال صدقه زکات ونذر چطور است؟

جواب: حرام است. ([4])

---

(١) وحيلة التكفين بها التصدق على فقير ثم هويكفن الثواب لهما وكذا فى تعمير المسجد وتمامه فى حيل الاشباه (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج٢ ص ١٦ ، ظ. س. ج٢ ص ٢٧١). ظفير عفى عنه

(٢) ويشترط ان يكون الصرف تمليكا لا اباحة فلا يصرف الى بناء مسجد ولا الى كفن ميت وقضاء دينه (الدر المختار علي هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٨٥ ، ط. س. ج٢ ص ٣٤٤). ظفير

(٣) مصرف الزكوٰة الخ هوفقير الخ ومسكين الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٧٩ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩). ظفير الدين غفر الله له

(٤) ولا الى غنى يملک قدر نصاب فارغ عن حاجته الاصلية من اى مال كان (درمختار) فان كان له فضل عن ذالک تبلغ قيمة مائتى درهم حرم عليه اخذ الصدقة (ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٨٨ . ط. س. ج٢ ص ٣٤٧) مصرف الزكوٰة (درمختار) وهو مصرف ايضا لصدقة الفطر والكفارة والنذر وغير ذالک من الصدقات الواجبة كما فى القهستانى (ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٧٩ ، ط. س. ج٢ ص٣٣٩). ظفير الدين غفر الله له

اگر شخصی نداند وزکات را به مالک نصاب بدهد وبعداً باخبر گردد چه کند: سوال: (۳۷۵) الف: اگر مال زکات فطر یا دیگر صدقات واجبه را از روی بی خبری به شخص صاحب نصابی بدهد وبعداً بداند چه کند؟

دادن زکات به اولاد محتاج نابالغ شخص غنی درست نیست: سوال: (۳۷۶) ب: اگر رقم زکات را به اطفال نابالغی که مفلس محض اند مگر والدین ایشان صاحب نصاب باشند بدهد جائز است یانه وزکات اداء می گردد یانه؟

جواب: (الف. ب): اگر دهنده نداند که صاحب نصاب است زکات اداء می شود (وان بان غناه لایعید (الدر المختار) ([1]) ودادن زکات وصدقات واجبه دیگر به اولاد صغار شخص درست نبوده وزکات اداء نمی شود ([2]).

سید مجبور می تواند زکات بگیرد یانه: سوال: (۳۷۷) سیدی که اولاد زیاد داشته ونابینا وحاجتمند باشد گرفتن زکات برایش جائز است یانه؟

جواب: نزداحناف مطابق قول صحیح وظاهر الروایة گرفتن زکات درهیچ حالی برای سید درست نیست طوریکه در الدر المختار آمده: (ثم الظاهر المذهب اطلاق المنع) ([3]) (چنین سید مجبوری را می توان بطریق حیله زکات داد). فقط

دربدل هیچ نوع خدمتی گرفتن ودادن زکات درست نیست: سوال: (۳۷۸) پسر زکات دهنده حافظ است ودر رمضان المبارک قرآن تلاوت می کند وامام مسجد که حافظ است واستاد او می باشد او را فتح می دهد دراین حالت دادن رقم به ملا امام مذکور جائز است یانه؟

جواب: دادن زکات درعوض فتح دادن آن حافظ طوریکه رواج است جائز نمی باشد زیرا در حقیقت هدیه نه بلکه معارضه خدمت فتح دادن اومی باشد ([4]).

خرج مال زکات در تعمیر مسجد درست نیست: سوال: (۳۷۹) الف: رقم زکات را می توان

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۲. ظفیر

(۲) ولا الی طفله (درمختار) ای الغنی (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۹۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۹. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۰ وص ۹۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۰. ظفیر

(۴) انما الصدقات للفقراء والمساکین الخ (هدایه باب من یجوز دفع الصدقات ج۱ ص ۱۸۶). ظفیر

درتعمیر مسجد خرج کرد یانه؟

در احاطه تکیه خانه رقم زکات صرف می گردد یانه: سوال: (۳۸۰) ب: دریک تکیه خانه مسجدی قرار دارد وچهار طرف تکیه مذکور تالاب است اگر به غرض حفاظت اراضی محل مذکور که درآن مسجد نیز موقعیت دارد دیوار وگل اندازی نمود
آیا رقم زکات را می توان در آن به مصرف رسانید؟

جواب: (الف. ب) درهر دومحل صرف رقم زکات درست نیست طوریکه از عموم کتب فقه اشکار می باشد (۱).

گرفتن زکات برای ملا امام چطور است: سوال: (۳۸۱) ملا امامی که صاحب نصاب وسید نباشد آیا می تواند مال زکات را بگیرد یانه؟

جواب: دادن زکات صدقه فطر وسائر صدقات واجبه بدون معاوضه به فقرا ضرور است پس دادن وگرفتن آن در معاوضه امامت درست نیست. (۲) (اما اگر دادن رقم مذکور بدون معاش تعیین شده اگر محتاج ومستحق زکات باشد درست است) ظفیر.

دادن زکات به سید وصاحب نصاب درست نیست: سوال: (۳۸۲) الف: کاکا زید سید بوده وشخص فقیری است ودوصد روپیه قرضدار می باشد وسود بر او افزایش می یابد ودو دختر نابالغه داردوزن کاکای زید ازقوم پشتون بوده وبه قیمت صد روپیه زیور داردکه دربدل۲۵ روپیه گرو می باشد در اینصورت آیا زید می تواند از مال زکات به کاکا وزن کاکای خود بدهد.

اگر رقم زکات به شخص مستحقی داده شود که او به سید بدهد جائز است: سوال: (۳۸۳) ب: اگر مال زکات به این شرط به یک مستحق غیر مسلمان داده شود که به کای زید بده آیا جائز است یانه؟

جواب: (الف، ب) دادن مال زکات به سید فقیر به این ترتیب صورت می گیرد که نخست به

---

(۱) ولا یجوز ان یبنی بالزکوٰة المسجد وکذا القناطر، والسقایات واصلاح الطرقات وکری الانهار والحج والجهاد وکل مالا تملیک فیه (عالمگیری مصری کتاب الزکوٰة باب السابع فی المصارف ج۱ ص ۱۸۸). ظفیر

(۲) قال الاصل فیه قوله تعالٰی انما الصدقات للفقراء الخ (هدایه باب مایجوز دفع الصدقات الیه ج۱ ص ۱۸۶) دا دفقرارو اودنورو محتاجانو حق دی لهذایه معارضه کی ورکول یې درست نه دی. ظفیر

مسلمان مستحق که سید نباشد داده شود وملکیت او گردد وسپس او از جانب خود به سید بدهد این حیله جواز درالدر المختار نوشته شده است [1] وچون زن کاکای زید که از قوم پشتون است به قیمت صد روپیه زیور دارد دادن زکات به او درست نیست اما اگر صاحب نصاب نباشد دادن زکات به او درست است مگر در حالت موجود صحیح نمی باشد زیرا اگر ۲۵ روپیه قرض از آن وضع گردد باز هم نصاب باقی می ماند (در آنوقت نصاب حدود پنجاه روپیه بود است).

دادن رقم زکات درمشاهره حافظ درست نیست: سوال: (۳۸٤) آیا می توان با رقم زکات خود حافظی را مقرر نمود که بطور عام درس قرآن بدهد وایا می توان بدون معاش دختر خود را نزد او غرض آموختن قرآن فرستاد یا اینکه اجوره علیحده ای برایش داده شود؟

جواب: طوریکه در الدر المختار آمده جائز نیست ([2]).

رقم زکات را چطور می توان بر طلبه مدرسه صرف کرد: سوال: (۳۸۵) رقم زکات که به مدرسه می آید آیا مهتمم آنرا به شکل نقد به طلبه بدهد ویا می تواند از آن برای ایشان کتاب لباس وغیره خریداری کند؟

جواب: چه نقد بدهد وچه لباس ویا کتاب بخرد وتقسیم کند جائز است. ([3])

ارسال رقم زکات به سیستم بانکی چطور است: سوال: (۳۸٦) ذر ارسال رقم زکات به سیستم بانکی عین رقم نمی رسد پس زکات زکات دهنده چگونه اداء می شود؟

جواب: زکات به این ترتیب اداء می شود زیرا ا ز سوی مالک اجازه مبادله می باشد.

ازجمله مستحقین ذیل دادن زکات به کدام یک بهتر است: سوال: (۳۸۷) از جمله مستحقین ذیل دادن زکات به کدام یک ازآنها بهتر است:همشیره یتیم خویشاوند یتیم خویشاوند وفقیر همسایه فقیر زن بیوه شخص مقروض لنگ عالم کور امام مسجد؟

---

(۱) حیلة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هو یکفن الثواب لهما وکذافی تعمیر المسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۲) ولا الی طفله (درمختار) ای الغنی الخ فافاد ان المراد بالطفل غیر البالغ ذکرا کان اوانثٰی فی عیال ابیه اولا علی الاصح لما انه یعد غنیا بغناه (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۸). ظفیر

(۳) وجاز دفع القیمة فی زکوٰة وعشر وخراج وفطرة ونذر وکفارة غیر الاعتاق وتعتبر القیمة یوم الوجوب وقالا یوم الاداء الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة الغنم ج۲ ص ۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۵). ظفیر

جواب: مصرف زکات شخص محتاج است که صاحب نصاب نباشد اگر خویشاوند نزدیک (بدون اصول وفروع محتاج باشد دادن به او ثواب بیشتر دارد مثلاً اگر برادر شخصی فقیر باشد دادن آن به او موجب ثواب بیشتر است واگر عالم محتاج باشد دادن به او نیز درست است (۱) ودادن آن در معاوضه کا امامت به امام مسجد درست نیست.

چه کسی بیشتر مستحق صدقه است: **سوال**: (۳۸۸) چه کسی بیشتر مستحق صدقه خیرات است؟

جواب: خویشاوند نزدیک از همه بیشتر مستحق صدقه است. (۲)

غذای نذر به چه کسی داده شود: **سوال**: (۳۸۹) نذری که به نام خداوند گرفته شده باشد وبصورت طعام داده شود چه کسی بیشتر مستحق آن است؟

جواب: خویشاوند نزدیک مقدم است وبدل از سائر محتاجان.

غرض ایصال ثواب دادن صدقات به چه کسی بهتر است: **سوال**: (۳۹۰) اینکه مردم وقتاً فوقتاً غرض ایصال ثواب به روح اولیای کرام وبزرگان دین صدقه وخیرات میدهند چه کسي درآن مقدم است؟

جواب: در اینجا نیز همان رعایتی که در صدقات است مدنظر باشد وآن اینکه خویشاوند مسکین بر دیگران مقدم شوند (۳).

زکات به طالباني که پابند قوانین مدرسه نیستند داده شود یانه: **سوال**: (۳۹۱) اگر طالبان در مراعات قوانین مدرسه که برایشان ضرور است تساهل ورزند زکاتی که به ایشان داده می شود اداء می گردد یانه؟

---

(۱) مصرف الزکوٰة الخ هو فقیر وهو من له ادنی شيء الخ ومسکین الخ یصرف المزکي الی کلهم او الی بعضهم الخ وکره نقلها الا الی قرابته بل في الظهیریة لا تقبل صدقة الرجل وقرابته محاویج حتی یبدء بهم فیسد حاجتهم او احوج او اصلح او اورعا وانفعا للمسلمین (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۷۹ وص۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(۲) بل فی الظهیریة لاتقبل صدقة الرجل وقرابته محاویج حتی یبداء بهم فیسد حاجتهم. (ایضا ج۲ ص ۹۳). ظفیر

(۳) عن ابي هريرة مرفوعا إلى النبي (ﷺ) انه قال: يا أمة محمد، والذي بعثني بالحق لا يقبل الله صدقة من رجل وله قرابة محتاجون إلى صلته ويصرفها إلى غيرهم الخ وفي القريب جمع بين الصلة والصدقة. وفي القهستاني: والافضل إخوته وأخواته ثم أولادهم ثم أعمامه وعماته ثم أخواله وخالاته ثم ذوو أرحامه ثم جيرانه ثم أهل سكنه ثم أهل بلده (ردالمحتار باب ايضا ج۲ ص ۹۳ وص ۹٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۳). ظفیر

جواب: اصول مدارس چنین است که اول مالی را به مستحق تملیک می کنند سپس از طرف این مالک آنرا برای مصارف مدرسه می گیرند لذا نافذ کردن قواعد مدرسه بر طلبه مدرسه در اداء شدن زکات نقشی ندارد زیرا زکات هنگام تملیک اداء شده است.

صرف زکات وعشر بر مسجد درست نیست: سوال: (۳۹۲) خرج زکات عشر صدقه عیدالفطر پوست قربانی وعقیقه در ساختن مسجد یا روشن کردن چراغ ویا دیگر ضروریات آن درست است یانه؟

جواب: صرف زکات عشر صدقه وسائر صدقات.واجبه در تعمیر مسجد ترمیم وسائر امور آن درست نبوده وتملیک فقرا ضروری می باشد [1].

دادن زکات به کدام یک بهتر است: سوال: (۳۹۳) دادن مال زکات به مدرسه اسلامی ثواب بیشتر دارد یا به فقیری که آنرا در مواد نشه آور مصرف کند؟

جواب: به فقرایی که آنرا در معصیت مصرف میکنند ندهید دادن آن به طلبه مدرسه ثواب زیاد دارد زیرا مصروف تحصیل علم دین می باشند.

دادن رقم زکات به قرض وتجازت با آن چطور است: سوال: (۳۹٤) شخصی مثلاً صد روپیه را غرض ادای زکات کشیده وعلیحده بگذارد اما در قبضه خودش بوده وآنرا به دیگری تملیک نکرده آیا می بواند رقم مذکور را به کسی قرض دهد یادرتجارت به کار اندازد ونفع آنرا نیز حق مستحقین زکات بداند؟

جواب: تاوقت رقم زکات که اخراج گردیده به فقرا ومساکین داده نشود وبه ایشان تملیک نگردد تا آنوقت ملکیت صاحب نصاب است [2] اگر آنرا به کسی قرض دهد یا در تجارت به کار اندازد نیت زکات را بنماید ومنفعتی که ازتجارت آن بدست آید حق مالک است (به شکلی

---

(۱) ولا یخرج عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء وحیلة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هویکفر فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۵ وص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۰ و۲۷۱). ظفیر

(۲) مصرف الزکوٰة (درمختار) وهو مصرف ایضا لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذالک من الصدقات الواجبة الخ (ردالمحتار باب المصرف ص ۷۹) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لا اباحة ولایصرف الی بناء نحو مسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص [illegible] ج۲ ص ۳۳۹ و۳٤٤). ظفیر

که سوال گردیده زکات اداء نمی شود رقم زکات را بدون تملیک به مستحق درتجارت به کار انداختن ویا به قرض دادن درست نیست). ظفیر

هنگام دادن زکات به طلبه مستحق بودن ایشان تفتیش شود یانه: سوال: (۳۹۵) هنگام دادن زکات به طلبه دانستن اهلیت ایشان برای اخذ زکات درست است یانه؟ مثلاً اینکه صاحب نصاب سید یا قریشی نباشد ویا اینکه پدر ومادرش صاحب نصاب نباشد اگر پدر ومادر ویا برادر پرورش کننده او صاحب نصاب باشد اما به آن پسران ودختران کتاب لباس وغیره نمی خرند دادن سامان مذکور از مال به زکات به آن طلبه جائز است یانه؟

جواب: این قید درطلبه نیز وجود دارد که مصرف زکات بوده ومالک نصاب یا سید نباشد واگر طلبه مذکور نابالغ اند والدین ایشان صاحب نصاب وغنی نباشند برای شخص غنی بودن پدر ومادرش در صورتیکه خودش فقیر باشد مانع اخذ زکات نیست وخریداری لباس یا کتاب از رقم زکات به طلبه آنوقت درست است که مصرف زکات بوده وخودش غنی ودر صورتیکه طفل باشد والدینش غنی نباشند ([1]) باید دراین مورد تحقیق صورت گیرد ([2]).

اگرمعلوم نباشد که طلبه مستحق اند یانه دادن زکات به ایشان چطور است: سوال: (۳۹۶) اگر به مهتمم معلوم نباشد که والدین ویا پرورش کننده طالب صاحب نصاب است یانه آیا در اینحالت جائز است که به طالب مذکور از رقم زکات کمک کند؟

جواب: معلوم نمودن این مسأله ضرور است اما اگر طالب علم خود بگوید که من فقیرم ووالدین من نیز فقیراند مطابق قول او دادن زکات برایش درست می باشد ([3]).

تملیک به کسیکه تجارت می کند اما صاحب نصاب نیست: سوال: (۳۹۷) شخصی که صاحب نصاب نیست اما تجارت می کند ومنافع کمی بدست می اورد که مقدار آن معلوم نمی

---

(۱) ولا الی غنی یملک قدر نصاب فارغ عن حاجة الاصلیة من ای مال کان الخ ولا الی طفله بخلاف ولده الکبیر الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ وص ۹۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۷). ظفیر

(۲) لودفع تحرم لم یجز ان اخطا (ایضا ج۲ ص ۹۳ . ط. س. ج۲ ص ۳۵۳). ظفیر

(۳) اذا شک وتحری فوقع فی اکبر رایه انه محل الصدقة فدفع الیه اوسال منه فدفع اوراه فی صف الفقراء فدفع فان ظهر محل الصدقة جاز بالاجماع وکذا ان لم یظهر حاله عنده (عالمگیری مصری باب المصارف ج۱ ص ۱۹۰). ظفیر

باشد وبرآنچه بدست می آوردسال کامل هم نمی گذرد وممکن کل منافع اوپنجاه روپی یا چیزی بیشتر از آن باشد در اینصورت آیا تمنیک مال زکات به او جائز است یانه؟

جواب: در این حال دادن زکات به او جائز است (۱) اما اگر نفعی که به اومی رسد به قدر نصاب باشد هر چند یکسال بر آن نگذرد دادن زکات برایش جائز نیست.

دادن زکات صدقه وفطر وغیره به شخص غیر مسلمان چطور است: **سوال**: (۳۹۸) دادن مال زکات گوشت قربانی صدقه فطر ونذر به غیر مسلمانان درست است یانه؟

جواب: دادن مال زکات به غیر مسلمانان درست نیست زیرا در حدیث آمده: (توخذ من اغنائهم وترد علی فقرائهم) البته صدقه نذر ویا گوشت قربانی را می توان به غیر مسلمان داد طوریکه در الدر المختار امده: (وجاز دفع غیرها ای غیر الزکوٰة الیه ای الذمی و لو واجباً کنذر وکفارة وفطرة) (۲) اما دادن آن به مسلمان فقیر بهتر می باشد (۳).

کسیکه دارای اوصاف ذیل باشد دادن زکات به او چطور است: **سوال**: (۳۹۹) مقداری از رقم زکات را در اینجا برای مساکین گذاشته بودم اما از چند روز بدینسو اراده من تبدیل گردیده وعلت آن این است اکثر مردم اینجا فقط از روی نام مسلمان بود وهیچ صفت مسلمان در ایشان وجود ندارد عقاید عبادات ومعاملات ایشان همه یکسره خراب است وضع عقیده ایشان به حدی وخیم است که در اینجا فقیری می باشد که مشرک شمرده می شود چون ملازم در مورد دزدی وغیره به او سخنان گفت او در جواب گفت که اگر من غله ترا دزدی کنم در تولد دوم گاو به دنیا خواهم آمد این وضع مردمان خوب ایشان است عوام از این نیز بد تر اند چنین شخصی را مسلمان گفتن چطور است زیرا کار ایشان شرک بدعت وتعزیت پرستی می باشد خداوند (ج) وپیامبر (ص) را می شناسند مگر نه نمازی خوانند ونه روزه می گیرند دروغ فریب زنا ودزدی را

(۱) مصرف الزکوٰة الخ هو فقیر وهو من له ادنی شیئ ای دون نصاب غیر تام مستغرق فی الحاجة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ وص۸۰، ظ. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۲، ظ. س. ج۲ ص ۳۵۱. ظفیر

(۳) واختلفو فی صدقة الفطر والنذر والکفارات قال ابوحنیفة ومحمد رحمهما الله یجوز الا ان فقراء المسلمین احب الینا کذا فی شرح الطحاوی (عالمگیری مصری باب سابع فی المصارف ج۱ ص ۱۸۸). ظفیر

بد نمی دانند تا چه رسد که از آن اجتناب کننده وزنده شدن پس از مرگ را نمی شناسند دراین حالت دادن زکات به ایشان چطور است اگر جائز است باشد خیر واگر از حالت زار مظلومان (شاه آباد) و(آره) توسط اخبارها مطلع هستید دلم می خواهد که این رقم را به آنفا ارسال کنم اما در آنجا نیز همین شبه فوق وجود دارد بلکه گمان غالب آن است که از اینجا نیز بدتر می باشد در این صورت چه می توان کرد؟

جواب: دادن زکات به مردم منطقه خود شما که وضع ایشان را نوشته اید درست است پس رقم زکات را که برای دادن به آنها نگهداشته اید به ایشان بدهید زیرا فقرای همشهری نیز حق دارند بلکه حق ایشان بیشتر می باشد ومظلومان (شاه آباد) اگر چه بیشتر مستحق اند اما درآن از بی احتیاطی خرج کننده تشویش وجود دارد که از آن خوف به وجود می آید که زکات ادا نگردد زیرا در ادای زکات تملیک فقرا شرط می باشد به همین علت در تعمیر مسجد وغیره زکات ادا نمی شود وصرف آن در تکفین وتجهیز میت نیز درست نمی باشد ومعلوم نشست که رقم شما به کسی می رسد این شرایط را کاملاً مراعات خواهد کرد یانه واز مصارف زکات کاملاً اگاهی خواهد داشت یانه؟ اهل شهر شما که وضعیت ایشان را نوشته اید هر چند خرابی در اعمال وعقاید ایشان ظاهر است این هم آشکار می باشد که ایشان کلمه گو ومدعی اسلام اند اگر چه اعمال وعقاید آنها خراب است اما با این همه نمی توان به کفر همه ایشان حکم کرد بلی از شخصی که کلمه ای که مستوجب کفر باشد شنیده شود وحالش بطور متحقق معلوم گردد که عقایدش کفری می باشد بر اوحکم کفرمی گردد اما بر عامه مسلمانان چنین حکمی نکنید وچون حکم کفر عموماً برایشان عاید نمیگردد دادن زکات به آنها درست است زیرا فقیر ومحتاج بوده ودر همسایگی شما قرار دارند لذا در زکات دادن همین نکته را مد نظر داشته باشید که همشهری شما بوده وفقیر ومحتاج اند بیشتر از این کنجکاوی حاجت نیست چنانچه درحدیث شریف آمده که شخصی اراده زکات دادن را نمود (لفظ عام است چه صدقه بروده یانفلی) صدقه روز اول به دزد واز روز دوم به زن زانیه واز روز سوم به شخص غنی داده شد وچون دانست افسوس کرد پس در خواب برایش گفته شد که هر سه صدقه تو قبول گردید که شاید دزد عبرت

بگیرد واز دزدی تائب شود وزانیه از زنا توبه کند وبرای غنی نصحیت شود که وی نیز صدقه زکات وغیره را بدهد ([1]).

فقهای حنفی نیز در هر سه صورت به ادای زکات قائل اند چنانچه در الدر المختار آمده (دفع بتحر لمن یظن مصرفاً فبان انه عبده ا ومکاتبه او حربی ولو مستامنا اعادها لمامر وان بان غناه او کونه ذمیاً او انه ابوه او ابنه او امراته او هاشمی لایعید لانه اقی بما فی وسعه) ([2]).

آیا می توان رقم زکات را بر یتیمان خویشاوند صرف گرد یانه: سوال: (٤٠٠) دوطفل یتیم نزد یکی از خویشاوندان خود به سر می برند اگر شخص مذکور از رقم زکات خود برای ایشان لباس بسازد آیا زکات اداء می شود یانه؟

جواب: ساختن لباس از مال زکات به یتیمان درست بوده وزکات اداء می شود ([3]).

دادن زکات به زن طفل دار چطور است: سوال: (٤٠١) آیا دادن زکات به زنی که سه فرزند دارد وبه علت عیاشی وشراب نوشی شوهر خویش در نهایت عشرت وتنگدستی وسر می برد جائز است یا نا جائز؟

جواب: چون این زن محتاج بوده ومالک نصاب نیست دادن زکات به او درست است بلکه دادن به چنین زن طفل دار باعث ثواب بیشتر می باشد ([4]).

به بیوه سید می توان زکات داد: سوال: (٤٠٢) زنی از قوم شیخ است که شوهرش سید بوده وفات نموده که همین زن وچند طفل از او باقی مانده اند زن مذکور نهایت مفلس بوده واز جمله اقارب من باشد دادن زکات به او جائز است یانه؟ همچنان زن دیگری از قوم شیخ که شوهرش سید است وزنده می باشد او نیز مفلس است دادن زکات به او جائز است یانه؟

اگر زکات به سیستم بانکی ارسال شود اداء میگردد یا نه؟

---

(١) مشکوٰة المصابیح باب الانفاق وکراهیة الامساک فصل اول عن ابی هریرة ص ١٦٥. ظفیر

(٢) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٩٢ وص ٩٣ ، ط. س. ج٢ ص ٢٥٣، ظفیر

(٣) ولا الی من بینهما ولاد (درمختار) وقید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب کالاخوة والاعمام والاخوال الفقراء بل اولی لانه صلة وصدقة الخ (ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٨٦ ، ط. س. ج٢ ص ٣٤٦) . ظفیر

(٤) مصرف الزکوٰة الخ هوفقیر وهو من له ادنی شیئ ای دون نصاب اوقدر نصاب غیر نام مستغرق فی الحاجة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٧٩ و ٨٠ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩). ظفیر

جواب: چون آن هر دو زن مفلس هشتند دادن زکات به ایشان جائز بوده وسید بودن شوهر شان در حالیکه مفلس بوده ومالک نصاب نمی باشند مانع از دادن زکات نیست بلکه زکات اداء می گردد و دادن زکات به شخص مفلس خویشاوند موجب ثواب بیشتر است البته بدون اولاد پدر ومادر وزن وشوهر وغیر از اینها دادن زکات به سائر اقارب نزدیک که مفلس باشند درست است. (۱)

با ارسال رقم زکات به سیستم بانکی زکات اداء می گردد.

دادن زکات به طالب علمی که پدرش صاحب نصاب باشد چطور است: **سوال**: (۴۰۳) طالب علمی که به فاصله سه چهار وپنج میل برای طلب علم سفر کرده اما پدرش صاحب نصاب باشد مستحق گرفتن زکات است یانه؟

جواب: گرفتن زکات برایش جائز است زیرا در الدر المختار آمده: (وابن السبیل وهو کل من له مال لامعه) ودر شامی آمده (والحق به کل من هو غائب عن ماله وان کان فی بلده لان الحاجة هی المعتبرة وقد وجدت لانه فقیریداً وان کان غنیاً ظاهراً) (۲).

آیا رقم زکات را می توان درفرش مدرسه صرف کرد یانه: **سوال**: (۴۰۴) صرف رقم زکات در فرش مدرسه جائز است یانه؟

جواب: صرف زکات در فرش مسجد یا مدرسه درست نبوده وزکات اداء نمی شود (۳) ودر صورت ضرورت حیله جواز آن است که مال زکات اول به شخصی تملیک گردد که صاحب نصاب نباشد سپس آن شخص از طرف خود برای فرش مدرسه بدهد چنین حیله ای درکتب فقه آمده است. (۴)

---

(۱) ومصرف الزکوٰة الخ هوفقیر هومن له ادنی شئ ای دون نصاب اوقدر نصاب غیرنام مستغرق فی الحاجة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف زکوٰة ج۲ ص ۷۹ و ۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹) ولاالی من بینهما ولاد (درمختار) قید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب الخ بل هم اولیٰ لانه صلة وصدقة (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴٦). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ و ۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(۳) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة ولا لصرف فی نحو بناء مسجد ولا الی کفن میت الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۴) وحیلة التکفین ان یتصدق بها علی فقیر ثم هویکفن الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد(ایضا کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. =

دادن زکات به گداهای حرفوی چطور است: سوال: (۴۰۵) الف: دادن زکات به گداهای حرفوی که توانایی کار را دارند جائز است یانه؟

تقسیم خیرات به فقرا: سوال: (۴۰۶) ب: در اکثر جاها روزهای پنجشنبه غله ورقم نقد به فقرا تقسیم می گردد ودر میان فقرا امتیازی میان مستحق وغیر مستحق نمی باشد به این طریقه خیرات کردن جائز است یانه واز چنین خیراتی ثواب حاصل می شود یانه؟

دادن خیرات به فقیری را درکارهای ناجانز خرج کند چطور است: سوال: (۴۰۷) ج: دادن خیرات به فقرایی که گمان غالب بر آن است که رقم خیرات یا زکات را در کارهای ناجائز خرج می کنند درست است یانه؟

بهترین مصرف زکات: سوال: (۴۰۸) د: بهترین مصرف زکات را با در نظر داشت شرایط کنونی چطور است؟

صرف کردن رقم زکات درمکاتب ومدارس چطور است: سوال: (۴۰۹) هـ: صرف رقم زکات در مساجد مدارس ویتیم خانه ها چطور است؟

دادن مستمری به طالبان ازرقم زکات چطور است: سوال: (۴۱۰) و: آیا می توان به طالبان از رقم زکات مستمری داد؟

جواب: اولاً چند موضوع مقدمتاً نگاشته می شود وبعداً جواب سوالات سلسله وار می آید.

مقدمه: اول: مصارف زکات وصدقات واجبه فقرا ومساکین وغیره اند که درآیة مبارکه (انما الصدقات للفقراء والمساکین) مذکور اند.

دوم: در زکات وصدقات واجبه تملیک یعنی مالک ساختن شرط می باشد طوریکه از (لام) للفقراء این مطلب فهمیده می شود وفقهای حنفی آنرا تصریح فرموده اند که در زکات مالک ساختن محتاج شرط می باشد وجایی که تملیک وجود نداشته باشد یا صرف درآنجا زکات اداء نمی شود مانند تعمیر وترمیم مسجد مدرسه تکفین میت وغیره که با صرف رقم زکات [1] دراین

= ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۱) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة لایصرف الی نحو بناء مسجد ولا الی کفن میت (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

امور زکات اداء نمی گردد.

سوم: در اموری که با صرف درآنها زکات اداء نمی گردد مانند تعمیر مسجد تکفین میت وغیره برای صرف کردن درآن فقها حیله ای نوشته اند وآن اینکه نخست مال زکات به شخصی که بمالک نصاب نباشد تملیک گردد وپس از مالک شدن آن شخص از طرف خود آنرا غرض تعمیر یاترمیم مسجد وتکفین وغیره صرف کند طوریکه در الدر المختار آمده: (وحیلة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما و کذا فی تعمیرالمسجد) ([1]) وحیله تکفین میت با مال زکات آن است که نخست مال زکات به فقیری تملیک گردد سپس او از طرف خود آنرا در کفن میت صرف کند که در نتیجه هر دوشخص ثواب خواهند برد وبرای صرف کردن دوتعمیر مسجد وغیره نیز همین حیله است وشامی گوید که منظور از حاصل شدن ثواب برای هر دواین است که برای زکات دهنده ثواب زکات وبرای کسیکه آنرا درکفن میت صرف کرده ثواب تکفین حاصل می شود ([2]) وچنین می توان گفت که برای زکات دهنده ثواب تکفین نیز حاصل شده زیرا درحدیث شریف آمده: (الدال علی الخیر کفاعلیه) ([3]) همچنان در طحطاوی وجامع الصغیر سیوطی این روایت نقل شده است: (لومرت الصدقة علی یدی مائة لکان لهم من الامثل اجرالمبتدی من غیر ان ینقص من اجره شیاً) ([4]).

ترجمه: اگر صدقه بر صد درست بگذرد به هر یک از ایشان برابر در ابتدا دهنده ثواب خواهد بود بدون اینکه در ثواب ابتداء کننده چیزی کم واقع شود؟

مطلب ازگذاشتن بر صد دست آن است که صدقه دهنده به کسی صدقه دهد واو به شخص دیگری بدهد واو به سومی وهمین سلسله دوام کند.

چهارم: اگر کسی محتاج پنداشته شده و برایش زکات داده شود وبعداً ثابت گردد که غنی وصاحب نصاب است زکات اداء شده ودوباره دادن آن لازم نمی باشد وثواب دهنده کامل است

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱. ظفیر

(۲) ای ثواب الزکوٰة للمزکی وثواب التکفین للفقیر (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱. ظفیر

(٤) ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱. ظفیر

درالدر المختار آمده: (دفع بتحر لمن يظنه مصرف فبان عبده وان بان غناه يعيد) ([1]) حاصل این عبارت آن است که اگر کسی را بگمان خویش مصرف زکات دانست وبه همین دلیل به او زکات داد اگر بعداً آشکار گردد که شخصی برایش زکات داده شده غلام زکات دهنده است زکات ادا نشده وباید آنرا دوباره اداء نماید واگر ظاهرا گردید که غنی وصاحب نصاب است زکات ادا گشته وبه دوباره دادن ضروری نیست ودر مشکوة روایت ابو هریره (رض) از بخاری ومسلیم نقل گردیده که متن آن چنین است: (انّ رسول الله صلی الله علیه وسلم) قال قال رجل لاتصدقن بصدقة فخرج بصدقة فوضعها في يد سارق فاصبحوا يتحدثون تصدق الليلة على سارق فقال اللهم لک الحمد على سارق لاتصدقن بصدقة فخرج بصدقة فوضعها في يد زانية فاصبحوا يتحدثون تصدق الليلة على زانية فقال اللهم لكل الحمد على زانية لاتصدقن بصدقة فخرج بصدقة فوضعها في يد غني فاصبحوا يتحدثون تصدق الليلة على غني فقال اللهم لک الحمد على سارق وزانية وغني فاتي فقيل له اما صدقتک على سارق فلعله ان يستعف عن سرقته واما الزانية فلعلها ان تستعف عن زناها واما الغني يعتبر فينفق مما اعطاه الله) متفق عليه ولفظه للبخاری ([2]).

در شامی آمده که اگر زکات به کسی داده شود که ظاهر فقیرانه ومفلسانه دارد یا همراه فقرا بیاید یا بخواهد زکات ادا شده است اگر چه بعداً معلوم گردد که غنی بوده ومصرف زکات نبوده است عبارت شامی چنین است: (واعلم ان المدفوع اليه لوكان جالساً في صف الفقراء يصنع صنعهم اوكان عليه زيهم او سأله فاعطاه كانت هذه الاسباب بمنزلة التحری كذا في المسبوط حتى لو ظهر غناه بعدلم يعد) ([3]).

پنجم: برای شخص تندرست وکسیکه توانایی کار وزحمت کشیدن را داشته وبه اندازه خوراکه یک روز نزدش موجود باشد سوال کردن حرام است ونزد عده ای دادن به شخصی که توانایی کار کردن را دارد حرام می باشد اما طالب وغیره باوجود داشتن توانایی به کسب به سبب مشغولیت به تحصیل علم مستثنی بوده ودادن به ایشان وگرفتن آنها درست می باشد در الدر

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۳. ظفير

(۲) مشكوٰة باب الانفاق وكراهية الامساک فصل اول عن ابی هريرة رضي الله عنه ص ۱٦٥. ظفير

(۳) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۳. ظفير

المختار آمده (و لا یحل یسئل شیئاً من القوت من له قوت یومه بالفعل او بالقوة کالصحیح المکتسب ویأثم معطیه ان علم بحاله لاعانته علی المحرم ولو سال لکسوة ولاشتغاله عن الکسب بالجهاد اوطلب العلم جاز لو محتاجاً) ([1]) قید (ان عند البعض) بدان جهت گذاشته که بعضی از فقها فرموده اند که اگر چه قیاس آنرا اقتضا می کند که دادن به این مردمنا جایز می باشد اما به تاویل هبه می توان آنرا جائز دانست ودر دادن هبه به محتاج وغیره محتاج گناهی نیست اما ظاهر است که این تاویل در مورد زکات تطبیق نمی شود.

خلاصه آنکه با وجود علم به اینکه نباید داد اگر به بی علمی بدهد مواخذه ای بر او نیست پس از این مقدمات جواب سوالات شما شماره واز نگاشته می شود.

الف: اگر آن گدا به ظاهر محتاج معلوم می گردد با دادن زکات به او زکات اداء می شود اگر چه او در حقیقت مستحق نباشد ([2]).

ب: به دهنده مطابق قاعده (انما الاعمال بالنیات) ثواب حاصل گشته وزکات نیز اداء می شود.

ج: اگر گمان غالب چنان باشد بدون شک دادن زکات وخیرات به او جائز نبوده بلکه گناه می باشد زیرا معاونت بر معصیت بوده ومعاونت بر معصیت حرام می باشد خداوند متعال فرموده است: (وتعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدون) سورة المائدة.

د: دراین زمان طالبان علم دین بهترین مصرف زکات اند چنانچه فقها در (فی سبیل الله) طالب علم را در داخل شمرده اند وطلبه در (ابن سبیل) نیز داخل می باشند ورسول الله صلی الله علیه وسلم به نیکی به طالبان علم دین وصیت وتاکید فرموده اند حضرت انس (رض) روایت می کند که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود (من خرج فی طلب العلم فهو فی سبیل الله) ([3]) واز ابو سعید الخدری رض روایت شده که (قال رسول الله ﷺ) ان الناس لکم تبع وان رجالا یاتونکم ([4]) من

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۵ . ط. س ج۲ ص ۳۵۴. ظفیر

(۲) واعلم أن المدفوع إليه لو كان جالسا في صف الفقراء يصنع صنعهم أو كان عليه زيهم او سأله فأعطاه كانت هذه الاسباب بمنزلة التحري، وكذا في المبسوط حتى لو ظهر غناه بعد لم يعد. (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۲ . ط. س. ج۲ ص ۳۵۲). ظفير

(۳) مشکوة المصابیح کتاب العلم فصل ثانی ص ۳۴. ظفیر

(٤) مشكوة المصابيح كتاب العلم

اقطار الارض یتفقهون فی الدین فاذا اتوکم فاستوصوا بهم خیراً) رواه الترمذی.

هـ: حکم مساجد از بحث دوم مقدمه معلوم گردید که صرف مال زکات در تعمیر ترمیم وفرش وغیره ضروریات آن درست نیست مکر به حیله ای که در بحث سوم مقدمه في بهره شده اما دادن زکات به طلبه مدارس دینی یتیم خانه ها وفقرا درست بوده واز بهترین مصارف زکات می باشد.

و: می توان داد. (۱)

بر رقم باقی مانده سیالی با نصاب برابر بوده اما حصول نشده باشد زکات است یانه:

سوال: (۴۱۱) رقم سیالی شخصی که در وقت معهود برایش خواهد رسید به جد نصاب می رسد اما او اکنون فقیر ومسکین است شخصی به او ازمال زکات داده است آیا زکات او اداء گردیده یانه؟

جواب: درحصول رقم سیالی که بر ذمه مردم است تردد می باشد بدین جهت اگر به او زکات داده شود اداء می گردد زیرا او فی الحال فقیر می باشد. (۲)

گرفتن زکات برای عالمی که کتابخانه دارد چطور است: سوال: (۴۱۲) برای عالمی که رقم نقد بالکل ندارد مگر دارای کتابخانه ای می باشد گرفتن زکات جائز است یانه؟

جواب: اگر نزد عالم زیاده از ضرورت کتاب نباشد مثلاً کتب هر فن یک یک نسخه باشد زکات گرفتن برایش درست می باشد واگر از هر کتاب چند نسخه بوده ویا بر علاوه فقه حدیث وتفسیر وغیره علوم دینی کتب دیگر مثلاً تاریخ وغیره به قدر نصاب نزدش موجود باشد گرفتن زکات برایش درست نیست این تفصیل درشامی نوشته شده وبر علاوه گوید که کتبی که به نسبت تجارت نباشد هر چند نزد عالم باشد یا غیر عالم اگر موافق ضرورت باشد یا زیاده.ازآن زکات در آن واجب نیست.

درمورد شخصی که شما سوال کرده اید همین تفصیل می باشد که درفوق نوشته شد (۳).

(۱) وفی سبیل الله الخ وقیل طلبة العلم (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۳ . ط. س. ج۲ ص ۳۴۳). ظفیر

(۲) ویجوزصرفها الی من لایحل له السوال اذالم یملک نصابا (عالمگیری مصری باب المصارف ج۱ص۱۸۹). ظ

(۳) ولا زکاة في ثیاب البدن الخ ودور السکنی ونحوها) وکذا الکتب وإن لم تکن لاهلها إذا لم تنو للتجارة، غیر أن الاهل له أخذ الزکاة =

دادن زکات به برادران وخواهران جائز است یانه: **سوال:** (۴۱۳) شخصی در زندگی والدین تنگدست کم عاید ودارای خانواده بزرگ صاحب نصاب می باشد آیا می تواند به برادران وخواهران نابالغ خود که در عشرت به سر می برند زکات بدهد یانه واگر والدینش صاحب زکات نباشد در آنصورت می تواند به برادران وخواهران نابالغ خود زکات بدهد یانه؟

جواب به خواهران وبرادران که چیزی کما ندارند اگر چه والدین غنی باشند نیز زکات دادن درست است چنانچه در عالمگیری آمده: (وکذا الی البنت الکبیرة التی اذا کان ابوها غنیاً لان قدر النفقة لایغنیها وبغنی الاب والزوج لاتعد غنیة کذا فی الکافی) [1].

کسیکه ماهوار عاید کافی داشته اما صاحب نصاب نیست آیامی توان زکات بگیرد:

سوال: (۴۱۴) کسیکه ماهوار عاید معقولی داشته اما در تمام سال به قدر نصاب مال نزد او جمع نمی گردد گرفتن زکات یا صدقه نافله برای چنین شخص چطور است؟

جواب: برای او دادن مال زکات وصدقه نافله درست بوده وبرای او گرفتن آن جائز می میباشد ([2]). فقط

صرف رقم زکات برسپاهی مسلمان چطور است: **سوال:** (۴۱۵) ارسال ضروریات سپاهی مسلمان که درجنگ مجروح گردیده از مال زکات ویا ارسال رقم نقد به او از مال زکات که در ضروریات خود صرف کند درست است یانه وزکات اداء میشود یانه؟

جواب: درزکات تملیک فقیر یعنی کسیکه صاحب نصاب نباشد ضروراست پس اگر رقم زکات

= وإن سارت نصبا، إلا أن تكون غير فقه وحديث وتفسير، أو تزيد على نسختين منها هو المختار ﷺ وفي الاشباه لفقيه لا يكون غنيا بكتبه المحتاج إليها إلا في دين العباد فتباع له (درمختار) استدراک على التعميم المأخوذ من قوله: وإن لم تكن لاهلها أي إن الكتب لا زكاة فيها على الاهل وغيرهم من أي علم كانت لكونها غير نامية. وإنما الفرق بين الاهل وغيرهم في جواز أخذ الزكاة والمنع عنه. فمن كان من أهلها إذا كان محتاجا إليها للتدريس والحفظ والتصحيح فإنه لا يخرج بها عن الفقر، فله أخذ الزكاة إن كانت فقها أو حديثا أو تفسيرا ولم يفضل عن حاجته نسخ تساوي نصابا، كأن يكون عنده من كل تصنيف نسختان، وقيل ثلاث لان النسختين يحتاج إليهما لتصحيح كل من الاخرى، والمختار الاول: أي كون الزائد على الواحدة فاضلا عن الحاجة، وأما غير الاهل فإنهم يحرمون بالكتب من أخذ الزكاة ﷺ (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱۰ – ۱۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۴ و۲۶۵). ظفير

(۱) ولا الي من بينهما ولاد (درمختار) قيد بالولاد لجوازه لبقية الاقارب كالاخوة والاعمام والاخوال الفقراء بل هم اولى لانه صلة وصدقة (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۶). ظفير

(۲) ويجوز دفعها الي من يملک اقل من النصاب وان كان صحيحا مكتسبا كذا في الزاهدی (عالمگيری باب المصارف ص ۱۸۹). ظفير

به آن عده از مجروحین مسلمان برسد که مالک نصاب نباشند به یقین که زکات اداء می شود ودر غیر آن نه. ([1])

با خریدن برنج از رقم زکات ودادن آن به گدها زکات اداء می شود یانه: سوال: (۴۱۶) باخریدن برنج از مال زکات ودادن آن درجریان سال به گداها زکات اداء میگردد یانه؟

جواب: اداء می گردد ([2]).

دادن زکات به انجمن یا مدرسه درست است یانه: سوال: (۴۱۷) دادن زکات به انجمن یا مدرسه اسلامی جائز است یانه؟

جواب. در زکات تملیک به فقرا ضرور می باشد وبدون آن زکات اداء نمی شود ([3]) پس اگر در انجمن طلبه محتاج وجود داشته باشد دادن زکات به آنها درست است اما دادن معاش کارکنان وواعظین انجمن از مال زکات درست نمی باشد پس باید درآن بسیار احتیاط نمود مال زکات باید بدون معاوضه ای ملکیت محتاجان گردد لذا با صرف در اخراجات مختلف انجمن زکات اداء نمی گردد.

زکاتی که به مدارس اسلامی می آید نیز درخوراک وپوشاک طلبه مسکین به مصرف می رسد ودادن معاش کار کنان ویا خرج آن در تعمیر وغیره درست نیست.

دادن طعام از مطبخ بدون تملیک چطور است: سوال: (۴۱۸) اگرمهتمم مدرسه از مال زکات مخارج مبطخ را تامین کند وبدون تملیک به طلبه بدهد در اینصورت آیا تملیک می شود در حالیکه طلبه اختیار ندارند که غذای خویش را ببرند و یابه هر کسی که بخواهند بدهند اگر جواب منفی باشد چه صورتی وجود دارد که رقم زکات در مصرف خود به مصرف رسد؟

جواب: در زکات تملیک ضروری می باشد واین شکلی که شما در مورد دادن غذا به طلبه نوشته اید تملیک نیست وبدین ترتیب زکات اداء نمی شود تدبیر اینکار آن است که اول رقم نقد یا اجناس زکات رابه مستحقی تملیک نمائید سپس ازطرف اوبه مدرسه داخل نموده وغذای

---

(۱) ويشترط ان يكون الصرف تمليكا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفير

(۲) وجاز دفع القيمة في زكوة وعشرالخ (ايضا باب الغنم ج۲ ص ۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۵). ظفير

(۳) ويشترط ان يكون الصرف تمليكا (ايضا باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفير

طلبه را از آن تامین کند (۱).

ایا به شخصی که به بنگ وافیون معتاد است می توان زکات داد یانه: سوال: (۴۱۹) شخصی نهایت مفلس وفقیر بوده اما بیحد مرتکب استعمال بنگ وافیون وغیره می گردد دادن زکات به چنین شخصی شرعاً جائز است یانه زیرا در کتاب (تنبیه الغافلین) این حدیث نوشته شده که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: (من اطعم شارب الخمر لقمة سلط الله علیه حیة و عقرباً فی قبره) (۲).

جواب: آشکار است که دادن صدقات وخیرات به اشخاص صالح افضل می باشد وطوریکه آمده: (ولیاکل طعامکم الابرار) یعنی شایسته است که طعام ترا مردمان نیک بخورند اما فاسق فاجر وشرابخوار چون مفلس باشد با دادن زکات به او زکات اداء می گردد اگر چه بهتر است که به اشخاص صالح داده شود وحدیثی که در کتاب مذکور نقل گردیده چگونگی آن برای من معلوم نیست که ثابت می باشد یانه اگر ثابت باشد مطلب آن چینین وعیدی می باشد به هر حال در مورد اداء شدن زکات ترددی وجود ندارد وبهتر بودن وبهتر نبودن مسأله علیحده ای می باشد ودادن به محتاج ومفلس اگر چه فاسق باشد نیز ثواب دارد چنانچه روایت شده که در دادن به هر ذیروحی اجر است (۳) (اما اگر یقین باشد که رقم مذکور را درشراب خوردن خرج می کند دادن آن برایش درست نیست زیرا خداوند متعال فرموده: (ولاتعاونوا علی الاثم والعدوان) ، الآیة. ظفیر الدین .

کسی که درخانه صاحب نصاب می باشد اما در مسافرت وضعش خراب است زکات بگیرد یانه: سوال: (۴۲۰) اگر شخصی درخانه خود صاحب نصاب بوده اما دوصد کوس از وطن دور بوده ودر آنجا تنگدست باشد واقامت کند وغیر از آن هیچ وسیله دیگری برای گذاره نداشته باشد گرفتن زکات صدقه فطر وپوست قربانی برایش جائز است یانه؟

---

(۱) وحیلة التکفین ان یتصدق بها علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۲) تنبیه الغافلین للسمرقندی باب الزجر عن شرب الخمر ص ۷۳. ظفیر

(۳) مصرف الزکوٰة الخ هو فقیر هومن له ادنٰی شیئ ای دون نصاب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

جواب: مسافر اگر تنگدست باشد دادن زکات برایش درست بوده وگرفتن زکات برای او درست می باشد (۱) اما برای امام مسجد به خاطر امامت دادن زکات صدقه فطر وپوست قربانی درست نبوده وبرای اوگرفتن آن در نیست. (۲)

به دختر خود زکات دادن چطور است: سوال: (٤۲۱) زید دختر خود را به نکاح بکر داده است اما بکر قرضدار بوده ونفقه زوجه خود را تأمین کرده نمی تواند اگر زید به دختر خود زکاة بدهد جائز است یانه؟

جواب: به دختر زکات دادن جائز نیست در الدر المختار آمده: (ولا الی ما بینهما ولاد).

خویشاوند مستحق بی نماز است وبیگانه مستحق نماز خوان زکات را به کدام یک باید داد: سوال: (٤۲۲) دادن زکات به دو خویشاوند تند درست مسلمان مسکین اولاد دلر که نماز نمی خوانند جائز است یانه واجنبی نماز خوان برخوان برخویشاوند بی نماز افضل است یانه؟

جواب: دادن زکات به خویشاوندانی که محتاج باشند ثواب بیشتر دارد ودر مورد نماز خواندن به ایشان نصحیت کنید واگر ایشان عمل نکنند آناه آن بر خورد ایشان است. (۳)

دادن زکات به بدعتی درست است یانه: سوال: (٤۲۳) دادن زکات به مسلمانان جاهلی که ازارکان اسلام بی خبر بوده ودربدعت ها وتعزیت داری وغیره به سرمی برند درست است یانه؟

جواب: دادن زکات به محتاجان آن جهلا جائز است. (٤)

آیا در عصر حاضر می توان به سید زکات داد یانه: سوال: (٤۲٤) دراین عصر که حتی مردم نام خمس را فراموش کرده اند دادن زکات به اولاده فقیر پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد امام ابو حنیفه جائز است یانه؟

جواب: مذهب صحیح حنفی آن است که دراین عصرکه حتی خمس الخمس نیزبه بنی هاشم داده

---

(۱) وابن السبيل وهو كل من له مال معه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۳). ظفير

(۲) الاصل فيه قوله تعالى انما الصدقات للفقراء والمساكين الخ (هدايه ج۱ ص ۱۸٦) وعن انس ﷺ قال قال رسول الله ﷺ وافضل الصدقة ان تشبع كبدًا جائعا. قال الطيبي يعم المومن والكافر والمنافق وغيره آهـ (مرقات المفاتيح باب افضل الصدقة ج۲ ص ٤۸۹). ظفير

(۳) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٦. ظفير

(٤) ولاالى من بينهما ولاد (درمحتار) وقيد بالولاد لجوازه لبقية الاقارب كالاخوة والاعمام والاحوال الفقراء بل هم اولى لانه صلة وصدقة وفي الظهيرية ويبدا في الصدقات بالاقارب ثم الموالي ثم الجيران الخ (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٦). ظفير

نمی شود دادن زکات به ایشان درست نیست چنانچه در الدر المختار آمده: (ولا الی بنی هاشم ظاهر المذهب اطلاق المنع (الدرالمختار) سواء فی ذلک کل الازمان وسواء فی ذلک دفع بعضهم لبعض غیرهم) ([1]).

آیا می توان به مسجد مدرسه ویا داماد خود زکات داد: سوال: (۴۲۵) صرف رقم زکات درتعمیر مسجد ومدرسه چطور است اگر داماد شخصی فقیر باشد آیا می تواند به او زکات بدهد هر چند زنش صاحب نصاب باشد یانه ویا آنرا به کدام مستحق دیگری بدهد ویا به فقرا غذا بخوراند.

جواب: صرف رقم زکات درتعمیر مسجد ومدرسه درست نیست ([2]) ودادن آن به اولاد نیز درست نمی باشد ([3]) وداماد اگر صاحب نصاب نباشد دادن زکات به او درست است ([4]) ودادن آن به دیگر مستحقین یعنی فقرا ومساکین ویتیمان نیز درست می باشد وتقسیم نان پخته نیز برایشان صحیح است اما باید برای خوردن نشانده نشوند بلکه به ایشان تقسیم نموده وآنها را مالک آن بسازید وپس از آن چه ایشان همانجا بخورند یا باخود ببرند ([5])

به خواهر زاده میتوان زکات داد یانه: سوال: (۴۲۴) شخصی ۱\۲ ۲ ۲۰۲ روپیه نقد بیشتر از خرج داشته ومقداری زیور نیز دارد که تحت استعمال نمی باشد آیا این شخص می تواند که رقم زکات خود راه ۱\۲ ۲ کشیده وبه خواهر زاده خود بدهد یانه؟

جواب: باید زکات تمام رقم نقد وزیورات را به حساب ۱\۲ ۲ بدهد وماما می تواند زکات مال خود را به خواهد زاده فقیر خود بدهد ([6]).

---

(۱) مصرف الزکوٰة الخ هوفقیر وهومن له ادنی شیئ ای دون النصاب الخ (ایضا ج۲ ص ۷۹ وص۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(۲) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لا اباحة ولا یصرف الی بناء نحو مسجد الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۳) ولا الی من بینهما ولاد (درمختار) ای بینه وبین المدفوع الیه لان منافع الاملاک بینهم متصلة الخ ای اصله وان علا کابویه الخ وفرعه وان سفل الخ کاولاد الاولاد الخ ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۶) . ظفیر

(۴) قید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب الخ (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۶). ظفیر

(۵) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة (ایضا ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۶) ولاالی من بینهما ولاد (درمختار) قید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب کالاخوة والاعمام والاخوال الفقراء بل هم اولی لانه صلة وصدقة (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۶). ظفیر

خرج رقم زکات درچاه مسجد چطور است: **سوال**: (٤٢٧) الف: چاهی در وسط مسجد قرار دارد خرج رقم زکات در آن جائز است یانه؟

نمی توان رقم زکات را درچاه قریه به کا برد: **سوال**: (٤٢٨) ب: به حفر چاهی در قریه ضرورت است آیا می توان رقم زکات را بر آن خرج کرد یانه؟

جواب: (الف ب) در هر دوصورت خرج رقم زکات در حفر چاه درست نیست. (۱)

آیا می توان به زن بیوه ای از مال زکات مستمر تعیین کرد یانه: **سوال**: (٤٢٩) تعیین مستمری ماهوار برای زن بیوه ای به این نیت که در زکاتی که در آینده واجب الاداء می شود محاسبه گردد درست است یانه؟

جواب: برای اداء زکات ضرور است که هر وقتیکه ماهوار به این زن مستمری داده می شود ویا هنگامیکه برای دادن به او برای مدت شش ماه یا یک سال رقم اخراج گردد دروقت اخراج نیت زکات صورت گیرد سپس وقتاً فوقتاً اگر برای او داده شود به نیت ضرورت نبوده وزکات اداء می گردد (۲).

زکات چه وقتی برای سادات درست است: **سوال**: (٤٣٠) بطور عام مشهور است که مال زکات بر آل محمد صلی الله علیه وسلم حرام می باشد اما شخصی می گوید که این مال در بعضی حالات برای آل محمد صلی الله علیه وسلم مباح نیز می باشد وعلماء دراین باب فتوی داده اند لذامی خواهم بدانم که مال صدقه چه وقتی به سادات

بنی فاطمه حرام ودر چه حالاتی برای ایشان مباح می باشد؟

جواب : مذهب مفتی به آن است که دادن صدقات واجبه چون زکات صدقه فطر پوست قربانی وغیره دراین زمانه نیز به سادات حرام است وزکات اداء نمی شود درحدیث شریف امده: (قال

---

(۱) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة ولا یصرف الی بناء نحو مسجد ولا الی کفن میت (ردالمحتار) (نحو مسجد کبناء القناطیر والسقایات واصلاح الطوقات وکری الانهار والحج والجهاد وکل مالا تملیک فیه زیلعی (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ٣٤٤). ظفیر

(۲) وشرط صحة ادائها نیة مقارنة له ای للاداء الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ١٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۸). ظفیر

رسول الله ﷺ ان هذه الصدقات انما هی او ساخ الناس وانها لاتحل لمحمد ولا لآل محمد) ([1]) رواه مسلم.

ودر الدر المختار آمده: (ولا الی بنی هاشم ثم ظاهر المذهب اطلاق المنع) ([2]) وچنین چیزی درشامی نیز آمده پس قول شخص مذکور که گفته که دربعضی از حالات برای ایشان مباح می باشد درست نیست.

جمع آوری رقم زکات وبه کار انداختن آن درتجارت چطور است: سوال: (۴۳۱) آیا جائز است که یک شخص یا چندین شخص ثروتمند چندین هزار روپیه زکات را جمع کرده وبه چند شخص فقیر بدانجهت بسپارند که حسب ضرورت به مستحقین بدهند وبه کسانی که مال زکات سپرده شده غرض افزایش آنرا درتجارت به کار اندا زند؟

جواب: جائز است که یک یا چند شخص رقم زکات را به نیت زکات علیحده کرده وبگذارند ویا به کسی بدهند که حسب ضرورت آنرا بر فقرا ومساکین صدقه نماید ([3]) مگر برای شخص مذکور به کار انداختن آن در تجارت درست نیست.

دادن زکات به کسیکه صد روپیه عاید وسه صد روپیه مخارج دارد وچطور است: سوال: (۴۳۲) شخصی از منزل خود سالانه صد روپیه عاید دارد ومخارج سالانه او سه صد روپیه می باشد دادن زکات به او جائز است یانه؟

جواب: شخص مذکور مصرف زکات بوده ودادن به او جائز است چنانچه درشامی آمده است. ([4]). فقط

رقم زکات را به مستحق ندهد ودر ترمیم خانه اش به کار برد زکات اداء می شود یا نه:

---

(۱) مشکوة باب عمن لا تحل له الصدقة فصل اول ص ۱۶۱. ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۰ – ۹۱ . ط. س. ج۲ ص ۳۵۰ ظفير

(۳) وشرط صحة ادائها بنة مقارنة له ای للاداء الخ اومقارنة بعزل ما وجب كله اوبعضه الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۸). ظفير

(۴) ولا الى غنى يملک قدر نصاب فارغ عن حاجة الاصلية (الدر المختار) قال في البدائع قدر الحاجة هو ما ذكره الكرخي في مختصره فقال: لا بأس أن يعطى من الزكاة من له مسكن. وما يتأثث به في منزله وخادم وفرس وسلاح وثياب البدن وكتب العلم إن كان من اهله وذكر في الفتاوى فيمن له حوانيت ودور للغلة لكن غلتها لا تكفيه وعياله أنه فقير ويحل له أخذ الصدقة عند محمد. وعليه الفتوىٰ (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ . ط. س. ج۲ ص ۳۴۷). ظفير

سوال: (۴۳۳) زید می خواهد رقم زکات خود را به بکر بدهد اما بکر موجود نیست زید رقم زکا را در ترمیم خانه بکر به مصرف رسانید وبه بکر خط نوشت که به این مقدار رقم را درکار تو صرف کردم که آنرا از تو نمی خواهم در اینصورت زکات اداء می شود یانه؟

جواب : در اینصورت زکات اداء نمی شود بلکه ضرور است که اول بکر را بصورت قطعی مالک آن رقم بسازد وسپس از طرف او در ترمیم خانه اش بکار برد ([1]).

اگر اجازه بگیرد آیا می تواند اینکار را انجام دهد یانه: سوال: (۴۳۴) زید به بکر خط نوشت که می خواهم به این مقدار پول را درفلان کار تو خرج کنم وهرگز نمی خواهم آنرا از تو پس بگیرم بکر درجواب نوشت که آنچه می خواهی بکن پس از آن زید رقم مذکور را درترمیم خانه او بکار برد آیا در اینصورت زکات اداء می شود یانه؟

جواب: در اینصورت نیز زکات اداء نمی شود خلاصه انکه به هر کسیکه زکات داده می شود نخست به او تملیک گردد به شرطی که مالک نصاب نباشد. ([2])

جمع کردن رقم صدقه وقیمت پوست قربانی وخرج کردن آن به تدریج درسال جائز است یانه: سوال: (۴۳۵) جمع کردن رقم صدقه وپوست قربانی وخرج کردن آن به تدریج در جریان سال ویا ارسال قیمت صدقه فطر به جای دیگری درست است یانه؟

جواب: درست است. ([3])

آیامی توان قرضه سید را از زکات اداء نمود یانه: سوال: (۴۳۶) الف: سیدی از شخص مسلمانی قرضدار می باشد آیا قرض مذکور از رقم زکات اداء می گردد؟

آیا می توان قرض هندو مفلس را ازمال زکات اداء نمود یانه: سوال: (۴۳۷) ب: یک هندوی مفلس از شخص مسلمان فقیری قرضدار می باشد آیا قرضه مذکور را می توان از زکات اداء نمود یانه؟

---

(۱) ولایخرج عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۰) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة (ایضا باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۲) ولا یخرج عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۰) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة (ایضا باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۳) وافتراضها عمری علی التراخی وصححه الباقانی وغیره. (ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

جواب: (الف ب) در هردو صورتی که پرسیده شده نمی توان قرضه را از رقم زکات اداء نمود ([۱]).

خرج رقم زکات برای تبلیغ در ممالک اروپایی چطور است: سوال: (۴۳۸) آیا می توان غرض تبلیغ واشاعت اسلام در کشورهای اروپایی رقم زکات را خرج کرد؟

جواب: بدین ترتیب زکات اداء نمی شود در مورد زکات باید از احتیاط کامل کار گرفته شود در زکات تملیک به محتاج ضروری می باشد ([۲]).

صرف زکات باحیله براصول وفروع چطور است: سوال: (۴۳۹) آیا زکات دهنده می تواند به حیله تملیک بالغیر زکات خود را به اصول وفروع خود که مستحق زکات نیستند بدهد؟ آیا چنین حیله ای جائز است وزکات اداء می گردد یانه؟

جواب: از کتب فقه معلوم می شود که بدین ترتیب زکات اداء می گردد طوریکه در الدر المختار آمده: (وقدمنا ان الحیلة ان یتصدق علی الفقیر ثم یامره بفعل هذا الاشیاء) ([۳]) اما درشامی آمده که به وسیله این حیله به اصول وفروع خود زکات دادن مکروه تحریمی می باشد (یکره ان یحتال فی صرف الزکوة الی والدیه المعسرین بان تصدق بها علی فقیر ثم صرفها الفقیر الیهما کما فی القینة قال فی شرح الوهبانیة وهی شهیره مذکور فی غالب الکتب) ([۴]).

آیازکات را توان برتعمیرات اسلامی خرج کرد یانه: سوال: (۴۴۰) آیا رقم زکات را می توان بر مدارس اسلامی یا عصری اسلامی یا تعمیرات دیگر غیر از مساجد خرج کرد؟

جواب: مال زکات را نمی توان برتعمیرات مذکور خرج کرد در زکات شرط آن است که به شخص محتاجی تملیک گردد خواه طالب علم باشد یا شخص مسکین دیگری. [۵]

---

(۱) ولا الی بنی هاشم الخ ثم ظاهر المذهب اطلاق المنع (درمختار) سواء فی ذالک کل الازمان وسواء فی ذالک دفع بعضهم لبعض ودفع غیرهم لهم (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۹۰ وص ۹۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۰) ولا تدفع الی ذمی لحدیث معاذ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۱). ظفیر

(۲) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لایصرف الی بناء نحومسجد الخ (ایضا ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظ

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۵. ظفیر

(۴) ردالمحتار باب المصرف تحت قوله ولا الی من بینهما ولاد ج۲ ص ۸۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۶. ظفیر

(۵) ویشترط یکون الصرف تملیکا لااباحة لایصرف الی بناء نحو مسجدالخ (الدر المختار) کبناء القطر والسقایات واصلاح الطرقات =

خرج مال زکات بر مجالس تبلیغی چطور است: سوال: (٤٤١) اگر جلسه یامجالسی غرض تبلیغ اسلام بر پا گردد وهدف از آن صرف دعوت مردم به سوی حق باشد آیا می توان مخارج آنرا از مال زکات داد؟

جواب: در این امور نیز نمی توان مال زکات را به مصرف رساند (١).

تقرر مبلغین از رقم زکات درست است یانه: سوال: (٤٤٢) در روزگار ما که جهالت غلبه نموده آیا تقرر مبلغین از رقم زکات جائز است یانه؟

جواب: جائز نیست. (٢)

گرفتن زکات برای مدرس وطالب علم چطور است: سوال: (٤٤٣) گرفتن زکات برای مدرس وطالب العلمی که غنی باشند جائز است یانه زیرا در الدر المختار آمده: (ان طاب العلم یجوز له اخ الزکوة ولو غنیاً اذا افرغ نفسه لا فادة العلم واستفادته لعجزه عن الکسب والحاجة داعیة الی ما لابد منه)

جواب: در ردالمحتار چنین آمده: (وهذا انوع مخالف لاطلاقهم الحرمة فی الغنی ولم یعتمده احد قلت وهو کذالک والا وجه تقیده بالفقر ویکون طلب العلم مرخصاً لجواز سواله من الزکوة وغیرها وان کان قادراً علی الکسب) (٣) از این عبارت معلوم می گردد که دادن زکات به طالب العلم غنی درست نیست وفقط به دلیل مصروف بود طالب العلم چنین رخصتی ضروری نمی باشد بلی اگر فقیر باشد می تواند به دلیل فقر زکات بگیرد وبرای عدم جواز زکات برای مدرس غنی یک وجه دیگری این نیز است که دادن آن درتنخواه برایش درست نمی باشد پس به وجه غنا نیز درست نیست.

دادن زکات غرض آدای حج برای شخص صاحب نصاب چطور است: سوال: (٤٤٤) شخصی صاحب نصاب است دادن زکات برایش غرض رفتن به حج درست است یانه؟

= وکری الانهار والحج والجهاد وکل ما لاتملیک فیه زیلعی (ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٨٥ ، ط. س. ج٢ ص ٣٤٤). ظفیر

(١) وکل مالاتملیک فیه (ردالمحتار باب المصرف ص ٨٥ ج٢)

(٢) وکل مالاتملیک فیه (ردالمحتار باب المصرف ص ٨٥ ج٢)

(٣) ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٨٨ ، ط. س. ج٢ ص ٣٤٧). ظفیر

جواب: به این شخص چون صاحب نصاب می باشد دادن زکات درست نیست. ([1])

صرف رقم زکات برزن پسر چطور است: **سوال**: (٤٤٥) الف: آیا زید می تواند رقم زکات را به زن پسر خود بدهد ویا از آن رقم برایش لباس بسازد؟

ب: زید لباسی برای زن پسر خویش خریده اما تا اکنون آنرا برایش نداده آیا اکنون می تواند آنرا به نیت زکات برا یش بدهد؟

جواب: الف: اگر زن پسرش مصرف زکات باشد می تواند به او زکات بدهد وهمچنان می تواند برای او از رقم زکات لباس وغیره ساخته وبرایش بدهد.

ب: می تواند لباس را به نیت زکات به زن پسر خود بدهد.

اداء کردن زکات دوسال چه حکم دارد: **سوال**: (٤٤٦) زید باید سال پانزده روپیه زکات بدهد اگر سی روپیه بدهد آیا زکات دوسال اداء می شود یانه؟

جواب: درست بوده وزکات دوسال اداء می گردد ([2]).

دادن زکات وصدقه فطر به خادمه ای که محتاج باشد چطور است: **سوال**: (٤٤٧) آیا شخص می تواند مال زکات یا صدقه فطر را برای خادمه اش که برایش آشپزی می نماید وفقیرمی باشد بدهد یانه؟

جواب: دادن زکات وصدقه فطر برای خادمه ای که درپخت وپز شخص کارمی کند به این وجه که فقیر است درست می باشد ودادن زکات برایش در تنخواه درست نیست ([3]) زیرا در ص۹۰ جلد دوم باب المصارف کتاب عالمگیری چنین آمده: (وکذا مایدفعه الی الخدم من الرجال والنساء فی الاعیاد وغیرها بنیة الزکوة).

---

(۱) ولا الی من بینهما ولاد (درمختار) قید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب الخ (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٦). ظفیر

(۲) ولو عجل ذونصاب زکاته لسنین صح لوجود السبب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الغنم ج۲ ص ۳٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۳). ظفیر

(۳) ولاالی مملوکه ای الغنی (درمختار) احترز به عن مملوک الفقیر فیجوز دفعها الیه (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۸) دله دمملوک شخه غلام مراد دی لیکن حکم عام دی، مصرف الزکوة الخ هو فقیر وهو من له ادنی شیء ای دون نصاب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

آیامی توان به نابالغ زکات داد یانه: سوال: (۴۴۸) آیا می توان به طفل نابالغ زکات داد یانه؟

جواب: با دادن زکات به محتاج نابالغ زکات اداء می گردد (۱) درصورتیکه او قبضه کردن را بداند نه اینکه آنرا به دور اندازد که در آنصورت باید به ولی اش داده شود.

دادن زکات به شخص مستحق غرض عروسی دخترش درست است: سوال: (۴۴۹) الف: برهنده زکات دوساله زیوراتش که قریب چهل روپیه مگردد باقی مانده دختری از چند سال به اینطرف نزد او به سر می برد که هنده برای او درس قرآن شریف داده ومخارج غذا ولباس او را متحمل شده ودختر مذکور کار وخدمت هنده را نیز می کند والدین دختر مذکور که مستحق زکات هستند می خواهند او را عروسی نمایند هنده می خواهد رقم زکات را به این دختر زیور ظروف ویا لباس خریده وبدهد بدین ترتیب آیا زکات او اداء می گردد یانه؟

اگر بگوید که برای این دختر زیور بسازید: سوال: (۴۵۰) ب: یا آینکه مبلغ زکات را به والدین دختر داده وبگوید که در عروسی دختر در زیور وغیره خرج کنید؟

دادن رقم بدون هدایت: سوال: (۴۵۱) ج: اگر هدایتی نداده ورقم زکات را بدهد چه حکم دارد؟

اگر مقداری را بدهد: سوال: (۴۵۲) اگر تمام رقم زکات را ندهد بلکه بخشی از آنرا برایش بدهد چه حکم دارد؟

اگر نقد به دختر بدهدچه حکم دارد: سوال: (۴۵۳) هـ: اگر قبل از عروسی یا بعد از عروسی رقم مذکور را نقد به آن دختر بدهد چه حکم دارد؟

جواب: (الف ب): اگر مبلغ زکات را به والدین آن دختر بدهد که درنکاح او خرج کنند درست است واگر برای خود دختر ظرف وغیره خریده وبدهد نیز درست می باشد.

ج: اگر هدایتی بدهد یانه به هر دوشکل درست است.

---

(۱) دفع الزکوٰة الی صبیان اقاربه برسم عید الخ جاز (درمختار) قوله الی صبیان اقاربه ای العقلاء والا فلا یصح الا بالدفع الی ولی الصغیر (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۵ . ط. س. ج۲ ص ۳۵۶) معلوم شد که نابالغ باید به این عمر رسیده باشد که روپیه را میشناسد وآن را ضائع نمیکند. ظفیر

د: دادن تمام رقم نیز جائز است.

هـ : این هم جائز است. ([1])

فدیه روزه رمضان به یک فقیر داده شود یا به دو: سوال: (٤٥٤) نزد شخصی چهار روپیه نقد قیمت فدیه روزه رمضان شریف وجود دارد آنرا به یک مسکین بدهد یا به دو مسکین نیز داده می تواند واگر به دو مسکین بدهد در ادای صدقه فطر نقصانی واقع نمی شود؟

جواب: دادن به یک شخص ضرور نمی باشد دادن آن به چندین مسکین نیز درست است وبا اینکار هیچ نقصانی در آن روی نمی دهد ([2]).

دادن زکات به مدرسه هندوها یا عیسوی ها درست نیست: سوال: (٤٥٥) آیا با دادن زکات به هندوی محتاج یا مدرسه هندوها زکات اداء می شود یانه وبه همین ترتیب دادن آن به مدرسه عیسوی ها چه حکم دارد؟

جواب: بدین ترتیب زکات نمی گردد دادن زکات به مسلمان محتاج ضروری می باشد ([3]).

دادن رقم فدیه به اصول وفرو مستحق شوهر چطور است: سوال: (٤٥٤) الف: هندو فوت نموده ومثلاً درمورد صد روپیه چنین وصیت نموده که این رقم را درفدیه چهار صد نماز قضائی من بدهید آیا می توان این رقم وصیت کننده را بر اصول وفروع ویا شوهر حاجتمند او داد یانه؟

دادن رقم کامل به یک شخص جائز است یانه؟ سوال: (٤٥٧) ب: دادن تمام رقم به یک مستحق بطور یکباریگی روا است یانه؟

دادن زکات به اصول وفروع وصی اوچطور است: سوال: (٤٥٨) ج: زید وصیت نمود که بر ذمه من زکات باقی می باشد پس از مرگ من از ترکه من آنرا اداء کنید آیا برای وصی دادن

---

(۱) مصرف الزکوٰة الخ هوفقیر وهومن له ادنٰی شیئ ای دون نصاب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(۲) مصرف الزکوٰة (درمختار) وهو مصرف ایضا لصدقة الفطر والکفارة والنذر الخ (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹) یصرف المزکی الی کلهم او الی بعضهم ولو واحد من ای صنف کان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ٨٤ ، ط. س. ج۲ ص ٣٤٤). ظفیر

(۳) ولا تدفع (ای الزکوٰة) الی ذمی لحدیث معاذ رضی الله عنه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۹۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۱). ظفیر الدین غفر له

زکات مذکور به اصول وفروع مستحق زید جائز است یانه؟ همچنان آیا او می تواند زکات را به اصول وفروع حاجتمند خود بدهد.

<u>آیا وکیل می تواند زکات را بر اصول وفروع موکل خود خرج کند یانه</u>: سوال: (٤٥٩) د: زید در زندگی خود کسی را وکیل نمود که این رقم را بر مستحقین زکات تقسیم کن آیا وکیل می تواند آنرا بر اصول وفروع او که محتاج باشند تقسیم کند یانه؟ همچنان آیا می تواند آنرا بر اصول وفروع خود تقسیم کند یانه؟

جواب: الف: مانند زکات دادن آن به اصول وفروع هنده جائز نیست. [۱]

ب: در این مورد تفصیل همان است که در الدر المختار امده: (وکره اعطاء فقیر نصاباً او اکثر الا اذا کان المدفوع الیه مدیوناً اوکان صاحب عیال لوفرقه علیهم یخلص کلاً او لابفضل بعد دینه نصاباً فلا یکره) [۲].

ج: دادن به اصول وفروع زید درست نیست [۳] اما وصی می تواند که آنرا به اصول وفروع فقیر خود بدهد.

د: نمی تواند به اصول وفروع زید بدهد ومی تواند آنرا به اصول وفروع فقیر خود بدهد.

<u>خرج رقم زکات توسط حیله تملیک برکار کنان مدرسه چطور است</u>: سوال: (٤٦٠) اگر به مدرسه ای که درآن طلبه مستطیع وغیر مستطیع تعلیم می کنند رقم زکات برسد پس آن مبلغ به طالب ناداری داده شود سپس آیا او آنرا از طرف خود به مدرسه داده می تواند یانه وآیا می توان پس از اینکار آنرا بر مدرسین وکارکنان خرج کرد یانه؟ غلاوه ازاین کدام شکل دیگر جواز وجود دارد یانه؟

جواب: پس از این حیله تملیک یعنی تملیک آن به یک طالب نادار او می تواند آنرا به مدرسه

---

(۱) ولا یدفع المذکی زکوٰة ماله الی ابیه وجده وان علا ولا الی ولده وان سفل الخ ولاتدفع المراة الی زوجها (هدایه باب من یجوز دفع الصدقات ج۱ ص ۱۸۸). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۳. ظفیر

(۳) ولا الی من بینهما ولاد (الدرالمختار) الی اصله وان علا کابویه واجداده وجداته من قبلها وفرعه وان سفل الخ کاولاد الاولاد الخ (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٦). ظفیر

بدهد وپس از آن صرف مال مذکور درمعاش کارکنان ومدرسین درست است. [1]

آیا شخص می تواند قیمت پوست قربانی را به پسر جوان خود بدهد: سوال: (٤٦١) زید غنی بوده وقربانی می کند ویک پسر بالغ او فقیر است آیا زید می تواند قیمت زر پوست قربانی رابه او بدهد یانه؟

جواب: مانند زکات دادن قیمت پوست قربانی نیز درست نیست. ([2])

ایا می توان رقم زکات را بر طلبه مدرسه ویا عمارت آن خرج کرد یانه: سوال: (٤٦٢) در مدارسی که درپهلوی کتاب دینی وحنفی زبان انگلیسی نیز حسب ضرورت تدریس می شود آیا می توان مال زکات را در خوراک طلبه معاش مدرسین وعمارت آن خرج کرد یانه؟ اگر مال زکات به مهتمم تملیک گردد زکات اداء شود یانه؟

جواب: می توان مال زکات را درخوراک وپوشاک طلبه مسکین خرج کرد هر چند پهلوی علم دین وصنعت وحرفه زبان انگلیسی را نیز بخاطر فهمیدن زبان بخوانند ([3]) وصرف آن در معاش مدرسین تعمیر مدرسه وغیره درست نیست زیرا برای اداء زکات شرط است که رقم زکات به شخص محتاجی بدون معاوضه ای تملیک گردد ([4]).

دادن زکات به بنی هاشم جائز است یانه: سوال: (٤٦٣) در کفایه وغیره دادن زکات را دراین زمان به بنی هاشم جائز نوشته اند این قول نزد شما چطور است؟

جواب: من حقیر بر همان منع فتوی می دهم اکر ضرورت باشد به دیگری تملیک نموده وسپس او از طرف خود آنرا به بنی هاشم بدهد طوریکه در الدر المختار آمده: (ثم ظاهر المذهب اطلاق المنع) ([5]).

---

(١) وحيلة الجواز ان يعطي مديونه الفقير زكاته ثم ياخذها عن دينه وحيلة التكفين بها التصدق على فقير ثم هو يكفن فيكون الثواب لهما وكذا في تعمير المسجد (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوة ج٢ ص ١٦ ، ط. س. ج٢ ص ٢٧١). ظفير

(٢) ولا الى من بينهما ولاد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٨٦ ، ط. س. ج ٢ ص ٢٤٦). ظفير

(٣) مصرف الزكوة الخ هوفقير وهومن له ادنى شيء اى دون نصاب الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٧٩ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩). ظفير

(٤) ويشترط ان يكون الصرف تمليكا ولا يصرف الى تعمير بناء نحو مسجد الخ (ايضا ج٢ ص ٨٥ ، ط. س. ج٢ ص ٣٤٤). ظفير

(٥) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٩٠ ، ط. س. ج٢ ص ٣٥٠. ظفير

دادن زکات به مدرس که غیر از معاش عاید دیگری نداشته باشد جائز است یانه: سوال: (٤٦٤) دادن زکات به آنعده از مدارس اسلامی که مدرسین آن صاحب نصاب بوده اما غیر از معاش مدرک دیگری ندارند جائز است یا نه؟

جواب: جائز نبوده وزکات اداء نمی شود ([1]).

آیا دادن زکات به عالم غنی وطلبه ثروتمند درست است: سوال: (٤٦٥) در الدر المختار آمده: (وبهذه التعليل يقوى مانسب الواقعات من ان طالب العلم يجوز له اخذ الزكوة ولو غنياً اذا فرغ نفسه لا فادة العلم) ونواب حسن خان درکتاب (روضة الندية نوشته است: (ومن جملة سبيل الله الصرف فى العلماء الذين يقومون بمصالح المسلمين الدينية فان لهم فى مال الله نصيباً سواء كانوا غنيا وفقراء) از اينجا معلوم می گردد که دادن زکات به عالم غنی وطلبه غنی جائز می باشد وتائيد اين مسأله دريک حديث نيز است: (عن ابى سعيد ان النبى صلى الله عليه وسلم قال تحل الصدقة للغنى اذا كان فى سبيل الله عز وجل) اخرجه ابو داود الطيالسى ([2]).

جواب: دادن زکات وصدقات واجبه به عالم غنی مالک نصاب مطابق مذهب درست نبوده وبرای او نيز گرفتن آن جائز نمی باشد واگر چه درفی سبيل الله طالب علم داخل است اما محتاج بودنش شرط می باشد چنانچه شامی ازبدائع چنين نقل کرده است (اذا كان محتاجاً ([3]) وفيه ايضاً قوله لا يملك نصاباً قيد به لان الفقر شرط فى الاصناف كلها الا العامل وابن السبيل اذا كان له فى وطنه مال بمنزلة الفقير ([4])) وهمچنان از (نهر) چنين نقل نموده: (ان الاصناف كلهم سوى العامل يعطون بشرط الفقى) پس با درنظر داشت اين تصريحات برای عالم غنی جائز نيست که زکات وصدقات واجبه را بگيرد زيرا در صورت اختلاف نيز نگرفتن ارجح می باشد.

اهالی (سمرنا) و(تريس) مصرف زکات اند يانه: سوال: (٤٦٦) الف: ايا می توان سمرنا

---

(۱) مصرف الزكوٰة الخ هوفقير الخ ومسكين الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹).
ظفير الدين عفر الله له

(۲) وهذا الفرع مخالف لاطلاقهم الحرمة فى الغنى ولم يعتمده احد قلت وهوكذالک ولاوجه تقييده بالفقير ويكون طلب العلم مرخصا لجواز سواله من الزكات وغيرها وان كان قادرا على الكسب الخ (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۰). ظفير

(۳) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۳. ظفير

(٤) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۳. ظفير

وتریس را مصرف زکات قرار دارد یانه؟

معاش کارکنان سمرنا وتریس: **سوال**: (٤٦٧) ب: اعانه ای که برای سمرنا وتریس جمع آوری می شود از آن معاش جمع آوری کنندگان واعظین ومحصول پسته خانه داده می شود پس در اینصورت زکات شرعاً اداء می گردد یانه برعلاوه در اعانه زکات وغیر زکات را مخلوط میکنند؟

جواب: الف: مظلومان بیوگان ویتیمان سمرنا وتریس که مفلس ومحتاج بوده ومالک نصاب نیستند به یقین که مصرف زکات وجمیع صدقات واجبه وبلکه بهترین مصارف می باشند به همین ترتیب تمام مردم محتاج ومفلس مصرف اساسی زکات وصدقات واجبه هستند ودر این مساله جای هیچگونه شک وتردیدی نیست طوریکه خداوند متعال فرموده است: (انما الصدقات للفقراء والمساکین) سوره توبه رکوع ۸.

جواب: ب: زکاتی که در اعانه های مذکور داده می شود وقتی اداء می گردد که به مظلومان مسکین سمرنا وغیره برسد وخلط کردن آن که به اجازه اعانه دهنده می باشد مانع از ادای زکات نیست گویا به وکلا یعنیٰ قابضین اعانه اجازه می باشد که خلط کنند وسپس زکات را علیحده نموده از طرف صاحب نصاب به مساکین برسانند ([1]) به علت شبهات و ترددات بهتر است که در اینجا از حیله تملیک کار گرفته شود تا پس از آن در خرج کردن آن حرجی باقی نماند.

دادن زکات به استاد مستحق چطور است: **سوال**: (٤٦٨) در این روزگار رقم زکات بیشتر به مدارس اسلامی ارسال می گردد اما استاد من معیوب بوده وصاحب عیال ومقروض می باشد آیا برای من بهتر نیست که رقم زکات خود را به او بدهم.

جواب: بدون شک که اینکار بهتر بوده وموجب اجر وثواب می باشد که رقم زکات را به قدر ضرورت به استادصاحب عیال خود بدهید وباقی مانده آنرا به دیگر فقراء ومساکین وطلبه بیچاره

---

(۱) ولو خلط زکاة موکلیه ضمن وکان متبرعا، إلا إذا وکله الفقراء (درمختار) قوله: (ضمن وکان متبرعا) لانه ملکه بالخلط وصار مؤدیا ما ل نفسه. قا ل في التتارخانية: إلا إذا وجد الاذن او اجاز المالکان اهـ اي اجاز قبل الدفع إلى الفقير الخ (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ١٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳٦۹) ظفير

بدهد (۱) مدارس اسلامی در این روزگار بدانجهت بیشتر مستحق اند که طلبه مسکین مهمانان پیامبر ﷺ بوده ودر مورد ایشان در حدیث شریف امده: (فاستوصوا بهم خیراً) (۲) یعنی پیامبر ﷺ به خدمت ومدارا با ایشان وصیت فرموده است وایشان وسیله اشاعه علم دین اند که صدقه جاریه می باشد خلاصه آنکه به هر کسی چیزی به اندازه وسع برسانید.

دادن زکات به غلام وکنیز خود چطور است: **سوال**: (٤٦٩) دادن زکات به غلام وکنیز خود درست است یانه؟

جواب: دادن زکات به غلام وکنیز خود درست نمی باشد وکسانیکه شرعاً کنیز وغلام نیستند طوریکه در هندوستان مردان وزنان خدمتگار درخانه ها زندی میکنند ایشان غلام وکنیز نبوده وچون محتاج باشند دادن زکات به آنها درست است. (۳)

طالب العلم مدرسه: **سوال**: (٤٧٠) الف: طالب علمی شامل مدرسه اسلامی گردیده ومی خواهد نصاب نظامی را تعلیم کند وبه علاقمندی وطن را ترک نموده ومسافر می باشد درمورد لیلیه وتعلیم چنین طالب علمی شرعاً قید وجود دارد یانه واو مستحق جا گیر وتعلیم است یانه؟

ب: طالب علم مذکور شخصاً هیچ چیزی ندارد چنین طالب علمی مستحق لیلیه وتعلیم است یانه؟

ج: طالب علم مذکور فقط می خواهد دروس دینی وعربی را حاصل کند وزکات دهنده صرف در صورت تعلیم انگلیسی حاضر به صرف می باشد چنین طالب علم مجبوری مستحق تعلیم ولیلیه است یا نه؟

د: تحقیق توانایی اقتصاد طالب علم ضروری است ویا اینکه فقط به دلیل طالب علم بودن مستحق تعلیم وجای می باشد؟

هـ: در مدرسه اسلامی جای خالی می باشد اما طالب علم مستحق را محروم نموده وآنرا به غیر

---

(۱) مصرف الزکوٰة الخ هو فقیر الخ ومسکین الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹) لانه لو نقلها الی فقیر فی بلد أخر اورع واصلح کما فعل معاذ ﷺ لا یکره ولهذا قیل التصدق علی العالم الفقیر افضل کما فی المعراج (البحر الرائق باب المصرف ج۲ ص ۲۵۰). ظفیر

(۲) مشکوٰة باب العلم ص ۳٤. ظفیر

(۳) ولا الی ذمی الخ وعبده ومکاتبه ومدبره وام ولده ای لایجوز الدفع الی هولاء لعدم التملیک اصلا فی غیر المکاتب ولعدم التملیک اصلا فی غیر المکاتب ولعدم تمامه فیه (البحرالرائق باب الصرف ج۲ ص ۲٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۵۱)

مستحق دادند اینکار جائز است یانه؟

و: وجوه عایداتی که برای مخارج طلبه است آیا برای معاش مدرسین نیز می باشد وحکم هر دویکی است؟

جواب: الف: چون نزد او چیزی نیست هرچند درخانه خود مال داشته باشد دادن زکات وخیرات برای او درست است.

ب: چنین طالب علمی مصرف زکات وصدقات واجبه می باشد.

ج: مستحق است.

د: محض به دلیل طالب علم بدون تحقیق توانایی اقتصادی اش مستحق مستمری وجای است (۱).

هـ: باوجود مستحق بودن محروم ساختن طالب علم بد می باشد.

و: عاید زکات وخیرات را می توان برطلبه صرف نمود ودادن معاش مدرسین از مال زکات درست نیست (۲) وبدون از مال زکات می توان معاش ایشان را از عاید دز ابدار داد.

کسیکه فقط یک حیوان دارد آیا می تواند زکات بگیرد: سوال: (۴۷۱) شخصی فقط یک حیوان دارد که قیمت آن چهل یا پنجاه روپیه می باشد برای گرفتن زکات صدقه وغیره جائز است یانه؟

جواب: برای او گرفتن زکات وغیره جائز می باشد (۳).

---

(۱) والغنی لا یمنع من تناولها عند الحاجة کابن السبیل بحر عن البدائع بهذا التعلیل یقوی ما نسب للواقعات من ان طالب العلم یجوز له اخذ الزکاة ولو غنیا اذا فرغ نفسه لافادة العلم واستفادته لعجزه عن الکسب والحاجة داعیة الی ما لا بدمنه (درمختار) وفی المبسوط لایجوز دفع الزکوٰة الی من یملک نصابا الا طالب العلم والغازی ومنقطع الحج لقوله ﷺ یجوز دفع الزکوٰة لطالب العلم وان کان له نفقة اربعین وسنة آهـ (رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۰) بلی غیر از عامل ومسافر برای دیگران فقر شرط ضروری قرار داده شده است (الان الفقر شرط فی الاصناف کلها الا العامل وابن السبیل اذا کان له فی وطنه مال بمنزلة الفقیر (البحر الرائق باب المصرف ص ۲۴۲ ج ۲). ظفیر الدین

(۲) مصرف الزکوٰة الخ هو فقیر وهومن له ادنی شیئ ای دون نصاب اوقدر نصاب غیر تام مستغرق فی الحاجة (ایضا ج۲ ص ۷۹ وص ۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(۳) وان کان عند طعام شهر وهو یساوی مائتی درهم یجوز صرف الزکوٰة الیه الخ (الفتاوی الخانیه علی هامش الفتاوی الهندیه باب فیمن توضع فیه الزکوٰة ج۱ ص ۲۶۶). ظفیر

<u>دادن زکات به دار الایتام چطور است</u>: سوال: (۴۷۲) دادن زکات به دار الایتام جائز است یانه؟ زیرا دادن زکات به نابالغ جائز نمی باشد.

جواب: دادن زکات به نابالغان درست می باشد پس دادن زکات به دار الایتام غرض خرج بر یتیمان درست است. (۱)

<u>اگر به مهتممی که مستحق زکات است زکات داده شود واو از آن کتاب بخرد چه حکم دارد</u>: سوال: (۴۷۳) اگر مهتمم ۷۷ مدرسه اسلامی مالک نصاب نباشد ومردم زکات وپوست قربابی را به او بدهند ومهتمم بر آدن قابض گشته وسپس ازآن مال برای طلبه کتاب بخرد ویا آنرا در خوراک وپوشاک ایشان صرف کند ومعاش مدرسین را بدهد جائز است یانه؟

جواب: بدین ترتیب حیله تلیک نموده وصرف رقم زکات وقیمت پوست قربانی وخریدن کتاب برای طلبه وصرف آن در خوراک ولباس ایشان درست است چنانچ در الدر المختار امده: (حیلة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد وتمامه فی حیل الاشباه) (۲).

<u>به پسری جوانی که مستحق باشد می توان زکات داد هر چند پدرش مستحق نباشد</u>:

سوال: (۴۷۴) شخصی مصرف زکات نیست پسرش که یکجا با او غذا می خورد آیا مصرف زکات است یا نه؟

جواب: شخصی که مستحق زکات نیست دادن زکات به پسر بالغش که مستحق زکات باشد درست است. (۳)

<u>تفصیل مصارف فدیه</u>: سوال: (۴۷۵) الف: مصارف فدیه را مفصلاً تحریر فرمالید وآیا رقم فدیه را می توان در موارد ذیل صرف کرد یانه فقرا ومساکین مکه معظمه مظلومان سمرنا کمیته خلافت حفر چاه های مسافر خانه مسجد وغیره خریداری کتب حدیث برای یک مدرسه هزار

---

(۱) مصرف الزکوة هو فقیر ومسکین (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹) قید بلوغ نیست ازین وجه است که برای بالغ وغیر بالغ هر دو را دادنش جائز است. والله اعلم. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱. ظفیر

(۳) ولا یجوز الی صغیر والده غنی فان کان الابن کبیرا جاز (الفتاوٰی الخانیه علی هامش عالمگیری ج۱ ص ۲۶۶ باب فیما توضع فیه الزکوٰة) ظفیر

پنجصد روپیه را کتاب خریده وبه یک عالم دین بدهد ویا اینکه رقم را نقداً در اختیارش قرار دهد که خودش کتاب بخرد.

فدیه در دار الایتام: **سوال**: (۴۷۶) ب: آیا رقم فدیه را می توان در مخارج دار الایتامی داد یانه؟ ودادن به ولی یک یتیم نابالغ غرض خرج بر او جائز است یانه؟

دادن فدیه به مفلس قرضدار: **سوال**: (۴۷۷) ج: آیا با رقم فدیه می توان قرض جائز شخص مفلسی را اداء نمود؟ او خودش اداء کند یا از این رقم داده شود؟

خریداری کتب از رقم فدیه برای مدرسه: **سوال**: (۴۷۸) د: اگر رقم فدیه در خریداری کتب دینی مدرسه صرف گردد: جائز است یانه؟

جواب: الف: مصارف فدیه واجبه همان مصارف زکات می باشد که درآن تملیک به محتاج ومفلس ضرور است چه فقرای مکه معظمه باشد وچه مظلومان سمرنا باید مالک آن مال گردند پس در مصارفی که به کسی تملیک نمی گردد صرف رقم فدیه درست نیست مانند تعمیر مسجد ومدرسه حفر جاه وهمچنان کتب حدیث وفقه اگر به کسی تملیک نگردد: همین حکم در مورد بودیجه کمیته خلافت نیز می باشد که در آن زکات فدیه وصدقات واجبه صرف نمی گردد [1] مگر با این حیله که نخست به مستحقی تملیک گردد سپس او از جانب خود آنرا دراین مصارف بدهد.

ب: جهت صرف کردن بر یتیم دادن آن به ولی او درست است.

ج: نمی توان از این رقم قرض مفلس قرضدار را اداء نمود البته دادن آن به او درست می باشد که خودش قرض خود را اداء کند [2].

د:خریداری کتب وغیره ازاین رقم درست نیست[3] البته صرف برطلبه مسکین مدرسه ای درست

---

(۱) مصرف الزکوٰة الخ وهومصرف ایضا لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذالک من الصدقات الواجبة الخ وهو فقیرالخ ومسکین الخ ویشترط ان یکون التصرف تملیکا لا اباحة لایصرف الی بناء نحومسجد ولا الی کفن میت الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ وج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹، وص ۳۴۴) وحیلة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد الخ (ایضا کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۲) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا (باب المصرف ج۲ ص۸۵ ، ط. س. ج۲ ص۳۴۴). ظفیر

(۳) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا (باب المصرف ج۲ ص۸۵ ، ط. س. ج۲ ص۳۴۴). ظفیر

می باشد.

باصرف رقم زکات توسط حیله تملیک در درسگاه مدرسه زکات ادای می شود یانه:

سوال: (۴۷۹) اگر زکات دهنده ای بخواهد که از رقم زکات با آن امور دینی که مصارف زکات نیستند مساعدت کند مثلاً تعمیر درسی مسکن طلبه وغیره واول آنرا به مستحقی تملیک نماید وسپس در این امور به مصرف رساند آیا زکات بدون شبه اداء می گردد وآیا کسیکه به نیت مساعدت به علوم دینی این روش را اختیار می نماید ثواب مساعدت به علم دین نیز برایش حاصل میگردد یا اینکه فقط ثواب زکات برایش می رسد؟

جواب: در اینصورت بلاشبه زکات اداء می گردد ودر شامی نقل شده که در زکات دادن به طریقه مذکور ثواب مساعدت به علم دین نیز حاصل می شود (یقال ان ثواب التکفین یثبت للمزکی ایضاً لان الدال علی الخیر کفاعله وان اختلف الثواب کماً وکیفاً قلت واخرج السیوطی فی الجامع الصغیر لومرت الصدقة علی یدی مائة لکان لهم الاجر مثل اجر المبتدی من غیر ان ینقص من اجره شي) [۱].

برکسیکه صدقه فطر واجب باشد آیا مصرف زکات است یانه: **سوال:** (۴۸۰) الف: کسیکه صدقه فطر بر او واجب است آیا مصرف زکات می باشد یانه؟

فقیری که با ثروتمند یکجا غذا بپزد مصرف زکات است یانه: **سوال:** (۴۸۱) فقیری که با ثروتمندی که یکجا غذا بپزد مصرف زکات است یانه؟

جواب: الف: نه [۲].

ب: آن فقیر مصرف زکات است. [۳]

به زن بیوه ای که ۳۰ ۴۰ مرله زمین دارد زکات داده شود یانه: **سوال:** (۴۸۲) زن بیوه ای ۳۰ ۴۰ مرله زمین دارد مگر به دلیل قیمتی وخشکسالی با عاید آن گذاره اش نمی شود اگر

---

(۱) ردالمحتار ، کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦ ظفیر

(۲) ولا الی غنی یملک قدر نصاب فارغ عن حاجة الاصلیة من ای مال کان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۷) . ظفیر

(۳) مصرف الزکوٰة الخ هوفقیر الخ ومسکین الخ (ایضا ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

کدام یک از اقاربش به او زکات دهد زکات اداء می شود یانه؟

جواب: در اینصورت زکات اداء می شود ([1]).

آیا می توان به شخصی که عاید کافی دارد اما مقروض می باشد زکات داد: سوال: (۴۸۳) شخصی که عاید کافی دارد اما مقروض بوده وقرض خود را اداء کرده نمی تواند آیا با دادن زکات به چنین شخصی زکات اداء می شود یانه؟

جواب: در اینصورت زکات اداء می گردد ([2]).

خریدن کتاب برای کتابخانه از مال زکات چطور است: سوال: (۴۸۴) اگر شخصی از مال زکات برای کتابخانه مدرسه اسلامی که برای استفاده طلبه محتاج می باشد کتاب بخرد آیا مدرسین ودیگر اغنیا می توانند از آن کتب استفاده کنند یانه؟

جواب: در زکات تملیک شرط می باشد بدون تملیک یعنی مالک ساختن زکات اداء نمی گردد پس اول رقم زکات بر طلبه فقیر تقسیم گردد واگر از آن لباس ویاکتاب هم خریده می شود باید

ملکیت فقرا گردد یعنی به ایشان داده شده وتقسیم گردد اما با گذاشتن کتاب در کتابخانه اسلامی زکات اداء نمی گردد ([3]).

آیا رقم زکات را می توان درموارد ذیل داد: سوال: (۴۸۵) الف: آیا می توان رقم زکات را به اداره معیوبین یا اداره محتاجان غرض امداد به ایشان داد یانه؟

---

(۱) وذکر في الفتاوی فیمن له حوانیت ودور للغلة لکن غلتها لا تکفیه وعیاله انه فقیر ویحل له أخذ الصدقة عند محمد وفیها سئل محمد عمن له أرض یزرعها أو حانوت یستغلها أو دار غلتها ثلاثة آلاف ولا تکفي لنفقته ونفقة عیاله سنة یحل له أخذ الزکاة وإن کانت قیمتها تبلغ ألوفا، وعلیه الفتوی (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۸). ظفیر

(۲) ومنها الغارم وهو من لزمه دین ولا یملک نصابا فاضلا عن دینه اوکان له مال علی الناس لایمکنه أخذه والدفع الی من علیه الدین والی من الدفع الی الفقیر (عالمگیری باب المصارف ج۱ ص ۱۸۸) ظفیر

(۳) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة فلایصرف الی بناء نحومسجد(درمختار) کبناء القناطر والسقایات واصلاح الطرقات وکری الانهار والحج والجهاد وکل ما لا تملیک فیه، زیلعي (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ . ط. س. ج۲ ص ۳۴۴) در روز گار ما بعضی از تاجران کتاب کتب را توسط مدرسه طوری به فروش می رسانند که من فی کتاب اینقدر قیمت خواهم گرفت وهمراه آن به فلان تعداد کتب خریده شده از مال زکات را به کتابخانه مفت می دهم باید ایشان بدانند که به این ترتیب زکات اداء نمی گردد وبه علت این شرط آن بیع نیز فاسد می شود. ظفیر

ب: آیا با ارسال رقم زکات به چنین اداره ای گذاشتن این شرط ضرور است که این مال صرف بر مسلمانان صرف گردد زیرا اگر یقین نباشد لا اقل گمان غالب آن است که ازبودیجه چنین اداره ای بدون امتیاز دین بر همگان یکسان خرج می گردد.

جواب: (الف ب): در زکات مالک ساختن مسلمان محتاج ضروی می باشد پس جاییکه این شبه باشد که تنها به مسلمانان خواهد رسید یا غیر مسلمان نیز درآن شریک می شوند درچنین موقع از حیله تملیک کار گرفته شود وپس از آن رقم زکات به آنجا ارسال گردد ([1]).

طالب العلم غنی مستحق زکات نیست: سوال: (٤٨٦) آیا طالب العلم غنی غیر مسافر مستحق زکات وفطره می باشد یانه؟

جواب: دادن زکات به طالب العلم غنی حرام بوده وهمچنان گرفتن آن برایش حرام است وزکات اداء نمی گردد چنانچه علامه شامی در فرع جواز اخذ نقل نموده ومی نویسد: (و هذا الفرع مخالف لاطلاقهم الحرمة فی الغنی ولم یعتمده احد قلت وهو کذلک والاوجه تقییده بالفقیر) ([2]) وقال بعد قوله لایملک نصاباً قیدبه لانه الفقر شرط فی الاصناف کلها الا العامل وابن السبیل اذا کان له مال فی وطنه بمنزلة الفقیر) ([3]) ثم قال للانفاق علی ان الاصناف کلهم سوی العامل یعطون بشرط الفقر) ([4]) پس معلوم گردید که دادن زکات وصدقه فطر به طالب غنی غیر مسافر جائز نبوده واداء نمی شود.

آیا دادن پوست قربانی فوراً به فقیر ضروری می باشد: سوال: (٤٨٧) باید قیمت پوست قربانی را به مجرد حصول فوراً به مستحقین داد یا اینکه آنرا نگهداشت وبطور تدریجی به ایشان تقسیم نمود اگر کسی با پولی که از پوست قربانی اندوخته تجارت نماید واز مفاد آن به مستحقین کمک کند شرعاً جائز است یانه؟ اگر پوست قربانی را جمع نموده به مهتمم مدرسه

---

(۱) ولا تدفع الی ذمی لحدیث معاذ. (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۲، ط. س. ج۲ ص ۳٥۱) وحیلة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد الخ (ایضا کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۰. ظفیر

(۳) رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۳. ظفیر

(٤) رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۳. ظفیر

تملیک کند یا در اختیار کسی قرار دهد آیا آن مالک یامختار می تواند از آن به مدرسین علوم دینی معاش دهد یانه؟

جواب: بهتر است که به مجرد حصول به مستحقین داده شود واگر آنرا اندوخته وبه تدریج مستحقین را تکفل نماید قباحتی ندارد اما با آن اندوخته تجارت کردن ورساندن منافع آن به مستحقین درست نیست بلکه صدقه کردن قیمت پوست قربانی بر فقراء واجب بوده ومالک ساختن ایشان شرط می باشد (١) ودادن آن به مهتمم مدرسه اگر مالک نصاب باشد جائز نیست البته اگر مهتمم مدرسه وکیل آن ساخته شود که آن قیمت را نزد خود نگهداشته و در تحویل خود گرفته وقتاً فوقتاً در ضروریات طلبه صرف کند جائز است ودادن معاش کارکنان ومدرسین از آن درست نمی باشد البته بعد حیله تملیک طوریکه حکم زکات است اینکار را می توان کرد.

<u>آیا می توان به دوست مستحق زکات داد</u>: سوال: (٤٨٨) شخص صاحب نصابی زکات مال خود را علیحده نموده وبه یک رفیق خود میدهد بلکه از رقم زکات برای منفعت او تجارت می نماید آیا دادن آن زکات تنها به یک رفیق که از قبیله او می باشد درست است یانه؟

جواب: شرعاً جائز است که به شخصی که مالک نصاب نبوده وعیالدار می باشد رقم زکات داده شود اما ضرور آن است که رقم مذکور واقعاً به او داده شود ومالک آن گردد پس اگر خواست در تجارت به کار اندازد ویا خرج کند لذا به شکلی که درسوال درج است که صاحب نصاب خود از رقم زکات خود برای رفیقش تجارت کند درست نیست وبدین ترتیب زکات اداء نمی شود وصورت جواز آن است که رقم مذکور را به رفیق خود بدهد پس اگر او خواسته باشد آنرا غرض تجارت دوباره در اختیا ر او بگذارد (٢).

<u>اگرمخارج ازجایداد پوره نگردد مانع اخذزکات نیست</u>: سوال: (٤٨٩) جایداد یک شخص

---

(١) مصرف الزکوٰة الخ وهومصرف ایضا لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذالک من الصدقات الواجبة الخ هو فقیر وهو من له ادنی شیئ ای دون نصاب الخ ویشترط ان یکون الصرف تملیکا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٧٩ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩و ٣٤٤). ظفیر

(٢) مصرف الزکوٰة الخ هو فقیر هومن له ادنی شیئ ای دون نصاب الخ ویشترط ان یکون التصرف تملیکا الخ اعطاء فقیر نصاب او اکثر الا اذا کان المدفوع الیه مدیونا اوکان صاحب عیال بحیث لو فرقه علیهم لا یخص کلا او لا یفضل بعد دینه نصاب فلا یکره فتح (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج٢ ص ٧٩ ، ط. س. ج٢ ص ٣٣٩، وص ٣٤٤ وص ٣٥٣). ظفیر

به اعتبار قیمت از قیمت نصاب بسیار زیاد است ومثلاً سالانه صد دوصد روپیه منافع دارد بلکه چون درتمام سال آنرا خرج میکند هیچ چیزی باقی نمانده بلکه حوائج ضروری او به شکل پوره میگردد بس برای چنین شخصی گرفتن زکات جائز است یا نه؟

جواب: درشامی آمده: (سئل محمد رحمه الله عمن له ارض یزرعها او حانوت یستغلها او دار غلتها ثلاثة آلاف ولاتکفی لنفقته ونفقة عیاله سنة یحل له اخذ الزکوة) [1] از این عبارت معلوم می گردد که برای شخص مذکور گرفتن زکات درست می باشد.

طالب العلمی که دوصد روپیه داشته باشد بر آن زکات است یانه وآیا تواند زکات بگیرد یانه: **سوال**: (۴۹۰) یک طالب العلم مسافر بوده ومبلغ دوصد روپیه نقد در ملکیت خود دارد که درخانه اش می باشد منزل مسکونی شخصی ندارد یعنی ملکیت خودش نیست وهر وقتی که بخواهد مبلغ خود را خواسته می تواند در چنین حالتی بر مبلغ او زکات است یانه وبرای چنین طالب العلمی گرفتن زکات وصرف آن درمخارج خود جائز می باشد یانه؟ همچنان خوردن برایش از غذایی که به مسجد می آید ومطالعه باتیل آن جائز است یانه؟

جواب: درباب المصرف کتاب الدر المختار آمده: (وابن السبیل وهو کل من له مال لامعه) [2] پس برای طالب العلم مسافر مذکور مطابق این روایت گرفتن زکات جائز می باشد اما برای چنین شخصی زکات گرفتن وغذای صدقه را خوردن واستفاده از تیل صدقه وغیره خوب نیست بعضی از فقهاء نوشته اند که چنین شخصی قرض بگیرد ومخارج خود را تامین کند وسپس از رقم نقدی که دارد آنرا اداء کند طور یکه درشامی آمده: (و الاله ان یستعرض ان قدر ولایلزمه ذلک) [3] ووقتی که مبلغی که دارد برایش برسد زکات سال های گذشته آن نیز براو لازم می باشد [4].

برای باز گرفتن مساجد ازقبضه غیر مسلمان نمی توان رقم زکات را خراج کرد: **سوال**: (۴۹۱) در شهر ماچند مسجد ومقبره در قبضه شخص غیر مسلمانی درآمده که با آنها نهایت بی

---

(۱) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۸. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۴ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۳. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۴ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۳. ظفیر

(۴) ولوکان الدین علی مقر الخ فوصل الی ملکه لزم زکوة مامضی (ایضا کتاب الزکوة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۶). ظفیر

ادبی صورت می گیرد آیا می توان برای رهانیدن آنها از مال زکات کار گرفت؟

جواب: نمی توان از مال زکات م اینکار را انجام داد زیرا برای اداء شدن زکات ضروری می باشد که یک یا چند مسکین بدون معاوضه مالک آن ساخته شوند [۱].

اگر اقارب محتاج در قریه دیگری باشند چه باید کرد: سوال: (۴۹۲) اقارب وخویشاوندان زید محتاج می باشند اما در قریه دیگری به سرمی برند آیا زید می تواند به ایشان زکات بدهد یا اینکه زکات را باید درقریه خود ویا به طلبه مدارس دهد مقصود آنکه کدام یک بهتر است؟

جواب: در الدر المختار آمده که انتقال زکات به قریه دیگری مکروه می باشد مگر آنکه از اقارب او بوده ویا بیشتر محتاج باشند پس اقارب مقدم اند اگر چه در قریه دیگری باشند طوریکه در حدیث شریف آمده: (لایقبل الله صدقة من رجل له قرابة محتاجون الی صلته) [۲] خلاصه آنکه به محتاجان شهر خود نیز بدهید وبه اقارب نیز اگر چه در قریه دیگری باشند وهمچنان به طلبه مدارس دینی هم خلاصه آنکه همه را مد نظر داشته باشد اگر رقم زکات گنجایش داشته باشد به هر اهل قرابت وهرمحتاجی چیزی بدهید واگر گنجایش نباشد اقارب را بر دیگران مقدم کنید وطلبه را نیز در نظر بگیرید [۳].

اگر عالم صاحب نصاب مال خود را به نام زن خود کند گرفتن زکات برایش جائز است یانه: سوال: (۴۹۳) عالمی که در تعلیم طلبه مشغول بوده وصاحب نصاب باشد آیا گرفتن زکات برایش جائز است یانه واگر مال خود را به نام زن خود کند آیا می تواند با این حیله زکات بگیرد یانه؟

جواب: عالمی که صاحب نصاب باشد گرفتن زکات برایش ممنوع است وپس از حیله مذکور گرفتن زکات برایش جائز خواهد بود [۴] (اما اینکار او نهایت بد بوده وقابل مؤاخذه است).

---

(۱) وبشترط ان یکون الصرف تملیکا (ایضا باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۳. ظفیر

(۳) وکره نقلها الا الی قرابة بل فی الظهیرة لاتقبل صدقة الرجل وقرابته محاویج حتی یبدأ بهم فیسد حاجتهم او إحوج اواصلح اواورع اوانفع للمسلمین (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۳ . ط. س. ج۲ ص ۳۵۳). ظفیر

(۴) ولا الی غنی یملک قدر نصاب فارغ من حاجة الاصلیة من ای مال کان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۷). ظفیر

صرف رقم فدیه درکار نیک چطور است: **سوال**: (۴۹۴) شش قضای روزه بر ذمه متوفی باقی بوده ورثه او می خواهند فدیه آنرا اداء کنند در مقابل هر روزه غله ای که داده شود چقدر است آیا تمام غله یاقیمت آنرا دریک وقت به یک نفر بدهد یا اینکه آنرا در کار نیکی چون تعمیر مسجد یا درموسم سرما برای فقرا لباس گرم بخرند جائز است یانه؟

جواب: قیمت فدیه یک روز روزه مطابق وزن انگلیسی یک کیلوو هفتصد وپنجاه گرام است (۱) که باید خود جنس یا قیمت آن به فقرا ومساکین تقسیم گردد ودادن آن به یک شخص یا دریک وقت ضروری نمی باشد وصرف آن در تعمیر مسجد وغیره جائز نبوده وهمچنان جائز نیست که در موسم سرما از آن لحاف یا کمپل خریده شده وبه فقراء تقسیم گردد.

خرج رقم زکات برجلسه تبلیغ چطور است: **سوال**: (۴۹۵) در ضلع بجنوز اکبر آباد حدود پنجاه تن جاروکش زندگی میکنند ودر اطراف آن هندوها زندگی میکنند هندوها چندی قبل چهار پنج هزار نفر را جمع کرده و جماعی تشکیل دادند وبرایشان تبلیغ جدایی از مسلمانان را نمودند وگفتند که با ایشان هیچ نوع ارتباطی نداشته باشد من می خواهم که بر خلاف ایشان در اکبر آباد جلسه ای تشکیل دهم واز اگره وغیره جاها مقررین را بخواهم وبه ایشان دعوت جدایی از اهل هنود را بدهم وجاروکش های اکبر آباد را به مسلمان بودن دعوت کنم اما در اکبر آباد رقمی برای انجام اینکار وجود ندارد اگر شرعاً اجازه باشد از زکات پیشکی رقم فراهم نموده وبر جسله مذکور خرج کنم؟

جواب: در زکات شرط است که باید به فقراء تملیک گردد واگر به فقرا تملیک نشود زکات اداء نمی گردد (۲) پس اگر غیر از زکات راه دیگری برای جمع آوری اعانه وجود نداشته باشد راه جواز خرج رقم زکات در این مورد چنان است که رقم زکات را رول به شخصی که مالک

---

(۱) ولو ماتوا بعدزوال العذر وجبت الوصية الخ وفدى لزوما عنه عن الميت وليه الذى يتصرف فى ماله كالفطرة قدر الخ بوصية من الثلث (درمختار) هى مثل الفطرة من حيث الجنس وجواز اداء القيمة (ردالمحتار) فصل فى العوارض لعدم الصوم ج۲ ص ۱۶۰ وص ۱۶۱، ط. س. ج۲ ص ۴۲۴) نصف صاع الخ من بر او دقيقه او سويقه اوزبيب الخ اوصاع تمر اوشعير الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الفطرة ج۲ ص ۱۰۳ ، ط. پ. ج۲ ص ۳۶۴). ظفير

(۲) ويشترط ان يكون الصرف تمليكا الخ ولايصرف فى بناء نحو مسجد الخ (الدر المختار على هامش رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفير

نصاب نباشد تملیک کنید سپس او از طرف خود آنرا در مخارج جلسه مذکور صرف کند بدین ترتیب زکات زکات دهندگان نیز اداء خواهد شد ومصارف جلسه نیز بدست خواهد آمد.
تشریح شفاهی این مسأله را از شخصی که بآن اگاه باشد بپرسید که چگونگی تملیک را بصورت دقیق به شما بفهماند ([1]).

خرج فدیه درتعمیر مسجد جائز است یانه: سوال: (۴۹۶) شخص نهایت ثروتمندی وفات نموده ونمازها وروزه های زیادی بر ذمه او باقی مانده وهنگام مردن نیز وصیتی نکرده است اکنون وارثان بالغ اومی خواهند قیمت فدیه نماز ها وروزها او را از مال شخصی خود اداء کنند آیا رقم‌مذکور را می توان درتعمیر مسجد به کار برد یانه؟

جواب: ظاهر ومسلم آن است که دادن فدیه نماز وروزه در حالیکه از متوفی مالي باقی مانده وبه دادن فدیه وصیت کرده باشد بر ورثه لازم وواجب است که مصرف آن مصرف زکات بوده وتملیک فقرا درآن شرط است طوریکه در شامی آمده: (وهو مصرف ایضاً لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذلک من الصدقات الواجبة کما فی القهستانی) ([2]) اما در صورتیکه از میت مال مانده ووصیت نکرده باشد فقها در مورد آن نوشته اند که اگر ورثه فدیه روزه ونماز او را تبرعاً ادا کنند اگر خداوند تعالی بخواهد فدیه روزه ونماز متوفی حساب خواهد شد وان شاء الله تعالی کافی خواهد بود یعنی فقها (رح) در مورد اداء کردن به شکل تبرع ان شاء الله تعالی ([3]) نوشته اند که به ظاهر چنان معلوم می گردد که شروطی که در مورد فدیه واجب می باشد دراین باره نیز باید ملحوظ نظر باشد به همین جهت مصرف آن باید درهمان مواردی باشد که فدیه واجب است طوریکه درشامی آمده: (ثم اعلم انه اذا وصی لفدیة الصوم یحکم بالجواز قطعاً لانه منصوص علیه واما اذا لم یتطوع بها الوارث ([4]) فقد قال محمد فی الزیادات انه یجزیه ان شاء

---

(۱) وحیلة التکفین ان یتصدق بها علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر
(۲) دالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹. ظفیر
(۳) ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص ٦۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۷۲. ظفیر
(٤) ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص ٦۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۷۲. ظفیر

الله تعالی فعلق الاجزاء بالمشیة لعدم النص) از اینجا معلوم میگردد که در فدیه تبرع باید مورد مذکور مدنظر باشد اما اگر هدف ورثه ادای فدیه نماز وروزه نبوده و صرف ایصال ثواب باشد در آنصورت هر چه در تعمیر مسجد وغیره امور خیر به مصرف رساند وثواب آنرا به میت ایصال کند ثواب آن برای میت می رسد اما نباید امیدواری شدن فدیه نماز وروزه را از چنین صدقاتی داشته باشد.

خیرات درفدیه حساب خواهد شد یانه: سوال: (۴۹۷) زنی در حالت مریضی به شوهر خود وصیت نمود که پس از مرگ من فدیه نماز ها وروزه ها قضا شده مرا اداء کن وپس از این وصیت فوت نمود شوهرش قبل از دفن او مقداری غذا ولباس خیرات نمود مگر به علت بی علمی نیت فدیه را ننمود بر علاوه تا هفت هشت روز مطابق استطاعت خود خیرات مینمود آیاصدقه ها وخیرات های مذکور فدیه محسوب خواهد شد یانه؟

جواب: در صورت وصیت وموجودیت مال متروکه ادای فدیه نماز وروزه بر ذمه ورثه واجب میگردد وحکم فدیه واجبه مانند زکات می باشد ودر مورد نیت وتملیک فقرا وغیره حکم آن زکات است پس چون شوهر زن مذکور هنگام خیرات وصدقاتی که در روز وفات او یا پس از آن نموده نیت فدیه را ننموده لذا ادای فدیه بر ذمه او واجب می باشد و به هر اندازه ای که مقدار فدیه معلوم گردد آنرا به نیت فدیه به فقرا تقسیم کند وآنچه را که بدون نیت فدیه به فقرا خیرات نموده فدیه محسوب نمی گردد (۱).

توسط حیله دادن زکات به شفا خانه دولتی درست است یانه: سوال: (۴۹۸) الف: اگر با مساعدت دولت شفاخانه ای به کار آغاز کند یا دادن مال زکات به آن پس حیله تملیک جائز است یانه؟

صرف رقم زکات درشفاخانه مسلمان: سوال: (۴۹۹) اگر شفاخانه ای خاص برای مسلمانان ساخته شود دادن مال زکات به آن توسط حیله تملیک جائز است یانه؟

---

(۱) مصرف الزکوٰة الخ هومصرف ایضا لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذالک من الصدقات الواجبات الخ ویشترط ان یکون الصرف تملیکا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط۔ س۔ ج ۳۳۹ و۲۴۴). ظفیر

جواب: (الف ب) اصل مسأله آن است که برای اداء شدن زکات تملیک به شخص مسلمان غیر سید شرط می باشد در الدر المختار آمده: (تملیک جزء مال عینه الشارع من مسلم فقیر غیر هاشمی ولامولاه) ([1]) چون در زکات تملیک به مسلمان فقیر شرط است به همین در تجهیز وتکفین میت یا تعمیر مسجد مدرسه وغیره صرف کردن آن درست نمی باشد وحیله جواز آنرا فقها چنین نوشته اند که مال زکات اول به فقیری تملیک گردد پس به او گفته شود که آنرا از طرف خود در امور مذکور صرف نماید در الدر المختار آمده: (وحیلة التکفین ان یتصدق بها علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد وتمامه في حیل الاشباه) ([2]) پس با حیله مذکور در هر دوشکلی که سوال شده می توان ورقم زکات را خرج کرد وزکات بدین ترتیب اداء می گردد ترتیب آن این است که اول رقم مذکور به یک مسلمان مسکین که مصرف زکات باشد تملیک گردد سپس به او گفته شود که آنرا از طرف خود به شفاخانه مذکور بدهد زیرا هنگامی که شخص محتاج مالک آن شده زکات اداء گردیده ودیگر آن رقم رقم زکات گفته نمی شود ومالک اختیار دارد که در هر جایی که بخواهد آنرا صرف کند.

اعزام شخصی بارقم زکات به حج چطور است: سوال: (۵۰۰) الف: اعزام مردم به حج با مال زکات چطور است؟

خریدن قرآن شریف از مال زکات وتقسیم آن به فقیر وثروتمند: سوال: (۵۰۱) ب. خریدن قرآن شریف از مال زکات وتقسیم آن به ثروتمندان فقرا واطفال چطوراست؟

ساختن چاه از مال زکات درست است یانه: سوال: (۵۰۲) ج: ساختن چاه از مال زکات درست است یانه؟

به یک نفر چقدر زکات داده شود: سوال: (۵۰۳) د: به یک شخص چقدر زکات باید داده شود؟

جواب: الف: رقم زکات به حج کننده تملیک گرددکه اگربخواهد حج کند ویادرچیزی دیگری

---

(۱) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۲) الدر المحتار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱. ظفیر

آنرا خرج نماید درست بوده وزکات اداء می گردد. (۱)

ب: اگر بارقم زکات قرآن شریف خریده شود وبه فقرا واطفال تقسیم گردد جائز بوده وزکات اداء می گردد وقرآن شریف هایی که به ثروتمندان داده شده مطابق قیمت آن زکات اداء نشده ودوباره دادن آن لازم می باشد (۲).

ج: انجام چنین کاری بارقم زکات درست نیست زیرا زکات اداء نمی گردد شرط ادا شدن زکات آن است که به فقرا تملیک گردد وساختن مسجد مدرسه ویا چاه با آن درست نبوده وبدین ترتیب زکات اداء نشده وباید دوباره اداء گردد (۳).

د: به یک شخص محتاج باید کمتر از حد نصاب زکات داده شود ودادن آن به اندازه نصاب مکروه است اما اگر مقروض باشد دادن بیشتر از نصاب نیز برایش درست است (۴).

دادن مستمری به مدرس وموذن وغیره از مال زکات درست نیست: سوال: (۵۰۳) دادن مستمری به مدرسین مدرسه ومؤذن یا امام درست است یانه زیرا ایشان مصروف خدمت دین می باشند آیا می توان با ایشیان از مال زکات مساعدت نمود یانه وچرا امام صاحب شرط تملیک را گذاشته است (انما الصدقات للفقراء) لام برای منفعت نیز می تواند باشد دلیل حمل آن بر تملیک چیست در این مورد کدام حدیث صریح وجود دارد یانه؟

جواب: در زکات تملیک فقراء شرط می باشد طوریکه از آیت (انما الصدقات للفقراء) مستفاد می گردد زیرا نخست صدقه به معنی تملیک فقیر می باشد وسپس (لام) تملیک دلیل صریح

---

(۱) وکره اعطاء فقیر نصابا اواکثر الا اذا کان المدفوع الیه مدیونا اوکان صاحب عیال بحیث لوفرقه علیهم لا یخص کلا اولا یفضل بعد دینه نصاب فلا یکره فتح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۳) از اینجا معلوم گردید که دادن زکات به یک شخص به آن مقدار که بتواند توسط آن حج کند مکروه می باشد هر چند اگر فقیر پس از مالک شدن توسط آن حج کند جائز است مگر با مال زکات حج کردن سراسر با هدف زکات مغایرت دارد لذا باید از آن اجتناب شود ظفیر

(۲) مصرف الزکوٰة الخ هوفقیر الخ ومسکینٌ الخ ویشترط ان یکون الصرف تملیکا (ایضا ج۲ ص ۷۹). ظفیر

(۳) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لا اباحة کمامر لایصرف الی بناء نحو مسجد ولا الی کفن میت وقضاء دینه (درمختار) نحومسجد کبناء القناطر والسقایات واصلاح الطرقات وکری الانهار والحج والجهاد وکل ما لا تملیک فیه. زیلعی (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٤) . ظفیر

(٤) وکره اعطاء فقیر نصابا الا اذا کان المدفوع الیه مدیونا اوکان صاحب عیال الخ لایکره (ایضا ج۲ ص ۹۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۳). ظفیر الدین غفر الله له

آن می باشد وگفتن نفع نیز منافی آن نیست زیرا نفع کامل بعد از تملیک ممکن می باشد وحدیث (تؤخذ من اغنیائهم وترد الی فقرائهم) ([۱]) نیز دلیل آن است زیرا در تؤخذ خروج از ملکیت اغنیا ثابت است و(ترد الی فقرائهم) مقتضای ملکیت فقیر می باشد بهر حال چون در زکات تملیک فقرا ضروری می باشد ولفظ صدقه ایجا بگر آن است که بدون معاوضه ای باشد وگر نه صدقه نخواهد بودم پس دادن آن در معاش کارکنان ومدرسین جائز نبوده وبرای خرج آن در چنین مصارفی حیله تملیک ضروری می باشد وگر نه زکات اداء نخواهد شد چنانچه مصنف هدایه نوشته است: (ولایبنی بها مسجد ولایکفن بها المیت لانعدام التملیک وهو الرکن) ([۲]) ودر فتح القدیر آمده: (قوله لا نعدام التملیک وهوالرکن فان الله تعالی سماها صدقة وحقیقة الصدقة تملیک المال من الفقیر ولایدفع الی مدبره ومکاتبه لفقدان التملیک) ([۳]) ببینید که مصنف هدایه در جاهای مختلف عدم تملیک را عدم جواز قرار می دهد.

<u>دادن مستمری به مبلغین از زکات چطور است</u>: سوال: (۵۰۵) دادن مستمری به مبلغین انجمن تبلیغ وطلبه از مال زکات جائز است یانه؟

جواب: دادن مستمری به طلبه فقیر جائز بوده ([۴]) وبرای دادن معاش مبلغین حیله تملیک ضروری می باشد (بدون حیله دادن آن درست نیست زیرا تملیک شرط می باشد)

<u>دادن عشر در اجوره اما درست نیست</u>: سوال: (۵۰۶) دادن عشر در اجوره امام جائز است یانه وکسیکه ناجائز گوینده را معتزله بگوید در مورد او حکم آن چیست؟

جواب: مصرف عشر همان است که مصرف زکات می باشد طوریکه درشامی در باب مصرف زکات چنین آمده: (وهو مصرف ایضاً لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذلک من الصدقات الواجبة) ([۵]) پس طوریکه دادن زکات در اجوره امامت درست نیست به همین ترتیب دادن عشر

---

(۱) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۲. ظفیر

(۲) هدایه باب من یجوز دفع الصدقات الیه ج ۱ ص ۱۸۸. ظفیر

(۳) فتح القدیر باب من یجوز دفع الصدقات الیه ج۲ ص ۲۰ – ۲۳ . ظفیر

(٤) مصرف الزکوٰة الخ هوفقیر الخ ومسکین الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر الدین غفر الله له

(۵) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ . ط. س. ج۲ ص ۳۳۹. ظفیر

وصدقه فطر نیز در اجوره امامت جائز نیست ودر اینصورت عشر صدقه فطر وغیره صدقات واجبه اداء نخواهد شده وتمام فقها عظام به عدم جواز قائل اند پس کسیکه گویندگان عدم جواز را کافر ومعتزله می خواند به شدت خاطی فاسق وظالم است وقولش غلط وباطل می باشد.

به کسیکه با وجود جایداد گذاره اش نمی شود آیامی توان زکات داد یانه:

سوال: (۵۰۷) چند نابالغ جایداد کافی دارند اما به علت نابالغ بودن گذاره ایشان نمی شود در اینصورت دادن زکات به ایشان ویا اداء قرض آنها از مال زکات جائز است یانه؟

جواب: چون گذاره آن نابالغان از عاید جایداد ایشان نمی شود دادن رقم زکات به ایشان درست است طوریکه شامی از امام محمد چنین نقل کرده است (۱) ورقم زکات را به آن یتیمان تملیک نموده و بدهید سپس ایشان قرض خود را بدهند وبه ایشان مسأله را گفته ورقم را دوباره از ایشان گرفته وقرض را اداء نمائید.

دادن زکات به کفار درست نیست: سوال: (۵۰۸) دادن زکات به کفار درست است یانه ومقصد از آیة کریمه (انما الصدقات للفقراء) چیست؟

جواب: تعریف زکات در الدر المختار می باشد که چنین است: (تملیک جز مال عینه الشارع من مسلم فقیر) (۲) مقصد آن است که زکات در شریعت آنرا می گوید که حصه معینه مال خود را که شارع (علیه السلام) تعیین فرموده است مثلاً ۱\٤۰ حصه را به مسلمان محتاج بدهد پس معلوم گردید که دادن آن برای مسلمان در زکات شرط لازمی میباشد چون مصرف زکات است.

منظور از فقرا ومساکین در آیة مبارکه (انما لصدقات للفقراء) (۳) به اجماع امت فقراء ومساکین مسلمان می باشد البته صدقی نفلی را می توان به ذمی ها یعنی کافران داد در الدر المختار چنین آمده: (وجاز دفع غیرها وغیر العشر والخراج الیه ای الذمی) (٤).

---

(۱) سئل محمد عمن له ارض یزرعها اوحانوت یستغلها اودار غلتها ثلاثة الاف ولاتکفی لنفقته ونفقة عیاله سنة یحل له اخذ الزکوٰة وان کانت قیمتها تبلغ الوفا وعلیه الفتوٰی (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۸). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکاة ج۲ ص ۳ – ٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۵٦ و۲۵۷). ظفیر

(۳) سورة توبه رکوع ۸. ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۲، ددی مخه مخکی عبارت دادی. ولا تدفع الی ذمی لحدیث معاذ ﷺ ایضا، ط. س. ج۲ ص ۳۵۱). ظفیر

ارسال زکات به کشورهای غیر اسلامی چطور است: سوال: (۵۰۹) آیا می توان رقم زکات را به کشورهای غیرمسلمان ارسال نمود تا در مساعدت به مسلمانان آنکشور ها صرف شود؟

جواب: دادن رقم زکات به مسلمانان کشورهای غیر اسلامی درست می باشد اما شرط آن است که به کسیکه داده می شود مالک نصاب نباشد وآن چیز به او تملیک گردد هر چند بهتر است که در کشور وشهر خود آنرا به فقراء ومحتاجان تقسیم نمائید. (۱)

اعزام کسی به حج ازمال زکات چطور است: سوال: (۵۱۰) آیا می توان با رقم زکات کسی را به حج فرستاد چه بیگانه باشد وچه از اقارب؟

جواب: فرستادن کسی به حج از مال زکات درست نیست البته جائز است که مال زکات به فقیری تملیک گردد چه از آن حج کند یا آنرا در دیگر مخارج خود صرف نماید اختیار دارد منظور آن است که تملیک زکات به فقیر شرط می باشد وبدون آن زکات اداء نمی گردد (۲) (اما این نکته را باید دانست که دادن چنین رقم زیادی به یک شخص ازکراهیت خالی نیست). ظفیر

سوال: (۵۱۱) الف: مهتمم مدرسه پوست قربانی را فروخته ودر تحویلخانه مدرسه می گذارد ایا تملیک در آن شرط است وآیا می توان آنرا مانند دیگر مساعدت ها تملیک صرف کرد یانه؟

اگربدون تملیک خرج کند چه حکم دارد: سوال: (۵۱۲) ب: اگر مهتمم مدرسه قیمت پوست قربانی را بدون تملیک صرف کند آیا دوباره دادن قیمت پوست قربانی واجب می باشد؟

جواب: (الف ب) بر مهتمم مدرسه لازم است که پوست قربانی را فروخته وقیمت آنرا مانند زکات تملیک نموده وسپس در مخارج مدرسه صرف کند اگر مهتمم بدون حیله تملیک آنرا در کاری که مصرف پوست قربانی وزکات نیست مثلاً در معاش کارکنان ومدرسین بدهد به

---

(۱) وکره نقلها الا الی قرابة الخ او احوج او اصلح او اورع او انفع للمسلمین (درمختار) قوله: کره نقلها ای من بلد الی بلد اخر لان فیه رعایة حق الجوار فکان اولی، زیلعی. والمتبادر منه ان الکراهیة تنزیهیة تامل فلو نقلها جاز لان المصرف مطلق الفقراء (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۳ . ط س. ج۲ ص ۳۵۳). ظفیر

(۲) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لا اباحة لایجوز الی بناء نحو مسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ . ط س. ج۲ ص ۳٤٤). ظفیر

اندازه قیمت آن صدقه کردن واجب است واگر بر طلبه صرف کند اداء گردیده ودوباره دادن قیمت آن بر مالک واجب نمی باشد ([1]).

خریدن خانه به مدرسه از رقم زکات جائز است یانه: سوال: (۵۱۳) زید عمرو چندنفر دیگر یک مدرسه اسلامی ساخته اند اما اکنون وضع اقتصاد شان خراب گردیده ومصارف مدرسه رامتحمل شده نمیتوانند ومیخواهند ازمال زکات برای مدرسه خانه خریده واز دیگر عواید معاش مدرسین وغیره رابدهند آیا چنین کای جائز است یانه؟

جواب: خریدن خانه از رقم زکات به منظور مذکور شرعاً جائز نیست وزکات درآن اداء نمی شود اما فقهاء برای جواز در امور مذکور چنین نوشته اند که اول رقم زکات به شخص مستحقی که مصرف زیات باشد تملیک گردد وآن شخص رقم مذکور را در قبضه خود در آورده وبه مقصود مذکور صرف کند ([2]).

دادن زکات به اولاد شوهر جائز است یانه: سوال: (۵۱٤) آیا هنده می تواند به اولادشوهرش که زن ازل اوهستند زکات بدهد یانه؟

جواب: می تواند ([3]).

کسیکه چند خانه داشته باشد مصرف زکات است یانه: سوال: (۵۱۵) شخصی بر علاوه خانه سکونت خود منزل دیگری نیز دارد که قیمت آن از حد نصاب بیشتر می باشد شخص مذکور مصرف زکات است یانه وقربانی بر شخص مذکور واجب می باشد یانه؟

وجواب: اگر نزد او غیر خانه مال دیگر به قدر نصاب نیست وعاید کرایه نزد او به اندازه نصاب جمع نشده باشد ومحتاج بوده وآن منزل دومی برای تجارت نباشد دادن زکات به او جائز بوده وقربانی بر او واجب نمی باشد ([4]).

---

(۱) ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱. ظفیر

(۲) وحیلة التکفین التصدق بها علی فقیر ثم هو یکفن الثواب لهما وکذا في تعمیر المسجد (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۳) ولا الی من بینهما ولاد (درمختار) قید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤٦). ظفیر الدین غفر الله له

(٤) وفیها سئل محمد عمن له ارض یزرعها اوحانوت یستغلها او دار غلتها ثلاثة الاف ولاتکفي لنفقة ونفقة عیاله سنة یحل له اخذ الزکوٰة =

ملکیت نصاب مطلقاً مانع اخذ زکات است یانه: سوال: (۵۱٦) ملکیت نصاب مطلقاً مانع اخذ زکات مفروضه است یانه وشخصی که برای عالم غنی گرفتن زکات را جائز می گوید یعنی نصاب را مطلقًا مانع اخذ زکات نمی داند قول او صحیح است یانه؟

جواب: ملکیت نصاب مطلقاً مانه اخذ زکات نیست وگرفتن زکات برای عامل ساعی وعاشر جائز دانشته شده اگر چه غنی هم باشد به همین برای طالبان نیز از عبارات فقهاء حکم جواز به نظر می آید طوریکه در الدر المختار آمده: (وبهذا التعليل يقوى مانصب للواقعات من ان طالب العلم يجوز له اخذ الزكوة ولو غنياً اذ افرغ نفسه فادة العلم واستفاده لعجزه عن الكسب والحاجة داعية الى ما لابد منه كذا ذكره المصنف ([1])) یعنی کسیکه برای آموختن علوم شرعیه خود را فارغ نموده ویا به مستفید کردن دیکران از علم شریعت مشغول می باشد گرفتن زکات برای او جائز است هر چند صاحب نصاب باشد اما عالم غنی که دارای عاید باشد از عبارت فقها جواز اخذ برایش به نظر نمی آید اما در حق طالب به شرایط فوق جائز می باشد وعلامه شامی حرمت اخذ زکات برای طالب غنی را نیز راجح می داند وواقعات جزئیه را ضعیف وغیره معتبر قرار داده است طوریکه گوید: (وهذا الفرع مخالف لاطلاقهم الحرمة فى الغنى ولم يعتمده احد قلت وهو كذلک والاوجه تقيده بالفقر ويكون طالب العلم مرخصاً لجواز سواله من الزكوة وغيرها وان كان قادر على الكسب اذ بدونه لايحل له السوال) ([2]).

آیا زن به شوهر وشوهر به زن زکات داده می تواند: سوال: (۵۱۷) اگر شوهر به زن وزن به شوهر زکات بدهد جائز است یانه؟

جواب: جائز نیست ([3]).

= وان كانت قيمتها تبلغ الوفا وعليه الفتوٰى (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۸). ظفير

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۰. ظفير

(۲) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۱۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۰. ظفير

(۳) ولا الى من بينهما ولاد الخ او زوجية ولومابنه وقالا هي تدفع لزوجها (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٦) ولا يدفع المزكي زكوٰة ماله الى ابيه الخ ولا الى امرئته للاشتراک فى المنافع عادة ولا تدفع المرأة الى زوجها عند ابى حنيفة لما ذكرنا وقالا تدفع اليه لقوله ﷺ لک اجران اجر الصدقة واجر الصلة قاله لامرأة ابن مسعود ﷺ وقد سالته عن التصدق عليه قلنا هو محمول على النافلة (هدايه باب من يجوز دفع الصدقات اليه ج۱ ص ۱۸۸). ظفير

قرض مسافر از زکات اداء شود یانه: سوال: (۵۱۸) من صاحب نصاب وثروتمند می باشم وزکات مال من دروطن موجود است آیا می توانم از آن رقم قرض شخصی را اداء کنم که عالم شریف مسافر اولاد دار ومقروض می باشد؟

جواب: اگر عالم مسافر مذکور صاحب نصاب وسید نبوده ومقروض باشد برایش آنقدر زکات بدهید که توسط آن قرض خود را اداء کند درست است طوریکه خداوند متعال فرموده: (انما الصدقات للفقراء والمساکین) ([1]).

خرج زکات بر مدرسه توسط حیله چطور است: سوال: (۵۱۹) زید به این نیت مال زکات وصدقات را جمع کرده که از حیله تملیک کار گرفته بر یتیمان ومعاش استادان مدرسه اسلامی صرف کند این کار جائز است یانه؟

جواب: بعد از حیله تملیک صرف زکات وصدقات واجبه در معاش کارکنان واستادان مدرسه درست است. ([2])

در فی سبیل الله کدام اشخاص شامل اند: سوال: (۵۲۰) در جز (فی سبیل الله) آیة مبارکه (انماالصدقات للفقراء کدام مصارفی شامل اند؟ معاش عمله ودفتر انجمن ها تبلیغ وحفظ اسلام ومصارف خوراک وسفر ایشان در این جز شامل می باشد یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (وفی سبیل هو منقطع الغزاة وقیل الحاج وقیل طلبة العلم فسره فی البدائع بجمع القرب) ([3]) منظور انکه در فی سبیل الله مطابق تفسیر مصنف بدائع تمام مصارف خیر شامل می باشد اما آنچه شرط اداء زکات است باید هر جایی ملحوظ باشد وآن اینکه تملیک آن بدون معاوضه به محتاج ضرور است لذا باید اول حیله تملیک صورت گیرد تا پس از تملیک صرف آن در معاش کار کنان تبلیغ وغیره درست گردد.

دادن زکات به زن بیوه مالک نصاب درست نیست: سوال: (۵۲۱) نزدیک زن بیوه مالی می

---

(۱) سورة التوبة : رکوع ۸ ظفیر

(۲) وحیلة التکفین بها التصدق علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج ۲ ص ۸۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۳. ظفیر

باشد که قابل زکات دادن است واطفال کوچک دارد آیا به زن مذکور دادن زکات درست است یانه؟

جواب: دادن زکات به زنی که مالک نصاب است واطفال نابالغ درست نمی باشد وبا دادن به او زکات اداء نمی شود طوریکه خداوند متعال فرموده است (انما الصدقات للفقراء والمساکین) ([1]). فقط

کسیکه فقط زمین دارد تواند زکات بگیرد یانه: **سوال**: (۵۲۲) کسیکه زمین داشته اما رقم نقد ندارد می تواند زکات بگیرد یانه؟

جواب: اگر با آن زمین وجایداد گذاره اش نشود گرفتن زکات برایش جایز می باشد ([2]).

مسافر می تواند زکات بگیرد یانه: **سوال**: (۵۲۳) اگر مسافر بتواند از وطن خود پول بخواهد آیا باز هم می تواند زکات بگیرد یا نه؟

جواب: وقتیکه نزد مسافر به قدر نصاب مالی نباشد اگر چه در منزل خود داشته باشد می تواند زکات بگیرد ([3]).

کسیکه بنام مدرسه زکات گرفته ومدرسه نساخته چه کند: **سوال**: (۵۲٤) شخصی رقم زکات صدقه فطر وقیمت پوست را جمع آوری کرده وگفته بود که در فلانجا مدرسه می سازم اما آن مدرسه به علتی ساخته نشد آیا خرج کردن در مدرسه دیگری جائز است یانه؟ واگر هیچ خرج نکند نزد خداوند مورد مواخذه خواهد بود یانه؟

جواب: زکات را باید در مصرف آن صرف کند اگر دریک مصرف به علتی خرج نگردد درمصرف دیگری آنرا خرج نماید وبهترین مصارف طلبه علوم دینی می باشند واگر این شخص آنرا درمصرف زکات صرف نکند نزد خداوند ماخوذ خواهد بود واوهیچ حق ندارد که آنرا خود

---

(۱) سورة توبه رکوع ۸، ولا الی غنی یملک قدر نصاب فارغ عن حاجة الاصلیة من ای مال کان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۷). ظفیر

(۲) سئل محمد عمن له ارض یزرعها اوحانوت یستغلها اودار غلتها ثلاثة الاف ولاتکفی لنفقته ونفقة عیاله سنة یحل له اخذ الزکوة وان کانت قیمتها تبلغ الوفا (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۸). ظفیر

(۳) ابن السبیل وهوکل من له مال لامعه الخ یصرف المزکی الی کلهم اوالی بعضهم (درمختار) قوله ابن السبیل هو المسافر سمی به للزومه الطریق (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۳). ظفیر

خرج نماید (۱).

<u>با دادن زکات به بی نماز زکات اداء می شود یانه</u>: سوال: (۵۲۵) دادن مال زکات به اشخاص بی نماز است جائز یا نه؟ در رساله ماهوار انجمن نعمانیه لاهور نوشته شده که بی نماز هر قدر مسکین باشد بادادن زکات به او زکات اداء نمی گردد ودوباره اداء کردن واجب می باشد.

جواب: با دادن زکات به بی نمازی که محتاج باشد زکات اداء می گردد زیرا نزد احناف با ترک نماز مسلمان کافر نمی شود البته ترک نماز فسق وگناه کبیره می باشد لذا دادن زکات به تارک نماز وقتی که محتاج باشد درست است وزکات اداء می شود مذهب اکثر ائمه آن است که تارک نمازکافر نمی باشد. (۲)

غیر مقلدین عقیده دارند که تارک نماز کافر می گردد ونزد جمهور اهل سنت حدیث مذکور که در آن بر ترک نماز اطلاق کفر شده مأول است.

<u>استعمال زکات در افطار روزه درست است یانه</u>: سوال: (۵۲۶) استعمال زکات برا افطار روزه جائز است یانه؟

جواب: اگر بطور اباحت باشد چنانچه رواج عام است جائز نمی باشد کذا فی الدر المختار تحت قوله تملیک خرج لا اباحة فلو اطهم یتیماً ناویاً الزکوة لاتجزیه الا اذا دفع الیه المطعوم کما لو کساه بشرط ان یعقل القبض) (۳) واگر مقدار واجب را از مواد غذایی ومشروبات طوری اداء کند که فقراء ومساکین را در وقت افطار بطور تملیک بدهد وآنها تعقل قبض را داشته باشند دراین صورت زکات اداء می شود منظور ازتعقل قبض آن است که به چنان طفلی ندفد که قبض را نداند طوریکه از الدر المختار نقل کردیم.

---

(۱) ولا یجوز دفع الزکوة الی من یملک نصابا من ای مال کان (عالمگیری ج۱ ص ۱۸۹) ولوکیل ان یدفع لولده الفقیر وزجته لا لنفسه (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦۹). ظ

(۲) وتارک الصلاة عمداً کسلا یضرب ضربا شدیداً حتی یسیل منه الدم الخ ولا یقتل بمجرد ترک الصلاة والصوم مع الاقرار بفرضیتها الا اذا جحد افتراضها الصلاة او الصوم لانکار ما کان معلوما من الدین اجماعا الخ (مراقی الفلاح علی هامش الطحطاوی قبیل باب الوتر ج۱ ص ۲۰٤). ظفیر الدین غفر له

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲٥٦ – ۲٥۷). ظفیر

زنا زکات زیورات را از کجا اخراج کنند: سوال: (۵۲۷) زیورات چون ملکیت شخصی زنان می باشد بار آن چیرا بر شوهران ایشان انداخته می شود واگر خود زن آنرا اداء کند چطور اداء نماید زیرا نزد ایشان غیر از زیورات چیزی دیگری نمی باشد؟

جواب: زیوری که ملکیت زن ودر قبضه او بوده وبه قدر نصاب باشد زکات آن برذمه خود او واجب است واگر شوهر او تبرعاً از طرف او بدهد ویا زن از او گرفته وآنرا اداء کند درست است واگر چنین چاره ای نشود پس باید ناگزیر آن زن زکات زیورات مذکور را بدهد (۱).

دادن زکات به مکتب اسلامی جائز است یانه: سوال: (۵۲۸) مدرسه امداد اسلامی از مدت ها قبل مدرسه ای برای تعلیم نسوان ساخته است که به اساس آن این انجمن مبلغ هشتصد روپیه قرضدار می باشد وظاهراً هیچ راهی برای اداء کردن آن وجود ندارد ایا زکات وصدقه فطر را می توان در ادای این قرض صرف کرد؟

جواب: رقم زکات وصدقه فطر را بس از حیله تملیک می توان در ادای قرض مذکور صرف نمود وحیله تملیک در الدر المختار آمده که اول رقم زکات به شخصی که صاحب نصاب نباشد تملیک گردد سپسی آن شخص آنرا از طرف خود به مدرسه بدهد تا از آن قرض خود را اداء نماید یا در دیگر ضروریات خود صرف کند (۲).

دادن زکات به غیر مستحق درست نیست: سوال: (۵۲۹) اگر رقم زکات وپوست قربانی وصدقه فطر را رئیس قوم جبراً حصول نموده وبه مستحقین بدهد جائز است یانه؟

جواب: جائز نیست. (۳)

دادن زکات به فقراء ثروتمند حرفوی درست نیست: سوال: (۵۳۰) در جایی که ماهستیم فقراء طوری نیستند که قابل دادن صدقه فطر باشند چونکه در این روز گار حال فقرا به مراتب از

---

(۱) نصاب الذهب عشرون مثقالا والفضة مائتا درهم الخ والمعتبر وزنهما اداء ووجوبا لاقيمتها واللازم فى مضروب كل منهما ومعموله ولوتبرا اوحليا مطلقا الخ عشر ربع (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ٤٠ وص ٤١ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹٤ – ۲۹۸). ظفير الدين غفر الله له

(۲) وحيلة التكفين التصدق على فقير ثم هو يكفن فيكون الثواب لهما وكذا فى تعمير المسجد الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ١٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱) . ظفير

(۳) قال الله تعالى انما الصدقات للفقراء والمساكين الخ. ظفير

دیگران بهتر است وخصوصاً فقراء این قصبه صاحب نصاب بوده وزکات بر آنها فرض است اگر شرعاً چنین حکم باشد که زکات به این گونه فقراء داده شود عذری برای ما باقی نمی مانده واگر دادن آن به چنین فقرا جائز نباشد خرج کردن آن در مدرسه اسلامی جائز است یانه؟

جواب: به چنین فقرای نامنهاد که ثروتمند وصاحب نصاب می باشند نباید صدقه فطر ودیگر صدقات واجبه داده شود (۱) بلکه آنرا به مدرسه برده وبر طلبه کا مسکین صرف کنید واگر پس از تملیک فقیر در معاش مدرسین داده شود نیز درست است وتملیک فقیر آن است که صدقه فطر یا زکات به شخصی که واقعاً فقیر بوده وصاحب نصاب نباشد تملیک گردد سپس او از طرف خود آنرا به مدرسه بدهد.

<u>وکیل تواند خود زکات بگیرد یانه</u>: سوال: (۵۳۱) زید عمر را وکیل ساخت که مبلغ ده روپیه زا از سوی من به مستحقین زکات بده اتفاقاً عمرو خود فقیر شد در حالیکه هنگامیکه زید او را وکیل ساخت غنی بود آیا عمرو می تواند دراین حالت فقر رقمی را که مؤکل به مستحقین داده است در مخارج خود صرف کند؟

جواب: برای وکیل جائز نیست که زکات مؤکل خود را برای خود نگیهدارد مگر اینکه برایش گفته باشد که در هر جایی که خواستی صرف کن طوریکه در الدر المختار آمده: (وللوکیل ان یدفع لولده الفقیر وزوجته الفقیرة لالنفسه الا اذا قال ربها ضعها حیث شئت (۲)) پس اگر وکیل فقیر گردیده ومؤکل گفته باشد که هر جایی که خواسته باشی صرف کن می تواند آنرا برای خود نگهدارد.

<u>توسط حیله تملیک خریداری زمین برای قبرستان ازمال زکات چطور است</u>: سوال: (۵۳۲) شخصی می خواهد از رقم زکات برای قبرستان زمین خریده وآنرا وقف کند طوریکه رقم زکات را اول به شخص محتاجی بدهد واو از آن زمین خریده وبرای قبرستان وقف نماید بدین ترتیب زکات اداء می شود اگر اداء گردد ثواب تنها به محتاج می رسد یا به دهنده نیز؟

(۱) مصرف الزکوة الخ هوفقیر وهومن له ادنی شی ای دون نصاب الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹) . ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۴ وص۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۹. ظفیر

جواب: بدین ترتیب زکات اداء می شود که اول رقم زکات به محتاجی داده شود تا مالک آن گردد سپس برایش ،مشوره داده شود که از آن رقم زمین خریده وبرای قبرستان وقف کند واینکار جائز است اما باید دانست که پس از مالک شدن او اختیار دارد که او چنین کند یا نکند او اگر اینکار را انجام دهد هر دو ثواب حاصل می نمایند (۱)

آیا قیمت پوست عقیقه را می توان در مخارج خود بکار برد: سوال: (۵۳۳) آیا می توان پوست عقیقه را فروخت وقیمت آنرا در مخارج خود بکار برد یانه؟

جواب: نه (۲).

کسیکه به خویشاوند نزدیک خود زکات ندهد: سوال: (۵۳٤) مردمانی که اقارب نزدیک محتاج خویش را می گذارند وبه دیگران زکات می دهد اینکار این چطور است؟

جواب: مقدم اقارب نزدیک می باشند وپس از آن سائر فقرا ومحتاجان شهر کم کم به هر کسیکه بتواند چیزی بدهد مقداری به اقارب محتاج به سائر فقراء منظور آنکه زکات با دادن به هر فقیر ومحتاجی اداء می شود اما در دادن آن به اقارب محتاج ثواب بیشتر می باشد (۳).

آیا به اطفالی که صاحب نصاب اند دادن مستمری از رقم زکات جائز است یانه: سوال: (۵۳۵) دادن مستمری به اطفالی که صاحب نصاب انداز رقم زکات جائز است یانه؟

جواب: دادن مستمری به اطفال غنی از مال زکات جائز نیست. (٤)

دادن زکات به برادرجائز است یانه: سوال: (۵۳٦) ایامی توان به برادر کوچک خود زکات

---

(۱) وحيلة التكفين بها التصدق على فقير ثم هو يكفن الثواب لهما وكذالى تعمير المسجد وتمامه فى حيل الاشباه (درمختار) قوله: (ثم هو) اي الفقير يكفن والظاهر له أن يخالف أمره لانه مقتضى صحة التمل قوله: (فيكون الثواب لهما) أي ثواب الزكاة للمزكي وثواب التكفين للفقير. ولقد يقال: إن ثواب التكفين يثبت للمزكي أيضا. لان الدال على الخير كفاعله وإن اختلف الثواب كما وكيفا ط. قلت: وأخرج السيوطي في الجامع الصغير لو مرت الصدقة على يدي مائة لكان ليم من الاجر مثل أجر المبتدئ من غير ان ينقص من أجره شئ. (ردالمحتار كتاب الزكوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱) . ظفير

(۲) زيرا بعد از فروش قيمت آن واجب التصدق مى باشد.

(۳) وكره نقلها الا الى قرابته بل فى الظهيريه لاتقبل صدقة الرجل وقرابته محاويج حتى يبدأ بهم فيسد حاجتهم (درمختار) عن أبي هريرة مرفوعا إلى النبي (ﷺ) أنه قال: يا أمة محمد، والذي بعثني بالحق لا يقبل الله صدقة من رجل وله قرابة محتاجون إلى صلته ويصرفها إلى غيرهم ؟ والذي نفسي بيده لا ينظر الله إليه يوم القيامة والمراد بعدم القبول عدم الاثابة عليها وإن سقط بها الفرض، لان المقصود منها سد خلة المحتاج، وفي القريب جمع بين الصلة والصدقة (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۹۳ وص ۹٤، ط. س. ج۲ ص ۳۵۳). ظفير

(٤) ولايجوز دفعها الى ولدالغنى الصغير كذا فى التبين (عالمگيرى مصرى باب المصارف ج۱ ص۱۷۷). ظفير

داد همچنان پس از بلوغ او تا وقتیکه صلاحهیت بدست آوردن عواید را پیدا خرج کردن بر او از رقم زکات درست است یانه؟

جواب: دادن زکات به برادری که صاحب نصاب نباشد جائز است اما در زکات تملیک ضروری می باشد پس هرچیزی راکه می خواهید از رقم زکات بر برادر خود صرف کنید نخست آنرا به او تملیک کنید مثلاً گاهی مقداری پول را به نیت زکات به او بدهید وگاهی لباس خریده وبه او بدهید وبه همین ترتیب اشیای دیگر وپس از بلوغ نیز تا وقتیکة محتاج باشد دادن زکات برایش د رست است. (۱)

دادن زکات به شاگرد بالغ محتاج وگرفتن آن در معاش خود: **سوال**: (۵۳۷) شخصی ثروتمند ومقداری از معاش معلم پسر خود را داده ومقداری باقی مانده که آنرا نمی دهد واگر بدهد به بسیار تأخیر خواهد داد آیا در چنین حالتی معلم می تواند که به پسو بالغ مذکور که محتاج است رقم زکات را بدهد وآنرا در معاش خود از او پس بگیرد.

جواب: اگر آن پسر بالغ ومحتاج باشد معلم می تواند به او زکات بدهد پس از ان اگر پسر مذکور بخواهد آنرا در معاش معلم بدهد اما معلم نمی تواند جبر کند به هر صورت اگر پسر حاضر باشند که آنرا در معاش معلم بدهد گرفتن برای معلم درست است. (۲)

دادن رقم زکات توسط حیله تملیک به مدرسه: **سوال**: (۵۳۸) یک مدرسه اسلامی دراین قصبه شروع به کار نموده است معاش استادان از پول اعانه داده می شود قصبه کوچک بوده ومسلمانان ان ثروتمند نیستند وبدین اساس می خواهند زکات خود را به مدرسه بدهند آیا جائز است که شخصی را مقرو نمائیم که هرکس هر چیزی که بدهد نخست ملکیت او شود سپس او به مدرسه بدهد همچنان اگر چند نفر به یک شخص زکات بدهند او صاحب نصاب خواهد شد منظور آنکه تملیک که درزکات شرط است آیابه اساس دادن به مدرسه میتوان از آن صرف نظر

---

(۱) ولا الی من بینهما ولاد (درمختار)* قید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب کالاخوة والاعمام والاخوال الفقراء بل هم اولی لانه صلة وصدقة (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۸٦ . ط.س. ج۲ ص ۳٤٦) . ظفیر

(۲) وحیلة التکفین ان یتصدق بها علی فقیر ثم هو یکفن فیکون الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوة ج۲ ص ١٦ . ط.س. ج۲ ص ۲۷۱) ظفیر

نمود یانه؟

جواب: در زکات تملیک به فقیر شرط بوده واین شرط در هیچ وقتی وبه هیچ ترتیبی ساقط نمی شود ([1]) البته دادن زکات به طلبه فقیر مدرسه درست است ودادن آن در معاش استادان وکارکنان مدرسه درست نمی باشد اما در چنین مواقع حیله جواز آن است که اول مال به کسی تملیک گردد که مالک نصاب نباشد سپس اواز طرف خود آنرا در معاش کارکنان واستادان مدرسه داده ویا به همین اغراض آنرا به مهتمم بدهد ([2]) واگر به یک شخص آنقدر مال زکات داده شود که صاحب نصاب گردد پس زکات گرفتن برای او درست نیست اما چون آنرا خرج کند وصاحب نصاب باقی نماند باز دادن زکات برایش درست بوده ومی تواند زکات بگیرد.

خریدن دیگ وغیره ازقیمت پوست قربانی درست نیست: سوال: (۵۳۹) عده ای از اشخاص در یک محله پوست های قربانی را به اتفاق فروخته ومی خواهند از آن چیزی خریداری کنند که نفع مردم منطقه باشد مثلاً دیگ کلان یا فرش آیا اینکار جائز است یا ناجائز؟

جواب: جائز نیست زیرا بعد از فروش باید قیمت پوست قربانی را به فقرا صدقه دهند چون تصدق قیمت پوست قربانی ضروری می باشد.

ساختن سایبان برای مسجد چطور است: سوال: (۵۴۰) از قیمت پوست قربانی ساختن سایبان برای مسجد چطور است؟

جو اب: جائز نیست.

صرف قیمت پوست قربانی در غسل خانه چطور است: سوال: (۵۴۱) صرف قیمت برست قربانی در غسل خانه یا سقاوه چطور است؟

جواب: درست نیست.

استعمال پوست قربانی برای خود: سوال: (۵۴۲) آیاپوست قربانی را می توان قبل ازفروش

---

(۱) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا لااباحة ولایصرف الی بناء نحومسجد والی کفن میت (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۲) وحیلة التکفین ان یتصدق بها علی فقیر ثم هو یکفن فیکفن الثواب لهما وکذا فی تعمیر المسجد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۴). ظفیر

تحت استعمال خود در آورد یانه؟

جواب: پوست قربانی را می توان قبل از فروش تحت استعمال خود در آورد اما پس از فروش نمی توان قیمت آنرا بر خود صرف کرد طوریکه در الدر المختار آمده (فان بیع اللحم او الجلد به ای بمستهلک او بدراهم تصدق بثمنه) ([1]).

دادن پوست قربانی درمعاش: سوال: (۵٤۳) الف: دادن پوست قربانی از سوی مهتمم به کارکنان مدرسه در بدل معاش ایشان چطور است؟

گرفتن قیمت پوست قربانی برای مدرسین درست نیست: سوال: (۵٤٤) ب: مدرسین با وصف اینکه می دانند که مهتمم معاش ایشان را از قیمت پوست قربانی می دهد این گرفتن برای ایشان جائز است یانه؟

جواب: الف: دادن معاش مدرسین برای مهتمم از قیمت پوست قربانی بدون حیله تملیک ناجائز است.

ب: با وجود علم گرفتن آن برای مدرسین ناجائز می باشد.

ازجمله اقارب ذیل کدام ها مصرف زکات اند: سوال: (۵٤۵) خواهر وبرا در حقیقی کاکا ماما خاله پدرکلان مادری فادرکلان مادری وزن ماما از جمله اقارب فوق کدام ها مصرف زکات اند؟

جواب: از جمله اقارب فوق غیر از پدر کلان مادری ومادرکلان مادری باقی تمام آنها مصرف زکات اند.

با بخشیدن قرض به قرضدار زکات اداء نمی شود: سوال: (۵٤٦) اگر شخصی به کسی به این نیت قرض بدهد که اگر باز پس داد خواهم گرفت واگر نه هیچ آیا آن شخص مقروض است یانه؟ واگر دهنده قرض مذکور را به نیت زکات معاف کند زکات اداء می شود یانه؟

جواب: آن شخص مقروض است اما زکات به این ترتیب اداء نمی شود طوریکه در عالمگیری آمده: (لو وهب دینه من فقیر ونوی زکات دین اخرله علی رجل آخر اونوی زکات عین له لم یجز

---

(۱) الدرالمختار علی هامش رد المحتار ص ۲۸۷ ج۵. ظفیر

کذا فی الکافی) ([1])

شوهر به زن وزن به شوهر زکال داده نمی تواند: سوال: (٥٤٧) شوهر به زن وزن به شوهر خود زکات داده می تواند یانه؟

جواب: نه زیرا در الدر المختار آمده (و لا الی من بینهما ولاد ولو مملوکاً فقیراً وبینهما زوجیة) ([2]). فقط

دادن قیمت پوست عقیقه به سید چطور است: سوال: (٥٤٨) فروش پوست عقیقه ودادن قیمت آن به سید جائز است یانه؟

جواب: دادن قیمت چرم عقیقه به سید جائز نیست ([3]) والله اعلم.

اطلاع ضرور نیست: سوال: (٥٤٩) شرکاء قربانی گاو را ذبح نموده وهر یک حصه کا خویش را بردند پوست را به یک شخص گذاشته وچیزی نگفتند وشخص مذکور آنرا به یک طالب علم داد پس از آن یکی شرکاء احوال فرستاد که پوست مذکور را به کسی بده اکنون برای او آیا ضرور است که اطلاع دهد که آنرا به یک طالب علم داده یانه؟

جواب: دادن اطلاع ضرور نیست زیرا بهر حال مقصود او تکمیل گردیده است والله اعلم.

صدقه فطر حق کدام مردم است: سوال: (٥٥٠) صدقه فطر حق کدام مردم است؟ آیا آنرا می توان به بنی هاشم نیز داد؟ وآیا می توان آنرا از بنی هاشم گرفت؟ وحکم دادن به پیروان دیگر ادیان چیست؟

جواب: صدقه فطر باید به محتاجان داده شود چه مسلمان باشد یا کافر ذمی ودادن آن به بنی هاشم جائز نیست ونمی توان آنرا از بنی هاشم گرفت دادن آن به گداهای پیرو ادیان دیگر جائز است در صورتیکه حربی نباشند چنانچه در الدر المختار آمده: (وجاز دفع غیرها (زکوة) وغیر

---

(١) عالمگیری ص ١٦٩ ج١.

(٢) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ص ٨٦ ج٢.

(٣) لو اراد بعضهم (ای بعض شرکاء الاضحیة) العقیقة عن ولد الی ان قال (فاذا قصدیها (ای العقیقة) الشکر اواقامة السنة فقد اراد القربة الخ وفی جامع الرموز ج٣ ص ٤٥٨ فان بیع الجلد (ای جلد الاضحیة) الی قوله (یتصدق بثمنه لان القربة انتقلت الیه الخ) چون عقیقه نیز قربانی به خاطر قربت می باشد لهذا به همین دلیل قیمت آن راجب التصدق میباشد. ظفیر

العشر والخراج الیه ای الذمی ولو واجباً کنذر وفطرة خلافاً للثانی) ودر شامی آمده: (قوله للثانی حیث قال ان دفع سائر الصدقات الواجبة الیه لا یجوز اعتباراً بالزکوة وصرح فی الهدایة وغیره بان هذا روایة عن الثانی وظاهره ان قوله المشهور کقولهما) همچنان در شامی تحت قول او (و به یفتی) آمده: (قلت لکن کلام الهدایه وغیرها یفید الترجیح قولهما وعلیه المتون)

صرف قیمت پوست قربانی درمسجد درست نیست: **سوال**: (۵۵۱) زید می گوید که پوست قربانی باید بر مسجد صرف شود وعمرو می گوید که باید به مؤذن یا یتیمی داده شود در اینجا پوست قربانی دائم به مؤذن داده می شود امسال عده ای از مردم آنرا فروخته ومی خواهند در ساختن مسجد آنرا صرف کنند اکنون می خواهم بدانیم که چه کسی مستحق آن است؟

جواب: دادن پوست قربانی به مؤذن دربدل آذان وخدمت مسجد وهمچنان صرف آن در تعمیر مسجد وسائر ضروریات آن درست نیست بلکه هر وقتیکه پوست فروخته شود قیمت آن واجب التصدق بوده وصرف آن در مصارف خودش ضروری است که همانا به موذن در بدل خدمت مسجد و آذان درست نیست واگر فقیر بوده وصاحب نصاب نباشد دادن به طور صدقه برایش جائز است البته در صورتیکه سید نباشد در الدر المختار آمده: (لایصرف الی بنا نحو المسجد قال فی الشامی قوله نحو مسجد کبنا القناطر والسقایات واصلاح الطرقات وکری الانهار الی قال وکل ما لاتملیک فیه) ([1]) پس به شکل که درسوال آمده نه قول زید درست است ونه قول عمرو البته اگر مسجد ضرورت داشته باشد قیمت پوست قربانی را به شخص فقیری که سید نباید تملیک کنید وسپس او می تواند آنرا از طرف خود بر مسجد صرف کنن وصرف به غیر این طریق درست نیست. رسیداحمد.

(ان الحیلة ان یتصدق علی الفقیر ثم یأمره بفعل هذه الاشیاء) ([2]) و در الدر المختار آمده: (مصرف الزکوة والعشر) وشامی گوید: (هو مصرف ایضاً لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذلک من الصدقات الواجبة) ([3]) ودرالدر المختار درباب اضحیه آمده: (فان بیع اللحم والجلد به

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ص ۸۵ ج۲. ظفیر
(۲) ردالمحتار ص ۸٦ ج۲. ظفیر
(۳) ردالمحتار ص ۷۹ ج۲. ظفیر

ای بمتسهلک او بدراهم تصدق بثمنه) جمیل الرحمن.

<u>فروش پوست قربانی ودادن طعام به فقرا ازقیمت آن چطور است</u>: سوال: (۵۵۲) آیا قربانی کنند گان می توانند پوست قربانی را فروخته واز قیمت آن به فقرا غذا بدهند ویا برای ایشان لباس بخرند یانه؟

جواب: خریدن لباس ودادن به آن مساکین درست است ودادن غذا نیز به آنها درست می باشد اما مشروط به آنکه غذا به ایشان تملیک گردد ودلیل آن این است که در الدر المختار آمده: (فان بیع اللحم او الجلد به ای مستهلک وبدارهم تصدق بثمنه) (۱) همچنان گوید (اذ ارفع الیه المطعوم کما لوکساه بشرط ان یعقل القبض) ودر ردالمحتار آمده (قوله بشرط ان یعقل القبض لان التملیک في التبرعات لایحصل الابه فهو جزء من مفهومه)

<u>ارسال قیمت پوست قربانی به مصیبت زدگان طرابلس چطور است</u>: سوال: (۵۵۳) ارسال قیمت پوست قربانی به مصیبت زدگان یتیمان وبیوه های طرابلس بطور امداد درست است یانه؟

جواب: چون در قیمت پوست قربانی تملیک فقیر شرظ می باشد لذا بدون حیله تملیک از آن بری الذمه نمی گردد در اینجا آنرا به کسی تملیک کنید که از سوی خود آنرا ارسال نماید تا بدون ترددی درست باشد اما اگر به کسانی که ارسال می شود آنرا علیحده نگهداشته ودر مصارف زکات صرف کنند در اینجا به تدبیری ضرورت نیست.

<u>اعمار مسجد عیدگاه وغیره از قیمت پوست قربانی درست نیست</u>: سوال: (۵۵٤) چه می گویند علمای کبار وفضلای نامدار دراین مورد که پوست حیوانات قربانی به فروش رسد وقیمت آن در مسجد مدرسه مکتب وغیره امور خیر به مصرف رسد ومعاش مدرسین واستادان از آن داده شود آیا یا اینکار شرعاً جائز است یا ناجائز واگر جائز باشد این ناجائز حرام است یا مکروه تحریمی یا مکروه تنزیهی وحکم آن مانند صدقات واجبه است یانه؟

وبر شخصی اینکار را می کند ودیکران را به آن امر می کند شرعاً چه حکمی وجود دارد؟

جواب: صرف قیمت پوست قربانی در مسجد عیدگاه مدرسه مکتب وغیره درست نیست ودادن

---

(۱) الدر المختار ج۵ ص ۲۸۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۸. ظفیر

معاش مدرسین واستادان از آن جائز نه بلکه حرام است زیرا قیمت پوست قربانی واجب التصدق می باشد ودرآن مانند زکات تملیک به فقیر واجب بوده وترک واجب حرام می باشد در الدر المختار آمده (فان بیع اللحم واللجلد به ای بمستهلک او بدراهم تصدق بثمنه) کتاب الاضحیه ([1]) درباب المصرف شامی آمده: (مصرف الزکوة والعشر وهومصرف ایضاً لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذلک من الصدقات الواجبة کما فی القهستانی) ([2]).

پس معلوم گردید که حکم قیمت پوست قربانی وصدقه فطر مانند زکات وسائر صدقات واجبه بوده ودراگ تملیک فقیر شر است پس شخصی که آنکار را جائز می گوید ودیگران را به آن ترغیب می نماید جاهل وبی علم است والله تعالیٰ اعلم.

اعانه دادن به هلال احمر چطور است: سوال: (۵۵۵) حامداً ومصلیاً سلطنت عثمانی بزر گترین سلطنت مسلمانان در جهان می باشد که به دلیل محافظت از حرمین شریفین مستحق همدردی مسلمانان است اکنون این کشور دریک جنگ خونین گرفتار آمده وتعداد مجروحین وشهدا از اندازه گذشته وتمام کشورهای متمدن تداوی مجروحین ومساعدت به یتیمان وبیوه ها را توسط اعانه وظیفه انسانی خود می شمارند از قسطنطنیه تا هندوستان به هر تعداد انجمن هایی که در شهر های خورد وکلان به این مقصد مشغول جمع آوری مساعدت ها می باشند به نام هلال احمر یاد می گردند رئیس هلال احمر قسطنطیه حلمی پاشا از تمام مسلمانان هند خواهان اعانه به هلال احمر گردیده وتلگرافی که به تاریخ ۲۸ اکتوبر به کلکته داده است بعضی از کلمات آن چنین است .که ما مستحق همدری وخیر خواهی صمیمانه مسلمان هند می باشیم و ما مساعدتی را که جهت تداوی به مجروحان ما صورت می گیرد کم اهمیت نمی دانیم دوستان سلطنت عثمانی ومسلمانان انکلستان لوازم چهار شفاخانه ما را تأمین می نمایند هلال احمر امیداور است که برادران مسلمان هندوستان نیز در تأمین مخارج شفاخانه ها شرکت کنند.

هنگام اغاز جنگ طرابلس هنر ایکسکنسی وایسرا رضایت خود را در مورد جمع آوری این

---

(۱) الدر المختار ج۵ ص ۲۸۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۸. ظفیر

(۲) ردالمحتار ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۲۸. ظفیر

مساعدت ها اظهار داشت ودر جلسه ۲۶ اکتوبر بمبی یک مقام عالیرتبه پولیس آن شهر غرض آظهار همدری در جلسه شرکت نمود ومبلغ سی روپیه اعانه داد در چنین حالات مطلع ساختن مسلمانان از احکام شرعی ضروری می باشد لذا بصورت عموم از تمام علماء وخصوصاً از علمای دیوبند توقع دارم که جوب سوالات ذیل را به صورت مفصل وروشن تحریر فرمایند تا تمام مسلمانان متوجه انجام فرایض خود باشند.

الف: مساعدت به هلال احمر تا کدام درجه بر ذمه هر مسلمان ضرر است؟

ب: چه ترتیبی می توان زکات صدقات واجبه وپوست قربانی را به هلال احمر داد.

ج: آیا هلال احمر بیشتر از آنچه تا کنون مساکین محتاجان وحرکت های ملی ومذهبی مساعدت شده اند مستحق مساعدت شمرده شود یانه؟

جواب: الف: دادن اعانه به هلال احمر یعنی مجروحین مسلمان یتیمان وبیوها بر ذمه هر مسلمان فرض است که مال خویش را فروخته وبا آن مساعدت نمایند امداد خواه مالی وخواه خبر گیری وتداوی مجروحین یک حکم را داشته وضروری می باشد دراین مورد احادیث متعدد معتبر وصریح درکتب حدیث موجود است.

در کتاب الجهاد مشکوة چنین آمده (عن حزیم بن فاتک قال قال رسول الله ﷺ من انفق فی سبیل الله کتب له بسبع مائة ضعف) رواه الترمذی والنسائی.

وحدیث دیگری چنین است: (وعن ابی امامة قال قال رسول الله ﷺ افضل الصدقات ظل فسطاط فی سبیل الله ومنحة خادم فی سبیل الله او طروقة فحل فی سبیل الله) رواه الترمذی.

وهمچنان این حدیث (من ارسل نفقة فی سبیل الله واقام فی بیته فله بکل درهم سبع مائة درهم (۱) رواه ابن ماجه مشکوة کتاب الجهاد.

خلاصه روایات مذکور چنین است که تا هنگامی که دشمن برای جنگ با مسلمانان جود داشته باشد وبخواهد که برایشان ظلم کند افضل از همه صدقه ها آن صدقه است که به هر ترتیبی که

(۱) وتمامه عن علی وابی الدرداء وابی هریرة وابی امامة وعبدالله بن عمر وجابر بن عبدالله وعمران بن حصین رضی الله عنهم اجمعین کلهم یحدث عن رسول الله ﷺ انه قاجل من ارسل نفقة فی سبیل الله واقام فی بیته فله بکل درهم سبعمائة درهم ومن غزا فی سبیل الله وانفق فی وجهه ذلک فله بکل درهم سبعمائة الف درهم ثم تلا هذه الایة : والله یضاعف لمن یشاء . رواه ابن ماجه. ظفیر

شود مساعدت با آن مسلمانان فرض است خواه برای سایه دادن خیمه به آنها باشد ویا غرض خدمت خادمی به ایشان فرستاده شود یا اشتری غرض سواری ایشان ارسال گردد وکسی که به اندازه یک درهم با ایشان مساعدت کند ثواب هفتصد درهم را بدست می آورد.

مطلب از فرض بودن آن است که تا وقتیکه نزد ترک ها برای هلال احمر رقم کافی وجود نداشته باشد تا همان وقت این فرضیت باقی می باشد ومثلاً اگر مسلمانان هند رقم کافی جمع کنند که تمام مخارج ایشان را اکتفاء کند دیگر این فرض باقی نمی ماند ونه مانند امروز بر مسلمانان درشرق وغرب جهان فرض خواهد بود.

اکنون مسلمانان هند ببینند که هلال احمر به کمک مالی ضرورت دارد یانه اگر جواب منفی باشد مساعدت به هلال احمر فرض عین نخواهد بود واگر کمک مالی بنماید مطابق روایات سابق الذکر ثواب عظیم بدست خواهد آورد واگر نکند گناهگار نخواهد شد واگر هلال احمر به مساعدت مالی ضرورت داشته باشد به هر مسلمانی که این خبر برسد معاونت مالی بر او فرض می گردد که مطابق رویات سابقه به مال یا دعا (به هر چه استطاعت داشته باشد) با ایشان معاونت کند وکسیکه به موضوع آگاهی دارد بی خبران را از فرض عین بودن آن مطلع گرداند ورنه گناهگار خواهد شد.

ب: در زکات وصدقات واجبه مثل صدقه فطر وپوست قربانی وغیره ضرور آن است که به کسی تملیک گردد واگر در چنان مصرف خیری صرف گردد که در آن تملیک نباشد اداء نمی گردد مثلاً تعمیر مسجد یا خریداری کتب فقه برای استعمال طلبه لذا صورت سهل آن این است که زکات وصدقات مذکوره به چنان شخص محتاجی تملیک گردد که اواز جانب خود آنرا به هلال احمر اهدا کند چنانچه در تمام مدارس اسلامی زکات ودیگر صدقات واجبه به همین ترتیب صرف می گردد و در چنین حالتی که ضرورت شدید است همین افضل می باشد که زکات وصدقات واجبه دیگری به همین طریق به هلال احمر مساعدت شود (یصرف الی کلهم او بعضهم تملیکاً لا الی بنا مسجد وکفن میت وقضا دینه) تنویر.

ج: در وضعیت دشوار کنونی نظر به عامه محتاجان ومراجع علمی دینی وملی هلال احمر بیش از

همه مستحق است طوریکه از روایات حدیث وفقه معلوم می باشد لذا بر مسلمانان هند ضروری ولازم است که تا وقتیکه این ضرورت موجود باشد هلال احمر را بر سائر مواضع مقدم شمارند بلی اگر در جایی کدام ضرورت شدیده موجود باشد مثلاً شخصی پیشرویش از گرسنگی می میرد استثنی بودن آن ظاهر می باشد والله تعالی اعلم کتبه عزیز الرحمن مفتی دارالعلوم دیوبند.

جواب عین ثواب است. ب: شرط تملیک قابل توجه فراوان است ومعمول من حقیر درتملیک شیوه خاصی می باشد آنچه را من راجح می شمام این است که نخست مسکین از کسی قرض بگیرد ودر اعانه بدهد سپس صدقه دهنده رقم خود را به تملیک حقیقی به او بدهد سپس آن مسکین با این رقم قرض را اداء کند بدین ترتیب ضرورت ارتکاب حیله نیز پیش نمی آید. کتبه اشرف علی تهانوی.

<u>ترک قربانی ودادن قیمت آن به مسلمانان بالکان درست نیست</u>: سوال: (۵۵٦) امسال تمام مردم قیمت قربانی را برای تداوی مجروحان برادران ناتوان بالکانی وغرض مساعدت به بیوه ها ویتیمان ایشان فرستاده ومی گویند در حالیکه بر مسلمانان قیامت بر پاشده نباید قربانی صورت گیرد دراین مورد شرعاً چه حکمی وجود دارد؟

جواب: قربانی کردن ضروری می باشد وبه طوریکه در سوال آمده قربانی اداء نمی شود البته درست است که قربانی صورت گیرد وقیمت پوست قربانی به آنجا فرشتاده شود واهتمام کامل برای ان صورت گیرد وبهتر ان است که بر تمام کسانیکه قربانی واجب می باشد تمام نصاب خویش را به آنجا نفرستند تا قربانی برذمه ایشان باقی نماند اگر خداوند متعال به مسلماان چنین توفیقی بدهد بهتر از آن چه خواهد بود خلاصه سخن آنکه درست نیست که شخص صاحب نصاب باشد وقربانی نکند والله اعلم.

درکتاب عالمگیری درص ۲۵۲ ج ۲ کتاب الاضحیة چنین آمده: (لو تصدق بها حیة فی ایام النحر لایجوز لان الاضحیة الا راقة الجوهر النیرة) وهمچنان (انه لایقوم غیر ها مقامها فی الوقت حتی لوتصدق بعین شاة او وقیمتها فی الوقت لایجزیه عن الضحیة) لذا به هیچ ترتبی ترک واجب ودادن قیمت آن در اعانه درست نیست.

بر مدیون عشر است یانه: سوال: (۵۵۷) بر مدیون عشر واجب است یانه؟ اگر شخص دیگری به او عشر بدهد مستحق آن می باشد یانه وصرف مال عشر در مسجد دوست است یانه دادن آن به مدارس اسلامی جائز می باشد یا نه؟

جواب: بر مدیون عشر واجب است طوریکه در الدر المختار آمده: (ویجب مع الدین) واگر شخص دیگری به او بدهد ببیند که بعد از ادای قرض مالک نصاب باقی می ماند یانه اگر پس از ادای دین بقدر نصاب نزد او باقی نماند گرفتن برایش درست می باشد صرف مال عشر در تعمیر وترمیم مسجد درست نیست اما بعد از حیله تملیک جائز می باشد زیرا درآن مانند زکات تملیک شرط می باشد ودادن آن به طلبه فقیر جائز است.

در جلد اول عالمگیری چنین آمده (وشرط ادائهه ما مرفی الزکوة) در کتاب (الجوهرة النیرة) در بیان مصارف زکات چنین آمده: (لا تدفع الی غنی ولا تدفع الی بنی هاشم ولا یدفع المزکی زکوته الی ابیه وجده ان علا ولا الی ولده وان سفل ولایبنی بها مسجد ویکفن بها میت ولایبنی بها السقایات ولایحفر بها الابار ولایجوز الا ان یقبضها فقیر لانها تملیک ولابد فیها من القبض) ([1]).

فصل هشتم

صدقه فطر

مقدار صدقه فطر در آرد وبرنج چقدر است: سوال: (۵۵۸) صدقه فطر ازآرد چقدر داده شود واز برنج چقدر؟

جواب: اگر صدقه فطر را از آرد داده شود مقدار آن نصف صاع می باشد چنانچه در الدر المختار امده (نصف صاع من براً اودقیقه) ([2]) وتفصیل آن درشامی موجود است واگر برنج داده شود باید آنقدر باشد که قیمت آن مساوی نصف صاع آرد باشد در الدر المختار آمده: (وما ینص علیه کذرة وخبز یعتبر فیه القیمة). فقط

---

(۱) الجواهر النیرة ص ۱۳۱ و۱۳۲ ج۲.

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۱۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳٦٤. ظفیر

در زمان پیامبر (ﷺ) صدقه فطر چه وقت کشیده می شد: سوال: (۵۵۹) در زمان پیامبر (ﷺ) صدقه فطر پیش از نماز کشیده می شد یانه یا تاچند روز نگهداشته می شد وبعد از آن به محتاجان تقسیم می گردید اگر در تقسیم تأخیر نمی فرمود پس چرا در عصر ما جمع شدن صدقه فطر نزد سردار یک منطقه ضروری می باشد وسردار ویا نائب او هر وقتیکه رضایت خود شان باشد آنرا تقسیم می کنند اینکار چطور است؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ویستحب اخراجها قبل الخروج الی المصلی بعد طلوع فجراً لفطر عملاً بامره وفعله علیه الصلوة والسلام) ([1]) نتیجه آنکه ادای صدقه فطر قبل از نماز مستحب می باشد زیرا موافق قول وفعل پیامبر ﷺ است جنانچه در مشکوة به روایت عبدالله بن عمر این حدیث آمده: (قال رسول الله ﷺ زکوة الفطر صاعاً من تمراً اوصاعاً من شعیر علی العبد والحر والذکر والانثی والصغیر والکبیر من المسلمین وامر بها ان تودای قبل خروج الناس الی الصلوة) ([2]) رواه البخاری ومسلم.

از این حدیث متفق علیه به صراحت ثابت می گردد که پیامبر (ﷺ) حکم فرموده که صدقه فطر قبل از نماز عید اخراج گردد ([3]) پس ثابت گردید که عمل سرداران مذکور خلاف سنت بوده وبی اصل می باشد.

اگر بر ذمه فقیری قرضی باشد آیا می توان آنرا درصدقه فطر حسال کرد: سوال: (۵۶۰) قرض شخصی بر ذمه کسی می باشد که مدیون مفلس ونادار است اگر قرض دهنده قرض مذکور را درصدقه فطر حساب کند ایا صدقه فطر اداء خواهد شد یانه؟

جواب: بدین ترتیب صدقه فطر اداء نخواهد شد بدون حصول دین با مجرا کردن آن در صدقه فطر صدقه فطر اداء نمی گردد دراینصورت فقها نوشته اند که برایش داده شود وسپس در ([4])

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۱۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳٦٤. ظفیر

(۲) مشکوٰة باب صدقة الفطر فصل اول ص ۱٦۰. ظفیر

(۳) وصحابه کرام به آن عمل کرده واستدلال به حدیث بخاری گذشت (وکانوا یعطون قبل الفطر بیوم او یومین قال في الفتح وهذا مما لایخفی علی النبی ﷺ بل لابد من کونه باذن سابق فان الاسقاط قبل الوجوب مما لایعقل فلم یکونوا یقدمون علیه الابسمع (ردالمحتار باب صدقة الفطر ص ۱۰٦ ج ۲). ظفیر

(٤) ویشترط ان یکون الصرف تملیکا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤٤) وحیلة =

مقابل قرض حصول گردد یعنی دادن به او ضروری می باشد.

مقدار نصف صاع چیست: سوال: (٥٦١) نصف صاع به وزن امروزی چقدر است؟

جواب: اگر صدقه فطر از گندم داه شود دادن نصف صاع واجب می باشد ونصف صاع به وزن انگلیسی ٣\٤ ١ کیلو یعنی یک کیلو وهفتصد وپنجاه گرام می باشد ([1]).

آیا مقدار صدقه فطر ۱\۴ ۱ کیلو گرام است: سوال: (٥٦٢) مقدار صدقه فطر کمتر از ١\٤ ١ کیلو می باشد طوریکه در عمدة الرعایة امده پس چرا بعضی از مردم ٣\٤ ١ کیلو می گویند این قول از کدام کتاب ثابت است؟

جواب: صدقه فطر مطابق وزن سبعه که مثقال چهار ونیم ماش قرار می گیرد طوریکه معروف می باشد به وزن انگلیسی تقریباً ٣\٤ ٢ کیلو می شود این وزن محاسبه گردیده واحوط همین است ([2]). فقط

مولانا عبدالحی ووزن صاع: سوال: (٥٦٣) مولوی صاحب عبدالحی در حاشیه شرح وقایه در باب زکات نوشته است که یک مثقال سه ماشه ویک رتی می باشد بدین حساب وزن صاع دوکیلو یازده توله وشش ماشه می شود ونصف صاع یک کیلو وپنج توله ونه ماشه آیا این محاسبه غلط است؟

جواب: آنچه را مولوی صاحب عبد الحی در مورد وزن مثقال نوشته درحقیقت وزن درهم می باشد ودرآن کسر رتی نیز ترک گردیده ووزن مثقال چهار ونیم ماشه می باشد طوریکه عموماً مشهور است وعلمای دهلی همین وزن را شمار کرده اند وغیاث اللغات نیز آنرا صحیح دانسته است ونوشته است که مثقال به کسرنام یک وزن می باشد که چهار ونیم ماشه است لذا (٧٢٠)

= الجواز ان یعطی مدیونه الفقیر زکاته ثم یاخذها عن دینه ولو امتنع المدیون مدیده واخذها لکونه ظفر بجنس حقه (درمختار) قوله حیلة الجواز الخ ای فیما اذا کان له دین علی معسر واراد ان یجعله زکوٰة الخ (ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج٢ ص ١٦ ، ط. س. ج٢ ص ٢٧١). ظفیر الدین غفر الله له

(١) نصف صاع فاعل یجب من بر او دقیقه او سویقه الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج٢ ص ١٠٣ ، ط. س. ج٢ ص ٣٦٤). ظفیر

(٢) هو ای الصاع المعتبر ما یسع الفا واربعین درهما من ماش وعدس اتام قدر ربهما لتساویهما کیلا ووزن والتفصیل فی الشامی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج٢ ص ١٠٤ ، ط س. ج٢ ص ٣٦٥). ظفیر

مثقال که وزن صاع می باشد چون در چهار ونیم ماشه ضرب شود حاصل سه هزار دوصد وچهل ماشه می شود وچون به توله تبدیل گردد (۲۷۰) توله می شود وچون بر هشتاد تقسیم شود سه کیلو ودونیم پاو می گردد پس همین وزن صاع بوده ومعمول وصحیح همین است که از وزن سبعه حساب گردیده ودرصدقه فطر احتیاط همین است.

دادن صدقه فطر در رمضان درست است یانه: سوال: (٥٦٤) دادن صدقه فطر در دهه اول دوم ویا آخر رمضان المبارک درست است یانه وبه همین ترتیب دادن زکات در آغاز یا وسط سال ونزد شخصی که زیورات یا نقد بیشتر از قرض یا کمتر از آن یا به مقدار نصاب موجود باشد زکات بر او فرض است یانه؟

جواب: دادن صدقه فطر در رمضان المبارک درست است خواه در هر دهه ای که داده شود (۱) واگر نزد کسی زیور یا رقم نقد بیشتر از قرض باشد وبه قدر نصاب موجود باشد (۲) زکات بر او واجب است واگر پس از ادای قرض به حد نصاب باقی نماند یعنی بیشتر از قرض به اندازه نصاب موجود نباشد زکات بر او واجب نیست (۳) همچنان زکات را می توان قبل از اتمام سال داد. فقط

درصدقه فطر دادن قیمت درست است یانه: سوال: (٥٦٥) درصدقه فطر به جای جنس دادن قیمت ورقم نقد جائز است یانه عده ای از علماء می گویند که دادن قیمت به جای جنس مانند آن است که به جای قربانی رقم نقد داده شود.

جواب: در صدقه فطر دادن قیمت به جای غله بدون کراهیت درست بوده وحکم آن مانند قربانی نمی باشد (٤) وبه جای قربانی در ایام اضحیه دادن قیمت جائز نیست. (٥)

---

(۱) والمستحب ان يخرج الفطرة يوم الفطر قبل الخروج الى المصلى الخ فان قدمها يوم الفطر جاز لانه ادى بعد تقرر السبب فاشبه التعجيل فى الزكاة ولا تفصيل بين مدة ومدة هو الصحيح (هدايه باب صدقة الفطر ج۱ ص ۱۹۳). ظفير

(۲) ومن كان عليه دين يحيط بماله فلازكوٰة عليه الخ وان كان ماله اكثر من دينه زكى الفاضل اذا بلغ نصابا (هدايه كتاب الزكوٰة ج۱ ص ۱٦۸). ظفير

(۳) وان قدم الزكوٰة على الحول وهو مالك لنصاب جاز لانه ادى بعد سبب الوجوب فيجوز هدايه كتاب الزكوٰة فصل فى الخيل ج۱ ص ۱۷٦). ظفير الدين غفر الله له

(٤) دفع القيمة اى الدراهم افضل من دفع العين على المذهب المفتى به. جوهره وبحر عن الظهيرية وهذا فى السعة اما فى الشدة فدفع ←

درصدقه فطر قیمت کدام محل اعتبار دارد: **سوال:** (۵٦٦) شهر از منطقه ما چهارده کیلومتر فاصله داشته ودر قریه ما بازار بزرگی وجود دازد که اکثر الشیای ضروری در آن یافت می شود وبعضی از اجناس کمیاب می باشد ونرخ آن در مقایسه باشهر بسیار بلند است ودائماً در همین بازار به تجرید وفروش می پردازیم گندم دراین بازار وجود نداشته ودر بازار شهر موجود است اما آرد در همین بازار دستیاب می باشد اما قیمت نهایت بلند بوده ودر شهر ار زان می باشد آیا برای ما جائز است که صدقه فطر را به قیمت شهر اخراج کنیم یانه؟

جواب: درصدقه فطر قیمت گندم اعتبار داشته ومنظور همان قیمتی باشد که در محلی که داده می شود معمول باشد نه درشهر که دور است. [1]

بر مالک زمین صدقه فطر واجب است یانه: **سوال:** (۵٦۷) شخصی آنقدر زمین دارد که اگر زمین خود را بفروشد می تواند قرض خود را اداء کند وپس از آن آنقدر زمین نزدش باقی خواهد ماند که به مشکل با آن گذاره کند شخص مذکور عیالدار می باشد آیا صدقه فطر بر او واجب است یانه؟

جواب: در وجوب صدقه فطر وقربانی بر چنین شخص اختلاف می باشد واحتیاط در آن است که صدقه فطر را اداء نموده وقربانی کند واگر نکند گنهگار نمی شود زیرا مطابق قول مفتی به صدقه فطر وقربانی بر او واجب نیست. [2]

کسی که به قیمت دوصد درهم زمین داشته باشد صدقه فطر بر او واجب است یانه:

سوال: (۵٦۸) نزد شخصی زمین خراجی وجود دارد که خود آنرا کشت می کند وقیمت آن

= العین افضل کما لایخفی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطرة ج۲ ص ۱۰٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳٦٦). ظفیر

(۵) ومنها انه لایقوم غیرها مقامها فی الوقت حتی لوتصدق بعین الشاة اوقیمتها فی الوقت لایجزئه عن الاضحیة (عالمگیری کتاب الاضحیة ج۵ ص ۲۹۳). ظفیر

(۱) وجاز دفع القیمة فی زکاة وعشر وخراج وفطرة الخ وتعتبر یوم الوجوب الخ ویقوم فی البلد الذي المال فیه الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب زکاة الغنم ج۲ ص ۲۹ – ۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۵). ظفیر

(۲) سئل محمد عمن له أرض یزرعها أو حانوت یستغلها أو دار غلتها ثلاثة آلاف ولا تکفي لنفقته ونفقة عیاله سنة یحل له أخذ الزکاة وإن کانت قیمتها تبلغ ألوفا، وعلیه الفتوی، وعندهما لا یحل اه (ردالمحتار ج۲ ص ۸۸ ج۲ ص ۳۴۸) علی کل حر مسلم الخ ذی نصاب فاضل عن حاجة الاصلیة کدینة وحوائج عیاله وان لم ینم وبه ای بهذا النصاب تحرم الصدقة وتجب الاضحیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۹۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۹ و۳٦۰). ظفیر

بیش از دوصد درهم می باشد اما حاصلات آن بیشتر از خوراک یکماه نیست صدقه فطر وقربانی بر چنین شخصی واجب است یانه واین زمین درحاجت اصلیه داخل می باشد یانه؟

جواب: صدقه فطر وقربانی مطابق قول امام محمل بر او واجب نیست وشامی گفته که فتوی بر همین قول می باشد وزمینی که درآن زراعت میکند وبرای نفقه عیالش کافی نمی باشد در حاجت اصلیه داخل است: (سئل محمد رح عمن له ارض یزرعها او حانوت یستغلها او دار غلتها ثلاثة آلاف ولاتکفی لنفقته ونفقة عیاله سنة یحل له اخذ الزکوة وان کانت قیمتها تبلغ الوفا وعلیه الفتوی وعندهما لا یحل) (۱).

شخصی که پس از تقسیم صاحب نصاب نباشدصدقه فطر بر او واجب نیست: سوال: (۵۶۹) مال چهار برادر مشترک می باشد که اگر تقسیم شود سهم هیچ کدام به اندازه نصاب نمی باشد قربانی بر ایشان واجب است یانه؟

جواب: در صورتیکه سهم هیچ یک از برادران به حد نصاب نرسد صدقه فطر وقربانی بر هیچ یک از ایشان واجب نیست. (۲)

نرخ شهر دیگر درصدقه فطر اعتبار ندارد: سوال: (۵۷۰) نرخ گندم در شهر خود را گذاشته وبه حساب نرخ شهر دیگر صدقه فطر دادن معتبر است یانه؟

جواب: قیمت همان شهر اعتبار داشته وقیمت شهر دیگر اعتبار ندارد (۳).

در گندم سبوس وارد آن فر قی دارند یانه: سوال: (۵۷۱) صدقه فطر درگندم سبوس وآرد از هم فرقی دارند یانه؟ **جواب:** صدقه فطر در همه باید نصف صاع داده شود یا قیمت آن. (۴)

وزن مثقال دینار ودر چقدر است: سوال: (۵۷۲) وزن مثقال دینار ودرهم چقدر است؟

---

(۱) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸. ظفیر

(۲) تجب الخ علی کل حر مسلم الخ ذی نصاب فاضل عن حاجته الاصلیة الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۹۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۹ و۳۶۰). ظفیر

(۳) ویقوم فی البلد الذی المال فیه ولو فی مفازة ففی اقرب الامصار الیه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة الغنم ج۲ ص ۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۸۶). ظفیر

(٤) نصف صاع من بر او دقیقه اوسویقه اوزبیب الخ اوصاع تمر اوشعیر ولو ردیئا وما لم ینص علیه کذرة وخبز یعتبر فیه القیمة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص۱۰۳ – ۱۰٤ ، ط. س. ج۲ ص۳۶). ظفیر

جواب: مثقال ودینار چهار ونیم ماشه درهم سه ماشه ویک ونیم رتی بوده ویک ماشه هشت رتی می باشد (۱)

اگرصدقه فطر درعوض قرض مجرا شود صدقه فطر اداء گردد یانه: **سوال**: (۵۷۳) من بر زید مبلغی قرض دارم که آنرا داده نمی تواند اگر به او بگویم که مبلغی که نزد تو موجود است آنرا درصدقه فطر به تومی دهم صدقه فطر اداء خواهد شد یانه؟

جواب: بدین ترتیب صدقه فطر اداء نمی شود طوریکه زکات به این شکل اداء نمی گردد دراین مورد فقها نوشته اند که صدقه فطر یا زکات به او داده شود وپس از آن در بدل قرض دوباره از او حصول گردد (۲).

مسائل ذیل درست است یانه: **سوال**: (۵۷٤) یک مولوی صاحب کتابی تألیف نموده ومولیف کتاب حنفی پخته وسنی می باشد دراین کتاب دربیان صدقه فطر نوشته شده که صدقه فطر را از جانب خود واز جانب غلام وکنیز خود از جانب طفل خورد سال خود نیز اگر چه غنی نباشد اداء کنید ودادن صدقه فطر ازسوی زن پسر ودختر جائز نیست اگر ایشان صاحب نصاب باشد خود اداء نمایند این صحیح واین عبارت درست است یانه؟

جواب: اصلا مسأله آن است که دادن صدقه فطر از سوی زن وپسر بالغ بر ذمه شخص واجب نیست اما اگر اداء کند دوست است چون ایشان در عیال او می باشند یعنی صدقه فطر ادا خواهد شد پس در کتاب مذکور به جای اینکه نوشته (جائز نیست) باید می نوشت (واجب نیست) طوریکه در الدر المختار وشامی آمده: (لا عن زوجته وولده الکبیر العاقل ولو ادی عنهما بلا اذن اجزأ استحساناً عادة ای ولو فی عیاله) (۳) وعبارت شامی چنین است: (لا یجب علیه (٤)) همچنان درآن آمده: (قال فی البحر وظاهر الظهیریة انه لوادی عمن فی عیاله بغیر امره جاز مطلقاً

---

(۱) والدینار عشرون قیراط الخ والمثقال مائة شعیرة فهو درهم وثلاث اسباع درهم (ایضا باب زکوة المال ج۲ ۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۹۵ – ۲۹٦). ظفیر

(۲) واداء الدین عن العین وعن دین سیقبض لا یجوز وحیلة الجواز ان یعطی مدیونه الفقیر زکاته ثم یاخذها عن دینه ولو امتنع المدیون مدیده واخذها لکون ظفر بجنس حقه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکاة ج۲ ص ١٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۱). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۱۰۲ – ۱۰۳ . ط. س. ج۲ ص ۳٦۳. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب صدقة الفطر تحت قوله لاعن زوجة ج۲ س ۱۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳٦۳. ظفیر

بغير تقييد بالزوجة والولد) ([1]).

پسرجوانی که عاید خود را به پدر خود میدهد آیا صدقه فطر بر واجب است یانه:

سوال: (۵۷۵) شخصی دو پسر دارد هر دو پسرش درتمام سال مبلغ دوالی سه صد روپیه بدست آورده وآنرا به پدر خود می دهند مالک خانه پدر ایشان است ایشان جدا از پدر یک هبه نیز ندارند و هر دو دارای اطفال خورد سال می باشند در چنین صورتی بر ان دو برادر زکات یا صدقه افطر یا قربانی واجب است یانه یا اینکه از جانب آنها نیز بر پدر ایشان واجب است.

جواب: بر ایشان زکات صدقه فطر وقربانی واجب است. ([2])

صدقه فطر به حساب وزن انگلیسی: سوال: (۵۷٦) الف: صدقه فطر به وزن انگلیسی چند کیلو است در حاشیه شرح وقایه یک صاع معادل ۲۵۲ توله نوشته شده این قول صحیح است یانه؟

اگر به حساب کیلویی که چهل روپیه وزن دارد ۳ ۱\۴ کیلو گندم داده شود صدقه فطر اداء می گردد یانه: سوال: (۵۷۷) :ب: نزد ما وزن یک کیلو معادل چهل روپیه می باشد اگر به حساب این وزن درصدقه فطر ۱\٤ ۳ کیلو داده شود صدقه فطر اداء می شود یانه اگر اداء نمی شود همان قدر کمی که باقی مانده پوره گردد یا دوباره داده شود؟

برنج وغیره درصدقه فطر به چه مقداری داده شود: سوال: (۵۷۸) ج: برنج جواری وباجره در صدقه فطر نصف صاع دا ده شود یا پوره یک صاع؟

جواب: (الف ب): اما چون صاع را به حساب مثقال محاسبه نموده ایم ۲۷۰ توله یک صاع می باشد بلکه به حساب دراهم سه توله بیشتر از این است یعنی ۲۷۳ توله پس به وزن انگلیسی یک صاع برابر به سه کیلو ویک ونیم پاو ونیم چتانک است پس احتیاطاً باید جو وخرما به وزن انگلیسی سه ونیم کیلو گندم کیلو داده شود واگر به کیلویی که چهل روپیه وزن دارد داده می شود باید سه ونیم کیلو گندم در صدقه فطر داده شود واگر نزدیک به سه توله از این مقدار

---

(۱) رد المحتار باب صدقة الفطر تحت قوله عن روجته ص ۱۰۳ . ظ. س. ج۲ ص ۳٦۳ ظفير

(۲) تجب الخ على كل مسلم الخ ذى نصاب فاضل عن حاجته الاصلية الخ وبه تحرم الصدقة وتجب الاضحية ونفقة المحارم (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۹۹ . ظ. س. ج۲ ص ۲۵۹ و۲٦۰) ظفير

کمتر باشد نیز درست است ودر صورت کم دادن پوره کردن همان مقدار کم کافی می باشد.

ج: اگر برنج جواری یا باجره در صدقه فطر داده شود باید آنقدر باشد که قیمتش برابر ۱ ۳\٤ کیلو گندم شود زیرا در غیر منصوص پوره کردن قیمت منصوص ضروری می باشد ودر الدر المختار چنین چیزی آمده است (۱).

آیا می توان در (پورت بلیر) جایی که زندانیان به سر می برند ومساعدت قانوناً منع است صدقه فطر داد: سوال: (۵۷۹) الف: من در (پورت بلیر) زندگی می کنم جایی که محبوسین جنگی هندوستان را پس از عبور از دریای شور به آنجا می فرستند قانوناً هر نوع معاونتی با این زندانیان منع می باشد آیا می توانم به ایشان صدقه فطر بدهم؟

در جایی که غیر از زندانیان کس دیگری نیست صدقه فطر چگونه اداء میگردد: سوال: ۵۸۰: ب: در اینجا غیر از زندانیان مسکین دیگری وجود ندارد پس صدقه فطر چگونه داده شود؟

جواب: (الف ب) دادن صدقه فطر به ایشان جائز است. (۲)

آیا زندانیان در شمار مساکین اند: سوال: (۵۸۱) آیا زندانیان در شمار مساکین می باشند؟

جواب: وقتیکه نزد ایشان به اندازه نصاب مال نباشد درجمله مساکین بوده ودادن صدقه فطر به ایشان درست است (۳).

صدقه فطر برکدام مردم واجب است: سوال: (۵۸۲) زید می گوید که صدقه فطر برذمه هر مسلمان بالغ وعاقل واجب بوده وصدقه فطر اولاد صغیرش نیز برذمه او می باشد عمرو می گوید که صدقه فطر بر ذمه کسانی است که روزه می گیرند وعاقل وبالغ باشند.

جواب: قول زید صحیح بوده وگفته عمرو غلط می باشد مساله همان است که زید می گوید که صدقه بر هر مسلمان عاقل بالغ از طرف خودش واز سوی اطفال صغیرش بر ذمه او واجب می

---

(۱) ومالم ینص فی کذرة وخبز یعتبر فیه القیمة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۱۰٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳٦٤) ظفیر الدین غفر الله له

(۲) قوله مصرف الزکوٰة الخ وهو مصرف ایضا لصدقة الفطر الخ هوفقیر وهو من له ادنیٰ شیئ ای دون نصاب الخ والمسکین من لاشیئ له الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ – ۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(۳) فقیر وهو من له ادنیٰ شیئ ای دون نصاب اوقدر نصاب غیر تام مستغرق فی الحاجة (ایضا) . ط. س. ج۲ ص ۳۳۹. ظفیر

باشد [1]. فقط

آیا می توان در بنگال به جای گندم درصدقه فطر برنج داد: سوال: (۵۸۳) بعضی از مولوی های بنگال فتوی داده اند که در عرب گندم جو انگور وخرما وجود داشت لذا درصدقه فطر به دادن آن ها حکم شد در اینجا برنج قایم مقام گندم جو خرما وانگور می باشد لذا با دادن نیم صاع برنج یا قیمت آن صدقه فطر اداء می گردد اینکار جائز است یانه؟

جواب: فقهای حنفی تصریح فرموده اند که غیر از اشیای منصوص اگر چیز دیگری درصدقه فطر داده شود باید مقدارش آنقدر باشد که با قیمت منصوص مساوی گردد مثلاً برنج اگر داده می شود باید به مقداری داده شود که قیمت آن برابر نصف صاع گندم یا یک صاع جو باشد در الدر المختار آمده که احوط همین است. [2]

صدقه فطر بر اهل نصاب واجب است: سوال: (۵۸٤) دادن صدقه فطر بر هر روزه دار واجب است یاتنها بر اهل زکات؟

جواب: دادن صدقه فطر بر اهل نصاب واجب است اما نصاب زکات ونصاب صدقه فطر از همدیگر فرق دارند ودر صدقه فطر قابل نمو بودن مال شرط نیست. [3]

اگر خوراک تمام سال یا مقداری زمین موجود باشد صدقه فطر واجب است یانه: سوال: (۵۸۵) الف: اگر در روز عید نزد ما خوراک تمام سال که قیمت آن صد روپیه نمی شود یا مقداری زمین که قیمت آن صد روپیه است موجود باشد در اینصورت صدقه فطر بر ما واجب است یانه؟

گاوی که برای شیر باشد در حوائج اصلی داخل است یانه: سوال: (۵۸٦) ب: گاوی که جهت استفاده از شیر آن نگهداری می شود از حوائج اصلی زائد است یانه؟

---

(۱) یخرج ذالک عن نفسه لحدیث ابن عمر رضی الله عنه قال فرض رسول الله صلی الله علیه وسلم زکوة الفطر علی الذکر والانثی الحدیث. ویخرج عن اولاده الصغار الخ وممالیکه (هدایه باب صدقة الفطر ج۱ ص ۱۹۰). ظفیر

(۲) نصف صاع فاعل یجب من بر اودقیقه اوسویقه اوزبیب الخ اوصاع تمر اوشعیر ولو ردیئا وما لم ینص علیه کذرة وخبز یعتبر فیه القیمة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص۱۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳٦٤). ظفیر

(۳) تجب موسعا في العمر عند اصحابنا وهو الصحیح الخ وقیل مضیقاً في یوم الفطر عینا بعده یکون قضاء علی کل مسلم الخ ذی نصاب فاضل عن حاجته الاصلیة الخ وان لم ینو (ایضا صدقة الفطر ج۲ ص۹۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۸). ظفیر

درصدقه فطر منظور ازحوائج اصلی چیست: سوال: (۵۸۷) ج: در صدقه فطر که قید (فاضلاً عن حوائج الاصلية) وجود دارد منظور همان حوائج اصلیه است که در نصاب می باشد یا چیز دیگری؟

دادن صدقه فطر از سوی پسر بالغ واجب نیست: سوال: (۵۸۸) د: پسر جوانی که در دستر خوان پدر نان می خورد دادن صدقه فطر او بر پدر واجب است یانه؟

جواب: الف: این غله از جمله حوائج اصلیه می باشد وبه اساس آن صدقه فطر واجب نمی گردد وزمینی که قیمت آن صد روپیه صدقه فطر به علت آن واجب است. [1]

ب: از جمله حوائج اصلیه می باشد.

ج: منظور همان حوائج اصلیه است.

د: دادن صدقه فطر از سوی اولاد بالغ واجب نیست. [2]

منظور از صاع بغدادی است یا مدنی: سوال: (۵۸۹) الف: درمذهب حنفی صدقه فطر به حساب صاع بغدادی داده می شود یا صاع مدنی ووزن هر یک از این دوصاع چقدر است؟

درصدقه فطر گندم به حه مقداری داده شود: سوال: (۵۹۰) ب: به قول مفتی به چقدر گندم در صدقه فطر باید داده شود زیرا یک مولوی صاحب ۱٤۵ توله می گوید ومولوی صاحب دیگر ۱\۲ ۹۲ توله در این میان کدام قول معتبر ومفتی به است.

جواب: (الف ب) شامی اختلاف طرفین را نقل نموده که نتیجه هر دویکی است وبه اساس محاسبه ای که من کرده ام نصف یک صد وسی وپنج توله می باشد به وزن انگلیسی تقریباً ۳\٤ ۱ کیلو یعنی یک کیلو وهفتصد وپنجاه گرام می شود پس باید درصدقه فطر احتیاطاً ۳\٤ ۱ کیلو گندم یا قیمت آن داده شود (قيل لا خلاف لان الثانی قدره برطل المدينة لانه ثلاثون استاراً والعراقی عشرون واذا قابلت ثمانية بالعراقی بخسمة وثلاث بالمدينی وجدتهما سواءً وهذا هو الاشبه ن محمداً لم يذكر خلاف ابی يوسف ولو كان لذ كره لانه اعرف بمذهبه) ودر شامی آمده:

---

(۱) تجب (صدقة الفطر) على كل حرمسلم الخ ذی نصاب فاضل عن حاجته الاصلية كدينه وحوائج عياله وان لم ينو الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۹۸ . ط. س. ج۲ ص ۲۵۹ و۲٦۰). ظفير

(۲) لاعن زوجته وولده الكبير العاقل ولو ادی عنهما بلااذن اجزا استحسانا (ايضا ج۲ ص ۱۰۲ . ط. س. ج۲ ص ۳٦۳). ظفير

[۱] (اعلم ان صاع اربعة امداد والمد رطلان والرطل نصف من والمن بالدراهم مائتان وستون درهماً وبالاستار اربعون والاستار بالدراهم ستة ونصف) [۲] یک استار چهار ونیم مثقال ویک مثقال چهار ونیم توله می باشد پس چهل استار مساوی شصت وهفت ونیم توله من گردد که عبارت از یک من یا یک من می باشد ومن ومد برابر اند پس دومد یعنی نصف صاع برابر به ۱۳۵ توله می شود.

مقدار نصف صاع: سوال: (۵۹۱) مقدار نصف صاع به کیلوی که ۸۲ توله می باشد وبه حساب کیلویی ۸۰ توله می باشد چقدر است اگر قیمت نصف صاع کشیده شود مثلاً نصف صاع ۶ آنه قیمت داشته باشد در بازار هرگز به شش آنه بدست نمی آید بلکه به ۷ یا۱\۲ ۶ آنه بدست خواهد امد پس صدقه فطر به چه قیمتی داده شود؟

جواب: به حساب کیلوی هشتاد توله ای یعنی وزن انگلیسی یک صاع ۱\۲ ۳ کیلو ونیم پاو ونصف چتانگ می شود ونصف آن قریب ۳\۴ ۱ کیلو می گردد.

اگر به حساب کیلو ۸۲ توله حساب شود نزدیک به یک چتانگی کم خواهد شد اما احتیاط همان است که ۳\۴ ۱ کیلو با قیمت آن اخراج گردد زیرا اگر کمی بیشتر داده شود خوب است پس قیمت ۳\۴ ۱ کیلو به اساس نرخ بازار داده شود ونفع فقیر مد نظر باشد.

درجا ی که گندم پیدا نمی شود درآنجا قیمت کجا اعتبار دارد: سوال: (۵۹۲) در جایی که گندم پیداء نمی شود آیا در آنجا نیز باید صدقه فطر به حساب گندم داده شود وقیمت کدام کشور درآن معتبر است؟

جواب: در جایی که گندم پیداء نمی شود مثلاً برنج پیدا می گردد باید همان قدر برنج در صدقه فطر داده شود که قیممت آن برابر نصف صاع گندم باشد وقیمت همان شهر وملک معتبر است یعنی جایی که صدقه فطر داده می شود. ([۳])

---

(۱) ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۱۰۴ ، ط. س. ج۲ ص ۳۶۵. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صدقة الفطر مطلب فی تحریر صاع المد والمن والرطل ج۲ ص ۱۰۴ ، ط. س. ج۲ ص ۳۶۵ ظفیر

(۳) والمستحب للناس ان یخرجوا الفطرة بعدطلوع الفجر یوم الفطر قبل الخروج الی المصلی (عالمگیری مصری کتاب الزکوٰة، باب ثامن صدقه فطر ج۱ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۲). ظفیر

درجایی که فقرا وجود نداشته باشند صدقه فطر چه وقتی اخراج گردد: سوال: (۵۹۳) در کشوری که فقراء شرعي وجود نداشته باشند مردم آنجا صدقه فطر را روز عید قبل از نماز کشیده ونزد شخص معتمد بگذارند وبعد از ان به فقرای دیگر کشورها ارسال دارند مستحب به جا خواهد شد یانه؟

جواب: دادن صدقه فطر به فقرا قبل از خروج به سوی نماز مستحب می باشد پس در اینصورت که صدقه فطر اخراج گردیده وعلیحده گذاشته شود وبه فقراء داده نشود مستحب اداء نمی گردد واین عادتاً متحقق نمی گردد که در کشوری فقرا وجود نداشته باشند اگر در واقعیت چنین باشد پس باید به فقرای جای دیگری فرستاده شود وآن شخص به دلیل عذر تارک مستخب گفته نمی شود (۱).

شخصی آنقدر کشت دارد که برای یکسالش کفایت نمی کند صدقه فطر بر او است یانه: سوال: (۵۹٤) شخصی ملک نصاب طلا ونقره نیست مگر نزد او یک پاره یا دو پاره زمین است که قیتمش پنجاه ودو روپیه می شود وحاصلات غله آن نیم سال یا اضافه از نیم سال او می گردد آیا دادن صدقه فطر بر چنینی شخص واجب است وخوردن آن برایش حرام؟

جواب: مطابق روایت صحیحه مفتدی بها صدقه فطر برآن شخص واجب نیست واو خود محل ومصرف زکات وصدقات است در شامی آمده: (وفیها سئل محمد (رح) عمن له ارض یزرعها او حانوت یستغلها او دار غلتها ثلاثة آلاف ولاتکفی لنفقة ونفقة عیاله سنة یحل له اخذ الزکوة) (۲).

سوال: (۵۹۵) در ص۷۱ ج۲ شامی تحت قول (فارغ عن حاجته) نوشته (وفیها سئل محمد عمن له ارض یزرعها او حانوت یستغلها او دار غلتها ثلاثة آلاف ولاتکفی لنفقة ونفقة عیاله سنة یحل له اخذ الزکوة وان کانت قیتمها تبلغ الوفاء وعلیه الفتوی وعند هما لایحل) (۳) اگر فتوی بر آن صحیح است پس شما چرا نوشته بودید که شخصی که دوباره زمین دارد که قیمت آن صد روپیه

---

(۱) والمستحب للناس ان یخرجوا الفطرة بعدطلوع الفجر یوم الفطر قبل الخروج الی المصلی (عالمکیری مصری کتاب الزکوٰة، باب ثامن صدقه فطر ج۱ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۲). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۸. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳٤۸. ظفیر

است صدقه بر او واجب است جواب چه می باشد؟

جواب: مطابق مذهب شیخین نخست صدقه فطر احتیاطاً نوشته شد که آن نیزصحیح است واگر قول امام محمد مفتی به گفته شود این نیز صحیح می باشد.

جواب یک مشکل: **سوال**: (۵۹۶) بعد از سلام که سنت اسلام است به عرض می رسانم که جواب مسائل پرسیده شده به وقتش شده وباعث سر افرازی وامتنان گردید اما در مورد زکات نقره هنوز خدشه باقی مي باشد وعلت آن است که حضرت مولانا صاحب عبدالحی لکنوی مرحوم درعمدة الرعایة نوشته اند مقدار آن (دوصد درهم) سی وشش توله وپنج ونیم ماشه است وبه حساب مبایع روپیه های چهره دار انگلیسی تخمیناً واحتیاطاً سی ونه روپیه می شو از این عبارت دو خدشه پیدا شده است یکی اینکه جناب شما ۱\۲ ۵۲ توله می فرمائید ومولانای مرحوم سی وشش توله وپنج ونیم ماشه فرموده اند ودفع معارضه آن از این حقیر متصور نیست دیگر آنکه مولانای مرحوم فرموده اند سی وشش تولی وپنج ونیم ماشه نمی دانم از آنقدر نقره چگونه سی ونه روپیه حاصل می شود در حالیکه هرک روپیه انگریزی یک توله زن دارد در خیالم می گذرد که شاید شی مغشوش را از سکه انگلیسی وضع کرده اند والله اعلم بالصواب.

وهمچنان در حاشیه الدر المختار مطبوعه نولکشوری محشی چنین نوشته اند: (فیکون الدرهم سبعة عشر طولجة ونصف طولجة ای رتی لانها اربع شعیرة ولثمان رتی ماشه فیکون الدرهم ماشتین وواحد ونصف رتی فیکون من الذی هو ما بهادرهم اربعمائة وسبعة وثلاثین ماشة ونصف ماشة ولاتنهی عشره ماشة قوله فیکون النصاب منها بحساب التولة ستة وثلاثین توله وخمسة ماشه بحساب الروبیه الساهنه التی هی احدی عشرة ماشه تسعة وثلاثین روپیه وثمان ماشه فیحکم تسهیلاً اربعین روبیه) ([1]) در حاشیه راه نجات دیده ام که درهم به حساب قدیم الزمان پنج ونیم تولی است یعنی به توله بنارسی این شک را حل فرمائید.

جواب: علت فرق در تحریر مولانا صاحب عبد الحی وتحقیق مصنف راه نجات وغیره این است

---

(۱) درحاشیه الدر المختار نولکشور بعد از (اربعین روبیة) این عبارت آمده. ویکون المثقال لثلث ماشة وواحد رتی فیکون النصاب من الذهب الذی هو عشرون مثقالا ثلث وستین ماشة ونصف ماشة ومن التولة خمس تولة وماشتین ونصف ماشة فیحکم علی خمسه ورىع توله والله اعلم. (درمختار نولکشوری ج۱ ص ۸) باب زکوٰة المال. ظفیر

که مولوی صاحب عبدالحی غالباً مثقال را چهار نیم ماشه قبول نکرده اند هرگاه مثقال چهار ونیم ماشه قبول نشود پس حسب اوزان سبعه که شرعاً معتبر است وزن درهم سه ماشه ویک ونیم رتی می باشد ودوصد درهم مساوی ۲\۱ ۵۲ توله می شود روپیه مروجه از یک توله سه رتی کم می باشد.

نصاب زکات ووزن مثقال: **سوال**: (۵۹۷) در غایة الاوطار ترجمه الدر المختار نوشته شده که مثقال چهار ماشه می باشد ونصاب زکات ۲\۱ ۵۲ توله نوشته شده در حالیکه در عمدة الرعایة حاشیه وقایه مثقال سه ماشه ویک رتی ونصاب زکات را ۳۶ توله وپنج ماشه نوشته شده قبلاً مردم در اینجا دو کیلو گندم به وزن انگلیسی صدقه فطر می دادند اکنون یک مولوی صاحب مقدار صدقه فطر ۲\۱ ۱ کیلو می داند؟

جواب: وزن مثقال چهار ونیم ماشه است در ترجمه غیاث اللغات نیز آمده که مثقال به کسر (م) نام یک وزن است که چهار ونیم ماشه می باشد واگر چه دراین مسأله اختلاف زیاد وجود دارد اما قول قوی همین است لذا اینکه در عمدة الرعایه وزن مثقال راسه ماشه ویک رتی نوشته درحقیقت وزن درهم است زیرا در شرع وزن درهم معتبر می باشد که به نام وزن سبعه مشهور است یعنی هفت مثقال برابر ده درهم می باشد پس وزن هفت مثقال به حساب چهار ونیم ماشه سی ویک ونیم ماشه می شود وچون بر ده تقسیم گردد یک درهم سه ماشه ویک ونیم می گردد وبه همین جهت در غیاث اللغات درهم راسه ونیم ماشه نوشته است خلاصه اینکه همین حسابی که در غایة الاوطار ترجمه الدر المختار نوشته صحیح واحوط می باشد ونصاب زکات ۲\۱ ۵۲ توله نقره و ۲\۱ ۷ توله طلا است از تحقیق شامی نیز چنین چیزی به نظر می آید وبه حساب مذکور نصف صاع تقریباً ٤\۳ ۱ کیلو به وزن انگلیسی می باشد پس صدقه فطر یک شخص ازگندم ٤\۳ ۱ کیلو می باشد واگر دو کیلو بد هد حرجی نیست وموجب ثواب بیشتر می گردد اما لذا ٤\۳ ۱ کیلو نباید کم بدهد.

در جلد دوم شامی در باب صدقه فطر چنین آمده: (قوله وهو ای الصاع اعلم ان الصاع اربعة امداد والمد رطلان والرطل نصف من والمن بالدارهم مائتان وستون درهما وبالاستار اربعون

والاستار بکسر الهمزة بالدراهم ستة ونصف وبالمثاقیل اربعة ونصف کذا فی شرح در رالبحار فالمد والمن سواء) ([۱]).

حاصل این تحقیق آن است که آنچه من بنده نوشته ام یک من یعنی وزن یک مد چهل استار ویک استار چهل مثقال است پس مجموعاً ۱۸۰ مثقال وبه حساب ماشه ۸۰ ماشه مساوی ۱\۲ ۶۷ توله می شود پس دومد یعنی نصف صاع برای ۱۳۵ توله می باشد اگر به وزن انگلیسی محاسبه شود چتانگ کم ۳\٤ ۱ کیلو می گردد به حساب دیگری که در عبارت شامی وزن من را به دراهم نوشته یک من ۲۶۰ درهم بوده به به این حساب سه توله زیاده می باشد بنا بر این به ۳\٤ ۱ کیلو حکم می شود.

حل اختلاف وزن نصف صاع به حساب هشتاد توله: سوال: (۵۹۸) به حساب کیلو هشتاد توله ای وزن صاع ونصف صاع چقدر است در مفتاح الجنة وزن نصف صاع را یک کیلو ودوازده چتانگ نوشته ودر لغات کشوری یک سیر ونة ونیم چتانگ آمده اکنون بر کدام قول باید عمل شود؟

جواب: به حساب کیلو هشتاد توله ای به اساس محاسبه ای که ما از روی کتب کرده ایم صاع تقریباً سه ونیم کیلو ونصف صاع ۳\٤ ۱ کیلو می باشد از شامی والدر المختار چنین چیزی استنباط گردیده واحتیاط همین است. ([۲])

اگر درقریه ای گندم پیدا نشود دادن صدقه فطر به حساب نرخ شهر چطور است: سوال: (۵۹۹) اگر در قریه شخصی گندم پیدا نشود ونرخ آرد بسیار بلند بوده ونرخ گندم در شهر ارزان باشد ایا می تواند به نرخ شهر صدقه فطر بدهد یا چطور؟

جواب: باید به حساب قریه خود صدقه فطر را اداء کرد اگر درآنجا گندم نباشد باید قیمت آرد محاسبه گردد یا قیمت یک صاع جوار حساب گردد منظور آنکه هر جنس منصوص که در آنجا یافت شود به اساس نرخ آن محاسبه صورت گیرد [۳].

---

(۱) ردالمحتار باب صدقه الفطر ص ۱۰٤ ج ۲.

(۲) وهو الصاع المعتبر ما یسع الفا واربعین درهما من ماش اوعدس انما قدر بهما لتساویهما کیلا ووزنا (در مختار) اعلم ان الصاع اربعة امداد والمد رطلان والرطل نصف من والدراهم مانان (ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۱۰٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۶۵). ظفیر =

درصدقه فطر به جای گندم دادن نصف صاع برنج چطور است: سوال: (٦٠٠) اگر در صدقه فطر به جای گندم نصف صاع برنج داده شود جائز است یا نا جائز؟

جواب: جائز است در صورتیکه قیمت صاع برنج با نصف گندم برابر ویا زیاده از آن باشد ([1]).

دادن صدقه فطر یک شخص به چند نفر چطور است: سوال: (٦٠١) دادن صدقه فطر یک شخص به چند نفر وعکس آن جائز است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (و جاز مع دفع کل شخص فطرته الی مسکین او مساکین علی ما علیه اکثر به جزم فی الوالو الجیة والخانیة والبدایع والمحیط وتبعهم الزیلعی فی الظهار من غیر ذکر خلاف وصححه فی البرهان فکان هوالمذهب کما جاز دفع صدقة جماعة الی مسکین واحد یعتدبه) ([2]) پس واضح شد که دادن صدقه فطر یک شخص به چند نفر وعکس آن جائز است.

بر زمیندار صدقه فطر واجب است یانه: سوال: (٦٠٢) بر هر قسم زمیندار چه زمین زیاد داشته باشد یا کم صدقه فطر واجب است یانه؟

جواب: مسأله دراین است کل وجوب صدقه فطر به کمی وزیادی زمین مربوط نیست بلکه ضرور آن است که از حاجات اصلیه اضافه باشد.

آنقدر زمین که قیمت آن دوصد درهم قریب ١\٢ ٥٢ توله نقره گردد در الدر المختار نوشته: (فاضل عن حاجته الاصلیة)

آیا درصدقه فطر برابر قیمت گندم دادن برنج یا نخود درست است یانه: آیا درصدقه فطر دادن برنج یا نخود به اندازه قیمت گندم جائز است یانه؟

جواب: جائز است.

درجایی که غله رایج باشد دادن نصف صاع درصدقه فطر کافی است یانه:سوال: (٦٠٣)

---

(٣) نصف صاع من بر او دقیقه اوسویقه اوزبیب الخ اوصاع تمر اوشعیر الخ ومالم ینص علیه کذرة وخبز یعتبر فیه القیمة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج٢ ص ١٠٣ ، ط. س. ج٢ ص ٣٦٤). ظفیر

(١) ومالم ینص علیه کذرة وخبز یعتبر فیه القیمة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج١ ص ١٤٥ ، ط. س. ج٢ ص ٣٦٤). ظفیر

(٢) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ص ١٤٥ ج١. ظفیر

اندازه صدقه فطر نصف صاع گندم ویک صاع جو مقرر است عده ای از علما بنگال می گویند که مسأله به گندم منحصر نیست وهر غله در جایی که بیشتر رواج باشد دادن نصف صاع از آن کافی می باشد وچون در بنگال برنج بیشتر رواج دارد دادن نصف صاع برنج کافی است؟

جواب: این قول ایشان کاملاً غلط است گندم در حدیث منصوص بوده وبرنج منصوص نیست پس باید آنقدر برنج داده شود که قیمت آن برابر نصف صاع گندم باشد ودادن برنج به صورت معین جائز نیست.

جواب مفتی صاحب:

جواب صحیح است در غیر منصوص مراعات قیمت ضروری می باشد مثلاً اگر برنج داده می شود باید آنقدر داده شود که باقیمت نصف صاع گندم برابر باشد که این مسأله در جواب نوشته شده که دادن برنج به صورت معین جائز نیست که معنای آن این است که دادن برنج بدون در نظر داشت قیمت گندم جائز نیست یعنی به دلیل عدم ورود نص مانند زکات درآن حکم می گردد از اینجا معلوم می شود که دادن غیر منصوص به اساس قیمت منصوص جائز می باشد.

صدقه فطر بر فقرا واجب نیست: **سوال**: (٦٠٥) بر مردم فقیر قریه ها دادن صدقه فطر واجب است یانه؟

جواب: صدقه فطر بر مردم فقیری که صاحب نصاب نیستند واجب نیست البته نزد کسانیکه به قیمت پنجاه ویا پنجاه ودو روپیه زمین یا خانه غیر از منزل مسکونی باشد یا زیور وغیره نزد شان به این مقدار باشد صدقه فطر بر ذمه ایشان واجب است.

درالدر المختار درباب صدقة الفطرآمده: (علی کل حرمسلم ذی نصاب فاضل عن حاجته الاصلية كدينه وحوائج عياله وان لم ينم (ص ٩٨ ج٢).

صدقه فطر زن برچه کسی واجب است: **سوال**: (٦٠٦) صدقه فطر زن بر شوهرش واجب است یا بر پدرش یا اینکه شوهر از مهرش بدهد نزد زن مال باشد یا نباشد؟

جواب: زن وقتی صاحب نصاب باشد صدقه فطر بر او واجب است اگر شوهر اداء کند اداء می شود بر پدرش واجب نیست (و لا يودی عن زوجته ولاعن اولاده الكبار وان كانوا فی عياله ولو

ادی عنهم او عن زوجته اجزاهم استحساناً كذا فی الهداية) (۱).

وزن صاع: سوال: (۶۰۷) وزن اصلی نصف صاع چقدر است وتحقیق کامل آن چیست وعمل برزگان چگونه بوده است؟

جواب: شامی صاع را چنین تحقیق کرده است: (اعلم ان الصاع اربعة امداد والمد رطلان والرطل نصف من والمن بالدراهم مائتان وستون درهماً وبالاستار اربعون والاستار بكسر الهمزه بالدراهم ستة ونصف وبالمثاقيل اربعة ونصف كذا فی شرح در رالبحار فالمد والمن سواء) (۲) لذا این تحقیق معلوم می شود که یک استار چهار ونیم مثقال است ووزن مثقال چهار ونیم ماشه می باشد پس چهل استار وزن یک مد جو است که ۸۱۰ ماشه می شود بدین ترتیب ۴۰ ۴\۱ ۴. که مساوی می باشد به ۲\۱ ۶۷ توله که وزن یک مد است چون صاع چهار مد است لذا صاع مساوی می شود به ۲۷۰ توله که به حساب وزن هشتاد سه کیلو ویک ونیم پاو می گردد پس نیم صاع یک چتانک کم ۴\۳ ۱ کیلو می باشد به همین جهت حکم به دادن ۴\۳ ۱ کیلو (سیر) به حساب وزن هشتاد می باشد چنان به نظر می آید که مولوی صاحب عاشق الهی یک چتانک کمی کرده طوریکه کسانیکه په ۴\۳ ۱ کیلو حکم نموده اند یک چتانک اضافه کرده اند وآشکار است که اضافه خوب بوده وکم کردن درست نیست وکسی که وزن نصف صاع را یک کیلو وسه چتانک گفته قولش به اساس تحقیق شامی درست نیست.

دادن صدقه فطر به یک شخص افضل است یا به چند نفر: سوال: (۶۰۸) دادن گندم صدقه فطر به یک شخص افضل است یا به چند نفر؟

جواب: دادن به چند شخص نیز درست است اما افضل آن است که یک صدقه به یک مسکین داده شود: (وجاز دفع کل شخص فطرته الی مسکین او مساکین الی قوله کتفریق الزکوة والامر فی حدیث اغنوهم للندب فيفيد الاولوية) (۳).

غیر از اشیای منصوص چیزهای دیگر درصدقه فطر: سوال: (۶۰۹) علمای دین دراین مورد

---

(۱) عالمگیری ص ۱۹۱ ج۱.

(۲) ردالمحتار باب صدقة ج۲ ص ۱۰۴ ، ط.س. ج۲ ص ۳۵۹ و ۳۶۰. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۱۰۶ ، ط.س. ج۲ ص ۳۶۱. ظفیر

چه می گویند که در جایی که طعام مردم برنج است دادن برنج به جای حطه وشعیر جائز است یانه شخصی می گوید که حضرت مولانا گنگوهی قدس سره بر جواز فتوٰی داده دعوایش صحیح است یا باطل تحقیق وتفتیش فرمائید.

جواب: درکتب فقه آمده که غیر از حطه وشعیر واشیای منصوص در چیز های غیر منصوص مانند برنج نخود باجره جواری وغیره باید قیمت مراعات گردد یعنی نخود برنج وغیره آنقدر داده شود که قیمت آن با نصف صاع گندم یا یک صاع شعیر وغیره برابر شود (و مالم ینص علیه کذرة وخبز یعتبر فیه القیمة) ([1]) پس در جایی که برنج خورده می شود آنقدر برنج در صدقه فطر داده شود که قیمت آن برابر نصف صاع گندم یا یک صاع جو باشد در مورد قول مولانا گنگوهی (رح) من چیزی نمی دانم.

وجوب فطره وقربانی: **سوال**: (۶۱۰) صدقه فطر وقربانی بر چه مردمی واجب است ومستحق صدقه فطر کدام مردمی هستند روزه دار یا عوام الناس وشخصی که قرضدار است صدقه فطر بر او واجب می باشد یانه؟

جواب: اداء کردن صدقه فطر بر ذمه شخصی واجب است که صاحب نصاب یعنی غنی باشد یعنی مقداری نقد یا زمین داشته باشد که قیمت آن به اندازه نصاب نقره باشد وشخصی که چنین نیست صدقه فطر بر او واجب نمی باشد ([2]) وصدقه فطر باید به شخص محتاج داده شود بهتر است که به مردم خوب نماز خوان وروزه گیر داده شود اما اگر به محتاجان غیر روزه دار داده شود باز هم صدقه فطر اداء می گردد وقربانی نیز برکسانی واجب است که غنی ومالک نصاب باشند وکسی که قرضش زیاد است طوریکه اگر قرض را اداء کند به قدر نصاب نزدش باقی نماند صدقه فطر وقربانی بر او واجب نیست.

تحقیق صاع: **سوال**: (۶۱۱) وزن صدقه فطر چقدر است قاضی صاحب ثناء اللہ هشت رطل را

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۱۰۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۶۷. ظفیر

(۲) تجب (ای صدقة الفطر) (الی قوله) علی کل حر مسلم ولو صغیرا مجنونا، حتی لو لم یخرجها ولیهما وجب الاداء بعد البلوغ (ذي نصاب فاضل عن حاجته الاصلیة) کدینه وحوائج عیاله (وإن لم ینم) کما مر (وبه) أي بهذا النصاب (تحرم الصدقة) کما مر، وتجب الاضحیة ونفقة المحارم علی الراجح (درمختار علی هامش ردالمحتار ج۲ ص ۹۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۹، ۳۶۰). ظفیر

یک صاع گفته ویک مولوی صاحب وزن صاع را دوسیر (کیلو) وشش چتانک می گوید کدام قول صحیح است؟

جواب: وزن صاع همان است که قاضی صاحب (رح) بیان فرموده وبرهمین فتوی عمل می شود ([1]) به حساب وزن انگلیسی یک صاع سه ونیم کیلو ونیم پاو می باش دو وزن نیم صاع ٣\٤ ١ کیلو ویک چتانک می گردد که در اینجا مطابق آن صدقه فطر داده می شود واحتیاط در همین است واینکه مولوی صاحب وزن صاع را دوکیلو وشش چتانک بیان نموده صحیح نیست وکسانیکه مطابق این قول صدقه فطر اداء کرده اند باید مقدار باقی مانده را نیز بدهند.

<u>وزن نصف صاع</u>: سوال: (٦١٢) وزن اصلی نصف صاع چقدر است این مسأله را بصورت تحقیقی بیان دارید ما ندیده ایم که بزرگان ما براین عمل کرده باشند.

جواب: شامی در مورد وزن صاع چنین تحقیق کرده است: (اعلم ان الصاع اربعة امداد والمد رطلان والرطل نصف من والمن بالدراهم مائتان وستون درهما وبارستار اربعون والاستار بکسر الهمزه بالدراهم ستة ونصف بالمثاقیل اربعة ونصف کذا فی شرح در رالبحار فالمدو المن سواء) ([2]) از این تحقیق آشکار است که یک استار چهار ونیم مثقال بوده ووزن مثقال چهار ونیم ماشه می باشد پس چهل مثقال که وزن یک مد است ٨١٠ ماشه می گردد که ١\٢ ٦٧ توله می شود پس چون ١\٢ ٦٧ توله وزن یک مد است وزن صاع برابر چهار مد می باشد یعنی یک صاع ٢٧٠ توله می شود که به حساب وزن هشتاد سه کیلو ودونیم پاو می شود پس نیم صاع یک چتانک کم نموده وکسانیکه ٣\٤ ١کیلو می گردد لذا به دادن ٣\٤ ١ کیلو گندم در صدقه فطر حکم می گردد.

مولوی صاحب عاشق الهی یک چتانک کم نموده وکسانیکه ٣\٤ ١ کیلو می گویند یک چتانک اضافه کرده اند وآشکار است که کمی زیادت بهتر بوده وکم کردن خوب نیست وکسی نیم صاع را یک کیلو وسه چتانک گفته قول او مطابق تحقیق شامی درست نیست.

---

(١)اعلم ان الصاع اربعة امداد والمد رطلان والرطل نصف من والمن بالدراهم مائتان وستون درهما وبالاستار اربعون والاستار بکسر الهمزة بالدراهم ستة ونصف الخ (ردالمحتار ج٢ ص ١٠٤ ، ط. س. ج٢ ص ٣٦٥). ظفیر

(٢)ردالمحتار ج٢ ص ١٠٤ . ط. س ج٢ ص ٣٦٥. ظفیر

مصارف صدقه فطر: **سوال**: (٦١٣) مصرف زکات صدقه فطر وپوست قربانی یکی است یا از هم فرقی نیز دارند اگر به سادات یا پدر ومادر زکات یا صدقه فطر یاپوست قربانی داده شود اداء میگردد یانه؟

جواب: مصرف زکات صدقه فطر وپوست قربانی یکی است یعنی به مردمی که دادن زکات درست نمی باشد دادن صدقه فطر وپوست قربانی نیز درست نیست (١) در مورد دادن زکات به سادات قول صحیح آن است که ناجائز می باشد (٢) اگر به اصول وفروع عمداً یعنی یا وصف شناختن ایشان زکات صدقه فطر وپوست قربانی داده شود اداء نمی گردد (٣) باید دوباره اداء گردد اما اگر در تاریکی واینکه فکر کند که محتاجی می باشد زکات وصدقه فطر وغیره را به او بدهد وبعداً معلوم گردد که به کسی داده غنی بوده یا پدر وپدر کلانش یا پسر ونواسه اش بوده زکات فطره وغیره اداء شده است وضرورتی به دوباره دادن نیست (٤) اما اگر به علت ندانستن مسأله به اصول یا فروع خود زکات بدهد زکات اداء نگردیده وباید دوباره بدهد.

دادن صدقه فطر به اما مسجد جائز نیست: **سوال**: (٦١٤) دادن صدقه فطر به امام جائز است یانه؟

جواب: دادن صدقه فطر او به دلیل امامت جائز نیست (٥).

فصل نهم

مسائل متفرقه زکات

شخص صدروپیه داد و۴۵ سال بعد آنرا بدست آوردزکات آنراچگونه اداء کند: **سوال**:

---

(١) وصدقة الفطر كالزكوٰة في المصارف في كل حال (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ج٢ ص ١٠٨ ، ط. س. ج٢ ص ٣٦٩). ظفير الدين غفر الله له

(٢) ولا تدفع الى بني هاشم الخ (هدايه ج١ ص ١٨٨). ظفير

(٣) ولا يدفع المزكي زكوٰة ماله الى ابيه وجده وان علا (هدايه ج١ ص ١٨٨). ظفير

(٤) قال ابوحنيفه ومحمد ﷫ اذا دفع الزكوٰة الى رجل يظنه فقيرا ثم بان انه غني او هاشمي اوكافر او دفع في ظلمة فبان انه ابوه اوا بنه فلا اعادة عليه (هدايه ج١ ص ١٨٩) . ظفير

(٥) وصدقة الفطركالزكوٰة في المصارف كل حال (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار ط.س ج٢ ص ٣٦٩). ظفير

(٦١٥) شخصی به شخص دیگری صد روپیه قرض داد مدیون ٤٥ سال بعد قرض را اداء نمود اکنون چطور زکات بد هد؟

جواب: مسأله آن است پس از حصول دادن زکات سال های گذشته آن نیز لازم می باشد پس از صدروپیه در سال اول دونیم روپیه کم می گردد وبه همین ترتیب زکات همان مقدار باقی مانده به حساب هر سال وضع می گردد تا مبلغ آنقدر باقی ماند که از نصاب کم باشد در آنصورت زکات ساقط می گردد (۱).

درصورت یکه به اداء کردن گمان غالب نباشد چه کند: **سوال**: (٦١٦) بر ذمه صاحب زکات مبلغ ۲۰ روپیه واجب الاداء بود او مبلغ ۱۵ روپیه ر یقیناً اداء کرده ودر مورد ٥ روپیه شک دارد که اداء کرده یا نکرده پس اداء کردن پنج روپیه بروی ضروری می باشد یانه؟

جواب: چون گمان غالب به اداء کردن نیست وگمان غالب اعتبار دارد پس باید آن پنج روپیه باقی مانده را اداء کند.

شخصی بدون ادای زکات وفات نمود درمورد ادای زکات اوچه حکم است: **سوال**: (٦١٧) عمر صاحب نصاب ومال زکات بر ذمه او واجب الاداء بوده مگر وبدون آنکه زکات را اداء کند وفات نمود واز او یک پسر نابالغ مانده است آیا زن عمر می تواند از مال او زکات باقی مانده وحال را اداء کند یانه؟

جواب: بدون وصیت متوفی نمی توان از مال متروکه مشترکه زکات را اداء نمود زیرا وارث طفل نابالغی است در حصه او بدون وصیت نمی توان دخالت نمود چنانچه این موضوع در رد المحتار مورد بحث قرار گرفته ومجنان درالدر المختار آمده: (واما دین الله تعالی فان وصی به وجب تنفیذه) وشامی گوید وذلک کالزکوة والکفارات)

در مهر وزیوارت مرصع زکات است یانه: **سوال**: (٦١٨) در مهر وزیورات مرصع زکات است یانه؟

---

(۱) ولوکان الدین الخ فوصل الی ملکه لزم زکوٰة مامضی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦ و۲٦۷). ظفیر

جواب: اگر در مهر به قدر نصاب طلا موجود باشد زکات در آن واجب است واگر نصاب نقره وغیره موجود باشد باز هم مهر اندازه گردیده ودر آن شامل شود ودر زیور مرصع زکات واجب است ([1]).

درنوت زکات است یانه: **سوال**: (٦١٩) نوت دولتی سند مال بوده وعین مال نیست پس اگر مثلاً شخص روپیه نوت داشته باشد وسال نیز بر آن بگذرد واز حاجات ضروری او بیشتر باشد آیا زکاتی که بر روپیه نقد می باشد بر نوت نیز واجب می گردد یانه اگر واجب باشد باید همان نوت در زکات داده شود زیرا در تبدیل آن به روپیه در فی هزار پانزده روپیه کمیشن می گیرند در حالیکه اگر نوت داده شود احتمال دارد که زکات اداء نگردد طوریکه مولانا صاحب اشرف علی در الامداد ماه صفر تحریر فرموده است.

جواب: زکات بر آن نوت ها واجب است واگر نوت را در زکات بدهد ترتیب اداء شدن زکات همان است که در الامداد نوشته شده وآن اینکه زکات وقتی اداء می گردد که به کسی داده شده آنرا به روپیه تبدیل کند ودر قبضه خود بگیرد در کتاب ها ذکری از نوت نیست که به نقل عبارت کتابی می پرداختیم.

زکات تقاعد: **سوال**: (٦٢٠) در پول تقاعد که در پایان مدت خدمت رسمی به مامورین داده می شود اگر در آن زکات باشد چگونه زکات آن داده شود؟

جواب: رقمی که از معاش مامورین وضع ودر پایان ماموریت رقم دیگری با آن یکجا گردیده وبه مامورین داده می شود یک انعام دولتی شمرده می شود وزکات سال ها گذشته آن واجب نبوده وپس از حصول آن اگر به قدر نصاب باشد وسال کامل بر آن بگذرد زکات دادن لازم می گردد ([2]). فقط

تقاعد وحکم سود: **سوال**: (٦٢١) یکی از قواعد دولتی در مورد مامورین آن است که ماهوار

---

(۱) ولو مات فاداها وارثه جاز (درمختار) فی الجوهرة اذا مات من علیه زکوٰة اوفطرة اوکفارة اونذر لم تؤخذ من ترکته عندنا الخ وار. اوصی تنفذ الوصیة من الثلث (ردالمحتار باب صدقة الفطر ج۲ ص ۹۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۵۹) . ظفیر

(۲) واللازم فی مضروب کل منهما ومعموله ولوتبرا اوحلیا مطلقا مباح الاستعمال اولا ولو للتجمل والنفقة لانهما خلقا اثمانا فیزکیهما کیف کانا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة المال ج۲ ص ٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۷ و۳۹۸) . ظفیر

مقداری از معاش ایشان را وضع می کند وبرای ایشان نگهداری می کند وبر رقم جمع شده به رضایت خود سود می دهد گرفتن ان جائز است یانه؟

جواب: سود گرفتن ازهیچ کسی جائز نیست اما اینکه دولت هنگام تقاعد با رقم وضع شده آز معاش مامورین به همان اندازه یا یک مقدار یکجا می کند گرفتن آن جائز است همچنان چنین حکم می شود که پول کسانیکه در بانک است سود انرا در آنجا نگذارند زیرا به معنای معاونت با کفار است باید آنرا گرفته وبه فقرا ومساکین تقسیم کنند.

بر تقاعد ورقمی که در بانک باشد زکات است یانه: **سوال**: (۶۲۲) فتوی نمبر (۰ ۲۵۲) رسید بر رقم هایی که در بانک یا پوسته خانه می باشد زکات است یانه کسانیک در بانک وپسته خانه ذخیره می کنند رقم آنها در اختیار ایشان است یعنی هر وقتی که بخواهند می توانند آنرا بگیرند در حالیکه رقم تقاعد چنین نیست بلکه هنگام ترک وظیفه یا پس از وفات داده می شود لذا بر این رقم زکات است یانه؟ دیگر اینکه جناب شما سود را حرام نوشته اید وگفته که سود گرفتن از هیچ کسی جائز نیست وسپس می فرمائید ازبان سود گرفته وبه فقراء بدهد چون سود ناجائز است دادن این رقم ناجائز به فقراء چگونه می تواند جائز باشد؟

جواب: براین رقم پس از حصول وبعد از آنکه یکسال بر آن بگذرد زکات درآن واجب می گردد ([1]) وبا وجود حرام بودن از سود این فتوی داده می شود که رقم از آنجا گرفته شده وبه فقرا ومساکین تقسیم گردد علت آن وجه خاصی می باشد زیرا اگر رقم در آنجا گذشته شود به عیسوی ها می رسد که آنرا در ترویج دین خود ومرتد ساختن مسلمانان به کار می برند وحکم شریعت این است: (من ابتلی ببلیتین فلیختر اهونهما) یعنی شخصی که به در مصیبت مبتلا شود کمتر آنرا اختیار نماید پس اگر چه سود گرفتن گناه است اما نه آنقدر گناه بزرگ که مساعدت در مرتد ساختن مسلمانان باشد لذا اهون انتخاب گردیده است.

زکات آن بخش معاش که به عنوان تقاعدی وضع می گردد: **سوال**: (۶۲۳) زید در اداره

---

(۱) وعند قبض مائتین مع حولان الحول بعده ای بعد القبض من دین ضعیف وهوبدل غیر مال کمهر ودیة وبدل کتابة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب زکوٰة ج۲ ص ۴۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۵). ظفیر

قطار آهن کار می کند هر ماه ۱\۱۲ حصه معاش او به عنوان تقاعدی وضع می گردد واداره قطار آهن از همین رقم وضع شده مامورین قرض داده وسود می گیرد بر تمام این رقم تقاعدی زکات فرض است یانه؟

جواب: زکات این رقم پس از حصول در آینده لازم می باشد [1].

زکات را اداء نموده اما شرعاً اداء نشده ثوابی بدست آورده است یانه: سوال: (۶۲۴) اگر زکات اداء گردد اما به کدام وجه شرعی اداء نشود شخص مذکور ثوابی بدست آورده یانه؟

جواب: ثواب بدست آورده است. ([2])

بر زمین اجاره زکات است یانه: سوال: (۶۲۵) زمینی که به منافع گرفته شود ورقم چند ساله آن قبلاً اداء گردد از آن باید زکات بدهد یانه؟

جواب: زمینی که به اجاره گرفته می شود واجوره معین گردیده واجوره چند سال پیشکی داده می شود معامله درست بوده وبر رقم مذکور زکات نیست.

ارقام مختلفی که به نیت زکات خرج می گردد توسط آن ها زکات اداء می شود یانه:

سوال: (۶۲۶) من یاداشتی را برای زکات علیحده نگهداشته ام وآنچه را بر محتاجان خرج می کنم درآن می نویسیم مثلاً در کفن شخص لا وارثی پنج روپیه خرج کردم وآنرا در یاداشت مذکور نوشتم وآنچه در راه خدا به مسکینان می دهم همه را در آن نوشته می کنم وهنگام دادن در دل نیت زکات را نیز می نمایم دراینصورت زکات اداء می شود یانه؟

جواب: چیزی که بطور متفرق به نیت زکات به فقرا ومساکین داده شود طوریکه شما کرده اید جائز بوده وبدین ترتیب زکات اداء می گردد اما رقمی که در کفن میت لا وارث خرج گردیده

---

(۱) ولا زکوٰۃ علی مکاتب الخ ولالی مفقود الخ وما اخذ مصادرۃ لم وصل الیه بعد سنین لعدم النمو (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰۃ ج۲ ص ۱۱ ط. س. ج۲ ص ۲۶۳) واعلم أن الدیون عند الامام ثلاثة: قوي، ومتوسط، وضعیف، فتجب زکاتها إذا تم نصابها وحال الحول، لکن لا فورا بل عند قبض أربعین درهما من الدین القوي کقرض وبدل مال تجارة فکلما قبض أربعین درهما یلزمه درهم وعند قبض مائتین مع حولان الحول بعده ای بعد القبض من دین ضعیف وهو بدل غیر مال کمهر ودیة الخ (ایضا باب زکوٰۃ المال ج۲ ص ۴۷ ، ط. س. ج۲ ص۳۰۵). ظفیر

(۱). ان الله لا یضیع اجر المحسنین (القرآن). ظفیر

(۲) خداوند متعال فرموده است: (ان الله لایضیع اجر المحسنین). ظفیر

زکات محسوب نمی شود وحکم صدقه نفلی را دارد در زکات تملیک به فقیر زنده شرط است.

بر جواهرات زکات نیست: سوال: (۶۲۷) در جواهرات مثلاً الماس زمرد لعل یاقوت وغیره زکات است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده که در جواهرات زکات نیست مگر آنکه به نیت تجارت باشد (لا زکوة فی الالی والجواهر الا ان تکون للتجارة)[1].

چون رقم توسط پسته خانه ارسال گردد فیس ازکجا داده شود: سوال: (۶۲۸) اگر رقم زکات توسط پست خانه ارسال گردد دادن فش از خود آن رقم جائز است یا نه؟

جواب: ارسال رقم زکات توسط پست خانه جائز است مگر فیس آن باید جداگانه داده شود ([2]). فقط

بر مقروض مهر زکات واجب است یانه: سوال: (۶۲۹) بر مقروض مهر زکات واجب می باشد یانه؟

جواب: درشامی آمده: (والصحیح انه غیر مانع) ([3]) یعنی صحیح آن است که دین مهر موجل مانع وجوب زکات نیست یعنی بر مال موجوده او به قدر نصاب زکات واجب می باشد.

اگر زکات را به فقیر بدهد وپس آنرا دربدل قرض بگیرد چه حکم دارد: سوال: (۶۳۰) زید بر شخصی قرض دارد که مفلس می باشد زید حیله نموده که زکات خود را اخراج کند وبل مقروض بدهد وسپس آنرا در بدل قرض از نزدش حصول کند بدین ترتیب زکات اداء می شود یانه؟

جواب: اداء می شود ([4]).

بارقمی که بدون نیت به فقرا داده شده زکات اداء گردد یانه: سوال: (۶۳۱) یک شخص

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۸ ، ط. س. ج۲ص ۲۷۳. ظفیر

(۲) ولایخرج (المزکی) عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ط. س. ج۲ ص ۲۷۰) آشکار است که فیس ارسال رقم به فقیر نمی رسد پس در زکات حساب نمی گردد. ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۲۷. ظفیر

(٤) واداء الدین عن العین وعن دین سیقبض لایجوز وحیلة الجواز ان یعطی مدیونه الفقیر زکوته ثم یاخذها عن دینه ولو امتنع المدیون مدیده واخذها لکونه ظفر بجنس حقه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۰). ظفیر

صاحب نصاب هیچ وقتی به نیت زکات رقمی را نداده اما به نام خداوند متعال پیوسته به مقدار کافی خیرات داده است اما هیچ وقتی از روی نیت وخیال نام زکات را به آن نداده اگر بدین ترتیب زکات سال های گذشته اداء نشد: آیا همه را باید یکجا اداء کند در حالیکه مقدار سرمایه او در جریان سال هالی گذشته کم وزیاد گردیده پس اکنون به اساس چه معیاری زکات مجموعی سال های گذشته را تعیین نماید؟

جواب: رقمی که بدون نیت زکات خیرات گردیده زکات نبوده وتوسط آن زکات اداء نشده پس اداء زکات سال های گذشته لازم می باشد وسال های گذشته را به اساس گمان غالب به صورت تخمینی تعیین نماید ودادن به صورت تدریجی جائز بوده ویکجا دادن آن لازمی نمی باشد. فقط

برای زکات سال های گذشت که شرعاً اداء نشده چه ترتیبی گرفته شود: سوال: (۶۳۲)

در طول بیست وپنج سالی که من زکات داده ام آنرابه کیسی داد ام که اداء نشده است مثلاً به نواسه ها وهمشیره ام اما اکنون می خواهم به من راهی نشان داده شود که توسط آن زکات سال های گذشته ام ادا گردد اما من به یادندارم که در هر یک از سال های گذشته نزدم چه رقمی موجود بوده البته این قدر بیاد دارم که از رقم مذکور مقدار بسیار کمی باقی مانده ومن با آن هیچ نوع تجارتی نکرده ام اکنون باید چه کنم که زکات سال های گذشته از ذمه من اداء گردد.

جواب: برای ادای زکات سال های گذشته که اداء نگردیده اکنون چاره ای جز این وجود ندارد که مقدار رقم موجود در هر یک از آن سال ها را به گمان غالب تخمین کنید واز آن زکات بدهید این نکته را نیز باید واضح کنم که دادن زکات به خواهر واولاد او که فقیر باشند درست می باشد البته دادن زکات به نواسه پسری ودختری درست نیست. ([1]) پس این مسأله را نیز تخمین کنید که چقدر به نواسه های تان وچقدر به خواهر تان داده اید زیرا آنچه را به خواهر تان

---

(۱) ولا الی من بینهما ولاد (درمختار) وقید بالولاد لجوازه لبقیة الاقارب کالاخوة والاعمام والاخوال الفقراء بل هم اولی لانه صلة وصدقة (رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۴۶). ظفیر

داده اید اداء شده وآنچه را به اولاد اولاد داده باشید ادا نگردیده است خلاصه آنکه مقدار رقم موجود هر سال را نزد خود تخمین نموده وزکات آنرا محاسبه کنید وحتی الوسع طوری تخمین کنید که به اساس گمان غالب هیچ نوع کمی باقی نماند اگر کمی بیشتر داده شود بهتر بوده واحوط می باشد.

قرضه ای که به حکومت داده شده زکات آن چه وقت واجب می گردد: سوال: (٦٣٣) زید صد روپیه به دولت قرض داده وتا اکنون آنرا دوباره حصول نموده وامید است که یک سال بعد حصول گردد آیا زکات رقم مذکور بر ذمه زید بعد ازحصول واجب الاداء می باشد یا قبل از حصول باید زکات هر سال را بدهد؟

جواب: زکات چنین قرضی پس از حصول واجب الاداء می باشد ودادن زکات قبل از حصول واجب نیست اما اگر قبل از حصول داده شود نیز اداء گردیده وپس از حصول دوباره دادن آن لازم نمی باشد در کتب فقه چنین آمده است. ([1])

برای فقیر ازمال زکات تعین مستمری چطور است: سوال: (٦٣٤) اگر به فقیری از رقم زکات مثلاً ماهوار یک روپیه داده شود آیا زکات اداء می گردد یانه؟

جواب: زکات اداء می گردد.

آیا باید ۱\۴۰ حصه قیمت غله درزکات داده شود: سوال: (٦٣٥) در مورد دادن ۱\٤٠ حصه قیمت غله پس از فروش آن چه حکمی وجود دارد؟

جواب: در اینصورت دادن ۱\٤٠ حصه قیمت پس از حولان حول لازم می باشد ([2]).

گرفتن جبری عشر واعانه برای مدرسه چطور است: سوال: (٦٣٦) حصول جبر اعانه وعشر وصرف آن در مسجد چطور است؟

جواب: جبر درصدقه نفلی درست نیست.

اگر کسی روپیه زکات راخرج کند چه حکم دارد: سوال: (٦٣٧) مهتمم مدرسه مقداری از

---

(۱) ولوکان الدین ... فوصل الی ملکه لزم زکات مامضی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٦ ، ۲٦۷). ظفیر

(۲) ومقارنة بعزل ماوجب کله اوبعضه ولایخرج عن العهدة بالعزل بل بالاداء للفقراء (ایضا) ط.س. ج۲ ص ۲۷۰. ظفیر

رقم زکات را به خاطر طلبه نزد شخصی گذاشت به شخصی مذکور ضرورتی پیش آمد وبدون اجازه مهتمم دو روپیه آنرا خرج نمود وسپس دوباره اداء نمود در مورد او چه حکمی وجود دارد؟

جواب: خرج کردن برایش جائز نبوده اما پس از اداء کردن بری شده است.

زکات رقمی که مدفون است: **سوال**: (۶۳۸) بررقمی که درزمین مدفون بوده واز آن هیچ مفادی متصور نیست زکات می باشد یانه؟

جواب: زکات چنین رقمی باید هر سال داده شود ([1]).

انجمن زکات: **سوال**: (۶۳۹) ساختن انجمنی که در آن مال زکات بر مساکین صرف گردد جائز است یانه؟

جواب: درست است.

زکات رقمی قرض: **سوال**: (۶۴۰) در رقمی که به قرض داده شده وبه قدر نصاب بوده ویکسال کامل نیز بر آن گذشته باشد زکات واجب است یانه؟

جواب: زکات رقمی که به قرض داده شده وبه قدر نصاب بخوده ویکسال کامل بر آن گذشته باشند پس از حصول واجب می باشد هر قدر که از آن حصول می گردد زکات آن داده شود واگر مقداری از آن حصول نگردد زکات آن سا قط می شود ([2]).

زکات قرضه پس ازحصول است: **سوال**: (۶۴۱) قرضه ای که قابل حصول است زکات آن همین اکنون داده شود یا پس از حصول ودر مورد قرضه ای که اکنون قابل حصول است وممکن مدتی بعد غیر قابل حصول گردد وهمچنان در مورد قرضه ای که به شکل قسطوار حصول می گردد چه می فرمائید؟

جواب: زکات قرضه پس از حصول واجب بوده واگر قبل از حصول داده شود نیز جائز است وقرضه ای که اکنون قابل حصول است وممکن مدتی بعد قابل حصول باقی نماند نیز چنین می

---

(۱) تجب فی کل مائتی درهم خمسة دراهم الخ (عالمگیری کتاب الزکات باب ثالث ج۱ ص ۱۶۷، ط. س. ج۲ ص ۲۷۸). ظفیر

(۲) لوکان الدین علی مقر ملئ (الی قوله) فوصل الی ملکه لزم زکات مامضی (الدر المختار علی هامش رد المحتار ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۶۶ و۲۶۷). ظفیر

باشد. فقط

زکات رقم قرض چی وقت اداء گردد: سوال: (٦٤٢) خالد رقمی را غرض کار وبار به عابد قرض داد عابد درکار وبار تاوان نمود ورقم خالد خرج گردید وعابد در مقابل قرض خالد گردید خط منزل خود را به او داد !کنون خالد زکات رقم مذکور را چگونه اداء کند؟

جواب: رقمی که قرض می باشد زکات آن پس از حصول واجب است پس رقمی که حصول نگردیده زکات آن لازم نمی باشد.

ثواب صدقه به مالک خانه رسد یا به تمام اعضای خانواده: سوال: (٦٤٣) اگر در یک خانه نه ده نفر بوده واختیار همه چیز در دست یک نفر باشد وبه رضایت همه این اختیار به او داده شده باشد اگر او صدقه بدهد ثواب آن تنها به خودش می رسد یا به تمام اعضای خانواده؟

جواب: اگر صدقه از مال مشترک همه ویا به اجازه ایشان داده شود ثواب به همه آنها می رسد.

زکات رقم تقاعدی وحکم سود آن: سوال: (٦٤٤) من در دولت انگلیسی وظیفه دارم ومعاش ماهوار من ده روپیه می باشد هر ماه ده آنه از معاش من وپنج آنه از عطیة دولتی جمله پانزده آنه به نام من در بانک سونگ ذخیره می شود ومقداری سود نیز ماهوار بر آن افزوده می گردد من نمی خواهم آنرا جمع کنم یا سود بگیرم اما به اساس قاعده تعیین شده تقاضای من قبول نمی گردد ورقم مذکور در حالت دوام وظیفه به من داده نمی شود ودر صوت قطع وظیفه تمام رقم مذکور کجا با سود حصول خواهد شد وهیچ شرحی در مورد اصل رقم وسود آن وجود نخواهد داشت در اینصورت آیا باید زکات رقم مجموعی که در بانک وجود دارد داده شود یانه دراین مورد درشرع شریف چه حکمی وجود دارد؟

جواب: هر قدری که حصول می گردد همان مقداری که سود است صدقه داده شود وزکات رقم پس از حصول واجب می باشد پس از همین اکنون حساب شود که رقم مذکور چه وقت به حد نصاب می رسد تا پس از حصول زکات آن اداء گردد.

زکات تقاعدی وحقیقت آن: سوال: (٦٤٥) برای کسانیکه در دستگاه دولتی انگلیس کار می کنند نوعی تقاعدی وجود دارد شکل تقاعدی مذکور چنان است که هرماه مقداری از معاش کار

کنان وضع می گردد ورقم مذکور جمع گردیده وهنگام انفصال از وظیفه به خود شخص مذکور ودر صورت فوت او به ورثه اش داده می شود در ابتدا این امر اختیاری بود که در صورتیکه کارمند بخواهد ماهوار پنج فیصد از معاشش وضع می گردد اما چون عده ای از مامورین اعتراض کردند وخواهان تمام معاش خود کرد یدند اداره این قاعده را اجباری ساخت طوریکه از معاش مامورین فیصدی مذکور جبراً وضع می گردد ودر هیچ حالتی غیر از برکناری از وظیفه یا فوت داده نمی شود رقم مجرا شده شش ماهه وسالانه وقتاً فوقتاً در بانک الله آباد به نام مامورین نوشته می شود ودر ستون دوم سود آن درج می گردد ودر خانه سوم به اندازه آن رقمی دیگری نوشته می شود که عطیه دولت می باشد بدین ترتیب سه رقم یکجا می گردد.

بهر حال وعده چنان است که رقمی که ازمعاش وضع گردیده هنگام انفصال از وظیفه به مامور داده می شود اما برای دادن رقم عطیه این شرط وجود دارد که از طرف کمیته فیصله صورت خواهد گرفت که رقم عطیه به مامور داده شود یانه اینکار درحقیقت نوعی فشار آوردن بر استادان ومعلمان است که بخشی از معاش ایشان وضع گردیده وبا رقوم دیگر یکجا شد وبه هزاران روپیهٔ رسیده ودر اختیار کمیته می باشد ودر صورتیکه وفادار نباشد باید از رقوم مذکور دست بشوید.

به تاریخ ۲ اگست ۱۹۱۵ به یک استاد جمعاً مبلغ یک هزار وهفتصد وپنجاه وچهار روپیه وچهارده آنه داده شد به شرح ذیل رقم وضع شده از معاشات گذشته مبلغ شصد ونود روپیه سود مبلغ ۲۲۸ روپیه وده آنه ومبلغ شش صد نود روپیه از طرف کمیته جمعاً رقم مذکور به دست استاد آمد اکنون سوال این است که ایا در رقم مذکور پس از حولان حول زکات زم است یا اینکه باید همین اکنون زکات سال های گذشته را نیز بدهد؟

جواب: پس از حصول هر سه رقم مذکور بعد از حولان حول زکات لازم است وزکات سال های گذشته هیچ یک ازآن سه رقم واجب نیست عدم وجوب زکات بر رقم عطیه ومنافع اشکار است که قبلاً در ملکیت زکات دهنده نبوده ودر مورد رقم وضع شده از معاش نیز همین حکم می باشد زیرا شکل مصادره را داشته واجبار دلیل آن است ودر معرض سقوط بودن آن بعید

نیست واصل در آن حدیث علی رض (لا زکوة فی مال الضمار) می باشد، الدرالمختار، قوله حدیث علی کذا عزاه فی الهدایة الی علی ولیس بمعروف وانما ذکره سبط ابن الجوزی فی اثار الانصاف عن عثمان وابن عمر کذا فی شرح النقایة لملا علی قاری. [۱]

بهترین شکل صدقهٔ جاریه برای ایصال ثواب چیست: سوال: (٦٤٦) شخصی می خواهد برای ایصال ثواب وعفو گناهان والدین خویش مبلغ دو صد روپیه به شکل دومدار صدقه دهد، بهترین شکل صرف کردن آن چیست؟

جواب: برای ایصال ثواب بهترین شکل صدقه جاریه آن است که با رقم مذکور کتب تفسیر وحدیث وفقه خریده وبه مدرسه ای بدهد که منفعت آن زیاد است یا با رقم مذکور جایدادی خریده وآنرا وقف کند تا از عاید آن طلبه مسکین ویتیم یک مدرسه دینی کمک شوند، در حدیث روایت گردیده که پیامبر صلی الله علیه وسلم ارشاد فرموده است: اذا مات الانسان انقطع عمله الا من ثلاثة صدقة جارية او علم ينفع به او ولد صالح يدعو له، رواه مسلم. [۲]

از این حدیث معلوم می گردد که چیزی که در اعانه صرف گردد صدقه جاریه بوده وثواب آن همیشه به متوفی می رسد.



کتاب الصوم

فصل اول

نیت روزه اقسام روزه ومنزلت آن

الحمد لله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی!

نیت روزه: سوال: ۱. زید صبح خوابید وساعت ۱۱ یا ۱۲ بیدار شد او می تواند روزه بگیرد یانه؟

جواب : نیت روزه رمضان ویا روز نفلی بیشتر از نصف النهار شرعی یعنی تقریباً ساعت یازده

---

(۱) ردالمحتار کتاب الزکوٰة ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۰. ظفیر

(۲) مشکوٰة شریف کتاب العلم فصل اول ص ۳۲. ظفیر

درست است. (۱)

مثال کسیکه در رمضان بدون عذر شرعی غذا خورد: سوال: ۲. مولوی صاحبی شخصی را دید که در رمضان بدون عذر شرعی می خورد ومی نوشید پس گفت که این شخص خوک خور است ودر رمضان خوردن حرام است وهر کسی را که ببیند که در رمضان چیزی می خورد می گوید که خوک می خورد این سخن تا چه حدی درست است ودر رمضان بدون عذر شرعی خوردن حرام است یا گناه کبیره؟

جواب: در روز رمضان بدون عذر شرعی خوردن ونوشیدن بدون شک قطعاً حرام بوده وکسیکه چیزی می خورد مرتکب فعل حرام وگناه کبیره می گردد وبه اساس تشبیه او را خوک خور گفتن درست است یعنی طوریکه خوک خور حرام خور بوده ومرتکب فعل حرام وگناه کبیره می باشد به همین ترتیب کسیکه در رمضان شریف بدون عذر چیزی می خورد حرام خور مرتکب فعل حرام وگناه کبیره بوده ومانند خوک خور می باشد (۲).

اگر مسافر یا مریض در رمضان به نیت نفل روزه بگیرد نفل حساب می شود یا فرض:

سوال: ۳ اگر مسافر یا مریض در رمضان به نیت نفل روزه بگیرد روزه مذکور نفل حساب می شود یا فرض؟

جواب: در شامی آمده: (وحاصله ان المریض والمسافر لو نویا وا جباً آخر وقع عنه ولو نویا نفلاً واطلقاً فعن رمضان) (۳) از این عبارت معلوم گردید که اگر مریض یا مسافر نیت نفل را بنماید آن روز روزه رمضان حساب می شود واگر واجب دیگری را نیت نماید همان واجب دیگر حساب می گردد دراین مسأله تفصیل وجود داشته واختلاف واقع شده است. (۴)

---

(۱) فیصح اداء صوم رمضان ... من اللیل ... الی الضحوة الکبری لا بعدها (درمختار) قوله: (إلی الضحوة الکبری) المراد بها نصف النهار الشرعي، والنهار الشرعي من استطارة الضوء في أفق المشرق إلی غروب الشمس، والغایة غیر داخلة في المغیا (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۷) مقصد از نیت اراده قلبی می باشد وگفتن آن به زبان ضرور نیست لذا اگر شب اراده نموده وخوابیده باشد ضرورت دیگری وجود ندارد. ظفیر

(۲) اعلم ان صوم رمضان فریضة لقوله تعالی کتب علیکم الصیام، وعلی فرضیته انعقد الاجماع ولهذا یکفر جاحده (هدایه کتاب الصوم ج۱ ص ۱۹۳). ظفیر

(۳) ردالمحتار للشامی کتاب الصوم ج۱ ص۱۱۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۸. ظفیر

(٤) ردالمحتار للشامی کتاب الصوم ج۱ ص۱۱۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۷۸. ظفیر

بعد ازوقت سحری خوردن جائز نیست: **سوال**: ٤ زید می گوید که مردم بی علمی که از وقت سحری اطلاعی ندارند تا اذان را نشنوند می خورند واگر مؤذن در اذان تأخیر کند ملامتی مؤذن است.

خواب: پس از صبح صادق خوردن ونوشیدن درست نیست چه اذان شود یا نشود دراین مورد باید نهایت احتیاط صورت گیرد (۱).

پس از صبح صادق اجازه خوردن نیست: **سوال**: ٥ زید می گوید که در حدیث صحیح بخاری آمده که در دست شخص چیزی برای خوردن ونوشیدن وجود دارد ودر همان حال صبح صادق می شود او می تواند آنچه را که در دستش است بخورد مطلب این حدیث چیست؟

جواب: مطلب این حدیث نیز آن است که رسیدن صبح صادق یقینی نباشد (۲).

روزه گرفتن روز عرفه چطور است: **سوال**: ٦ به تاریخ ۹ ذی الحجة به روز عرفه روز گرفتن چطور است؟

جواب: مستحب بوده وبسیار زیاد ثواب دارد (۳).

نیت روزه نفلی ونذری چه وقت صورت گیرد: **سوال**: ۷ نیت روزه نفلی وروزه نذری چه وقت صورت گیرد؟

جواب: نیت روزه نفلی ونذر معین وروزه رمضان از شب تا نصف النهار شرعی درست بوده ونیت سائر روزه ها در شب ضروری می باشد (٤).

---

(۱) وشرعا امساک عن المفطرات الآتية حقيقة اوحكما الخ في وقت مخصوص وهواليوم (درمختار) اى اليوم الشرعى من طلوع الفجر الى الغروب (ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۱). ظفير

(۲) اوتسحر اوافطر يظن اليوم الخ ليلا والحال ان الفجر طالع والشمس لم تغرب الخ قضى فى الصور كلها فقط (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰٥). ظفير

(۳) صيام يوم عرفة احتسب على الله ان يكفر السنة التى قبله والسنة التى بعده. رواه مسلم (مشكوٰة شريف باب صيام القطوع ص ۱۷۹) والمندوب كايام البيض على كل شهر الخ وعرفة ولولحاج لم يضعفه (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷٥). ظفير

(٤) فيصح اداء صوم رمضان والنذر المعين والنفل بنية من الليل الخ الى الضحوة الكبرى لا بعدها الخ والشرط للباقى من الصيام قران النية للفجر ولو حكما وهو تبييت النية الضرورية وتعيينها لعدم تعيين الوقت الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار ج۲ ص ۱۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۷). ظفير

اگردر روزه نذری نیت قضارا بنماید چه حکم دارد: سوال: ۸ برذمه شخص چند روز روزه قضایی بوده وچند روز نذری ابتدا به گرفتن روزه قضائی شروع نمود وچون ایام مذکور پایان یافت بگرفتن روزه نذری آغاز نمود اما شب نیت روزه نذری بیادش نیامد وهمان نیت قضایی را نمود وروز بیادش آمد بدین ترتیب روزه نذر اداء شده است یا نه؟

جواب: درنذر معین می توان تا چاشت نیت نمود (۱) ودر نذر مطلق که برای آن روز وتاریخی معین نیست نیت آن از شب ضرور می باشد پس در صورتیکه سوال شده اگر روزه نذر مطلق باشد به نیت قضا اداء نمی گردد پس باید دوباره روز بگیرد (۲).

تنها روزه گرفتن روزه جمعه چطور است: سوال: ۹ روزه گرفتن روز جمعه به تنهایی درست است یانه خصوصاً که عرفه به جمعه اصابت کند یک واعظ می گوید که در روز جمعه روزه گرفتن حرام می باشد قول واعظ مذکور درست است یانه؟

جواب: قول واعظ درست نبوده وروزه روز جمعه مستحب می باشد بعضی از فقها به این گمان که به سبب ضعف روزه در نماز فرض خللی واقع نگردد از آن منع کرده اند وگر نه در استحباب آن شکی نیست وفقها از روی احتیاط گفته اند که یک روز پیش از آن یا یک روز پس از آن نیز روزه گرفته شود واگر جمعه تنها روزه گرفته شود نیز حرجی نیست شامی گوید: (فکان الاحتیاط ان یضم الیه یوماً آخر لان فیه وظایف فلعله اذا صام ضعف عن فعلها) (۳)

چرا حجاج روز عرفه را روزه نمی گیرند: سوال: ۱۰ چون روزه گرفتن روز عرفه یعنی نهم ذی الحجة ثواب فر اوان دارد پس حجاج که در این روز خود در عرفات می باشند چرا روز مذکور را روزه نمی گیرند علت چیست؟

---

(۱) فیصح اداء صوم رمضان والنذر المعین والنفل بنیة من اللیل فلا تصح قبل الغروب ولاعنده الی الضحوة الکبرٰی لابعدها الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۱۶ ، ط. س. ج۲ ص۳۷۷). ظ

(۲) والشرط للباقی من الصیام ای من انواعه الخ وهو قضاء رمضان والنذر المطلق الخ قران النیة للفجر ولو حکما وهو تبییت النیة الخ (ایضا ط. س. ج۲ ص ۳۸۰). ظفیر

(۳) ردالمحتار للشامی کتاب الصوم ج۲ ص ۱۱٤) پوره عبارت داسی دی: والمندوب کایام البیض عن کل شهر ویوم الجمعة ولو منفردا وعرفة ولو لحاج لم یضعفه (درمختار) قوله: (ویوم الجمعة ولو منفردا) صرح به في النهر وکذا في البحر، فقال: إن صومه بانفراده مستحب عند العامة کالاثنین والخمیس الخ ولا باس بصوم یوم الجمعة عند أبي حنیفة ومحمد لما روي، عن ابن عباس أنه کان یصومه ولا یفطر الخ (رد المحتار ایضا ط. س. ج۲ ص ۳۷۵). ظفیر

جواب: به علت سفر وبه این دلیل که به سبب روزه گرفتن در ادای افعال حج ضعف وخللی واقع نگردد (۱) (اگر خلل در ادای فرایض عرفات واقع نگردد وحاجی احساس ضعف نکند او نیز می تواند روز عرفه را روزه بگیرد طور یکه از عبارت حاشیه آشکار است)

فصل دوم

رؤیت هلال اختلاف مطالع قول منجمین وغیره

اگر یک مردوسه زن به رویت هلال رمضان شهادت دهند چه جکم دارد: سوال: ۱۱ الف: در ۲۹ رمضان در شهر خیر پور به علت گرد وغبار مردم نتوانستند هرر را ببینند بعد از نماز خفتن حافظ الله بخش وسه زن شهادت دادند که ما یقیناً هلال را دیدیم الله بخش می گوید که من دیگران را صدا کردم مگر هیچ کسی نرسید تا آنکه هلال در ابر پنهان شد از مردم محله او در موردش پرسیده شد همه گفتند که از او شکایتی نداریم در اینصورت معتبر شمردن شهادت او ودادن حکم افطار جائز است یانه؟

تعریف عدالت در عصر حاضر: سوال: ۱۲ ب: تفسیر عدالت راکه در زمانه ما معتبر ومعمول باشد تحریر فرمائید.

تعریف عدالت درفقه: سوال: ۱۳ ج: درکتب فقه تفسیر عدال چنین نوشته شده: (ملكة تحمل على ملازمة التقوى والمروة والشرط ادناها ترك الكبائر) (۲) اما اگر دراین عصر چنین شخصی پیدا نشود که در معاملات شرط است فیصله به چه شکلی صورت گیرد؟

به اساس اختلاف زمان درتفسیر عدالت فرق واقع می شود یانه: سوال: ۱٤ د: به اساس اختلاف عصر در تفسیر عدالت فرق واقع می گردد یانه؟

جواب: الف: اگر شخصی که هلال را دیده نماز گذار ومتقی بوده وفسق وفجوز از او ظاهر نباشد افطار به اساس شهادت او درست است. (۳)

---

(۱) والمسافر كايام البيض الخ وعرفة ولولحاج لم يضعفه (درمختار) صفة لحاج اى ان كان لايضعفه عن الوقوف بعرفات ولايخل بالدعوات، محيط، فلو اضعفه كره (ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۵). ظفير

(۲) ردالمحتاركتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵. ظفير

(۳) [illegible] للفطر مع العلة والعدالة نصاب الشهادة ولفظ اشهد وعدم الحد فى قذف الخ ولو كانوا ببلدة لاحاكم فيها صاموا بقول ثقة =

ب ج د: تفسیر عدل اکنون نیز همانطوری است که فقها نوشته اند در تعریف عدالت به اساس اختلاف عصر فرقی رونما نمی گردد درجایی که فقها شرط عدالت را گذاشته اند درآنجا عدالت ضرور می باشد ودر جایی که شهادت مستور الحال کافی می باشد مانند روزه وثبوت رمضان در آنجا ثبوت عدالت ضرور نیست اما باید فسق او نیز ظاهر نباشد طوریکه درشامی آمده: لان المراد بالعدل من ثبت عدالته ولاثبوت في المستور اما مع تبين الفسق فلا قائل به عندنا). (۱)

اگر چهار یا دونفر بگویند که ماشنیدیم که درفلان شهر هلال دیده شد چه حکم دارد:

سوال: ۱۵ خبر تلگراف در مورد هلال عید یا رمضان معتبر است یانه واگر چهار یا دو نفر معتبر بگویند که ما شنیدیم که در فلان شهر به تاریخ ۲۹ شعبان هلال رمضان دیده شد وما این خبر را از باشندگان آن شهر شنیده ایم چه حکم دارد واگر دو نفری که پابند روزه ونماز نیستند شهادت دهند که هلال را دیدیم شهادت ایشان معتبر است یانه؟

جواب: خبر تلگراف شرعاً قابل معتبر نیست وبه اساس آن روزه گرفتن وعید کردن درست نمی باشد وقول دونفر که بگویند که در فلان شهر هلال دیده شده اما از بینندگان نشنیده باشند نیز معتبر نیست (۲) وهمچنان شهادت شخص بی نماز در مورد رمضان وعید معتبر نمی باشد (۳).

جرح بربینندگان هلال چطور است: **سوال:** ۱۶ در مورد خبر بیننده هلال ونیز شهادت دهندگان در مورد آن صرف بر رسی عقیده وعمل ایشان که مسلمان وفاسق نباشند کافی است اما گفتن سخنانی که موجب تذلیل ودل آزردگی ایشان گردد مثلاً گفتن این سخن که چشم تو بسیار تیز بود آیا تو چهار چشم داشتی ودریافت کیفیت رویت که هلال ضخیم بود یا باریک بلند بودیاپائین هردوکناره آن یک برابر بود یایکی بلندویکی پائین وکدام گرشه پائین بود وکدام

= وافطروا باخبار عدلين مع العلة لضرورة (درمختار) قوله نصاب الشهادة اى على الاموال وهو رجلان اورجل وامرأتان (ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦). ظفير

(۱) ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ . ط. س. ج۲ ص ۳۸۹. ظفير

(۲) فيلزم اهل المشرق برؤية المغرب اذا ثبت بطريق موجب كمامر (درمختار) قوله بطريق موجب كان يحتمل اثنان الشهادة اويشهد على حكم القاضى اويستفيض الخبر بخلاف اذا اخبر ان اهل بلدة كذا راوه لانه حكاية (ردالمحتار كتاب الصوم قبيل باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤). ظفير

(۳) لافاسق اتفاقا (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ ، ط.س ج۲ ص ۳۸۵). ظفير

بلند جائز است یانه؟

جواب: برای معتبر بودن خبر وشهادت بیننده هلال همین قدر کافی است که عادل وثقه بوده وفاسق بین الفسق نباشد وتحقیق در مورد سائر امور ضرور نیست ([1]) وتذلیل مسلمان وآزرده ساختن او با چنین سخنانی درست نمی باشد.

قبول کردن شهادت فساق وفجار چطور است: **سوال**: ۱۷ به تاریخ ۲۹ رمضان المبارک در اینجا هلال دیده نشده صرف دو چهار نفر فاسق وفاجری که نه نماز می خوانند ونه روزه می گیرند شهادت دادند که ما هلال را دیدیم چون ایشان به اساس شرع شریف قابل شهادت دادن نبودند شهادت ایشان قبول نبودند لذا به تاریخ ۳۰ نیز روزه گرفته شد سپس خبر رسید که هلالبهه تاریخ ۲۹ رمضان. دیده شده بود اکنون مردم وعده ای از مردم با سواد ودانش می گویند که شیطان در روز عید روزه می گیرد لذا کسانیکه روزه گرفته اند آنها نیز شیطان شده اند وگناهگار هستند اکنون می. خواهیم بدانیم که آیا شهادت چنین اشخاص معتبر است یا نه وکسانیکه روه نگرفتند به ایشان چه ثوابی رسیده وکسانیکه بی‌روزه گرفته اند آیا واقعاً از گبروه شیطان شده اند؟

جواب: کسانیکه به علت معتبر نبودن شهادت ۳۰ روزه گرفتند بر حق بوده واز سنت پیروی کرده اند واعتراض کنندگان جاهل ومممراه هستند زیرا تما وقتیکه حجت شرعی تکمیل نگردد قابل اعتبار نیست ٦ وشهادت چنین فاسقان علنی به هیچ صورتی قابل اعتبار نمی باشد پس کسانیکه روزه گرفته اند پیرو سنت بوده وکساضیکه بدون حجت شرعی روزه نگرفته اند عاصی می باشند هر چند به علت اینکه بعداً ثابت گردید که به تاریخ ۲۹ هلال دیده شده بود قضا وکفاره برایشان لازم نگردد ([2]).

مطلب لاعبرة لاختلاف المطالع: **سوال**: ۱۸ مطلب لاعبرة لاختلاف المطالع چیست؟

---

(۱) خبر عدل اومستود الخ لا فاسق اتفاقا (درمختار) لان المراد بالعدل من ثبت عدالته ولاثبوت فی المستور اما مع تبین الفسق فلا قائل به عندنا (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵). ظفیر

(۲) ولایصام یوم الشک هو یوم الثلاثین من شعبان والاہان ظهرت (رمضانیته فعنه ای عن رمضان. ردالمحتار کتاب الصوم ص ۱۱۹ و۱۲۰ ج۲). ظفیر الدین

جواب: مطلب آن است که چون به طریق موجب یعنی شهادت معتبره در شهر دیگری رویت ثابت شود بر باشندگان این شهر نیز آن حکم می گردد.

درمورد رویت هلال فقط خط کافی است یانه: **سوال**: ۱۹ خط حضرت مولانا عبد الرحیم رای پوری:

المخدوم المکرم جناب حضرت مولانا صاحب عزیز الرحمن مدّ فیوضهم.

از طرف احقر عبدالرحیم السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اکنون باعث تصدیق این امر است که در اینجا تا اکنون هیچ خبری در مورد رویت هلال ماه مبارک وجود ندارد به استثنای خط حکیم جمیل الدین بدین جهت تشویش است که چه کنیم مضمون خط حکیم صاحب چنین است که در اینجا یک مسلمان پابند روزه ونماز مستور الحال در پیشروی من به این امر شهادت داد که روز شنبه ۲۹ شعبان من خود هلال رمضان را دیدم وهمچنان یک زن من نیز آنرا دید.

خط مولانا صاحب عبدالغفار که شاگرد حضرت مولانا گنگوهی بوده وعالم با عمل می باشد از گور پور رسید ویقین است که خط خود او می باشد درخط مذکور در مورد هلال چنین آمده در گورپور یک مسلمان نماز گزار روز شنبه به رویت هلال شهادت داد مطابق قواعد شرعی شهادت وقبول گردید واعلان شد واکثر فردم از روز یکشنبه روزه را بشروع نمودند نزد من هر دو شهادت معتبر است.

آنچه نوشتم مضمون خط حکیم صاحب می باشد غیر از آن خبر دیگری وجود ندارد اکنون ما چه کنیم جواب را بصورت عاجل مرحمت فرمائید.

جواب: از بنده احقر عزیزالرحمن عفی الله عنه .

خدمت جناب عالی پر از فیوض مخدوم محترم حضرت مولانا صاحب عبدالرحیم مد فیضه.

بعد از اهدای سلام مسنون به عرض می رسانم که نامه گرانقدر شما به روز شنبه ۲۰ رمضان المبارک مواصلت نموده وباعث افتخار ما گردید خبر جناب مولوی حکیم جمیل در مورد رویت هلال ماه مبارک برای جناب شما باعث حجت نیست زیرا نزد فقهای ما مسلم است که رویت

اهل مشرق برای اهل مغرب لازم وثابت می باشد به شرط آنکه رویت اهل مشرق برای اهل مغرب به طریق ملزم وموجب برسد وعلامه شامی سه طریق این روش موجب راتفسیر وشرح فرموده که از آن سه صورت هیچ کدام از آنها در طریق موجود متحقق نمی باشد عبارت الدر المختار وردالمحتار چنین است: فیلزم اهل المشرق بروية اهل المغرب اذا ثبت عندهم روية اولئک بطریق موجب (الدرالمختار) قوله بطریق موجب کان یحتمل اثنان الشهادة او یشهد علی حکم القاضی او یستفیض الخبر بخلاف ما اذا اخبرا ان اهل کذا راوه لانه حکاية ردالمحتار (١).

نفی صورت اول ودوم ظاهر است وبه همین ترتیب منفی بودن طریقه سوم نیز آشکار می باشد زیرا خبر رویت به طریق استفاضه وتواتر به جناب شما وبه ما نرسیدد صرف خبر در این مورد است که در فلان شهر شهادت رویت داده شده که علامه موصوف آنرا موس عمل ندانسته وچون طریق موجب ثبوت رویت وجود ندارد لذا قبول کردن آن درست نیست خلاصه آنکه تا اکنون در اینجا چنان خبری که شرعاً مفید حکم صوم باشد نرسیده هیچ خبر دیگر بهتر از حکیم صاحب یا مساوی به آن وجود ندارد.

در آینده هر حکمی که نزد شما راجح به نظر آید ما را از آن مطلع فرمائید.

نظر جناب حکیم صاحب وبرادرم مولوی صاحب حبیب الرحمٰن (٢) نیز چنین است ٢١ رمضان المبارک ١٣٣٤ نویسنده ٦٥ احقر عزیز الرحمن.

به اساس دوخط رؤیت هلال قبول شود یانه: سوال: (٢٠) نقل نامه دوم مولانا صاحب عبدالرحیم رای پوری:

المخدوم المکرم جناب حضرت مولانا مولوی عزیز الرحمن صاحب مد فیوضهم ازطرف احقر عبدالرحیم السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته یک عریضه ملفوف قبل از این به همین مضمون خدمت جناب عالی ارسال گردیده که به گمان غالب ان اشاء الله رسیده است اما در آن فقط مضمون نامه مولوی صاحب جمیل الدین بود امروز عریضه دومی همراه با خط حکیم صاحب

---

(١) ردالمحتار کتاب الصوم مطلب في اختلاف المطالع ج٢ ص ١٣٢، ط. س. ج٢ ص ٣٩٣. ظفير

(٢) هدف به گمان غالب مولانا صاحب حکیم محمد حسن برادر حضرت شیخ الهند می باشد. ظفير

جمیل الدین ونامه گرانقدر حضرت مولانا صاحب اشرف محلی خدمت شما ارسال می گردد جناب شما آن هر دوخط را ملاحظ فرموده دوباره ارسال دارید وما را از جواب خویش مطلع فرمائید مقصود از ارسال آن دو خط این است که آیا این دوشهادت نزد شما قابل قبول است یانه در صورتیکه قابل قبول باشد اگر در روز ۳۰ رمضان المبارک رویتِ هلال صورت نگیرد به این حساب عید شود یانه بودن رمضان با این دو خط مسلم است ودر این مورد هیچ کسی حرفی ندارد وبحث در مورد عید است که جه باید شود لذا جناب شما این عریضه را ملاحظه نموده وا ز رای خوشت فوراً ما را مطلع فرمائید که سخت منتظر می باشیم امید است که جواب شما قبل از پنجشنبه یا تا روز پنجشنبه به اینجا برسد تا بر آنچه رالی قرار گیرد به روز جمعه مردم را از آن مطلع کنیم.

جواب: به حضرت مخدوم العالم مکرم ومحترم حضرت مولانا صاحب عبدالرحیم مدفیوضهم با اهدای سلام مسنون به عرض می رسانم که جواب نامه گرِ انقدر اولی شما خدمت تان ارسال گردید امروز نامه گرانقدر دومی شما همراه باخط حکیم صاحب جمیل الدین ونامه گرانقدر حضرت مولانا صاحب اشرف علی رسید من وسائر حضرات موجود آنرا به دقت مطالعه نمودیم ورای بر همان قرار گرفت که قبلاً اظهار کرده بودیم وآن اینکه نامه های مذکور برای ما ملزم وحجت نیست ووجوه آن مخفی نمی باشد شهادت غازی پور وحکیم گور کهپور به صورت با قاعده صورت نگرفته است پس چگونه آنرا سبب ثبوت رمضان در مورد خویش قبول کنیم وباز حکم عید را بر اساس مرتب کردن بیشتر محل بحث است به هر حال اگر به صدق قرائن وغیره توجه شود نهایت آن جواز عمل بران خواهد شد نه وجوب ولزوم لذا در اینصورت اعلان عید به حساب مناسب به نظر نمی آید البته در گرفتن روزه آن به شکل قضائی احتیاط است ودرآن مضایقه ای نیست خدا کند که اختلاف دفع باشد ودر مورد هلال عید فطر اتفاق صورت گیرد ودر آینده هر چه رای مبارک شما باشد ما را از ان مطلع فرمائید والسلام عزیز الرحمن.

خبر تلگراف در مورد رویت هلال اعتبار دارد یانه: **سوال**: ۲۱ خبر رویت هلال توسط تلگراف معتبر است یانه؟

جواب: خبر تلگراف در مورد رویت هلال شرعاً اعتبار ندارد با چنین خبرهایی افطار کردن روزه درست نیست. (۱)

وقتیکه به تاریخ ۲۹ به علت ابرهلال دیده نشود چه حکم دارد: سوال: ۲۲ الف: اگربه علت ابربه تاریخ ۲۹ شعبان هلال دیده نشود روزه گرفتن درست است یانه؟

ب: اگر در حالت شک قصداً روزه گرفته شود عذاب است یا ثواب؟

جواب: الف: درست نیست طوریکه در الدر المختار آمده: (ولایصام یوم الشک قال علیه السلام: من صام یوم الشک فقد عصی ابا القاسم صلی الله علیه وسلم) (۲).

ب: گناه است؟

افطار روزه با آب هندو درست است یانه: سوال: ۲۳: شخص روزه داری از یک هندو آب گرفت وبا آن روزه خود را افطار کرد شخصی می گوید که روزه اش خراب شد آب مذکور حرام است زیرا هندوها کافر هستند.

جواب: اینکه روزه دارمذکور از هندو آب گرفته وبه وقت روزه خود را افطار نموده جائز وحلال بوده ونزاع کننده برغلط می باشدو او نباید نزاع نماید اینکار دلیل بی خبری وبی علمی او میباشد.

اگر به اساس شهادت دو شخص عادل روزه گرفته شده باشد با تکمیل سی روز افطار شود یانه: سوال: ۲٤ به اساس شهادت دو شخص عادل روزه رمضان گرفته شد پس از سی روز افطار واجب است یا جائز؟ و معنای این عبارت الدرالمختار: بعد صوم ثلاثین بقول عدلین حل الفطر مفاد حل الفطر وجوب است یا جواز؟

جواب: چون روزه رمضان به اساس شهادت دو شخص عادل گرفته شد ودر روز سی ام ابر وغبار باشد افطار بعد از سی روز واجب است ومفاد حل الفطر در اینصورت وجوب می باشد در شامی می گوید: (والحاصل انه اذا غم شوال افطروا اتفاقاً اذا ثبت رمضان بشهادة عدلین فی الغیم

---

(۱) فیلزم اهل المشرق برؤیة اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤیة اولٰئک بطریق موجب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم مطلب فی اختلاف المطالع ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤). ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم مبحث فی صوم یوم الشک ج۲ ص ۱۱۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۱). ظفیر

او الصحو) (۱) وقبل از این عبارت الدرالمختار آمده (جاز لهذا القاضی ان یحکم بشهاد تهما) (۲) ودر مورد آن ردالمحتار چنین تصریح نموده که (جاز) منافی وجوب نمی باشد (کما قالوا جاز الظاهر ان المراد بالجواز الصحة فلا ینافی فی الوجوب تامل) (۳)

اشخاص ثقه هلال را دیدند عده ای روزه گرفتند وعده ای نه چیست: سوال: ۲۵ تعداد کمی که مردمان ثقه هستند روز پنجشنبه هلال را دیده واز روز جمعه به روز گرفتن آغاز نمودند وپس از سی روز روزه به روز یکشنبه عید کردند.

گروه دیگری روز شنبه به روز گرفتن آغاز نموده وپس از سی روز به روز دوشنبه عید کردند وگروه اول را تخطئه می کنند که روزه وعید شما بر خطاست پس دراین صورت صواب چیست وبر خطا کیست وحکم یکشنبه آخری چیست وبر مفطر آن جمعه اول قضا است یانه؟

جواب: هرگاه رویت هلال رمضان به روز پنجشنبه به رویت ثقات ثابت شده باشد وپس از سی روز به روز یکشنبه عید کرده باشند تخطئه گروه اولی روا نیست وبرای کسانیکه به روز پنجشنبه رویت هلال ثابت شده روزه روز یکشنبه پسین روا نیست چنانچه افطار جمعه اولی برای ایشان جائز نبوده وقضای آن روزه لازم است اما باید واضح سازیم که رویت نهار اعتبار ندارد مثلاً اگر به روز جمعه هلال دیده شد آن هلال شب آینده است نه شب گذشته (٤) در اینصورت روزه روز جمعه اولی درست نیست وبلکه به روز شنبه اول رمضان خواهد شد وهمچنان حساب مشهور که چهارم رجب اول رمضان است هم قابل قبول واعتبار نشست چون اگاه شده ایم که در بعضی از مناطق کشمیر این امر محل نزاع گردیده چند کلمه در مورد آن نوشتیم والسلام من اتبع الهدی.

حکم افطار بر اساس شهادت: سوال: ۲٦ در حضور یک مولوی صاحب به اساس شهادت

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۱. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰. ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰. ظفیر

(٤) رؤیته بالنهار للیلة الآتیة مطلقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم مطلب فی رؤیة الهلال نهاراً ج۲ ص ۱۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفیر

چهار نفر ثابت شد که پنجشنبه ۳۰ رمضان می باشد لذا مولوی صاحب مذکور حکم کرد که روز جمعه عید فطر کنند وکسانیکه ازروز پنجشنبه به روزه گرفتن آغاز کرده اند یک روز روزه قضایی بگیرند زید با این حکم مخالفت کرد در اینصورت چه حکمی وجود دارد؟

جواب: ولو کانوا ببلدة لاحاکم فیها صاموا بقول ثقة وافطرو باخبار عدلین مع العلة للضرورة الی ان قال وقیل بلا علة جمع عظیم یقع العلم الشرعی وهو غلبه الظن بخبرهم وهو مفوض الی رای الامام من غیر تقدیر بعدد علی المذهب وعن الامام انه یکتفی بشاهدین واختاره فی البحر وصحح فی الاقضیة الاکتفا بواحد ان جاء من خارج البلد او کان علی مکان مرتفع واختاره ظهیر الدین) ([1]) ودر شامی آمده: (واعتمده فی الفتاوی الصغری وهو قول الطحاوی) ([2]) خلاصه آنکه شامی همین قول را ترجیع داده ونتیجه آن است که اگر از قرائن صدق خبر گمان شود می توان بر آن عمل کرد (وغلبة الظن حجة موجبة للعمل کما صرحوا به) ([3]) وپیش از آن گوید: (والظاهر انه یلزم اهل القری الصوم بسماع المدافع او رویة القنادیل من المصر لا نه علامة ظاهرة تفید غلبة الظن) ([4]).

<u>رویت هلال</u>: سوال: ۲۷ رویت هلال رمضان سال ۱۳۳۲ در هندوستان وکشمیر به روز جمعه شب شنبه واقع شد ومفتیان شرع بر آن فتوی دادند مگر تعدادی از مردم کوهستانی که رویت هلال را روز پنجشنبه شب جمعه ثابت می کنند واخبار ایشان غیر ثقه بوده وعده ای گویند که قول حضرت علی چنان است که جمعه فرض می باشد وبر مسائل فقه عمل نکنند به روز ۲۹ رمضان مطلع صاف بود اما رویت هلال صورت نگرفت به روز یکشنبه ۳۰ رمضان نیز مطلع صاف بود وجمع کثیری هلال را دیدند وبه روز دوشنبه عید نمودند وآن گروه که از روز جمعه به روزه گرفتن آغاز کرده بودند به اساس آن بدون رویت هلال توسط عامه مسلمانان به روز یکشنبه عید نمودند ومی گویند که به روز یکشنبه قبل از زوال رویت هلال نموده وهمان وقت

---

(۱) الدر المحتار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦. ظفیر

(۲) ردالمحتار ایضا ص ۱۲۷ . ط. س. ج۲ ص ۳۸۸. ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب الصوم تحت قوله ولو کانوا ببلدة لاحاکم ج۲ ص ۱۲۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦. ظفیر

(٤) ردالمحتار کتاب الصوم تحت قوله ولو کانوا ببلدة لاحاکم ج۲ ص ۱۲۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦. ظفیر

عید نمودیم در اینصورت بر ایشان تنها قضای روز یکشنبه است یا قضا وکفاره؟ وایا فتوای چنان مفتی در این باب نافذ است یانه؟ ایشان می گویند که ما به روز یکشنبه قبل از زوال هلال را دیدیم وهمان وقت عید کردیم وکسانیکه هلال را دیده اند تقریباً بیست نفر می باشند.

جواب: به اخیار غیر معتبره باروبت هلال در نهار رویت هلال شب گذشته ثابت نمی شود پس اعتماد بر این دلائل ضعیفه وعید کردن به روز یکشنبه بدون رویت هلال درشب احرام ومعصیت بوده وبر مفطر آن قضای روزه لازم است (و اما الکفارة فلا لا ختلاف الامام ابی یوسف (رح) فیما قبل الزوال) اما اگر رویت هلال به روز شنبه یعنی شب یکشنبه از جای دیگری ثابت شود به اساس آنکه اختلاف مطالع معتبر نیست قضای روز یکشنبه ساقط می شود چنانچه در اینجا مین قضیه پیش آمده است زیرا مطابق رویت این بلاد به روز یکشنبه عید گردید وبینندگان هلال ثقه ومعتبر بوده وبابنده نیز ملاقی شده اند وبیان کرده اند ودر چند جا همین قضیه پیش آمده لذا عید بودن روز یکشنبه ثابت شد وقضای روزه از کسانیکه بدون حجت شرعی به روز یکشنبه عید کرده بودند ساقط گشت باید یاد آور شوم که حساب تقویم وحساب اهجز ویا اینکه اول رمضان گذشته پنجم رمضان آینده می باشد ویا اینکه چهارم رجب اول رمضان است وغیره اعتبار نداشته وبارها در عمر خود آنرا غلط یافتیم پس کسیکه به چنین گمان هایی به روز یکشنبه عید گرده بودند به سبب آنکه در بعضی بلاد هند حسب رویت به روز یکشنبه عید ثابت شده قضای آن از شخص مذکور ساقط است نه به علت صحیح بودن خیال او (و رویتة بالنهار للیلة الآتیه مطلقاً علی المذهب) ([1]) الدرالمختار وقوله علی المذهب ای الذی هو قول ابی حنیفة ومحمد (رح) والمختار قولهما) ([2]) پس به اساس دیدن هلال در چاشت عید کردن در همان روز جائز نیست.

در رویت هلال شهادت کدام مردم اعتبار دارد: **سوال**: ۲۸ به تاریخ ۲۹ شعبان ده نفر مسلمان ویازده نفر هندو هلال رمضان را دیدند از جمله مسلمانان یک نفر پابند نماز وروزه ودیگران فاسق وریش کل بودند زید به اساس نداشتن ریش شهادت ایشان را قبول نکرد شهادت

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۲ ص ۱۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۳۹۲ مطلب فی رویة الهلال نهارا. ظفیر
(۲) ردالمحتار ایضا ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲. ظفیر

چنین اشخاصی مفید ثبوت هلال رمضان است یانه وبر کسانیکه روزه نگرفته اند قضا لازم است یا کفاره؟

جواب: اگر در ۲۹ شعبان ابر بوده باشد به اساس شهادت یک نفر عادل یا مستور الحال نیز هلال رمضان ثابت می گردید (۱) پس اگر در جمله بینندگان هلال فقط یک نفر نیز پابند نماز وروز وپرهیز کننده از منهیات بوده باشد خوب واگر یک نفر نیز از آنجمله چنین نبوده باشد پس زید که قول ایشان را قبول نکرده مطابق حق عمل کرده است بر کسانیکه آنروز را روزه نگرفته اند کفاره نیست وچون اکنون ثابت گردید که به تاریخ ۲۹ شعبان هلال رمضان دیده شده لذا قضای روزه آن روز لازم است.

حکم روزه به اساس شهادت فاسق: سوال: ۲۹ در عبارت ذیل: (ولو شهد فاسق وقبلها امام وامر الناس بالصوم فافطر هو او واحد من اهل بلده قال عامة المشائخ تلزمه الکفاره کذا فی الخلاصة) (۲) وجوب کفاره بر امام به چه دلیل است وهدف از این عبارت چه می باشد؟

جواب: مطلب این عبارت عالمگیری آن است که اگر یک نفر فاسق به رویت هلال رمضان شهادت داد وامام قول او را قبول نمود وبه مردم حکم روزه را داد پس از آن اگر خود افطار نمود ویا کسی از اهل شهرش کفاره لازم می باشد وجه لزوم این کفاره آن است که چون امام شهادت فسق را قبول کرد وحکم روزه را داد رمضان ثابت گردید زیرا اگر امام شهادت فاسق را در مورد رمضان قبول کند معتبر بوده ورمضان ثابت می شود وپس از آن اگر شخصی روزه را بشکند کفاره لازم می باشد ودلیل کفاره خوردن روزه رمضان است.

حکم دیدن هلال در روز: سوال: ۳۰ اگر هلال در روز دیده شود روزه را باید افطار کرد یانه وبر مفطر آن قضاء لازم می گردد یا کفاره؟

جواب: رویت هلال در روز معتبر نیست وآن هلال از شب آینده می باشد نه از شب گذشته پس افطار بر آن جائز نبوده وبر مفطر آن قضاء لازم است وبه سبب شبه اختلاف کفاره لازم نمی

---

(۱) للصوم مع علة کغیم وغبار خبر عدل اومستور علی ما صححه البزازی الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار ج۲ ص ۱۲۳ کتاب الصوم ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵). ظفیر

(۲) عالمگیری مصری باب ثانی فی رؤیة هلال ج۱ ص ۱۹۸. ظفیر

باشد ([1]).

اگرپس از تکمیل شدن سی روز شعبان روزه گرفته شود وسپس توسط نامه شهادت برسد که هلال در روز ۲۹ دیده شده بودچه حکم دارد: **سوال:** ۳۱ در یک شهر ومناطق نزدیک آن روز شنبه ۲۹ شعبان ابر نهایت غلیظ بود لذا در آن شهر واطراف آن هلال دیده نشد پس مجبوراً سی روز شعبان را تکمیل نموده وروزه به روز دوشنبه آغاز گردید دو سه روز قبل از ختم رمضان از یک شهری که با این شهر بیشتر یک ماه فاصله دارد بذریعه خبر رسید که به تاریخ ۲۹ شعبان در اینجا ابر بود اما به اساس شهادت دو نفر روز یکشنبه اول رمضان قرار گرفت به کسیکه خط رسیده او نیز عالم می باشد شخص مذکور خط را نزد قاضی شهر که شخص عالم ومتدینی می باشد برد وگفت که من این شخص را به خوبی می شناسم ومی دانم که این خط از همان شخص است بر علاوه شخصی از جای دیگری امد وگفت که مفتی آنجا روز سه شنبه را عید اعلان نموده لذا شکی نیست که روز یکشنبه نزد امام اول رمضان بوده لذا باید امروز اعلان گردد که اگر هلال دیده شود یانه فردا عید بوده وروزه حرام می باشد.

قاضی صاحب پیش از آنکه خود اظهار راای نماید با یک عالم بزرگی که مفتی شهر بوده ومردم او را پیشوای خود می دانند مشوره نمود واو فرمود که این خبر نزد من اعتبار ندارد پس قاضی صاحب به اساس آنکه در این مورد میان علمای حنفی اختلاف فراوان وجود دارد چنانچه نزد بعضی اختلاف مطالع قطعاً غیر معتبر بوده ونزد عده دیگری اگر میان دومنطقه به اندازه یک ماه مسافه باشد رویت یکی برای دیگری ملتزم نیست ودر کمتر از آن رویت یک منطقه برای منطقه دیگر ملزم می باشد چنانچه در فتاوی تار تار خانیه آمده: (اهل بلدة اذا راو الهلال هل یلزم فی حق کل بلاد اختلفوا فیه فبضعهم قالوا لایلزم فانما المعتبر فی حق اهل بلده روئیتهم وفی الخانیة لاعبرة باختلاف المطالع قال القدوری ان کان بین البلدتین لایختلف به المطالع یلزم وذکر الحلوانی انه صحیح من مذهب اصحابنا) ودر جامع الرموز آمده: (اقل ما یختلف به المطالع شهر)

---

(۱) وروٴیة بالنهار للیلة الاتیة مطلقا علی المذهب (درمختار) قوله روٴیته بالنهار الخ ای سواء رئی قبل الزوال او بعده الخ (ردالمحتار ج۱ ص ۱۳۰ مطلب فی روٴیة الهلال ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفیر

ودر طحطاوی شرح مراقی الفلاح آمده (قوله کما ذهب الیه صاحب التجرید وهو الاشبه لان انفصال الهلال من شعاع الشمس یختلف باختلاف المطالع کما فی دخول الوقت وخروجه وهذا مثبت فی علم الافلاک والهئة واقل ما تختلف فیه المطالع مسیرة شهر کما فی الجواهر) ([1])

وصاحب هدایة در مختار النوازل می نویسد: (اهل لبلدة صاموا لتسعة وعشرین یوماً بالرؤیة واهل بلدة اخری صاموا ثلاثین بالرویة فعلی الاول قضا یوم اذا لم یختلفا المطالع بینهما اما اذا اختلف لا یجب القضاء) وعلمایی که مطلقاً اختلاف مطالع را معتبر می دانند به این حدیث استدلال می نمایند: (روی کریب ان ام الفضل بعثه الی معاویة بالشام قال فقدمت الشام وقضیت حاجتها واستقبل علی رمضان وانا بالشام فرأیت الهلال لیلة الجمعة ثم قدمت المدینة فی آخر الشهر فسالنی عبدالله بن عباس متی رایتم الهلال فقلت رایناه لیلة الجمعة فقال انت رایته فقلت نعم وراه الناس وصاموا وصام معاویة فقال لکنا رایناه لیلة السبت فلا نزال نصوم حتی تکمل ثلاثین او نراه فقلت اویکتفی روئة معاویة وصیامه فقال لاهکذا امرنا رسول الله ﷺ، رواه الجماعة الا البخاری وابن ماجة.

شاه ولی الله محدث دهلوی درمصفی شرح موطا مطبوعه فاروقی صفحه ۲۲۶ چنین نوشته است: (اگر هلال در یک شهر دیده شد ودر دیگر شهر تفحص کردند وندیدند اگر آن شهر قریب است لازم است حکم رویت ایشان واگر بعید است لازم نیست به حسب حدیث ابن عباس وبقیاس بر مسئله فطر وحج که در حدیث منصوص شده وظاهر آن است که بعد مسافت قصر است وایراد نه کرده شود که مسافت قصر را به امر هلال هیچ تعلق نیست زیرا که مشروعیت اکتفای هر ناحیه برویت خود از جهت حرج است در تکلیف به ابلاغ اخبار نه از جهت اختلاف طالع وعادتاً قاضیه است به بلوغ اخبار در مواضع قریبه پس اگر از آخر شهری که در آن رویت متحقق شده بر دو مرحله باشد حکم آن لازم است) از این عبارت به خوبی واضح گردید که اولاً بسیاری ازعلمای اختلاف مطالع را معتبرمی دانند وعلمایی که رویت اهل مشرق برای اهل مغرب ثابت می دانند نیزخط وتلگراف را اعتبارنمی دهند زیرایک خط باخط دیگری مشابه می باشد.

---

(۱) الطحطاوی علی مراقی الفلاح کتاب الصوم ص ۳۵۹. ظفیر

مفتی صاحب با در نظر داشت نظریات تمام علما بعد از نهایت غور وخوض چنین رای داد که این خبر در طریق موجب داخل نمی باشد لذا قاضی صاحب از اعلان عید انکار نمود ودرنتیجه بعضی از مردم با قاضی صاحب مخالفت نموده می خواستند او را به علان عید مجبور نمایند اما قاضی صاحب قبول نکرد شرعاً این رویه مخالفت امیز ایشان در مقابل قاضی صاحب چه حکم دارد؟

جواب: الف: اقول وبالله التوفیق این امر ظاهر بوده واز کتب حنیفه ثابت است که در حالت ابر وغبار شهادت یک شخص عادل یا مستور برای ثبوت رمضان کافی می باشد پس به شهادت دو عادل یا مستور به درجه اولی ثابت می گردد واین نکته نیز مسلم است که مطابق مذهب صحیح ومختار اختلاف مطالع در هلال صوم وفطر معتبر نیست ورویت اهل مغرب برای مشرق حکم می باشد پس چون معتبر وراجح وظاهر الروية ومفتی به عدم اعتبار مطالع است لذا ابحث کردن درآن برای ما مقلدین بیجا می باشد زیرا ترجیح فقهای محقیقن برای حجت کافی است در الدرالمختار آمده: (واختلاف المطالع غیر معتبر علی ظاهر المذهب وعلیه اکثر المشائخ وعلیه الفتوی سحر عن الخلاصة) در ردالمحتار آمده: (وظاهر الروية الثانی وهو المعتمد عندنا وعند المالكية وعند الحنابلة لتعلق الخطاب عاماً بمطلق الروية فی حديث صوموا الرويته بخلاف اوقات الصلوة شامی کتاب الصوم ص ۱۳۲ و۱۳۳ ج ۲) البته برای ثبوت رویت اهل مغرب برای اهل مشرق که رویت آن ها به طریق موجب برای اهل مشرق برسد وشرح طریق موجب در رد المحتار چنین آمده که دوشاهد روبت آن شهر را بیان کنند یا خبر در شهر عام ومستفیض گردد ویا حکم عالم وقاضی آن شهر توسط دوشاهد بیان گردد اما در صورت مسئوله به ظاهر هیچ یک ازآن امور دیده نمی شود لذا به اساس ان حکم رمضان را نکردن مطابق شریعت بوده واعتراض بر اوبی جاو غیر مناسب است واینکه تعدادی از اشخاص خط مذکور را معتبر دانسته اند نیز صحیح می باشد زیرا در مواقعی که گمان تزویر نباشد فقها خط را معتبر می دانند وآشکار است که در خط وکتابت میان دوشخص احتمال تزویر بسیار بعید و ضعیف می باشد در جلد چهارم شامی در بحث کتاب القاضی الی القاضی صفحه ٤٩٠ چنین تصریح شده است (قال فی الفتح من الشهادات ان خط السمسار والصرافي حجة للعرف الجاری به قال البيری هذا الذی

فی غالب الکتب حتی المجتبی فقال فی الاقرار واما خط البیاع واطراف والسمسار فهو حجة وان لم یکن مصدراً معنوناً یصرف ظاهراً بین الناس وکذا ما یکتب الناس فیما بینهم یجب ان یکون حجة للعرف) وقبل از آن در شامی آمده که غیر معمول به وغیر معتمد بودن خط به اساس حکم قضا می باشد یعنی قاضی می تواند هنگام منازعه بر آن حکم نکند نه اینکه خط مطلقاً غیر معتبر باشد: (وفی الاشباه لایعمل بالخط (الدرالمختار) شامی گوید: (عبارة الاشباه لایعتمد علی الخط ولا یعمل بمکتوب الوقف الذی علیه خطوط القضاة الماضین قال البیری المراد من قوله لایعتمد ای لایقضی القاضی بذالک عند المنازعه لان الخط مما یزور ویفتعل وذکر العلامة البعلی فی شرحه علی الاشباه ان للشارح العلامة الشیخ علاو الدین رساله حاصلها بعد نقله فی الاشباه وان ابن شحنة وابن وهبان جزما بالعمل بدفتر الصراف ونحوه لعلة امن التزویر کما جزم به البزازی والسرخسی وقاضی خان) ([1]) پس درجایی که خطر تزویر نباشد فقها نوشته اند که بر خط مذکور عمل می شود پس نزد کسی که خط شناخته شده بوده واز تزویر مامون باشد می تواند برآن عمل کند لذا بر کسانیکه به خط مذکور عمل کرده اند نیز اعتراضی نیست.

ب: چون این امر متحقق گشت که در صورت امن از تزویر اعتبار به خط معمول به می باشد اگر کدام عالم یا قاضی چنین خطی بفرستد که در حضور من به اساس شهادت معتبره رویت هلال ثابت گشت ومن آنرا قبول نمودم وبه اساس آن حکم کردم پس بر کسانیکه آن خط را می رسانند ویا می دانند که در آن وجهی از تزویر وفریب وجود ندارد برای ایشان عمل کردن به آن جائز است طوریکه گویا آن عالم در حضور ایشان گفته باشد که من چنین حکم کرده ام.

برای ثبوت هلال عید شهادت چند نفر ضرور است: سوال: ۳۲ برای ثبوت هلال عید شهادت چند نفر ضروری می باشد؟

جواب: اگر مطلع صاف باشد برای ثبوت هلال عید شهادت جمع کثیری ضرور است واگر غبار وابر باشد شهادت دو مراقبه ویا یک مرد ودو زن کافی می باشد (ان کان بالسماء علة ای فی الفطر لا تقبل الا شهادة رجلین او رجل وامراتین ، ویشترط فیه الحریة ولفظ الشهادة وان کانت

---

(۱) ردالمحتار مطلب لایعمل بالخط ص ٤٨٩ ج ٤. ظفیر

مصحیه لایقبل الاقول الجماعة کما فی هلال رمضان). فقط

آغاز روزه به حساب هیئت چطور است: سوال: ۳۳ در قصبه نگرام روز شنبه چهارم رجب بود که به حساب آن شنبه اول رمضان می گردد همچنان این از عمل قواعد علم هئیت ثابت می گردد لذا یک گروه بدون روئت هلال به روزه گرفتن آغاز نمودند وگروه دیگری به اساس امر مولوی صاحب تا ساعت یازده انتظار خبر روئت هلال را نمودند وچون از کانپور وغیره خبر روئت هلال به طور با قاعده نرسید روزه نگرفتند از این دو گروه کدام یک بر حق است؟

جواب: در اینصورت گروهی که روزه نگرفته اند بر حق می باشند قاعده شرعی همان است که مولوی صاحب نموده یعنی روز سی شعبان را که یوم الشک می باشد انتظار کشیده وسپس چون اخبار نرسیده روز را شکسته است.

گروه اول که فقط به اساس قواعد علم هیئت وتجربه روزه گرفته اند غلط کرده اند در الدر المختار آمده (ولا عبرة بقول المؤقتین ولو عدولا علی المذهب فقط ووجهه ما قلناه ان الشارع لم یعتمد الحساب بل الغاه بالکلیة بقوله نحن امة امیة لانکتب ولانحسب الشهر هکذا وهکذا) شامی ص ۱۲۵ و ۱۲۶ ج ۲.

نصاب شهادت در هلال فطر وشرط عدالت درآن: سوال: ۳٤ در حالت ابر براي ثبوت هلال فطر نصاب شهادت کافی است یانه ودر شاهدان عدل شرط می باشد یانه وشرط عدالت که در بعضی از کتب ترک الکبائر تفسیر گردیده در زمان ما معتبر است یانه؟

جواب: در این مسأله تفصیل آن است که در حالت ابر وغبار برای ثبوت هل نصاب شهادت وعدالت ضرور می باشد طوریکه در الدرالمختار آمده: (وشرط للفطر مع العلة والعدالة نصاب الشهادة) ([1]) ودر شامی در مورد قبول شهادت مستور درباره صوم چنین شرح آمده: (اما مع تبین الفسق فلا قائل به عندنا) ([2]) وفیه من کتاب القضاء وما فی القنیة والمجتبی من قبول ذی المروة الصادق فقول الثانی وضعفه الکمال بانه تعلیل فی مقابلة النص فلا یقبل واقره المصنف قلت قدمنا

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦. ظفیر صدیقی

(۲) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵. ظفیر

انفاً من البحر ان ظاهر النص انه یحل قبول شهادة الفاسق قبل تعرف حاله فاذا ظفر للقاضی من حاله الصدق وقبله یکون موافقاً للنص) (۱) وکمی قبل از آن گوید: (وقولهم بوجوب السوال عن الشاهد سراً اوعلانیة طعن الخصم او لا فی سائر الحقوق علی قولهما المفتی به یقتضی الاثم بترکه) (۲) واینکه امام یوسف فاسق با مروت را مستثنی قرار داده وتضعیف گردیده بازهم مقید می باشد به اینکه گمان غالب قاضی به صدق او باشد (قال فان لم یغلب علی ظن القاضی صدق بان غلب کذبه عنده او تساویا فلا یقبلها اصلاً) (۳) ودر الدرالمختار آمده: (واستثنی الثانی الفاسق ذا الجاه والمروة فانه یجب شهادته بزازیة الی ان قال قلت سیجی تضعیفه فراجعه قوله واستثنی الثانی ای ابو یوسف من الفاسق الذی یأثم القاضی بقبول شهادته والظاهر ان هذا یغلب علی ظن القاضی صدقه) (۴) پس با وجود آن تصریحات عدالت منصوص شاهدان را ساقط الاعتبار دانستن وشهادت فاسقان را کافی شمردن خلاف نص وروایات معتبره فقه می باشد.

خبر هلال عید یا رمضان توسط خط معتبر است یانه: سوال: ۳۵ خبر هلال رمضان یا عید توسط خط اعتبار دارد یانه؟

جواب: خبر خط شرعاً اعتبار ندارد (۵).

بر جنتری وتلگراف اعتراض درست است یانه: سوال: ۳۶ به تاریخ ۲۹ شعبان به علت ابر هیچ کسی هلال را ندید ودر جنتری وغیره ماه شعبان را ۲۹ روز نوشته اند وهمه مردم چنین گمان می کردند که هلال به تاریخ ۲۹ دیده خواهد شد در اینصورت آیا می توان بر جنتری اعتماد نمود وپس از ۲۹ شعبان روزه را آغاز کرد یانه؟

جواب: در اینصورت باید سی روز شعبان تکمیل گردیده وپس از آن روزه آغاز شود طوریکه در

---

(۱) ردالمحتار کتاب القضاء قبیل مطلب فی قضاء العدو علی عدوه ج۴ ص ۴۱۶ ، ط. س. ج۵ ص ۳۵۶. ظفیر

(۲) ردالمحتار کتاب القضاء قبیل مطلب فی قضاء العدو علی عدوه ج۴ ص ۴۱۶ ، ط. س. ج۵ ص ۳۵۶ ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب القضاء قبیل مطلب فی قضاء العدو علی عدوه ج۴ ص ۴۱۶ ، ط. س. ج۵ ص ۳۵۶. ظفیر

(۴) ردالمحتار کتاب القضاء قبیل مطلب فی قضاء العدو علی عدوه ج۴ ص ۴۱۶ ، ط. س. ج۵ ص ۳۵۶. ظفیر

(۵) فیلزم اهل المشرق برؤیة اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤیة اولئک بطریق موجب (درمختار) کان یتحمل اثنان الشهادة اویشهدا علی حکم القاضی اویستفیض الخبر بخلاف ما اذا اخبرا ان اهل بلدة کذا رواه لانه حکایة (رد المحتار قبیل باب مایفسد الصوم وما لا یفسد ج۵ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفیر

حدیث آمده ونباید برجنتری وتلگراف اعتماد نمود [۱] پیامبر ﷺ فرموده است (صوموا لرویته والفطرو لرویته) الحدیث [۲].

قبول به اعتبار هیئت درست است یانه: سوال: ۳۷ مضمونی به قلم مولوی صاحب نظام الدین حسن نوشته شده ودر اخبار همدم به چاپ رسیده که خلاص آن این است که اگر مسلمان علم هیئت را بیاموزد وبرایش معلوم گردد که (الشمس والقمر بحسبان) تا چه حدی تصدیق می گردد پنجشنبه ۵ جولای ۱۹۱۷ ساعت ۹ وهشت دقیقه سه ساعت قبل از ظهر خسوف یعنی ماهتاب گرفتگی رخ داد در این وقت عمر مهتاب بیشتر از چهارده روز بود وهیچ شکی وجود نداشت که امروز پانزدهم رمضان المبارک سال و۱۳۳۵ می باشد در آغاز رمضان المبارک به علت عدم رولت نمی توان به فرضیت صوم حکم نمود اما با مشاهده هلال وبدر هیچ شکی باقی نمی ماند که جمعه ۲۰ جولای سی ام رمضان المبارک بوده ودر آن روز اگر مطلع صاف نباشد به اساس علم هیئت ومشاهده ۲۱ جولای لازماً اول شوال بوده وروزه گرفتن آن روز حرام است.

جواب: در الدر المختار آمده: (ولا عبرة بقول الموقتین ولو عدولاً علی المذهب قال فی الوهبانیة وقول اولی التوقیت لیس بموجب وقیل نعم) ودر شامی به نقل از معراج آمده: (لا یعتبر قولهم بالاجماع ولایجوز للنجم ان یعمل بحساب نفسه وفی النهر فلا یلزم بقول الموقتین انه ای الهلال یکون فی السماء لیلة کذا) ([۳]) پس معلوم گردید که چیزی که در سوال مذکور تحریر گردیده نزد احناف درست نیست وجمعه ۲۹ رمضان بوده وبدون رویت وشهادت معتبر هلال قبول بگردیده وشنبه عید نخواهد بود ام اگر در روز جمعه حسب قواعد شرعیه شهادت بگذرد شنبه عید خواهد ودودر غیرآن نه [۴] خلاصه جمعه ۲۹ رمضان بوده وقاعده ای که در مورد تاریخ ۲۹

(۱)ولا عبرة بقول الموقتین ولوعدولا علی المذهب (درمختار) ای فی وجوب الصوم علی الناس بل فی المعراج لایعتبر قولهم بالاجماع ولا یجوز للمنجم ان یعمل علی حساب نفسه (ردالمحتار کتاب الصوم مطلب لاعبرة بقول الموقتین ج۲ س ۱۲۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۷). ظفیر الدین غفر الله له

(۲) مشکوٰة شریف باب رؤیة الهلال فصل اول عن ابی هریرة ص ۱۷٤ ، ددی شخه ورروسته داجمله راخی: فان غم علیکم فاکملوا عدة شعبان ثلثین متفق علیه (ایضا) ط. س. ج۲ ص ۳۸۷). ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب الصوم مطلب لاعبرة بقول الموقتین (ج۲ ص ۱۲۵ وص ۱۲٦). ظفیر

(٤) وشرط للفطر مع العلة والعدالة نصاب الشهادة الخ (درمختار) ای علی الاموال وهو رجلان اورجل وامرأتان (ردالمحتار) وقبل بلا علة =

است در مورد آن جاری می باشد.

اگر خبر رؤیت هلال توسط خط برسد چه حکم دارد: سوال: ۳۸ خطی از قصبه اسکندرآباد که درآنجا روئت هلال عید به اساس شهادت معتبر ثابت گردیده توسط شخص با اعتباری به قصبه نجهاجر رسید وشخص مذکور از ساکنان همین قصبه جهاجر بوده وبه تاریخ ۲۸ و۲۹ رمضان در سکندر آباد موجود بود وتصادم واقعات سماعت رویت هلال را به گوش خود شنیده وهمین شخص خط را آورده آنچه را می دانست آشکار نمود واین خط را پیش کرد پس اهالی قصبه قول شخص مذکور وخط را معتبر دانسته وروز شنبه عید نمودند آیا اینکار اهالی جائز است یانه از جمله اهالی قصبه دوشخص اعتماد ننموده وباوجود آنکه تا شام روز شنبه خبرهای متواتر روئیت از دهلی وغیره رسید افطار ننمودند امید است در این زمینه جوابی مرحمت فرمائید.

جواب: بدین ترتیب عید کردن معتبر بوده و تحریر مذکور اعتبار داشته باید مطابق آن عمل می شد پس کسانیکه عید نکرده اند غلط نموده روزه ایشان نیز نشده است زیرا آن روز عید بود در آینده نباید چنین کاری کنند. [1]

شهادت مستور الحال درمورد هلال عید معتبر است یانه: سوال: ۳۹ امروز شنبه به اساس رویت هلال عید گردید در رویت هرر رمضان وعید شهادت شخص مستور الحال معتبر است یانه مثلاً بی نماز یا روزه خور یا سود خور ویا کسی باشد که در محکمه شهادت دروغ دهد واگر مستور الحال باشد آیا می توان حال او را تفتیش کرد؟

جواب: در رویت هلال رمضان وعید شهادت مستور الحال معتبر می باشد ومقصود آن است که فسق او ظاهر نبوده بی نماز ومرتکب کار های خلاف شریعت نباشد پس در صورتیکه ظاهر حال شاهد چنان باشد که در اوهیچ کارخلاف شریعت دیده نشود قبول شهادت او بدون تحقیق حالش

= جمع عظیم یقع العلم الشرعی الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ وص ۱۲٦ ، ط. س. ج۲ ص۳۸٦). ظفیر الدین غفر له

(۱) واختلاف المطالع الخ غیر معتبر الخ فیلزم اهل المشرق برویة اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤیة اولئک بطریق موجب (درمختار) کان یتحمل الشهادة اثنان اویشهدا علی حکم القاضی او یستفیض الخبر (ردالمحتار قبیل باب ما یفسد الصوم ج۲ ص ۲۳۱ وص ۲۳۲ ، ط. س ج۲ ص ۳۹۲). ظفیر

درست است. (۱)

<u>شکستن روزبه اساس خبرتلگراف چه حکم دارد</u>: سوال: ٤٠ عده ای از مردم به اساس خبر تلگراف روزه خود را شکستند اینکار آنها چطور است؟

جواب: بدون تحقیق وبدون شهادت شرعی محض به اساس خبر تلگراف شکستن روزه وعید کردن جائز نبود (۲) اما چون رویت روز جمعه وبه اساس آن عید بودن روز شنبه محقق گشت واز بسیار جاها خبر رسید ودر دیوبند نیز هلال دیده شد لذا بر کسانیکه شنبه را روز نگرفته وعید کردند مواخیذه ای نیست.

خبر تلگراف به تنهایی معتبر نیست اما اگر قرائن به صدق آن دلالت نماید عمل کردن بر آن درست است رویت منطقه در صورتیکه ثابت گردد برای تمام مناطق معتبر است طوریکه در کتب فقه تصریح گردیده که رویت اهل مشرق براي اهل مغرب در صورتیکه ثبوت به ایشان برسد لازم می گردد (۳).

<u>آیا برای ثبوت رویت هلال درمورد جماعت نیز عدالت شرط است</u>: سوال: ٤١ فقها تحریر فرموده اند که برای ثبوت هلال عید وفطر واضحی در حالی که مطلع ابر آلود باشد همراه با نصاب شهادت عدالت شرط می باشد اگر دو یا سه مرد بیشتر از حد نصاب شهادت دهند آیا شرط عدالت ساقط می شود یانه؟

جواب: آنوقت عدالت شرط نیست که جماعت بزرگ باشد که بر خبر ایشان به علت تواتر غلبه ظن حاصل گردد (٤) دررد المحتارآمده:(الجمع العظیم جمع یقع العلم بخبرهم ویحکم العقل

---

(۱) للصوم مع علة كغيم وغبار خبر عدل اومستور على ماصححه البزازی على خلاف ظاهر الرواية لافاسق اتفاقا (درمختار) لاقوله فی الديانات غير مقبول الخ وقول الطحاوی اوغير عدل محمول على المستور كما هو رواية الحسن لان المراد بالعدل من ثبت عدالته ولاثبوت فی المستور اما مع تبيين الفسق فلا قائل به عندنا (رد المحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۳ وص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵). ظفير

(۲) وشرط للفطر مع العلة نصاب الشهادة (درمختار) ای على الاموال وهو رجلان اورجل اومراتان (ردالمحتار الصوم ج۲ ص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦). ظفير

(۳) فيلزم اهل المشرق برؤية اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤية اولئک بطريق مؤجب (الدر المختار على هامش ردالمحتار قبيل باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱۲۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفير

(٤) وشرط للفطر مع العلة والعدالة نصاب.الشهادة الخ وبلا علة جمع عظيم (درمختار) ای ان شرط القبول عند عدم علة فی السماء لهلال الصوم اوالفطر اوغيرهما الخ اخبار جمع عظيم الخ قا ل ح ولا يشترط فيهم الاسلام والعدالة الخ وعدم اشتراط الاسلام له لابدله من نقل =

بعدم تواطئهم علی الکذب) ([1]). فقط

شهادت درمورد هلال وفیصله آن: سوال: ۴۲ علمای دین در این مورد چه می فرمایند که در یک شهر شهادت های مختلف در مورد رونت هلال نزد قاضی آن شهر داده شود اما قاضی صاحب هر یک از شاهدان علیحده خواسته واز او سوال کند طوریکه دیگران نشنوند وبه صورت دقیق بپرسد که هلال را در کدام حصه دیدی؟ دوکناره آن بکدام طرف بود واگر بود با آن چقدر فاصله داشت ورنگ آن چطور بود وغیره وغیره وچون درجواب این سوالات میان دو شاهد زره ای فرق وجود داشت شهادت آن را رد نموده اما سر انجام پس از آنهمه کنجکاوی چند شهادت سالم بی عیب ومصون از جرح باقی ماند وقاضی صاحب ساعت هفت صبح آن شهادت ها را معتبر قرار داده وبه افطار روزه فتوی داد وهمراه با آن گفت که چون اطْلاع دادن به قریه ها اکنون مشکل می باشد لذا دو رکعت نماز عید فطر فردا ادا گردد وهر چند عده ای از مسلمانان واهل علم گفتند که این تاخیر بدون عذر بوده وصحیح نشست وباید نماز عید فطر همین امروز اداء گردد اما قاضی صاحب سخن ایشان را نپذیرفت وگفت که این تأخیر بلا عذر نبوده بلکه اطلاع عام عذرآن بوده لذا فردا اداء کردن نماز عید بدون کراهیت درست است چنانچه عامه مسلمان شهر به خانه های خود باز گشتند اما عده ای از مردم این تأخیر را نا جائز شمرده ونماز عید را در عیدگاه اداء نمودند که تعداد ایشان از صد الی یکصد وبیست وپنج نفر بود وعامه اهل اسلام مطابق اعلان قاضی صاحب فردا به امامت او نماز عید را اداء کردند اکنون می خواهیم مسائل ذیل را بدانیم:

قاضی حق جرح را دارد یانه: سوال: ۴۳ الف: قاضی به اساس شریعت تا چه حدی حق دارد چنین مسائل دقیق را از شاهدان رویت هلال بپرسد؟

تاخیر درست است یانه: سوال: ۴۴ ب: تأخیری که در صورت فوق انجام گرفت با عذر است یا بدون عذر در حالیکه پنج ساعت وقت برای اطلاع به مردم شهر ومتعلقات آن وجود داشت

= صریح (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۶، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفیر

(۱) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۷ – ۳۸۸. ظفیر

واطلاعی که غرض افطار صوم داده می شد برای اداء نماز عید نیز کافی بود یا کم از کم توسط منادی می شد آنرا در ظرف دوساعت بصورت کامل اعلان نمود.

تأخیر نماز عید غرض مراعات اهالی قریه چطور است: سوال: ٤٥ ج: اطلاع دادن به اهالي قریه ها وغرض مراعات ایشان نماز دید را به فردا مؤخر کردن تا چه حدی درست است؟

حکم درمورد کسانیکه درمخالفت با قاضی نماز عید را اداء نمودند: سوال: ٤٦ د: کسان که در مخالفت با قاضی صاحب در همان روز اول در عیدگاه نماز عید را اداء نمودند بر حق اند یا بر باطل وآیا اینکار ایشان ضروری یا جائز بود یا اینکه باید از حکم قاضی صاحب متابعت می نمودند؟

نمازی که در روز دوم خوانده شد چه حکم دارد: سوال: ٤٧ نمازی که قاضی صاحب وعامه مسلمانان در روز دوم خواندند صحیح است یا باطل وآیا اداء گردیده یا قضا ومکروه بوده یا بی عیب؟

امید است به سوالات فوق با دلائل وبراهین فقهی جواب مفصل اعطا فرمائید خداوند شما را ما جور گرد اند.

جواب: الف: چنین تحقیق وتدقیقی از شاهدان صحیح نیست درشامی آمده: (**ولا یکلف الشاهد الی بیان لون الدابة لان سئل عما لایکلف الی بیانه**) پس چون در مورد حقوق العباد چنین تدقیقی درست نیست در مورد حقوق الله بدرجه اولی درست نمی باشد.

ب ج: این تأخیر بلا عذر بوده وصحیح نمی باشد زیرا غرض اطلاع به اهل شهر وقت کافی وجود داشت [1] ومطلع نبودن اهل قریه ها بدانجهت که نماز عید بر ایشان واجب نیست نمی تواند عذر تأخیر باشد چون اشتراک ایشان ضروری نمی باشد [2].

---

(۱) وتؤخر بعذر کمطر الی الزوا ل من الغد فقط (درمختار) قوله بعذر کمطر الخ دخل فیه ما اذا لم یخرج الامام واما اذا غم الهلا ل فشهدوا به بعد الزوا ل اولیله بحیث لا یمکن جمع الناس، قوله فقط راجع الی بعض فلا تؤخر من غیر عذر (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۳۸۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷۶)، ظفیر

(۲) تجب صلاتهما فی الاصح علی من تجب علیه الجمعه بشرائطهما المتقدمة (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷٤ ، ط. س. ج۱ ص ۱٦٦). ظفیر

د: ایشان حق کردند وباید چنین می نمودند زیرا بدون عذر تأخیر نماز عید فطر نمی شود طوریکه در الدرالمختار آمده (فالعذر ههنا ای فی الاضحی لنفی الکراهة وفی الفطر للصحة) ([1]).

هـ: نمازی که در روز دوم بدون عذر خوانده شد صحیح نیست اگر به اساس عذر تأخیر منی شد صحیح می گردید اما آنهم قضا می بودنه اداء طوریکه در الدرالمختارآمده: (وتکون قضاء لا اداء) ([2]). فقط

به اساس خط وخبر تلگراف روزه گرفته شود یانه: سوال: ٤٨ اگر به تاریخ ۲۹ هلال رمضان یا عید دیده نشود وشهادت های معتبر نیز حسب تصریح بدست نیاید آیا می توان بر خبر تلگراف یا خط اعتماد نمود وروزه گرفت ویا نماز عید را خواند یانه؟

جواب: محض بر خبر تلگراف ویا خط اعتماد نمودن وبه اساس آن روزه گرفتن ویا افطار کردن شرعی نیست البته اگر آن خبر تلگراف ویا خط مصدق گردد ویا با قرائن دیگر تائید شود عمل بر آن درست است. ([3])

اگر به تاریخ سی رمضان هلال دیده نشود چه باید کرد: سوال: ٤٩ چه می گوئید در مورد کسیکه سی روز رمضان را پوره نموده وهلال شوال دیده نشده آیا یک روز بعد آنرا روز بگیرد تا آنکه هلال را در صبح قبل از زوال ببیند وهمچنان روز جمعه از بمبی تلگراف آمد پس عده ای از مردم افطار نمودند دراین مورد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: در الدر المختار آمده: (و بعد صوم ثلابین بقول عدلین حل الفطر ولو صاموا بقول عدل حیث یحرز وغم هلال الفطر لایحل علی المذهب خلافاً لمحمد لکن نقل ابن الکمال عن الذخیرة انه ان غم هلال الفطر حل اتفاقاً وفی الزیلعی ان غم حل والا لا ([4]) همچنان آمده: (ورؤیته بالنهار للیلة الاتیة مطلقاً علی المذهب ذکره الحداوی. ([5])

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷٦. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۸۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷٦. ظفیر

(۳) فیلزم اهل المشرق برؤیة اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤیة اولئک بطریق موجب (درمختار) کان یتحمل اثنان الشهادة اویشهدا علی حکم القاضی او یستفیض الخبر بخلاف ما اذا اخبرا ان اهل بلدة کذا رواه لانه حکایة (رد المحتار قبیل باب مایفسد الصوم وما لا یفسد ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۱. ظفیر

وتلگراف حجت شرعی نیست. (۱)

اگر خط وتلگراف بطور متواتر برسد هلال ثابت شود یانه: سوال: ۵۰ الف: در حالتی که مطلع صاف نبوده وابر وغبار باشد اگر خط ویا تلگراف بصورت متواتر برسد اما الفاظ آنها بطریق موجوب نباشد مثلاً اینطور نوشته شده باشد که فلان روز هلال دیده شد آیا به اعتبار آبی نامه ها وتلگرافی ها صوم افطار وعیدین درست است یانه؟

آیا درمورد کسیکه نامه فرستد یا تلگراف کند عادل بودن شرط است: سوال: ۵۱ ب: طور یکه در مورد شهادت ها متواتر عادل بودن شرط نیست آیا به همین ترتیب در مورد کسانیکه نامه می فرستند ویا تلگراف می کنند عادل بودن شرط می باشد یانه؟

آیا شناسایی نامه های متواتر ضرور است: سوال: ۵۲ ج: در تلگراف راهی برای شناسایی وجود ندارد اما در نامه ها از دستخط یا طرز تحریر وقرائن مضمون شناخت ممکن می باشد آیا در مورد نامه های متواتر شناخت ضرور است یانه؟

نامه یا تلگراف مستور کافی می باشد یانه: سوال: ۵۳ د: طوریکه در مورد هلال رمضان شهادت شخص مستور الحال کافی می باشد آیا به همین ترتیب نامه یا تلگراف یک کاتب مستور الحال نیز کافی می باشد یانه؟

درصورتیکه خبر متواتر شهرت بیابد چه باید کرد: سوال: ۵٤ اگر در حالت ابر خبر م متواتر مشهور گردد که در فلان شهر فلان روز عید است یا توسط نامه های متواتر معلوم گردد که فلان روز عید است یا از دو منطقه یک یک نامه بیاید اما واضح نگردد که هلال دیده شده یا نه ودر آنجا نیز صرف به علت شهرت عید شده باشد آیا ما می توانیم بر این خبر عمل کنیم یانه؟

جواب: الف: لفظ الدرالمختارکه تحت عنوان طریق موجب نوشته شده چنین است: (اویستفیض

---

(۵) ایضا ج۲ ص۱۳۰، وفی الشامی ای سواء روی قبل الزوال اوبعده (ردالمحتار باب ایضا، ط. س. ج۲ ص۳۹). ظفیر

(۱) فیلزم اهل المشرق برؤیة اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤیة اولئک بطریق موجب (درمختار) کان یتحمل اثنان الشهادة او یشهدا علی حکم القاضی او یستفیض الخبر بخلاف ما اذا اخبرا ان اهل بلدة کذا رواه لانه حکایة (ردالمحتار قبیل باب مایفسد الصوم وما لا یفسد ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفیر

الخبذ) ([1]) پس در صورتیکه خبر مستفیض ومتواتر گردد قابل قبول گردیده وعمل بر آن واجب می گردد.

ب: در صورت تواتر شرط عدالت وجود ندارد ([2]).

ج: تواتر در صورتی وا قع می شود که خطوط شناخته شود.

د: کافی نیست.

هـ: وقتیکه خبر مستفیض گردد عمل بر آن واجب است. ([3])

اگر پنج نفر مسلمان شهادت دهد عید می شود یانه: سوال: ٥٥ به تاریخ ۲۹ رمضان پنج نفر مسلمان روزه دار هلال را دیدند وآمدند وآنرا به امام گفتند در اینصورت چه حکمی وجود دارد؟

جواب: در اینصورت هلال ثابت گردیده وباید عید شود ([4]).

با شهادت یک نفر رویت هلال ثابت می شود یانه: سوال: ٥٦ یک نفر مسلمانی که پابند شریعت نیست ودو نفر هندو گفتند که به تاریخ ۲۹ شعبان هلال را دیدند در اینصورت رویت ثابت می شود یانه وآیا باید روزه گرفت یانه؟

جواب: در صورت صاف بودن مطلع به شهادت یک نفر مسلمان رویت هلال ثابت نمی گردد وشهادت هندوها دراین امور اعتبار ندارد بهر ترتیب در صورت مسوله شرعاً هلال ثابت نگردیده وروزه لازم نشده است. ([5])

---

(۱) ردالمحتار قبیل باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲. ظفیر

(۲) لکن لما کانت بمنزلة الخبر المتواتر وقد ثبت بها ان اهل تلک البلدة صاموا یوم کذا الزم العمل بها الخ (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰). ظفیر

(۳) نعم لواستفاض الخبر في البلد الاخرى لزمهم على الصحيح من المذهب (در مختار) قال الرحمتي: معنى الاستفاضة أن تأتي من تلک البلدة جماعات متعددون کل منهم يخبر عن أهل تلک البلدة أنهم صاموا عن رؤية لا مجرد الشيوع من غير علم بمن أشاعه الخ (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۸ وص ۱۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰). ظ

(٤) وشرط للفطر مع العلة والعدالة نصاب الشهادة الخ ولو کانوا ببلدة لاحاکم فيها صاموا بقول ثقة وافطروا باخبار عدلين مع العلة للضرورة (الدر المختار على هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ وص ۱۲۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۹). ظفیر

(٥) وقيل (بلا علة جمع عظيم يقع العلم) الشرعي وهو غلبة الظن بخبرهم وهو مفوض إلى رأي الامام (من غير تقدير بعدد) على المذهب، وعن الامام أنه يكتفي بشاهدين. واختاره في البحر الخ (درمختار) أي إن شرط القبول عند عدم علة في السماء لهلال الصوم أ[illegible] طر أو غيرهما الخ فلا يقبل خبر الواحد الخ (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۷ – ۳۸۸). ظفیر

شهادت بر رؤیت هلال: سوال؛ ۵۷ یک عالم عادل با اعتبار نامه ای فرستاد که در قریه ما هلال عید فطر دیده شد طوریکه تعداد زیادی از مردم آنرا دیدند که از آنجمله هفت نفر که نزد من معتبر می باشند سوگند خورده گفتند که هلال را دیدیم در این روز مطلع ابر آلود بود چون این نامه رسید مولوی صاحب که نامه برایش فرستاده شده بود دو مسلمان معتبر را به مولوی صاحب اولی فرستاد وخط نیز نوشت ایشان خط را نشان داده وپرسیدند که آیا واقعاً در قریه شما هلال دیده شده وایا این خط از تو است مولوی صاحب گفت بلی این خط ازمن است وهفت شاهد معتبر سوگند خورده وشهادت دادند ودوباره نامه نوشت که دونفر نزد من آمدند وچنین گفتند ایشان باز پس نزد مولوی صاحب دومی آمدند وبیان کردند که خط از مولوی صاحب است وچنین وچنان گفت اما او در خط اول ودوم هیچ حکم خویش را ننوشته بلکه به نقل شهادت پرداخته بود مولوی صاحب این نامه دومی را دیده واز آن دوشخص پرسید وسپس حکم نمود که عید فطر است ایا این حکم دادن صحیح است یانه؟

جواب: دراین صورت حکم مولوی صاحبی که نامه برایش فرستاده شده درست است واینصورت تحت فتوای حضرت مولانا رشید احمد گنگوهی قدس سره داخل می باشد (۱).

بدون علت شهادت دو نفر معتبر است یانه: سوال: ۵۸ اگر در صورتیکه علتی در آسمان نباشد ودونفر بدیدن هلال شوال شهادت دهند شهادت ایشان معتبر است یانه؟

جواب: اگر ابر یا گرد وغبار درآسمان نباشد شهادت جمع عظیم ضرور است تا بواسطه آن غلبه گمان حاصل آید طوریکه در الدرالمختار آمده: (وقبل بلا علة جمع عظیم یقع العلم الشرعی وهو غلبة الظن بخبرهم وهو مفوض الی رای الامام من نهیر تقدیر بعدد هم علی المذهب وعن الامام انه یکتفی بشاهدین واختاره فی البحر) (۲).

به اساس خبر تلگراف عید درست است یانه: سوال: ۵۹ درپانی پت کرنال وقرای متصل آن روز شنبه به اساس شهادت بمبئ کراچی وسکر عید کردند آیا به اساس خبر تلگراف عید گردن

(۱) ولوکانوا ببلدة لاحاکم فیها صاموا بقول ثقة وافطروا باخبار عدلین مع العلة للضرورة (الدر المختار علی هامش وردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۶). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۶ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۷. ۳۸۸. ظفیر

درست است یانه اگر درست نباشد قضای روزه آنرا روز لازم است یانه؟

جواب: مذهب مفتی به ومعتبر حنفی آن است که هر در جایی که رویت ثابت گردد هر چند هزاران کیلو متر فاصله داشته باشد دراینجا نیز مطابق آن حکم افطار است طوریکه درکتاب معتبر فقه الدرالمختار آمده: (واختلاف المطالع غیر معتبر علیی ظاهر المذهب وعلیه اکثر المشائخ وعلیه الفتوی فیلزم اهل المشرق بروئة اهل المغرب اذا ثبت عندهم روئة اولئک بطریق موجب) ([1]) وچون خبر رویت مستفیض گردد یعنی از هر طرف خبر برسد که هلال دیده شد وظن غالب به صدق آن باشد طوریکه در ردالمحتار آمده عمل بر آن لازم می گردد ([2]) چنانچه در رمضان امسال خبر اول روزه بودن پنجشنبه متواتر شد لذا عمل بر آن ضروری گردید پس جمعه سی ام رمضان بود ودر آن مورد شکی وجود نداشت، لذا به حکم: فاذا غم علیکم فاکملوا العدة ثلاثین، [3] عید کردن به روز شنبه ضرور شد.

<u>وقتی که به اساس اخبار متعدد تلگراف یقین حاصل کند چه باید کرد</u>: سوال: (۶۰) اگر تلگراف ها متعدد برسد ومفتی یقینْ حاصل نماید آیا شرعا رؤیت هلال ثابت می گردد یا نه؟

جواب: هنگامی که ظن غالب مفتی چنان باشد که هلال دیده شده، حکم به اساس آن جائز است. فقط

<u>عید کردن به اساس خبر تلگراف جائز است یانه</u>: سوال: (۶۱) به اساس خبرنامه وتلگراف عید کردن جائز است یانه؟

جواب: تنها خبرنامه یا تلگراف معتبر نیست، اما اگر تعداد خبرها زیاد گردد وعلم ظنی حاصل آید عمل بر آن جائز است.

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم قبیل باب ما یفسدْ الصوم ج۲ ص ۱۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۳. ظفیر

(۲) قوله بطریق موجب کان یتحمل اثنان الشهادة اویشهدا علی حکم القاضی اویستفیض الخبر (ردالمحتار باب ایضا ج۲ ص ۱۳۲. ط. س. ج۲ ص ۳۹۴) نعم لواستفاض الخبر فی البلدة الاخریٰ لزمهم علی الصحیح من المذهب (درمختار) فی الذخیرة قال شمس الائمة الحلوانی الصحیح من مذهب اصحابنا ان الخبر اذا استفاض وتحقق فیما بین اهل البلدة الاخریٰ یلزمهم حکم هذه البلدة الخ ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۸ ، ط. س؛ ج۲ ص ۳۹۰) . ظفیر

(۳) نعم لواستفاض الخبر فی البلدة الاخریٰ لزمهم علی الصحیح من المذهب مجتبی وغیره (درمختار) معنی الاستفاضة أن تأتی من تلک البلدة جماعات متعدد دون کل منهم یخبر عن أهل تلک البلدة أنهم صاموا عن رؤیة لا مجرد الشیوع الخ (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۸ وص ۱۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰). ظفیر

خبر تلفون اعتبار دارد یا نه: **سوال**: (٦٢) چند نفر مسلمان از شهری که ٤٩ میل فاصله دارد توسط تلیفون خبر رؤیت هلال را می دهند وآواز ایشان نیز شناخته می شود، شرعا این خبر معتبر است یانه؟

جواب: خبر تلیفون ویا تلگراف به تنهایی حجت شرعی نیست، اما اگر همراه با آن قرائن واخبار دیگر نیز موجود باشد، عمل بر آن جائز است چنانچه امسال در اکثر جاها روز چهارشنبه هلال دیده نشد، اما اخبار متعدد دال بر رؤیت هلال بود، لذا پنجشنبه اول رمضان قرار گرفت چون پنجشنبه اول روزه قبول گردید، لذا عید کردن به روز شنبه ضروری گشت وکسانیکه روز جمعه روزه گرفتن را آغاز کردند، قضای یک روزه بر ایشان لازم آمد. (١)

درصورت صاف بودن شهادت، چهل نفر معتبر است یانه: **سوال**: (٦٣) الف: اگر از جمله دو هزار نفر صرف سی یا چهل نفر در حالیکه مطلع صاف باشد به رؤیت هلال شهادت دهند، شهادت ایشان در شریعت معتبر است یانه؟

اعلان به اساس شهادت بیست نفر وسپس بازگشت از آن: **سوال**: (٦٤) ب: شخصی که به اساس شهادت بیست نفر رؤیت هلال را قبول کند واعلان نماید وسپس از آن باز گردد در مورد او چه حکمی وجود دارد؟

وقتیکه مطلع صاف باشد شهادت چند نفر ضرور است: **سوال**: ٦٥ ج: در صورت صاف بودن مطلع حد نهایی شهادت چقدر است؟

جواب: الف ب ج: اگر عالم یا قاضی این شهر آنرا بپذیرد وظن غالب مردم به صدق آن باشد مطابق شهادت ایشان حکم کردن صحیح است وهنگامیکه به اساس شهادت بیست نفر غلبه ظن حاصل آید اعلان گردد باز باید با این حکم مخالفت صورت نگیرد اینکار غلط است زیرا از امام ابو حنیفه (رح) در صورت صاف بودن قبول شهادت دو نفر نیز روایت گردیده بلکه حتی اگر از یک منطقه بلند شهر یا از بیرون شهر یک شخص معتبر نیز گواهی دهد ومطلع هم صاف باشد به شهادت او نیز اعتبار داده می شود (وقبل بلا علة جمع عظیم يقع العلم الشرعی وهو غلبة الظن

---

(١) نعم لواستفاض الخبر في البلدة الاخرى لزمهم على الصحيح من المذهب مجتبى وغيره (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصوم ج٢ ص ١٢٨ ، ط. س. ج٢ ص ٣٩٠). ظفير

بخبرهم وهو مفوض الی رای الامام من غیر تقدیر بعدد هم علی المذهب وعن الامام انه یکتفی بشاهدین واختاره فی البحر وصحح فی الاقضیة بواحد ان جا من خارج البلد او کان علی مکان مرتفع) (۱). فقط

اگر اشخاص متعدد یک قریه رویت هلال را بیان کنند کسیکه ازبیرون آمده آنرا قبول کند یانه: سوال: ٦٦ من به ضرورت مدرسه اینجا آمده ام وچند نفر پیشروی من روئت رمضان را بیان کردند در اینجا اکثر مردم روز جمعه ۲۹ بشعبان هلال را دیدند وشنبه اول روزه قرار گرفت اکنون چون من به وطن خود باز گردم آیا بر این عمل کنم یانه؟

جواب: در اینصورت رویت هلال در روز جمعه ثابت بوده وروزه بودن شنبه محقق می باشد وچون شما به وطن برسید باید مردم را مطابق آن حکم کنید ویکشنبه را سی رمضان قرار داده وباید بهر حال دوشنبه عید شود (۲).

کسیکه بر اساس شهادت دونفر افطار کند بر او قضا وکفاره است یانه: سوال: ٦٧ روزه یکشنبه ۲۹ شعبان عده ای از مردم هلال را دیدند اکثر مردم روزه گرفتند وچند نفر نگرفتند امروز سه شنبه چند نفر هلال عید فطر را دیدند که در آنجمله دو شهادت معتبر می باشد وبه اساس آن بسیاری از مردم روزه را افطار نمودند وچند نفر هم افطار نکردند آیا بر کسانیکه افطار کرده اند کفاره واجب است یانه؟

جواب : چون به اشاس شهادت معتبره روئت هلال ثابت گشت افطا ر ضروری بود پس بر کسانیکه افطار کرده اند مواخذه وکفاره ای نیست. (۳)

به اساس شهادت دونفر وخبرهای متعدد تلگراف حکم افطار درست است یانه: سوال: ٦٨ آیا به اساس شهادت دو نفر وخبر مستفیض یعنی هفده تلگراف از مناطق متعدد مثلاً کلکته مکه مکرمه جده بمبی کویته سکر وغیره شهرهای مختلف به افطار روزه فتوی داده شده در این

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۷ – ۳۸۸ . ظفیر

(۲) واما فی السواد اذا رأی احدهم هلال رمضان یشهد فی مسجد قریة وعلی الناس ان یصوموا بقوله بعد ان یکون عدلا اذا لم یکن هناک حاکم یشهد عند الخ (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب الثانی ج۱ ص ۱۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸). ظفیر

(۳) وشرط للفطر مع العلة والعدالة نصاب الشهادة الخ (درمختار) ای علی الاموال وهو رجلان او رجل وامرأتان (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦). ظفیر

صورت روزه گرفتن جایز است یانه؟ .

جواب: دراینصورت افطار واجب نیست بلکه درجواز افطار به مجرد خبر تلگراف هم تردد است زیرا واضح می باشد که خبر تلگراف حسب قواعد شرعی اعتبار ندارد اما اگر به وجه تعارف بلاد خبر تلگراف مؤید شمرده شود ویا به وجه تعدد تلگراف ظن غالب حاصل آید مفید جواز افطار شده می تواند پس هر کسیکه روزه گرفته وافطار نکرده گنهگار نمی گردد (۱).

کسیکه بدیدن هلال شهادت دهد وشها دتش قبول نشود اماخودش روزه بگیرد وچون سی روز تکمیل گردد هلال دیده نشود باید روز سی ویکم را نیز روزه بگیرد: سوال: ۶۹ شخصی هلال رمضان را دید اما شهادتش به علتی قبول نگردید واو مطابق قاعده شرعی روزه گرفت وروزه دیگران یک روز بعد آغاز گردید وقتیکه سی روز روزه او مکمل گردید در حالیکه از دیگران ۲۹ روز شده بود هلال دیده نشد اکنون گرفتن روزه روز بعد یعنی روز سی ویکم بروی واجب است یانه واگر آنرا روزه نگیرد گنگهار می شود یانه واگر روزه نگیرد بروی قضاء واجب می شود یا کفاره؟

جواب: گرفتن روزه روز سی ویکم بروی واجب است اما اگر روزه نگیرد صرف قضا بروی واجب می گردد (۲).

اگر به تاریخ ۲۹ رمضان بعد از زوال هلال دیده شود چه باید کرد: سوال: ۷۰ اگر به تاریخ ۲۹ رمضان پس از زوال هلال شوال دیده شود آیا باید باقی مانده روز را روزه گرفت یا اینکه به مجرد دیدن باید روزه را شکست؟

جواب: باید باقی مانده روز روزه گرفته شود واین موضوع در الدرالمختارآمده است. (۳)

---

(۱) فیلزم اهل المشرق برؤیة اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤیة اولئک بطریق موجب (درمختار کان یتحمل اثنان الشهادة اویشهدا علی حکم القاضی او یستفیض الخبر بخلاف، ما اذا اخبر ان اهل بلدة کذا رواه لانه حکایة (ردالمحتار قبیل باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤). ظفیر

(۲) رای مکلف هلال رمضان اوالفطر ورد قوله بدلیل شرعی صام مطلقا وجوب وقیل ندبا فان افطر قضی فقط فیهما لشبهة الرد (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۲۱۲ ، وج۲ ص ۱۲۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٤). ظفیر

(۳) ورؤیته بالنهار لیلة مطلقا علی المذهب (درمختار) ای سواء روی قبل الزوال اوبعده (ردالمحتار کتاب الصوم مطلب فی رؤیة الهلال نهارا ج۲ ص ۱۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفیر

رؤیت شهری که فاصله بسیار دارد معتبر است یانه: سوال: ۷۱ در مورد رویت هلال رمضان وعید در امرتسر وغیره پیوسته اختلاف وجود داشته آیا ما ساکنان مندله می توانیم از شهرهایی که فاصله زیاد دارند متابعت کنیم یانه؟

جواب: نزد احناف اختلاف مطالع اعتبار ندارد رویت اهل مشرق برای اهل مغرب لازم می گردد در صورتیکه بطریق معتبر ثابت شود چنانچه درشامی والدرالمختار آمده: (واختلاف المطالع غیر معتبر علی ظاهر المذهب فیلزم اهل المشرق برویة اهل المغرب اذا ثبت عندهم رویة اولئک بطریق موجب) ([1]) وشامی طریق موجب را شرح نموده به آنجا مراجعه شود ([2]) ومقتضی حدیث صحیح (صوموا لرویته وافطروا لرویته) ([3]) نیز همین است زیرا خطاب (صوموا) و(افطروا) برای همه عام می باشد خلاصه هر وقتیکه رویت هلال ثابت گردد در هر جایی که باشد باید مطابق آن روزه وعید شود.

اگر یک مهتاب صبح به طرف مشرق دیده شود آیا در شام دیگر دیدن هلال نو به سمت دیگر امکان دارد یانه: سوال: ۷۲ اگر یک مهتاب امروز صبح بطرف شرق دیده شود آیا درشام فردا دیدن هلال نو در سمت دیگرنا ممکن است یا نه؟

جواب: د ر الدر المختار آمده: (ولا عبرة بقول الموقتین) الدر المختار ای فی وجوب الصوم علی الناس بل فی المعراج لایعتبر ولهم بالاجماع ولایجوز للمنجم ان یعمل بحساب نفسه) ([4]) پس قول اهل توقیت واهل نجوم وحساب در شرع اعتبار ندارد طعن عوام الناس به حساب مذکور چگونه صحیح شده می تواند؟ وبه اساس حساب نیز اگر امروز صبح مهتاب به جانب شرق دیده شود فردا شام رویت هرر نوشده می تواند چنانچه این امر واقع گردیده است.

شهادت غیر معتبر قابل قبول نیست: سوال: ۷۳ اگر در شهر مطلع صاف نباشد ودو شخصی که چشم های ایشان ضعیف است ومردم ایشان را غیر عادل وغیر معتبر می دانند به رویت هلال

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم قبیل باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۱ وص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤. ظفیر

(۲) بطریق موجب کان یتحمل الشهادة اثنان او یشهدا علی حکم القاضی اویستفیض الخبر (ردالمحتار ایضا، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤). ظفیر

(۳) مشکوٰة باب رؤیة الهلال ص ۱۷٤. ظفیر صدیقی

(٤) ردالمحتار کتاب الصوم ص ۱۲۵ مطلب لا عبرة بقول الموقتین ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۷. ظفیر

شهادت دهند وامام مسجد به اساس شهادت ایشان فتوی دهد که روز پنجشنبه نماز عید اضحی خوانده می شود ومردم غیر عادل بودن وغیر معتبر بودن ایشان را به امام اظهار نمایند وامام صاحب بگوید که در شهادت عدالت شرط نمی باشد وهمینکه دوکلمه گو سوگند خورده شهادت دهند ما قبول می کنیم آیا شهادت دوفاسق هم مقبول می گردد وامام دیگری به روز جمعه فتوی دهد در اینصورت روز پنجشنبه نماز عید اضحی وقربانی جائز خواهد بود یانه؟

جواب: عادل بودن شاهدان برای ثبوت روئیت هلال ضروری می باشد با شهادت شاهدان غیر معتبر وغیر عادل عید اضحی ثابت نمی گردد ([1]) در اینصورت عیدی که در پنجشنبه شده درست نبوده وقربانی نیز درست نمی باشد کسانیکه روز جمعه عید وقربانی کرده اند بر حق هستند. فقط

شهادت علی القضاء: سوال: ۷٤ در ردالمحتار آمده: (بخلاف الشهادة علی الشهادة فی سائر الاحکام حیث لاتقبل ما لم یشهد علی شهادة کل رجل رجلان او رجل امراتان) ودر الدرالمختار آمده:

(احکام هلال الفطر مع العلة والعدالة نصاب الشهادة ولفظ اشهد وعدم الحد فی قذف لتعلق نفع العبد لکن لا تشرط الدعوی ([2]) وان سقط لفظ الشهادة للضرورة لکن یبقی بقیة الاحکام کما مر من رد المحتار بخلاف الشهادة علی الشها ة فی سائر الاحکام ای فی غیر احکام هلال رمضان)

در روشنی روایات فوق الذکر جواب مسأله ذیل چگونه اخواهد بود زید پس از اخذ شهادت مطابق قواعد در شهر خود یعنی اله آباد به افطار حکم داد بکر که در آنوقت در اله آباد مقیم بود به شهر کانپور رفته این خبر را برد که زید در شهر اله آباد با اخذ شهادت شرعی بہ افطار حکم داد اکنون شما نیز افطار کنید این سخن آشکار است که مردم کانپور نمی توانند فقط به اساس شهاد ت بکر افطار نمایند زیرا در فطر تعدد نیز شرط می باشد اما شبه آن است که شهادت زید

---

(۱) للصوم مع علة کغیم وغبار خبر عدل اومستور الحال الخ لافاسق اتفاقا (درمختار) اما مع تبیین الفسق فلا قائل به عندنا (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۳ وص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵) وهلال الاضحی وبقیة الاشهر التسعة کالفطر علی المذهب الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۱). ظفیر

(۲) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۶. ظفیر

شهادت بر قضامی باشد که حکم آن مانند شهادت علی الشهادت می باشد پس اکنون برای افطار صوم فقط شهادت یک نفر کافی است یا اینکه سه شاهد دیگر ضرورت می باشد چون مطابق روایت اول برای فطر شهادت دونفر ضرور می باشد ودر صورت شهادت علی شهادت برای هر شخص دوشاهد ضرور است بدین ترتیب باید برای شهادت علی شهادت بر علاوه بکر سه شخص دیگر نیز وجود داشته باشد همچنان اگر دو نفر بر شهادت یک نفر شاهدی دهند آیا اگر آندو بر شهادت شخص ثانی نیز شهادت دهند کفایت نخواهد کرد.

از روایت دومی وسومی چنان معلوم می گردد که برای ثبوت هلال رمضان لفظ (اشهد) شرط وبرای هلال فطر این شرط وجود ندارد در حالیکه چنانچه دیده شده در هلال رمضان نیز از شاهد خواسته نمی شود که بگوید که من شهادت می دهم به اینکه هلال را دیدم آیا گفتن لفظ ویا ترجمه آن ضرور است؟ همچنان از روایت سوم ثابت می گردد که در صورت شهادت علی شهادت نیز برای ثبوت هلال رمضان وجود یک شاهد کافی می باشد بر خلاف هلال فطر که برای ثبوت آن به شهادت چهار نفر ضرورت است.

جواب: در صورت شهادت علی شهادت دو شاهد می توانند شاهد هر دو شاهد باشند چنانچه از عبارت هدایة واضح می باشد ودر شهادت بر حکم قاضی نیز دو شاهد کافی می باشد طوریکه در عبارت منقوله از شامی صرا حت دارد.

برای اثبات هلال رمضان لفظ اشهد ضرور نیست چنانچه برای فطر نیز ضرورنمی باشد طوریکه الدرالمختار به آن تصریح نموده وشامی در مورد آن تحقیق نموده است.

عباراتی که به این جواب ارتباط دارد حسب ذیل نقل می گردد: (وقبل بلا دعوی وبلا لفظ للصوم مع العلة خبر عدل) ([1]).

ویجوز شهادة شاهدین علی شهادة شاهدین وقال الشافعی لا یجوز الا الاربع علی کل اصل ابنان الی ان قال ولنا قال علی (رض) لا یجوز علی شهادة رجل الاشهادة رجلین ولان نقل شهادة الاصل من الحقوق فهما شهدا بحق ثم شهد بحق آخر) [2] ودر الدرالمختار آمده: (فیلزم اهل المشرق

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵. ظفیر =

برؤية اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤية اولئک بطريق موجب) ودر ردالمحتار آمده: (قوله بطريق موجب كان يتحمل اثنان الشهادة اويشهدا على حكم القاضي او يستفيض الخبر) ([1]) همچنان در الدرالمختار آمده: (وقبل بلا لفظ اشهد وبلا حكم ومجلس قضاء للصوم مع العلة كغيم وغبار خبر عدل) ([2]) وشرط للفطر مع العلة نصاب شهادة ولفظ اشهد) ([3]).

به اساس شهادت دو شخص معتمد افطار درست است یانه: سوال: ۷۵ در اینجا روز سه شنبه چند نفر شهادت دادند که ما هلال را دیدیم واز جملۀ ایشان دو نفر پابند نماز وروزه اند به اساس شهادت ایشان عید شد آیا اینکار جائز است یانه وآیا باید قضای روز مذکور گرفته شود یانه؟

جواب: در صورتیکه ابر باشد شهادت دوشاهد معتبر که دیدن هلال را بیان نمایند مقبول بوده وبه اساس آن عید کردن درست است وطوریکه در کتب فقه آمده قضای آنروز لازم نیست. ([4])

اطلاع ثبوت هلال توسط پست: سوال: ۷۶ در شهری رویت هلال ثابت گردید وعلمای آن شهر این موضوع را شائع کردند واین حکم را توسط پست به مفتی شهر دیگر فرستادند آیا او می تواند به اساس خبری که توسط پست به او رسیده حکم دهد یا موافق قانون کتاب القاضی الی القاضی باید شاهد آورده شود؟

جواب: درچنین اموری خط اعتبار دارد در حالیکه قرائن صدق آن موجود بوده وشبه باقی نماند ([5]). فقط

---

(۲) هدایه باب الشهادة علی الشهادة ج۳ ص ۱۵٤. ظفیر

(۱) ردالمحتار قبیل مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤. ظفیر غفر الله ذنوبه الجلیّ والخفی

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦. ظفیر

(٤) وشرط للفطر مع العلة والعدالة نصاب الشهادة (درمختار) ای علی الاموال وهو رجلان اورجل وامراتان (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٦). ظفیر

(٥) فیلزم اهل المشرق برؤیة اهل المغرب اذا ثبت عندهم رؤیة اولئک بطریق موجب (درمختار) کان یحتمل اثنان الشهادة اویشهدا علی حکم القاضی اویستفیض الخبر بخلاف اذا اخبرا ان اهل بلدة کذا رأوه لانه حکایة (رد المحتار کتاب الصوم قبیل باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۲. ط. س. ج۲ ص ۳۹٤) . ظفیر

نعم لواستفاض الخبر فی البلدة الاخرٰی لزمهم علی الصحیح من المذهب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰). ظفیر

از سی شعبان سی روز روزه راتکمیل کردن وافطار نمودن چطور است: سوال: ۷۷ زید به تاریخ ۳۰ شعبان به نیت فرض روز گرفت وبعداً پس از تکمیل کردن سی روز روزه به تاریخ ۳۰ رمضان بدون رویئت وشهادت شرعی محض به اساس جنتری یا به اساس نظر خویش روزه را شکست وبرای همه علناً فتوی داد که امروز عید جائز است چون سی روز روزه تکمیل گردیده ودر جنتری نیز چنین نوشته شده هلال حتماً هست اما به سبب ابر دیده نشده این سخن را شنیده واکثر مردم روزه را شکستند وعمرو بعد از رویئت هلال رمضان روزه گرفت وسی روز کامل روزه دار بود وپس از دیدن هلال شوال عید نمود در اینصورت چه کسی مصیب است وکسیکه مخطی می باشد بر اوقضا واجب است یانه؟

جواب: در اینصورت زید بر خطا بوده وعمرو مصیب می باشد ودر مورد قضای روزه این تفصیل وجود دارد که اگر بعداً رویت جای دیگری مطابق گمان زید صورت گیرد ومطابق به ثبوت رسد قضاء لازم نبوده ودر غیر آن لازم می باشد[1].

تکمیل نمودن سی روز : سوال: ۷۸ در اینجا یعنی رأی پور به اساس آنکه هلال به علت ابر در ۲۹ رمضان دیده نشد به اتفاق آرای مسلمان سی روز روزه تکمیل گردید وروز پنجشنبه نماز عید خوانده شد بعد از آن روز پنجشنبه ۲۹ شوال هلال ذیقعده به علت ابر رویت نگردید وبه همین ترتیب در ۲۹ ذیقعده هلال ذالحجه مشاهده نگردید بدین جهت در عید الاضحی اختلاف رویداد یک گروه یکماه را ۲۹ وماه دیگر را سی روز حساب کرده وبدون شهادت رویت هلال فیصله کردند که روز سه شنبه عید اضحی می باشد لذا به روز سه شنبه نماز عید اضحی را اداء نمودند گروه دیگر چون به اساس ابر آلود بودن مطلع هلال ماه های مذکور رویئت نگردید ودر این مورد شهادت های شرعی وجود نداشت هر دو ماه شوال وذیقعده را سی روز حساب نموده وروز چهار شنبه عیدکردند ونماز عید اضحی را اداء نمودند از این دو گروه فعل کدام مطابق شریعت می باشد؟

---

(۱) وبعد صوم ثلاثین بقول عدلین حل الفطر الخ ولو صاموا بقول عدل حیث یجوز وغم هلاجل الفطر لایحل علی المذهب (درمختار) والحاصل انه اذا غم شوال افطروا اتفاقا اذا ثبت رمضان بشهادة عدلین فی الغیم اوالصحوا الصوم ج۲ ص ۱۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰) ودر صورت مسئوله گمان شده است لهذا قضاء واجب است. ظفیر

جواب: قاعده شرعی آن است که اگر به تاریخ ۲۹ هلال دیده نشود واز جای دیگری نیز خبر رویت بوسیله معتبری نرسد سی روز را تکمیل نموده وماه دیگر شروع می گردد لذا به اساس شریعت فعل کسانیکه در هر ماه سی سی روز را پوره نمودند درست می اباشد وکسانیکه بدون ثبوت یکماه را سی ویکماه را بیست ونه فرض کرده وبه این حساب عید الاضحی کرده اند خطاست ابهر چه مطابق رویت عید بودن سه شنبہ محقق گردیده چنانچه در دیوبند واطراف آن روز شنبه هلال ذالحجة رویت گردید ویکشنبه اول ذالحجة قرار گرفت وسه شنبه عید الاضحی شد اما نص دراین مورد حدیث مشهور (صوموا لرویته وا فطروا لرویته) می با شد ([1]).

عید کردن به اساس خبر تلگراف چطور است: **سوال:** ۷۹ اگر یک رئیس جمهور مسلمان به یک حاکم مسلمان تلگراف کند که هلال دیده شد افطار نمودن روزه وعید کردن به اساس این تلگراف درست است یانه؟

جواب: این خبر شرعاً معتبر نیست ومحض به اساس چنین تلگرافی افطار درست نمی باشد وتحقیق آن در کتب فقه موجود است شامی طریق موجب را که به اساس آن رویت بر دیگران لازم می گردد چنین نوشته که دو مرد معتبر شهادت دهند یا بر حکم قاضی دراین مورد گواهی دهند ویا خبر متواتر گردد وآشکالی است که در تلگراف هیچ یک از آن سه وجه وجود ندارد ([2]). فقط

افطار به اساس نامه درست است یانه: **سوال:** ۸۰ اگر برای عالمی توسط نامه معلوم گردد که به تاریخ ۲۹ هلال دیده شد ایا حجت است یانه؟

جواب: نامه حجت نیست اما اگر به اساس قرائن صدق آن معلوم گردد عمل بر آن درست است ([3]). فقط

---

(۱) مشکوٰة باب رؤیة هلال ص ۱۷٤. ظفیر

(۲) اذا ثبت عندهم رؤیة اولئک بطریق موجب (درمختار) کان یحتمل اثنان الشهادة اویشهدا علی حکم القاضی او یستفیض الخبر (ردالمحتار کتاب الصوم قبیل باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤). ظفیر

(۳) اذا ثبت عندهم رؤیة اولئک بطریق موجب (درمختار) کان یحتمل اثنان الشهادة اویشهدا علی حکم القاضی او یستفیض الخبر (ردالمحتار کتاب الصوم قبیل باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤). ظفیر

اگر بعداً ثابت گردد که به تاریخ هلال دیده شده بود چه باید کرد: سوال: ۸۱ به تاریخ ۲۹ شعبان تلگراف از (جادره) مبنی بر روئیت هلال به ما رسیده بود اما به آن عمل لنمودیم بعد به اساس خبرهای روز نامه ها روئت هلال به تاریخ ۲۹ شعبان معلوم گردد اکنون سوال این است که روز ۳۰ جون برای ما نیز ضروراً اول شوال می باشد یانه؟

جواب: روئت هلال رمضان المبارک به تاریخ ۲۹ شعبان روز جمعه به اساس شهادت ها واخبار متواتره ثابت ومحقق گردیده لذا مسلم است که شنبه اول روزه می باشد مردمی که شنبه را روزه نگرفته اند قضای آن روزه بر ایشان لازم است واگر هلال عید روز شنبه دیده نشود یکشنبه سی ام رمضان بوده وروز دوشنبه ۳۰ جو عید گردن ضروری می باشد ([1]).

اختلاف مطالع نزد احناف: سوال: ۸۲ اختلاف مطالع نزد احناف معتبر است یانه اگر معتبر نیست تا چه فاصله ای اگر خبر روئت هلال بطریق موجب برسد می توان آنرا قول کرد؟

واگر اختلاف معتبر می باشد حد یک مطلع شرعاً چقدر است وباز این حکم اعتبار اختلاف وعلم اعتبار آن برای تمام ممالک یکسان است یا علیحده؟

اگر رویت هلال به اساس شرع نزد مفتی یا عالم متدین یک شهر ثابت گردد واو خبر روئت را به مفعی یا عالم متدین شهر دیگر توسط تلفون خبر دهد طوریکه هردو آواز یکدیگر را بخوبی بشنوند وبشناسند وهنگام تکلم آواز دیگری در میان نباشد وبه کسیکه خبر داده شود ثابت گردد وشکی باقی نماند آیا عمل بر آن خبر درست است یانه؟

جواب: نزد احناف مطالع مطلقاً معتبر نیست تا جایی که اگر اهل مغرب هلال را ببینند برای اهل مشرق لازم می گردد بشرط آنکه روئت اهل مغرب برای ایشان بطریق موجب ثابت گردد در الدرالمختار امده: (واختلاف المطالع غیر معتبر علی ظاهر المذهب فیلزم اهل المشرق بروئة اهل المغرب اذا ثبت عندهم روئة اولئک بطریق موجب) ([2]) ودر ردالمحتار شرح طریق موجب چنین صورت گرفته است کان یتحمل اثنان الشهادة او یشهدا علی حکم القاضی او یستفیض الخبر

---

(۱) نعم لواستفاض الخبر فی البلدة الاخری لزمهم علی الصحیح الخ وبعد صوم ثلاثین بقول عدلین حل الفطر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۸ – ۱۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم مطلب فی المطالع ج۲ ص ۱۳۱ – ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۳. ظفیر

بخلاف ما اذا اخبر ان اهل بلدة كذا راوه لانه حكاية) (1) پس این نکته نیز واضح گردید که خبر تلگراف ویا تلفون که از رویت شهر دیگر خبر دهد معتبر نیست زیرا در هیچ یک از طرق موجب فوق د اخل نمی باشد.

اختلاف مطالع واعتماد برخبر غلط: **سوال**: ۸۳ زید از کلکته به شهر کتک آمده وگفت که امام مسجد زکریا کلکته به اساس خبر رؤیت هرر در ۲۹ ذیقعده جمعه را روز عید اضحی تعیین کرده است لهذا شما نیز روز جمعه را برای نماز عید تعیین کنید به اساس گفتار او در مسجد جامع اعلان گردید که روز جمعه نماز عید خوانده می شود بعد از آن عمرو آمد ونماز گزاران مذکور را جمع نموده وگفت که شما چطور بدون شهادت عالمی چنین اعلانی کرده اید لذا مردم به جای جمعه شنبه را عید اعلان نمودند پس از آن خالد آمد وبا شدت به مردم موجود گفت که در مخالفت با فیصله اول خرابی بزرگی روی خواهد داد اگر مسلمانان اتفاق نموده وبه تاریخ ۹ ذی الحجة نماز عید را بخوانند جائز است خلاصه آنکه به اساس فشار خالد روز جمعه نماز عید را خواندند اکنون از بمبی خبر محقق رسیده آنکه در آنجا روز شنبه نماز عید خوانده شده در اینصورت مجرم شرعی زید است یا نماز گزاران ودر مورد خالد چه حکمی وجود دارد؟ اختلاف مطالع معتبر است یانه در صورتیکه از کتب فقه ثابت است که در سرزمین بلغاریا یا ۲۳ ساعت روز ویک ساعت شب می باشد پس باید اختلاف مطالع معتبر باشد وخبرتلگراف معتبر است یانه؟

جواب: به اساس مذهب حنفی اختلاف مطالع اعتبار ندارد یعنی اختلاف مطلع در حقیقت موجود بوده اما از روی شرع بی اعتبار است پس اگر اهل مغرب هلال را ببینند وخبر رویت ایشان بطریق موجب به اهل مشرق برسد اهل مشرق نیز باید بر آن عمل کند در الدرالمختار آمده: (واختلاف المطالع غير معتبر على ظاهر المذهب فيلزم اهل المشرق بروئة اهل المغرب اذا ثبت عندهم روية اولئک بطريق موجب ودر ردالمحتار آمده: قوله بطريقی موجب كان يتحمل اثنان الشهادة او يشهدا على حكم القاضى او يستفيض الخبر بخلاف ما اذا اخبر ان اهل بلدة كذا راوه

---

(۱) ردالمحتار كتاب الصوم مطلب في اختلاف المطالع ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۳. ظفير

لانه حکایة) ([1]) از عبارت مذکور واضح گردید که خالد بر خطا بود وکسانیکه بر اساس گفته زید روز جمعه را برای عید تعیین نمودند نیز بر خطا بودند زیرا در اینصورت هیچ شهادت معتبری در مورد رویت بمبی وجود نداشت صرف به این سخن که زید بگوید که مردم کلکته به اساس خبر بمبی روز جمعه را برای عید تعیین کرده اند تعیین روز جمعه به حیث عید برای مردم کتک جائز نبود بلکه مردم به دلیل جهالت به اساس گفته زید چنین کردند وخالد به اساس جهالت خود آنرا تایید نمود؟ اما آنچه شد شد برای زید وخالد ضرور است که بر غلطی خود اقرار ندامت وتوبه نمایند ودر آینده بر چنین خبری نباید عمل کرد بلکه وقتیکه از جای دیگر بطریق معتبر شرعی خبر رویت برسد بر آن باید عمل شود طوریکه عبارت الدرالمختار (ان اهل المشرق یلزمهم برؤیة اهل المغرب) ([2]) گذشت خبر تلگراف از نظر شرعی معتبر وواجب العمل نیست اما اگر به اساس قرائن دیگر یاتعدد اخبار ظن غالب حاصل آید عمل بر آن درست می باشد بر خط می توان اعتماد نمود در صورتیکه معلوم گردد که خط واقعاً از کسی است که به نام او آمده ومسأله مشابه بودن خط با خط دراین مورد ملحوظ نمی باشد طوریکه فقها به اعتبار خط در معاملات تصریح کرده اند ([3]).

فصل سوم

در صورت عدم رویت هلال روزه یوم الشک یعنی سی شعبان

اگربه تاریخ ۲۹ شعبان هلال دیده نشود وبه این امید که شاید خبر رویت ازجایی برسد روزه بگیرد چه حکم دارد: **سوال:** ۸٤ اگر به تاریخ ۲۹ شعبان به علت ابر هلال دیده نشود آیا روزه گرفتن ۳۰ شعبان به این نیت جائز است که اگر رمضان شد روزه رمضان باشد واگر نه نفل واگر خبر رویت هلال برسد روزه مذکور روزه محسوب خواهد شد یا نه؟

جواب: با چنین ترددی روزه گرفتن را فقها مکروه نوشته اند وصحابه (رض) چنین شخصی را

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۳. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٤. ظفیر

(۳) وفی الاشباه لایعمل بالخط الافی مسئلة کتاب الامان ویلحق به آت ودفتر بیاع وصراف وسمسار وجوزه محمد وقاض وشاهدان تیقن به قیل وبه یفتی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب کتاب القاضی الی القاضی ج٤ ص ٤٨٩ ، ط. س. ج٥ ص ٤٣٥). ظفیر صدیقی

عاصی خوانده اند طوریکه روایت گردید: (من صام یوم الشک فقل عصی ابا القاسم صلی الله علیه وسلم) ([1]) وامر بر خود شخص محمول می باشد که روز مذکور را به نیت فرض گرفته یا طوریکه در سوال ذکر شده اگر محض به نیت نفل بگیرد درست است بهر حال اگر خبر روئت هلال برسد روزه مذکور روزه رمضان محسوب خواهد شد؟ طوریکه در ا لدرالمختار آمده: (و الا بان ظهرت فعنه ای عن رمضان) ([2]).

به اساس ۲۹ و۳۰ هلال روزه کسی سی روز واز دیگر ۲۹ روز شد کدام یک اعتبار دارد:

سوال: ۸۵ در رویت هلال رمضان اختلاف رویداد در بعضی از مناطق پس از تاریخ ۲۹ شعبان روزه گرفته شد ودر بعضی جاها پس از تاریخ ۳۰ شعبان کسانیکه پس/۱ ز تاریخ ۲۹ شعبان روزه گرفته اند نزد ایشان ۳۰ روز رمضان شریف تکمیل گردید وفردا عید است زیرا ۳۰ روز زوزه ایشان تکمیل گردیده است وبهط نیکه پس از تاریخ ۳۰ شعبان روز گرفته اند نزد یشان ۲۹ رمضان می باشد ومطلع نیز ابر آلود است در اینصورت چه باید کرد؟ واختلاف مطالع معتبر است یانه؟

جواب: اختلاف مطالع نزد احناف اعتبار ندارد اگر در جایی به تاریخ ۲۹ هلال دیده شود وشرعاً ثابت گردد در جای های دیگر لیز به حساب آن روزه گرفتن لازم می باشد وکسانیکه بعداً اطلاع حاصل نمایند ویک روز بعد روزه گرفته باشند ایشان نیز با کسانیکه پس از ۲۹ شعبان روزه گرفته الد عید کنند وروزه روز اول را قضائی بگیرند.

اگرمردمی که پس از۲۹ شعبان روزه گرفته اند اینکار ایشان بدون ثبوت رویت شرعی هلال باشد روزه روز اول ایشان اعتبار ندارد وبر ایشان لازم است که از کسانیکه پس از ۳۰ شعبان روزه گرفته اند متابعت نمایند وبا ایشان یکجا عید نمایند.

خلاصه آنکه اگر در یک منطقه رؤیت بطریق معتبر شرعی ثابت گردد منطقه دیگر نیز باید مطابق

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصوم مبحث فی یوم الشک ج۲ ص ۱۲۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۱. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم مبحث فی یوم الشک ج۲ ص ۱۲۰، ط. س. ج۲ ص۳۸۱، پوره عبارت دادی: ولا یصام یوم الشک هو یوم الثلاثین من شعبان الخ الا نفلا ویکره غیره ولو صامه لواجب آخر کره تنزیهاً ولو جزم ان یکون عن رمضان کره تحریما ویقع عنه فی الاصح ان لم تظهر رمضانیته والا بان ظهرت فعنه (ایضا). ظفیر

آن عمل کند مثلاً اگر ثابت شد که چهار شنبه اول رمضان است کسانیکه از پنجشنبه به روزه گرفتن آغاز کرده اند گرفتن یک روز قضایی بر ایشان زم بوده وباید همه به روز جمعه عید نمایند واین گمان که هلالی که در جمعه دیده شد از همین شب است شرعاً اعتبار ندارد واین خیال غلط است در الدرالمختار آمده: (واختلاف المطالع غیر معتبر علی ظاهر المذهب وعلیه اکثر المشائخ وعلیه الفتوی فیلزم اهل المشرق بروئة اهل المغرب اذا ثبت عندهم روئة اولئک بطریق موجب) ([1]).

در ۲۹ شعبان در مورد هلال احتلاف رویداد وتعدادی پس ۲۹ شعبان روزه گرفتند چه وقت باید عید کرد: سوال: ۸٦ یک زن پابند نماز وروزه در حضور من شهادت داد که همراه با عروس خود روز دو شنبه هلال شعبان را دیده است که به این حساب روز چهار شنبه ۳۰ شعبان می باشد پس از تحقیق زیاد من بر این قول یقین کردم وپس از تکمیل سی روز شعبان روزه گرفتن اکنون در (بوپال) میان قاضی ومفتی اختلاف است مفتی صاحب به روئت هلال رمضان اعتبار می دهد وقاضی صاحب به تکمیل ۳۰ روز شعبان فتوی می دهد اکنون من بیچاره در مورد روزه وعید چه کنم؟

جواب: درشامی آمده: (لو صام رائی هلال رمضان واکمل العدة لم یفطر الامع الامام لقوله علیه الصلوة والسلام صومکم یوم تصومون وفطرکم یوم یفطرون) رواه الترمذی.

والناس لم یفطروا فی مثل هذا الیوم فوجب لایفطر نهر) ([2]) از این عبارت وعبارات دیگر واضح می گردد که شخص مذکور با دیکران در صوم وفطر شریک می باشد طوریکه دیگران کنند او نیز چنین بنماید.

روزه گرفتن سی ام شعبان به اساس چطور است: سوال: ۸۷ اگر کسی سی ام شعبان را به اساس این احتیاط روزه بگیرد که اگر از جایی خبر رمضان رسد روزه فرضی اداء گردد وگر نه نفل باشد آیا این صورت بدون بحث مکروه ونا مکروه جائز است؟ یک واعظ صاحب به اساس

---

(۱) الدرمختار علی هامش ردالمحتار قبیل باب مایفسد الصوم ج۱ص ۱۳۱ – ۲۳۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۳۲۹ – ۳۹٤ . ظفیر

(۲) مشکوٰة باب رؤیة الهلال ص ۱۷٤. ظفیر

حدیث صحاح سته می گوید که چنین روزه ای قطعاً ناجائز می باشد وکسیکه چنین روزه بگیرد گنهگار می شود آیا حدیثی در مورد امتناع در صحاح سته وجود دارد اگر باشد چرا علما در مورد جواز وعدم جواز آن اختلاف دارند وبعضی از فقها در حالیکه حدیث صحیح موجود باشد آنرا جائز قرار می دهند؟

جواب: آن حدیث ممانعت این است: (من صام الیوم الذی یشک فیه فقد عصی ابا القاسم صلی الله ﷺ) رواه ابو داود والترمذی والنسائی وابن ماجه والدرامی ([1]) علمای حنفی به این جهت می گویند که روزه یوم الشک یعنی ۳۰ شعبان برات عوام مکروه بوده وبرای خواص درست است شخصیکه در نیت روزه یوم الشک تردد نکنند وبطور قطعی نیت نفل را بنماید از جمله خواص می باشد وجواب حدیث (من صام) را الدر المختار چنین داده که (فلا اصل له) یعنی مرفوع بودن آن بی اصل بوده وموقوف بودن آن ثابت می باشد.

اگر در ۲۹ شعبان به علتی هلال دیده نشود چه باید کرد: سوال: ۸۸ به تاریخ ۲۹ شعبان به علت ابر هلال دیده نشد واز جایی خبر نیز نرسید اما اکثر مردم به اساس تخمین وعقل خویش روزه گرفتند در اینصورت روزه گرفتن جائز است یانه؟

جواب: در اینصورت نیز مساله آن است که اگر به تاریخ ۲۹ به سبب ابر وغیره هلال دیده نشود وهیچ خبر با قاعده ای در مورد بی رویت هلال نرسد روز آینده نباید روزه گرفته شود روز مذکور یوم الشک بوده ودر یوم الشک از روزه گرفتن ممانعت به عمل آمده است ورروزه این روز مکروه می باشد ([2]) البته باید تا ده یازده بجه انتظار کشید تا اگر خبر بیاید روزه گرفته شود وگر نه افطار گردد اگر کسی بدون شهادت وخبر روزه بگیرد مرتکب کار بدی می شود اگر بعدا ثابت گردد که روزه مذکور رمضان بوده روزه رمضان اداء گشته وقضای آن لازم نمی باشد وکسیکه آنرا روز نگرفته باشد یک روز روزه قضائی بگیرد [3].

---

(۱) ولا یصام یوم الشک وهویوم الثلاثین من شعبان الخ الا نفلا ویکره غیره (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۱۹ – ۱۲۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۱). ظفیر

(۲) ولا یصام یوم الشک الخ الا نفلا الخ فان ظهرت فعنه ای عن رمضان (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۱). ظفیر الدین غفر الله له

اگر یوم الشک اول رمضان ثابت گردد آیا فرض اداء شده است: سوال: ۸۹ کسی یوم الشک را روزه گرفت وبعداً معلوم گردید که اول رمضان بوده است آیا روزه مذکور در رمضان حساب خواهد شد یانه؟

جواب: روزه فرض رمضان محسوب خواهد شد وقضای آن ضرورت نست. [۱]

روزه یوم الشک چه حکم دارد: سوال: ۹۰ روزه گرفتن یوم الشک به نیت رمضان چه حکم دارد؟ وگر شخصی به نیت مذکور روزه گرفت افطارش جائز است یانا جائز ونیز بر مفطر آن قضا وکفاره لازم است یانه؟

جواب: روزه گرفتن در یوم الشک به نیت رمضان ناجائز ومنهی عنه ومکروه تحریمی می باشد درحدیث آمده: (عن ابی هریره (رضی الله عنه) عن النبی ﷺ انه قال لاتقدموا رمضان بصوم یوم او یومین الا رجل کان یصوم صوماً فلیصم) ودر الدرالمختار آمده: (ولو جزم ان یکون عن رمضان کره تحریماً) ودر ردالمحتار آمده: (کره تحریماً للتشبه باهل الکتاب لا نهم زادو فی صومهم وعلیه حمل حدیث النهی عن التقدم بصوم یوم او یومین بحر) ([۲]) ودر الجوهر آمده (فان صام یوم الشک بنیة رمضان فلا خلاف بین العلماء انه لایجوز) ([۳]) ودر بحر آمده: (و اختلفوا فی الصوم قال بعضهم یکره ویأثم کذا فی الفتاوی الظهیریة) ([۴]) ودر مستخلص شرح کنز آمده: (ولا یصام یوم الشک الاتطوعاً لقوله علیه السلام لایصام الیوم الذی شک فیه انه من رمضان او من شعبان الاتطوعاً ثم قال اعلم ان هذه المسأله علی وجوه احدهما ان تصوم بنیة رمضان لما روینا ولانه تشبیه باهل الکتاب لانهم زادو فی مدة صومهم ثم ان ظهر الیوم من رمضان یجزیة لانه شهد الشهر وصامه وان ظهر انه من شعبان کان تطوعاً لکن اساء بارتکاب المنهی عنه وان افطر لم یقضه لانه

---

(۳) ولایصام یوم الشک الا نفلا الخ والا بان ظهرت فعنه ای عن رمضان (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲ ، ط. س. ج۲ ص۳۸۱). ظفیر الدین غفر الله له

(۱) والابان ظهرت فعنه ای عن رمضان (ردالمحتار کتاب الصوم مطلب فی یوم الشک ج۲ ص ۱۱۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۰ – ۳۸۱). ظفیر الدین غفر الله تعالی له

(۲) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۱. ظفیر

(۳) الجوهر النیرة کتاب الصوم ص ۱۴۰.

(۴) البحر الرائق کتاب الصوم ج۲ ص ۲۸۵. ظفیر

المظنون) ([1]) بدون شک از این عبارت روشن ومبرهن است که دراین روز روزه داشتن به نیت رمضان ناجائز است وروزه دار آثم وگنهگار می گردد لذا در جواز افطار آن شکی نیست واین امر برای کسیکه عقل سلیم ورای مستقیم دارد آشکار بوده وبر مفطر آبی قضاء نیست ودلیل آن عباراتی می باشد که در مستخلص وجمیع کتب فقه آمده وما به نقل آن پرداختیم وهمچنان کفاره بر آن نیست زیرا در متون آمده که کفاره درفاسد کردن روزه غیر رمضان نمی باشد.

فصل چهارم

چیزهایی که روزه توسط آنها نمی شکنند

درحالت روزه مسواک کردن درست است یانه: **سوال:** ۹۱ الف: در حالت روزه مسواک کردن جائز است یا ناجائز؟

استعمال کریم دندان درحال روزه چطور است: **سوال:** ۹۲ ب: اگر از بیره ها خون وچرک برون آید در چنین حالتی اگر شخص روزه دار باشد استعمال کریم قطع کننده خون ودفع چرک جائز است یا ناجائز؟

آیا با استعمال کریم روزه نمی شکند: **سوال:** ۹۳ ج: آیا با استعمال کریم روزه نمی شکند؟

جواب: الف: جائز است ([2]).

ب: جائز است ([3]) مگر پس از مالیدن کریم فوراً دهان را بشوید تا که اثر آن به شکم نرسد وکریم طوری باشد که عادتاً به شکم نرسد با این همه اجتناب از آن بهتر است زیرا بهر حال مکروه تنزیهی می باشد.

ج: نمی شکند ([4]).

---

(۱) مستخلص الحقائق شرح کنز الدقائق کتاب الصوم ج۱ ص ..... ، ط. س. ج۲ ص ۲٦٥. ظفیر

(۲) ولاباس بالمسواک الرطب بالغداة والعشی للصائم لقوله ﷺ خیر خلال الصائم السواک من غیر فصل (هدایه باب مایوجب القضاء والکفارة ج۲ ص ۲۰۳) . ظفیر

(۳) ومضغ العلک لایفطر الصائم لانه لایصل الی جوفه (هدایه) باب مایوجب القضاء والکفارة ج۲ ص ۲۰۳) . ظفیر

(٤) هدایه باب مایوجب القضاء والکفارة ج۲ ص ۲۰۳) . ظفیر

مالیدن تیل در سر درحال روزه چطور است: سوال: ۹۴ در حال روزه مالیدن تیل در سر چه حکم دارد؟

جواب: بدون کراهیت درست است طوریکه در شامی آمده: (ان کلا من الکحل والدهن غیر مکروه) [۱].

اگر هنگام سحری برگ را در دهان بگذارد وخواب کندودرهمین حالت صبح شود چه حکم دارد: سوال: ۹۵ شخصی هنگام سحری پان (برگ) [۲] خورد ودهان خود را نشست طوریکه سرخی آن در دهانش بود خواب کرد وچون صبح از خواب بیدار گردید فوراً سرخی را تف کرد ودهان خود را وشست روزه او صحیح شده است یانه؟

جواب: صحیح شده است اما احتیاط آن است که آنروز قضائی را بگیرد [۳].

آیا درحال روزه کریم دندان مکروه است: سوال: ۹۶ آیا در حال روزه شستن دهن با کریم مکروه است یانه؟

جواب: اگر با احتیاط کریم را بمالد ودندان ها را بشوید وچیزی به حلقش نرود مکروه نیست یعنی مکروه تحریمی نمی باشد اما خلاف اولی بوده که به معنای کراهیت تنزیهی است طوریکه در شامی آمده: (قوله وکره له ذوق شی الظاهر انه الکراهة فی هذه الاشیاء تنزیهة) [۴].

در حال روزه دستمال را تر کردن وبر سر انداختن چطور است: سوال: ۹۷ شخصی قصداً دستمال بزرگی را تر نموده وبه این نیت به دور سر خود می پیچاند که در روزه تخفیف بیاید آیا با اینکار روزه مکروه می شود یانه در (ما لابد منه) مکروه نوشته شده ودر بخاری شریف آمده: (وبل ابن عمر ثوباً فالقی علیه وهو صائم).

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳٤، او ادهن او اکتحل اواحتجم وان وجد طعمه فی حلقه الخ لم یفطر (درمختار) أي طعم الكحل او الدهن كما في السراج الخ قال في النهر: لان الموجود في حلقه أثر داخل من المسام الذي هو خلل البدن، والمفطر إنما هو الداخل من المنافذ، للاتفاق على أن من اغتسل في ماء فوجد برده في باطنه أنه لا يفطر (ايضا ج۲ ص ۱۳۳ – ۱۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۵ و۳۹٦). ظفير الدين غفر الله له

(۲) پان برگ درخت خاصی می باشد که مردم شبه قاره هند با مواد دیگر در دهان می گذارند. (مترجم)

(۳) وكره له ذوق شيء وكذا مضغة بلا عذر (درمختار) الظاهر ان الكراهة في هذه الاشياء تنزيهية (ردالمحتار مطلب فيما يكره للصائم ج۲ ص ۱۵۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱٦). ظفير

(٤) ردالمحتار باب مايفسد الصوم وما لا يفسده ج۲ ص ۱۵۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱٦. ظفير

جواب: در الدر المختار آمده: (و كذا لا تكره حجامة وتلفف بثوب مبتل ومضمضة او استنشاق او اغتسال للتبر عند الثانى وبه يفتى) ([۱]).

آیا گوز زدن در داخل آب برای روزه دار مکروه است: سوال: ۹۸ درعالمگیریه آمده که برای روزه دار گوز زدن در داخل آب مکروه می باشد ایا این قول معتبر است؟

جواب: عالمگیری از معراج الدراية کراهت آفرا نقل نموده ودر مورد عدم فساد روزه اتفاق است پس در صورت ضرورت معذور بوده وبدون ضرورت شدید وبه اختیار اجتناب از آن بهتر است ([۲]).

گذاشتن نسوار در دهن چطور است: سوال: ۹۹ گذاشتن نسوار تر در دهان برای روزه دار جائز است یانه؟

جواب: در الدرالمختار آمده: (او ذاق شيئاً بفمه وان كره لم يفطر... قوله وان كره الا العذر كما ياتى) ([۳]) همچنان در شامی والدرالمختار آمده: (وكره له ذوق شى كذا مضغه بلا عذر) ([٤]) پس معلوم گردید که گذاشتن نسوار در دهن طوریکه به حلق نرسد مکروه بوده وبه عذر ناجائز است همچنان در شامی آمده: (و ذكر الزندويسى اذا افتل السلكة وبلها بريقة ثم امرها ثانياً فى فمه ثم ابتلع ذلک البزاق فسد صومه) ([٥]) خلاصه در این مورد احتیاط خوب است ونباید نسوار در دهن گذاشت زیرا خطر فساد روزه است.

سوختن برگ تنباکو وبا خاکستر آن پاک کردن دندانها در رمضان چطور است: سوال: ۱۰۰ بعضی از زنان برگ تنباکو را سوختانده وبا خاکستر آن در رمضان شریف در جریان روز دندان های خود را پاک می نمایند آیا بدین ترتیب خللی در روزه واقع می شود یانه؟

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصوم وما لا يفسده، مطلب فيما يكره للصائم ج۲ ص ۱۵٦ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۹. ظفير الدين غفر الله له

(۲) ولولسا الصآئم اوضرط فى الماء لا يفسد الصوم ويكره له ذلک هكذا في معراج الدراية (عالمگیری کشوری الباب الثالث فيما يكره للصائم ج۱ ص ۱۹۷، ط. س. ج۲ ص ۱۹۹). ظفير

(۳) ردالمحتار باب ما يفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۸، ط. س. ج۲ ص ٤۰۰. ظفير

(٤) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ايضا ج۲ ص۱۵۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱٦. ظفير

(۵) ردالمحتار باب ما يفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۸، ط. س. ج۲ ص ٤۰۰. ظفير

جواب: اگر آنرا بر دندان ها مالیده وسپس بشوند ودهن را آبکش کند که اثر آن به شکم نرسد در روزه خللی روی نمی دهد.

آیا با تزکیدن کیسه صفرا نقصی در روزه واقع نمی گردد: سوال: ۱۰۱ اگر در حال روزه کیسه صفرای کسی بترکد طوریکه اثر آن در لعاب دهن نیز دیده شود آیا در روزه نقصی روی نمی دهد؟

جواب: هیچ خللی در روزه واقع نمی شود.

در رمضان هشت ده مرتبه غسل کردن چطور است: سوال: ۱۰۲ در روزه هشت ده مرتبه غسل کردن چطور است؟

جواب: جائز است. (۱)

با التقای ختانین روزه می شکندیانه: سوال: ۱۰۳ زید در حال روزه زن خود را بوسید یا او را درآغوش گرفت و ختانین یکدیگر را مس کردند طوریکه شهوت بروز کرد وسپس از یک دیگر جدا گر دیدند آیا روزه ایشان شکسته است یانه؟

جواب: در اینصورت روزه درست است اما برای شخص جوان اینکار خوب نمی باشد (۲).

پوشیدن لباس تر وبار بار غسل کردن درست است یانه: سوال: ۱۰۴ در روزه لباس تر پوشیدن وسه چهار مرتبه غسل کردن جائز است یا نا جائز؟ آیا در روزه فرقی روی نمی دهد؟

جواب: هیچ فرقی در روزه واقع نمی شود (۳).

---

(۱) عن ابی حنیفة رحمه الله انه یکره للصائم المضمضة والاستنشاق بغیر وضوء وکره الاغتسال وصب الماء علی الرأس والاستنقاع فی الماء والتلفف بالثوب المبلول وقال ابو یوسف لا یکره وهو الاظهر کذا فی محیط السرخسی (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب ثالث ج۲ ص ۱۸٦ ، ط. س. ج۱ ص ۱۹۹). ظفیر

(۲) ولاباس بالقبلة اذا امن علی نفسه الخ ویکره اذا لم یامن الخ والمباشرة الفاحشة مثل التقبیل فی ظاهر الروایة (هدایه باب مایوجب القضاء ج۱ ص ۱۹۹) والمباشرة الفاحشة ان یتعانقا وهما متجردان ویمس فرجه فرجها وهو مکروه بلا خلاف هکذا فی المحیط (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب ثالث ج۲ ص ۱۸۷ ، ط. س. ج۱ ص ۲۰۰).

(۳) ولو اکتحل لم یفطر لانه لیس بین العین والدماغ منفذ والدمع یترشح کالعرق والداخل من المسام لا ینافی کما لو اغتسل بالماء البارد (هدایه باب مایوجب الکفارة ج۱ ص۱۹۹) عن ابی حنیفة الاکراه الاغتسال وصب الماء علی الراس والاستنقاع فی الماء والتلفف بالثوب المبلول، وقا ل ابو یوسف لا یکره وهو الاظهر کذا فی المحیط للسر خسی (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب ثالث ج۱ ص ۱۸٦ ، ط. ج۲ ص ۱۹۹). ظفیر

با واکسین روزه نمی شکند: سوال: ۱۰۵ اگر در حالت روزه واکسین زده شود چون در نوک نشتر آن مواد خاصی می باشد که داخل بدن می گردد وبر تمام بدن تاثیر می گذارد آیا روزه با آن فاسد می شود یانه؟

جواب: روزه صحیح بوده وفاسد نمی گردد (۱).

آیا با انداختن دوا در چشم نقصی در روزه روی نمی دهد: سوال: ۱۰۶ اگر در حال روزه در چشم خود دوا بیندازد آیا نقصی در روزه او روی می دهد یانه؟

جواب: در اینصورت هیچ نقصی در روزه روی نداده وروزه صحیح می باشد (۲).

با شیر دادن روزه یا وضوی زن نمی شکند: سوال: ۱۰۷ اگر زن درحالیکه روزه دار یا با ضو باشد طفل خود را شیر بدهد روزه یا وضویش می شکند یانه؟

جواب: وضو وروزه اش باطل نمی شود (۳).

توسط زرق (پیچکاری) روزه می شکند یانه: سوال: ۱۰۸ در حالیکه زید روزه دار بود مقداری دوا توسط زرق داخل وجودش گردید ایا روزه اش باقی مانده یا فاسد شده است؟

جواب: در اینصورت طوریکه فقها تصریح کرده اند روزه فاسد نشده است. (۴)

اگر ریگ داخل دهان کسی شود وآنرا دوباره تف کند آیا با این شبه روزه نمی شکند:

سوال: ۱۰۹ الف: اگر ریگ داخل دهن شود وآنرا تف کند وپس از آن باز ریگ در دندان ها

---

(۱) وافطر فی احلیله ماء او دهنا الخ لم یفطر (درمختار) لان العلة من الجانبین الوصول الی الجوف وعدمه بناء علی وجود المنفذ وعدمه الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۹) وَمَا وَصَلَ إِلَى الْجَوْفِ أَوْ إِلَى الدِّمَاغِ عَنْ الْمَخَارِقِ الْأَصْلِيَّةِ كَالْأَنْفِ وَالْأُذُنِ وَالدُّبُرِ الخ فَوَصَلَ إِلَى الْجَوْفِ أَوْ إِلَى الدِّمَاغِ فَسَدَ صَوْمُهُ الخ وَأَمَّا مَا وَصَلَ إِلَى الْجَوْفِ أَوْ إِلَى الدِّمَاغِ عَنْ غَيْرِ الْمَخَارِقِ الْأَصْلِيَّةِ الخ لَا يُفْسِدُ (البدائع الصنائع ج۲ ص ۹۳). ظفیر

(۲) ولو اقطر شیئا من الدواء فی عینه لایفسد صومه عندنا الخ (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب رابع ج۱ ص ۱۹۰ ، ماجدیة ج۲ ص ۲۰۳). ظفیر

(۳) روزه بدانجهت باطل نمی گردد که شیر از داخل وجود برون می شود وروزه عبارت از امساک از مفطرات می باشد وشرعًا امساک من المفطرات الاتیة حقیقة اوحکما الخ فی وقت مخصوص الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتارکتاب الصوم ج۲ ص ۱۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۱). ظفیر

(۴) وما وصل إلی الجوف أوإلی الدماغ من المخارق الاصلیة کالانف والاذن والدبر الخ فسد صومه الخ اما ما وصل إلی الجوف أو إلی الدماغ عن غیر المخارق الاصلیة بان داوی الجائفة والآمة فان داواها بدواء یابس لا یفسد لانه لم یصل إلی الجوف ولا إلی الدماغ (بدائع الصنائع کتاب الصوم ج۲ ص ۹۳). ظفیر

دیده شود آیا بدین ترتیب روزه می شکند یانه؟

با آمدن خون ازدندان روزه می شکند یانه: سوال: ۱۱۰ ب: اگر در رمضان از دندان خون برون اید وپس از تف کردن ذائقه آنرا در گلو احساس کند وپس چون تف کند خون بر لعاب دهن غالب باشد در اینصورت روزه می شکند یانه؟

جواب: ا لف: در اینصورت روزه نمی شکند [1].

ب: او خرج الدم من بين اسنانه ودخل حلقه يعني ولم يصل الى جوفه اما اذا وصل فان غلب الدم او تساوياً افسد والا لا) [2] علامه شامی دراین مورد نوشته: (ظاهر اطلاق المتون انه لا يفطر وان كان الدم غالباً على الريق وصححة الوجيز) [3] خلاصه آنکه ترجیحات مختلف شده وعده ای از فقها عدم فساد روزه را صحیح گفته اند واکثریت به فساد روزه حکم کرده اند لذا باید احتیاط شود. فقط

اگر زن در فرج خود دوای خشک را بگذارد روزه اش می شکند یانه: سوال: ۱۱۱ اگر زن به علت بیماری دوای خشک را درفرج خود بگذارد مفسد صوم است یانه؟

جواب: در روزه باید در این مورد احتیاط شود [4].

اگرلعا ب دهن برلب بیاید بلعیدن آن چه حکم دارد: سوال: ۱۱۲ اگر لعاب دهن بر قسمت بیرون لب بیاید با بلعیدن آن روزه می شکند یانه؟

جواب: بدین ترتیب روزه نمی شکند: (لو ترطب شفتاه بالبزاق عندالكلام ونحوه فابتلعه او سال ريقه الى ذقنه فاستنثقه لم يفطر) [5].

---

(۱) او بقى بلل فى فيه بعد المضمضة وابتلعه مع الريق كطعم ادوية الخ او ابتلع ما بين اسنانه وهودون الحمصة لانه تبع لريقه الخ لم يفطر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٦). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٦. ظفير

(۳) ردالمحتار باب ايضا ج۲ ص۱۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٦. ظفير

(٤) ولو ادخل اصبعه في استه او المرأة في فرجها لا يفسد وهو المختار الا اذا كانت مبتلة بالماء والدهن فحينئذ يفسد لوصول الماء او الدهن الخ وهذا تنبيه حسن يجب ان يحفظ لان الصوم انما يفسد في جميع الفصول اذا كان ذاكرا للصوم والا فلا (عالمگیری مصری كتاب الصوم باب رابع ج۱ ص ۱۹۱ ، ماجدیه ج۲ ص ۳۰٤) ولو ادخلت قطنة ان غابت فسد وان بقي فى فرجها الخارج لا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۷) . ظفير

(۵) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم وما لايفسده ج۲ ص۱۳۸، ط. س. ج۲ ص٤۰۰. ظفير

اگر درداخل حوض باد کسی خارج شود چه حکم دارد: سوال: ۱۱۳ اگر شخص روزه داری غرض غسل داخل نهر یاحوض گردد ودر آن اثنا بادش خارج شود خللی در روزه اش واقع می شود یا نه؟

جواب: طوریکه ظاهر می باشد در اینصورت مطلقاً روزه نمی شکند (اما اینکار مکروه است (الان الصوم یفسد من داخل لامن خارج) (۱).

آیا روزه دارمی تواند دربینی خود خود نسوار بگذارد: سوال: ۱۱٤ برای شخص روزه دار انداختن نسوار در دهن یا بینی جائز است یا نانجائز؟

جواب: نباید اینکار را کند.

با انداختن مرهم یاتیل بر زخم مقعد یاعقده های بواسیر درحال روزه روزه شکند یانه:

سوال: ۱۱۵ اگر روزه دار در حال روزه بر زخم داخلي هقعد یا عقده های بواسیر مرهم یا تیل بزند طوریکه با انگشت آنرا داخل نماید روزه اش صحیح می شود یانه؟

جواب: روزه اش صحیح بوده اما احتیاط بهتر می باشد (۲).

با غوط زدن درآب روزه نمی شکند وبا کشیدن تنباکو روزه فاسد می گردد: سوال: ۱۱٦ با غوطه زدن در حوض روزه باقی می ماند یانه؟ وبا کشیدن تنباکو روزه می شکند یانه؟

جواب: با غسل کردن در حوض وغوطه زدن روزه نمی شکند وبا کشیدن تنباکو روزه از میان می رود زیرا اجزای آن داخل دماغ وحلق می گردد.

روزه زن با شیر دادن نمی شکند: سوال: ۱۱۷: اگر زن روزه دار به طفل خود شیر دهد مفسد صوم است یانه؟

---

(۱) عالمگری آنرا مکروه نوشته: ولو فسا الصائم او ضرط فی الماء لایفسد الصوم ویکره ذالک هکذا فی معراج الدرایة (عالمگیری کشوری کتاب الصوم باب ثالث ج۱ ص ۱۹۷ ، ماجدیده ج۱ ص ۱۹۹). ظ لذا معلوم گردید که اگر در صورت مسوله دوا یا آب تا جایی برسد که معده آنرا جذب بتواند ویا بتواند به خود معده برسد روزه فاسد می گردد وبه همین دلیل جناب مفتی علام احتیاط را بهتر دانسته زیرا رعایت وتصور آن برای هر شخصی ممکن نمی باشد.

(۲) او دخل اصبعه الیابسة فیه ای فی دبره اوفرجها ولو مبتلة فسد الخ ولوبالغ فی الاستنجاء حتی بالغ موضع الحقنة فسد (درمختار) قوله ولو مبتلة لفسد لبقاء شی من البلة فی الداخل وهذا لو ادخل الاصبع الی موضع الحقنة فسد (ردالمحتار باب مایفسد الصوم وما لا یفسده ج۲ ص ۱۳۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۷). ظفیر

جواب: مفسد روزه نیست. [۱]

<u>با سرمه زدن وتیل زدن روز نمی شکند</u>: **سوال**: ۱۱۸ در حال روزه طوریکه عادت می باشد بر سر تیل زدن وبر چشم سرمه کشیدن برای کسیکه عادتش باشد یا نباشد جائز است یانه؟

جواب: در حالت روزه کشیدن سرمه در چشم وزدن تیل بر سر جائز ودرست است چه عادت باشد یانباشد [۲].

<u>حکم بوس وکنار درحال روزه چیست</u>: **سوال**: ۱۱۹: درحال روزه بوس وکنار با زوجه جائز است یا نا جائز؟

جواب: این امور جائز می باشد اما شخص جوان در حال روزه اینکار را نکند زیرا با آن این خطر وجود دارد که بالاخره به جماع منجر گردد: (کالمباشرة الفاحشة) [۳].

کسیکه درحال روزه جواب است ودردندان خود خون ببیند چه حکم دارد: **سوال**: ۱۲۰ اگر در رمضان کسی بعد از ظهر بخوابد وچون بیدار شود در دندان خود خون ببیند وبه یقین نداند که هنگام خواب خون به شکمش رفته است یانه آیا در اینصورت روزه نمی شکند؟

جواب: در اینصورت روزه نمی شکند [۴].

فصل پنجم

چیز هایی که با آنها روزه می شکند وتنها قضا واجب می گردد

<u>اگر کسی در رمضان غسل جنابت را در بنماید چه حکم دارد</u>: **سوال**: ۱۲۱ اگر شخصی در صبح غسل جنابت کند نقصی در روزه اش واقع نخواهد شد؟

---

(۱) هو ای الصوم امساک عن المفطرات الآتية حقيقة اوحكماً الخ فى وقت مخصوص الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۰۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۱) از اینجا معلوم می گردد که روزه نام اجتناب از خوردن ونوشیدن وجماع از صبح صادق تا غروب آفتاب می باشد که نیت نیز در آن وجود دارد ودر شیر دادن هیچ یک از این امور دیده نمی شود

(۲) او ادهن اواکتحل الخ لم یفطر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۵). ظفیر

(۳) ولا باس بالقبلة اذا امن على نفسه‌ای الجماع او الانزال ويكره اذا لم يأمن (هدايه باب ما يوجب القضاء الخ ج۱ ص ۱۹۹). ظفیر

(٤) واخرج الدم من بين اسنانه ودخل حلقه يعنى ولم يصل الى جوفه الخ (درمختار) ظاهر اطلاق المتن انه لا يفطر (ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٦). ظفیر

جواب: با اینکار هیچ خلل وخرابی در روزه واقع نمی شود چنانچه در الدرالمختار آمده: (و اصبح جنباً لم یفطر) [۱].

با داخل رفتن خون بیره ها روزه می شکند یانه: سوال: ۱۲۲ با داخل رفتن خون وچرک بیره ها آیاروز باقی می ماند؟

جواب: صحیح آن است که قضای این روز لازم می باشد چنانچه در الدر المختار آمده: (اما اذا وصل الی جوفه غلب الدم او تساویا فسد) [۲].

با فرو بردن سرخی پان روزه باقی می ماند یا می شکند: سوال: ۱۲۳ زید بعد از سحری پان خورد چون صبح شد سرخی در تف او موجود بود فرو بردن چنین لعاب دهن مفسد صوم است یانه؟ اگر باشد آیا در هر صورت است خواه دهن خود را شسته و غرغره کرده باشد یانه سرخی کم باشد یا زیاد؟ و اگر مفسد صوم نباشد این حکم در هر صورت است یا صرف در صورتیکه دهن را شسته وخوب غرغره کرده باشد وسرخی خفیف ومغلوب گردیده وازاله آن ناممکن یا دشوار باشد وباز این مسأله نیز قابل پرسش است که آیا سرخی پان طوری می باشد که ازاله آن دشوار یا ناممکن باشد؟

جواب: اگر با چیز بیرونی رنگ در لعاب دهن آشکار گردد وآن لعاب را فرو برود مفسد صوم طوریکه از این عبارت آشکار می باشد: (الا ان یکون مصبوغاً وظهر لونه فی ریقه وابتلعه ذاکراً) [۳] اما پانی را که قبل از صبح صادق خورده باشد واجزای آن در دهن باقی نمانده وغرغره نموده ودهن را پاک کرده باشد پس اگر ترجیح سرخی آن در لعاب دهنش موجود باشد وآنرا فرو برد در مورد آن حکم فساد صوم وجود ندارد چنانچه بعد از عبارت سابقه در الدر المختار چنین امده: (والقطرتین من دموعه او عرقه) [۴] در مورد آن شامی چنین تحقیقی انجام داده است: (اما

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ومالایفسد ج۲ ص ۱۳۸ ، ط.س ج۲ ص۴۰۰). ط

(۲) عبارت کامل آن چنین است: (اوخرج الدم من بین اسنانه ودخل حلقه یعنی ولم یصل الی جوفه اما اذا وصل فان غلب الدم او تساویا فسد والا لا، الا اذا وجد طعمه (درمختار) قلت ومن هذا یعلم حکم من قلع ضرسه فی رمضان ودخل الدم الی جوفه فی النهار ولو نائما فیجب علیه القضاء الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصوم وما لایفسده ج۲ ص ۱۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹٦). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۰. ظفیر

(٤) ایضا ج۲ ص ۱٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۳. ظفیر

الوصل الی الحلق من المسام فالظاهر انه مثل الریق فلا یفطر وان وجد طعمه فی جمیع فمه تأمل) [۱] پس طوریکه در مورد شوری اشک حکم فساد روزه نیست در مورد مخلوط بودن با رنگ مذکور نیز نخواهد بود ولازم آن است که حتی الوسع اثری از آن باقی گذاشته نشود ودهن خوب شستشو گردد وهنگام اشتباه قضای روزه مشتبه احوط می باشد.

اینکه باکشیدن چلم روزه می شکند ثبوت آن چیست: سوال: ۱۲۴ با کشیدن چلم روزه می شکند اما ثبوت این امر از قرآن حدیث وفقه چطور صورت می گیرد؟

جواب: با کشیدن چلم روزه می شکند طوریکه در شامی آمده: (وبه علم حکم شرب الدخان ونظمه شرنبلالی فی شرحه علی الوهبانیة ویمنع من بیع الدخان وشربه وشاربه فی الصوم شک یفطر ویلزمه التکفیر لوظن نا فعاً کذا دافع شهوات بطن فقر روا) [۲].

با انداختن دوا در بینی روزه می شکند یانه: سوال: ۱۲۵ انداختن دوا در بینی مبطل روزه است یانه وهمچنان انداختن نسوار در دهن بدون آنکه اثرش در شکم وحلق برسد مفطر روزه می باشد یانه؟

جواب: با انداختن دوا وغیره در بینی بطلان صوم ووجوب قضا واضح است طوریکه در الدرالمختار آمده (او استعط فی انفه شیئاً قضی) [۳] اما انداختن نسوار در دهن بدون انکه اثرش در جوف وحلق برسد مفطر روزه نشست (کما فی الذوق) [۴] اما احتیاط در ترک آن می باشد.

با دخول شرمگاه روزه می شکند: سوال: ۱۲۶ الف: با دخول شرمگاه روزه می شکند یانه؟

سوال: ۱۲۷ ب: اگر دخول کند ومنی بیرون نشود چه حکم دارد؟

جواب: الف: با دخول فرج روزه می شکند وکفاره وا جب می گردد.

ب: در دخول یکی ازدو راه منی خارج شود یا نشود روزه می شکند وقضا وکفاره لازم می گردد

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲۹ ص ۱۴۲ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۴. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۴ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۵. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۴۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۲. ظفیر

(۴) او ذاق شیئاً بفمه وان کره لم یفطر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۸، ط. س. ج۲ ص ۴۰۰). ظفیر الدین غفر الله له

فقط[۱].

استمنا بادست مفسد روزه است یانه: سوال: ۱۲۸ اگر شخصی در روزه بادست منی خود را اخراج کند روزه اش باقی می ماند یانه؟

جواب: در الدرالمختار آمده: (اذا استمنی کفه قضی) ([۲]) با اینکار روزه می شکند وقضا لازم می گردد وبر علاوه خود اینکار نهایت زشت بوده وبر عامل آن لعنت شده است.

اگرشخص به علت بوس وکنار انزال شود چه حکم دارد: سوال: ۱۲۹ شخصی درماه روزه با زوجه خود بوس وکنار نمود ودر اثر آن انزال شد در اینصورت بر او قضا واجب است یا کفاره نیز؟

جواب: در اینصورت صرف قضا واجب بوده وکفاره لازم نمی گردد [۳].

با انداختن تیل درگوش چرا روزه می شکند: سوال: ۱۳۰ روزه دار چرا کمی تواند درگوش خود تیل بیندازد درحالیکه بارفتن آب درگوش روزه نمی شکند؟

جواب: هدایه وجه فرق را چنین بیان می نماید که در آب رسیدن چیزی که مایه صلاح بدن باشد به جوف نیست به خلاف روغن که در آن این صلاح وجود دارد [۴] واین امر نیز می تواند فرق باشد احتراز از آب دشوار می باشد.

باکشیدن چلم وانداختن نسوار دربینی روزه می شکند: سوال: ۱۳۱ کشیده چلم وانداختن نسوار دربینی مفسد روزه است یاله؟

جواب: کشیدن چلم مفسد روزه بوده وانداختن نسوار در بینی نیز روزه را فاسد می سازد در شامی آمده: (وبه علم حکم شرب الدخان ونظمه فی شرح الوهبانية).

---

(۱) وان جامع المكلف ادميا مشتهى فى رمضان اداء او جومع وتوارت الحشفة فى احد السبيلين انزل او الخ قضى الخ وكفر (الدرالمختار =

= على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۱ ص۱٤٧، ط. س. ج۲ ص٤٠٩). ظ

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۱ ص ۱٤۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۹. ظفير

(۳) اوقبل ولوقبلة فاحشة الخ اولمس ولو بحائل لايمنع الحرارة اواستمنى بكفه او بمباشرة فاحشة ولو بين المرأتين فانزل الخ قضى فى الصوم كلها فقط (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۹)

(٤)ومن احتقن الخ او اقطر في اذنه افطر لقوله صلى الله عليه وسلم [الفطر مما دخل] ولوجود معنى الفطر وهو وصول ما فيه صلاح البدن إلى الجوف ولا كفارة عليه الخ اقطر في أذنيه الماء أو دخلهما لا يفسد صومه لانعدام المعنى (اى اصلاح البدن) والصورة بخلاف ما إذا دخله الدهن (هدايه باب مايوجب القضاء والكفارة ج۱ ص ۲۰۲). ظفير

ویمنع من بیع الدخان وشربه وشاربه فی الصوم لا شک یفطر [1].

با کشیدن دوا دربینی روزه می شکند یانه: سوال: ۱۳۲ اتلوس دوایی است مرکب از نوشاد وچونه که در بینی گذاشته شده وکش می شود وتیزیی آن تا دماغ می رسد با کشیدن آن روزه می شکند یانه؟

جواب: در اینصورت روزه می شکند وقضای آن لازم است طوریکه درالدرالمختار آمده: (ومفاده انه لوادخل حلقه الدخان افطر ای دخان کان ولو عوداً او عنبراً لو ذاکراً لامکان التحرزعنه) ([2]) وتحقیق آن درشامی موجود است ([3]).

اگر روزه دار سنگریزه را ببلعد یا غذا بخورد ویاجماع کند چه حکم دارد: سوال: ۱۳۳ زید روز گرفت ودر جریان روز سنگریزه ای را بلعیده یا با زن خود جماع کرد ویا غذا خورد در این موارد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: دراینصورت بر زید صرف قضا لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد تفصیل موضوع درحاشیه دیده شود ([4]).

با کشیدن چلم در رمضان صرف قضا واجب می گردد یا کفاره هم: سوال: ۱۳٤ در روزه با کشیدن چلم قضا لازم می شود یا کفاره هم؟

جواب: با کشیدن چلم روزه می شکند وقضا لازم می گردد ودر بعضی صورت ها کفاره نیز لازم میباشد درصورتیکه آنرا بامنفعت بداند قضا وکفاره هر دو لازم است ودر غیر آن تنها قضا.

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۳، قول الماتن لو ادخل حلقه الدخان افطر (ط. س. ج۲ ص ۳۹۵). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۵. ظفیر

(۳) قوله: لو ادخل حلقه الدخان) ای بای صورة کان الادخال، حتی لو تبخر بخور فآواه إلی نفسه واشتمه ذاکرا لصومه أفطر لامکان التحرز عنه، وهذا مما یغفل عنه کثیر من الناس، ولا یتوهم أنه کشم الورد ومائه والمسک، لوضوح الفرق بین هواء تطیب بریح المسک وشبهه وبین جوهر دخان وصل إلی جوفه بفعله. إمداد (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۳ ص ۱۳۳ – ۱۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۵). ظفیر

(٤) درصورت بلعیدن سنگریزه همین جواب صحیح وکافی است: او ابتلع حصاة ونحوها مما یاکله الانسان اویعافه اویستقذره قضی فی الصور کلها فقط (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۰ وج۲ ص۱٤٤، ط. س. ج۲ ص ٤۰۳) واگر عمداً جماع کند یا بخورد یابنوشد وروزه رمضان باشد کفاره نیز واجب است ودرغیر رمضان کفاره نیست: وان جامع المکلف أدمیا مشتهی فی رمضان اداء اوجومع وتوارت الحشفة فی احد السبیلین انزل اولا، او اکل اوشرب غذاء الخ عمداً الخ قضی فی الصور کلها وکفر (ایضا ج۲ ص ۱٤۷ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۹) البته اگر روزه غیر رمضان باشد صرف قضا بوده وکفاره نیست یا اینکه مساله طوری باشد که نخست سنگریزه را بخورد وبعداً جماع کند یا چیزی بخورد باز هم تنها قضا واجب می باشد.

ظفیر). فقط [١]

اگر کسی زن خود را ببوسد وانزال شود چه حکم دارد: سوال: ١٣٥ شخصی در حال روزه زن خود را بوسید وعضو تناسلی خود را بر شکمش گذاشت ومالش داد ودر نتیجه انزال گردید در حالیکه اینکار بی اراده صورت گرفته باشد قضا با کفاره لازم است یا بدون کفاره؟

جواب: در اینصورت صرف قضا لازم بوده وکفاره لازم نمی باشد چنانچه این موضوع در الدرالمختار وشامی آمده است. ([٢])

اگر صبح ازد هن پان وغیره بیرون شود چه حکم دارد: سوال: ١٣٦ اگر. درماه رمضان هنگام صبح از دهن پان تنباکو یا چیز دیگری که هنگام سحری گذاشته شده باشد برون گردد روزه می شود یا قضا لازم است؟

جواب: احتیاط در قضا کردن است هر چند حکم قطعی در مورد قضا نباشد ([٣]).

اگر در صورت ملاعبه بازن خود ازال شود چه کند: سوال: ١٣٧ شخصی در ماه رمضان ملاعبه بازن خود را شروع نمود ومدتی اینکار را دِوام داد وپس از چند دقیقه انزال گردید آیا بر او کفاره لازم است یا تنها قضا؟

جواب: در اینصورت صرف قضای روزه مذکور لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد طوریکه این موضوع در الدرالمختار آمده است. ([٤])

در ٢٩ هلال دیده نشده وبعداً محقق گردد قضا ضروری می باشد: سوال: ١٣٨ در منطقه

---

(١) انه لو ادخل حلقه الدخان الطر (درمختار) ویمنع من بیع الدخان وشربه وشعار به فی الصوم لاشک یفطر ویلزمه التکفیر لوظن نافعا کذا دالعا لشهوات بطن فقرروا (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج٢ ص ١٣٣ – ١٣٤ ، ط. س. ج٢ ص ٣٩٥). ظفیر

(٢) او وطی امراة میتة الخ اوفخذ اوبطنا اوقبل ولو قبلة فاحشة بان یدغدغ اوبمص شفتیها الخ فانزل الخ قضی فی الصور کلها فقط (ای بدون کفارة) ، (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم باب مایفسد الصوم الخ ج٢ ص ١٤٢ وج٢ ص ١٤٤ ، ط. س. ج٢ ص ٤٠٤). ظفیر

(٣) اوذاق شیئا بفمه وان کره لم یفطر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم وما لایفسد ج٢ ص ١٣٨ ، ط. س. ج٢ ص ٤٠٠). ظفیر

(٤) اوقبل ولو قبلة فاحشة بان یدغدغ اویمص شفتیها او لمس ولو بحائل لا یمنع الحرارة او استمنی بکفه او بمباشرة فاحشة ولو بین المرأتین فانزل (قید للکل حتی لو لم ینزل لم یفطر الخ) قضی الخ فی الصور کلها فقط (درمختار) ای بدون کفارة (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج٢ ص١٤٢ وج٢ ص١٤٤ ط. س. ج٢ ص ٣٩٩). ظفیر

(با گلپور) ونواحی نزدیک آن به روز جمعه ۲۹ شعبان هلال دیده نشد لذا مردم شنبه را روزه نگرفتند وبعداً ثابت گشت که رمضان بوده قضای آن روز لازم می باشد یانه؟

جواب: چون روزه بودن شنبه محقق گشت پس بر کسانیکه آنرا روزه نگرفته اند لازم است که آنرا قضا نمایند [1].

اگر شخصی بعد از احتلام دررمضان افطار کند چه حکم دارد: سوال: ۱۳۹ به شخصی در روز رمضان احتلام دست داد بدون آنکه ازکسی بپرسد روزه خود را افطار کرد در اینصورت کفاره بر او واجب می شود یانه؟

جواب: هر چند با احتلام روزه نمی شکند اما اگر کسی از روی نادانی چنین گمان برد که روزه شکسته است وافطار کند کفاره بر او نبوده وصرف قضا لازم می باشد طور یکه در شامی آمده: (واحترز به عما لو فعل ما یظن الفطر کما لو اکل او جامع ناسیاً او احتلم او انزل او ذرعه القی فظن انه افطر فاکل عمداً فلاکفارة للشبهة) ([2]).

کارمندی بدلیل شدت کار افطار نمود در مورد او چه حکمی وجود دارد: سوال: ۱۴۰ زید در قوای مسلح کار می کند در حال روزه افسرش به او امری داد که به اساس در آفتاب نهایت گرم به روستاها رفت تا جایی که برای صحت او خطر وجود داشت زید از مسأله شرعی بیخبر بود لذا افطار نمود آیا او از کفاره رهایی می یابد یانه؟

جواب.: اگر به علت شدت تشنگی خوف مرگ ویا مرض بوده باشد کفاره ساقط است. ([3])

در افطاری که به اساس مجبوری باشد کفاره نیست: سوال: ۱۴۱ یک شخص متدین وحافظ قران در رمضان المبارک با وصف تب دو روز روزه گرفت روز سوم نیز نیت روزه را نمود اما بدلیل شدت تب مجبور شدکه روز سوم را افطار نماید پس از آن وی ده روز در بیماری

---

(۱) چون رمضان بودن ثابت گشت بر کسیکه آنرا روزه نگرفته قضا به هر صورتی فرض است چنانچه در مورد یوم الشک این صراحت وجود دارد.والا بان ظهرت لعنه ای عن رمضان. (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۱). ظفیر

(۲) ردالمحتار للشامی باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۴۹ تحت قوله فعل ما لایظن الفطر به ، ط.س. ج۲ ص ۴۱۱. ظفیر

(۳) قدذکر المصنف منها خمسة وبقی الاکراه وخوف هلاک اونقصان عقل ولو عطش اوجوع شدید (ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۲). ظفیر

به سو بردوروزه نگرفت شرعاً برچنین شخص کفاره است یاقضا ونظرشخص متدین درمورد افطار روزه معتبر می باشد یانه؟

جواب: بر شخص مذکور صرف قضای آن روزه وروزهایی را که پس از آن روزه نگرفته لازم بوده وکفاره لازم نمی باشد زیرا در این مورد غلبه ظن شخص مریض که روزه دار می باشد معتبر است: (او مریض خاف الزیادة لمرضه ... بغلبة الظن بامارة او تجربة او باخبار طبیب حاذق مستور) ([1]).

قضای روزه بر خود شخص است: سوال: ۱۴۲ اگر از زنی درماه رمضان روزه ای قضا گردد اگر شوهر به جای او بگیرد درست است یانه؟

جواب: خود آن زن باید قضا یی بگیرد با روزه گرفتن شوهر روزه قضایی زن اداء نمی گردد ([2]). فقط

مفهوم یک عبارت: سوال: ۱۴۳ (وکذا الاستمنا بالکف وان کره تحریماً) واین عبارت دیگر نیز در همین باب است: (او لمس ولو بحائل لایمنع الحرارة او استمنی بکفه فانزل قید للکل حتی لو لم ینزل لم یفطر) از عبارت اول این شبه پیش می آید که با استمنا روزه نمی شکند واز عبارت دوم این تفصیل بدست می آید که در صورت انزال روزه می شکند ودر غیر آن نه چطور می توان این دو عبارت را تطبیق کرد؟

جواب: عبارت اولی با ما قبل خود ارتباط دارد که چنین است: (او جامع فیما دون الفرج ولم ینزل فی غیر السبلین کسرة او فخذ وکذا الاستمنا بالکف وان کره تحریماً) ([3]) از قید (ولم ینزل) معلوم می گردد که در مورد استمنا با دست نیز قید عدم انزال وجود دارد چنانچه علامه شامی دراین مورد نوشته: (قوله وکذا استمنا بالکف ای فی کونه لایفسد لکن هذا اذا ([4]) لم ینزل

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤٢٢. ظفیر

(۲) العبادة المالیة کزکاة وکفارة تقبل النیابة عن المکلف مطلقا الخ والبدنیة کصلاة وصوم لاتقبلها مطلقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲٦ ، ط. س. ج۲ ص ٥٩٧. ظفیر

(۳) وکذره الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۸. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب مایفسد الصوم وما لایفسده ج۲ ص ۱۳٦ – ۱۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۹. ظفیر

اما اذا انزل فعليه القضاء كما سيصرح به وهو المختاركما ياتى) بدين ترتيب تطبيق نيزصورت گرفت مسأله مفتى به نيز معلوم گرديد كه با استمنا با دست در صورتيكه انزال صورت گيرد روزه مى شكند وقضا لازم مى گردد.

اگر شخصى روزه غير رمضان را قصداً بشكند چه حكمى است: سوال: ۱٤٤ شخصى به علت حانث شدن در حلف يمين روزه دار بود وعمداً كارى را انجام داد كه روزه اش شكست آيا تنها بر او قضا واجب است يا قضا وكفاره؟

جواب: قضاى روزه اى كه آنرا فاسد نموده بر واجب است زيرا روزه واجبى را فاسد نموده در الدرالمختار آمده (او افسد غير صوم رمضان قضى (۱) وكفارة اليمين ايضاً واجبة عليه) (۲).

اگرصرف با نشستن نزديک زوجه انزال دست دهد چه حكم دارد: سوال: ۱٤٥ شخصى در روز رمضان نزديک زن خود نشست وبه علت ضعف انزال شد-ايا بر او قضا است يا كفاره نيز؟

جواب: اگر شخصى در روز رمضان المبارک نزديک زن خود بنشيند وبه علت ضعف انزال شود صرف قضا لازم بوده وكفاره واجب نمى باشد (۳).

در حضور روزه دار روشن نمودن عنبر چطور است: سوال: ۱٤٦ در رمضان شرب به روز جمعه در حضور روزه داران روشن نمودن عنبر چطور است؟

جواب: الدرالمختار در اين مورد نوشته: (انه لودخل حلقه الدخان افطر اى دخان كان ولو عوداً او عنبراً لو ذاكراً لامكان التحرز عنه) ودر شامى آمده: (قوله انه لو ادخل حلقه الدخان اى باى صورة كان الادخال حتى لو تبخر بنجوره فاواه الى نفسه واشتمه ذاكراً لصومه افطر مكان التحرز عنه ولا يتوهم انه كشم الورد ومائه والمسک لوضوح الفرق بين هوا تطيب بريح المسک وبين

---

(۱) ردالمحتار باب مايفسد الصوم وما لايفسده ج۲ ص ۱۳٦ – ۱۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۹. ظفير

(۲) والمنعقدة ما يحلف على امر في المستقبل أن يفعله أو لا يفعله وإذا حنث في ذلک لزمته الكفارة لقوله تعالى: لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم ولكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمان [المائدة: ۹۸] (هدايه كتاب الايمان ج۲ ص ٤٥٥). ظفير

(۳) اوقبل ولولیلة فاحشة بان يدغدغ اويمص شفتيها اولمس الخ فانزل الخ قضى فى الصور كلها (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۹). ظفير

جوهر دخان وصل الى جوفه بفعله) (۱).

کسیکه مخفیانه مسلمان گردیده اگر روزه خود را بشکند آیا قضا وکفاره بر او واجب می گردد یانه: **سوال:** ۱۴۷ یک هندو مخفیانه مسلمان گردیده ودر ر ضان مبارک را روزه نیز گرفت وسپس به علت افشای راز خود روزه را شکست وبعد از آن آشکار مسلمان گردید آیا بر او کفاره لازم می شود یانه؟

جواب: چون شخص مذکور مسلمان گردید وبر خداوند وپیامبرش ایمان آورد وتمام احکام اسلام را قبول کرد نزد خداوند مسلمان است اگر چه اسلامش نزد مردم آشکار نباشد پس اگر در رمضان شریف روزه بگیرد وآنرا بشکند کفاره بر او لازم می گردد (۲).

مریض اگر با وجود نیت روزه را افطار کند چه حکم دارد: **سوال:** ۱۴۸ شخصی در رمضان مریض شد بعضی از روزها را روزه می گرفت وبعضی را افطار می کرد تصادفاً روزی نیت روزه را نمود وپس از نماز صبح افطار کرد در این صورت بر او تنها قضا واجب است یا کفاره هم؟

جواب: در اینصورت قضای روزه بر واجب بوده وکفاره واجب نمی باشد زیرا او از قبل مریض بوده وافطار برایش جائز بوده (ثم انما یکفر ان نوی لیلاً ولم یکن مکرهاً ولم یفطر مسقط کمرض او حیض) (۳) وکفاره به علت شبه ساقط می گردد (قوله کمرض ای مبیح الافطار) (۴) پس چون مرض او موجود بود که افطار را برایش مباح می ساخت در اینصورت کفاره بر او لازم نمی گردد. فقط

روزه گرفتن جمعه به تنهایی چطور است: **سوال:** ۱۴۹ روزه گرفتن روز جمعه بصورت تنهایی بشکل نفل نزد امام ابوحنیفه مکروه است یانه؟

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۳ – ۱۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۵. ظفیر

(۲) اذا اکل متعمدا مایتغذی به او یتداوی به یلزمه الکفارة الخ (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب رابع فصل ثانی ج۱ ص ۱۵۲ ، ماجدیه ج۱ ص ۲۰۵). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۵۰ - ۱۵۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۲. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۵۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۳. ظفیر

جواب: مذهب احناف آن است که روزه روز جمعه به تنها یی مکروه نمی باشد (ولا باس بصوم یوم الجمعة عند ابی حنیفة ومحمد لما روی عن ابن عباس انه کان یصومه ولایفطر) ([1]) وحدیث نهی محمول بر آنست که موجب ضعف در اقامه نماز جمعه غسل وغیره نگردد پس کسیکه این خوف را ندارد برایش مکروه نمی باشد ومعتبر آن است که همراه روزه جمعه یکروز قبل از آن یا یک روز بعد از آن نیز روزه گرفته شود طوریکه درحدیث بخاری ومسلم آمده: (لایصوم احدکم الجمعة الا آن یصوم قبله او یصوم بعده) متفق علیه ([2]).

کسیکه ازشدت روزه را بشکند بر اوصرف قضا واجب گردد یاکفاره هم: **سوال**: ۱۵۰ در رمضان سال ۱۳۳۷ من واعضای خانواده ام به علت فریضی دخترم که بعداً فوت نمود نا آرام پریشان وغمگین بودیم تراویح را خوانده وقویاً نیت روزه را نمودم وخفتم ودر سحری بیدار نگردیدم صبح صادق بیدار گردیدم وهنگام بیدار شدن دهانم از شدت تشنگی خشک بوده وفهمیدم که امروز نمی توانم روزه بگیرم به همین دلیل من در این مورد از یک مولوی صاحب پرسیدم واو گفت که اگر نمی توانی تمام روز را روزه بگیری پس روزه ات را بشکن وبعداً یک روز روزه قضایی بگیری لذا من واعضای خانواده ام را شکستیم در وقتیکه من این مسأله را از مولوی صاحب پرسیدم آنقدر تشنه نبودم که اگر فی الفور روزه را نشکنم مریض یا قریب الموت گردم در اینصورت قضا واجب است یا کفاره هم واگر کفاره نیز واجب باشد آیا بر مولوی صاحب کدام تعزیر شرعی وجود دارد یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (وبقی الاکراه وخوف هلال ونقصان عقل ولو بعطش او جوع شدید ولسعة حیة) ([3]) وپس از آن آمده: (او مریض خاف الزیادة لمرضه وصحیح خاف المرض الدر المختار ای یغلبه الظن کما یاتی) ([4]) از این عبارت معلوم می گردد که اگر سوال کننده

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۱٤ تحت قول الماتن والمندوب الایام البیض من کل شهر ویوم الجمعة ولو منفرداً ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۵. ظفیر الدین

(۲) مشکوٰة باب صیام التطوع فصل اول ص ۱۷۹. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ح۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۱). ظفیر

(٤) ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ ، ط. س. ج ۲ ص ٤۲۲. ظفیر

واعضای خانواده او بظن غالب این خوف را داشته بوده باشند که روزه را تکمیل کرده نخواهند توانست وخوف مرض ویا هلاکت بوده باشد قضا بر آنها لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد ومولوی صاحبی که این فتوی را داده او نیز غالباً به همین امر فتوی داده ومواخذه ای بر نیست وتمام این قیود آن وقت است که نیت روزه شده باشد واگر نیت روزه آنروز را نکرده باشد در اینصورت کفاره واجب نمی باشد طوریکه صریحاً در کتب فقه آمده است. (۱)

گذاشتن تنباکو در دهن چطور است: سوال: ۱۵۱ اگر شخصی تنباکو را در دهن خود بگذارد ونه خود آنرا ببلعد ونه لعاب انرا وبداخل جوف اونرسد ایا روزه اش می شکند یانه؟

جواب: گذاشتن تنباکو در دهن هنگام روزه جائز نبوده واجتناب از رسیدن آن به حلق وجوف عادتاً دشوار است پس نباید به این وسوسه هنگام روزه تنباکو را دو دهن انداخت درحالیکه در شامی آمده (قیده بذلک ای بابیض لان الاسود وغیره المضوع وغیر الملتئم یصل منه شیئاً الی الجوف) (۲) لذا ازکشیدن دخان منع می گردد وبه افطار کسی که آنرا بکشد حکم می شود ودر تنباکو خاصیت جذب شدن در جوف وجود دارد چنانچه دیده شده که اگر مردمان غیر معتاد آنرا در دهن بگذارند بر ایشان تأثیر بزرگی می نماید سرشان دور می خورد واعضای بدن ایشان سست می گردد که چیزی غیر از اثر آن بر دماغ وداخل وجود نمی باشد ولاحول ولاقوة الا بالله العظیم والله تعالی ا علم.

اگر قصداً روزه را بشکند وسپس مریض شود و یا حیض ببیند چه حکمی وجود دارد:

سوال: ۱۵۲ شخصی که قصداً روزه را بشکند وسپس مریض شود ویازن باشد وحائضه گردد کفاره بر او لازم می گردد یانه؟

جواب: کفاره ساقط می گردد: انما یکفر ان نوی لیلاً ولم یکن مکرها ولم یطر مسقط کمرض

---

(۱) وجوبها ای الکفارة مقید بما یاتی من کونه عمدا الخ وبما اذا نوی لیلا (ردالمحتار باب مایفسد للصوم ج۲ ص ۱۴۷ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۹) ولم ینو فی رمضان کله صوما ولا فطرا الخ اواصبح غیر ناوٍ للصوم فاکل عمدا الخ قضی فی الصور کلها فقط (درمختار) واما عندنا فلا بد من النیة، لان الواجب الامساک بجهة العبادة، ولا عبادة بدون نیة. امسک بدونها لا یکون صائما ویلزمه القضاء دون الکفارة الخ لان الکفارة إنما تجب علی من افسد صومه، والصوم هنا معدوم (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۴۱ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۳). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۵۴. ظفیر

وحیض) [1]. فقط

فصل ششم

چیزهایی که روزه را شکسته وموجب قضا وکفاره می گردد

با شکستن عمدی روزه قضا وکفاره هردو لازم می گردد: سوال: ۱۵۳ اینکه درکتب فقه نوشته شده کسیکه در رمضان بدون عذر شرعی قصداً روه خود را بشکند قضا وکفاره بر او واجب می باشد آیا قضا وکفاره مجموعاً شصت ویک (۶۱) روز می شود یا اینکه با روزه گرفتن سصت روز قضا وکفاره هردو اداء می گردد؟

جواب: با شکستن عمدی روزه رمضان قضا وکفاره هردو لازم بوده یک روز قضا وشصت روز کفاره که مجموعاً شصت ویک روز می شود طوریکه در الدرالمختار آمده: (وان جامع فی رمضان او اکل او شرب غذاءً او دواءً عمداً قضی وکفر) ([2]) ودر شامی آمده: (وانما قدم القضا اشعاراً بانه ینبغی ان یقدمه علی الکفارة) ([3]).

اگر کفاره به یادش باشد وتعداد روزه هایی قضا را نداند چه کند: سوال: ۱۵۳ اگر بر ذمه شخصی کفاره روزه چند رمضان بوده وتعداد آنرا به یاد نداشته باشد همچنان تعداد نمازهای قضا شده را نداند چه گونه آنرا اداء کند؟

جواب: نماز های وروزه ها را تخمین نموده واداء نماید ودر کفاره امکان تداخل ([4]) وجود دارد یعنی با یک کفاره از مواخذه همه بری شده می تواند در شامی آمده: وفی البقیة کفارات الایمان فی اذا کثرت تداخلت ویخرج بالکفارة الواحدة عن عهدة الجمیع). فقط

اگر در جماع انزل نشود آیا باز هم کفاره است: سوال: ۱۵٤ مردی د روز رمضان طور با

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۷ وص ۱٤۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۹. ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۷ وص ۱٤۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۹. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۵٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱۱. ظفیر

(٤) در کفاره روزه های رمضان مطابق ظاهر الروية صرف در جماع که آنهم در رمضان باشد تداخل وجود نداشته ودر بقیه تداخل می باشد: ولوتکرر فطره ولم یکفر للاول یکفیه واحدة ولوفی رمضانین عند محمد وعلیه الاعتماد بزازیة مجتبی واختار بعضهم للفتوی ان الفطر بغیر الجماع تداخل والا لا (درمختار) قوله: (ولم یکفر للاول) أما لو کفر فعلیه أخری قوله: (وعلیه الاعتماد) نقله فی البحر عن الاسرار. ونقل قبله عن الجوهرة لو جامع فی رمضانین فعلیه کفارتان وإن لم یکفر للاولی فی ظاهر الروایة وهو الصحیح (ردالمحتار باب مایفسد الصوم مطلب فی الکفارات ج۲ ص ۱۵۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۳). ظفیر

زن خود جماع نمود که پارچه ضخیمی را بر ذکر خود پیچانیده بود وپارچه مذکور در حالی پاره شد که در داخل فرج زنش بود وذکر بدون پوشش در میان آن قرار گرفت واینکار مدتی دوام کرد وچون پاره شدن پارچه را دانستند بدون آنکه انزال صورت گیرد از یکدیگر جدا گردیدند آیا بر ایشان کفاره است یانه؟

جواب: در اینصورت هم کفاره واجب است طوریکه درالدرالمختار آمده: (وان جامع المکلف ادمیاً مشتهی فی رمضان اداء لما مر او جومع وتوارت الحشفة فی احد السبلین انزل او لاقضی وکفر.) ([1])

کسیکه ازشدت تشنگی آب بنوشد چه حکم دارد: **سوال**: ۱٤٤ هنده در رمضان به مرض پیچ مبتلا شد لذا شدیداً تشنه گردید پس آب نوشید او نمی دانست که با شکستن روزه رمضان کفاره واجب می شود که شصت روزه روزه پی در پی می باشد اکنون هنده یک روز روزد قضایی بگیرد آیا کفاره بر او واجب است ودر کفاره روزه های حیض ونفاس ومریضی مسـ می باشد یا اینکه باید سر از نو روزه را شروع کند؟

جواب: اگر هنده می توانست روزه بگیرد ومریضی او طوری نبود که نمی توانست روزه بگیرد واو در حالیکه روزه یادش بوده عمداً نوشیده باشد بر ذمه اش قضا وکفاره لازم می باشد ([2]) ودر کفاره ایام حیض مانع تتابع نیست وپس از انقطاع حیض فوراً درباره به روزه گرفتن شروع کند بدین ترتیب روزه هایی که قبل از حیض روزه گرفته نیز شمار می شود اما نفاس مانع تتابع می باشد یعنی اگر قبل از نفاس روزه گرفتن برای کفاره را شروع کرده باشد با ابتلا به نفاس روزه های قبلی او حساب نگردیده وباید پس از نفاسی روزه گرفتن را از شروع کند این مسأله در الدر المختار آمده است. ([3])

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب یفسد الصوم ج۱ ص ۱٤۷ وص۱٤۹، ط. س. ج۲ ص٤۰۹). ظفیر

(۲) وان جامع الخ اواکل اوشرب غذاء الخ اودواء الخ عمدا قضی فی الصور کلها وکفر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۷ وص ۱٤۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۹). ظفیر

(۳) صام شهرین الخ متتابعین قبل المسیس الخ وکذا کل صوم شرط فیه التتابع (فان أفطر بعذر) کسفر ونفاس، بخلاف الحیض الخ أو بعیره أو وطئها الخ استؤنف الصوم (درمختار) قوله (بخلاف الحیض) فانه لا یقطع کفارة قتلها وإفطارها لأنها لا تجد شهرین خالیین عنه الخ (رد المحتار باب مایفسد الکفارة ج۲ ص ۷۹۹ – ۸۰۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤۷٦). ظفیر

آیادر شکستن روزه قضایی رمضان کفاره لازم می گردد: سوال: ۱۵٦ بر ذمه زید روزه رمضان المبارک باقی بود او روزه مذکور را در شوال گرفت وباز انرا شکست در اینصورت بر او تنها قضا لازم است یا کفاره؟

جواب : با شکستن روزه قضایی رمضان کفاره واجب نمی گردد (۱).

اگر مسافری در سفر وفات یابد در مورد روزه ها باقی مانده او چه حکمی وجود دارد:

سوال: ۱۵۷ شخصی در رمضان المبارک مسافر شد وروزه نگرفت ودر همان مسافرت وفات نمود در مورد روزه های او چه حکمی وجود دارد؟

جواب: بر ذمه او قضا لازم نبوده وفدیه یا وصیت بالفدیه نیز لازم نمی گردد (۲).

درصورت لواطت قضاء وکفاره هردو لازم می گردد: سوال: ۱۵۸ زید در ماه رمضان با پسری لواطت نمود وانزال نیز شد آیا بر او قضای روزه رمضان لازم است یا قضاء وکفاره؟

جواب: در اینصورت قضاء وکفاره هر دو لازم است. (۳)

اگر در حالت روزه کسی تف شخص بزرگ را تبرکاً بخورد آیاتنها قضا لازم می گردد یا قضا وکفاره: سوال: ۱۵۹ اگر شخصی در روزه رمضان تف شخصی بزرگی را تبرکاً بخورد آیا روزه اش می شکند یانه وآیا بر او تنها قضا لازم می گردد یا قضا وکفاره؟

جواب: روزه می شکند وقضا وکفاره هر دو لازم می گردد طوریکه در شامی آمده: (ولو بزاق حبیبه او صدیقه وجبت کما ذکره الحلوانی لابه لایعافه) (٤).

شخصی هلال را دیده وروزه گرفت اما دیگران قبول نکردند واو نیز روزه را شکست چه حکمی وجود دارد: سوال: ۱٦۰ اگر شخصی در ۲۹ شعبان هلال رمضان را ببیند ومردم قول

---

(۱) وان جامع الخ فی رمضان اداء لمامر (درمختار) ای من ان الکفارة انما وجبت لهتک حرمة شهر رمضان فلا یجب بالفساد قضائه ولابالفسادصوم غیره (ردالمحتار باب مایفسدالصوم ج۲ ص۱٤۷، ط. س. ج۲ ص٤۰۹). ظفیر

(۲) فان ماتوا فیه ای فی ذالک العذر فلاتجب علیهم الوصیة بالفدیة لعدم ادراکهم عدة من أیام أخر (درمختار) ای فلم یلزمهم القضاء ووجوب الوصیة فرع لزوم القضاء (ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱٦۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۳). ظفیر

(۳) وان جامع المکلف أدمیا مشتهی فی رمضان اداء او جومع وتوارت الحشفة فی احد السبیلین ای القبل او الدبر وهو الصحیح فی الدبر والمختار انه بالاتفاق الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۷ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۹). ظفیر

(٤) ردالمحتار کتاب الصوم باب مایفسد الصوم وما لایفسد ج۲ ص ۱٤۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۰. ظفیر

او را نپذیرند اما او روزه بگیرد وسپس آنرا بشکند بر او قضا لازم می گردد یا قضا وکفاره؟

جواب: در اینصورت قضا بر او لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد طوریکه در الدرالمختار آمده: (رأی هلال رمضان او الفطر ورد قوله صام فان افطر قضی فقط) ([1]).

اگر شخصی به دلیل نخوردن سحری متردد باشد که روزه بگیرد یانه وسپس روزه را بشکند چه حکم دارد: **سوال**: ۱۶۱ الف اگر کسی در روزه رمضان به علت نخوردن سحری در روزه گرفتن تا ظهر متردد باشد که روزه بگیرم یانه وهنگام ظهر روزه خودرا بشکند آیا بر او تنها قضاء لازم است یا قضا وکفاره؟

کسیکه درظهر نیت روزه را بنماید وباز آنرا بشکند چه حکم دارد: **سوال**: ۱۶۲ ب: اگر شخصی هنگام ظهر نیت روزه را بنماید وباز آنرا بشکند چه حکم دارد؟

جواب: الف: در اینصورت صرف قضاء لازم است زیرا بصورت پخته نیت روزه را نکرده بوده والدر المختار این مسأله تصریح کرده است. ([2])

ب: در اینصورت نیز تنها قضا لازم بوده وکفاره لازم نمی باشد چنانچه تصریح این مسأله در الدر المختار وجو دارد (او اصبح غیر ناو للصوم فاکل عمداً ولو بعد النیة قبل الزوال لشبهة خلاف الشافعی) ([3]) ودر شامی آمده که مذهب امام ابو حنیفه چنین بوده ومذهب صاحبین آن است که اگر قبل از زوال نیت روزه را بنماید وسپس روزه خود را بشکند قضا وکفاره هردو لازم می باشد اما صحیح عدم لزوم کفاره است. ([4])

اگر کسی در ۳۰ رمضان المبارک بعد از ظهر هلال را ببیند وافطار کند بروی تنها قضا لازم است یا قضا وکفاره: **سوال**: ۱۶۳ کسیکه در روز ۳۰ رمضان بعد از ظهر هلال را ببیند

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۲۲ – ۱۲۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸٤. ظفیر

(۲) او اصبح غیر ناوٍ للصوم فاکل عمداً ولوبعد النیة قبل الزوال شبهة خلاف الشافعی الخ قضی فی الصور کلها فقط (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۳ ، ٤۰٦). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۱ ص ۱٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤۹۳.

(٤) (لشبهة خلاف الشافعي) فإن الصوم لا يصح عنده بنية النهار ثم قوله: (قبل الزوا ل) هذا عند أبي حنيفة، وعندهما كذلك إن أكل بعد الزوال، وإن كان قبل الزوال تجب الكفارة لانه فوت إمكان التحصيل فصار كغاصب الغاصب بحر: أي لانه قبل الزوال كان يمكنه إنشاء النية وقد فوته بالاكل، بخلاف ما بعد الزوال، والاول ظاهر الرواية كما في البدائع (ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۳). ظفیر

آیا شکستن روزه برایش جائز است یانه؟ واگر ناجائز نباشد وروزه را بشکند بر او قضا یا کفاره واجب است یانه واگر قبل از زوال ببیند چه حکم دارد؟

جواب: هلال مذکور هلال شب آینده می باشد لذا شکستن روزه درست نیست وقضا وکفاره بر او واجب است بعد از زوال به اتفاق هر سه امام قضا وکفاره واجب می باشد ودر دیدن هلال قبل از زوال نزد امام ابو حنیفه وامام محمد قضا وکفاره واجب می باشد ومختار همین قول است اما نزد امام ابو یوسف هلال قبل از زوال از شب گذشته بوده وافطار کردن روزه لازم می باشد اما طوریکه گفتیم قول مختار ومفتی به قول امام اعظم وامام محمد است چنانچه شامی بعد از نقل این اختلاف گوید: (والمختار قولهما) ([1]).

اگر کسی در اخیر روز هلال راببیند وروزه رابشکند چه حکم دارد: سوال: ۱۵٤ اگر در رمضان المبارک به تاریخ ۳۰ بعد از زوال هلال را ببیند وچنان گمان کند که هر وقت که هلال دیده شود رمضان ختم است وروزه خود را بشکند کارش درست است یا غلط وآیا قضا وکفاره نیز بر او لازم می باشد یانه؟

جواب: اول در جای دیگری در برابر چنین سوالی جواب دهنده ای چنین نوشته که هلال مذکور هلال شب آینده می باشد وقضای این روزه لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد وسوال را بر این امر قیاس نموده: (اذا تسحر علی یقین ان الفجر لم یطلع او افطر علی یقین ان الشمس قد غربت) جواب دوم به قلم حضرت مفتی صاحب: (و رویته بالنهار للیلة الآتیة مطلقاً ای سواء روی قبل الزوال او بعده وقوله علی المذهب ای الذی هو قول ابی حنیفة ومحمد وقال ابو یوسف ان کان بعد الزوال فکذلک وان کان قبله فهو للیلة الماضیة والمختار قولهما) ([2]).

ازاین عبارت معلوم گردید که اگر به تاریخ ۳۰ بعد از زوال هلال دیده شود به اتفاق ائمه ثلاثه از شب آینده می باشد نه ازشب گذشته پس آن روزبه اتفاق روز رمضان شرب است لذا باشکستن

(۱) رؤية بالنهار لليلة الاتية مطلقا على المذهب ذكره الحدادي (درمختار) أي سواء رئي قبل الزوال أو بعده، وقوله على المذهب: أي الذي هو قول ابي حنيفة ومحمد. قال في البدائع: فلا يكون ذلك اليوم من رمضان عندهما. وقال أبو يوسف: إن كان بعد الزوال فكذلك، وإن كان قبله فهو لليلة الماضية ويكون اليوم من رمضان ... والمختار قولهما. (ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۳۰، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲). ظفير الدين غفر الله له

(۲) ردالمحتار كتاب الصوم ج۲ ص ۱۳۰ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۲. ظفير

روزه آن قضا وکفاره به اتفاق لازم می گردد زیرا شبه اختلاف وجود ندارد وجهل او سبب سقوط کفاره نمی گردد وقیاس آن بر مسأله (اذا تسحر علی یقین ان الفجر لم یطلع او افطر علی یقین ان الشمس قد غربت) ([۱]) صحیح نیست زیرا در اینجا به غروب یقین است ودر مسأله مورد بحث به عدم غروب یقین می باشد پس این دو مسأله با هم تفاوت دارند.

اگر به گمان غروب افطار کند وبعداً آفتاب دیده شود چه حکم دارد: سوال: ۱۶۵ روزی در رمضان نهایت ابر آلود بود شخصی گمان برد که وقت افطار شده وآفتاب غروب کرده پس روز را افطار نمود اما بعداً آفتاب برون آمد در این مورد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: قضای روزه مذکور لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد ومرتکب گناهی نیز نشده است اما قضایی آن ضرور می باشد ([۲]).

در مباشرت اگر انزال نشود صرف قضا واجب است یا کفاره هم: سوال: ۱۶۶ شخصی در روز رمضان با زن خود مباشرت نمود اما انزال نشد در این حالت بروی تنها قضا لازم است یاقضا وکفاره؟

جواب: اگر دخول صورت گرفته باشد قضا وکفاره لازم است چه انزال شده باشد یانه طوریکه در الدرالمختار آمده: (وان جامع او جومع وتوارت الحشفة فی احد السبلین انزل او لا قضی وکفر) ([۳]).

اگر شوهر غیر روزه داربا زن روزه دابی خود جماع کند چه حکم دارد: سوال: ۱۶۷ یک مرد بی روزه در روز رمضان با زن روزه دار خود به این گمان جماع نمود که شاید روزه نباشد زن گمان می کرد که روزه بودن من برای او معلوم است وشاید اینکار روزه نمی شکند وچون پرسید شوهرش فوراً از او دور شد اکنون کفاره بر ذمه چه کسی است؟

جواب: در اینصورت اگر دخول صورت گرفته باشد کفاره بر ذمه زن لازم است: (وان جامع او

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصوم باب مایفسد الصوم ج۲ ص۱۴۳ – ۱۴۴، ط. س. ج۲ ص۴۰۵، والجوهرة النیره کتاب الصوم ج۱ ص ۱۴۸. ظفیر غفر لهٗ

(۲) اذا تسحر وهو یظن ان الفجر لم یطلع فاذا هو قد طلع اوافطر وهو یری ان الشمس قدغرب فاذا هی لم تغرب الخ علیه القضاء ولاکفارة علیه (هدایه باب مایوجب القضاء والکفارة ج۱ ص ۲۰۷). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم وما لایفسده ج۲ ص ۱۴۷ وص ۱۴۹ . ط. س. ج۲ ص ۴۰۹). ظفیر

جومع وتوارت الشحفه فی احد السبلین وقضی وکفر) ([1]) واگر نمی تواند در یک وقت شصت مسکین را در طعام دهد می تواند که به جای آن تا شصت روز یک مسکین را دو وقت غذا دهد یا هر روز قیمت انرا که نصف صاع گندم می باشد بدهد ویا آنرا به شصت مسکین طوری تقسیم نماید که برای هر مسکین قیمت یک فطره که نصف صاع گندم می باشد برسد.

اگر کسی در اثر مباشرت فاحشه انزال شود چه حکم دارد: سوال: ۱۶۸ اگر در روز رمضان کسی مباشرت فاحشه نماید وانزال شود ویکی دوساعت بعد از آن جماع کند یا چیزی بخورد آیا بر ذمه او کفاره واجب می گردد یانه؟

جواب: اگر کسی در اثر مباشرت فاحشه انزال شود روزه اش می شکند واگر بعد از آن غذا بخورد ویا جماع کند کفاره لازم نمی گردد در الدرالمختار آمده: (اولمس ولو بحائل لا یمنع الحرارة او استمنی بکفه او بمباشرة فاحشة فانزل قفی) ([2]).

درلواطت اگر حشفه غایب شود چه حکم دارد: سوال: ۱۶۹ اگر کسی در روزه لواطت کند وسر ذکر غایب گردد وانزال نشود ورروزه رمضان باشد آیا کفاره بر او واجب می گردد؟

جواب: در نواطت اگر حشفه غایب شود اگر چه منی خارج نگردد قضا وکفاره لازم است طوریکه در الدرالمختار آمده: (وان جامع المکلف ادمیاً مشتهی فی رمضان اداء لما مر او جومع وتواراث الحشفة فی احد السبلین انزل او لا قضی فی الصور کلها وکفر) ([3]).

اگرکسی در صادق شیر بنوشد چه حکم دارد: سوال: ۱۷۰ اگر در صبح صادق شیر بنوشد وسپس روزه بگیرد قضا بر او واجب است یا اینکه باید شصت روز روزه بگیرد؟

جواب: اگر روزه رمضان شریف بوده وبرایش معلوم باشد که صبح صادق است وشیر بنوشد در این صورت قضا وکفاره بر اولازم است [4] واگر فراسیدن صبح صادق برایش معلوم نبوده وبدین

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۷ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۹. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۲ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰٤) اگر مرد در اثر مباشرت فاحشه انزال شود تنها روزه او فاسد می گردد نه روزه زن واگر زن انزال گردد روزه او نیز فاسد می شود واگر شوهر پس از چنین فاسد شدن روزه بازن خود جماع کند کفارد بر او نیست واگر زن به خوشی خود به جماع آماده شده باشد کفاره بر ذمه او می باشد مشروط به آنکه روزه اش قبلاً فاسد نشده باشد. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب مایفسدالصوم ج۲ ص۱٤۷ وص۱٤۹، ط. س. ج۲ ص ٤۰۹. ظفیر

گمان که هنوز صبح نشده آنرا بخورد در اینصورت صرف قضا لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد ([1]).

اگر در رمضان به علت تب روزه خود رابشکند چه حکم دارد: سوال: ۱۷۱ اگر کسی را در رمضان شریف تب بگیرد وبه علت شدت تشنگی روزه خود را بشکند قضا بر او واجب است یا کفاره؟

جواب: قضا لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد ([2]).

اگرکسی به علت ندانستن در روز رمضان با زن خود جماع کند یا استمنا نماید چه حکم دارد: سوال: ۱۷۲ اگر کسی در رمضان شریف روزه باشد ونداند که در صورت جماع بازن کفاره لازم می گردد پس با زن خود جماع کند ویا استمنا نماید دراین هر دو صورت کفاره لازم می گردد یانه؟ وبهتر روزه گرفتن است یا شصت مسکین را طعام دادن؟

جواب: در صورت اولی کفاره لازم است ودر صورت دوم یعنی استمنا کفاره نبوده وصرف قضا لازم می باشد ([3]) ودرکفاره اگر توان آزاد کردن غلام را نداشته باشد دو ماه پی در پی روزه بگیرد زیرا روزه گرفتن بر غذا دادن شصت مسکین مقدم است واگر قدرت روزه را نداشته باشد شصت مسکین را دو وقت غذا دهد ویا برای هر یک به قدر فطره غله یا قیمت آنرا بپردازد ([4]). فقط

اگر کسی به اساس شدت تشنگی یا به علت سفر روزه خود را بشکند چه حکم دارد:

---

(٤) او اكل اوشرب غذاء اودواء الخ عمدا الخ قضى الخ وكفر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصوم الخ ج٢ ص ١٤٧ – ١٤٨ – ١٤٩ ، ط. س. ج٢ ص ٤٠٩). ظفير

(١) وبقي الاكراه وخوف هلاك اونقصان عقل لو بعطش اوجوع شديد الخ الفطر يوم العذر الخ وقضوا الزوما ما قدروا بلا فدية الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة ج١ ص ١٥٨ ، ط. س. ج٢ ص ٤٢١). ظفير

(٢) وان جامع المكلف آدميا مشتهى في رمضان اداء اوجومع وتوارت الحشفة في احد السبيلين انزل اولا الخ قضى في الصور كلها وكفر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج٢ ص ١٤٧ وص ١٤٩ ، ط. س. ج٢ ص ٤٨٩). ظفير

(٣) وكذا الاستمناء بالكف (درمختار) اى في كونه لايفسد لكن هذا اذا لم ينزل اما اذا انزل فعليه القضاء (رد المحتار باب مايفسد الصوم ج٢ ص ١٣٦ ، ط. س. ج٢ ص ٣٩٩) اواستمنى بكفه الخ فانزل قضى في الصور كلها فقط ، (ايضا ج٢ ص ١٤٢). ظفير

(٤) وكفر الخ ككفارة المظاهر (درمختار) اى مثلها في الترتيب فيعتق اولا فان لم يجد صام شهرين متتابعين فان لم يستطع اطعم ستين مسكينا الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصوم مطلب في الكفارة ج٢ ص ١٥٠ ، ط. س. ج٢ ص ٤١٢). ظفير

سوال: ۱۷۳ اگر روزه دار به علت تشنگی شدید روزه خود را بشکند یا به دلیل سفر آنرا افطار نماید آیا برای او تعزیری وجود دارد؟

جواب: اگر تشنگی انقدر شدید باشد که خطر مرگ یا زوال عقل وجود داشته باشد در این حالت افطار جائز بوده وقضای آن لازم می باشد وبه همین ترتیب در سفر اگر روزه را بشکند طوریکه در الدرالمختار آمده قضا لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد (۱).

اگر خطر مرگ وجود داشته وکسی افطار وکند چه حکم دارد: سوال: ۱۷٤ برای زید در دوام روز خطر مرگ وجود داشت لذا روزه را خورد کفاره بر او واجب است یانه؟

جواب: در اینصورت کفاره واجب نمی باشد (۲).

در سفر روزه داشته باشد اما به علت تشنگی آنرا بشکند چه چیزی بر او واجب است:

سوال: ۱۷۵ زید وبکر ساعت یازده شب روانه سفر گردیدند که مسافه آن بیش از هشتاد میل بود روزه را نیت نمودند وچون به آنجایگاه رسیدند به علت تشنگی وگرمی شدید ساعت سه بعد از ظهر روزه خود را شکستند در اینصورت قضاء لازم است یا کفاره؟

جواب: در اینصورت قضاء لازم بوده وکفاره نمی باشد در الدرالمختار امده: (و بقی الاکراه وخوف هلاک او نقصان عقل ولو بعطش او جوع شدید او لسعة حية) (۳).

اگر کسی درحالت روزه عمداً گوشت خام یابرنج خام بخورد چه حکمی دارد: سوال: ۱۷ اگر شخصی در حال روزه عمداً گوشت خام یا برنج خام بخورد قضا بر او واجب است یا کفاره؟

جواب: یا خوردن عمدی گوشت خام یا برنج خام قضاء وکفاره لازم می گردد (ولکن یشکل علی ذلک وجوب الکفارة باکل اللحم النيي ولو من میتة الا اذا امتن ودود فانی لم ارمن ذکر فيه خلافاً مع انه اشد عیافة من اللقمة المخرجة) (٤). فقط

---

(۱) وبقی الاکراه وخوف هلاک اونقصان عقل ولوبعطش اوجوع شدید اولسعة حية الخ الفطر الخ وقضوا لزوماً ماقدروا بلافدية (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۱) . ظفير

(۲) وبقی الاکراه وخوف هلاک الخ الفطر الخ (ایضا) ط. س. ج۲ ص ٣۲۱. ظفير

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۱. ظفير

<u>در روز رمضان مباشره با زوجه چطور است ودرشب تاچه وقتی اجازه می باشد</u>: سوال:
۱۷۷ اگر مرد در روز رمضان نزد زن خود برود چقدر گناه یا کفاره دارد ودر شب از چه وقت تا چه وقت می تواند نزد زن خود برود وچه وقتی باید پاک باشد؟

جواب: در روز رمضان جماع با زن گناه کبیره بوده وموجب قضا وکفاره می گردد که عبارت از آزاد کردن غلام است واگر نتواند شصت روز پی در پی روزه بگیرد واگر نتواند شصت مسکین را دو وقت غذا دهد (۱) ودر شب پس از غروب افتاب تا صبح صادق جماع درست بوده (۲) وغسل بعد از صبح نیز می تواند (۳).

<u>کسیکه صبح بیدار شود وسحری نخورده ونیت روزه رانکرده باشد چه حکم دارد</u>: سوال:
۱۷۸ امروز ساعت چهار وسیزده دقیقه غرض خوردن سحری از خواب بیدار گردیدم شخصی عمداً روزه نگرفت ونیت روزه را نکرد آیا روزه گرفتن بر او واجب بود یانه وآیا به جای این روز یک روز روزه بگیرد یا بیشتر؟ یک زن در حالیکه صبح شده بود سحری خورد روزه او شده یانه وباید یک روز روزه بگیرد یانه؟ شخص دیگری درشب به اندازه کافی نیت روزه را نداشت لذا روزه نگرفت اما همان روز به سفری پیاده می رفت که مسافه آن پانزده میل بود در اینصورت شرعاً چه حکمی وجود دارد.

جواب: در مورد اول چون نیت روزه را نکرده بوده وروزه نیز نگرفت صرف یک روز قضا بی بر ذمه او لازم بوده وکفاره لازم نمی باشد البته روزه گرفتن برای او فرض وضروری بود اما چون نگرفت ونیت نکرده بود صرف یک روز قضا بر ذمه او لازم است.

درمورد دوم چون آن زن در صبح صادق سحری خورده لذا روزه اونشده وقضای آن برذمه اش

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصوم باب مایفسد الصوم وما لایفسد ج۲ ص ۱۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۴۱۰. ظفیر

(۱) وان جامع المکلف آدمیا مشتهی فی رمضان ای نهارا وجومع وتوارت الحشفة فی احد السبیلین الخ قضی الخ وکفرالخ ککفارة المظاهر (درمختار) ای مثلها فی الترتیب ویعتق اولا فان لم یجد صام شهرین متتابعین فان لم یستطع اطعم ستین مسکینا الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۴۷ وص ۱۴۹ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۹). ظفیر

(۲) واحل لکم لیلة الصیام الرفث الی نسائکم هن لباس لکم وانتم لباس لهن (الی قوله تعالی) حتی یتبین لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر (البقره : ۲۳۰) . ظفیر

(۳) او صبح جنبا الخ لم یفطر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۱ ص ۱۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۰). ظفیر

لازم بوده وکفاره ساقط می باشد.

در مورد سوم گر چه در سفر پانزده میل اجازه خوردن روزه نیست اما چون نیت نکرده بود صرف قضا بر او لازم بوده وکفاره واجب نیست. (۱)

<u>درکفاره روزه چقدر گندم داده شود</u>: سوال: ۱۷۹ الف: اگر در کفاره روز گندم پخته داده شود چقدر باشد؟

<u>آیا می توان نان خشک داد</u>: سوال: ۱۸۰ ب: آیا می توان نان خشک بدون سالن داد؟

جواب: الف: دادن غذای پخته نیز جائز است که دو وقت شکم سیر داده شود (۲).

ب: اگر بدون سالن مساکین شکم سیر بخورند نیز درست است. (۳)

<u>اگر شخصی درسفراز شدت گرمی روزه را بشکند چه حکم دارد</u>: سوال: ۱۸۱ اگر شخصی درماه رمضان به سفری برود که شرعاً مسافر شمرده نمی شود وبعد از ظهر به علت آفتاب وگرمی شدید بی طاقت گشته وروزه خود را بشکند قضا بر او لازم می گردد یا کفاره؟

جواب: در این صورت کفاره لازم نبوده وتنها قضاء واجب می باشد (۴).

<u>بعد ازسحری همراه زن خود جماع نماید وبعداً معلوم گردد که صبح صادق بوده چه کند</u>: سوال: ۱۸۲ شخصی درماه رمضان بعد از فراغت از خوردن سحری بازن خود جماع کرد بعداً معلوم گردید که صبح صا دق بوده واو همان روز را روزه هم گرفت وا ینکار را بهتر می پندارد. قضاء بر او لازم است یا کفاره؟

جواب: در اینصورت اگر بعداً واضح گردد که واقعاً صبع صادق بوده قضای آن بر ذمه ای لازم است وکفاره واجب نمی باشد در الدرالمختار آمده: (او تسحر او افطر یظن الیوم قال فی الشامی

---

(۱) او اصبح غیر ناوٍ للصوم فاکل عمداً الخ اوتسحر اوافطر یظن الیوم الخ لیلا والحال ان الفجر الخ قضی فی الصور کلها فقط (درمختار) ای بدون کفارة (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۴۱ وص ۱۴۴ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۳). ظفیر

(۲) فإن عجز عن الصوم لمرض الخ اطعم ستین مسکینا ولو حکما الخ کالفطرة قدرا ومصرفا،او قیمة ذلک من غیر المنصوص الخ وإن ارادوا الاباحة فغداهم وعشاهم الخ او اطعم غدائین او عشائین الخ واشبعهم جاز بشرط ادام في خبز شعیر وذرة لابر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الکفارة ج۲ ص ۸۰۱ وص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۴۷۶) . ظفیر

(۳) وفی التاترخانیة والمستحب ان یغدیهم ویعشیهم بخبز معه ادام (رد المحتار باب الکفارة ج۲ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۴۷۶). ظفیر

(۴) وفی الاکراه وخوف هلاک اونقصان عقل ولو بعطش اوجوع شدید الخ الفطر (الدر المختار علی هامش رد المحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۱). ظفیر

وقوله لیلاً لیس بقید لانه لو ظن الطلوع او اکل مع ذلک ثم تبین صحة ظنه فعلیه القضا ولاکفاره) ([1]) اما اینکار او جائز نیست که با وصف فرا رسیدن صبح صادق چنین نماید وبهتر شمردن آن خطا جهالت ومعصیت بوده وباید از آن توبه نموده و در آینده چنین نکند (ولیس له ان یاکل لان غلبة الظن کالیقین) ([2]).

بر کسیکه کفاره لازم است اداء کردن قیمت آن چطور است: سوال: ۱۸۳ بر ذمه زید کفاره روزه رمضان می باشد اما نمی تواند شیست روز پی در پی روزه بکیرد ونمی تواند که شصت مسکین را دو وقت طعام دهد لذا آیا اداء کردن قیمت برایش درست یانه؟

جواب: اگر به شصت مسکین نقداً بدهد طوریکه به هر مسکین قیمت نصف صاع گندم یا یک صاع جو داده شود کفاره اداء می گردد طوریکه در الدرالمختار آمده: (فان عجز عن الصوم اطعم ستین مسکیناً کالفطرة قدراً ومصرفاً او قیمة ذلک) ([3]).

اگربه علت حریق روزه خودرا بشکند چه حکم دارد: سوال: ۱۸٤: در قریه ما در رمضان المبارک حریق بزرگی روی داد وبعضی از مردان وزنان روزه خود را شکستند برایشان تنها قضا لازم است یا کفاره هم؟

جواب: اگر در هنگام حریق به علت شدت گرسنگی ویا شدت تشنگی خوف جان بوده باشد در آنصورت صرف قضا برایشان لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد ([4]).

اگر کسی بعد از آذان صبح بیخبر چیز خورده باشد چه کند: سوال: ۱۸۵ هنده در رمضان شریف پس از آذان صبح سحری خورد واو مطلقاً خبر نداشت اکنون در مورد او چه حکمی وجود دارد؟

جواب قضای آن روز لازم است زیرا او اصلاً روزه نشده پس صرف قضا واجب بوده وکفاره

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۵. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۵. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۲. ظفیر

(٤) وبقی الاکراه وخوف هلاک اونقصان عقل ولوبعطش اوجوع شدیدا ولسعة حیة الخ الفطر وقضوا لزوماً (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۱). ظفیر

لازم نمی باشد ([1]).

فصل هفتم

کفاره روزه

در کفاره روزه کدام یک بهتر است: سوال: ۱۸۶ در کفاره روزه کدام یک از آزاد کردن غلام طعام دادن شصت مسکین ودوماه پی در پی روزه گرفتن بهتر است؟ آیا از این سه حکم برتر دوماه پی در پی روزه گرفتن است اگر چه توانایی آزاد کردن غلام یا طعام دادن شصت مسکیت را داشته باشد؟

جواب: این هر سه امر در کفاره ترتیبی دارند که واجب است اول آزاد کردن غلام است واگر توانایی آنرا نداشته باشد دوماه پی در پی روزه بگیرد واگر نتواند شصت مسکین را طعام دهد یعنی با وجود توان آزاد کردن غلام دوماه پی در پی روزه گرفتن نیست وبا وصف توان روزه گرفتن طعام دادن درست نیست واین مساله منصوص می باشد ([2]).

اگر درکفاره یک طالب علم را دوماه غذا بدهد اداء می گردد یانه: سوال: ۱۸۷ اگر در بدل کفاره روزه برای دوماه یک طالب العلم را یعنی شصت وقت غذا بدهد جائز است یانه؟

جواب: اگر در کفاره روزه برای یک طالب عم شصت روز دو وقته غذای شکم سیر داده شود درست بوده وکفاره اداء می گردد اما باید او را نشانده وغذا دهد زیرا در غیر آن باید هر روز نصف صاع گندم یا قیمت آن داده شود ([3]).

---

(۱) اذا تسحر وهو یظن ان الفجر لم یطلع فاذا هوقد طلع الخ علیه القضاء الخ ولا کفارة علیه لان الجنایة قاصرة لعدم القصد (هدایه باب مایوجب القضاء ج۱ ص ۲۰۷ ج۲ ص). ظفیر

(۲) وکفر الخ ککفارة المظاهر الثانیة بالکتاب واما هذه فبالسنة ومن لم شهوها (درمختار) قوله: (ککفارة المظاهر) مرتبط بقوله: وکفر أي مثلها في الترتیب فیعتق أولا، فإن لم یجد صام شهرین متتابعین، فإن لم یستطع أطعم ستین مسکینا لحدیث الاعرابي المعروف في الکتب الستة الخ ولا فرق في وجوب الکفارة بین الذکر والانثی والحر والعبد والسلطان وغیره الخ في التشبیه إشارة إلی أنه لا یلزم کونها مثلها من کل وجه، فإن المسیس في أثنائها یقطع التتابع في کفارة الظهار مطلقا عمدا أو نسیانا لیلا أو نهارا للآیة، بخلاف کفارة الصوم والقتل فیه فإنه لا یقطعه فیهما إلا الفطر بعذر أو بغیر عذر الخ والحاصل: أنه لا یقطع التتابع هنا الوطئ لیلا عمدا أو نهارا ناسیا، بخلاف کفارة الظهار (ردالمحتار کتاب الصوم باب مایفسد الصوم الخ مطلب في الکفارة ج۲ ص ۱۵۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۲). ظفیر

(۳) فان عجز عن الصوم الخ اطعم ای ملک ستین مسکینا الخ وان غداهم وعشاه الخ جاز الخ کفا جاز لو اطعم واحد ستین یوما (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الکفارة ج۲ ص ۸۰۱ وص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۷٦). ظفیر

صرف رقم کفاره روزه درمدرسه یا مسجد چطور است: سوال: ۱۸۸ اگر شخصی قصداً دو روز روزه رمضان شریف را شکستانده باشد کفاره آن دادن طعام به شصت مسکین است اما اگر از قیمت آن برای مدرسه غرض استفاده طلبه فرش بخرد جائز است یانه وصرف آن در مسجد چه حکم دارد؟

جواب: در بدل شکستن یک روز روزه رمضان حکم گرفتن شصت روز روزه پی در پی است وبر علاوه یک روز قضایی نیز گرفته می شود یعنی کفاره دو روز روزه گرفتن ۱۲۰ روز می باشد واگر توان اینقدر روزه گرفتن را نداشته باشد در بدل یک روز شصت مسکین را دو وقت غذا ویا برای هر مسکین نصف صاع گندم بدهد وصرف آن در مدرسه یا مسجد درست نیست. (۱) فقط

در کفاره یک روز شصت روز روزه گرفته شود یا به شصت مسکین طعام داده شود:

سوال: ۱۸۹ زید در ماه رمضان در حالیکه روزه دار بود با زنی زنا نمود بعداً او توبه نمود ومی گوید که من نمی توانم یکسال متواتر روزه بگیرم لذا هر ماه سه چهار روز روزه خواهم گرفت آیا جائز است یانه؟

جواب: کفاره شکستن یک روز روزه رمضان دو ماه روزه گرفتن متواتر می باشد پس بر او لازم است که شصت روز پی در پی روزه بگیرد واگر در میان وقفه بیاید کفاره اداء نمی گردد وکسیکه توان شصت روز روزه گرفتن را نداشته باشند شصت مسکین را دو وقت نان شکم سیر بدهد (۲). فقط

کفاره روزه با توبه معاف نمی گردد: سوال: ۱۹۰ زید که در مورد کفاره چیزی نمی دانست

---

(۱)وان جامع المكلف الخ اواكل اوشرب غذاء ودواء الخ عمداً الخ قضى الخ وكفر الخ ككفارة الظهار (درمختار) اى كفر مثلها فى الترتيب ويعتق اولا فان لم يجد صام شهرين متتابعين فان لم يستطع اطعم ستين مسكينا (ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱۴۹ – ۱۵۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۹) مصرف الزكوٰة الخ وهو ايضا لصدقة الفطر والكفارات والنذر وغير ذالک من الصدقات الواجبة الخ ويشترط ان يكون الصرف تمليكا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ وص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفير

(۲) وان جامع المكلف آدميا مشتهى فى رمضان اداء اوجومع وتوارت الحشفة فى احد السبيلين انزل اولا الخ عمداً الخ قضى الخ وكفر ككفارة المظاهر (درمختار) مرتبط بقوله وكفر اى مثلها فى الترتيب فيعتق اولاء فان لم يجد صام شهرين متتابعين فان لم يستطع اطعم ستين مسكينا (ردالمحتار باب مايفسد ج۲ ص ۱۴۹ – ۱۵۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۹). ظفير

در روز رمضان با زن خود جماع نمود وکفاره بر او واجب گشت واو نمی تواند هیچ یک از سه کفاره را ادا نماید در اینصورت آیا توبه او قبول خواهد شد یانه؟

جواب: ادای قضا وکفاره در اینصورت ضرور است توبه نیز در صورتی پذیرفته می شود که اگر توان دوماه روزه پی در پی گرفتن را نداشته باشد شصت مسکین را طعام دهد (فان لم یستطع فاطعام ستین مسکیناً) ([1]).

اگر در فدیه روزه به یک فقیر یک ماه غذا داده وایام باقی مانده را یکجا بدهد جائز است یانه:

سوال: ۱۹۱ اگر در فدیه صوم یک ماه به یک مسکین غذا داده شود وباقی آن یعنی یک ماه دیگر را نقداً یکجا برایش بدهد جائز است یانه؟

جواب: در کفاره با دادن مقدار پیش از یک روز به مسکین در یک روز فدیه همان یک روز اداء می گردد مثلاً در کفاره حلف یمین به ده مسکین ویا در کفاره روزه به شصت مسکین حکم دادن طعام است پس اگر به یک فقیر مقدار طعام پیش از یک روز را بدهد فقط یک روز حساب می شود اما شیخ فانی که دادن فدیه روزه برایش درست می باشد اگر به یک محتاج فدیه چند روز را بدهد اداء می شود طوریکه در الدرالمختار آمده: (وبلا تعدد فقیر) ودر شامی آمده: (قوله وبلا تعدد فقیر ای بخلاف کفارة الیمین للنص فیها علی التعدد) ([2]) چون شما تصریح ننموده اید که آیا هدف شفا کفاره روزه است که در آن به شصت مسکین طعام داده می شود یا اینکه شخصی از گرفتن روزه رمضان عاجز بوده وفدیه می دهد میان این دو در حکم شرعی فرق وجود دارد در کفاره به شصت مسکین طعام ویا قیمت آن داده شود ویا به یک مسکین شصت روز طعام بدهد واگر به یک مسکین در یک روز بیشتر بدهد همان یک روز حساب می شود خلاصه آنکه در کفاره تعدد فقرا با تعدد ایام ضروری می باشد اما در فدیه این امر ضروری نیست. فقط

---

(۱) سورة المجادلة رکوع ۱. وان جامع المکلف آدمیا مشتهی فی رمضان اداء اوجومع وتوارت الحشفة الخ عمداً الخ قضی الخ وکفر الخ ککفارة المظاهر الثابتة بالکتاب (درمختار) فیعتق اولا فان لم یجد صام شهرین متتابعین فان لم یستطع اطعم ستین مسکینا (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۴۹ – ۱۵۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۰۹). ظفیر

(۲) ردالمحتار ج۲ ص ۱۶۳ کتاب الصوم فصل فی العوارض ج۲ ص ۳۹۳. ظفیر

در خبر افطار شرایط نامه قاضی به قاضی چیست: سوال: ۱۹۲ در خبر افطار ماه رمضان ایا شرایط کتاب القاضی الی القاضی ملحوظ است یانه اگر معتبر باشد شرایط مذکور چیست وایا خبر تلگراف معتبر می باشد یانه؟

جواب: در الدرالمختار آمده: (واختلاف المطالع غیر معتبرفیلزم اهل المشرق بروية اهل المغرب اذا ثبت عندهم روية اولئک بطریق موجب) ودر ردالمحتار آمده: (قوله بطریق موجب کان یتحمل اثنان الشهادة او یشهدا علی حکم القاضی او یستفیض الخبر ([1]) فظهر انه لاحاجة الی کتاب القاضی الی القاضی فی اخبار الصوم والافطار لانه لیس بطریق متعین للایجاب) خبر تلگراف در صوم وافطار آن شرعاً معتبر نیست اما اگر قرائن دیگر موجود باشد می توان به آن اعتماد کرد.

اگر درکفاره روزه طفل شریک شود چه حکم دارد: سوال: ۱۹۳ الف: اگر در خوردن کفاره روزه پسران هشت ساله یاده ساله نیز شرکت کنند کفاره ادا خواهد شد یانه؟

اگر دو روزه جداگانه طعام بدهد چه حکم دارد: سوال: ۱۹٤ ب: اگر پانزده مسکین را یک روز ومتباقی را در روز دیگر طعام دهد جائز است یانه؟

سوال: ۱۹۵ ج: اگر کسی مهتمم مدرسه را وکیل خود بسازد وپول کفاره را به او بدهد که برای طلبه غذا تهییه کند اما مهتمم با آن لباس بخرد وبه طلبه بدهد کفاره اداء می گردد یانه؟

جواب: الف: با دادن غذا به پسران هشت ساله وده ساله که قریب بلوغ نباشند کفاره اداء نمی گردد اما اگر به ایشان مقدار کفاره تملیکاً داده شود یعنی به هر طفل نصف صاع گندم بدهد درست می باشد واین موضوع در الدر المختار وشامی آمده است: (ولا یجزی غیر المراهق بدایع) ([2]).

ب: درست است. ([3])

---

(۱) ردالمحتار مطلب فی اختلاف المطالع ج۲ ص ۱۳۱ – ۱۳۲ ، کتاب الصوم، ط. س. ج۲ ص ۳۹۳. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الکفارة ج۲ ص ۸۰۲، فالشرط فی طعام الاباحة کلتان مشبعتان لکل مسکین ولوکان فیهم شبعان قبل الاکل اوصبی غیر مراهق لم یجز (ردالمحتار ج۲ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۷٦). ظفیر

(۳) ولو اطعم مسکینا واحدا ستین یوم کل یوم اکلتین مشبعتین جاز (عالمگیری کشوری ج۲ ص ۵۳۲ ماجدیة ج۱ ص ۵۱٤). ظفیر

ج: اگر با رقم کامل کفاره لباس خریده وبه طلبه تملیک کند درست است ([1]).

شخصی کفاره روزه را اداء می کرد یک روز روزه او نشد چه کند: سوال: ۱۹۶ اگر شخصی که کفاره روزه را اداء می کند اگر تصادفاً هنگام آذان صبح غذا بخورد روزه او درست است یانه؟ ده روز روزه گرفته باشد اگر روزه او نشود آیا باید از سر روزه بگیرد یانه؟

جواب: صبح صادق اعتبار دارد نه آذان لذا اگر در صبح صادق غذا خورده باشد روزه او نمی شود وچون آن روزه نشد تتابع دوماه متواتر که ثابت می باشد از میان می رود لذا باید از سر روزه بگیرد ([2]) ودر صورتیکه از روزه عاجز نباشد اطعام مسکین درست نیست: (فان عجز من الصوم لمرض لایرجی بره او کبیر اطعم ستین مسکیناً) ([3]).

درکفاره روزه تداخل درست است یانه: سوال: ۱۹۷ در کفاره روزه تداخل جائز است یانه یعنی اگر زید هژده رور روزه را بدون عذری عمداً خورده باشد از هر یک علیحده علیحده کفاره دهد یا اینکه یک کفاره برای همه آنها کافی می باشد؟

جواب: ظاهر الروية آن است که برای هر روز باید علیحده کفاره بدهد اما مطابق مذهب امام محمد یک کفاره برای تمام آنها کافی بوده واین روایت نیز صحیح خوانده شده اما ظاهر الروئة ترجیح دارد در الدرالمختار آمده: (و لو تکرر فطره ولم یکفر لاول یکفیه واحدة ولو فی رمضانین عند محمد (رح) وعلیه الاعتماد) ([4]) ودر شامی آمده: (قوله علیه الاعتماد ونقله فی البحرعن الاسرار ونقل قبله عن الجوهرة لوجامع فی رمضانین فعلیه کفارتفان وان لم یکفر للاولی فی الظاهر الروایة وهو صحیح قلت فقد اختلف الترجیح کما تری ویتقوی الثانیة با نه ظاهر الروایة) ([5]).

آیا کفاره روزه را می توان به مسجد یامدرسه داد یانه: سوال: ۱۹۸ برذمه شخصی کفاره

---

(۱) کالفطرة قدرا اومصرفا اوقیمة ذالک من غیر المنصوص (درمختار) والحاصل ان دفع القیمة انما یجوز لو دفع غیر المنصوص (ردالمحتار ج۲ ص ۸۰۲ ، ط. س. ج۲ ص ٤٧٨). ظفیر

(۲) صام شهرین ﷺ متتابعین قبل المسیس الخ وکذاک ل صوم شرط فیه التابع فان الفطر بعذر الخ اوبغیره الخ استانف الصوم (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب الکفارة ج۲ ص۷۹۹–۸۰۰ ، ط. س. ج۲ ص٤٧٦). ظ

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الکفارة ج۲ ص ۸۰۱ ، ط. س. ج۲ ص٤٧٦. ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الکفارة ج۲ ص ۱۵۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤١٣. ظفیر

(٥) ردالمحتار باب مایفسد الصوم مطلب فی الکفارة ج۲ ص ۱۵۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤١٣. ظفیر

روزه است اگر او خرج طعام شصت مسکین را به مسجد یا مدرسه ای بدهد جائز است یانه؟

جواب: دادن آن به مسجد یا مدرسه درست نیست (۱) وبدین ترتیب کدره اداء نخواهد شد البته اگر در مدرسه برای طعام دادن طلبه داده شود درست است به شرط آنکه به شصت طالب دو وقت طعام داده شود ویا بر هر یکی به قدر فطره یعنی نصف صاع گندم یا قیمت آن داده شود.

شکل ازمعافی کفاره را بیان دارید: سوال: ۱۹۹ شخصی دو روز روزه رمضان را ضایع نمود وبه حکم مولوی صاحب محمد حسن به گرفتن روزه شروع نمود وتا اکنون سی روز روزه گرفته است شخص مذکور مشغول کار دشوار جسمانی می باشد اگر صورت سهولتی موجود باشد لطفاً آنرا تحریر فرمائید.

جواب: چون کفاره به سبب فاسد گردن بدون عذر روزهِ رمضان واجب گشت هیچ صورتی برای اسقاط وسهولت درآن وجود ندارد باید ضرور کفاره را اداء نماید.

شخصی در چند روز روزه کارهای کرده که موجب کفاره بوده است آیا برای همه انها یک کفاره کافی است یانه: سوال: ۲۰۰ زید چند روز روزه را توسط افعال موجب کفاره فاسد بهرده است آیا برای همه آنها یک کفاره کافی می باشد یانه؟

جواب: یک کفاره کافی می باشد (۲).

اگر درمیان کفاره روزه عید اضحی بیاید چه حکم دارد: سوال: ۲۰۱ اگر شخصی کفاره روزه رمضان را اداء می کند ودر میان عید الاضحی واقع شود؟ چون در روز عید روزه گرفتن حرام می باشد در مورد او شرعاً چه حکمی وجود دارد مجدداً از سر روزه بگیرد یا ترتیب دیگری کند؟

جواب: مجدداً دوماه متواترروزه بگیرد الدرالمختار آمده: (صام شهرین متتابعین لیس فیها رمضان

---

(۱) مصرف الزکوٰة ایضا والعشر (درمختار) وهومصرف ایضا لصدقة الفطر والکفارة والنذر وغیر ذالک من الصدقات الواجبة (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۷۹ ، ط. س. ج۲ ص ۳۳۹). ظفیر

(۲) ولوتکرر فطره ولم یکفر للاول یکفیه واحدة ولوفی رمضانین عند محمد ﷫ وعلیه الاعتماد دبزازیه مجتبی وغیرهما واختار بعضهم للفتوی ان الفطر بغیر الجماع تداخل والالا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصوم ج۲ ص ۱۵۱ ، ط. س. ج۲ ص ۴۱۳). ظفیر

وایام نهی عن صومها وکذا کل صوم شرط فیه التتابع قوله وکذا کل صوم ککفارة قتل وافطار) ([1]). فقط

اگر درکفاره به جای روزه فدیه دهد چه حکم دارد: سوال: ۲۰۲ بر ذمه زید یک روزه ماه رمضان می باشد واو نمی تواند وماه متواتر روزه بگیرد پس اگر او در دارالعلوم به یک طالب تا دو ماه فیس غذای درجه پائین را بدهد کفاره اداء می گردد یانه یا اگر به فقیری روزانه تا دوماه سه پاو آرد بدهد وبرای ترکاری مقداری پول برای او تأدیه کند کفاره اداء می شود یانه؟

جواب: به دلیل تکلیف درست نیست که روزه ترک گردد وبه مسکین طعام داده شود زیرا قید (لم یستطیع ([2])) وجود دارد که حاصل آن این است که کسیکه توان روزه گرفتن را به علت مرض نا قابل علاج یا به خاطر شیخ فانی بدون نداشته باشد برای او طعام درست است: (فان عجز عن الصوم لمرض لایرجی بره او کبر یطعم ستین مسکیناً) ([3]) پس کسیکه به علت پیری با به علت مرض نا قابل علاج از روزه گرفتن دوماه متواتر عاجز شود طعام دادن شصت مسکین ضروری می باشد که دو شکل دارد یا به هر مسکین نیم صاع گندم یا قیمت آنرا بپردازد یا اینکه به شصت مسکین دو وقت نان شکم سیر بدهد پس با دادن سه پاو آرد روزانه به فقیره کفاره اداء نمی گردد بلکه باید نیم صاع یعنی ۱۷۵۰ گرام گندم یا قیمت آنرا بدهد همچنان با فرستادن پول به شکل مجمل به یک طالب العلم کفاره اداء نمی گردد بلکه باید بنوسید که شصت مسکین را دو وقت یا یک نفر را دو وقت تا دو ماه به نیت کفاره طعام شکم سیر بدهید وهر قدر که بر آن صرف گردد از من بگیرید ([4]).

---

(۱) ردالمحتار باب الکفارة ج۲ ص ۷۹۹ – ۸۰۰ ، ج۲ ص ۴۷۶. ظفیر

(۲) ککفارة المظاهر (درمختار) فیعتق اولا فان لم یجد صام شهرین متابعین فان لم یستطع اطعم ستین لحدیث الاعرابی المعروف فی الکتب السنه (ردالمحتارباب مایفسدالصوم مطلب فی الکفارة ج۲ ص ۱۵۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۱۲). ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الکفارات ج۲ ص ۸۰۱ ، ط. س. ج۲ ص ۴۷۶. ظفیر

(۴) ولوحکماً الخ کالفطرة قدر اومصرفا الخ وان اراد الاباحة فغداهم وعشاهم الخ واشبعهم الخ کماجاز لواطعم واحدا ستین یوما الخ (درمختار) قوله کالفطرة قدراً ای نصف صاع من بر اوصاع من تمر اوشعیر الخ (رد المحتار باب الکفارات ج۲ ص ۸۰۲ ، ط. س ج۲ ص ۴۷۶). ظفیر

اگر درمیان روزه های کفاره عید اضحی بیداید چه حکم دارد: سوال: ۲۰۳ جواب شما باعث سر افرازی ما گردید امروز چهل وسومین روز روزه من می باشد وعید اضحی نزدیک شده است آیا متواتر روزه بگیرم یا روزهای عید را روزه نگیرم؟ د یگر اینکه دو روز روزه من فاسد شده بود کفاره هر دو روز شصت روز می باشد یا کفاره هر دو روز شصت روز که مجموعاً ۱۲۰ روز گردد؟

جواب: در روز عید قربان وسه روز بعد از آن یعنی تا تاریخ ۱۳ ذی الحجة روزه گرفته نشود وبه علت این فاصله روز هایی که قبلاً گرفته شده حساب می گردد پس سر از تاریخ ۱٤ ذی الحجة روزه گرفتن را مجددا شروع کنید وشصت روز متواتر کفاره یک روز را بگیربد اصولاً شما باید روزه گرفتن را وقتی شروع می نمودید که در میان آن عید نمی امد زیرا روز هایی که قبل از عید گرفته اید درکفاره حساب نمی گردد زیرا در کفاره روزه گرفتن شصت روز متواتر شرط است امام میتوانید که کفاره یک روز را شصت روز متواتر گرفته وپس از توقف گرفتن کفاره روزه دیگر را شروع نمائیدو باز شصت روز را متواتر روزه بگیرید (۱) ویا اینکه یکبار ۱۲۰ روز پیهم روزه بگیرید نیز درست است خلاصه درمیان شصت روز هیچ روزه ای افطار یا قضا نگردد (۲).

اگر توان کفاره صوم را نداشته باشد چه کند: سوال: ۲۰٤ اگر شخصی نتواند در کفاره روزه دوماه متواتر روزه بگیرد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: اگر در کفاره روزه شخصی توان دوماه روزه گرفتن متواتر را نداشته باشد شصت مسکین را دو وقت طعام بدهد ویا اینکه به هر یک مسکین از آن شصت مسکین به مقدار صدقه فطر گندم ویا قیمت آنرا بپردازد نیزجائز می باشد همچنان جائز است که به یک مسکین شصت

---

(۱) ولونكرر فطره ولم يكفر للاول يكفيه واحدة ولوفي رمضانين عندمحمد رحمه الله وعليه الاعتماد (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۱٥۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۳) ددی عبارت شحه معلومه سوه چی ددواړو دپاره يو كفاره ده. والله اعلم. ظفير

(۲) صام شهرين الخ متتابعين قبل المسيس ليس فيهما رمضان وايام نهى عن صومها وكذا كل صوم شرط فيه التتابع فان افطر بعذر كسفر ونفاس بخلاف الحيض الخ استانف الصوم الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الكفارة ج۲ ص ۷۹۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤۷٦).
ظفير الدين غفر الله تعالى له

روز دو وقت غذای شکم سیر بدهد (۱).

کسیکه کفاره بر او واجب گشته وتوان روزه گرفتن را ندارد آیا می تواند فدیه دهد:

سوال: ۲۰۵ برذمه شخصی کفاره روزه چند رمضان باقی می باشد که به اساس فریب شیطان بر او واجب گشته ونمی تواند برای هر روز آن به دلیل ضعف جسم روزه بگیرد البته حاضر است فدیه کفاره را به مساکین بدهد. وآن هم به طالبان مدرسه دارالعلوم دیوبند پس برای هر کفاره چند روپیه ارسال دارد؟

جواب: کفاره یک روزه دادن طعام دو وقت به شصت مسکین می باشد یا اینکه به هر مسکین نیم صاع گندم یا قیمت آنرا بدهد البته باید دانست که این کفاره ان روزه رمضان می باشد که گرفته وشکستانده شده باشد واگر رمضان شریف را اصلاً روزه نگرفته قضای سی روز سی روز بوده ودادن فدیه درست نیست (۲) حکم فدیه وقتی می باشد که شخص شیخ فانی بوده ویا مریضی باشد که امید برای بهبودش وجود نداشته باشد وبتواند فدیه را اداء کند بر ذمه کسیکه روزه باشد ودر زندگی آنرا اداء نکند اگر در مرض الموت وصیت کند که از مال من فدیه روزه ها را بدهید فدیه از مال او اداء می گردد ودر زندگی غیر از شیخ فانی وغیر مریض بدون علاج برای دیگری دادن فدیه درست نیست. (۳)

---

(۱) كفارة الفطر وكفارة الظهار واحدة وهي عتق رقبة مومنة او كافرة فان لم يقدر على العتق فعليه صيام شهرين متتابعين وان لم يستطع فعليه اطعام ستين مسكينا، لكل مسكين صاعا من تمر او شعير او نصف صاع من حنطة الخ، (عالمگیری مصری ج۱ ص ۲۰۱، ط. س. ج۲ ص ۲۱۵). ظفیر

(۲) وان جامع المكلف ادمى مشتهى في رمضان اداء او جومع وتوارت الحشفة في احد السبيلين انزل او لا او اكل او شرب غذاء الخ او دواء الخ عمداً الخ قضى في الصـ كلها وكفر الخ ككفارة المظاهر (درمختار) قوله وان جامع الخ شروع في القسم الثالث وهو ما يوجب القضاء والكفارة ووحـ بها مقيد بما ـ ى من كونه عمداً لا مكرها ولم يطرأ مبيح للفطر كحيض ومرض بغير صنعه، وبما إذا نوى ليلا. قوله: ككفارة المظاهر أي ـ بها في الترتيب ـعتق أولا، فإن لم يجد صام شهرين متتابعين، فإن لم يستطع أطعم ستين مسكينا (ردالمحتار باب مايفسد الصوم ج۲ ص ۷: وص ۱۵۰، ط. س. ج۲ ص ۴۰۹ و۴۱۳) اطعم ستين مسكين الخ كالفطرة قدرا ومصرفا اوقيمة ذالک من غير المنصوص (درمختار) ـ فطرة قدرا اى نصف صاع من بر اوصاع من تمر اوشعير الخ (ردالمحتار باب الكفارة ج۲ ص ۸۰۱ وص ۸۰۳، ط. س. ج۲ ص ۴۷۶)، ـ شصت مسکین به حساب هر مسکین ۱۷۵۰ گرام گندم بدهد که قیمت آن دربازار هر روز متفاوت می باشد.

(۳) ـ ماتوا ـه أي في ذلک العذر فلا تجب عليهم الوصية بالفدية لعدم إدراكهم عدة من أيام أخر ولو ماتوا بعد زوال العذر وجبت الوصية ـ ـ) لزومـ ـه أي عن الميت وليه الخ (الدر المحتار على هامش ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة ج۲ ص ۱۶۰، ط. س. ج۲ ص ۲۴:)، ظفير

فصل هشتم

اموری که به اساس آنها شکستن روزه درست است ومواردی که درآن فدیه واجب می گردد

مراعات درمورد شیخ فانی وپیر ضعیف: سوال: ۲۰۶ دادن فدیه برای شیخ فانی وپیر ضعیفی که از زندگی مایوس باشد در برابر روزه رمضان درست است یانه؟

جواب: شخصی که ضعیف وشیخ فانی نباشد دادن فدیه برای او درست نیست واگر فدیه بدهد بر هم قضای روزه ها بر ذمه او لازم می باشد وکسیکه شیخ فانی است فدیه هر روز روزه را نیم صاع گندم یا قیمت آنرا بدهد (۱).

مدت شیر دادن زن شیرده تکمیل نگردیده بود که دوباره حامله گردید درمورد اوچه حکمی است: سوال: ۲۰۷ زن حامله از خوف رسیدن نقص به حمل خود از روزه گرفتن محروم ماند وپس از وضع حمل به دلیل شیر دادن معذور بود وهنوز مدت شیر دادنش تکمیل نگردیده بود که مجدداً حامله گردید واین وضعیت به شکل متواتر دوام نمود اکنون که تواتر حمل او باقی نماند روزه سال های گذشته را قضایی بگیرد یا کفاره بدهد؟

جواب: اگر در حالت حمل توان روزه گرفتن را نداشته یا خطر ضرر رسیدن به طفل بوده هر وقتیکه تواتر حمل او قطع گردید روزه قضایی بگیرد (۲).

شخصی به علت مرض دمه روزه نگرفت واکنون نیز مریض است چه کند: سوال: ۲۰۸ زید در رمضان المبارک بدلیل سرفه ومرض دمه نتوانست پیش از یک روز روزه را بگیرد واکنون نیزمریض است اگر زیدبه شصت مسکین طعام بدهد آیاتلافی روزه های رمضان المبارک می گردد یانه؟

جواب: برذمه مریض بدلیل مرض مذکور قضای روزه ها لازم بوده ودادن فدیه کافی نمی باشد

---

(۱) وللشیخ الفانی العاجز عن الصوم الفطر ویفدی وجوبا الخ کالفطرة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۶۳ - ۱۶۴ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۷). ظفیر

(۲) لمسافر سفرا شرعیا اوحامل اومرضع اما کانت اوظئرا علی الظاهر خافت بغلبة الظن علی نفسها او ولدها الخ وقضوا لزوما ما قدروا بلا فدیة (درمختار) ای من تقدم حتی الحامل والمرضع وغلب الذکوروانی بضمیرهم (ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۱ و۴۲۲). ظفیر

یعنی با دادن فدیه قضا از ذمه او ساقط نمی گردد بلکه هنگامی که از مرض مذکور شفا یابد قضا روزه های مذکور ر بگیرد فدیه روزه غذا دادن دو وقت به یک مسکین یا دادن غله به مقدار صدقه فطر می باشد اما این فدیه در حق شیخ فانی درست بوده وبر مریضان قضای روزه لازم است طوریکه در الدر المختار آمده: (وقضوا لزوماً ما قدروا بلا فدية) (١).

به علت شدت مرض نتوانست روزه بگیرد ودر همان حالت فوت نمود چه حکمی وجود دارد: **سوال**: ٢٠٩: زید به علت شدت مرض نتوانست روزه رمضان را بگیـ ـ ودر همین حالت مرض وفات نمود ودر حالت مرض وصیت نمود که فدیه این رمضان را بدهید پس در اینصورت باید فدیه داده شود یانه؟

جواب: دادن فدیه ان روزه ها طوریکه در الدر المختار امده واجب نیست. (٢)

بدلیل چه معاذیری می توان روزه راشکست: **سوال**: ٢١٠ انسان به اساس چه معاذیری می تواند روزه را بشکند وکفاره بر او لازم نگردد؟

جواب: می توان روزه را به علت مرض سفر خوف بیشتر شدن مرض وغیره معاذیر شکست ودر تمام اینصورت ها کفاره لازم نمی گردد وشکستن روزه رمضان در صورتیکه گرفته شده باشد بدون عذر موجب کفاره می باشد ودر کفاره شرط همان است که در این عبارت آمده: (انما یکفر) (٣).

اگر مسافر دربدل روزه فدیه دهد وقضائی نگیرد چه حکم دارد: **سوال**: ٢١١ مسافری در سفر چند روز را روزه نگرفت ودر عوض فدیه داد اگر قضائی روزه های مذکور را نگیرد بر او گناهی نخواهد بود؟

---

(١) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب فی العوارض المبيحة لعدم الصوم ج ص ١٦٠ ، ط. س. ج٢ ص ٤٢٣. ظفير

(٢) فان ماتوا فيه ای فی ذالک العذر فلاتجب عليهم الوصية الفدية لعدم ادراکهم عدة من أيام أخر (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبيحة لعدم الصوم ج٢ ص ١٦٠ ، ط. س. ج٢ ص ٤٢٣ و٤٢٧). ظفير

(٣) ومنها السفر الذي يبيح الفطر الخ ومنها المريض بالمرض الذي اذا خاف على نفسه التلف او ذهاب عضو يفطر بالاجماع وان خاف زيادة العلة وامتداده فكذلک عندنا الخ ومنها حبل المراة وارضاعها الخ ومنها الحيض والنفاس الخ ومنها العطش والجوع كذلک اذا خيف منها الهلاک او نقصان العقل الخ ومنها كبر السن فالشيخ الفانی الذي لا يقدر على الصيام يفطر ويطعم لكل يوم مسكينا (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب خامس ج١ ص ١٩٣ - ١٩٤ ، ماجدية ج١ ص ٢٠٦ و٢٠٧). ظفير

جواب: گرفتن قضائی آن روزه ها ضرور بوده وفدیه کافی نمی باشد طوریکه در این آیت قرآن مجید ثابت می باشد: (فمن کان منکم مریضاً او علی سفر فعدة من ایام اخر) ([۱]).

بدلیل درد زایمان افطار نمود چه حکمی وجود دارد: سوال: ۲۱۲ در حالت روزه رمضان به زن حامله درد زایمان روی داد تشنگی بر او غالب گشت وروزه را افطار نمود ونزدیک عصر وضع حمل کرد در اینصورت بر زن مذکور کفاره واجب است یا تنها قضاء؟

جواب: در اینصورت صرف قضای روزه مذکور لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد ثم انما یکفر ان نوی لیلاً ولم یکن مکرهاً ولم یطرا مسقط کمرض وحیض) ([۲]) وظاهر است که نفاس مانند حیض مسقط روزه می باشد.

زن شیرده روزه بگیرد یانه: سوال: ۲۱۳ زن شیرده که ضعیف باشد روزه بگیرد یانه؟

جواب اگر این خطر وجود داشته باشد که به علت روزه گرفتن خود زن یا طفلش خواهد شد در اینصورت رمضان را روزه نگیرد وپس از رفع عذر روزه قضایی بگیرد طوریکه در الدرالمختار آمده: (او حامل ومرضع خافت بغلبة الظن علی نفسها او ولدها الفطر) ([۳]).

روزه اش قضا گردید وصحت نیافت چه حکمی وجود دارد: سوال: ۲۱٤ شخصی وفات نمود ونماز هفت روز وروزه دو ماه به علت مرض از وی قضا گردیده زیرا به علت صحت نداشتن طبیب معالج او را از روزه گرفتن منع کرده بود اگر وارث او از طرف اوکفاره را اداء کند جائز است یانه؟

جواب: اگر روزه او در همین مرضی که درآن وفات نمود قضا گردیده ودر میان صحت نیافته باشد قضای روزه های مذکور لازم نبوده لذا ادای فدیه آنها نیز لازم نمی باشد ([٤]) البته فدیه نمازها را باید ورثه اش اداء کنند هرچند متوفی وصیت نکرده باشد ان شاء الله کفاره نماز ها اداء خواهد شد تعداد نماز های هفت شبانه روز به شمول وتر ٤۲ می شود وفدیه هر نماز مانند صدقه

---

(۱) سورة البقرة رکوع ۲۳. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۱ ص ۱۵۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۳ ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۲ ظفیر

(٤) فان ماتوا فیه ای فی ذلک العذر فلاتجب علیهم الوصیة بالفدیة لعدم ادراکهم عدة من ایام أخر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة الصوم ج۲ ص ۱٦۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۳ و٤۲٤). ظفیر

فطر نیم صاع گندم یا قیمت آن می باشد (۱) وفدیه روزه ها اگر چه واجب است اما اگر بدهد حرجی نمی باشد وبه متوفی ثواب خواهد رسید وفدیه یک روزه مانند فدیه یک نماز است.

کسیکه به مرض شدید مبتلا بوده وامیدی به صحتمندی او وجود ندارد چه کند:

سوال: ۲۱۵ شخصی از چند سال بدینسو شدیداً مریض است وبه اساس آن نتوانسته سه سال متواتر روزه بگیرد وامسال نیز توان روزه گرفتن را نداشته ودر آینده نیز امیدی به صحت یابی او نیست ووضعش روز به روز بدتر شده می رود اکنون او می خواهد در زندگی خود فدیه روزه سال های گذشته را اداء کند لطفاً بفرمائید که فدیه روزه باید چقدر باشد وکیفیت اداء نمودن آن چطور است اگر فدیه سه سال را اینطور اداء کند که غذا پخته وبه نود نفر مسکین بدهد درست است یانه وآیا می تواند به یک مسکین فدیه دو روز یا بیشتر از آنرا بدهد یانه؟

جواب: در بدل هر روزه نیم صاع گندم یا قیمت آنرا به مسکین بدهد واگر غذا می دهد دو وقت غذا مطابق توانایی خویش بدهد وغذا باید شکم سیر باشد اگر در بدل روزه سه سال نود مسکین را در یک روز دو وقت غذای شکم سیر بدهد فدیه اداء می گردد ودر یک روز به یک مسکین بیشتر از فدیه یک روزه داده نشود (۲).

آیا به اساس تکلیفی که غرض کسب معاش کشیده می شود می توان روزه نگرفت:

سوال: ۲۱۶ آیا می توان روزهٔ رمضان را که فرضیت آن به قرآن حدیث واجماع امت موکد است به اساس عذر کارهای شاقه چون کشت وزراعت وخبازی وغیره کارهای دشواری که در موسم گرما انسان را شدیداً تشنه می سازد ترک کرد اکثر مردم کار نیز می کنند وروزه نیز می گیرند اما بعضی از مردم کابل روزه هم نمی گیرند وپس قضایی نیز نمی دارند ترک روزه بدین

---

(۱) اذا مات الرجل وعليه صلوات فائتة فاوصى بان تعطى كفارة صلواته يعطى لكل صلاة نصف صاع من بر وللوتر نصف صاع .....من ثلث ماله الخ وفي فتاوى الحجة وان لم يوص لورثته وتبرع بعض الورثة يجوز الخ (عالمكيرى مصرى باب قضاء الفوائت ج۱ ص ۱۱۷ . ط. ماجديه ج۱ ص ۱۲۵). ظفير

(۲) فإن عجز عن الصوم لمرض لا يرجى برؤه أو كبر أطعم أي ملک ستين مسكينا ولو حكما، ولا يجزئ غير المراهق كالفطرة قدرا ومصرفا اى نصف صاع من بر او صاعا من تمر او شعير او دقيق أو قيمة ذلک من غير المنصوص وان اراد الاباحة فغداهم وعشاهم او غداهم واعطاهم قيمة العشاء او عكسه الخ واشبعهم الخ كما جاز لو اطعم واحدا ستين يوما لتجدد الحاجة ولو اباحه كل الطعام في يوم واحد دفعة اجزاه عن يوم ذلک فقط الخ (الدرالمختارعلى هامش رد المحتار باب الكفارات ج۲ ص۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ . ط. س ج۲ ص٤٧٦).
ظفير الدين غفر له

عذرها چه حکم دارد؟

جواب: بدین عذرها قضا کردن روزه رمضان المبارک درست نبوده بلکه لازم است که در رمضان المبارک این کار های شاقه را انجام ندهد که مجبور به قضاء کردن روزه گردد در الدر المختار آمده: (لایجوز ان یعمل عملاً یصل به الی الضعف فیجز نصف النهار یستریح الباقی فان قال لا یکفینی کذب باقصر ایام الشتاء فان اجهد الحر نفسه بالعمل حتی مرض فافطر ففی کفارته قولان) (۱). فقط

پیر هشتاد ساله که توان روزه گرفتن را ندارد چه کند: سوال: ۲۱۷ عمر شخصی بیش از هشتاد سال بود وپابند نماز وروزه می باشد اما اکنون توان روزه گرفتن را ندارد آیا او می تواند رمضان را روزه نگرفته وفدیه دهد ومقدار فدیه چقدر است واگر شیخ فانی روزه نگیرد وقدرت دادن فدیه را نداشته باشد چه کند؟

جواب: چون شخص مذکور از روزه گرفتن عاجز است می تواند فدیه روزه ها را بدهد وفدیه روزه یک روزه برابر یک صدقه فطر است واگر کسی توان فدیه دادن را داشته نباشد این فرض الهی بر برذمه او باقی می ماند وهر وقتیکه توانایی بیابد فدیه را اداء نماید ویا هنگام وفات وصیت نماید یعنی اگر در زندگی فدیه را اداء نتواند هنگام وفات وصیت کند که فدیه روزه ها را از ترکه من اداء کنید (۲).

کسیکه تندرست بوده وتوان روزه گرفتن را ندارد چه کند: سوال: ۲۱۸ شخصی ظاهراً

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصوم وما لایفسد ٥ ج۲ ص ۱۵۷. والذي ینبغي في مسألة المحترف حیث کان الظاهر أن ما مر من تفقهات المشایخ لا من منقول المذهب أن یقال: إذا کان عنده ما یکفیه وعیاله لا یحل له الفطر، لانه یحرم علیه السؤال من الناس فالفطر أولی. وإلا فله العمل بقدر ما یکفیه. ولو أداه إلی الفطر یحل له إذا لم یمکنه العمل في غیر ذلک مما لا یؤدیه إلی الفطر (ردالمحتار باب ایضا) قوله قولان قال الشرنبلالی صورة صائم انعب نفسه فی عمل حتی اجهد العطش فافطر لزمة الکفارة وقیل لا وبه افتی البقالی وظاهره وهو الذی فی الشرنبلالیة عن المنتقی ترجیح وجوب الکفارة (ردالمحتار باب ایضا ج۲ ص ۱۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۰). ظفیر الدین غفر الله له

(۲) وللشیخ الفانی العاجز عن الصوم الفطر ویفدی وجوباً ولوفی اول الشهر وبلا تعدد فقیر کالفطرة ولو موسرا والا فیستغفر الله هذا اذاکان الصوم اصلا بنفسه الخ ومتی قدر قضی (درمختار) وقوله ویفدی وجوبا، لان عذره لیس بعرضي للزوال حتی یصیر إلی القضاء فوجبت الفدیة. نهر. ثم عبارة الکنز: وهو یفدي. إشارة إلی أنه لیس علی غیره الفداء، لان نحو المرض والسفر في عرضة الزوال فیجب القضاء، وعند العجز بالموت تجب الوصیة بالفدیة (ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۶۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۷). ظفیر

جوان وتندرست به نظر می آید وظاهراً هیچ نوع مرضی ندارد اما نهایت ضعیف بوده ونمی تواند روزه رمضان المبارک را بگیرد وبا گرفتن روزه نهایت ضعیف می شود اگر او روزه را ترک نماید گناهگار می شود یانه؟

جواب: مسأله آن است که روزه نگرفتن ودادن فدیه برای شیخ فانی درست می باشد ومعنای شیخ فانی آن است که قوتش از میان رفته باشد وتوان روزه گرفتن را نداشته باشد پس اگر شخص مذکور خلقتاً چنان ضعیف وناتوان باشد که نتواند روزه بگیرد برایش درست است که روزه نگیرد وفدیه دهد در الدرالمختار آمده: (وللشیخ الفانی العاجز عن الصوم الفطر ویفدی وجوباً) ودر شامی آمده: (و للشیخ الفانی الذی فنیت قوته او شرف علی الفنا) ([1]).

<u>پیری که ضعیف است اما می تواند روزه بگیرد برای او چه حکم وجود دارد</u>: سوال:

۲۱۹؟ زید پیر بزرگسالی است که هوش حواس وقوای جسمانی اش درست می باشد او ۲٦ روز رمضان المبارک را روزه گرفته وروز بیست وهفتم را نیت کرده ودوسه ساعت از روز نیز گذشته بود که تصادفاً بکر آمد زید از ضعف خود به بکر شکایت نمود اما هیچ نوع دشواری جدی نداشت بکر بر این مسأله پافشاری نمود که برای تو روزه گرفتن جائز نیست وبه اساس فته بکر زید روزه خود را خورد آیا بر زید کفاره واجب است؟

جواب: ازاین سوال معلوم می گردد که زید شیخ فانی نیست که نگرفتن روزه ودادن فدیه برایش جائز باشد لذا شخصی که اورابه روزه نگرفتن امرکرده خطا وغلطی بزرگی نموده واین قول دلیل جهل او می باشد زیرا اگر شیخ فانی نیز روزه بگیرد نا جائز نمی باشد هر چند افطار برای او جائز است اما زید شیخ فانی نبوده لذا افطار برایش درست نیست در الدرالمختار آمده: (وللیشخ الفانی العاجز عن الصوم الفطر ویفدی ودر شامی آمده: (قوله وللشیخ الفانی الذی فنیت قوته او

---

(۱) ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱٦۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۲، خوکه داسی نه وی بلکی په عارضی توگه دمرض په وجه داسی وی نودافطار اجازه ده اوقضاء دجوریدو څخه وروسته واجب ده. اومریض خاف الزیادة لمرضه اوصحیح خاف المرض الخ الفطر یوم العذر الخ وقضوا لزوماً ما قدروا بلا فدیة وبلا ولاء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة) بلکه دشیخ فانی لپاره هم همدا حکم دی چی کله دروژو نیولو طاقت یی پیداکی بیابه قضاء راوړی. دشیخ فانی حکم وروسته مذکوردی ومتی قدر قضی لان استمرار العجز شرط الخلیفة (ردالمحتار) قوله متی قدر ای الفانی الذی افطر وفدی (رد المحتار فصل العوارض المبیحة ج۲ ص ۱٦٤).
ظهیر الدین غفر الله له

شارف علی الفناء ولذا عرفوه بانه الذی کل یوم فی نقص الی آن یموت) ([1]) لذا معلوم گردید که تعریف شیخ فانی بر زید صدق نمی کند پس در اینصورت بر زید کفاره واجب بوده وبکر که او را به افطار امر نموده گناهگار است پس باید توبه نماید ودر آینده بدون علم به کسی چنین حکمی ندهد.

روزه درحالت جانکندن: سوال: ۲۲۰ اگر روزه داری در حال جانکندن باشد روزه بر او خورانده شده وشربت برایش داده شودیانه؟

جواب: در این حالت باید روزه صر او خورانده شده وشربت وغیره برایش داده شود.

تعریف شیخ فانی: سوال: ۳۲۱ الف: یک شخص در چه عمری شیخ فانی می شود؟

کسیکه بدلیل ضعف نمی تواند روزه بگیرد چه کند: سوال: ۲۳۲ ب: شخصی به دلیل ضعف چند سال را به مشکل روز گرفت اما در چند سال گذشته به علت ضعف زیاد نتوانسه روزه بگیرد آیا می تواند فدیه دهد یانه؟ اگر باید روزه بگیرد آیامی تواند به تدریج بگیرد یا باید متواتر باشد؟

جواب: الف: شیخ فانی کسی است که آنقدر ضعیف باشدکه نیرو نداشته وقریب الموت گردیده اب شد دراین مورد تحدید عمر جود نداشته ومدار آن قوت وعدم قوت است. ([2])

ب: تا وقتی که می تواند روزه بگیرد هر چند به تکلیف باشد باید روزه بگیرد در قضایی روزه گرفتن تواتر ضرور نیست می تواند متفرق بگیرد دادن فدیه تاوقتی کافی نیست که بالکل نوت نداشته ونتواند روزه بگیرد ([3]).

فدیه روزه رمضان المبارک: سوال: ۲۲۳ فدیه روزه درمضان یک اشخص چقدر است واگر فدیه به کسانیکه میزان یا فارسی می خوانند داده شود ثواب دارد یانه؟

جواب : فدیه رمضان یک شخص پنجاه ودونیم کیلو گندم می شود زیرا فدیه یک روز روزه

---

(۱) ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۶۳ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۲. ظفیر

(۲) وللشیخ الفانی العاجز عن الصوم الفطر ویفدی وجوبا الخ (درمختار) قوله العاجز عن الصوم ای عجزا مستمرا کما یاتی اما لولم یقدر علیه لشدة الحر کان له ان یفطر ویقضیه فی الشتاء فتح (ردالمحتار ج۲ ص ۱۶۳ کتاب الصوم). ظفیر

(۳) (ردالمحتار ج۲ ص ۱۶۳ کتاب الصوم). ظفیر

۱۷۵۰ گرام گندم می باشد ودر دادن آن به کسانیکه میزان وفارسی می خوانند ثواب است اما اگر به کسانیکه حدیث می خوانند داده شود ثواب بیشتر دارد ([1]).

شخصی در حال روزه از شدت تشنگی وفات نمود اما روزه را افطار نکرد نماز جنازه اش خواند شود یانه: **سوال**: ۲۲۴ شخصی در حالت روزه از شدت تشنگی واگرسنگی وفات نمود برای او گفته شد که در چنین حالتی شرع اجازه خوردن روزه را داده است اما او قبول نکرد ووفات نمود جواز وعدم جواز جنازه او را به حواله کتب فقه تحریر فرمائید

جواب: در اینصورت اگر شخصی مذکور دوحال روزه وفات کرده باشد ماجور است یعنی اجر وثواب برده وعاصی نمی باشد پس درجواز نماز جنازه او هیچ نوع شکی نمی تواند وجود داشته باشد ([2]).

روزه گرفتن در سفر چطور است: **سوال**: ۲۲۵ طور یکه در نماز قصر وجود دارد در روزه نیز است یانه یعنی اگر شخصی در سفر نماز پوره بخواند گنهگار می گردد زیرا کفران نعمت است بدین ترتیب اگر کسی در سفر روزه بگیرد گنهگار می شود یانه واین کار او کفران نعمت می باشد یانه واگر کسی در سفر روزه بگیرد ثواب می برد یانه؟

جواب: در مورد روزه این حکم وجود دارد که روزه ها یی که در سفر خورده می شود بعداً قضا یی آن گرفته شود (فمن کان منکم مریضاً او علی سفر فعدة من ایام اخر) ([3]) ودر مورد نماز در حدیث شریف چنان حکم شده که این تخفیف را قبول کنید لذا امام ابو حنیفه (رح) امر مذکور را بر وجوب حمل می کند یعنی قصر در نماز را هنگام سفر ضروری می داند ودر مورد روزه از نص اختیار ثابت می باشد که اگر بخواهید بگیرید واگر بخواهید قضا کنید اگر سفر سهل بوده در گرفتن روزه دشواری نباشد بهتر است که گرفته شود طور یکه خداوند متعال فرموده است:

---

(۱) وفی سبیل اله وهومنقطع الغزاة وقیل الحاج وقیل طلبة العلم وفسره فی البدائع بجمیع القرب الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۳ . ظ. س. ج۲ ص ۳۴۳). ظفیر

(۲) ردالمحتار فصل فی العوارض ج۲ ص ۱۵۸ . ظ. س. ج۲ ص ۴۲۱ کی دی: ویوجر لوصبر ومثله سائر حقوق الله تعالی کافساد صوم وصلوة الخ. فقط. ظفیر

(۳) سورة البقرة : رکوع ۲۲. ظفیر

(وان تصوموا خیر لکم) (۱) در الدرالمختار آمده. (ویندب لمسافر الصوم لایة وان تصوموا خیراً لکم والخیر بمعنی البر ان لم یضره فان شق علیه او علی رفیقه فالفطر افضل لموافقة الجماعة) (۲) پس معلوم گردید که خداوند تعالی خود فضلیت روزه گرفتن در سفر را که مشقت نباشد بیان فرموده وپیامبر ﷺ فرموده که در قصر نکردن نماز کفران نعمت می باشد.

اگر سفر یک روزه باشد خوردن روزه درست است یانه: سوال: ۲۲۶ آیا می توان در سفر یک روزه نیز روزه را قضا نموده یافقط می توان در سفرا سه روزه روزه را قضاء کرد ودر کمتر از آن نه؟

جواب: باید سفر سه روزه بوده ودرکمتر از آن برای مسافر خوردن روزه وقضا کردن آن درست نمی باشد طوریکه در نماز کمتر ازسه روز درست نیست در الدر المختار آمده: (لمسافر سفراً شرعیاً ولوبمعصیة) (۳).

کسیکه به علت روزه بمیرد وافطار نکند چه حکمی وجود دارد: سوال: ۲۲ وضع شخصی در روزه رمضان المبارک خراب شد اما افطار نکرد ودر همان حالت وفات نمود در این حالت برای او چه حکمی وجود دارد؟

جواب: در شامی آمده که اگر وضع شخص روزه دار خراب گردد وروزه را نخورد ماجور است (ویوجر لو صبر ومثلہ سائر حقوقه تعالی کافساد صوم) (٤).

شخص پیر دایم المرض در رمضان چه کند: سوال: ۲۳۸ شخص پنجاه یا پنجاه وپنج ساله که دائم المرض بوده وتوان روزه گرفتن را نداشته باشد شرعیاً در مورد او چه حکمی وجود دارد؟

جواب: برای چنین شخصی حکم آن است که اگر در رمضان نمی تواند روزه بگیرد روزه نگیرد وقت دیگری چون صحت یافت قضائی آنرا بگیرد نداشتن همت روزه گرفتن افطار را جایز نمی

(۱) سورة البقرة : رکوع ۲۲. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة کتاب الصوم ج۲ ص ۱٦۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۳. ظفیر

(۳) ردالمحتار کتاب الصوم فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۱. ظفیر

(٤) ردالمحتار کتاب الصوم فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۱. ظفیر

سازد البته اگر درحقیقت توان روزه گرفتن را نداشته وبه هیچ وجهی نتواند روزه بگیرد ویا خوف ازدیاد مرض باشد در آنصورت خوردن روزه جائز بوده وباید بعداً قضا آنرا بگیرد (۱) وحکم فدیه برای شیخ فانی می باشد که شخص مذکور در آن داخل نمی گردد (۲).

پیری که به مرض شکر گرفتار است در رمضان چه کند: سوال: ۲۲۹: عمر زید ۵۸ سال بوده واز چندین سال بدینسو به مرض شکر مبتلا بوده وبدین اساس روز به روز ضعیف شده می رود وبه علت غلیان تشنگی که خاصه این مرض است روزه گرفتن برایش دشوار می باشد خصوصاً در موسم گرما.

جواب: برای چنین مریضی خوردن روزه رمضان درست است اما تا وقتی که توقع صحت باشد فدیه دادن کافی نیست بلکه پس از صحت یابی قضا لازم می باشد واگر سپس امید صحت باقی نماند ومریضی از میان نرود فدیه بدهد وفدیه هر روز برابر یک صدقه فطر می باشد در الدرالمختار آمده: (او مریض خاف الزیادة لمرضه الفطر وقضوا لزوماً ما قدروا بلا فدیة وللشیخ الفانی العاجز عن الصوم الفطر ویفدی وجوباً) (۳) ودرشامی به روایت از قهستانی آمده: (المریض اذا تحقق الیاس من الصحة فعلیه الفدیة لکل یوم) (۴).

کسیکه به مرض نفس تنگی مبتلا است در رمضان چه کند: سوال: ۲۳۰ زید به مرض نفس تنگی شدید مبتلا می باشد وبا کشیدن یک نوع دود مانند تنباکو بلغم از سینه اش خارج گردیده وآرام می شود وعمل مذکور را مجبوراً روزانه چند مرتبه انجام می دهد واگر اینکار را نکند وضعش حراب می شود دوای دیگری برایش مفید نیست خلاصه آنکه نمی تواند روزه بگیرد زیرا روزانه چند باراین دوا راکش می کند او جوان بوده وبا استعمال این دوا صحتمند می

---

(۱) او مریض خاف الزیادة لمرضه او صحیح خاف المرض الخ الفطر یوم العذر الخ قضوا لزوما وما قدروا بلا فدیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم، فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۹ – ۱۶۰ . ط. س. ج۲ ص ۴۲۲). ظفیر

(۲) وللشیخ الفانی العاجز عن الصوم الفطر ویفدی وجوبا (درمختار) للشیخ الفانی ای الذی فنیت قرته اواشرف علی الفناء ولذا عرفوه بانه الذی کل یوم فی نقص الی ان یموت الخ (ردالمحتار ایضا ج۲ ص ۱۶۳ . ط. س. ج۲ ص ۴۲۷). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ ، وج۲ ص ۱۶۳ ط. س. ج۲ ص ۴۲۲). ظفیر

(۴) ردالمحتار کتاب وفصل ایضا ج۲ ص ۱۶۳ . ط. س. ج۲ ص ۴۲۷. ظفیر

باشد آیا دادن فدیه برایش کافی است؟

جواب: دادن فدیه برایش کافی نمی باشد وقتی که حمله مرض نفس تنگی نباشد روزه قضایی بگیرد چنانچه این مسأله در الدرالمختار آمده است. ([1])

درحالت تردد که نماز قصر می گردد در مورد روزه چه باید کرد: **سوال**: ۲۳۱ کسانیکه در حالت تردد نماز را قصر می کنند برای ایشان قضاء کردن روزه رمضان المبارک جائز می باشد یانه؟

جواب: مسافر تاو قتی که نیت اقامت پانزده روز را در جایی نکند ودر حالت تردد باشد باید نماز را قصر کند وروزه را نیز افطار نماید خلاصه در حالتی که نماز قصر می گردد خوردن روزه نیز جائز می باشد ([2]).

درتب شدید اجازه خوردن روزه است یانه: **سوال**: ۲۳۲ اگر شخصی در روزه شدیداً تب داشته وبه اساس شدت تشنگی مضطرب باشد در چنین حالتی خوردن روزه جائز است یانه؟

جواب: اگر خوف هلاکت یا زوال عقل باشد می تواند روزه خود را بشکند همچنان اگر گرفتن روزه به هیچ شکلی برایش ممکن نباشد خوردن روزه برایش جائز است. ([3])

کسیکه شدیداً تشنه باشد می تواند روزه خود را افطار کند یانه: **سوال**: ۲۳۳ اگر تشنگی شدید باشد آیا می توان روزه را شکست؟

جواب: در روزه رمضان شریف اگر تشنگی آنقدر شدید باشد که خوف هلاکت ویا نقصان عقل باشد خوردن روزه جائز است ودراینصورت فتوای مفتی درباره شکستن روزه جائز بوده وشخصی که می گوید بدون کفاره خواندن نماز عقب مفتی جائز نیست بر خطا بوده وقولش غلط است ([4]). فقط

---

(۱) اومریض خاف الزیادة لمرضه اوصحیح خاف الضعف بغلبة الظن بامارة اوتجربة الخ الفطر الخ وقضوا لزوما وماقدروا بلا فدیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۲۹ ، وج۲ ص ۱۶۰ ، ظ. س. ج۲ ص ۴۲۲) . ظفیر

(۲) لمسافر سفراً شرعیا وبمعصیة الخ الفطر الخ وقضوا لزوماً (درمختار) قوله سفرا شرعیا ای مقدراً فی الشرع لقصر الصلوة ونحوه (ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۸ وج۲ ص ۱۶۰ ، ظ. س ج۲ ص ۴۲۱). ظفیر

(۳) لمسافر الخ اومریض خاف الزیادة لمرضه وصحیح خاف المرض الخ الفطر (درمختار) خاف الزیادة او ابطاء البرء اوفساد عضو اووجع العین (ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص۱۵۹، ظ. س. ج۲ ص۴۲۱) ظفیر

آیا مریض می تواند روزه خود را بشکند یانه: سوال: ٤۲۳ من به تب شدید مبتلا می باشد وکسالت وگرانی اعضا تا جایی است که در نماز برخاستن ونشستن برایم ناممکن می گردد دراین حالت خوردن روزه برایم جائز است یانه؟

جواب: به مرضی که شما مبتلا می باشید مطابق هدایت طبیب حاذق عمل کنید اگر طبیب روزه را مضر بداند می توانید روزه خود را بشکنید ودر غیر آن نه (۱).

در مورد شیخ فانی که توان دادن فدیه را نداشته باشد چه حکمی وجود دارد: سوال: ٤۳۵ شخصی که عمرش هفتاد سال می باشد به علت مرض نهایت ضعیف است اکنون از مدت یکسال بدینسو هیچ نوع مرضی ندارد اما به علت ضعف نمی تواند روزه بگیرد وبدلیل فقر ومسکنت توان دادن فدیه را نیز ندارد چنین شخصی چه کند؟

جواب: شیخ فانی که توان روزه گرفتن را نداشته باشد دادن فدیه برایش لازم است وفدیه بر ذمه کا اودین می باشد هر وقتی که بتواند اداء کند ودر غیر آن هنگام مرگ وصیت نماید که ورثه اش آنرا ازترکه اش اداء نمایند (۲).

بر مریضی که درهمان مریضی بمیرد فدیه است یانه: سوال: ۲۳٦ شخصی در رمضان المبارک به علت مریض بودن نتوا نست روزه بگیرد وپس از رمضان نیز تا شش هفت ماه بیمار بود ودر همان مریضی وفات نمود دادن فدیه آن روزه ها بر ذمه او واجب است یانه؟

جواب: دادن فدیه آن روزه ها طوریکه در الدرالمختار آمده بر ذمه اش لازم نیست. (۳)

کسیکه با روزه گرفتن مریض می شود چه کند: سوال: ۲۳۷ شخصی پابند روزه ونماز است اما با آغاز رمضان المبارک پس از سه چهار روز روزه گرفتن فوراً مریض می شود واو

---

(٤) فذكر المصنف منها خمسة وبقي الاكراه وخوف هلاك اونقصان عقل ولوبعطش اوجوع شديد ولسعة حية (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة ج۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۰). ظفير

(۱) اومريض خاف الزيادة لمرضه اوصحيح خاف المرض الخ بغلبة الظن بامارة اوتجربة وباخبار طبيب حاذق مسلم الخ الفطر الخ وقضوا لزوما (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۲). ظفير

(۲) وللشيخ الفاني العاجز عن الصوم الفطر ويفدى وجوبا (درمختار) وعند العجز بالموت تجب الوصية بالفدية (ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱٦۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۷). ظفير

(۳) او مريض خاف الزيادة لمرضه الخ الفطر الخ فان ماتوا فيه اى في ذالك العذر فلا تجب عليهم الوصية بالفدية لعدم ادراكهم عدة من ايام أخر (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ – ۱٦۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۲). ظفير

شخص فقیر وعیالداری می باشد قدرت تداوی ویا طعام دادن به مساکین را ندارد واگر وقت دیگری قضایی آن روزه ها را بگیرد باز هم مریض می شود تا جایی که به سرحد مرگ می رسد در اینصورت چه حکمی وجود دارد؟

جواب: فقها دادن فدیه را برای چنین شخص که هیچ وقت قادر به روزه گرفتن نمی باشد وبا روزه گرفتن در رمضان المبارک ویا قضایی آن مریض می شود جائز نوشته اند چنانچه این موضوع در الدرالمختار وشامی آمده است. (1)

اگر زن زچه یا ضعیف در بدل روزه فدیه بدهد چه حکمی وجود دارد: سوال. ۲۳۸ زنی که تازه ولادت نموده ویا زنی که ضعیف است ونمی تواند روزه بگیرد اگر فدیه بدهد جائز است یانه؟

جواب: در اینصورت دادن فدیه کافی نیست اگر فدیه بدهد وباز صحت یاب گردد قضایی گرفتن آن روزه ها لازم می باشد (2).

کفاره روزه ای که به دلیل مریضی قضا گردیده است: سوال: ۲۳۹ زید در رمضان المبارک سال گذشته به شدت مریض شد ومعالج مسلمانی اورا از روزه گرفتن منع نمود چنانچه تمام ماه رمضان را روزه نگرفت وبعد از پایان رمضان نیز وضع صحی او چندان خوب نبود اکنون باز رمضان المبارک نزدیک گردیده وامسال باز هم روزه گرفتن برایش منع می باشد کفاره روزه های گذشته را چگونه ادا کند ودر رمضان المبارکی که در پیش است چه روشی را اختیار نماید که کفاره روزه ها اداء گردد؟

جواب در اینصورت دادن فدیه روزه ها برای زید درست نیست بلکه انتظار صحت را بکشد وهنگام صحت قضایی روزه ها را بگیرد واگر فدیه روزه ها را داده باشد صدقه نفلی شمرده شده پس ازصحت یابی قضا روزه ها بروی لازم می باشد. واگر نتواند روه هایی مذکور راقضایی بگیرد

---

(۱) مثله ما فی القهستانی عن الکرمانی المریض اذا تحقق الیاس من الصحة فعلیه الفدیة لکل یوم عن المرض (ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۶۳ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۷). ظفیر

(۲) والحامل والمرضع اذا خافتا علی انفسهما او ولدیهما افطرتا وقضتا دفعا للحرج ولا کفارة علیهما لانه افطار بعذر ولافدیة علیهما (هدایه باب مایوجب القضاء والکفارة فصل ج۲ ص ۲۰۴). ظفیر

باید به ادای فدیه وصیت کند تا ورثه او پس مرگش فدیه آن روزه ها را بدهند در الدرالمختار آمده: (لمسافر او مریض الفطر یوم العذر لا السفر وقضوا لزوماً ما قدر وبلا فدیة فان ماتوا فیه ای فی ذلک العذر فلا تجب علیهم الوصیة لالفدیة ولو ماتوا بعد زوال العذر وجبت الوصیة بقدر ادراکهم عدة من ایام اخر) (۱).

مریضی که طبیب برایش بگوید که حتماً دوا بخور می تواند افطار کند یانه: سوال:

۲۴۰ اگر مریض روزه گرفته باشد وخطر ضرر رسیدن به صحت وتند رستی او بوده وطیب بگوید که حتماً دوا بخورد آیا می تواند روزه خود را افطار کند یانه؟

جواب: برای چنین مریضی شرعاً اجازه خوردن روزه وجود دارد برای این رخصت شرعی غلبه گمان مریض وخبر دادن طبیب مسلمان کافی می باشد در فتاوی عالمگیری آمده: (ومنها المرض المریض اذا خاف علی نفسه التلف او ذهاب عضو یفطر بالاجماع وان خاف زیادة العلة وامتداده کذلک عندنا وعلیه القضا اذا افطر کذا فی المحیط ثم معرفة ذلک باجتهاد المریض والاجتهاد غیر مجرد الوهم بل هو غلبة ظن عن امارة او تجربة او باخبار طبیب مسلم غیر ظاهر الفسق کذا فی فتح القدیر) (۲) ودر بحر الرائق آمده: (اطلق المرض فشمل مرض قبل طلوع الفجر او بعده بعد ما شرع) (۳).

افطار به اساس معنی خود بر شروع نکردن وشکبستن پس از شروع کردن بر هر دو صادق می باشد در صورتی که سوال شده افطار به معنی دوم می باشد ومریض اگر خوف بیشتر شدن مرض را داشته باشد می تواند افطار کند یعنی می تواند پس از شروع کردن روزه خود را بشکند درکتب فقه نوشته شده که مسافر اجازه دارد که روزه خود را افطار کند یعنی برایش جائز است که در حال سفر روزه نگیرد نه اینکه بگیرد وآنرا بشکند در انجا افطار به معنی اول می باشد خلاصه آنکه لفظ افطار عام بوده وبر روزه نگرفتن وشکستن پس ازگرفتن هردوصادق می باشد.

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ – ۱۶۰ . ط. س. ج۲ ص ۴۲۱ و۴۲۲). ظفیر الدین غفر له

(۲) عالمگیری مصر کتاب الصوم باب خامس ج۱ ص ۱۹۳ ، ماجدیه ج۲ ص ۲۰۷. ظفیر

(۳) البحر الرائق ج ۲ ص ۳۰۳ ، ج۲ ص ۲۸۱. ظفیر

<u>برای زن شیرده افطار درست است</u>: سوال: ۲٤۱ زنی که طفل سه ماهه ای در آغوشش می باشد وشیرش بسیار کم بوده ونمی تواند غذای سحری را هفتم نماید آیا می تواند روزه رمضان را افطار کند یانه وسپس متواتر قضایی گرفتن آن ضرور می باشد یانه؟

جواب: برای زن مذکور افطار روزه درست می باشد اما بعداً قضایی گرفتن آن ضرور است وقتیکه طفل بزرگ شود وشیر دادن او منقطع گردد آنوقت روزه قضایی بگیرد مقصود آنکه آنقدر نیرو بیابد که روزه بگیرد باید روزه هایی قضایی خود را بگیرد ودادن فدیه کافی نمی باشد ([1]) وگرفتن قضایی بصورت متواتر ضرور نبوده ومی تواند بصورت متفر بگیرد ([2]).

<u>کسیکه نمی تواند از ترس بیماري روزه نذری بگیرد چه کند</u>: سوال: ۲٤۲ زنی نذر گرفت که اگر خداوند مرا صاحب اولاد سازد نه ماه روزه خواهم گرفت اکنون سلسله اولاد دار شدن او آغاز گردیده ونمی تواند روزه های نذری خود را بگیرد وهر وقتیکه روزه می گیرد مریض می شود آیا زن مذکور می تواند فدیه دهد یانه؟

در اینصورت گرفتن آن روزه ها ضروری می باشد هر وقتیکه ممکن باشد بگیرد ووقتیکه از روزه گرفتن کاملاً نا امید گردد به دادن فدیۀ وصیت کند ([3]).

<u>شخصی روزه نذری خود را نگرفت ووفات نمود چه حکمی وجود دارد</u>: سوال: ۲٤۳ زید نذر کرده بود که یک ماه روزه بگیرد بیست روز روزه گرفت ووفات نمود اکنون ده روزه ای که بر ذمه او باقی امانده چگونه اداء گردد؟

جواب: اگر از زید مالی باقی مانده وبه دادن فدیه وصیت کرده باشد فدیه ده روز روزه از ترکه او داده شود واگر زید وصیت نکرده باشد وورثه او تبرعاً بدهند خوب برده وامید است که ان شاء الله کفاره روزهای او اداء گردد ([4]).

---

(۱) ومنها حبل المرأة وارضاعها الحامل والمرضع اذا خافتا على انفسها او ولدها افطرتا وقضتا ولا كفارة عليهما كذافي الخلاصة (عالمگیری مصر كتاب الصوم باب خامس ج۱ ص ۱۹۳ ، ماجدیه ج۲ ص ۲۰۷) ظفیر

(۲) او مرضع الخ خافت على نفسها اوولدها الفطر الخ وقضوا لزوما الخ بلا ولاء (درمختار) ای موالاة بمعنى المتابعة الخ (ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة ج۲ ص ۱٦۰ ، ط س ج۲ ص ٤۲۲) ظفیر

(۳) ولو اخر القضاء حتى صار شيخاً فانيا اوكان النذر بصيام الابد فعجز الخ فله ان يفطر ويطعم لكل يوم مسكينا على ما تقدم (عالمگیری مصری كتاب الصوم باب سادس ج۱ ص ۱۹٦ ، ط س. ج۲ ص ۲۰۹) . ظفیر

در رمضان المبارک زن پس ازشروع حیض روزه را بخورد یانه: **سوال**: ۲۴۴ در رمضان المبارک همان وقتیکه حیض آغاز شود روزه را بشکند یا اینکه تا شام انتظار کند وهدف از انتظار تا شام آن نیست که آنرا روز را قضایی نگیرد همچنان وقتیکه غسل پاکی از حیض را کند در باقی مانده روز چیزی بخورد یانه؟

جواب: در اینصورت امساک از خورد ونوش تا شام ضرور نیست واگر در جریان روز حیض قطع شود ضرور است که تا شام چیزی نخوَرد وچیزی ننوشد در الدرالمختار آمده: (کمسافر اقام وحائض ونفسا طهرت قال فی ردالمحتار والاصل فی هذه المسائل ان کل من صار فی آخر النهار لو کان اول النهار علیها لزمه الصوم فعلیه الامساک) ([1]).

فدیه برای شیخ فانی می باشد: **سوال**: ۲۴۵ والده من هر سال به عارضه زکام مبتلا می باشد ونمی تواند روزه بگیرد اگر به عوض روزه فدیه دهد روزه اداء می گردد یانه؟

جواب: تاوقتیکه به درجه شیخ فانی نرسیده دادن فدیه درست نبوده وقضای روزه ها لازم میباشد یعنی اگردرماه رمضان به علت مریضی نتواند روزه بگیرد بعداً آبجای آن روزه قضایی بگیرد ([2]).

قضا بر مریض ضرور بوده ودادن فدیه کافی نمی باشد: **سوال**: ۲۴۶ در میان ما شخصی امسال به علت مریضی از روزه گرفتن معذور است فدیه طعام مسکین چگونه اداء گردد زیرا اولاً در اینجا مسکینی دیده نمی شود واگر پس از جد وجهد فراوان مسکینی پیدا می شود روزه دار نمی باشد لذا این فرض چگونه اداء شود؟

جواب: روزه هایی که از مریض فوت شود قضایی گرفتن آن بعداً ضروری بوده وفدیة کافی نمی باشد واگر فدیه داده باشد باز هم قضایی گرفتن ضرور است لذا بحث در مورد فدیه دادن ضرور نمی باشد اما اگر در جایی دادن فدیه درست باشد مثلاً اینکه دادن فدیه برای شیخ فانی درست

---

(٤) ولو قال مریض: لله علي أن أصوم شهرا فمات قبل أن يصح لا شئ عليه، وإن صح ولو یوما ولم يصمه لزمه الوصية بجمیعه علی الصحیح کالصحیح إذا نذر ذلک ومات قبل تمام الشهر لزمه الوصیة بالجمیع بالاجماع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۷۳ – ۱۷٤ . ط. س. ج۲ ص ٤۳۷). ظفیر

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱٤٥ – ۱٤٦ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۸. ظفیر

(۲) او مریض خاف الزیادة لمرضه اوصحیح خاف المرض الخ الفطر یوم العذر الخ وقضوا لزوما ما قدروا بلا فدیة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض ج۲ ص ۱٥۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۲). ظفیر

([1]) است اگر آنرا به یک محتاج بی نماز بدهد نیز اداء می گردد ([2]).

<u>کسیکه نمي تواند به علت اختلاج روزه بگيرد چه كند</u>: سوال: ۲۴۷ عمرو به اخلاج یا مرض دیگری مبتلا همی باشد که مطلقاً نمی تواند روزه راتحمل کند برای او چه حکمی وجود دارد؟

جواب: روزه معاف نمی گردد اگر بکدام دلیل قوی شرعی در رمضان نتواند روزه بگیرد بعداً گرفتن روزه قضایی واجب می باشد ([3]).

<u>کسیکه با روزه گرفتن مريضي اش بيشتر مي شود چه كند</u>: سوال: ۲۴۸ شخصی از دوماه بدینسو به مرض بواسیر خونی مبتلا می باشد او گاهگاه روزه نفلی نیز می گیرد ووقتیکه روزه بگیرد خون جاری می شود شدیداً به تکلیف می گردد لذا روزه گرفته نمی تواند چون باروزه گرفتن قویاً به تکلیف می شود پس در این رمضان المبارک چه کند؟

جواب: برای چنین مریض خوردن روزه ماه رمضان المبارک جائز بوده وهر وقتیکه صحتمند وقابل روزه گرفتن شود آنوقت روزه قضایی بگیرد ودادن فدیه کافی نمی باشد البته برای مریض که مرضش دایمی بوده وامید صحت را نداشته باشد دادن فدیه جائز است: (المريض اذا تحقق الياس من الصحة فعليه القدية لكل يوم من المرض) ([4]) ودر الدر المختار آمده: (ومريض خاف الزيادة لمرضه... وقضوا لزوماً ما قدروا بلا فدية) ([5]).

<u>آيا پير هشتاد ساله مي تواند فديه روزه ها ونماز هاي خودرا بدهد</u>: سوال: ۲۴۹ عمر زید به هشتاد سال رسیده وآنقدر ضعیف می باشد که نیروی روزه گرفتن ویا خواندن نماز های

---

(۱) اومريض خاص الريادة لمرضه وصحيح خاف المرض الخ الفطر الخ وقضوا لزوما ماقدروا بالفدية وبلا ولا. (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۱ ص ۱۵۹ – ۱۶۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۲). ظفير

(۲) وللشيخ الفاني العاجر عن الصوم الفطر ويفدى وجوبا الخ كالفطرة (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل فى العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۶۳ . ط. س. ج۲ ص ۴۲۷). ظفير

(۳) اومريض خاف الزيادة لمرضه الخ الفطر الخ وقضوا لزوما ماقدروا بلا فدية (الدر المختار على هامش رد المحتار فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۶۰ – ۱۶۱ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۲ و۴۲۷). ظفير

(۴) ردالمحتار فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۶۳ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۷. ظفير

(۵) الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل فى العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۹ – ۱۶۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۲ وص ۴۲۷). ظفير

قضایی خودرا ندارد آیا درست است که دو مقابل فدیه دهد وآیا می تواند در زندگی خود فدیه را اداء کند؟

جواب: شیخ فانی که کاملاً قدرت روزه گرفتن را نداشته باشد می تواند فدیه روزه را در زندگی خود بدهد ([1]) اما قضایی نمازها را باید بخواند واگر تا دم مرگ اینکار را انجاحم ندهد هنگام مرگ وصیت کند که ورثه من از مال من فدیه را ادا کنند زیرا چنین چیزی درکتب فقه آمده است ([2]).

شخصی درحال سفر روزه نگرفت وبعداً قضایی آنرا نیز به جانیا ورد آیا گناهگار است وکسیکه دایم درسفر می باشد چگونه روزه قضایی بگیرد: سوال: ۲۵۰ شخصی در کشتی کار می نمود خود را مسافر پنداشته دوسه ماه رمضان را روزه نگرفت وقضایی آنرا نگرفته وفات نموده ایا او گناهگار است یانه؟ وشخصی که در قطار آهن کار می کند ودایم در سفر می باشد؟ چگونه روزه قضایی بگیرد؟

جواب: مسافر تا درجایی نیت اقامت پانزده روز را ننماید مسافر است وبرای مسافر خوردن روزه درحال سفر درست می باشد اما پس از پایان سفر گرفتن روزه های قضایی لازم است واگر قضایی نگیرد وبدون وصیت کردن به فدیه بمیرد مورد مواخذه قرار خواهد گرفت ([3]).

اگر کسي بدون عذر روزه نگیرد وفدیه دهد چه حکم دارد: سوال: ۲۵۱ شخصی بدون عذر شرعي در رمضان شریف روزه نگرفته وروزانه به مسکینی طعام می دهد آیا بدین ترتیب روزه رمضان ساقط می گردد یانه؟

---

(۱) وللشیخ الفانی العاجزعن الصوم الفطر ویفدی وجوبا الخ کالفطرة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۱ ص ۱۶۳ . ط. س. ج۲ ص ۴۲۷) ظفیر

(۲) من تعذر علیه القیام [illegible] صلی قاعدا) ولو مستندا إلی وسادة [illegible] ذلک علی المختار [illegible] وإن تعذر القعود [illegible] وإیماء قاعدا [illegible] وان تعذر القعود ولو حکما اوما مستلقیا [illegible] وإن تعذر الایماء) برأسه (وکثرت الفوائت [illegible] سقط القضاء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الصلوٰة المریض . ط. س. ج۲ ص ۹۵) ولو مات وعلیه صلوات فائتة وأوصی بالکفارة یعطی لکل صلاة نصف صاع من بر) کالفطرة (وکذا حکم الوتر (درمختار) بأن کان یقدر علی أدائها ولو بالایماء فیلزمه الایصاء بها وإلا فلا یلزمه (ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص ۶۸۵ . ط. س. ج۲ ص ۷۲) ظفیر

(۳) لمسافر سفرا شرعیا الخ الفطر یوم العذر الا السفر وقضوا لزوما ما قدروا الخ ولو ماتوا بعد زوال العذر وجبت الوصیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۸ وص ۱۶۰ . ط. س. ج۲ ص ۴۲۱). ظفیر

جواب: بدین ترتیب روزه از ذمه او ساقط نمی گردد وآیه مبارکه (وعلی الذین یطیقونه فدیه طعام مسکین) منسوخ بوده ویا تأویل شده است (۱).

روزه دار درحالت بیهوشی چه کند: **سوال**: ۲۵۲ آیا در حالت بیهوشی روزه شکستانده شود یانه؟ واگر کسی در دهان او آب وغیره بیندازد گنهگار می گردد یانه وآیا انداختن آب در دهان او بهتر می باشد ومریض عوض آن یک روز روزه بگیرد یانه؟

جواب: در کتب فقه آمده قضای روزه ایام بیهوشی لازم نیست چون معلوم است که نیت روزه آن روز را نموده از اینجا معلوم می گردد که شکستن روزه شخص بیهوشی ضروری نبوده وفقط جائز می باشد اما اگر طبیب دادن دوا را ضروری بداند در آنصورت شکستن روزه اش وانداختن آب دوا وغیره در دهان او ضروری می باشد واگر کسی در دهان شخص بیهوشی آب دوا وغیره بریزد گنهگار نمی گردد وبر مریض قضا آن روز لازم بوده وکفاره واجب نمی باشد (۲).

آیا دهقان اجازه دارد که درگرمی شدید افطار کند یانه: **سوال**: ۲۵۳ اگر دهقان در تابستان هنگام شدت گرما روزه نگیرد وسپس آنرا به شکل قضایی بگیرد آیا جائز است یانه؟

جواب: درشامی آمده: (وعلی هذا الحصاد اذا لم یقدر علیه مع الصوم ویهلک الزرع باتاخیر فی جوار الفطر والقضاء) (۳)

کسیکه به ضعف دماغ مبتلا است آیا می تواند افطار کند یانه: **سوال**: ۲۵٤ زید به ضعف دماغ مبتلا می باشد که به اساس آن به رعشه مبتلا بوده ووقتاً فوقتاً به ان سر دچار گردیده که علت آن به نهایت مشکل وظیفه رسمی خویش را نجام داده نمی تواند روزه بگیرد زیرا اگر روره بگیرد کار کرده نمی تواند درچنین حالتی بگیرد یاقضا کند یاکفاره دهد؟

جواب: برای مریض انوقت خوردن روزه جائز است که خطر ازدیاد مرض باشد جائز نمی باشد

---

(۱) البقرة رکوع ۲۳. فذهب اکثرهم الی ان الآیة منسوخة وذالک انهم کانوا فی ابتداء الاسلام مخیرین الخ لم نسخ المتخیر ونزلت العزیمة الخ (تفسیر مظهری ج۲ ص ۱۷۸) ظفیر

(۲) (ومریض خاف الزیادة لمرضه او صحیح خاف المرض او خادمة خاف الضعف بغلبة الظن بامارة وتجربة او باخبار طبیب حاذق مسلم مستور الحال (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی عوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۹ . ط س ج۲ ص ٤۲۲ ظفیر

(۳) ردالمحتار باب مایفسد الصوم تحت قوله ج۳ ص ۱۵۷ . ط س ج۲ ص ٤۲۰ ظفیر

طوریکه درالدر المختار آمده: (او مریض خاف الزیاده لمرضه وقضو الزوماً ما قدروا بلافدیه) [۱].

شخص به دلیل شدت مرض روزه نگرفت ومتعاقباً وفات نمود اکنون چه باید کرد:

سوال: ۲۵۵ اگر مریض بدلیل شدت مرض روزه نگیرد ووفات کند ورثه او کفاره آنرا چگونه اداء کند؟

جواب: اگر مریض آنقدر مهلت نیابد وصحت یاب نگردد که قضای آن روزه ها رابگیرد قضای آن روزه ها برذمه اش لازم نبوده وبرذمه ورثه اوکفاره نیز لازم نمی باشد [۲].

فصل نهم

مسائل متفرقه

(مسائل مختلف روزه)

شش روز شوال مسلسل روزه گرفته شود یا متفرق: سوال: ۲۵٦ در شوال گرفتن شش روز روزه متواتر مکروه است یانه ویا اینکه شش روز بصورت متفرد روزه گرفته شود؟

جواب در الدر المختار آمده (وندب تفریق صوم الست من شوال ولایکره التتابع علی المختار) یعنی روزه گرفتن شش روز شوال بصورت متفرق مستحب بوده [۳] وبه اساس قول مختار متواتر روزه گرفتن نیز مکروه نیست.

گرفتن روزه نفلی چند روز مسلسل ضرور است: سوال: ۲۵۷ عالمی گوید که یک یا دو روز روزه نفلی نباید گرفت که به روزه یهود مشابه می شود خصوصاً روزه عاشورا که باید از نهم تا یازدهم گرفته شود وبه همین ترتیب روزه نفلی نباید از سه روز کمتر باشد تا به یهود مشابهت نشود.

جواب: در مورد روزه عاشورا این حکم وجود دارد که تنها روزه گرفتن آن مکروه تنزیهی یعنی غیر اولی می باشد پس یک روز دیگر یعنی نهم یا یازدهم همراه آن گرفته شود همچنان در مورد

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۹ – ۱٦۰ ، ط. س ج۲ ص ٤۲۲)، ظفیر

(۲) فان ماتوا فیه ای فی ذالک العذر فلا تجب علیهم الوصیة بالفدیة لعدم ادراکهم عدة من ایام اخر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱٦۰ ، ط س ج۲ ص ٤۲۳ و٤۲٤) ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی صوم الست من شوال ج۲ ص۱۷۱ ، ط س ج۲ ص ٤۳۵ ظفیر

روز شنبه فقها نوشته اند که یک روز دیگر همراه آن گرفته شده وروز شنبه تنها روزه گرفته نشود تا مشابهت با یهود صورت نگیرد زیرا آنها روز شنبه را تعظیماً روزه می گرفتند [۱] نه اینکه هیچ روزی تنها روزه گرفته نشود چنانچه تنها روزه گرفتن دوشنبه وپنجشنبه درحدیث شریف آمده است همچنان این قول که کم از سه روز روزه گرفته نشود غلط می باشد زیرا روزی که مانند عاشورا تنها روزه گرفتن آن مکروه باشد بایکجا کردن روز دیگر با آن کراهت از میان می رود چنانچه روایتی که در مورد روزه عاشورا می باشد ومولوی صاحب مذکور به آن استناد نموده چنین است: (ویصوم التاسع من المحرم ویوم عاشورا او الحادی عشر) مقصود آن نیز این است که با روزه یوم عاشورا روز نهم یا یازدهم عاشورا نیز یکجا گردد پس معلوم نیست که او ازکجا می گوید که روزه نفلی از سه روز کم نباشد این سخن کاملاً غلط بوده وبصورت عموم گرفتن یک روز روزه نفلی درست است طوریکه روزه دوشنبه وپنجشنبه بصورت منفرد درحدیث آمده است وروزه روز جمعه نیز مطابق قول صحیح بصورت منفرد متسحب می باشد در الدر المختار آمده: (والمندوب کایام البیض من کل شهر ویوم الجمعه ولو منفرداً وعرفه ولو لحاج قول منفرداً صرح به فی النهر وکذا فی البحر فقال ان صومه بانفراده مستحب عند العامة کالا ثنین والخمیس). فقط [۲]

<u>برای نابالغ روزه گرفتن بهتر است یاکوشش در درس خواندن</u>: سوال: ٢٥٨ برای طلبه نابالغ درماه رمضان المبارک روزه گرفتن بهتر است یاسعی وکوشش در درس خواندن زیرا باروزه گرفتن ضعیف می شوند در حالیکه به درس خواندن مشغول می باشند؟

جواب: درالدرالمختار آمده: (ان وجب ضرب ابن عشر علیها بید لابخشبة لحدیث مروا اولادکم بالصلوة وهم ابنا سبع واضربوهم علیها وهم ابناء عشر قلت والصوم کالصلوة علی الصحیح کما فی صوم القهستانی معزیاً للزاهدی وفی حظر الاختیار انه یومر بالصوم والصلوة وینهی عن شرب

(۱) ونقل کمیرهما یعم السنة کصوم عاشوراء مع التاسع (درمختار) ویستحب ان یصوم یوم عاشوراء بصوم یوم قبله اویوم بعده لیکون مخالف لاهل الکتاب الخ وقوله وعاشوراء وحده ای منفردا عن التاسع اوعن الحادی عشر لانه تشبه بالیهود قوله وسبت وحده للتشبه بالیهود (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۱۳ - ۱۱٤ . ج۲ ص ۳۷۵) ظفیر

(۲) ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۱٤ . ط. س ج۲ ص ۳۷۵. ظفیر

الخمر لیالف الخیر ویترک الشر) [۱] از اینجا معلوم گردید که حکم روزه نابالغان مانند نماز می باشد که در هفت سالگی به نماز وروزه امر شوند ودر ده سالگی در مورد نماز وروزه زده شوند پس لازم است که تلاش شاگردان برای تحصیل علم در رمضان المبارک کم گردد وبه همین دلیل مدارس اسلامی درماه رمضان المبارک رخصت می باشند [۲].

روزه شش روز شوال ازچه وقت شروع شود: **سوال**: ۲۵۹ در ماه شوال شش روز روزه نفلی گرفته می شود آیا گرفتن روزه های مذکور از روز بعد از عید شروع شود یا چیز دیگری واگر از روز بعد از عید شروع نگردد درباقی ماه گرفته شود یانه؟

جواب: درمورد شش روز رزه شوال در الد المختار آمده که متفرق گرفتن آن بهتر ومستحب بوده ومتواتر گرفتن آن نیز مکروه نمی باشد: (ومندوب تفریق صوم الست من شوال ولایکره التتابع) [۳].

روزه رجب ثابت است یانه: **سوال**: ۲٦۰ اینکه روز ۲۷ رجب روزه گرفته می شود از حدیث ثابت می باشد یانه؟ عده ای از مردم آنرا روزه هزاره می گویند.

جواب: روزه گرفتن ۲۷ رجب که عوام الناس آنرا روزه هزاره کی گویند وثواب آنرا با هزاران روز روزه برابر می دانند هیچ اصل ندارد.

شطرنج بازی ثواب روزه را کاهش میدهد: **سوال**: ۲٦۱ واعظ گفت که کسی که در روزه شنطرنج بازی می کند ثواب کامل روزه برایش نمی رسد حالانکه شطرنج بازی نزد امام شافعی جائز بوده وشطرنج بازی کردن ابو هریره ﷺ ثابت می باشد این قول واعظ مذکور صحیح است یانه؟

جواب: قول واعظ مذکور صحیح است کسیکه در روزه شطرنج بازی کند وبه لهو ولعب مشغول باشد ومرتکب معصیت شود ثواب ورزه برایش نمی رسد طوریکه درحدیث شریف آمده

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ص ۳۲٦ . ط. س. ج۲ ص ۳۵۲. ظفیر

(۲) ویؤمر الصبی بالصوم اذا اطاقه ویضرب علیه ابن عشر کالصلاة فی الاصح (درمختار) قوله: یضرب ای بید لا بخشبة ولا یجاوز الثلاث کما قیل فی الصلاة (ردالمحتار کتاب الصوم باب مایفسد الصوم وما لایفسده ج۲ ص ۱٤۷ . ط. س. ج۲ ص ٤۰۹) ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی صوم الست من شوال ج۲ ص ۱۷۱، ط. س. ج۲ ص٤۳۵. ظفیر

است: (من لم یدع قول الزور والعمل به فلیس لله حاجة فی ان یدع طعامه وشرابه رواه البخاری) [۱] ودرحدیث دیگری آمده: (کم من صائم لیس له من صیامه الا الظماء وکم من قائم لیس له من قیامه الا السهر رواه الدارمی...) طیبی گوید: (فان صائم اذا لم یکن محتسباً او لم یکن مجتنباً من الفواحش من الزور والبهتان والغیبة ونحوها من المناهی فلا حاصل له الا الجوع والعطش) [۲] ودر الدر المختار آمده: (وکره تحریماً اللعب بالنرد وکذا الشطرنج) [۳] ودر شامی آمده: (فهو حرام کبیرة عندنا) [٤] پس چون درکتب فقه درمورد کراهت وحرمت الشطرنج بازی تصریح وجود دارد برای احناف عذری باقی نمی ماند ودلیل آوردن قول امام شافعی (رح) [۵] برای احناف درست نبوده وشطرنج بازی حضرت ابو هریره (رضی الله عنه) ثابت نمی باشد.

آیا به افطار شدن توسط دیگری ثواب به افطار کننده می رسد: سوال: ۲٦۲ اینکه می گویند روزه را به افطاری شخص دیگری نباید افطار کرد که ثواب روزه به صاحب طعام می رسد صحیح است یانه؟

جواب: این عقیدد فاسد است که به افطاری دیگری نباید افطار کرد که ثواب آن به صاحب طعام می رسد [٦].

اگر خبر رویت هلال ساعت دوازده ظهر برسد چه باید کرد: سوال: ۲٦۳ اگر خبر رویت هلال بعد از ساعت دوازده ظهر برسد روزه افطار گردد یا اینکه تمام گرده شود؟

جواب: هر وقتیکه خبر رویت هلال بطور متیقن برسد خواه کمی پیشتر از غروب آفتاب باشد به

---

(۱) مشکوٰة باب تنزیه الصوم ص ۱۷٦. ظفیر

(۲) مشکوٰة همراه با حاشیه باب تنزیه الصوم ص ۱۷۷.

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة ج۵ ص ۳٤۷. فصل فی البیع. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب ایضا ج۵ ص ۳٤۷ فصل فی البیع. ظفیر

(۵) این قول نیز درست نیست که امام شافعی شطرنج بازی را جائز گفته است حافظ ابن القیم قول جواز را رد نموده به ص ۱۵ ج ۱ اعلام الموقعین مراجعه شود که لفظ آن چنین است: وَقَالَ الشَّافِعِيُّ فِي اللَّعِبِ بِالشِّطْرَنْجِ : إنَّهُ لَهْوٌ شِبْهُ الْبَاطِلِ . أَكْرَهُهُ وَلَا يَتَبَيَّنُ لِي تَحْرِيمُهُ فَقَدْ نَصَّ عَلَى كَرَاهَتِهِ وَتَوَقَّفَ فِي تَحْرِيمِهِ ؛ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يُنْسَبَ إلَيْهِ وَإِلَى مَذْهَبِهِ أَنَّ اللَّعِبَ بِهَا جَائِزٌ وَأَنَّهُ مُبَاحٌ . فَإِنَّهُ لَمْ يَقُلْ هَذَا وَلَا مَا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَالْحَقُّ أَنْ يُقَالَ : إنَّهُ كَرِهَهَا ، وَتَوَقَّفَ فِي تَحْرِيمِهَا . فَأَيْنَ هَذَا مِنْ أَنْ يُقَالَ . إنَّ مَذْهَبَهُ جَوَازُ اللَّعِبِ بِهَا وَإِبَاحَتُهُ ؟ . ظفیر

(٦) درحدیث آمده (من فطر فیه صائما کان له مغفرة لذنوبه وعتق رقبته من النار وکان له اجره من غیر ان ینتقص من اجره شئ. مشکوٰة ص ۱۷٤ ظفیر الدین غفر الله له

شرط شهادت معتبر فوراً باید روزه افطار گردد ودر صورت افطار نکردن روزه گنهگار می شود [1]. فقط

اینکه به اساس شهادت شرعی حکم افطار داده شود وکسی افطار نکند چطور است:

سوال: ٢٦٤ اگرمولوی صاحب حکم دهد که شهادت شرعی رویت هلال در حضور من صورت گرفت وفقط یک نفر افطار ننماید در این مورد چه حکم است؟

جواب: شخص مذکور گنهگار است باید توبه کند [2].

افطار روزه باچه چیزی بهتر است: **سوال:** ٢٦٥ افطار روزه باخرما بهتر است یا باشیر؟

جواب: افطار با خرما افضل است [3].

افطار با غذای هندو چطور است: **سوال:** ٢٦٦ یک هندوی مشرکی در هر ماه رمضان المبارک شیر ویخ خریده وبه مسلمانان می دهد آیا در افطار با آن حرجی است؟

جواب: در اینکار حرجی نیست.

افطار کردن با افطاری هندو چطور است: **سوال:** ٢٦٧ الف: با افطاری که از سوی شخص دیگری فرستاده شده باشد افطار کردن چه حکم دارد؟

ب: اگر افطار از سوی هندو فرستادد شده باشد حکم آن چیست؟

جواب: الف: خلاف تقوی می باشد اگر چه از راد فتوی در صورت عدم علم به حرمت درست است [4]. فقط

---

(١) ولو كانوا ببلدة لا حاكم فيها صاموا بقول ثقة وافطروا باخبار عدلين مع العلة للضرورة (درمختار) قوله: وافطروا الخ عبارة غيره لا باس بان يفطروا والظاهر ان المراد به الوجوب (ردالمحتار كتاب الصوم ج١ ص ١٢٥ ، ط. س. ج٢ ص ٣٨٦). ظفير

(٢) وافطروا باخبار عدلين مع العلة (درمختار) والظاهر المراد به الوجوب (ردالمحتار كتاب الصوم ج٢ ص ١٢٥ ، ط. س. ج٢ ص ٣٨٦). ظفير الدين غفر الله له

(٣) عن انس قال كان النبي ﷺ يفطر قبل ان يصلي على رطبات فان لم تكن رطبات تميرات فان لم تكن تميرات حسا حسوات من ماء رواه الترمذي وابوداود (مشكوة كتاب الصوم بعد باب رؤية الهلال ص ١٧٥). ظفير

(٤) سئل الفقيه أبو جعفر عمن اكتسب ماله من أمراء السلطان وجمع المال من أخذ الغرامات المحرمات وغير ذلک هل يحل لمن عرف ذلک أن يأكل من طعامه؟ قال: أحب إلي أن لا يأكل منه ويسعه حكما أن يأكله إن كان ذلک الطعام لم يكن في يد المطعم غصبا أو رشوة اهـ اي إن لم يكن عين الغصب أو الرشوة لانه لم يملكه فهو نفس الحرام فلا يحل له ولا لغيره (ردالمحتار كتاب الزكوة باب زكوة الغنم مطلب في التصدق من المال الحرام ج٢ ص ٣٥ ، ط. س. ج٢ ص ٢٩٢). ظفير

ب: درست است [۱].

اگر شخصی قضای رمضان را در ایام روزه نفلی بگیرد آیا ثواب هر دو را بدست می آورد: سوال: ۲٦۸ اگر شخصی روزه قضایی رمضان را در ایامی بگیرد که درآن روزها روزه نفل مستحب وسنت می باشد ثواب روز نفلی را نیز بدست می آورد یانه؟

جواب: در اینصورت قضای روزه صورت گرفته وثواب روزه نفلی حاصل نمی گردد.

ثواب افطار: سوال: ۲٦۹ چهار نفر برای افطار چهار قرص نان آوردند ودر یکجا گذاشتند پنج نفر باناني که دربالای سائرنان ها گذاشته شده بود افطار کردند ثواب افطاری به سه نفر دیگر نیز میرسد یانه؟

جواب: به آن سه نفر نیز ثواب می رسد.

روزه گرفتن در روز عید حرام است: سوال: ۲۷۰ روزه گرفتن در روز عید حرام است یانه وبرای کسیکه عید بودن معلوم نباشد وروزه بگیرد صحیح است یانه واگر شخص مذکور بدون عذر شرعی روزه خود را بشکند قضا ویا کفاره بر او واجب می شود یانه؟

جواب: برای کسیکه عید بودن معلوم نباشد وعید نزد او ثابت نگردیده وحکم عید بطریق موجب به او نرسیده باشد باشد روزه گرفتن گنهگار نمی شود وحرمت در حق او نمی باشد اگر چه در حقیقت آن روز برای روزه نمی باشد زیرا روز عید فطر محل روزه نیست وکسیکه با وصف عدم علم روز مذکور را روزه نگیرد وبعداً عید بودن آن روز متحقق گردد قضاء ویا کفاره آن روز بروی لازم نمی باشد.

برای مریض افطار کردن با دوا چطور است: سوال: ۲۷۱ کسیکه مریض باشد ایا می تواند روزه رمضان را با دوا افطار کند؟

جواب: در افطار کردن روزه با دوا حرجی نیست.

برای قضا کردن اختیار حیله مذموم است: سوال: ۲۷۲ اگر قصداً غرض فرار ازروزه حیله سفر مرض و یاغیره نموده و روزه را قضا کند جائز است یانه؟

---

(۱) غذای پاک وحلال بوده ودرآن مضایقه ای نیست ظفیر

جواب: برآی مسافر شرعی و مریض خوردن روزه در ست بوده [۱] وحیله کردن مذموم وقبیح می باشد.

__بدون سحری روزه درست است یانه__: سوال: ۲۷۳ به غیر خوردن سحری روزه گرفتن جائز است یانه؟

جواب: خوردن سحری برای روزه مستحب می باشد پس بدون سحری نیز روزه می شود [۲].

__یک دو روز روزه گرفتن قبل از رمضان المبارک چطور است__: سوال: ۲۷٤ قبل از رویت هلال رمضان المبارک یک دو روز روزه گرفتن چطور است؟

جواب: چنین کاری جائز نیست و درحدیث شریف آز آن ممانعت به عمل امده که قبل از آغاش رمضان روزه گرفته شود درحد یث شریف آمده ((صوموا لرویته و افطروا لرویته)) [۳].

__بعد ازخوردن سحری جماع با منکوحه جائز است__: سوال: ۲۷۵ آیا می توان درماه رمضان المبارک پس از خوردن سحری بازن خود جماع نمود یانه و بعد از آن وقت غسل تا چه وقت است؟

جواب: در مضان المبارک اگر پس از خوردن سحری به صبح صادق وقت مانده باشد جماع با زوجه درست است خلاصه باید قبل از طلوع صبح صادق از جماع فراغت حاصل شود هر چند غسل پس از طلوع صبح صورت گیرد، به روزه نقصانی نمی رسد [٤].

__تمام سال روزه گرفتن چطور است__: سوال: ۲۷٦ بغیر عید الاضحی و عید فطر تمام سال یعنی دوازده ماه را روزه گرفتن وهیچ یک را قضا نکردن درست است یانه؟

جواب: درتمام سال روزه گرفتن پنج روز مسنوع می باشد که عبارت انداز عید فطر عید اضحی

---

(۱) لمسافرا سفرا شرعیا ولو بمعصیة الخ اومریض خاف الزیادة لمرضه الخ الفطر الخ وقضوا لزوماً ماقدروا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲ ص ۱۵۸ – ۱۵۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤۲۲) واشار باللام الی مخیر ولکن الصوم افضل ان لم ام لم یضره (ردالمحتار ایضاً). ظفیر

(۲) ویستحب السحور وتاخیره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۵٦ ، ط. س. ج۲ ص ٤۱۹) . ظفیر

(۳) مشکوٰة المصابیح، باب رؤیة الهلال ص ۱۷٤. ظفیر

(٤) احل لکم لیلة الصیام الی نساء کم (بقره) والرفث المذکور هو الجماع ولاخلاف بین اهل العلم فیه (احکام القرآن للجصاص ج۱ ص ۲۲۷) وکذا لایفطر لوجامع عامداً قبل الفجر ونزع فی الحال عند طلوعه (ردالمحتار باب مایفسد الصوم ج۲ ص ۱۳۵ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۷). ظفیر الدین غفر الله له

وسه [۱] روز ایام تشریق متباقی روزه گرفتن تمام سال درست می باشد اما خوب نیست که همیشه روزه گرفته شود زیرا درحدیث آمده که پیامبر ﷺ هم روزه می گرفت وهم افطار می نمود چنین عملکردی مطابق سنت است [۲].

حکم افطار ونماز شام چطور است ووقت صحیح آن کدام است: سوال: ۲۷۷ دادن حکم افطار ونماز شام در وقتیکه چند مسلمان مشغول جر وبحث در مورد غروب آفتاب باشند چطور است ووقت صحیح افطار ونماز شام چه وقت بوده وعلما برای شناخت آن چه چیزی را تعیین کرده اند؟

جواب: این امر بر تجربه ومشاهده موقوف می باشد وشنا سنده آن در هر زمانی موجود می باشد واز ساعت صحیح وجنتری درست نیز دراین مورد می توان کمک گرفت پس جنتریی که در مورد طلوع وغروب صحیح بوده وتجربه شده ومطابق ساعت صحیح می توان حکم افطار ونماز شام را داد ودر اکثر زمانه ها از مشاهده وعلامات نیز معلوم می گردد.

روزه داری باچلم افطار نمود روزه اش شده است یانه: سوال: ۲۷۸ شخصی تمام روز روزه گرفت وپس از اذان شام چلم کشید وبیهوش گردید روزه اش شده است یانه؟

جواب: روزه او شده است [۳].

آیا درصورتیکه قضای فوض باقی باشد روزه نفلی درست است یانه: سوال: ۲۷۹ قبل از گرفتن قضایی روزه فرضی گرفتن روزه نفلی جائز است یانه؟

جواب: جائز بوده وآن روزه نفل می شود [۴].

---

(۱) والمکروه تحریما کالعیدین وتنزیها کعاشوراء وحده الخ وصوم دهره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۱۴ . ط س ج۲ ص ۳۷۵). ظفیر

(۲) فقال عمر یا رسول الله کیف من یصوم الدهر کله قال لا صام ولا افطر او قال لم یصم ولم یفطر الخ (مشکوة باب صیام التطوع ج ۱ ص ۱۷۹) ظفیر

(۳) زیرا روزه عبارت می باشد از ترک خوردن ونوشیدن وجماع از صبح صادق تاغروب آفتاب درحالیکه نیت نموده باشد رشخص موصوف ابکار را انجام داده (وشرعا امساک عن المفطرات الآتیة حقیقة وحکما فی وقت مخصوص او هو الیوم الخ مع نیة سمیر رد محتار) قوله هو الیوم ای الیوم الشرعی من طلوع الفجر الی الغروب (ردالمحتار کتاب الصوم ج۲ ص ۱۰۰ . ط س ج۲ ص ۳۷۱) ظفیر الدین عفر الله له

(۴) ولذا جاز التطوع قبله (قبل قضاء رمضان) بخلاف قضاء الصلوة (الدر المختار علی هامش رد المحتار فصل فی العوارض المبیحة ج۲

آیا با گرفتن روزه قضام در زمستان درثواب آن کمی واقع نمی گردد: سوال: ۲۸۰ کسانیکه روزه ایشان در ماه مبارک رمضان بدلیل عذری قضا گردیده اگر قضا ی آنرا در موسم سرما بگیرند درثواب کمی واقع نخواهد شد؟

جواب: با گرفتن قضایی روزه ها در موسم سرما در ثوا ب هیچ کمی واقع نمی گردد [۱].

روزه شخص نماز می شود یانه: سول: ۲۸۱ کسیکه در رمضان المبارک روزه بگیرد ونماز نخواند روزه او می شود یا نه؟

جواب: روزه می شود وگناه ترک نماز باقی می ماند وقضایی نماز ها بر ذمه او فرض می باشد [۲]. فقط

پس از روزه رمضان کدام روزه افضل بوده ودرنماز های نفل کدام یک بهتر می باشد:

سوال: ۲۸۲ بعد از روزه ماه رمضان المبارک کدام روزه ثواب بیشتر دارد وپس از نماز های فرض وسنت کدام نفل افضل می باشد؟

جواب: حدیث مسلم چنین است (افضل الصیام بعد رمضان شهر الله المحرم وافضل الصلوة بعد الفریضة صلوة اللیل رواه مسلم [۳]) یعنی پس از روزه ماه رمضان روزه محرم افضل می باشد وپس از نماز های فرض مقام نماز شب درمیان نماز های نفلی بلند است.

وقت افطار: سوال: ۲۸۳ روزه رمضان المبارک را باید چه وقتی افطار کرد؟

جواب: روزه باید پس از غروب آفتاب افطار گردد وبه اساس ساعت وقت آن متغیر بوده ونمی توان برای آن وقت مشخص را تعیین نمود [٤].

در شعبان کدام روزه ضروری بوده واز چه وقت روزه منع می باشد: سوال: ۲۸٤ روزه

= ص ۱٦۰ ، ط س. ج۲ ص ۷۲۳). ظفیر

(۱) لمسافر اومریض الفطر یوم العذر وقضوا لزوما ما قدروا بلا فدیة وبلا ولاء (الدر المختار علی هامش رد المحتار فصل فی العوارض المبیحة ص ۱٦۰ ج۲)

(۲) هریک فرض جداگانه بوده ویکی بردیگری موقف نمی باشد والله اعلم ظفیر.

(۳) مشکوة باب صیام التطوع فصل اول ص ۱۷۸. ظفیر

(٤) هو امساک عن المفطرات حقیقة اوحکما فی وقت مخصوص وهو الیوم (درمختار) وقال فی ردالمحتار ای الیوم الشرعی من طلوع الفجر الی الغروب الخ (ج۲ ص ۱۱۰ . ط. س. ج۲ ص ۳۷۱). ظفیر

کدام روز شعبان فرض یاسنت بوده وهمچنان این روایت که غیر از تاریخ ۱۳ این ماه دیگر روزه گرفتن درآن نا جائز است تا کدام حدی صحیح می باشد؟

جواب: روزه هیچ روزی از ماه شعبان فرض یا واجب نمی باشد وفضلیت خاصی برای روزه ۱۳شعبان نیز از حدیث ثابت نیست البته این مسأله در حدیث شریف آمده که شب پانزده شعبان را بیدار بوده وبه عبادات مشغول باشید وروزه پانزدهم شعبان را روزه بگیرد پس روزه تاریخ پانزدهم شعبان.مستحب بوده واگر کسی آنرا روزه بگیرد ثواب بوده وگرنه حرجی نیست (۱).

فصل دهم

اعتکاف ومسائل مربوطه آن

<u>آیا با اعتکاف درمسجد قصبه بزرگ مسئولیت قریه کوچک پایان می یابد</u>: سوال: ۲۸۵ با اعتکاف در مسجد قصبه بزرگ آیا مسئولیت قریه کوچکی که متصل همین قصبه واقع شده پایان می یابد وآیا سنت کفایه از ذمه (ایشان ادا می گردد یانه؟

جواب: با اعتکاف در مسجد قصبه بزرگ این سنت کفایه از ذمه مردم قریه کوچک اداء نمی گردد (۲).

<u>آیا معتکف می تواند مریض را درمسجد معاینه نموده ونسخه بنوسید</u>: سوال: ۲۸۶۱ آیا معتکف می تواند مریض را در مسجد معاینه نموده ویا شکایت اورا بشنود ونسخه بنویسد یانه همچنان اگر معتکف به اساس ضرورت طبیعی از مسجد بیرون شده باشد در بیرون به خواهش مریضی می تواند برایش دوا تجویز کند یانه؟

جواب: معتکف می تواند مریض را درمسجد معاینه کند ویا شرح حالش را بشنود ونسخه بنویسد واگر به اساس ضرورت طبیعی از مسجد بیرون شده باشد ومریض عرض حال کند ودوا بپرسد گفتن دوا برای او جائز می باشد (۳).

---

(۱) عن علی ان النبی ﷺ قال اذا كانت ليلة نصف شعبان فقوموا ليلها وصوموا يومها (الترغيب والترهيب كتاب الصوم ج۲ ص ۳۰). ظفير

(۲) وسنة مؤكدة في العشر الاخير من رمضان اى سنة كفاية كما فى البرهان وغيره لاقترانها بعدم الانكار على من لم يفعله من الصحابة (درمختار) اى سنة كفاية نظيرها اقامة التراويح بالجماعة فاذا اقام بها البعض سقط الطلب عن الباقين (ردالمحتار باب الاعتكاف ج۱ ص ۱۷۷ ، ط. س. ج۲ ص ۴۴۲). ظفير

غسل کردن معتکف درغسل خانه مسجد غرض سرد ساختن بدن چطور است: سوال:
۲۸۷ برای معتکف خاص غرض سرد ساختن بدن ودفع گرمی غسل کردن در غسل خانه مسجد جائز است یانه؟

جواب: این کار برای معتکف که در اعتکاف نفل باشد درست است [۱].

معتکف دریک جای مشخص مسجد می باشد یا می تواند جای خود را تبدیل کند:

سوال: ۲۸۸ الف: معتکف می تواند برای خود درمسجد جایی را مشخص کند ودر همانجا باشد یا اینکه در هر قسمتی ازمسجد که خواست می تواند سکونت اختیار نماید؟

آیا معتکف می تواند درگوشه صحن مسجد غسل کند: سوال: ۲۸۹ ب: معتکف نمی تواند برای غسل جمعه از مسجد خارج شود آیا می تواند در گوشه ای از صحن مسجد یامتصل آن غسل جمعه را بکند؟

جواب: الف: درهرجای از مسجد که بخواهد نشسته می تواند حرجی نیست [۲].

ب: می تواند [۳] (اما نباید باچنین غسل آب مستعمل به روی مسجد بیفتد)

آیا معتکف می تواند بصورت تفریحی غسل کند یانه: سوال: ۲۹۰ الف: آیا معتکف می تواند غیر از غسل فرض یا واجب فقط برای سرد ساختن بدن غسل کند یا،ه درمشکوٰة اجازه غسل واجب ونفل داده شده است.

آیا معتکف می تواند خارج از جای اعتکاف خود درجای دیگری بخوابد: سوال: ۲۹۱ ب: آیا معتکف می تواند غیر از محل اعتکاف خود درجای دیگری درهمان مسجد بخوابد یانه؟

---

(۳) حص المعتکف باکل وشرب ونوم وعقد احتاج الیه لنفسه اوعیاله فلو لتجارة کره (درمختار) لکن قال فی متن الوقایة ویاکل ای المعتکف ویشرب وینام ویبیع ویشتری فیه لاغیره قال ملاعلی القاری رحمه الله فی شرحه ای لا یفعل غیر المعتکف شیئا من هده الامور فی المسجد آه ومثله فی القهستانی (ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸٤ وج۲ ص ۱۸۵ . ط. س. ج۲ ص ٤٤٧). ظفیر

(۱) هذا کله فی الاعتکاف الواجب اما فی النفل فلا باس بان یخرج بعذر وغیره فی ظاهر الروایة وفی التحفة لا باس فیه بان یعود المریض ویشهد الجنازة (عالمکیری باب الاعتکاف ج۱ ص۱۹۹، ط. س. ج۲ ص۲۱۳). ظ

(۲) وحص المعتکف باکل وشرب الخ (درمختار) ای فی المسجد والباء داخلة علی المقصور علیه بمعنی ان المعتکف مقصور علی الاکل ونحوه فی المسجد (ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٧). ظفیر

(۳) لا یمکنه الاغتسال فی المسجد (درمختار) فلو امکنه من غیر ان یتلوث المسجد فلاباس به، بدائع ای بان کان فیه برکة ماء اوموضع معد للطهارة اواغتسل فی اناء بحیث لایصیب المسجدالماء المستعمل (ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٥). ظفیر

جواب: الف: در الدر المختار آمده: (و غسل لو احتلم) [۱] پس معلوم گردید که هنگام اعتکاف غیر از غسل واجب برون شدن برای غسل دیگری درست نیست البته در اگر درمسجد جای غسل باشد می تواند برای سرد ساختن بدن خود نیز غسل کند ومطابق قاعده (و اما النفل الخروج [۲]) یعنی در اعتکاف نفل مطلقاً خروج درست است.

ب: معتکف در مسجدی که اعتکاف نموده می تواند اقامت کند وبخوابد (وقید لخروج المحتلم للغسل بعدم امکان الغسل فی المسجد حیث قال وغسل لو احتلم ولایمکنه الاغتسال فی المسجد [۳] فعلم ان المسجد کله معتکفه)

باقطع کردن اعتکاف نفل قضا واجب می شود یانه: سوال: ۲۹۲ در اعتکاف نفل اگر به اساس ضرورت شدید قبل از تکمیل شدن یک شبانه روز برون شود قضا واجب می گردد یانه واگر بیش از یک شبانه روز در اعتکاف به سر برده وپس از آن برون آمده اما خروجش قبل از ختم ماه رمضان باشد باز هم یک شبانه روز برای قضا کافی است یانه یا به بیشتدر ضرورت است یانه؟

جواب: باشکستن اعتکاف نفل قضا واجب نمی گردد خواه قبل از تکمیل شدن یک شبانه روز قطع گردیده باشد وچه بعد از آن زیرا بنابر روایت اصل حد اقل درست اعتکاف یک ساعت بوده وصوم در آن شرط نمی باشد بر خلاف اعتکاف واجب است که با قطع کردن آن قضا واجب می شود وبرای آن روزه شرط می باشد [٤].

بدلیل شدت گرمی غسل کردن خارج ازمسجد برای معتکف چطور است: سوال: ۲۹۳ اگر معتکف بخواهد فقط غرض سرد ساختن بدن خود غسل کند آیا برون شدن از مسجد برایش

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٥). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٥). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٥). ظفیر

(٤) فلوشرع فی نفله ثم قطعه لایلزمه قضاء لانه لایشترط له الصوم علی الظاهر من المذهب وما فی بعض المعتبرات انه یلزم بالشروع مفرع علی الضعیف قاله المصنف وغیره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۷۹ . ط. س. ج۲ ص ٤٤٤) فلوخرج ولو ناسیا ساعة الخ بلا عذر فسد فیقضیه (درمختار) ای لو واجبا بالنذر اما التطوع لو قطعه قبل تمام الیوم فلا الخ (ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۲ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٧). ظفیر

جائز است یانه ویا اینکه باید در داخل مسجد غسل کند؟

جواب: برای معتکف برون شدن برای غسلی که غرض سرد ساختن بدن باشد درست نیست واگر درداخل مسجد غسل کند حرجی نمی باشد [۱].

درحالت مجبوری کشیدن چلم برای معتکف چطور است: سوال: ۲۹٤ اگر شخصی به چلم معتاد باشد آیا برای جلوگیری از کثرت نفع وباد در حالیکه بدیلی وجود نداشته باشد برای او جائز است که از مسجد خارج گردیده وچلم بکشد یانه؟

جواب: خوردن ونوشیدن معتکفت در داخل مسجد صورت می گیرد لذا بیرون شدن او غرض کشیدن چلم جائز نیست باید دانست که چلم کشیدن درمسجد مکروه بوده لذا باید بخاطر آن اعتکاف ترک گردد زیرا به خاطر ادای سنت ارتکاب مکروه درست نیست [۲].

بودن معتکف درقسمتی ازمسجد که غصب گردیده چطور است: سوال: ۲۹۵ زید بخشی از حویلی ملکیت عمر بکر وخالد را غصب نموده وبه مسجد یکجا کرده که ظاهراً زمین مسجد به نظر می آید توقف بلاضرورت معتکف در آن ویا به خاطر وضو در آنجا نشستن جائز است یانه وآیا با نشستن در اینجا اعتکاف می شکند وقضا واجب می گردد یانه؟

جواب: آشکاراست که جایی غصباً داخل مسجد گردیده مسجد نبوده وبودن در در آنجا درحال اعتکاف برای معتکف مفسد اعتکاف می باشد ودر صورتیکه اعتکاف واجب باشد قضای آن لازم است [۳]. فقط

معتکف چون از مسجد برون شود اعتکاف او باقی نمی ماند: سوال: ۲۹٦ اگر معتکف به اساس ضرورت وظیفه رسمی از مسجد برون شود اعتکافش باقی می ماند یانه؟

جواب: در اینصورت اعتکاف باقی نمانده ومی شکند وتفصیل آن در کتب فقه آمده است. [٤]

---

(۱) وحرم علیه ای علی المعتکف اعتکافا واجبا اما النفل فله الخروج الخ الخروج الا لحاجة الانسان طبعية كبول وغائط وغسل لو احتلم ولا يمكنه الاغتسال في المسجد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٤) . ظفير

(۲) ليفهم منه حكم النبات الذى مشاع في زماننا المسمى بالتتن فتنبه وقد كرهه شيخنا العمادى في هديته الحاقا له بالثوم والبصل بالاولى (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الاشربة ٤۰۷ ج ٥)

(۳) فلوخرج ولو ناسيا ساعة زمانية بلا عذر فسد فيقضيه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ج۲ ص ۱۸۲ ج۲ ص ٤٤۷). ظفير الدين غفر الله له

اگر شخصی پس گذشتن از شب بیستم اعتکاف را شروع چه حکم دارد: سوال: ۲۹۷ اگر معتکف بعد از گذشتن بخشی از شب بیستم داخل اعتکاف شود آیا سنت دهه اخیر اداء می شود یانه؟

جواب: در اینصورت اعتکاف کامل عشره اخیره صورت نگرفته وآن سنت پوره اداء نشده است [۱]. فقط

به علت عذر اعتکاف نکردن چطور است: سوال: ۲۹۸ یک مولوی صاحب مسافر بوده واز دوسال قبل در اینجا سکونت می کند بسیار فضایل اعتکاف را بیان می کند وخود اعتکاف نمی نماید ومی گوید که کسی نیست که از خانه من سر پرستی کند در اینجا اقارب وخویشاوندان من نیستند متصل خانه من یک میدانی خالی است زن وفرزندان من بسیار می ترسند وگاهگاهی سنگریزه درحویلی مامی افتد این عذر مولوی صاحب قابل قبول است یانه ؟

جواب: بدلیل عذرهای مذکور ترک اعتکاف کناه نبوده وموجب ملامت نیز نمی باشد در الدر المختار امده: (وسنة مؤكدة في العشر الاخير من رمضان اى سنة كفاية لاقترانها بعدم النكار على من له يفعله من الصحابة) [۲].

اعتکاف عشره اخیر رمضان واجب است یا نفل: سوال: ۲۹۹ اعتکاف عشره اخیر رمضان واجب است یا نفل؟

جواب: اعتکاف عشره اخیر رمضان المبارک سنت مؤکد کفایی بود که از واجب ونفل از هر دو فرق داشته وچیز علیحده ای می باشد طوریکه شامی انرا بیان نموده است [۳].

برای معتکف فصیل مسجد درصحن داخل است یانه: سوال: (۳۰۰) برای اعتکاف کننده فصیل مسجد در صحن مسجد داخل است یانه؟

---

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ج۲ ص ۱۸۲. ظفير

(۱) وسنة مؤكدة في العشر الاخير من رمضان (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ج۲ ص ۱۷۷ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤۲)
وعند الائمة الاربعة انه يدخل قبل غروب الشمس ان اراد اعتكاف شهر اوعشرا (مرقات باب الاعتكاف ج۲ ص ۵۷۰) . ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ج۲ ص ۱۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤۹. ظفير

(۳) وسنة مؤكدة في العشر الاخير من رمضان اى سنة كفاية الخ لاقترانها بعدم الانكار على من لم يفعله من الصحابة (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ج۲ ص ۱۷۷ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤۲) . ظفير

جواب: در این مورد نیت بانی مسجد اعتبا دارد اگر او فصیل را داخل مسجد شمرده باشد داخل بوده ودر غیر آن خارج شمرده می شود فصیلی که بافرش مسجد متصل باشد داخل بوده وفصیل طرف دیگر خارج شمرده می شود.

اگر کسی درشب بیست وبه اعتکاف بنشینند چه حکم دارد: **سوال**: ۳۰۱ کسیکه در شب بیست ویکم سحري را خورده وکمی پیش از طلوع صبح صادق به نیت اعتکاف داخل مسجد شود اعتکاف او صحیح است یانه زمین احاطه مسجد درمسجد داخل است یانه وبرای معتکف از خود مسجد بدون ضرورت برون شدن ودر صحن مسجد نشستن جائز است یانه؟

جواب: سنت آن است که قبل از غروب بیستم داخل مسجد شود اما اگر بعداً نیت نموده وداخل مسجد گردد صحیح بوده اما در اینصورت فضلیت عشره کامله حاصل نمی گردد پیامبر (ﷺ) عشره کامله را اعتکاف نموده که با آغاز قبل از شام بیستم تکمیل می گردد [1] خلاصه در صورت مسئوله اعتکاف درست می باشد لفظ مسجد صرف بر داخل مسجد اطلاق می گردد وهمان شرعاً مسجد می باشد وبرای معتکف جائز نیست که از آن تجاوز نماید واگر از آن برون شود اعتکافش باطل می گردد وبرای معتکف مناسب نیست که جنگ کند ویا سخنان زشت بگوید وفقها نوشته اند که غیر از اسخنان پسندیده صحبت کردن برای معتکف مکروه تحریمی می باشد زیرا از یکسو درمسجد بدون اعتکاف گفتن چنین سخنان مجاز نمی باشد وپس از اعتکاف باید احتیاط بیشتر نمود در الدر المختار آمده: (وکره تحریماً تکلم الا بخیر وهو ما لا اثم فیه) [2] برای معتکف مناسب است که به تلاوت قرآن مجید وغیره مشغول باشد چون هدف اصلی اعتکاف رجوع بسوی خداوند عز وجل می باشد در بحر آمده: (قالوا ویلازم قراة القران والحدیث والعلم والتدریس وسیر النبی (ﷺ) وقصص الانبیاء وحکایات الصالحین وکتابة امور الدین) [3].

---

(۱) وسنة مؤكدة فی العشر الاخیر من رمضان ای سنة کفایة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۷۷ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٢) وعند الائمة الاربعة انه یدخل قبل غروب الشمس ان اراد اعتکاف شهر او عشر (مرقات باب الاعتکاف ج۲ ص ۵۰۷ ، ط. س. ج۲ ص ۵۷۰). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٩. ظفیر

آیا معلم می تواند در حال اعتکاف در مسجد درس بدهد: سوال: ۳۰۲ الف: آي معلم می تواند در حال اعتکاف به شاگردان درس دهد یانه؟

آیا معتکف می تواند به حوض رفته وغسل کند یانه: سوال: ۳۰۳ ب: اگر معتکف به حوض برود ووضو کند جائز است یانه واگر در حوض غسل ضروری بنماید چه حکم دارد؟

جواب: الف: در الدر المختار به نقل از وهبانیة آمده: (ویفسق معتاد المرور بجامع ومن علم الاطفال ویوزر قوله ومن علم الاطفال الذی فی القنیة انه یاثم ولایلزم منه الفسق ولم ینقل عن احد القول به ویمکن انه بناه علی انه بالاصرار علیک یفسق افادة الشارح قلت بل فی التتار خانیة عن العیون جلس معلم او وراق فی المسجد فان کان یعلم او یکتب باجره یکره الاضرورة) ودرس خلاصه آمده: (تعلیم الصبیان فی المسجد لاباس به لکن استدل فی القنیة بقوله (ﷺ) جنبوا مساجدکم صبیانکم ومجانینکم) [1] خلاصه راجح آن است که تعلیم اطفال در مسجد بدون ضرورت مکروه بوده وممکن است که توسط (الا لضرورة) معتکف مستشنی قرار داده شود.

ب: در حالت مذکور برای معتکف جائز نیست که از مسجد برون شده ودر حوض وضوء کند وبه غیر ازغسل ضروری رفتن به خاطر غسل دیگری نیز به آنجا درست نیست چنانچه از عبارت الدر المختار وشامی چنین چیزی فهمیده می شود (کبول وغائط وغسل لو احتلم ولایمکنه الاغتسال فی المسجد) قوله ولایمکنه من غیر ان یتلوث الجسد فلا باس به) [2].

برون آمدن معتکف برای جان شستن وغیره چطور است: سوال: ۳۰۴ الف: اگر معتکف بدون عذ ی از مسجد برون گردد آیا خللی دراعتکاف او روی میدهد یانه وبرای او برون آمدن برای وضو ویا غسل چطور است؟

آیا اعتکاف تواند از ده روز کمتر باشد: سوال: ۳۰۵ ب: آیا اعتکافت می تواند از ده روز کمتر باشد یانه؟

اگر شخصی از یک قریه درقریه دیگر اعتکاف کند سنت کدام قریه اداء می شود: سوال: ۴۰۶ ج: اگر شخصی ازقریه به قریه دیگررفته ودرآن اعتکاف کند سنت کفایه ازاهالی کدام قریه

---

(۳) یکره تحریما صمت الخ کقراءة وتکلم الا بخیر کالقرآن والحدیث والعلم والتدریس فی سیر الرسول ﷺ وقصص الانبیاء (ع) وحکایات الصالحین وکتابة امور الدین (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٩). ظفیر

(۱) ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ج ٥ ص ۳۷۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۸. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٥. ظفیر

ساقط خواهد واهالی کدام یک از آن دو قریه باید سنت اعتکاف را اداء نمایند؟

جواب: الف: اگر اعتکاف نذر باشد باطل می گردد واگر اعتکاف نفل باشد باطل نمی شود زیرا فقها در اعتکاف واجب خروج از مسجد را حرام نوشته ودر اعتکاف نفل آنرا مباح گفته اند طوریکه درالدر المختار آمده: (وحرم علیه ای علی المعتکف اعتکافاً واجباً (اما النفل فله الخروج لانه منه له لامبطل) الخروج الا لحاجة الانسان ودر شامی آمده (وقوله اما النفل ای الشامل للسنة المؤکدة) [1] ودر آن همچنان آمده: (لو شرع فی المسنون اعنی العشر الا واخر) [2] و در خلاصه آمده: لو اعتکف الرجل من غیر ان یوجب علی نفسه ثم یخرج من المسجد لاشی علیه) ص ۲۷۲ ج ۱ از عبارت مذکور ثابت گردید که در اعتکاف نفل خروج از مسجد مبطل نبوده بلکه منهی می باشد همچنان واضح گردید که اعتکاف مسنون آن است که در دهه اخیر رمضان انجام می شود همچنان این نکته نیز روشن شد که خروج دراعتکاف مسنون مانند خروج در اعتکاف نفل می باشد وآن اینکه خروج درآن حرام ومبطل نبوده بلکه منهی می باشد البته اگر چنین خروجی از پیامبر ﷺ ثابت نباشد خلاف طریقه مسنون خواهد بود در اعتکاف واجب اگر ضرورت غسل پیش آید ودر داخل مسجد امکان نباشد خروج ازمسجد غرض غسل جائز بوده وحکم وضو نیز چنین است.

ب: اعتکاف مسنون از ده روز کمتر نمی باشد طوریکه در شامی آمده: (والحاصل ان الوجه یقتضی لزوم کل یوم شرع فیه عندهما بنا علی لزوم صومه بخلاف الباقی لان کل یوم بمنزله شفع من النافلة الرباعیة وان کان المسنون هو اعتکاف العشر بتمامه تامل) [3] واعتکاف نفل غیر از اعتکاف مسنون رمضان برای یک ساعت نیز می تواند باشد طوریکه در الدر المختار آمده ومطابق آن فتوی نیز داده شده است.

ج: جواب سوال سوم آن است که از عبارات فقها چنین به نظر می آید که اعتکاف از ذمه مردم قریه ای ساقط گردیده که شخص در آن اعتکاف کرده است زیرا مطابق آنچه مشهور است اعتکاف سنت کفایی می باشدکه به مردم هر قریه تعلق دارد پس طوریکه با ترک آن همان مردم

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٤. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٤. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٤. ظفیر

گناهگار می شوند بانجام آن همان مردم بری می گردند.

در جامع الرموز آمده: (وقیل سنة علی الکفایة حتی لو ترک فی بلدة لاساوا) ص ١٦٤ از این عبارت واضح می گردد که اگر یک شخص اجنبی در قریه ای معتکف شود متروک بودن اعتکاف در آن قریه صدق نمی کند که لزوماً به معنای ادای سنت از طرف مردم مذکور می باشد.

با اجوره کسی را به اعتکاف نشاندن جائز نیست چون در عبادت اجوره گرفتن واجوره دادن جائز نمی باشد طوریکه این موضوع بصورت مشرح در فصل جنائز واجازات شامی آمده است اگر بدون تعیین اجوره کسی اعتکاف کند واجوره دادن در آنجا مشهور نباشد جائز بوده ودرحکم معروف داخل است.

درحالت اعتکاف رفتن به مسجد دیگری غرض قرائت قرآن درست است یانه: سوال: ۳۰۷ زید همیشه در دهه اخیر رمضان اعتکاف می کند امسال چنان وضعی پیش آمده که مجبور است به منزل نواب صاحب رفته ودرنماز تراویح قرآن شریف بخواند آیا اینکار جائز است یانه؟

جواب: اگر هنگام آغاز اعتکاف نیت کرده باشد که غرض خواندن قرآن شریف در نماز تراویح خواهم رفت جائز است [1].

در حال اعتکاف کار کردن درپسته خانه چطور است: سوال: ۳۰۸ من کار مند پسته خانه می باشم آیا می توانم در حال اعتکاف بدون آنکه به زبان حرفی بزنم کار کنم؟

جواب: بودن درمسجد برای اعتکاف کننده ضرور است وبدون آن اعتکاف صورت نمی گیرد در الدر المختار آمده: (فاللبث هو الرکن والسکون فی المسجد وحرم علیه ای علی المعتکف الخروج الا لحاجة الانسان طبیعة کبول وغائط وغسل ولو احتلم او شرعیة کعید واذان لو مؤذناً وباب المنارة خارج المسجد والجمعة وقت الزوال) [2] از این روایت معلوم گردید که بودن در مسجد برای اعتکاف کننده ضرور می باشد وخارج شدن برای بول غائط غسل جنابت (در صورت وقوع احتلام) ونماز جمعه برایش جائز بوده لذا به اساس ضرورت انجام کار پسته خانه

---

(۱) قوله شرط وقت النذر والالتزام ان یخرج الی عیادة المریض وصلاة الجنازة وحضور مجلس العلم یجوز له ذالک کذافی التارخانیة (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب سابع ج۱ ص ۱۹۹ ، ماجدیه ج۱ ص ۲۱۲). ظ

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاعتکاف ج۲ ص ۱۷۷ وص ۱۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٠. ظفیر

در داخل مسجد ودر صورت ضرورت صحبت زبانی در مورد جائز است [۱] اما خارج شدن از مسجد به دلیل کار پسته خانه مفسد اعتکاف می باشد ودر حالت اعتکاف خاموش بودن ضروری نبوده البته کار بیهوده وبدون ضرورت مکروه می باشد ووعظ واداى نماز جماعت بدون هیچ شبهي براى معتكف جائز بلكه موجب اجر وثواب است [۲].

سوال: کسیکه به علت بیماری اعتکاف در دهه اخیر رمضان را شکسته اکنون چه کند:

۳۰۹ شخصی در عشره اخیر رمضان اعتکاف نمود اما در میان آن بیمار شد واعتکاف را شکست اکنون صحت یاب گردیده اعتکاف مذکور را قضایی به جا آرد یانه وروزه را نیز قضایی بگیرد یانه؟ در مریضی اوپنج روزه قضا گردیده با اعتکاف روزه های مذکور اداء می شود یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (وشرط الصوم الصحة الاول اتفاقاً فقط على المذهب قوله لصحة الاول اى النذر شامی) [۳] فلو شرع فی نفله ثم قطعه لايلزمه قضاه لانه لايشترط له الصوم على ظاهر من المذهب اما النفل فله الخروج) [۴] قوله اما النفل اى الشامل للنسة المؤكدة طحطاوى) [۵] از روایات مذکور ظاهر است که قضای اعتکاف عشره اخیر رمضان لازم نمی باشد علامه شامی اختلاف دانشمند محقق ابن همام را نیز در این مورد نقل نموده اما حکم اکثر متون وشروح آن است که اعتکاف عشره اخیر رمضان واجب نبوده وقضا در غیر از واجب لازم نمی باشد واگر چه پس آغاز نفل نیز لازم می گردد اما در اعتکاف همان قدر واجب می شود که حد اقل نفل است بهر حال مقتضی روایات مذکور آن است که قضا اعتکاف وفقط پنج روزه لازم می باشد.



(۱) وخص المعتكف باكل وشرب ونوم وعقد احتاج اليه لنفسه اوعياله فلو لتجارة كره الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ج۲ ص ۱۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٨). ظفير

(۲) الا بخير وهو مالا اثم فيه الخ كقرائت القرآن وحديث وعلم وتدريس فى سير الرسول ﷺ وقصص الانبياء وحكايات الصالحين وكتابة امور الدين (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج۲ ص ٤٤٩). ظفير

(۳) ردالمحتار باب الاعتكاف ص۱۷۷ ج۲.

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاعتكاف ص ۱۵۸ ج۲.

(۵) ردالمحتار باب الاعتكاف ص ۱۸۰ ج۲.

کتاب الحج

فصل اول

فرضیت حج وکیفیت ادای آن

آیا فروش اراضی جهت رفتن به حج ضرور است یانه: سوال: ۱ شخصی پول نقد نداشته اما آنقدر اراضی دارد که اگر بخشی از آنرا بفروشد مصارف سفر بیت الله ومخارج خانواده او را تا باز گشتن کفایت می کند آیا بر شخص مذکور حج فرصت است یانه؟

جواب: اگر اراضی او آنقدر باشد که عواید وپیداوار آن از مخارج سالانه عیال او زیاده نباشد حج بر او فرض نبوده وفروش زمین غرض حج کردن بر ذمه اولی لازم نیست [1].

صا حب استطاعت اول کار نیکی را انجام دهد یانخست حج کند: سوال: ۲ زید می گوید که من اراده دارم که اگر خداوند متعال مرا مالی بدهد با برادران خود معاونت خواهم کرد (برادرانش فقیر اند) وچون ثروت بیشتری بیابم چاه ومسجد خواهم ساخت اگر خداوند به او مالی بدهد نخست حج کند یا به برادران خود معاونت نماید ویا اینکه برای مسجد چاه حفر کند؟

جواب: وقتی که رقم مورد ضرورت نزد او جمع گردد وحج فرض گردد نخست حج برود وباز با برادران خود کمک کند وپس از آن مسجد جاه وغیره بسازد [2] زیرا در حدیث روایت گردیده (خطبنا رسول الله (ﷺ) فقال ایها الناس قد فرض علیکم الحج فحجوک) مشکوة ص ۲۲۰.

درموجودیت پول حرام حج فرض می شود یانه: سوال: ۳ نزد شخصی رقمی وجود دارد که برای حج کافی بوده واو آنرا از طریق سود دزدی وغیره بدست آورده است با این پول حج کند یانه واگر حج کند حجش اداء امی شود یانه؟

---

(۱) هوفرض علی مسلم حر صحیح بصیر ذی زاد فضلا عما لابد منه الخ وحرر فی النهر انه یشترط بقاء راس مال لحرفة (درمختار) کتاجرودهقان ومزارع کمافی الخلاصة وراس المال یختلف باختلاف الناس (بحر) قلت والمراد مایمکنه الاکتساب به قدر کفایة وکفایة عیاله لا اکثر لانه لانهایة له (ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۱۹٦ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٥ و٤٥٦). ظفیر

(۲) پس از فرض شدن حج قبل ادای آن ضرور می باشد وچیزهای دیگر پس از آن قرار دارد چنانچه درحدیث آمده: (عن ابی هریرة قال سئل رسول الله ﷺ ای العمل افضل قال الایمان بالله ورسوله قیل: ثم ماذا قال: الجهاد فی سبیل الله، قیل: ثم ماذا قال حج مبرور، متفق علیه (مشکوة کتاب المناسک ص ۲۲۱). ظفیر

جواب: حج فرض بوده وادا می شود ورقمی راي از مردم بطور ناجائز گرفته بخود آنها یا ورثه ایشان مسترد نماید یا اینکه آنها عفو کنند ودر صورتیکه یافتن اشخاص مذکور وورثه ایشان ممکن نباشد صدقه دهد [۱].

کسیکه خانه ندارد اما استطاعت دارد اول حج کند یا خانه بسازد: سوال: ٤ ما منزل مسکونی نداریم رقمی را که نزد ما موجود است خانه بسازیم یا اینکه حج بر ما فرض است؟

جواب: چون رقم به اندازه مخارج حج موجود باشد حج فرض بوده وساختن منزل ضروری نمی باشد [۲].

گروکردن جایداد وبا پول آن حج کردن چطوراست: سوال: ٥ من می خواهم به حج بروم اما رقم نقد ندارم البته اراضی وجایداد دارم آیا می توانم جایداد مذکور را بهرو نموده وبا رقم آن به حج بروم یانه؟

جواب: اگر حج فرض شده باشد می توان قرض نموده وبه حج رفت [۳] وگرو کردن به شکلی که نفع آن به گرو دهنده برسد جائز نبوده واگر منافع زمین را گرو دهنده نگیرد درست است [٤]. فقط

گدایی کردن وباپول آن حج رفتن چطور است: سوال: ٦ گدایی کردن وتوسط آن حج رفتن جائز است یانه؟

---

(۱) وقد يتصف بالحرمة كالحج بمال حرام (درمختار) فقد يقال: إن الحج نفسه الذي هو زيارة مكان مخصوص الخ ليس حراما، بل الحرام هو إنفاق المال الحرام، ولا تلازم بينهما، كما أن الصلاة في الارض المغصوبة تقع فرضا الخ قال في البحر: ويجتهد في تحصيل نفقة حلال، فإنه لا يقبل بالنفقة الحرام كما ورد في الحديث، مع أنه يسقط الفرض عنه معها الخ (ردالمحتار كتاب الحج مطلب في من حج بمال حرام ج۲ ص ۱۹۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٦). ظفير

(۲) هو فرض بشرط حرية وبلوغ وعقل وصحة وقدرة وزاد وراحلة وفضلت عن مسكنه وعما لا بد منه (كنز) وفي قوله وما لا بد منه اشارة الى ان المسكن لا بد ان يكون محتاجا اليه للسكنى فلا تثبت الاستطاعة بدار يسكنها الخ (البحر الرائق ج۲ ص ۳۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۱۱) وكذا لو كان عنده ما لو اشترى به مسكنا وخادما لايبقى بعده مايكفي للحج لايلزمه. خلاصه (درمختار) والذي رأيته في الخلاصة هكذا: وإن لم يكن له مسكن ولا شئ من ذلک وعنده دراهم تبلغ به الحج وتبلغ ثمن مسكن وخادم وطعام وقوت وجب عليه الحج، وإن جعلها في غيره أثم اهـ لكن هذا إذا كان وقت خروج اهل بلده كما صرح به في اللباب، أما قبله فيشتري به ما شاء لانه قبل الوجوب (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۱۹۷ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦۲). ظفير

(۳) قوله وسعه ان يستقرض ويحج اى جاز ذالک وقيل يلزمه الاستقراض (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۱۹۲ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥۷). ظفير الدين غفر الله تعالى له

(٤) يكره للمرتهن ان ينتفع بالرهن وان اذن له الراهن وعليه يحمل ماعن محمد عن اسلم من انه لايحل للمرتهن ذالک ولو بالاذن (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب التصرف في الرهن ج٥ ص ٤٦۲ ، ط. س. ج۲ ص ٥۲۲). ظفير

جواب: جائز نیست [۱].

شخصی ثروت خود را درعروسی پسر خویش مصرف کرد وسپس مالی بدست نیاورد درمورد اوچه حکمی وجود دارد: **سوال**: ۷ نزد شخصی آنقدر مال وجود داشت که می توانست توسط آن حج کند اما او حج نکرد ورقم مذکور را در عروسی پسر خویش به مصرف رساند اکنون او مفلس است واگر تمام عمر مفلس باقی بماند ومالی بدست نیاورد ووفات کند آیا او تارک حج وگنهگار می میرد؟

جواب: حج بر او فرض شده بود اگر بدون حج بمیرد تارک حج مفروض بوده وگنهگار است [۲]. فقط

اگر کسی فقط مخارج رفتن به مکه را داشته باشد نه ازمدینه را حج براو فرض است یا نه: **سوال**: ۸ اگر نزد شخصی آنقدر رقم باشد که فقط می تواند به مکه رفته وحج کند اما نمی تواند به مدینه برود حج بر او فرض است یانه ویا اینکه انتظار کند تا مخارج رفتن به مدینه منوره را نیز بدست آورد؟

جواب: حج بر او فرض گردیده ونباید انتظار بکشد [۳].

شخصی ثروتمند به حج برود یابرای فرزندان خود عروسی کند: **سوال**: ۹ اگر شخصی آنقدر پول داشته باشد که بتواند حج کند وعیالدار نیز باشد ازدواج فرزند انش براو واجب می باشد یا حج گردن؟

شخصی که ۳۵۰ روپیه دارد حج بر او فرض است یانه: **سوال**: ۱۰ شخصی مبلغ ۳۵۰ روپیه دارد حج براو فرض است یانه چون رقم مذکور ناکافی به نظر می رسد اراده دارد که با آن

---

(۱) واما القدرة على الزاد والراحلة فالفقهاء على انه من شرط الوجوب فلا وجوب اصلا يتعلق بالفقير لاشتراط الاستطاعة في اية الحج (البحر الرائق كتاب الحج ج۲ ص ۳۳۵) ودر حدیث شریف آمه که سوال ذل است وحضرت ابوذر (ﷺ) گوید: امرنی خلیلی بسبع، امرنی بحب المساكين الخ وامرنی ان لا اسأل احدا شيئا. (مشكوٰة باب فضل الفقر ص ٤٤٩). ظفير

(۲) هو (ای الحج) فرض الخ مرة الخ على الفور عند الثانی الخ ولذا اجمعوا انه لو تراخى كان اداء ويأثم بموته قبله (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۱۸۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٥ و٤٥٦). ظفير

(۳) هو فرض مرة الخ على الفور للعام الاول عند الثانی الخ على مسلم الخ مكلف الخ عما لابدمنه كما مر في الزكوٰة الخ (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۲۸۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٦). ظفیر جواب اين سوال درکتاب نوشته نشده وبه گمان غالب درمراحل طبع مفقود گردیده است اما از مجموع فتاوی که دراین مورد درکتاب وجود دارد می توان حکم کرد که حج فرض بوده وقبل از پرداختن به مسئله از دواج فرزندانش خویش باید حج کند. (مترجم). ظفیر

چاهی حفر کند در این مورد چه حکمی وجود دارد اگر رقم ناکافی باشد انتظار سال آینده را بکشد یانه؟

جواب: اگر این سخن متحقق گردد که رقم مذکور برای رفتن به مکه وقیام در انجا وباز گشت کافی می باشد حج بر او فرض گردیده زیرا در مصارف حج مسأله رفتن به مدینه منوره مدنظر نمی باشد واگر متحقق گردد که برای رفت وآمد مکه نیز کافی نمی باشد اصلاً حج بر اوفرض نشده است در اینصورت صرف رقم مذکور را در کار خیر دیگری مثلاً حفر چاه وغیره درست بوده ودرصورت فرض نبودن حج انتظار سال آینده لازم نمی باشد [1].

شخصی ششصد روپیه دارد حج کند یا برای خود خانه بسازد: سوال: ۱۱ شخصی مبلغ ششصد روپیه داشته واز سه سال به اینطرف اراده رفتن به حج را دارد وشخص مذکور دارای خانه مسکونی مطابق شریعت نیز نمی باشد پس شخص مذکور دراین حالت چه کند برای خود خانه بسازد یا به حج برود؟

جواب: اگر ششصد روپیه مخارج حج او ومخارج خانواده اش تا بازگشت او را کفایت کند حج بر اوفرض بوده وباید حج را اداء کند [2].

اگر تنها مخارج رفتن به مکه را داشته باشد نه از مدینه راحج کند یانه: سوال: ۱۲ والده من زنده بوده وبسیار دلش می خواهد که به حج برود او می گوید یامرا همراه خود حج ببر و یاپس از مرگ من از طرف من حج کن اگر من با او بروم انقدر رقم نزد ما نیست که هر دو تا مدینه منوره برویم البته می توانیم به مکه معظمه برویم در اینصورت من چه کنم؟

جواب: اگر آنقدر رقم وجود باشد که هر دوبتوانید به مکه معظمه بروید حج فرض بوده والده خود را گرفته وبه حج بروید تا فرض اداء شود [3].

حج مقدم است یاتعمیر مسجد: سوال: ۱۳ زید صاحب نصاب بوده ومسجد اونیز خراب می

---

(۱) علی مسلم الخ ذی زاد الخ وراحلة الخ فضلا عما لابد منه وفضلا عن نفقة عياله الخ الی حين عوده الخ (الدر المختار) قوله ذی زاد افاد انه لايجب الا بملک الزاد وملک اجرة الراحلة (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۱۹۳ وج۲ ص ۱۹٤ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٨ و٤٥٩) به سنه ۱۳۳۷ هـ ق باسه ونیم صد روپیه حج ممکن بوده ومقدار مخارج حج درهر وقت فرق می کند.

(۲) علی مسلم الخ ذی زاد الخ راحلة الخ وفضلا عن نفقة عياله الخ الی حين عوده (الدر المختار علی هامش ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۱۹۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٨). ظفیر

(۳) فرض علی حر الخ مكلف الخ ذی زاد الخ وراحلة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۱۹٤، ط. س. ج۲ ص ٤٥٥ و٤٥٧). ظفیر

باشد پس نخست حج کند یا مسجد را تعمیر نماید او نیت هر دو کار را نموده اما رقم نزد او آنقدر کم است که فقط برای یکی از این دوکار کافی می باشد؟

جواب: حج فرض است پس نخست باید حج کند پس از آن اگر گنجایشی باشد مسجد را آباد نماید که کار ثواب است [1].

پولی که شوهر برای زن خود داده ملکیت زن بوده واگر برای کافی باشد حج کند:

سوال: ۱٤ زنی را شوهر وپسرش ماهوار هفت روپیه می دادند زن مذکور بسیار کم خرج نموده وبرای حج رقمی را ذخیره کرده است اکنون شوهر او وفات نموده پولی را که زن مذکور برای حج جمع نموده بود ملکیت خودش است یا از پسرش؟

جواب: پولی را که شوهر وپسر زن مذکور برایش داده اند ملکیت خودش بوده واگر رقم مذکور آنقدر باشد که برای سفر حج خودش ومحرمش کفایت کند حج بر ذمه زن مذکور فرض می باشد پس باید همراه بامحرم خود به حج برود [2].

حج چه وقت فرض می شود وآیا زن می تواند بدون محرم به حج برود یانه: **سوال**:

۱۵ رفتن زن بدون محرمی به حج جائز است یا ناجائز وحج چه وقتی بر زن وچه وقتی بر مرد فرض می شود؟

جواب: رفتن زن به حج بدون محرم ویا شوهر درست نمی باشد وحج بر زن وقتی فرض می شود که آنقدر پول نزدش موجود باشد که برای مخارج خودش ومحرمش کفایت کند [3] وحج بر ذمه مرد وقتی فرض می گردد که آنقدر رقم داشته باشد که بر علاوه مخارج حجش مخارج خانواده اش الی باز گشت او را ازحج کفایت نماید واگر قرضدار باشد همه را اداء بتواند [4].

---

(۱) فرض مقدم می باشد: (هو فرض علی الفور فی العام الاول عند الثانی واصح الروایتین عن الامام ومالک واحمد فیفسق ورد شهادته بتاخیره الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۱۹۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٦)، ظفیر

(۲) ویعتبر فی المرأة ان یکون لها محرم تحج به الخ ونفقة المحرم علیها لانها تتوسل به الی اداء الحج (هدایه کتاب الحج ج۱ ص ۲۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٤)، ظفیر

(۳) ومنها المحرم للمرأة شابة کانت اوعجوزا اذاکان بینها وبین مکة مسیرة ثلاثة ایام الخ وتجب علیها النفقة والراحلة فی مالها للمحرم لحج بها (عالمگیری مصری کتاب المناسک باب اول ج۱ ص ۲٦٤)، ظفیر

(٤) ومنها القدرة علی الزاد والراحلة الخ وتفسیر ملک الزاد والراحلة ان یکون له مال فاضل عن حاجة وهو ما سوی مسکنه ولبسه وخدمه واثاث بیتا قدرما یبلغه الله الی مکة ذاهبا وجائیا راکبا . لا ماشیا وما سوی ما یقضی به دیونه ویمسک لنفقة عیاله ومرمه ومسکنه ونحود الی وقت انصرافه کذا فی محیط السرخسی ویعتبر فی نفقته ونفقة عیاله الوسط من غیر تبذیر ولا تقتیر کذا فی التبیین (عالمگیری مصری کتاب المناسک باب اول ج۱ ص ۲۰۳ ، ماجدیه ج۲ ص ۲۵۷)، ظفیر

اگر زنی باغیر محرم حج را ادا کند فرض ساقط می شود یانه: سوال: ۱۶ زنی همراه با شخص غیر محرمی حج را اداء نمود فرضی که بر ذمه او بود ساقط شده است یانه وگناه سفر با نامحرم بر ذمه او است یانه؟

جواب: حج او اداء شده است وفرض ساقط گشته وگناه سفر با نامحرم بر گردن او می باشد توبه واستغفار کند در الدر المختار آمده (ولوحجت بلا محرم جاز مع الکراهة)[1].

اگر کسی در حالیکه مادرش ناراض باشد به حج برود درحجش نقصی روی نمی دهد:

سوال: ۱۷ شخصی نافرمانی مادر خود را نمود ودر حالیکه مادرش از او ناراض بود به حج رفت وچون باز گشت نیز عفو نخواست اکنون مادر او وفات نموده آیا در حج او فرقی آمده است یانه؟

جواب: حج این شخص اداء شده زیرا حج عبادت مستقلی می باشد که با اداء کردن اداء می گردد اما گناه ناراضی بودن مادر که بر گردن او می باشد اکنون فقط با توبه استغفار وایصال ثواب جبران خواهد شد زیرا ایصال ثواب یگانه وسیله ای است که روح میت را خرسند ساخته وبرای او نفع رساند[2].

اگر شخصی را معالجش به گمان رسیدن ضرر ازحج باز دارد چه کند: سوال: ۱۸ زید به اساس استطاعت خود اماده است که به حج برود اما طبیبان معالج برایش چنین نظر می دهند که سفر دریا مضر خواهد بود از سوی دیگر بسیاری از مردم به علت حکومت ابن سعود نجدی به نرفتن حج رای میدهند آیا صحیح است یانه؟

جواب: کسانیکه به علت حکومت ابن سعود نجدی به نرفتن حج ونکردن حج رای میدهند از راه ثواب دور بوده ودر غلطی بسیار بزرگی اند زیرا حکم صریح خداوند است: (ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا)[3] ایشان با این حکم صریح مخالفت می کنند وبر کسیکه حج فرض بوده تندرست بوده وتوانایی وقدرت حج را داشته باشد حج فرض است وباید حج کند وبه اساس قول طبیب که سفر دریا برایت مضر خواهد بود نباید حج را ترک کرد[4].

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۲۰۰، ط. س. ج۲ ص ٤٦٥ ظفیر

(۲) فیتصف بالحرمة کالحج بمال حرام وبالکراهة کالحج بلا اذن ممن یجب استیذانه (درمختار) قوله ممن یجب استیذانه کاحد ابویه المحتاج الی خدمته الخ (ردالمحتار کتاب الحج ط. س. ج۲ ص ٤٥٦). ظفیر

(۳) سورة آل عمران (۱۰) . ظفیر

کسیکه زکات نمی دهد رفتن او به حج چطور است: سوال: ۱۹ کسیکه صاحب نصاب بوده مگر زکات نمی دهد اما برای رفتن حج آماده می باشد رفتن او به حج چطور است؟

جواب: اگر شخصی یک فرض را اداء ننماید وفرض دیگری را اداء کند ظاهر است که فرضی را که اداء نموده اداء شده وفرضی را که اداء نموده گناه آن بر گردنش می باشد لذا حج شخص مذکور اداء می گردد.

به علت تسلط حکومت ابن مسعود حج درست است یانه: سوال: ۲۰ پس از تسلط شاه ابن سعود در سرزمین حجاز کاملاً امن وامان است چنانچه تصدیق آنرا کسانیکه امسال به حج رفته اند می نمایند اما عده ای از مردم به علت اعلان تسلط حکومت ابن سعود بر حجاز به التوای حج مشوره می دهند که تا وقتیکه حکومت ابن سعود از حجاز اخراج نگردد وقبه هایی که تخریب گردیده اند دوباره اعمار نگردند نباید به حج رفت آیا این مشوره شرعاً درست است یانه ودر صورتیکه درست نباشد حضراتی که حج بر ایشان فرض است صرف به این مشوره عمل نموده ودر ادای فرض تأخیر نمایند واگر در همین وقفه خدای ناخواسته بمیزند نزد خداوند ماخوذ خواهند بود یانه؟

جواب: این مشوره مانعین حج صحیح نیست وکسانیکه چنین مشوره مي دهند عاصی می باشند التوای فریضه حج به هیچ وجهی دراین صورت جائز نیست وبر مردمی که حج فرض می باشد اگر بدون حج ویا بدون وصیت به حج فوت کنند نزد خداوند ماخوذ خواهند بود ومستحق وعیدی خواهند بود که در حدیث شریف آمده است که بر کسیکه حج فرض شد واو حج را اداء ننمود ووفات کرد یهودی ویا نصرانی مرده وخداوند پروای او را ندارد [1] العیاذ با لله

شخصی هنگام انجا وظیفه قبل از وجوب حج یکبار حج کرده ایا اکنون که صاحب استطاعت شده دوباره حج کند: سوال: ۲۱ شخصی هنگام انجام وظیفه به حج رفت وچند سال بعد صاحب نصاب گردید آیا دوباره بر او حج فرض است یانه؟

---

(٤) الحج واجب على الأحرار البالغين العقلاء الأصحاء إذا قدروا على الزاد والراحلة فاضلا عن المسكن وما لا بد منه وعن نفقة عياله إلى حين عوده وكان الطريق آمنا بالوجوب وهو فريضة محكمة ثبت فرضيته بالكتاب وهو قوله تعالى: {ولله على الناس حج البيت} [آل عمران: ۹۷] الآية (هدايه كتاب الحج ج۱ ص ۲۱۳). ظفير

(۱) عن علي قال رسول الله ﷺ من ملک زاداً وراحلة تبلغه الى بيت الله ولم يحج فلا عليه ان يموت يهوديا او نصرانياً الحديث (مشكوة كتاب الحج فصل ثاني ج۲ ص ۲۲۲). ظفير

جواب: دوباره بر اوحج فرض نمی باشد وحج فرض اداء شده است.[۱]

در حالیکه والی حجاز تحت تاثیر پادشاهان کفار مشرک قرار دارد حج جائز است یانه:

سوال: ۲۲ در حالیکه کفار ومشرکین برخانه کعبه وجزیرة العرب دارای نفوذ بوده وحکومت آنجا به اساس اشاره ایشان حرکت می کند آیا در این حالت حج جائز است؟

جواب: در اینصورت حج فرض می باشد پس بر مردمی که حج فرض است باید ضروراً حج کند خداوند متعال فرموده است: (ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا)[۲].

اگرصاحب استطاعت فوراً نکند گنهگار می شود یانه: **سوال**: ۲۳ شخصی توانایی زاد وراحله حج را داشته ودر قلب واراده خود صادق است اما به سبب گردش زمانه در حج او تاخیر واقع می شود آیا به موجب روایت فوراً گناهگار می شود وجوه ذیل از او رفع گناه می نماید یانه اگر در آخر عمر حج را اداء کرد فبها واگر فوت گردید فرض از او ساقط شد یانه ووجه ضعیف مقابل اصح است ووجه ضعیف قول امام محمد (رح) است: (انه علی التراخی) شامی باب الحج ص ۳۲٦ این وجه برای رفع اثم است نه سقوط فرض ووجه ضعیف قول صاحب است: (قیل واختلف في ساقط اذا لم یکن لابد من رکوب البحر فقیل سیقط وقال الکرمانی ان کان الغالب فیه السلامة من موضع حبرت العادة برکوبه یجب والا فلا وهو اصح) شامی باب حج ص ۲۳۳ ووجه قوی در رکوب بحر به سبب گردش سر واستفراق است که برای حجاج روی میدهد ونماز های ایشان قضا می شود پس به روایت ذیل حج از او ساقط مي شود ویا کم از کم رفع کننده گناه تاخیر است یانه صاحب اللباب گوید: (ان منها ای من الشرائط ان یتمکن من اداء المکتوبات فی اوقاتها قال الکرمانی (لانه لایلیق بالحکمة) اگر رأی جناب شما مطابق باشد فبها ودرغیر آن با دلایل قطعی تردید فرمائید.

جواب: گناه تأخیر را ادای حج قبل از مرگ ساقط می کند نه چیز دیگری (ولذا اجمعوا انه لو تراخی کان اداءً (الدر المختار) ویسقط عنه الاثم)[۳] وچون رکوب بحر اولاً وجه ضعیف گفته شد در حقیقت ضعیف وخلاف اصح می باشد پس ازآنچه از رکوب بحر مانند گردش سر وغیره

---

(۱) هو الح فرض الحج مرة لان سبب البیت وهو واحد والزیادة تطوع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب ج۲ ص ۱۹۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٥ و٤٥٦). ظفیر

(۲) سورة آل عمران رکوع ۱۰.

(۳) ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۱۹۲ ج۲ ص ٤٥٧. ظفیر

مرتب است واز جمله لوازم رکوب بحر است چگونه وجه قوی خواهد شد ودر الدر المختار آمده: (والعبرة لوجوبها ای العدة المانعة من سفرها وقت خروج اهل بلدها وكذا سائر الشروط) (۱) واز جمله این شروط است آنچه از شارح لباب نقل کرده اند: (ومنها ان يتمكن من اداء المكتوبات) (۲) پس هنگام خروج از بلد ظاهر است که برای مکتوبات متمکن است وضرورت رکوب بحر وما يترتب عليه مانع از فرضيت نیست پس این وجه را مسقط فرضیت گفتن واز همه کسانیکه رکوب بحر برای ایشان ضروری باشد حج اسلام را ساقط گفتن کار فقیه نیست وباید دانست که کسانیکه رکوب بحر را مانع از فرضیت دانسته اند همین دوران سر دلبدیٔ وغیره گفته اند پس این دوران وغیره را لازم نیست وجه مستقل دانست وچون آن وجه معتبر نباشد این وجه نیز معتبر نیست.

به دلیل جنگ برسر خلافت نباید حج راترک کرد: سوال: ۲٤ امسال من عزم سفر حج دارم اما في علتي جنگی که در مورد خلافت رویداده درّ دل من این خطر ظهور نموده که شاید در ادای ارکان حج نقصان یا فتوری واقع شود وتکالیف ومخارج بسیار آن عبث شود آیا مسأله خلافت به حج کدام نوع ارتباطی دارد یانه ودر صورتیکه خليفة المسلمين وجود نداشته باشد حج درست می شود یانه ؟

جواب: از این وضع هیچ خلل ونقصانی درحج روی نمی دهد شما با علاقمندی ورغبت تمام اراده حج بیت الله را نمودد وبه زیادت حرمین شریفین مشرف شوید (۳).

به علت تسلط شریف مکه درفرضیت حج فرقی واقع نمی شود: سوال: ۲۵ علمای در مورد حج بیت الله شریف می فرمایند که در این هنگام بدلیل آنکه مکه در قبضه شریف می باشد حج ناجائز است آیا این سخن درست می باشد زیرا همشیره وبرادر من امسال اراده رفتن حج را دارند؟

جواب: حج بیت الله بر کسانیکه استطاعت داشته باشند فرصت بوده ودرست نیست که اکنون به علت مذکور حج فرض نباشد ایشان باید بدون هیچ تاملی حج کنند (٤).

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۲۰۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٥. ظفیر

(۲) ردالمحتار کتاب الحج ۲۰۰. ظفیر

(۳) هوفرض مرة علی الفور بشرط حرية وبلوغ الخ وامن طريق (كنز) وحقيقة امن الطريق ان يكون الغالب فيه السلامة (البحر الرائق كتاب الحج ج۲ ص ۳۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۹). ظفیر

آیازن می تواند بدون اجازه شوهر خود حج کند یانه: سوال: ۲۶ آیا زن می تواند بدون رضایت شوهر خود حج کند یانه؟

جواب: می تواند حج فرض را اداء نماید [۱].

در زمان شریف مکه حج ساقط نیست: سوال: ۲۷ اعتراض می شود که خانه کعبه در تسلط غیرمسلمان است ودیگران دار الامن نیست هر چند درظاهر در ادای مراسم مذهبی ممانعتی نمی باشد در این حالت حج ساقط است یانه؟

جواب: در حالیکهِ درحج ممانعتی نیست ودر انجام ارکان آن مزاحمتی صورت نمی گیرد وراه مامون می باشد کسیکه استطاعت زاد وراحله را داشته باشد حج بر او فرض بوده وبه وجه مذکور حج اساقط نیست [۲].

آیا برای ادای حج وجود خلیفه ضرور است: سوال ۲۸ برای ادای حج موجودیت خلیفه ضروری میباشد یانه؟ وتا تقرر خلیفه حج بند است یانه؟

جواب: حج هیچ وقتی بند شده نمی تواند وفرضیت حج بر موجودیت خلیفه موقوف نمی باشد خداوند متعال فرموده است: (ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً) [۳] پس با استطاعت راه واستطاعت زاد وراحله حج فرض گردیده وشروط دیگری از قبیل امن بودن وغیره که فقها نوشته اند نیز در جمله استطاعت راه داخل می باشد.

ازخوف بی پردگی حج راممنوع گفتن غلط است: سوال: ۲۹ شخصی همراه بازن خود که حج براو فرض است می خواهد به حج برود اما یک مولوی صاحب چنین نظر داده که چون درقطار آهن وکشتی زنان بی پرده می شوند لذا نباید او را همراه خود ببرد بلکه او به دادن این فتوی آماده است که رفتن زنان بامحرم به حج به علت بی پرده شدن شرعاً ممنوع است.

جواب: هنگامی که حج برزنی فرض گردد ومحرم ویاشوهر موجود باشد که همراه او برود رفتن

---

(٤) هوفرض الخ مرة الخ علی مسلم الخ حر مکلف الخ زاد الخ وراحلة الخ فضلا عما لابدمنه (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۱۹٦ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۹. ظفیر

(۱) ولا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق (الحدیث) ولیس لزوجها منعها عن حجة الاسلام (الدر المختار علی هامش ردالمحتارکتاب الحج ج۲ ص ۲۰۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٥) ظفیر

(۲) هو فرض مرة علی الفور بشرط حریة وبلوغ الخ وامن طریق (کنز) وحقیقة امن الطریق ان یکون الغالب فیه السلامة (البحرالرائق کتاب الحج ج۲ ص ۳۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۹). ظفیر

(۳) سورة آل عمران ۹۷. ظفیر

زن مذکور به حج فرض بوده پس دادن این فتوی که زنان در قطار آهن وکشتی بی پرده می شوند لذا رفتن ایشان همراه با محرم نیز غلط می باشد صحیح نبوده ودر صورت فوق ضرورا حج فرض است وبودن با محرم کافي می باشد وچون برقع بر سر باشد بی پردگی نیست این گمان بی پردگی غلط می باشد از زمان پیامبر ﷺ تا امروز چنین می شود اگر گمان این شخص مانع صحیح باشد در هیچ زمانی حج بر زنان فرض نمی شد خلاصه آنکه به قول شخص مذکور اعتبار نکند وزن خودرا که حج بر او فرض می باشد ضرور به حج ببرد [1].

کسیکه ازمال پدر حج کرده آیا حج دوباره براوفرض می گردد: سوال: ۳۰ شخصی از مال پدر خویش در حالیکه پدرش موجود بود حج نمود بعد از وفات پدر شخص مذکور مالک مال وبه زاد وراحله قادر گردید آیا حج دوباره بر او فرض است یانه؟

جواب: اگر حج اولی را بعد از بلوغ انجام داده شده باشد دوباره حج فرض نیست در الدر المختار آمده: (.فلو جدد الصبی الاحرام قبل وقوفه بعرفة ونوی حجة الاسلام اجزاه) ودر الدر المختار آمده: (ولو احرم الصبی والمجنون والکافر ثم بلغ او افاق ووقت الحج باق فان جددوا الاحرام یخرجهم عن حجة الاسلام) [2].

رفتن به باپول زکات درست است یانه: سوال: ۳۱ زید استطاعت حج را ندارد اما بکر او را از زکات مال خود معاونت نمود آیا حجش اداء خواهد شد یانه؟

جواب: حجش ادا می شود [3].

کسیکه پسرش مراهق باشد می تواند به حج برود یانه: سوال: ۳۲ دو پسر شخصی مراهق اند شخص مذکور برادری نیز دارد آیا این شخص دو پسر خود را پرورش کند یا آنها را به کاکای شان سپرده ومی تواند به حج برود زیرا شخص معیوبی می خواهد او را همراه خود به حج ببرد؟

---

(۱) ومع زوج اومحرم الخ لامرة حرة ولو عجوزا فی سفر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۲۹۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٤). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الحج ج۲ ص ۲۰۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٦. ظفیر

(۳) وکره الاعطاء وندب الاغناء عن السوال (کنز) ای کره ان یدفع الی فقیر ما یصیر به غنیا وندب الاغناء عن سوال الناس (البحر الرآئق باب المصرف ج۲ ص۲٦۸) کذا لو تصدق به علیه الخ ما لا یحج به لا یجب علیه القبول عندنا الخ فان قبل المال وجب (المسک المتقسط ص ۱۲). ظفیر صدیقی

جواب: رفتن شخصی مذکور به حج درست است زیرا اولادش محتاج او نیستند وبرای نگرانی وسر پرستی آنها را به کاکای شان بسپارد [۱].

درصورتیکه حج برکسی فرض نگردیده باشد آیا می تواند بدون اجازه والدین به حج برود: سوال: ۳۳ اگر حج بر کسی فرض نباشد برای او رفتن به حج بدون اجازه والدین جائز است یانه؟

جواب: اگر والدین به خدمت او ضروروت داشته باشند در آنصورت رفتنش جائز نیست [۲].

شخصی که درحال فقر حج کرده آیا پس از ثروتمند شدن حج دوباره بر اوفرض است:

سوال: ۳٤ اگر شخص فقیری که حج بر او فرض نیست به طریقی خود را به مکه معظمه برساند وحج را اداء کند واپس از بازگشت غني گردد آیا اکنون دوباره حج برا او فرض است یا اینکه همان حج نفل برایش کافي می باشد؟

برای زن حج همراه با نا محرم درست نیست: سوال: ۳۵ یک زن آیا می تواند به اجازه شوهر ضعیف خود تنها ویا همراه شخص دیگری به حج برود یانه؟

جواب: برای زن سفر همراه با مردم اجنبی (نامحرم) درست نیست بلکه ضرور است که شوهر یا یکی از محارمش همراه او باشد [۳].

با دادن پول به یتمیان وفقرا حج اداء نمی گردد: سوال: ۳٦ زید ۵۵ ساله بوده وقوای جسمانی اش ضعي گردیده اما به سبب آنکه صاحب ثروت است حج بالایش فرض می باشد او به اساس ضعف جسم وبه علت ابتلا به مرض تکالیف راه را برای زندگی خود خطر احساس می نماید لذا غرض ادای فریضه حج حاضر است که یک رقم معقول ومناسب را بر یتمیان بیوه ها

---

(۱) وفضلا عن نفقة عياله ممن تلزمه نفقته لتقدم حق العبد الى حين عوده (الدر المحتار على هامش ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۲۹۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦۲). ظفير

(۲) ويتصف بالحرمة كالحج بمال حرام بالكراهة كالحج بلا اذن ممن يجب استيذانه (درمختار) كاحد ابويه المحتاج الى خدمته والاجداد الخ فيكره خروجه بلا اذنهم كما فى الفتح وظاهره ان الكراهة تحريمية الخ قال في البحر وهذا كله فى حج الفرض اما حج النفل فطاعة الوالدين اولى مطلقا (ردالمحتار مطلب فيمن حج بمال حرام ج۲ ص ۱۹۱ ، ط. س. ج۲ ص ٤٥٦). ظفير

(۳) ومع زوج اومحرم ولو عبدا الخ بالغ الخ عاقل والمراهن كبالغ غير مجوسى ولا فاسق لعدم حفظهما مع وجوب النفقة لمحرمها عليها لانه محبوس عليها لامراة حرة ولو عجزا فى سفر الخ وليس عبدها بمحرم لها وليس لزوجها منعها عن حجة الاسلام ولو كان بلا محرم جاز مع الكراهة (درمختار) اى التحريمية للنهي في حديث الصحيحين الخ (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۱۹۹ – ۲۰۰ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٦). ظفير الدين غفر له

ویا کدام مدرسه اسلامی صرف نموده وبین ترتیب فرض مذکور را اداء نماید آیا اینکار او ادای فریضه حج شمار می شود یانه؟ شکل دوم آن است که کسی رابه حج بدل فرستد در این مورد معلومات دهید.

جواب: با دادن مال به یتمان وفقرا کسی از ادای فریضه حج سبکدوش نمی شود البته حج بدل ممکن بوده وبهتر است کسی به حج بدل فرستاده شود که قبلاً حج کرده باشد وگرنه مکروه خواهد بود هر چند حج اداء می شود واین مساله در شامی آمده است [1].

با افواه غلط فرضیت حج ساقط نمی گردد: سوال: ۳۷ چند نفر که حج بر ایشان فرض بود امسال اراده رفتن حج بیت الله را داشتند که این خبر شهرت یافت شریف مکه از حجاج به زور بیعت می گیرد که من امیر المؤمنین هستم لذا امسال حج رفتن وبه شریف مکه بیعت کردن چطور است؟

جواب: باچنین خبرهایی حج فرض ساقط نمی گردد لذا بر مردمی که حج فرض است باید حج کنند وبیعت به شریف مکه درست نیست [2].

طفل کوچک بی مادر را گذاشتن وبه حج رفتن چطور است: سوال: ۳۸ شخصی اراده رفتن به حج را دارد اما یک طفل او صغیر است که مادر هم ندارد طفل مذکور نمی تواند بدون بدر زندگی کند البته طفل مذکور کاکا دارد اگر او را نزد کاکایش گذاشته وبه حج برود گنهگار نخواهد شد؟

جواب: حج فرض را بدین وجه نباید گذاشت زیرا پس از رفتن پدرش کاکای او منحیث ولی موجود می باشد که به پرورش او بپر دازد البته نفقه طفل مذکور بر ذمه پدر خواهد بود.

رفتن زن بدون محرب به حج چطور است: سوال: ۳۹ یک زن که به هیچ وجه محل فتنه نیست وثقه نیزمی باشد محرمی ندارد شخصی که به ظاهر متدین اشت می خواهد که او را همراه

---

(۱) العبادة المالية تقبل النيابة من المكلف مطلقا الخ والبدنية كصلاة وصوم لا تقبلها مطلقا. والمركبة منهما كحج الفرض تقبل النيابة عند العجز إلى الموت لانه فرض العمر حتى تلزم الاعادة بزوال العذر و بشرط نية الحج عنه الخ لكنه يشترط لصحة النيابة أهلية المامور لصحة الافعال الخ فجاز حج الخ وبشرط امر به ورثه الخ وغيرهم اولى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الحج عن الغير ج۲ ص ۳۳۱ – ۳۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۵۹۷). ظ

(۲) هوفرض مرة على الفور بشرط حرية وبلوغ وعقل وصحة وقدرة زاد وراحلة فضلت عن مسكنه عن لابد منه نفقة ذهابه وايابه وعياله وامن طريق (كنز) وحقيقة امن الطريق ان يكون الغالب فيه السلامة كما اختاره الفقيه ابوالليث رحمه الله وعليه الاعتماد (البحر الرائق كتاب الحج ج۲ ص ۲۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۹). ظفير

خود به حج ببرد ودر سفر با او معاونت کند در اینصورت آیا شخص مذکور می تواند با او یکجا سفر کند یانه؟

جواب: درکتب فقه ازعده ای مشایخ اقوالی معتبر مبنی بر جواز موجود است شامی گوید: (وفيه اشارة الى ان الحرة لاتسافر ثلاثة ايام بلا مجرم واختلف فيما دون الثلاثة وقيل انها تسافر مع الصالحين والصبى والمعتوه غير محرمين كما فى المحيط قهستاني) ودرفصل حداد این عبارت نیز قابل توجه می باشد که در الدر المختار آمده: (ولابد من سترة بينهما فى البائن لئلا يختلى بالاجنبة ويمكن ان يقال فى الاجنبية كذلک وان لم تكن معتدته الا ان يوجد نقل بخلافه بحر) [1]
وبعضی از واقعات صدر اسلام مانند مهاجرت حضرت زینب (رضی الله عنهما) با زید بن حارثه ومردی از انصار از مکه تا مدینه وامثال آن نیز قابل توجه می باشد وواقعیت امر آن است که در مورد وقایع باید از نوعی اجتهاد کار گرفت درفتح آمده: (من الخلع والحق ان على المفتى ان ينظر فى خصوص الوقائع) [2] والله تعالی اعلم

دردوران عدت سفر حج جائز است یانه: **سوال**: ٤٠ شوهر هنده وفات نموده وعدتش تکمیل نگردیده آیا هنده می تواند در دوران عدت خود غرض ادای فریضه حج سفر کند یانه؟

جواب: هنده نمی تواند در دوران عدت خود غرض ادای فریضه حج سفر کند در الدر المختار چنین حکمی آمده است [3].

آیا زن بیوه می تواند با مرد نا محرمی یکجا سفر کند یانه: **سوال**: ٤١ یک زن که عصرش ٢٤ سال می باشد و بیوه است اراده رفتن به حج را دارد آیا می تواند همراه شخص نا محرمی برود؟

جواب: بدون محرم سفر زن درست نیست ودر این حالت حج بر او فرض نمی باشد [4].

(١) الدرالمختار على هامش ردالمحتار فصل فى الحداد ج٢ ص ٨٥٥ ظفير

(٢) ردالمحتار فصل فى الحداد ج٢ ص ٨٥٢. ظفير

(٣) ومع زوج اومحرم الخ مع وجوب النفقة لمحرمها عليها لامراة حرة ولوعجزا فى سفر الخ ومع عدم عدة عليها مطلقا أية عدة كانت (درمختار) فلايجب عليها الحج اذا وجدت (اى العدة) قوله اى عدة كانت اى سواء كانت عدة وفات اوطلاق بائن اورجعي (ردالمحتار كتاب الحج ج٢ ص ١٩٨ - ١٩٩) ولاتخرج معتدة رجعى اوبائن الخ عن بيتها الصلا (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل فى الحداد ج٢ ص ٨٥٢). ظفير

(٤) هوفرض مرة على الفور بشرط حرية الخ ومحرم او زوج لامراة في سفر (كنز) لما في الصحيحين لاتسافر امرأة الا ومعها محرم وزاد مسلم في رواية او زوج وروى البزار لا تحج امرأة الا ومعها محرم الخ او اشار المصنف الى ان امن الطريق والمحرم من شرائط الوجوب (البحر

پنجصد روپیه گفت اما به قبضه اش درنیا ورد چه حکمی وجود دارد: **سوال**: ٤٢ الف: از پدر زید آنقدر پول به میراث مانده که می توان با آن حج کرد اما زید هنگام مرگ پدر خود موجود نبود بلکه پسرش عمرو حضور داشت او دو نیم هزار روپیه را خرج نمود ودر مرض الموت پدر کلان عمرو گفت که از فلان جا پنجصد روپیه بگیرد بفرمائید که آیا این پنجصد روپیه ملکیت عمرو است و آیا حج بر او فرض است یانه؟

هنگام مرض الموت برای هبه چه شرایطی وجود دارد: **سوال**: ٤٣ ب: در حصه پنجم کتاب زیور بهشتی آمده که برای هبه ثلث در مریض الموت قبضه شرط می باشد در حالیکه ترکه پدر زید مجموعاً دوهزار روپیه می باشد و به عمر گفته که پنجصد روپیه را بگیرد اما آنرا به قبضه او در نیا ورده در اینصورت آیا او مالک این پنجصد روپیه گردیده یانه و آیا حج بر او فرض شده است یانه؟

رقمی را که نواسه دزدیده حق تمام ورثه است: **سوال**: ٤٤ ج: هنگامی که زید وفات نمود ورثه او دو پسر ویک دختر بوَد و عمرو که پسر پسر او می باشد پنجصد روپیه ای که پدرکلانش برایش داده نزدش موجود بوده اما از جمله یک ونیم هزار روپیه ای که از مال پدر کلان سرقت نموده نزدش چهار صد روپیه باقی می باشد آیا این چهار صد روپیه ملکیت عمرو شمرده می شود و یا اینکه بر تمام ورثه مطابق سهم ایشان تقسیم می گردد وسهمی که درآن به عمرو می رسد اگر قابل حج باشد حج بر او فرض می شود یانه؟

کسیکه مالک خانه باشد آیا حج براوفرض است یانه: **سوال**: ٤٥ شخصی تعمیر دو منزله ای دارد که منزل پایانی از حاجت او زیاده و در منزل بالایی خود سکونت می کند آیا حج بر او فرض است یانه؟

حج به اساس جایداد فرض می شود یانه: **سوال**: ٤٦ هـ: شخصی با معاش تقاعدی زندگی خودرا پیش می برد وجایداد نیز دارد که برای گزاره او کافی نمی باشد اما-جایداد او آنقدر قیمت دارد که اگر آنرا بفروشد می تواند حج کند آیا حج بر او فرض است یانه؟

اگر هبه ورقم دیگری یکجا شود حج فرض می گردد یانه: **سوال**: ٤٧ و: شخصی به یکی

= الرائق کتاب الحج ج۲ ص ۲۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۰۹). ظفیر

از دوستان خود بدون اجازه ورثه آنقدر پول داده که برای حج کافی می باشد یا حج بر او فرض است یانه؟

<u>شخصی قبل ازموسم حج پول داشت وبعداً آنرا قرض داد وحصول نگردید چه حکمی وجود دارد</u>: سوال: ٤٨ ز: نزد شخصی درماه صفر آنقدر پول وجود داشت که می توانست با آن به حج برود اما درماه ربیع الثانی انرا به کسی قرضداد وتا اکنون حصول نگردید حج بر این شخص فرض گردیده است یانه؟ مولوی حسین احمد مهاجر مدنی گوید که حج فرض می گردد در صورتیکه ماه مذکور زمانه رفتن به حج باشد وبه اساس تجربه رفتن مردم از اینجا درماه شوال صورت می گیرد.

جواب: الف: عمر ومالک آن پنجصد روپیه نیز نشده است [1] پس به اساس آن پول حج بر او فرض نشده است.

ب: رای حضرت مولانا اشرف علی نزد من صحیح است.

ج: از تمام دوهزار روپیه به عمر مقداری می رسد اما چون فقط چهار صد روپیه وجود دارد آنرا به دیگر ورثه بدهد چون نزد او چیزی باقی نمی ماند لذا حج بر او فرض نیست.

د: صحیح همان است که برو عمر حج فرض نمی باشد (ومنه المسکن ومرمته ولو کبیر یمکنه الاستغناء ببعضه والحج بالفاضل فانه لایلزمه بیع الزائد) [2].

هـ : اگر جایداد بیشتر از اندازه گذاره نباشد حج بر او فرض نیست وفروش آن ضروری نمی باشد وجه آن است که با ملکیت دیگری گذاره کردن شرعاً اعتبار نداشته بلکه در آمد خود شخص معتبر می باشد ودر شریعت عاید جائز اعتبار دارد [3].

و: اگر آن رقم از ثلث زیاده نباشد حج فرض می گردد.

ز: آنچه مولوی صاحب حسین احمد در این مورد فرموده صحیح است.

<u>بدون رضایت والدین رفتن به حج چطور است</u>: سوال: ٤٩ رفتن به حج نفلی بدون رضایت والدین جائز است یانه؟

---

(۱) چون هبه بوده ودرهبه قبضه شرط می باشد.

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار ص ۱۹٦ ج۲.

(۳) وإن كان صاحب ضيعة إن كان له من الضياع ما لو باع مقدار ما يكفي الزاد والراحلة ذاهبا وجائيا ونفقة عياله ، وأولاده ويبقى له من الضيعة قدر ما يعيش بغلة الباقي يفترض عليه الحج . وإلا فلا (عالمگیری ط. س. ج۲ ص ۲۱۸. ظفیر

جواب: بدون رضایت والدین به حج نفل نباید رفت در الدر المختار آمده: (قد يتصف بالحرمة بمال حرام وبالكراهة كالحج بلا اذن ممن يجب استيذانه) ودر شامی آمده: (اما حج النفل فطاعة الوالدين اولى مطلقاً كما صرح به في الملتقط) [1].

تاخیر در ادای فریضه حج جائز است یانه: **سوال**: ۵۰ اگر بر کسی حج فرض شده باشد در ادای آن تأخیر جائز است یا نه؟ واگر والدین از سفر حج منع کنند به خاطر ایشان مؤخر کردن آن جائز می باشد یانه؟

جواب: در صورت فرض شدن حج تأخیر نباید کرد واگر والدین منع کنند باز نه ایستد اما اگر والدین محتاج خدمت او باشند وهیچ کس دیگر نباشد که خدمت ایشان را بکند در آنصورت حج را مؤخر نماید در الدر المختار آمده: (وقد يتصف بالحرمة كالحج بمال حرام وبالكراهة كالحج بلا اذن ممن يجب استيذانه) شامی گوید: (كاحد ابويه المحتاج الى خدمته) [2] فرض مرة على الفور في العام الاول عند الثاني واصح الروايتين عن الامام) [3]

دین مهر مقدم است یاحج: **سوال**: ۵۱ اگر بر کسی حج فرض شده باشد وزنش مانع شود وبگوید که مهر مرا بده ونزدش برای ادای مهر غیر از همین مال چیز دیگری نباشد در اینصورت ادای حج بر او لازم است یا ادای مهر؟

جواب: در صورتی که زنش مانع شود وبگوید که مهر را بده باید حج را مؤخر نماید ومهر را اداء کند [4].

اگر زن باشخص نامحرمی به حج برود آیا شوهرش می تواند اورا مانع شود یانه:

سوال: ۵۲ زنی می خواهد با پسر عمه خود ودختر خاله خود وزنان دیگر به حج برود وشوهرش مانع او می شود آیا شوهر شرعاً حق دارد که او را مانع گردد؟

جواب: اگر حج بر زن فرض باشد شوهرش نمی تواند او را از رفتن به حج منع کند واگر شوهر همرایش نرودمی تواند همراه بایکی ازمحارم خود به حج برود وبدون محرم رفتن مکروه تحریمی

---

(۱) رد المحتار ص ۲٤٥ ج۲.

(۲) رد المحتار ص ۱۹۱ ج۲.

(۳) الدر المختار ص ۱۹۱ ج۲.

(٤) ممن يجب استيذانه وكذا الغريم لمديون لا ما ل له يقضي به، والكفيل لو بالاذن، فيكره خروجه بلا إذنهم كما في الفتح. وظاهره أن الكراهة تحريمية ولذا عبر الشارح بالوجوب ط

می باشد طوریکه در الدر المختار آمده: (لیس لزوجها منعها عن حجة الاسلام ولو حج بلا محرم جاز مع الکراهة ای التحریمیة) [۱] وپسر عمه محرم نیست وهمراه با او سفر جائز نمی باشد [۲] وهمچنان مطابق اصل مذهب سفر همراه با زنان نیز درست نیست [۳] وعده ای گفته اند که اگر همراه با صالحان سفر کند درست است (وقیل انها تسافر مع الصالحین والصبی والمعتوه غیر محرمین کما فی المحیط عن القهستانی [۴])

<u>آیا زن می تواند با پیر خود که محرمش نیست به سفر حج برود</u>: سوال: ۵۳ الف: یک زن بیوه که صاحب نصاب است می خواهد با پیر خود که محرمیش نیست به حج برود آیا جائز است یانه؟

ب: اگر این زن فقط با زنان یکجا شده وبرود جائز است یانه؟

جواب: الف: جائز نیست زیرا در شامی آمده: (وفیه اشارة ان الحرة لاتسافر ثلاثة ایام بلا محرم) [۵]. فقط

ب: جائز نیست. [۶]

<u>آیا زن می تواند با زنانی که همراه محرم خود به حج می رود به حج برود یانه:</u>

سوال: ٥٤ یک زن بیوه که هیچ محرمی همراه او نیست می خواهد به حج برود وسائر زنان هر یک همراه با شوهر خویش به حج می روند آیا زن مذکور می تواند به همراهی ایشان به حج برود یانه واگر کسی مانع شود برای او چه جزایی وجود دارد؟

---

(۱) ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۲۰۰. ظفیر

(۲) والمحرم من لا یجوز له مناکحتها علی التابید بقرابة او رضاع او صهریة (ردالمحتار کتاب الحج تحت قوله مع زوج او محرم ج۲ ص ۱۹۹ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٤). ظفیر

(۳) ویعتبر في المرأة أن یکون لها محرم تحج به أوزوج ولا یجوز لها أن تحج بغیرهما إذا کان بینها وبین مکة مسیرة ثلاثة أیام وقا ل الشافعي رحمه الله : یجوز لها الحج إذا خرجت في رفقة ومعها نساء ثقات لحصول الأمن بالمرافقة ولنا قوله علیه الصلاة والسلام [لا تحجن امرأة إلا ومعها محرم] ولأنها بدون المحرم یخاف علیها الفتنة وتزداد بانضمام غیرها إلیها ولهذا تحرم الخلوة بالأجنبیة وإن کان معها غیرها. (هدایه علی هامش فتح القدیر کتاب الحج ج۲ ص ۱۲۸). ظفي

(٤) ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ج٥ ص ۳٤۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۹۰. ظفیر

(٥) ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۱۹۹ ، ویعتبر في المرأة أن یکون لها محرم تحج به أوزوج ولا یجوز لها أن تحج بغیرهما إذا کان بینها وبین مکة مسیرة ثلاثة أیام . (هدایه علی هامش فتح القدیر کتاب الحج ج۲ ص ۱۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٤). ظفیر

(٦) ومع زوج او محرم الخ مع وجوب النفقة لمحرمها علیها الخ لامرأة (ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۱۹۸ – ۱۹۹ وروی البزار لا تحج امرأة الا ومعها محرم. (البحر الرائق ج۲ ص۳۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۳۱٤). ظفیر

جواب: تا وقتیکه همراه با این زن بیوه محرمی نباشد که همرایش به حج برود حج بر اوفرض نبوده ورفتنش نا جائز میباشد [۱].

اگر کسی که احرام بسته به عرفات نرسد حجش می شود یانه: **سوال**: ۵۵ شخصی که به قصد حج احرام بسته در یوم نحر قبل از طلوع فجر به نزدیکی عرفات رسید اما آنقدر فاصه باقی ماند که تا رسیدن به خود میدان فجر طلوع می کند البته اگر او سنگیریزه ای برتاپ کند تا به آنجا می رسد شخصی می گوید که رسیدن سنگریزه محرم در حکم رسیدن خود اومی باشد وحج او می شود آیا این قول صحیح است؟

جواب: این قول مذکور غلط می باشد زیرا رسیدن به بخشی از میدان عرفات برای محرم ضروری است هر چند برا یک لحظه باشد وبدون آن حج نمی شود چنانچه در شرح لباب المناسک آمده شرط سوم وقوف عرفه در میدان عرفات می باشد (فلوا خطأ لم یجز وقوفه بغیر عرفه ولو ببطن عرفه الخامس کینونته بعرفه فی وقته ولو لحظة) [۲].

وقتی حج برذمه خود شخص فرض باشد وپدر خود را به بفرستد فرض خودش اداء می شود یانه: **سوال**: ۵۶ حج بر ذمه شخصی فرض می باشد اما والدین او آنقدر مال ندارند که به حج بروند اکنون این شخص خودش حج کند یا پدر خویش را به حج بفرستد و اگر پدر خویش را به حج بفرستد فرض از ذمه خودش اداء می شود یانه؟

جواب: شخص مذکور باید خودش حج کند واگر پدر خویش را به حج بفرستد باز هم حج بر ذمه خودش فرض می باشد [۳].

اگرشخصی قبل ازحج یابعد اززنا کندحجش می شود یانه: **سوال**: ۵۷ شخصی زن شوهر

---

(۱) ومع زوج اومحرم الخ مع وجوب النفقة علیها لمحرمها الخ لامرأة حرة ولوعجزا فی سفر (ایضا ج۲ ص ۱۹۸ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٤) درهدایة حکم ممانعت به صراحت موجود می باشد برای دانستن ص ۱۲۸ ج۱ فتح القدیر ملاحظة شود.

(۲) المسک المتقسط ص ۱۰٤) والحج فرضه ثلاثة الاحرام الخ والوقف بعرفة فی اوانه (درمختار) وهومن زوال یوم عرفة الی قبیل طلوع فجر النحر (الدر المحتار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۲۰۲ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٤) اما وأما زمانه فزمان الوقوف من حین تزول الشمس من یوم عرفة إلی طلوع الفجر الثانی من یوم النحر حتی لو وقف بعرفة فی غیر هذا الوقت کان وقوفه وعدم وقوفه سواء لانه فرض مؤقت الخ وکذا من لم یدرک عرفة بنهار ولا بلیل فقد فاته الحج الخ اما القدر المفروض من الوقوف فهو کینونته بعرفة فی ساعة من هذا الوقت فمتی حصل اتیانها فی ساعة من هذا الوقت تأدی فرض الوقوف سواء کان عالما بها أو جاهلا نائما أو یقظان مفیقا أو مغمی علیه وقف بها أو مر وهو یمشی أو علی الدابة أو محمولا (بدائع الصنائع کتاب الحج فصل رکن الحج ج۲ ص ۱۲۵ وص ۱۲۷) ظفیر

(۳) والمرکبة منهما کحج الفرض تقبل النیابة عند العجز فقط لکن بشرط دوام العجز الی الموت لانه فرض العمر حتی تلزم الاعادة بزوال العذر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲٦ وج۲ ص ۳۲۷ ، ط. س. ج۲ ج ۵۹۸). ظفیر

داری فرار داده وبه خانه خود آورد وتا چند ماه با او زنا کرد وپس از آن به حج رفت وچون از حج باز گشت به این عمل زشت دوام داد بالاخره شوهر زن مذکور مجبوراً او را طلاق داد وپس از آن انقضای عدت زانی مذکور با او نکاح کرد آیا حج شخص مذکور شده است یانه؟

جواب: حج شخص مذکور صحیح بوده ودوباره حج بر او فرض نیست [۱] (البته گناه بزرگ زنا بر گردن او بوده اما بر ادای حج اثری ندارد)

اگر عرفه به روز جمعه تصادف کند آیا از هفتاد حج افضل می باشد: سوال: ۵۸ اگر عرفه به روز جمعه تصادف کند از هفتاد حجی که در غیر جمعه باشد افضل‌است چنانچه در بحر الرائق آمده: (وقد قیل اذا وافق یوم عرفة جمعة غفر لاهل کل الموقف وانه افضل من سبعین حجة غیر یوم المجعة کما ورد فی الحدیث الشریف انتهی) اما صاحب ردالمحتار چنین می نویسد: (ولکن نقل المنادی عن بعض الحفاظ ان هذا الحدیث باطل لا اصل له) آیا این روایت واقعاً باطل می باشد حافظ سخاوی در کتاب فضائل اعمال این حدیث ابو هریره را نقل می کند (ان الله عز وجل خلق الایام واختار منها یوم الجمعة فکل عمل یعمله الانسان یوم الجمعة یکتب له سبعین حسنة) این حدیث صحیح است یانه؟

جواب: مولف الدر المختار این حدیث را اختیار نموده که اگر وقوف عرفه در روز جمعه صورت گیرد حج مذکور از هفتاد حجی که در غیر جمعه باشد افضل است واین مسأله مسلم می باشد که در فضائل اعمال بر حدیث ضعیف نیز می توان عمل نمود طوریکه درالدر المختار از الرملی چنین نقل گردیده: (فیعمل به فی فضایل الاعمال وان انکره النووی) [۲] بهر حال فضلیت وقوف در روز جمعه حتماً است پس اگر روایت هفتاد حج ضعیف نیز باشد با اصل منافی نمی باشد ودر اموری از این قبیل نمی توان حکم قطعی صادر کرد ونه به آن ضرورتی می باشد وحدیثی که حافظ سخاوی در این باب نقل نموده اگر صحیح است مطلب حاصل می گردد واگر ضعیف باشد نیز قابل قدح نیست.

---

(۱) هو ای الحج فرض الخ مرة لان سببه البیت وهوواحد (درمختار) ولایتکرر الواجب اذا لم یتکرر سببه ولحدیث مسلم یاایها الناس قدفرض علیکم الحج فحجوا فقال رجل اکل عام یارسول الله فسکت حتی قلها ثلاثا فقال رسول الله لوقلت نعم لوجبت ولما استطعتم (ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۱۹۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۵۴ و۴۵۵)، ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار عند باب وضوء مطلب في بیان ارتقاء الحدیث الضعیف الی مرتبة الحسن ، ج۱ ص ۱۱۹ ، ط. س. ج۲ ص ۱۲۸. ظفیر

اگر زن ومحرم هر دو مریض باشد چه حکمی وجود دارد: **سوال**: ۵۹ شخصی خود فریضه حج را اداء نموده اما زنش حج نکرده اکنون نزد او آنقدر پول وجود دارد که زن وشوهر بخوبی می توانند حج بنمایند اما شوهر ضعیف ودائم المرض بوده وزن نیز ضعیف می باشد اما آنقدر ضعیف نیست که راه رفته نتواند از سوی دیگر در این ایام در راه حجاز تکالیف زیادی می باشد پس در چنین حالات برای هر دو رفتن به حج ضروری می باشد یا دادن همان مقدار رقم به مدارس اسلامیه بهتر است؟

جواب: چون بر این زن حج فرض می باشد باید به حج فرستاده شود خواه شوهرش همرایش برود یا یکی از محارمش اگر فی الفور به علت عدم اطیمنان از اوضاع رفتن به حج دشوار باشد تا وقتیکه خبر قابل اطیمنانی برسد انتظار بکشد وچون از اوضاع مطمئن شود اراده حج را بنماید [1] خلاصه آنکه فریضه حج باحج کردن اداء می شود وبا دادن رقم به مدارس اسلامی وغیره حج اداء نمی گردد.

آیا قرضدار می تواند بدون ادای قرض به حج برود یانه: **سوال**: ۶۰ اگر شخصی بخواهد به حج برود وقرضدار باشد آي قبل از رفتن به حج ادای قرض ضروری است یانه وبدون ادای قرض می تواند به حج برود یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (وغیرها سنن وآداب کان یتوصع فی النفقة ویحافظ علی الطهارة وعلی صون لسانه ویستاذن ابویه ودائنه وکفیله) ودر شامی آمده: (وکذا یکره بلا اذن دائنه وکفیله والظاهر انها تحریمیه لاطلاقهم الکراهة ویدل علیه قوله فیما مر فی تمثیله للحج المکروه کالحج بلا اذن مما یجب استیذانه فلا ینبغی عده ذلک من السنین وآلاداب) [2] از روایات مذکور معلوم می گردد که هنگام رفتن به حج اجازه گرفتن یا واجب می باشد وضروری بودن ادای فرض ثابت نمی گردد.

فصل دوم

ارکان وواجبات حج

زنی که درایام حج به حیض مبتلاشود چگونه حج کند: **سوال**: ۶۱ زنی که درهنگام حج

(۱) مع امن الطریق بغلبة السلامة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۱۹۷ ، ط. س. ج۲ ص ۵۶۳). ظفیر

(۲) ردالمحتار کتاب الحج ص ۲۰۵ ، ط. س. ج۲ ص ۴۷۰ و۴۷۱. ظفیر

حیض ببیند ارکان حج را چگونه اداء کرده می تواند.

جواب: غیر از طواف تمام ارکاق حج را انجام دهد وپس از پاک شدن طواف فرض را قضا نماید وطواف سنت وواجب از او ساقط می گردد [۱].

چه وقتی حضور درعرفه ضروری باشد که حج صحیح شود: سوال: ٦٢ الف: حجاج تا چه وقتی که به عرفات برسند شامل حج می گردند.

وقت خطبه حج: سوال: ٦٣ ب: خطبه حج چه وقتی شروع وچه وقت ختم می گردد؟

کسیکه قبل ازغروب آفتاب از عرفات باز گردد خون براو واجب شود یانه: سوال: ٦٤ ج: اگر کسی قبل از غروب آفتاب از عرفات باز گردد خون بر او واجب می شود یانه؟

جواب: الف: بعد از زوال عرفه یعنی نهم ذی الحجة تا قبل از دمیدن صبح صادق یوم النحر هر وقتیکه شخص به عرفات می رسد فرض اداء شده وحج اداء می گردد [۲].

ب: حج دارای سه خطبه می باشد یکی در هفتم ذی الحجة در مکه مکرمه دوم به تاریخ نهم ذی الحجة بعد از زوال آفتاب در عرفات قبل از نماز ظهر وعصر وخطبه سوم به تاریخ یاز دهم ذالحجة در منی که تفصیل آن در کتب فقه آمده است [۳].

ج: باید تا غروب آفتاب در آنجا باقی بماند واگر قبل از غروب آفتاب باز گردد خون بر او لازم می شود. [٤]

---

(۱) واذا حاضت المراة عند الاحرام اغسلت واحرمت وصنعت كما يصنعه الحاج غير انها لاتطوف باليت حتى تطهر لحديث عائشه . (هدايه باب للتمتع ج۱ ص ٢٤٦). ظفير

(۲) الحج فرضه ثلاثة الاحرام الخ والوقوف بعرفة في اوانه (درمختار) وهو من زوال يوم عرفة الى قبيل طلوع فجر النحر (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۲۰۲ ، ط. س. ج۲ ص ٤٧٦). ظفير

(۳) فإذا كان قبل يوم التروية بيوم خطب الإمام خطبة يعلم فيها الناس الخروج إلى منى والصلاة بعرفات والوقوف والإفاضة الخ ثم يتوجه إلى عرفات فيقيم بها الخ وإذا زالت الشمس يصلي الإمام بالناس الظهر والعصر فيبتدي بالخطبة فيخطب خطبة يعلم فيها الناس الوقوف بعرفة الخ ويخطب خطبتين يفصل بينهما بجلسة كما في الجمعة الخ (هدايه باب الاحرام ج۱ ص۲۲٥) قوله: وبعدالزوال ثانى النحر قال في اللباب ثم اذا كان اليوم الحادي عشر وثانى ايام النحر خطب الامام خطبة واحدة بعد صلاة الظهر لا يجلس فيها كخطبة اليوم السابع يعلم الناس احكام الرمى وما بقى من امور المناسک وهذه الخطبة سنة وتركها غفلة عظيمة آه (ردالمحتار فصل في الاحرام مطلب في حكم صلاة العيد ج۲ ص ۲٥۲ ، ط. س. ج۲ ص ٥۲۰). ظفير

(٤) ثامن الشهر خرج الى منى الخ ومكث بها الى فجر عرفة ثم بعد طلوع الشمس راح الى عرفات الخ واذا غربت الشمس اتى مزدلفة (درمختار) قوله اذا غربت الشمس الخ بيان للواجب حتى لودفع قبل الغروب فان جاوز حدود عرفة لزمه دم (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۲۳٦ ، ط. س. ج۲ ص ٥۰۸) ظفير

وقت حضور در عرفات چه وقت است: **سوال:** ۶۵ حاجی باید در کدام روز ودر چه وقتی به عرفات برسد وقت آخری رسیدن حاجی به عرفات چه وقتی می باشد که حجش باطل نشود حاجی باید در چه وقتی از عرفات به سوی مزدلفه برود وانتهای آن چه وقت است؟ اگر کدام حاجی در شام روز عرفه یا بعد از نیمه شب درشب عید به عرفات برسد حجش می شود یانه اگر اداء شود در شب چه وقتی بطرف مزدلفه باز می گردد؟

جواب: وقت مستحب برای رفتن به سوی عرفات آن است که در روز عرفه بعد از طلوع آفتاب از منی بطرف عرفات حرکت کند ودرآنجا رسیده ومطابق قاعده از نماز ظهر وعصر فارغ شده وقوف عرفات را انجام دهد ووقت وقوف به عرفات از زوال روز عرفه تا طلوع فجر یوم نحر می باشد یعنی شب تاریخ دهم نیز وقت وقوف است ودر این مدت هر وقتی که به عرفات برسد فرض وقوف اداء می شود ووقت مستحب بازگشت به سوی عرفه همان وقتی است که معروف می باشد که بعد از غروب آفتاب روز عرفه از عرفات حرکت نموده وبه مزدلفه رسیده وشب را در آنجا بگذارند ونماز صبح را در تاریکی خوانده ووقوف مزدلفه را انجام دهد ووقت این وقوف از طلوع فجر یوم النحر تا طلوع آفتاب می باشد واین وقوف واجب است وآن حاجی که در روز عرفه پس از شام یا هنگام خفتن یا پس از آن وقبل از صبح صادق به عرفات برسد حجش صحیح بوده پس در عرفات کمی توقف کند وهمان وقت به مزدلفه برود واگر وقت وقوف مزدلفه باقی باشد وقوف مزدلفه را انجام دهد تا که واجب ترک نگردد واگر وقوف مزدلفه صورت نگیرد [1] ویا وقت آن باقی نباشد ترک واجب بوده وخون واجب می گردد باقی تفصیل مناسک حج در کتب مشهور ومعروف فقه وجود دارد به کتب مذکور مراجعه شود.

کسیکه طواف وداع را انجام ندهد چه حکمی وجود دارد: **سوال:** ۶۶ زید برای ادای حج مفروض روانه بیت الله شریف گردید زید وهمراهان او از کوه یلملم بدان وجه احرام نبستند که نخست قصد رفتن به مدینه منوره را داشتند چنانچه اولاً به مدینه منوره رفته مقبره پیامبر

---

(۱) فإذا صلى الفجر يوم التروية بمكة خرج إلى منى فيقم بها حتى يصلي الفجر من يوم عرفة الخ ثم يتوجه الى عرفات فيقيم بها الخ واذا زالت الشمس يصلي الامام بالناس الظهر والعصر الخ ويصلي بهم الظهر والعصر في وقت الظهر باذان واقامتين الخ واذا غربت الشمس افاض الامام والناس معه الخ فلو مكث قليلا بعد غروب الشمس وافاضة الامام فلا باس به الخ ثم اتى مزدلفة الخ ويصلي الامام بالناس المغرب والعشاء باذان واقامة واحدة الخ ثم وقف الخ ثم هذا الوقوف ثلاثة الا حرام الخ والوقوف بعرفة في اوانه (درمختار) وهو من زوال يوم عرفة الى قبيل طلوع فجر النحر (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۲۰۲ ، ط. س. ج۲ ص ۵۰۸). ظفير

ﷺ را زیادت نمودند از آنجا حرکت نموده دبه سوی بیت الله شریف حرکت کردند وزید در منطقه (رابغ) به نیت ادای حج احرام بست وچون به حرم شریف داخل گردید طواف داخلی وارکان حج را انجام داد وبعد از آن یک مرتبه دیگر نیز طواف نمود وپس از آن نخست مریض شد وچون هنگام رفتن به سوی عرفات به تاریخ ۷ ذی الحجة شدیداً مریض بود لذا اینکار را در حالی انجام داد که او را بر چار پایی انداخته ونقل می داند بدین ترتیب در میدان عرفات داخل شده وخطبه را نیز شنید ودیگر ارکان حج را نیز انجام داد وتا سیزدهم ذی الحجة مانند سائر حجاج در منی اقامت نمود ودر همین روز یعنی ۱۳ ذی الحجة احرام را باز نمود وموی خود را کوتاه کرد روز دیگر دوباره بها سوی بیت الله شریف آمد مگر به علت فرض پای پیاده طواف نتوا نست بلکه مانند تاریخ ۷ ذی الحجة ممکن بود او را در چار پایی انداخته طواف دهند اما طواف دهندگان او را طواف ندادند ودر همین حالت مریضی به وطن بازگشت وتخمیناً دوسال بر این موضوع گذشت واو منظماً بازن خود جماع می نمود وچون در اینجا از علمای هند پرسد عده ای طواف مذکور را واجب گفتند وافزودند که این طواف نیز رکن است وتا وقتیکه انجام نگیرد حج کامل نمی شود وعده ای گفتند که تا وقتیکه این طواف صورت نگیرد رفتن نزد زن حرام می باشد وگروه دیگر گفتند که انجام ندادن طواف وداع باعث حرمت زن نیست اما چون به علت مرض وبیان غلط ترک گردیده پس به خاطر تأخیری که صورت گرفته دو خون بر او واجب گشته اما طواف وداع بهر صورت باید انجام گیرد چون در این مورد اختلاف زیا دی وجود دارد کدام قول صحیح ومعتبر شمرده شود؟ زید استطاعت دوباره رفتن را ندارد اما دو خون می تو بکند مسأله را واضح سازید خداوند متعال شما را اجر بدهد.

جواب: در سوال ذکر نگردیده که زید طواف افاضه را نیز انجام داده یانه زیرا این طواف رکن و فرض می باشد وبدون این طواف شخص نمی تواند از احرام برون شود وجماع بازن نیز بدون آن حلال نمی باشد وقت این طواف از تا ۱۲ ذی الحجة می باشد هنگام قیام در منی باید مکه آمده این طواف را انجام داده وباید دوباره به منی برگشت پس باید این نکته روشن گردد که زید این طواف را انجام داده یانه اگر طواف مذکور را انجام نداده باشد باید به مکه معظمه بر گردد وطواف مذکور را انجام دهد وبه علت جماع بازن وتأخیر در آن خون لازم می باشد واگر طواف مذکور یعنی طواف افاضه را انجام داده باشد فرض حج اداء شده است طواف وداع یعنی طواف

بازگشت [۱] از مکه معظمه فرض نبوده واجب می باشد وبا ترک صرف خون لازم می گردد ضرورتی به بازگشت وانجام این طواف وجود ندارد [۲] پس سوال کننده با این نکته را شرح دهد که زید از تاریخ دهم الی دوازدهم ذی الحجة طوافی انجام داده است یانه؟ اگر نکرده باشد طواف زیارت بر ذمه او باقی بوده وهر وقتیکه بتواند به مکه باز گردد وطواف مذکور را انجام دهد وبدون طواف مذکور جماع حلال نمی گردد.

وقتیکه شخصی اراده حج را می نماید ضرور است که در مورد مسائل حج اگاهی حاصل کند به هر زبانی کتاب احکام حج موجود می باشد پس این قدر باید حتماً دانست که چه اموری فرض است بهر صورت اکنون باید واضحاً نوشته شود که طواف زیارت را انجام داده یانه پس از آن جواب مشرح نوشته خواهد شد وباید واضح ساخت که طواف زیارت علیحده بوده وطواف وداع علیحده می باشد اولی فرض ورکن حج بوده ودومی واجب می باشد.

<u>کسیکه طواف زیارت را انجام ندهد چه حکم دارد</u>: سوال: ٦٧ اگر شخصی به حج برود وتمام افعال وارکان حج را انجام دهد اما طواف زیارت نکند وبه وطن خود باز گردد در موردش چه حکمی وجود دارد؟

جواب: اگر حاجی بدون طواف زیارت طوریکه دو ایام نحر وپس از آن هیچ طوافی نکند وبه وطن خود باز گردد زن بر او حرام بوده وحکم احرام در مورد او باقی می باشد باز گشت به مکه معظمه وانجام طواف زیارت بر او لازم بوده وبدون طواف مذکور از احرام خارج نمی گردد وزن برایش حلال نمی شود.

فصل سوم

احرام

<u>آیا محرم می تواند بار ابر یاتار زیر پوش خود را ببند یانه</u>: سوال: ٦٨ الف: آیا محرم می

---

(۱) وفرضه ثلاثة الاحرام والوقوف بعرفة وطواف الزيارة الخ وطواف الزيارة أول وقته بعد طلوع الفجر يوم النحر وهو فيه أي الطواف في يوم النحر الاول افضل وحل له النساء الخ فإن اخره عنها أي أيام النحر ولياليها منها كره تحريما ووجب دم لترك الواجب الخ ثم اتى منى (درمختار) قوله كره تحريما الخ اى ولو اخره الى اليوم الرابع الذى هو اخر ايام التشريق وهو الصحيح الخ وبه يفتى (ردالمحتار كتاب الحج ج۲ ص ۱۰۲ وباب الاحرام ج۲ ص ۱۵۲ ، ط. س. ج۲ ص ٤٦٧). ظفير

(۲) ثم اذا اراد السفر طاف للصدر اى الوداع سبعة اشواط بلا رمل وسعى وهو واجب الا على اهل مكة (در مختار) قوله وهو واجب فلونفر ولم يطف وجب عليه الرجوع ليطوف ما لم يجاوز الميقات فيخير بين اراقة الدم، والرجوع باحرام جديد بعمرة الخ (ردالمحتار مطلب فى طواف الصدر ج۲ ص ۲۵۵ ، ط. س. ج۲ ص۵۲۳). ظفير

تواند با رابر یا تار زیر پوش احرام را ببندد یانه؟

آیا محرم می تواند به علت گرمی چادر احرام را بکشد: سوال: ٦٩ ب: چادری که در حالت احرام پوشیده می شود آیا در صورت عرق کردن می توان آنرا پایین کرد یانه؟

خواندن دعاهای درحالی که به سوی کتاب دیده شود چطور است: سوال: ٧٠ ج: شخصی که دعاهای حج را زباني یاد ندارد آیا می تواند به سوی کتاب دیده وآنها را بخواند یانه؟

جواب: الف: می توان بارابر وغیره زیر پوش‌احرام را بست [١].

ب: هر وقتیکه ضرورتی به کشیدن چادر نیست در صورت عرق وغیره می توان آنرا پائین کرد [٢]

ج: می تواند به کتاب دیده وبخواند وپس از خواندن می تواند کتاب را نزد خود نگهدارد [٣].

فصل چهارم

جنایات

اگر محرم بقه رابکشد چه حکم دارد: سوال: ٧١ (عن ابی الزبیر المکی عن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله ﷺ من قتل ضفدعاً فعلیه شاة محرماً کان او حلالاً) آیا در قتل بقه گوسفند واجب است یانه؟

جواب: در رد المحتار آمده: (قوله فان قتل محرم صیداً ای حیواناً بریاً متوحشاً با اصل خلقته واحترز به عن البحری وهو مایکون توالده في الماء ولوکان مثواه فی البر لان التوالد اصل والکینونة بعده عارض فکلب الماء والضفدع المائی کماقیده فی الفتح قال ومثبه السرطان والتمساح والسلحفاة بحری یحل اصطیاده للمحرم بنص آلایة [٤] وعمومها بتناول لغیر الماکول منه وهو الصحیح خلافاً لما فی مناسک الکرمانی من تخصیصه بالسمک خاصة اما البری فحرام مطلقاً) پس معلوم گردید که صحیح نزد احناف آن است که بقه آبی در عموم آیه (احل لکم

(١) فان زرره او خلله ارعقده اساء ولا دم علیه (درمختار) وکذا لوشده بحبل ونحوه لشبهة حینئذ بالمخیط من جهة انه لایحتاج الی حفظه بخلاف شهد الهمیان فی وسطه (ردالمحتار باب الاحرام ج٢ ص ٢١٥ ، ط. س. ج٢ ص ٤٨١). ظفیر

(٢) وکذا یستحب لمرید الاحرام الخ لبس ازار وارداء علی ظهره الخ وهذا بیان السنة والا فستر العورة کاف (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاحرام ج٢ ص ٢١٥ ، ط. س ج٢ ص ٤٨١). ظفیر

(٣) ردالمحتار باب الجنایات ج٢ ص ٢٩١. ظفیر

(٤) سورة المائده : ١٣. ظفیر

صید البحر وطعامه متاعاً لکم) داخل بوده ودر قتل آن گوسفند واجب بوده وممکن حدیث بر بری محمول باشد.

اگر مردی درحالت مجبوریت از طرف زنان جمار کند چه حکم دارد: سوال: ۷۲ الف: زید جمرات ثلاثة را به تاریخ ۱۲ از سوی زنان وکالتاً رمی کرد زیرا قافله درحال حرکت بود ورمی کردن زنان بسیار دشوار بود این رمی صحیح شده یا نه در صورت عدم صحت خون واجب است یانه؟

آیا محرم می تواند عینک بپوشد یانه: سوال: ۷۳ ب: آیا محرم من تواند عینک بگذارد یانه؟

جواب: الف: رمی جمار واجب بوده وترک واجب اگر به سبب عذری صورت گیرد موجب هیچ چیزی نمی شود طوریکه در ردالمحتار آمده: (وکذا اکل واجب اذا ترکه بعذر لاشی علیه کما فی البحر) [1] پس دور اینصورت چون به علت ازدحام زیاد که عذر است زنان رمی جمار را ترک کرده اند لذا خون واجب نیست.

ب: می تواند بپوشد [2].

اگر محرم بوت بپوشد خون بر او واجب می گردد یانه: سوال: ۷۴ اگر محرم بوت بپوشد وبجلک هایش پنهان گردد خون جنایت بر او لازم می شود یانه اگر جنایات متعدد باشد یک خون واجب می گردد یاخون های متعدد؟

جواب: در صورت پوشیدن بوت خون جنایت لازم می گردد اما در جنایات تداخل صورت گرفته وي خون واجب می شود که ذبح آن درحرم ضروری می باشد اگر شما خود نمی توانید بروید شخصی را که به حج می رود می توانید وکیل خود بسازید که او خریداری نموده وذبح کند در بدائع امده: (اذا لبس المخیط من قمیص اوجبه او خفین او جوربین من غیر عذر وضرورة یوماً کاملاً ارتفاق فعلیه الدم لایجوز غیره لان لبس احد هذه الاشیاء یوماً کاملاً ارتفاق کامل فیوجب

---

(۱) لو ترک شیئا من الواجبات بعذر لاشيء علیه علی ما فی البدائع (ردالمحتار باب الجنایات ج۲ ص ۲۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۴۵۵).
ظفیر الدین غفر له

(۲) فجملة الکلام فیه أن محظورات الاحرام في الاصل نوعان نوع لا یوجب فساد الحج ونوع یوجب فساده اما الذی لا یوجب فساد ، فانواع بعضها یرجع إلی اللباس وبعضها یرجع الي الطیب وما یجری مجراه من ازالة الشعث وقضاء التفث وبعضها یرجع إلی توابع وبعضها یرجع إلی الصید (بدائع الصنائع بیان مایحظره الاحرام ج۲ ص ۱۸۳). ظفیر

كفارة كاملة وهي الدم) [١] همچنان درکتاب مذکور چنین آمده: (ولهذا لم يجز الدم الابمكة وان ما عرف اختصاص جواز الذبح بمكة بالنص وهو قوله تعالى (حتى يبلغ الهدى محله) [٢] وفي شرح لباب المناسک لملا علی قاری فی شرايط جواز الدم والثالث ذبحه فی الحرم بالاتفاق سواء وجب شكراً او جبراً) وفی الدر المختار: والزائد علی يوم كاليوم وان نزعه ليلاً واعاده نهاراً مالم يعزم علی الترک) [٣].

اگر کسی سنگریزه ها را ازمنی برداشته ورمی کند آیا خون لازم شود یانه: سوال: ۷۵ الف: اگر حاجی سنگریزه ها را از مزدلفه نیارد بلکه از منی بردارد ورمی کند خون لازم می شود یانه؟

اگر رمی خلاف ترتیب صورت گیرد خون لازم می شود یانه: سوال: ۷٦ ب: اگر رمی جمار مطابق ترتیب صورت نگیرد خون لازم می شود یانه؟

اگر شخصی در روز سوم رمی جمار نکند خون لازم می شود یانه: سوال: ۷۷ ج: اگر کسی در روز سوم رمی جمار نکند خون بر او لازم می گردد یانه؟

جواب: الف: اگر سنگریزه ها را از مزدلفه نیارد واز منی بردارد ورمی کند خون لازم نمی گردد اما اگر از نزدیکی جمره بردار مکروه تنزیهی می باشد [٤].

ب: واگر رمی جمار به ترتیب صورت نگیرد ترک سنت بوده وچیزی درآن لازم نیست [٥].

ج: بهٔ همین ترتیب در ترک رمی روز ۱۳ ذی الحة خون لازم نمی گردد وتفصیل این مسأله در کتب فقه موجود است.



(١) بدائع الصنائع كتاب الحج فصل في بيان مايخطره الاحرام ج٢ ص ١٨٦ وج٢ ص ١٨٧. ظفير

(٢) بدائع الصنائع ج٢ ص ١٨٨. ظفير

(٣) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجنايات ج٢ ص ٢٨٧.

(٤) ويستحب ان ياخذ حصى الجمار من المزدلفة اومن الطريق ولايرمى بحصاة اخذها من عند الجمرة فان رمى بها جاز وقداساء كذا فى السراج الوهاج (عالمكيرى مصرى كتاب الحج باب خامس ج١ ص ٢١٨ ، ماجدية ج١ ص ٢٣٣). ظفير

(٥) الثاني عشر) أنه في اليوم الأول يرمي جمرة العقبة لا غير ، وفي بقية الأيام يرميها يبدأ بالأولى ثم بالوسطى ثم بجمرة العقبة كذا في المحيط ، وإن بدأ في اليوم الثاني بجمرة العقبة فرماها ثم بالوسطى ثم يأتي تلي المسجد إن أعاد الوسطى والعقبة فحسن كذا في محيط السرخسي رجل رمى في اليوم الثاني الجمرة الوسط والثالثة ولم يرم الأولى فإن رمى الأولى ثم أعاد على الثانية والثالثة فحسن مراعاة للترتيب ، وإن رمى الأولى وحدها أجزاه عندنا (عالمكيرى مصرى كتاب الحج باب خامس ج١ ص ٢١٩، ط. س. ج٢ ص٢٣٤). ظفير

فصل پنجم

حج بدل

حج بدل چرا است: سوال: ۷۸ حج بر زنان فرض گردید چرا نماز جمعه فرض نشده است بدیل نماز جمعه وجود ندارد در حالیکه حج بدل وجود دارد موضوع از چه قرار است؟

جواب: حج مانند زکات مال است پس طوریکه زکات بر زن لازم است حج نیز بر او فرض بوده وبودن محرم همرایش شرط می باشد بدل جمعه ظهر بوده وچون بیرون شدن زن وشرکت او در جماعت ممنوع می باشد بدین جهت جمعه بالایش فرض نگردیده ودر حج نیابت درست است طوریکه در زکات درست می باشد یعنی طوریکه حج را توسط دیگری می توان انجام داد زکات زا نیز میتوان توسط دیگری داد وتحقیق وتفصیل این مسائل در کتب فقه عربی موجود می باشد.

شخص ۶۲ ساله می تواند حج بدل کند یانه: سوال: ۷۹: شخصی که حج بر او فرض است وعمرش ٦٢ سال گردیده اما به علت ضعیف کمزور وناتوان بوده وچنان می اندیشد که تکالیف راه تحمل نخواهد توانست وبه ضعف هاضمه نیز مبتلا بوده وسه دختر نابالغ نیز دارد در چنین حالات ایا به هر ترتیب خودش باید حج برود یا باحج بدل فرُض از ذمه اش اداء می شود؟

جواب: باچنین احتمالانی حج بدل مسقط فرض نیست زیرا اصل شرط برای حج بدل عاجز بودن کلی می باشد طوریکه در الدر المختار آمده: (والمركبة منهما كحج الفرض تقبل النيابة عند العجز فقط لكن بشرط دوام الى الموت لانه فرض العمر حتى تلزم الاعادة بزوال العذر) [1].

آیا زن می تواند از سوی مرد حج بدل کند: سوال: ۸۰٦ آیا از سوی زید که وفات نموده زنی می تواند حج بدل کند یا نه؟

جواب: زن می تواند از سوی مرد حج بدل کند اما افضل آن است که حج بدل توسط مرد صورت گیرد در الدر المختار آمده (فجاز حج المراة وغير هم اولى) [2].

شخصی به نیت حج حرکت نمود اما در راه وفات کرد شخص دیگری رقم اورا گرفته حج نمود چه حکم دارد: سوال: ۸۱ شخصی غرض ادای حج فرض به سوی مکه معظمه حرکت نمود ودر راه قبل از رسیدن به میقات وفات کرد با رقم باقی مانده او شخص دیگری از

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الحج عن الغير ج۲ ص۳۲٦ – ۳۲۷ ، ط. س. ج۲ ص۵۹۸). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الحج عن الغير ج۲ ص ۳۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ٦۰۳. ظفير

طرف اوحج نمود اکنون ورثه متوفی از این شخص پول را می خواهند زیرا متوفی برای او وصیت نکرده بود در اینصورت از سوی متوفی حج اداء شده است یانه وآیا ورثه حق مطالبه پول را دارد یا نه؟ باید یاد آور شد که عده ای از ورثه نابالغ اند.

جواب: شخص مذکور باید رقم را به ورثه بدهد زیرا متوفی هیچ وصیتی ننموده ورقم باقی مانده ملکیت ورثه گردیده لذا خرج رقم مذکور بدون اجازه ورثه بالغ جائز نبوده وچون درمیان ورثه نابالغان نیز موجود اند از طرف ایشان اجازه نیز داده شده نمی تواند بهر حال رقم باقی مانده را که درحج خرج نموده باید به ورثه متوفی بدهد وحج ان شاء الله تعالی از سوی متوفی اداه شده است طوریکه در موضوع تبرع وارث واجنبی در شامی آمده (وان لم یوص به ای بالاحجاج فتبرع عنه الوارث جاز والمعنی جاز عن حجة الاسلام ان شاء الله تعالی ثم اعاد فی شرح اللباب المسئلة فی محل آخر وقال فلو حج عنه الوارث واو اجنبی یجزیه وسقط عنه حجة الاسلام ان شاء الله لانه ایصال للثواب [1] فان فسر المال فالامر علیه وفی ردالمحتار ولو کان المیت هوالذی دفع المامور ثم مات کان للوارث استرداد ما فی ید المامور وان احرم لان الباقی صار میراثاً لکون المیت لم یوص به) [2].

شخص کور که استطاعت دارد خود حج کند یاحج بدل نماید: **سوال**: ۸۲ یک شخص نابینا که حج بر او فرض است آنقدر استطاعت دارد که می تواند یکی دو نفر را همراه خود ببرد که خدمتش را بنمایند دراین حالت او خود حج کند یا حج بدل نماید؟

جواب: در اینصورت او می تواند از سوی خود کسی را به حج بدل بفرستد طوریکه در الدر المختار آمده: (والمرکبة منهما کحج الفرض تقبل النیابة عند العجز فقط لکن بشرط دوام العجز الی الموت هذا ای اشتراط دوام العجز الی الموت اذا کان العجز کالحبس والمرض یرجی زواله فان لم یکن کذلک کالعمی والزمانة سقط الفرض بحج الغیر عنه فلا اعادة مطلقاً سوا استمر به ذلک العذر ام لا) [3].

بر زید حج فرض بود امانه حج نمود ونه وصیت کرد اکنون چه بایدکرد: **سوال**: ۸۳ زید

---

(۱) ردالمحتار باب الحج عن الغیر قبیل مطلب شروط الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۶۰۰. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب ایضا ج۲ ص ۳۳۳. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۵۹۹. ظفیر

در حالی وفات نمود که حج بر او فرض بود اما اونه حج کرد ونه در این مورد وصیتی نمود اکنون در مالی که از او باقی مانده باید نخست حج بدل صورت گیرد یا اینکه میان ورثه تقسیم گردد وسپس ورثه از سوی خود برای زید متوفی حج بدل نمایند دراین مورد شرعاً چه حکمی وجود دارد باید یاد آور شد که زید قرضدار نیز می باشد.

جواب: بدون وصیت بر ذمه ورثه ضروری نیست که از سوی متوفی حج بدل نمایند اما اگر تمام ورثه به این امر راضی بوده وهمه بالغ باشند واز سوی توفی حج بدل نمایند خوب است وامید است که از سوی میت انشا الله حج فرض اداء گردد در الدر المختار آمده: (ویشترط الامر به بالحج عنه فلا یجوز حج الغیر بغیر اذنه الا اذا احج وحج الوارث عن مورثه [1] ودر شامی چنین آمده: (وان لم یوص به ای بالاحجاج فتبرع عنه الوارث جاز والمعنی جاز عن حجة الاسلام ان شاء الله تعالی) [2] پس اگر تمام ورثه بالغ بوده وهمه به حج کردن از سوی متوفی راضی باشند می توان قبل از تقسیم ترکه حج نمود اما اگر عده ای از ورثه بالغ وعده ای نابالغ باشند پس از ادای قرض ترکه تقسیم گردد وپس ورثه ای که بالغ اند می توانند از سوی خود برای توفی حج بدل نمایند.

خلاصه آنکه بدون وصیت بر ذمه ورثه ضرور نیست که حتماً برای متوفی حج بدل نمایند اما اگر بخواهند می توانند اینکار را انجام دهند وبا اینکار ان شاء الله حج فرض از سوی متوفی اداء خواهد شد:

٨٤ **سوال**: <u>کسیکه صحتش خوب نباشد آیا می تواند درزندگی خود حج بدل نماید</u>:

حج بر شخصی فرض می باشد اما صحت او آنقدر خراب است که حتی به زنده ماندن خود امیدی ندارد وپسر او شخص یله گردی بوده وامید نمی رود که پس از وفات پدر مطابق وصیت او برایش حج بدل نماید در این حالت چه حکمی وجود دارد؟

جواب: در اینصورت چون او خود به سبب مرض از حج کردن عاجز است وامیدی نمی رود که در زندگی قدرت حج کردن را بیابد می تواند در زندگی خود شخص دیگری را از سوی خود به حج بفرستد واگر خودچنین نکند پس باید وعیت نماید وبا وصیت اواز این بار سبکدوش خواهد

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٨.

(٢) ردالمحتار باب الحج عن الغیر قبیل مطلب شروط الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٣٨.

شد واگرپس ازآن وارث اوبا وصف وصیت ازسوی اوحج بدل ننماید گناه بر خود وارث خواهد بود نه بر متوفی در الدر المختار آمده: (والمرکبة منهما کحج الفرض تقبل النیابة عندالعجز فقط لکن بشرط دوام العجز الی الموت) [١].

آیا پیر ۶۶ ساله می تواند حج بدل نماید یانه: سوال: ٨٥ یک پیر ٦٦ ساله به امراضی مبتلا می باشد که سفر طولانی را تحمل کرده نمی تواند اگر کسی را از جانب خود به حج بفرستد درست است یانه؟

جواب: چنین شخصی به شرط عدم قدرت به سفر می تواند شخص دیگری را از سوی خود به حج بدل بفرستد [٢].

از ترس تکلیف کسی رابه حج بدل فرستادن وخود حج نکردن چطور است: سوال: ٨٦ یک شخص ثروتمند که حدود شصت سال عمر داشته واز نظر جسمانی نیز قدرت رفتن به حج را دارد صرف از ترس تکلیف می خواهد شخص دیگری را پول داده وبه حج بدل بفرستد در اینصورت حج او اداء می شود یانه؟ باید آور شد که ثروت او از کار وبار آمیخته باسود بدست آمده است.

جواب: شخص مذکور خودش باید به حج برود ودر حالت موجود با فرستادن شخص دیگری به حج حج فرض او اداء نمی گردد [٣] از ثروت حرام نباید حج نمود چنین حج مقبول نخواهد بود هر چند فرضیت حج اداء می شود.

شخص مذکور می تواند این طریقه را اختیار کند که نخست قرض گرفته وبه حج برود وسپس قرض را اداء کند [٤].

---

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٦.

(٢) وعنه قال: إن امرأة من خثعم قالت: یا رسول الله إن فریضة الله علی عباده في الحج أدرکت أبي شیخا کبیرا لا یثبت علی الراحلة أفأحج عنه؟ قال: "نعم" ذلک حجة الوداع (متفق علیه) (مشکوٰة کتاب الحج ص ٢٢١) والمرکبة منهما کحج الفرض تقبل النیابة عند العجز فقط لکن بشرط دوام العجز الی الموت الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٦، ط. س. ج٢ ص ٥٩٩). ظفیر

(٣) والمرکبة منهما کحج الفرض تقبل النیابة عند العجز فقط بشرط دوام العجز الی الموت الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٦، ط. س. ج٢ ص ٥٩٩). ظفیر

(٤) وقد یتصف بالحرمة کالحج بالاحرام (درمختار) لیس حراما بل الحرام هو انفاق المال الحرام الخ مع انه یسقط الفرض عنه معها ولا تنافی بین سقوطه وعدم قبوله فلا یثاب لعدم القبول ولا یعاقب عقاب تارک الحج (ردالمحتار کتاب الحج ج٢ ص ١٩١، ط. س. ج٢ ص ٤٥٦) اذا اراد الرجل ان یحج بمال حلال فیه شبهة یستدین للحج ویقضی دینه من ماله کذا فی فتاوٰی قاضی خان (عالمگیری کتاب الحج =

پیر هفتاد ساله که ضعیف است میتواند حج بدل نماید یانه: سوال: ٨٧ عمر من هفتاد سال بوده چشم نهایت ضعیف است واین ضعف روز به روز بیشتر شده می رود سرم دور می خورد از حج معذور هستم یانه؟ اگر من نائب خود را به حج بفرستم فرض من اداء می شود یانه؟.

جواب: در اینصورت برای شما جائز است که شخص دیگری را از جانب خود به حج بدل بفرستید زیرا عاجز بودن شما از سفر حج ظاهر می باشد در الدر المختار آمده: (والمركبة منهما كحج الفرض تقبل النيابة عند العجز فقط لكن بشرط دوام العجز الى الموت لانه فرض العمر) [1] خلاصه آنکه شما می توانید از جانب خود کسی را به حج بدل بفرستید وبهتر آن است که برای اینکار شخصی را در نظر بگیرید که حج فرضی خودرا قبلاً اداء کرده واز احکام حج با خبر باشد (والافضل احجاج الحر العالم بالمناسک الذي حج عن نفسه) [2].

زید در ابتدا غفلت نمود واکنون توانایی سفر را ندارد آیا می تواند کسی را به حج بدل بفرستد یانه: سوال: ٨٨ اگر زید که ثروتمند بوده وبه علت غفلت ولی پروایی حج نکرده باشد تا آنکه به حد پیری رسیده واکنون توان تحمل سفر را نداشته باشد اگر کسی را از سوی خود به حج بدل بفرستد فرض حج از گردن وی ساقط مي شود یانه؟

جواب: در اینصورت اگر او کسی را از جانب به حج بدل بفرستد صحیح بوده واز جانب او حج اداء می شود [3].

بدون تقسیم ترکه کسی را به حج بدل فرستادن درست است یانه: سوال: ٨٩ آیا زید می تواند بدون تقسیم رقم نقد یا زیورات کسی را از سوی هنده متوفیه به حج بدل بفرستد یانه وآیا ثواب حج بدل به هنده خواهد رسید یانه؟

جواب: برای زید جائز نیست که بدون تقسیم ترکه کسی را به حج بدل بفرستد ویا برای ایصال ثواب خیرات وصدقه نماید البته از سهم خود ویا آن عده از ورثه که بالغ بوده وراضی باشند می تواند کسی را به حج بدل بفرستد ویا صدقه و یا خیرات دهد واز سهم نابالغان چنین کاری را انجام داده نمی تواند باید سهم ایشان علیحده گردد [4].

= باب اول ج١ ص ٢٠٥). ظفير

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغير ج٢ ص ٣٢٦ ، ط. س. ج٢ ص ٥٩٨. ظفير

(٢) رد المحتار ص ٣٢٨ ج٢. ظفير

(٣) دار قطني مطبعه فاروقي ص ٢٨٢. ظفير

بخشیدن ثواب حج به کسیکه حج بر او فرض نبوده چطور است: سوال: ٩٠ اگر بر شخصی حج فرض نبوده ووفات نموده باشد ووارث او حج فرض را اداء نموده وبه مکه معظمه رفته واز یکی از باشندگان آن شهر حج را خریده وثواب آن را به مورث متوفای خود ایصال کند درست است یانه وآیا به مورث متوفی ثواب حج نفلی خواهد رسید یانه؟

جواب: جائز که کسی به مکه معظمه رفته وبه شخصی خرج بدهد که حج نفلی کند وثواب آنرا به میت ایصال نماید وشرط آن این است که شخص حج کننده هنگام بستن احرام از سوی میت نیت حج را بنماید واز سوی او احرام ببندد اما درست نیست که حجی که او قبلاً نموده خریده شود وثواب آن به میت ایصال شود زیرا حج خرید وفروش نمی شود.

اگر ورثه حج بدل کنند چه حکم دارد: سوال: ٩١ شخصی وفات نموده ودر حالیکه وصیت نکرده بود ورثه او از سویش حج بدل کرده اند آیا حج از سوی میت اداء می شود وآیا داخل ثواب می گردد؟

جواب: مذهب امام ابو حنیفه آن است که اگر حج بر میت فرض بوده واو وصیت حج نکرده باشد اما ورثه او از سویش حج بنمایند ان شاء الله از سوی میت حج اداء می گردد پس برای ورثه مناسب است که از سوی میت حج بدل بنمایند زیرا امید می رود که حج از سوی او اداء گردد وورثه نیز ثواب بدست خواهند آورد در شامی آمده: (ففی مناسک السروجی لو مات رجل بعد وجوب الحج ولم یوص به فحج رجل عنه او حج عن ابیه وامه عن حجة الاسلام من غیر وصیة قال ابو حنیفه یجزیه ان شاء الله تعالی وبعد الوصیة یجزیه من غیر المشیئة) وفیه ایضاً عن اللباب وان لم یوص به فتبرع عنه الوارث وکذا من هم اهل التبرع فحج ای الوارث ونحوه بنفسه ای عنه اوحج غیره جاز والمعنی جاز عن حجة الاسلام ان شاء الله تعالی) [1].

اخرج الدار قطنی عن جابر بن عبدالله (رضی الله عنه) قال قال رسول الله ﷺ من حج عن ابیه وامه فقد قضی عن حجة وکان فضل عشر حجج واخرج ایضاً عن زید بن ارقم رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ اذا حج الرجل عن والدیه تقبل عنه ومنها واستبشرت ارواحها فی السماء وکتب عندالله براً) [2]. فقط

---

(٤) فتاوی عالمگیری مصری ص ٢٤٠ ج١. ظفیر

(١) ردالمحتار باب الحج عن الغیر مطلب فی حج الصرورة ج٢ ص ٣٣١ ، ط. س. ج٢ ص ٦٠٣. ظفیر

کسیکه به حج بدل فرستاده می شود آیا می تواند اول از آن رقم خود حج کند:

سوال: ۹۲ شخصی که هیچگاهی حج ننموده وشخصی برای او رقمی غرض حج بدل بدهد اما او از آن شخص اجازه بگیرد که امسال خودم حج خواهم کرد وسال آینده برای شما آیا اینکار جائز است یانه؟

جواب: در حج بدل ضرور است که از کسیکه پول گرفته شده وبا پول او سفر حج را نموده نخست از سوی او حج نماید پس درصورت مسوله حج آمر اداء نخواهد شد (ولجواز النیابة فی الحج شرائط ومنها نیة المحجوج عنه عند الاحرام والافضل ان یقول بلسانه لبیک عن فلان ومنها ان یکون الحج بمال المحجوج عنه) [1].

رقمی را که مادر گرفته درسهم چه کسی حساب می گردد: **سوال**: ۹۳ الف: هنده از جایداد متروکه زید مبلغ ششصد روپیه را گرفته وبه یک پسر خود یعنی عمر داد که از سوی خودش حج کند این رقم در سهم هنده حساب می گردد یا نه؟

ب: عمر در حضور بسیار از مردم اظهار داشت که من یک منزل خود را فروخته وبه حج می روم آیا در اینصورت برعمرو واجب است که پولی را که مادر خود برای حج بدل گرفته باز پس بدهد یانه؟

ج: عمرو قبل از این حج را اداء ننموده حالانکه حج بر او فرض بوده است آیا در اینصورت برای او

جائز است که از سوی مادر خود حج بدل نماید یانه؟

د: برای وجوب شرط است که شخصی توان رفتن سه کوس فاصله را داشته باشد کسانیکه چنین گفته وهنده را از رفتن به حج باز داشته اند در مورد ایشان چه حکمی وجود دارد؟

جو ب: الف: هنده این مبلغ را درسهم خود محاسبه کند زیرا تمام ورثه ذمه دار آن نیستند.

ب: اگر عمرو واقعاً از هنده پول نگرفته باشد در اینصورت واپسی آن بر او لازم نیست واگر در حقیقت گرفته باشد در آنصورت یا آنرا واپس نماید ویا درسهم خود محاسبه کند.

ج: دراینصورت ازجانب شخص دیگرحج کردن مکروه است اما اگر ازجانب کسی به حج برود

---

(۲) والحاصل ان من قدر علی الحج وهو صحیح ثم عجز لزمه الاحجاج اتفاقا (ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۲۲۷). ظفیر

(۱) تتعلق بترکۃ المیت حقوق اربعة مرتبة الاول یبدأ بتکفینه وتجهیزه من غیر تبذیر ولا تقتیر ثم تقضی دیونه من جمیع ما بقی من ماله ثم تنفذ وصایاه من ثلث ما بقی بعد الدین ثم یقسم الباقی بین ورثته بالکتاب والسنة واجماع الامة الخ (سراجی ص ٦). ظفیر

از سوی او حج اداء می شود واز جانب خود باید بعداً حج کند [1].

از سوی پدر توسط شخصی که استطاعت ندارد حج کردن چطور است: سوال: ٩٤ بر پدر مرحوم من حج فرض بود اما به علت مریضی نتوانست به حج برود اگر من شخصی را که صاحب استطاعت نباشد از سوی پدر مرحوم خود همراه با خودم به حج ببرم فرض پدرم اداء خواهد شد یانه وبه این شخص نیز ثواب حج می رسد یانه؟

جواب: اگر از پدر شما مال باقی مانده ووصیت کرده باشد در آنصورت حج کردن از سوی او ضرور می باشد وحج فرض او اداء می گردد اما اگر طوریکه گفتیم نباشد وشما تبرعاً از جانب او حج بدل نماید خوب بوده وامید است که از طرف او حج اداء گردد وثواب حج برایش برسد پس جای ترددی نیست وبرای شخصی که به حج بدل می رود ثواب حج نیست اما اگر به آنجا رفته وعمره وغیره نماید ثواب ان اعمال برایش خواهد رسید [2].

درحجی که به اعانه صورت گیرد به کسی گفتن که اینقدر پول بده برایت حج بدل می کنم: سوال: ٩٥ زید برای حج بدل ازمردم پول به شکل خیرات طلب می کند چنانچه او تقریباً مخارج حج را تکمیل کرده است واکنون به بکر می گوید که صرف صدر روپیه برای من بده من از طرف توحج بدل می کنم در اینصورت ازسوی بکر حج بدل می شود یانه واز ذمه او حج فرض ساقط خواهد گشت یانه؟ همچنان بکر می خواهد که به این ترتیب به چند نفر صد صد روپیه داده وایشان را از سوی خود به حج بدل بفرشتد در این مورد چه حکمی وجود دارد؟ اگر برای شخص غرض حج بدل پول داده شود واو حج نکند در این صورت چه حکم است؟ چون در حج زیارت روضه پیامبر ﷺ فرض یا واجب نیست آیا در آن نیز بدل صورت می گیرد؟

جواب: برای حج بدل ضرور است که مصارف کامل سفر حج به شخص حج کننده داده شود

---

(١) فجاز حج الضرورة من لم يحج الخ وغيرهم اولى لعدم الخلاف (درمختار) قال في الفتح بعد ما أطال في الاستدلال والذي يقتضيه النظر ان حج الضرورة عن غيره ان كان بعد تحقق الوجوب عليه بملک الزاد والراحلة والصحة فهو مكروه كراهة تحريم ؒ ومع ذلک يصح لان النهي ليس لعين الحج المفعول بل لغيره وهو الفوات (رد المحتار باب الحج عن الغير ج٢ ص ٣٣١ ، ط. س. ج٢ ص ٦٠٣). ظفير

(٢) فلا يجوز حج الغير بغير اذنه الا اذا حج او احج الوارث عن مورثه لوجود الامر دلالة (درمختار) ولامعنى جاز عن حجة الاسلام انشاء الله تعالى ؒ وهذا مقيد بالمشية ففی مناسک السروجي ولو مات رجل بعد وجوب الحج ولم يوص به فحج رجل عنه او حج عن ابيه او امه عن حجة الاسلام من غير وصية قال ابو حنيفة ؒ يجزيه انشاء الله وبعد الوصية يجزيه من غير المشية آه ثم اعاد في شرح اللباب المسئلة في محل اخر وقال فلو حج عنه الوارث او اجنبی يجزيه وتسقط عنه حجة الاسلام انشاء الله لانه ايصال للثواب ؒ (ردالمحتار باب الحج عن الغير ج٢ ص ٣٢٩ ، ط. س. ج٢ ص ٥٩٩ و٦٠٠) . ظفير

طوریکه مصارف حج از هنگام حرکتش از منزل تا مکه معظمه ودوباره رسیدن تا خانه برایش تأدیه گردد ودر غیر آن حج بدل فرض اداء نخواهد شد البته ثواب نفل برایش خواهد رسید واگر به شخصی که به حج بدل می رود پول داده شود اما او از طرف آمر حج نکند از طرف آمر حج اداء نمی گردد [1] وگناه بر مامور خواهد بود ومورد مواخذه قرار خواهد گرفت.

زیارت روضه پیامبر ﷺ موجب ثواب بوده اما درآن نیابت وبدلیت وجود نداشته وهر کسی که آنرا زیارت کند خودش مستحق ثواب بوده وکسیکه برای آن پول داده باشد برایش صدقه شمرده می شود.

<u>شخصی به نیت حج حرکت نمود اما به علتی بازگشت ایا می تواند رقم آنرا را برمسجد یا مدرسه خرج کند</u>: سوال: ٩٦ شخصی به اراده حج از منزل خویش حرکت نمود اما به علتی از راه باز گشت ودوباره به خانه آمد اکنون او بیمار وقریب الموت است صرف رقم مذکور در مسجد ویا مدرسه دست است یانه؟

جواب: چون حج بر او فرض است اگر خود نتواند باید از سوی خود شخص دیگری را به حج بدل بفرستد وخرج رقم مذکور در کار دیگری چون مسجد مدرسه وغیره جائز نیست [2].

<u>زنی که با حجابی که محرم ندارد آیا می تواند حج بدل کند یانه</u>: سوال: ٩٧ الف: زن با حجابی که مال دارد اما محرم ندارد آیا می تواند کسی را از سوی خود به حج بدل بفرستد یانه؟

ب: بدون محرم شرعی همراه با دیگران حج کردن جائز است یانه هر چند به سبب تکلیف راه حفظ حجاب شوار باشد.

جواب: الف وب: اگر محرمی که همرایش برود نباشد حج بر او فرض نیست وبدون محرم شرعی رفتن به سفر حج درست نمی باشد ونه حج بدل بر او لازم می باشد واگر محرم باشد وبتواند که همرایش برود رفتن به حج فرض بوده وحجاب شرعی را حتی الوسع رعایت نماید وبه

---

(١) وبقی من الشرائط النفقة من مال الآمر الخ (درمختار) ای المحجوج عنه (ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٨) ویشترط نیة الحج عنه ای الامر فیقول احرمت عن فلان الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٧ ، ط. س. ج٢ ص ٦٠٠). ظفیر

(٢) والمرکبة منهما الحج الفرض تقبل النیابة عند العجز فقط لکن بشرط دوام العجز الی الموت الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٧ ، ط. س. ج٢ ص ٥٩٨). ظفیر

علت محفوظ نماندن حجاب حج ساقط نمی گردد هر وقتیکه حج فرض گردد ومحرم موجود باشد که همرایش برود باید حج بنماید وحجاب ضروری مراعات کند وپابندی حجاب غیر ضروری را ننماید [۱].

حج بدل: سوال: ۹۸ زید به علت عذری نمی تواند به حج برود لذا می خواهد شخص دیگری را مصارف بلند داده واز طرف خود به حج بفرستد آیا این حج از سوی دیگری جائز است یانه در صورت جواز مصارف راه چگونه باید باشد بلند متوسط ویا به قدر کفایت؟

جواب: درحج فرض در فرستادن شخص دیگری به عوض خود شرط آن است که خودش به هیچ شکلی نتواند به حج برود وکاملاً معذور باشد ودر صورت عذر اگر شخص دیگری را به جای خود به حج می فرستد باید مصارف راه او را بدهد ودر مصارف راه شرط نیست که مضارف بلند داده شود بلکه به هر شکلی که حج کننده راضی گردد به همان ترتیب خرج نماید اگر آمر خرج بلند بدهد نیز درست است واگر متوسط ویا بقدر کفایت بدهد ومامور راضی گردد نیز جائز است خلاصه مامور طوریکه عادی بوده وموجب آسایش او باشد همان طور شود [۲].

انجام حج نفل به شکل بدل چطور است: سوال: ۹۹ زید ووالدینس حج فرض را اداء کرده اند اکنون زید می خواهد که از طرف خود واز طرف والدین مرحوم خود حج نفلی را به شکل بدل انجام دهد وسه نفری که اینکار را می کنند از ساکنان مکه بوده واز همانجا احرام حج بدل را می بندند آیا از طرف زید که زنده می باشد حج نفل به شکل بدل جائز است یانه وثواب حج بدل برایش خواهد رسید یانه؟

جواب: قوله لم یجز ای عن الفرض وان وقع نفلاً للآمر افاده فی البحر قال الحموی ومن ههنا یوخذ عدم صحة ما یفعله السلاطین والوزراء من الاحجاج عنهم لان عجزهم لم یکن مستمراً الی الموت او لعدم عجزهم اصلاً والمراد عدم صحته عن الفرض بل یقع نفلاً) [۳] پس معلوم گردید

---

(۱) هو الخ فرض الخ علی مسلم الخ حر مکلف الخ ومع زوج اومحرم الخ بالغ الخ عاقل الخ غیر مجوسی ولا فاسق الخ لامراة حرة ولو عجوزا فی سفر الخ وهل یلزمها التزوج قولان الخ ولو حجت بلا محرم جاز مع الکراهة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۲۰۰ ، ط. س. ج۲ ص ۴۵۴ و۴۶۵) والمرکبة منهما کحج الفرض تقبل النیابة عن العجز فقط لکن بشرط دوام العجز الی الموت لانه فرض العمر الخ (باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۵۹۸). ظفیر

(۲) ومن الشرائط النفقه من مال الآمر کلها اواکثرها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ط. س. ج۲ ص ۶۰۰) . ظفیر الدین غفر له

(۳) کحج الفرض تقبل النیابة عند العجز فقط لکن بشرط دوام العجز الی الموت لانه فرض العمر حتی تلزم الاعادة بزوال العذر (در =

که بدین ترتیب ثواب حج نفلی حاصل می گردد.

حج بدل در زندگی: **سوال**: ۱۰۰ وقتی که حج فرض باشد در چه صورتی می توان به جای خود شخصی دیگری را غرض حج بدل اعزام نمود؟

جواب: وقتیکه خود نتواند به سبب پیری زیاد یا مرض غرض ادای حج سفر کند می تواند کسی را از سوی غرض ادای حج بدل بفرستد اما در صورت مرض اگر بعداً صحتمند شود ومرض ممکن الزوال باشد باید خود به حج برود این مسأله در الدر المختار آمده است.

احرام بستن از غیر درحج بدل درصورتیکه مخارج کم باشد: **سوال**: ۱۰۱ کسیکه به حج بدل می رود اگر به علت کمی زاد راه از میقات آمر احرام نبندد. بلکه از میقات خود یا میقات دیگری ببندد درست است یانه؟

جواب: در حج بدل ضرور است که سفر حج از وطن آمر شروع گردد اما اگر به سبب کمی مصارف راه از جای دیگری که مخارج کفایت کند سفر شروع گردد درست است (وان لم یکف فمن حیث یبلغ) [1] وباید از میقات آمر احرام ببندد ودر صورت کمی مصارف راه از هر هر راهی که رسیده می تواند واز هر میقاتی که می گذرد احرام ببندد در اینصورت صرف همین شرط معلوم می گردد که حج او باید آفاقی باشد نه مکی واز یکی از میقات ها باید احرام ببندد.

بدون وصیت از مال نابالغ حج بدل درست است یانه: **سوال**: ۱۰۲ برادر من عمر علی وفات نموده واو شخص نهایت ثروتمند بوده اما وصیت حج را ننموده وورثه او مشتمل بر سه پسر نابالغ ویک پسر بالغ سه زن وپنج دختر می باشد در اینصورت حج بدل چه حکمی دارد و زمین یتیم را به اجاره دادن وقرض مورث را اداء کردن چطور است؟

جواب: انجام اموری که به نفع یتیم تعلق دارد درست است مثلاً به اجاره دادن زمین اگر موجب نفع باشد درست است وحج کردن از سهم یتیم نابالغ در حالیکه متوفی وصیت ننموده درست نیست وبر ذمه بالغان نیز ضروری نمی باشد البته اگر بالغان از سهم خویش برای متوفی حج بدل بنمایند بهتر است اما فرض یا واجب نمی باشد [2] وقرض متوفی باید ازترکه مشترک داده شود

= مختار) ای العذر الذی یرجی زواله کالحبس والمرض بخلاف نحو العمی فلا اعادة لو زال علی مابانی (ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۵۹۸) . ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۶۰۵. ظفیر

(۲) لومات رجل بعد وجوب الحج ولم یوص به فحج رجل عنه اوحج عن ابیه اوامه عن حجة الاسلام من غیر وصي قال ابو حنیفة رحمه الله =

ودر سهم نابالغان زکات واجب نمی باشد.

تجارت با رقم حج بدل درست است یانه: سوال: ۱۰۳ بر هنده که زن ثروتمند بود حج فرض بود اما به علت مصروفیت های دنیایی در زندگی خود حج را اداء ننمود بلکه وصیت کرد که از جانب من حج را اداء کنید فاطمه که دختر ووارث او می باشد مبلغ سه صد روپیه به زید داد که از جانب والده من حج را اداء کن زید رقم مذکور را گرفت وچون راه مخدوش می باشد تا اکنون حرکت نکرده لذا رقم مذکور را به عمر داده که تجارت کند تجارت شروع گردیده ومنفعت نیز حاصل شده است وزکات رقم مذکور را زید از منافع آن اداء کرده است بعذر از مدتی فاطمه به زید گفت که من به پول ضرورت دارم آن رقم را به من بدهید بعداً دوباره به شما خواهم داد وزید رقم مذکور را به او داد اینکه زید با رقم مذکور تجارت نموده واز منافع آن زکات آنرا اداء کرده وآنرا دوباره به فاطمه داده چطور است ومستحق منافع باقی مانده آن چه کسی می باشد؟

جواب: چون مامور یعنی زید به علت مخدوش بودن راه حرکت نتوانست باز پس دادن رقم مذکور به فاطمه بر ذمه او لازم بود اما اگر به اجازه فاطمه تجارت با آن را شروع کرده وزکات را اداء کرده باشد جائز است ونفعی که از آن بدست آمده از فاطمه می باشد وگرفتن آن دراینصورت برای فاطمه صحیح می باشد اما بر فاطمه لازم است که از سوی هنده متوفیه حج بدل بنماید ودر این راه می تواند ثلث مال هنده را خرج کند واگر مصارف از ثلث مال او زیاد باشد فاطمه اختیار دارد که مصارف را بدهد یا ندهد [1].

کسیکه ازجانب والدین خود حج بدل کند به ایشان ثواب می رسد یانه: سوال: ۱۰۴ زید بعد از وفات والدین خود می خواهد از جانب ایشان حج بدل کند آیا به آنها ثواب می رسد یانه؟

جواب: فقها در این مورد نوشته اند که اگر بدون وصیت متوفی ورثه او از جانب او تبرعاً حج بدل بنمایند امید است که ان شاء الله از سوی او حج اداء گردد وفرض از ذمه اش ساقط شود

= یجزیه انشاء الله وبعد الوصیة یجزیه من غیر المشیة (ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲۸ ،ط. س. ج۲ ص ۶۰۰). ظفیر

(۱) خرج المکلف إلی الحج ومات في الطریق وأوصی بالحج عنه إنما تجب الوصیة به إذا أخره بعد وجوبه الخ فإن فسر المال أو المکان فالامر علیه أي علی ما فسره وإلا فیحج عنه من بلده الخ إن وفی به أي بالحج من بلده ثلثه (درمختار) ای من ثلث مال الموصی الخ (ردالمحتار کتاب الحج باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۳۲ – ۳۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۶۰۴ و۶۰۵) . ظفیر

اگر چه یقینی نیست اما در حصول ثواب هیچگونه ترددی نمی باشد طوریکه در شامی آمده: (و ان لم یوص به فتبرع عنه الوارث فحج ای الوارث ونحوه بنفسه او احج عنه غیره جاز قال ابوحنیفه یجزیه ان شاء الله تعالی) [١].

بر هنده حج فرض بود اما بدون وصیت وفات نمود اکنون اگر پسرش ازسوی اوکسی را به حج بدلی بفرستد کافی است یانه: **سوال**: ١٠٥ بر هنده حج فرض بود اما او بدون آنکه به حج وصیت کند وفات کرد اکنون پسرش زید می خواهد از طرف او حج بدل نماید به آن جهت که برای حج وصیت صورت نگرفته آیا بر زید لازم است که کسی را از خانه خویش اعزام کند یانه واگر شخصی از باشندگان مکه را غرض حج بدل انتخاب کند از طرف والده او حج اداء می شود یانه؟ همچنان در چنین حجی رفتن به مدینه منوره ضرور است یانه؟

جواب: در حالیکه متوفیه وصیت نکرده باشد حجی که وارث از سوی او می کند تبرع بوده وآنرا می توان از مکه معظمه نیز انجام داد ورفتن به مدینه منوره در چنین حجی ضرور نمی باشد [٢]. فقط

اگر کسیکه فرض را اداء ننموده به حج بدل برود چطور است: **سوال**: ١٠٦ شخصی که حج فرض را بجا نیاورده او را به حج بدل فرستادن وتوسط او انجام دادن حج بدل چطور است وطعن بر عالمی که آنرا مکروه گوید وغیر مقلد خواندن او چطور است ودر مورد طعن کننده شرعاً چه حکمی وجود دارد؟

جواب: انجام حج بدل توسط شخصی که حج ننموده صحیح وجائز می باشد اما بهتر آن است که شخصی به حج بدل فرستاده شود که حج فرض خود ر اداء کرده باشد لذا انجام حج بدل توسط شخصی که حج فرض خود را اداء ننموده مکروه تنزیهی می باشد طوریکه مفاد عبارت الدر المختار چنین است: (فجاز حج من لم یحج وغیرهم اولی) [٣] وعلامه شامی از محقق ابن همام نقل کرده است که اگر بدل توسط شخصی صورت گیرد که با وجود فرض بودن حج از سوی خود حج نکرده باشد در حق او مکروه تحریمی است بصورت خلاصه اینکار در حق آمر

---

(١) ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٨ ، ط. س. ج٢ ص ٦٠٠. ظفیر

(٢) وان لم یوص به ای بالاحجاج فتبرع عنه الوارث الخ فحج بنفسه او احج عنه غیره جاز (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٣١ ، ط. س. ج٢ ص ٦٠٦). ظفیر

(٣) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٣١ ، ط. س. ج٢ ص ٦٠٣. ظفیر

مکروه تنزیهی ودر حق مامور که حج بر او فرض بوده وحج نکرده باشد مکروه تحریمی است زیرا او به علت حج نکردن وتأخیر نمودن گنهگار می باشد لذا طعن بر عالمی که اینکار را مکروه گفته ناجائز وممنوع است ودر حالیکه احناف خود آنرا در حق مامور مکروه تحریمی می دانند مکروه گوینده را غیر مقلد گفتن نشانه جهل وبی خبری از مسائل شرعی می باشد در شامی از فتح القدیر چنین نقل گردیده: (والذی یقتضیه النظر ان حج الضرورة عن غیره ان کان بعد تحقق الوجوب علیه بملک الزاد والراحلة والصحة فهو مکروه کراهة تحریم لانه تضیق علیه فی اول سنی الامکان فیاثم بترکه قال فی البحر والحق انها تنزیهیة علی الآمر لقولهم والافضل تحریمیة علی الضرورة المامور الذی اجتمعت فیه شروط الحج ولم یحج عن نفسه بالتاخیر) [1].

ونگهداشتن رقم اضافی از مخارج حج بدل برای مامور در صورتی درست است که آمر او را وکیل بالهبة ساخته باشد یعنی به او این اجازه واختیار را داده باشد که رقم اضافی را برای خود نگهدارد در الدر المختار آمده: (وعلیه رد ما فضل من النفقة وان شرط له فالشرط باطل الا ان یوکله بهبة الفضل من نفسه) [2].

برای حج بدل آیا حرکت از وطن آمر ضرور است: **سوال**: ۱۰۷ آیا در حج بدل که در صورت مرگ یا در حال زندگی از سوی کسی که قادر به سفر نباشد انجام می شود شرط است که خرج متوسط از جای سکونت آمر داده شود تا تمام ارکان حج اداء گردد یا چطور؟

جواب: از جمله شرایط حج بدل این نیز است که به او امر یا وصیت شود وتمام مصارف سفر حج یا اکثریت آن از مال آمر باشد واینکه حج از وطن آمر صورت گیرد در الدر المختار آمده: (وبشرط الامر به ای بالحج عنه فلا یجوز حج الغیر بغیر اذنه الا اذا حج او احج الوارث عن مورثه لوجود الامر دلالة وبقی من الشرائط النفقة من مال الآمر کلها واکثرها) [3] ودر ردالمحتار چنین آمده: (الحادی عشر ان یحج عنه من وطنه ان التسع الثلث والا فمن حیث یبلغ کما سیأتی بیانه) [4]. فقط

آیا مرد ازسوی زن وغیر مقلد ازسوی حنفی حج بدل می تواند: **سوال**: ۱۰۸ آیا مرد می

(۱) ردالمحتار باب الحج عن الغیر مطلب فی حج الضرورة ج۲ ص ۳۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ٦۰۳ ظفیر
(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر فروع ج۲ ص ۳٤۰ ، ط. س. ج۲ ص ٦۱۲. ظفیر
(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ٥۹۹. ظفیر
(٤) ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ٥۹۹. ظفیر

تواند از سوی زن به حج بدل رود وهمچنان آیا غیر مقلد می تواند که از سوی حنفی حج بدل نماید یانه؟

جواب: مردی می توند از سوی زن حج بدل نماید وهمچنان غیر مقلد می تواند که از سوی حنفی حج بدل را انجام دهد [۱].

آیا دربه حج بدل رفتن اولاد بهتر است و آیا قرض دادن از رقم آن درست است یانه:

سوال: ۱۰۹ از قاسم مبلغ پنجاه هزار روپیه میراث مانده وقبل از مرگ به حج بدل وصیت کرده بود بعد از مدتی چونه اولاد قاسم جایداد را تقسیم نمودند رقم حج را علیحده گذاشتند تا چند سال بعد کسی را غرض ادای حج بدل بفرستند بعداً این مسأله را دانستند که کسی که به حج بدل فرستاده می شود باید از جایی فرستاده شود که قاسم در آن سکونت داشته وبهتر آن است که یکی از اولاد قاسم این حج بدل را انجام دهند آیا این قول صحیح است یانه؟ ودادن قرض حسنه از رقمی که به حج بدل گذاشته شده وصرف آن درکار های خود است؟

جواب: اعزام یکی از اولاد قاسم به حج بدل ضرور نیست ودر این مورد نسبت به یک شخص بیگانه استحقاق بیشتری ندارند بلی ضرور آن است که غرض حج بدل کسی از محل سکونت قاسم فرستاده شود ورقمی که برای حج علیحده گردیده باید در حج صرف گردد وبه زودی ترتیب فرستادن کسی گرفته شود ودادن قرض از آن وصرف آن در کارهای شخصی جائز نیست [۲]

فرستادن کسی که قبلاً حج ننموده وکسیکه قبلاً حج کرده به حج بدل چطور است:

سوال: ۱۱۰ کسیکه قبلاً حج ننموده او را به حج بدل فرستادن چطور است وفرستادن کسیکه قبلاً حج نموده به حج بدل چگونه می باشد؟

جواب: حج بدل توسط شخصی که قبلاً حج کرده باشد افضل است وفرستادن کسیکه قبلاً حج

---

(۱) والأفضل للإنسان إذا أراد أن يحج رجلا عن نفسه ان يحج رجلا قد حج عن نفسه الخ ولو احج عنه امرأة او عبدا او امة باذن السيد جاز ويكره هكذا في محيط السرخسي (عالمگيرى كشورى كتاب المناسک الباب الرابع عشر فى الحج عن الغير ج۱ ص ۲۶۳ – ۲۶۴ ، ماجديه ج۱ ص ۲۵۷) فجاز حج الضرورة الخ والمرأة ولو امة والعبد وغيرهم كالمراهق وغيرهم اولى لعدم الخلاف (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الحج عن الغير ج۲ ص ۳۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۶۰۳). ظفير

(۲) اما اذا لم يخرج واوصى بان يحج عنه الخ فانه يحج عنه من ثلث ماله من بلده (ردالمحتار باب الحج عن الغير ج۲ ص ۳۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۶۰۴). ظفير

ننموده به حج بدل مکروه می باشد زیرا در الدر المختار وشامی چنین آمده است [۱].

کسیکه به حج بدل فرستاده شد در راه وفات نمود اکنون چه باید کرد: سوال: ۱۱۱ شخصی یک نفر را ازسوی خود به حج بدل فرستاد نفر مذکور قبل از آنکه به مکه معظمه برسد در راه وفات نمود بدین ترتیب حج امر اداء گردیده یانه واکنون چه باید بکند؟

جواب: حج او اداء نگردیده وحج بر ذمه اش فرض می باشد پس در صورتیکه خود قدرت رفتن به حج را نداشته باشد شخص دیگری را غرض حج بدل بفرستد [۲].

رفتن چه کسی به حج بدل مکروه است: سوال: ۱۱۲ کسیکه حج نکرده رفتن او به حج بدل مکروه تحریمی می باشد این مطلب را می خواهم بدانم که اگر صاحب استطاعت حج بدل بنماید برای او مکروه تحریمی می باشد یا اینکه شخصی که به لحاظ استطاعت حج برای او فرض نیست به شوق زیارت می خواهد به حج بدل برود در این مورد کدام اکراه شرعی وجود نخواهد داشت؟

جواب: کسیکه قبلاً بر او حج فرض گردیده رفتن او به حج بدل به اتفاق مکروه تحریمی می باشد وکسیکه بر او حج فرض نیست واستطاعت حج رفتن را ندارد چون نزد بعضی از علمای محقق وقتیکه به مکه معظمه برسد حج بالایش فرض می گردد لذا نزد ایشان او نیز به علت تارک فرض بودن مرتکب کراهیت تحریمی می باشد طوریکه در شامی از بدائع از منقول است: (یکره احجاج الضرورة لانه تارک فرض الحج یفید انه یصیر بدخول مكة قادراً علی الحج عن نفسه قلت وقد افتی بالوجوب مفتی دار السلطنه العلامة ابو السعود وتبعه فی سکب الانهر وکذا افتی به السید احمد بادشاه والف فیه رسالة) [۳] بهر حال کسیکه حج خود را اداء ننموده او را به حج بدل فرستادن به هیچ صورتی از کراهت خالی نیست خلاصه آنکه در صورت نداشتن استطاعت نزد بعضی کراهت تنزیهی می باشد ونزد علمایی که با رسیدن به مکه حج را فرض می

---

(۱) فجاز حج الضرورة من لم یحج الخ وغیرهم اولی لعدم الخلاف (درمختار) ای خلاف الشافعی فانه لا یجوز حجهم کما فی الزیلعی ولا یخفی ان التعلیل یفید ان الکراهة تنزیهیة لان مراعاة الخلاف مستحبة فافهم (رد المحتار باب الحج عن الغیر ج۲ ص ۳۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۶۰۳). ظفیر

(۲) والحج فرضه ثلاثة الاحرام والوقف بعرفة الخ ومعظم طواف الزیارة وهما رکنان الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۲۰۲ ، ط. س. ج۲ ص ۴۶۷). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الحج عن الغیر مطلب فی حج الضرورة ج۲ ص ۳۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۶۰۲. ظفیر

دانند مکروه تحریمی بوده ودر صورت داشتن استطاعت به اتفاق مکروه تحریمی می باشد.

پولی که غرض حج بدل داده شده است چه باید کرد: سوال: ١١٣ زید دونیم صد روپیه به عمر داد که پس از وفات من از سوی من حج کن شش ماه بعد زید وفات نمود سه روز قبل از وفات پرسید که پول مذکور کجاست در جواب گفته شد که مردم می گویند که با این پول حج نمی شود جواب داده که عمرو اختیار دارد که به هر طریقی که بخواهد پول مذکور را خرج کند ودر همان روز پنجاه روپیه به عمرو داد که در تکفین وتجهیز من صرف کن یک پسر ویک زن از زید مانده است شخصی حاضر است که در مقابل سه صد روپیه حج بدل بنماید اگر عمرو پنجاه روپیه از جانب خود بدهد وحج بدل بنماید حرجی نخواهد بود؟

جواب: اگر رقم مذکور (٢٥٠ روپیه) از ثلث ترکه زیاد نباشد باید رقم مذکور را در حج صرف نمود ودر صورتیکه رقم مذکور برای حج گردن از وطن میت کافی نباشد حکم آن است که از هر جایی که با آن حج ممکن باشد از همانجا کسی به حج فرستاده شود در الدر المختار آمده: (والا فیحج عنه من بلده ان وفی به ثلثه وان لم یف فمن حیث یبلغ [١] واینکه عمرو از جانب خود پنجاه روپیه اضافه نموده وکسی را به حج بفرستد در این مورد روایات مختلف است وروایت جواز نیز وجود دارد لذا در این شکل نیز حرجی نیست در الدر المختار آمده: (و کذا لو حج لا لیرجع کالدین اذا قضاه من مال نفسه) قوله وکذا لو حج لیرجع ای انه یجوز) [٢].

بدلیل مجبوریت می توان بدل نمود یانه: سوال: ١١٤ به اعتبار استطاعت مالی بر زید حج فرض می باشد اما به علت پیری و نابینایی از رفتن عاجز است وتوانایی آنرا ندارد که کسی را به شکل راهنما با خود ببرد آیا در این صورت می
تواند کسی را از جانب خود به حج بدل بفرستد یانه؟

جواب: برای معذر مذکور فرستادن شخصی فرض غرض حج بدل به شرائط جائز بوده وبدین ترتیب حج فرض او اداء می شود: (والمرکبة منهما کحج الفرض تقبل النیابة عند العجز) [٣]

فرستادن کسیکه حج بر او فرض نیست وبه حج نرفته در حج بدل درست است: سوال:

---

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٣٣ ، ط. س. ج٢ ص ٦٠٥. ظفیر

(٢) ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٣٤ ، ط. س. ج٢ ص ٦٠٦. ظفیر

(٣) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الحج عن الغیر ج٢ ص ٣٢٦ – ٣٢٧ ، ط. س. ج٢ ص ٥٩٨. ظفیر

۱۱۵ شخصی که حج نکرده وحج بر او فرض نیست اگر از سوی کسیکه قبل از ادای حج مفروض وفات کرده ووصیت ادای حج نموده به حج بدل فرستاده شود آیا حج از طرف میت اداء خواهد شد یانه؟

جواب: در اینصورت حج میت ساقط واداء خواهد شد البته فقها حنفی این صورت را مکروه می دانند بهتر آن است که کسی به حج بدل فرستاده شود که حج خود را اداء کرده باشد [1].

آیا باید پس از حج بدل به مکان امر باز گشت: سوال: ۱۱۶ آیا ضرور است که پس از انجام حج بدل مامور به منزل آمر باز آید؟

جواب: باز پس آمدن او به جای سکونت آمر ضرور نیست [2] البته بهتر آن است که واپس آید.

دادن حج خود به دیگری درست است یانه: سوال: ۱۱۷ در مکه معظمه اکثر مردم حج خود را به شخص دیگری می دهند آیا اینکار جائز است اگر در آنجا از کسی برای زن مرحومه خود حج بگیرم جائز است یانه؟

جواب: بعد از حج کردن اینکار درست نیست که کسی پول گرفته وحج خود را به دیگری بدهد اما درست است که توسط یکی از اهالی آنجا برای والدین زوجه وغیره حج نفل کرده شود یعنی آن شخص قبلاً از سوی کسیکه حج می کند احرام ببندد.

فصل ششم

زیارت مدینه منوره

بعد از حج رفتن به روضه پیامبر ﷺ سنت است یامستحب: سوال: ۱۱۸ بعد از حج زیارت روضه پیامبر ﷺ چه حکم دارد واجب است یا مستحب یک مولوی صاحب می گوید که عالمگیری وشامی زیارت روضه پیامبر ﷺ را مستحب نوشته اند آیا این قول درست است؟

---

(۱) فحاز حج الضرورة من لم يحج والمراة الخ وغيرهم اولى لعدم الخلاف (درمختار) يكره احجاج الضرورة لانه تارك، فرض الحج يفيد انه يصير بدخول مكة قادرا على الحج عن نفسه الخ (درمختار باب الحج ج۲ ص ۳۳۱ – ۳۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ٦۰۲) والافضل للانسان اذا اراد ان يحج رجلا عن نفسه ان حج رجلا قد حج عن نفسه ومع هذالوحج رجلا لم يحج عن نفسه حجة الاسلام يجوزعندنا وسقط الحج عن الأمركذافى المحيط (عالمگيرى مصرى كتاب الحج باب رابع عشر ج۱ ص ۲٤۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲٥۷). ظفير

(۲) ولو احج رجلا يؤدى الحج ويقيم بمكة جاز والافضل ان يحج ويرجع (ايضا). ظفير

جواب: آنچه در مورد استحباب زیارت مدینه طیبه در کتب مذکور آمده درست است هر چند عده ای از علما به وجوب نیز قائل اند طوریکه در الدر المختار آمده: (وزیارة قبروه مندوبة بل قیل واجبة لمن له سعه) ودر شامی آمده : (قوله مندوبة ای باجماع المسلمین کما فی اللباب) [1].

اگر شخصی به علت نا مساعد بودن اوضاع به مدینه نرود چه حکم دارد: سوال: ۱۱۹ الف: یک گروه مسلمانان پس ادای مناسک به اساس اطلاعاتی که مبنی بر نا امنی به اساس حرکات مذمومانه شریف بود از خوف جان بدون رفتن به زیارت روضه مطهر پیامبر ﷺ بازگشتند آیا جماعت مذکور خاطی بوده وقابل توبه می باشند یانه؟

آیا بر ایشان وعید عاید می شود: سوال: ۱۲۰ ب: آیا جماعت مذکور در تحت حدیث (فقد جفانی) می آیند یانه؟

حج ایشان شدهداست یانه: سوال: ۱۲۱ ج: آیا حج ایشان تکمیل شده است یانه؟

آیا قطع مراوده با ایشان ضرور است: سوال: ۱۲۲ د: آیات قطع اخوت اسلامی با ایشان واجب می باشد؟

جواب: الف: جماعت مذکور خاطی نیست زیرا در این وقت حقیقتاً دشواری ها زیادی در رفتن از مکه به مدینه وجود دارد طوریکه معلوم ومشهور می باشد وچون ایشان خاطی وعاصی نیستند پس به این وجه توبه بر ایشان لازم نیست [2] وبدون هیچ چیزی توبه واستغفار هر وقت شایسته مسلمان می باشد.

ب: جماعت مذکور دراین وعید داخل نیستند.

ج: حج ایشان تکمیل گردیده وهیچ نقصی در آن باقی نمانده زیرا زیارت روضه پیامبر ﷺ بعد از حج مستحب بوده ویک عمل جدا گانه صالح وموجب اجر وثواب می باشد وانجام ندادن این عمل صالح ونرفتن به روضه پیامبر ﷺ در حج فرض باعث هیچ خلل نمی گردد.

د: هرگز نه.

اگرگروهی آوازه خطر راشنیده وبه مدینه نرود چه حکم دارد: سوال:۱۲۳ تعداد بزرگی

---

(۱) ردالمحتار للشامی باب الهدی مطلب فی تفضیل قبره المکرم ﷺ ج۲ ص ۳۵۲ – ۳۵۳ ، ط. س. ج۲ ص ۶۲۶. ظفیر

(۲) وزیارة قبره ﷺ مندوبة بل قیل واجبة لمن له سعة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الهدی مطلب فی تفضیل قبره المکرم ج۲ ص ۳۵۲ ، ط. س. ج۲ ص ۶۲۶). ظفیر

به حج رفتند بعد از حج گروهی از ایشان به زیارت مدینه منوره مشرف شدند وتعدادی چون از خطرات راه شنیدند بدون زیارت مدینه طیبه واپس آمدند چنین اشخاص را بی ایمان مرتد وفاسق گفتن وترک سلام وکلام وترک خوردن طعام با ایشان درست است یانه؟

جواب: این چنین حاجی ها را که به عذر مذکور از زیارت روضه پیامبر ﷺ ومسجد مبارک نبوی وحرم محترم مدینه محروم ماندند بی ایمان مرتد وفاسق گفتن حرام است وگویند گان چنین کلماتی فساق ومعلون اند زیرا تکفیر کننده مسلمان خود در معرض سلب ایمان قرار دارد اعاذنا الله تعالی منه زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: (ایما رجل قال لاخیه کافر فقد باء به احدهما) [۱] وترک سلام کلام وطعام با ایشان نا جائز است.

کسیکه به علت مجبوریت به مدینه نرود حجش می شود یانه: سوال: ۱۲۴ کسیکه حج بیت الله شریف را بنماید ومجبوراً به علت کمی خرج نتواند که به مدینه منوره برود خج این شخص کامل است یانه؟

جواب: در پوره وکامل بودن حج هیچگونه شبه وترددی نیست اما اگر با وجود استطاعت به مدنیه منوره نرود مرتکب فعل بدی می شود ومحرومی بزرگی در نصیبش می گردد اما چون به علت کمی خرج مجبوراً از رفتن باز مانده باشد مواخذه ای بر او نیست [۲].

فصل هفتم

مسائل متفرقه حج

حجی که در روز جمعه واقع شود آنرا اکبر می گویند اصل در این مورد چیست:

سوال: ۱۲۵ حجی که در روز جمعه واقع شود آنرا حج اکبر می گویند این امر اصلی دارد یانه وحجی که در روز جمعه واقع شود دارای فضلیت می باشد یانه؟

جواب: این امر آنقدر اصل دارد که پیامبر ﷺ حجی را که در اخیر نمودند در روز جمعه بود ودرمورد آن این آیة مبارکه نازل گردید: (واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج اصغر الاکبر) نازل گردیداصولاً حج اکبردرمقابل حج اصغر قرار دارد زیراعمره حج اصغر بوده وحج درمقابل

(۱) مشکوة شریف. ظفیر

(۲) وزیارة قبره ﷺ مندوبة بل قیل واجبة لمن له سعة ویبدا بالحج لوفرضا ویخیر لو نفلا ما لم یمر به (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الهدی ج۲ ص ۳۵۲ ، ط. س. ج۲ ص ۶۲۶). ظفیر

آن حج اکبر می باشد.

جمع کردن مصارف هر دوطرف درست است یانه: سوال: ١٢٦ از چند سال به اینطرف این امر رواج یافته که در میان حجاج هندی بکثرت کسانی پیدا می شوند که بدون موجود بودن پول کافی برای مخارج سفر از هندوستان به عزم حج روان می شوند وهنگام باز گشت به علت مفلسی در سرک های خوابیده وبه انواع مختلف امراض گرفتار گشته وبالاخره وفات می نمایند واین همان کسانی اند که حکومت حجاز باقوت تمام از هند می خواهد که رعایای خویش را از جده به هند ببرد وحکومت هندوستان هر سال رقم بسیار خطیری را که حدود ٤٠ ٥٠ هزار روپیه می شود بر ایشان خرج می نماید وآنعده از اعضای مجلس که هندو اند بر اینکار اعتراض می نمایند در چنین شرایطی اگر توسط قانون این شرط بر عازمان حج عاید گردد که قبل از روان شدن به حج تکت دوطرفه کشتی را بخرند این شرط خلاف شرع نخواهد بود؟

جواب: اعمال چنین قیودی نظر به قوانین شرعی شرعاً جائز نیست خداوند عز وجل فرموده است: (واذن فی الناس بالحج یاتوک رجالاً وعلی کل ضامر یاتین من کل فج عمیق لیشهدوا منافع لهم ویذکروا اسم الله فی ایام العلومات) از دقت در مفهوم این آیت چنین معلوم می گردد که اعمال قیودی از این قبیل ممنوع می باشد.

بسیاری از مردم چنان اند که اصلاً اراده باز گشت را ندارند ودر آنجا رفته وکسب وحرفه ای را در پیش گرفته وزندگی می نمایند وعده ای کار نموده وکرایه بازگشت خویش را پیدا می کنند لذا به هیچ صورتی مناسب نیست که بر ایشان چنین قیودی اعمال گردیده واز رفتن باز داشته شوند. فقط

هنگامیکه سرمایه با عاید نا جائز مخلوط گردد چه باید کرد: سوال: ١٢٧ پولی را که من غرض حج نگهداشته بودم به تدریج از معاشات خود جمع کرده بودم پول مذکور با عابد نا جائز مخلوط گردید چه شکلی برای پاک کردن آن وجود دارد؟

جواب: به همان مقدار پولی را که از معاشات خود جمع کرده بودید علیحده کنید رقم مذکور حلال وپاک خواهد بود.

ثواب عبادت درحرم مکه ومدینه چقدر است: سوال: ١٢٨ عبادتی که در حرم مکی یا مدنی صورت گیرد چه بدنی باشد یا مالی ثواب آن چقدر است؟

جواب: در حدیث شریف در مورد ثواب نماز در حرم مکی ومدنی تفصیلی امده است ابن ماجه در سنن خویش روایت نموده: (عن انس ابن مالک قال قال رسول الله ﷺ صلوة الرجل فی بیته بصلوة وصلوته فی مسجد القائل بخمس وعشرین صلوة وصلوته فی المسجد الذی یجمع فیه بخمس مائة صلوة وصلوته فی مسجد الاقصی بخمسین الف صلوة وصلوته فی مسجدی بخمسین الف صلوة وصلوته فی المسجد الحرام بمائة الف صلوة) اما فقهای محقق تصریح نموده اند که متباقی عبادات مالی وبدنی نیز همین حکم را دارد چنانچه در الدر المختار آمده: (وکذا بقیة القرب) [1] همچنان در شامی چنین آمده: (ای کالصوم والاعتکاف والصدقة والذکر والقرائة) [2] درالدر المختار آمده: (هل الحج یکفر الکبائر قیل نعم وقیل غیر المتعلقة بالآدمی قا عیاض اجمع اهل السنة والجماعة ان الکبائر یکفرها الا التوبة ولا قائل بسقوط الدین ولو حقاً الله تعالی کدین صلوة وزکوة [3]) مقصود این عبارت آن است که به اساس قول عده ای حج گناه هان کبیره را نیز معاف می کند وعده ای گفته اند که کبائری که به حقوق عباد تعلق نداشته باشند معاف می گردند وقاضی عیاض گوید که اهل سنت اتفاق دارند که کفاره گناهان کبیره غیر از توبه چیز دیگری نمی باشد وتوسط حج دین ساقط نمی گردد هر چند حق الله باشد نماز قضای نماز ندادن زکات وغیره ودر مورد حدیث: (من حج الله فلم یرفث ولم یفسق رجع کیوم ولدته امه) می گویند که مراد صغائر می باشد وعده الی کبائر را نیز درآن داخل می دانند مشروط به آنکه به حقوق العباد ودیون تعلق نداشته باشد اگر چه دین خداوند متعال باشد مانند نماز وزکات خلاصه در این مورد میان علما اختلاف وجود داشته وهیچ جانبی قطعی نیست.

اگر حاجی که دوجده وفات کند ثواب حج را می برد یانه: سوال: ۱۲۹ پدر مرحوم من به شوق زیاد به حج رفت اما در منطقه جده در حالت بیکسی وفات نمود وهیچ کسی به او توجهی نکرده وقافله حجاج جسدش را بدون تجهیز وتکفین در همانجا گذاشته وخود بطرف مکه رفتند آیا او ثواب حج را خواهد برد واجری خواهد داشت؟

جواب: اجری که او ازاین مرغوبت حاصل می کند زیاد است وثواب حج را نیز ان شاء الله کاملاً

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار قبیل کتاب النکاح مطلب فی تفضیل مکة ج۲ ص ۳۵۴ ، ط. س. ج۲ ص ۶۲۶) وجاءت احادیث تدل علی ان تفضیل ثواب الصوم وغیره من القربات بمکة (ردالمحتار کتاب الحج ج۲ ص ۲۵۷ ، ط. س. ج۲ ص ۶۲۷). ظفیر

(۲) ردالمحتار قبیل کتاب النکاح ج۲ ص ۳۵۴ ، ط. س. ج۲ ص ۶۲۷. ظفیر

(۳) مشکوٰة باب المساجد ص ۷۲. ظفیر

بدست خوا هد آورد.

وفات درسفر حج قبل از حج: **سوال**: ۱۳۰ الف: یک شخص وزن او می خواهند به حج بروند؟ اگر درراه حادثه ای پیش آید ویکی یا هر دوی ایشان وفات نمایند یا ثواب حج را بدست می آورند یانه؟

ب: اگر ایشان در حالیکه نیت حج را کرده اند در راه فوت کنند مستحق ثواب اند یانه؟

ج: والده زوجه شخص مذکور زنده بوده وتا کنون حج نکرده واکنون به شوهر خود می گوید که مرا به حج ببر همین مهر من است وهمین اکنون به رفتن آماده می باشد اما پدر زن مذکور ممانعت می کند در اینصورت چه باید کرد؟

د: از اکنون تا ایام حج زمان کافی باقی مانده آیا اگر کسی در راه فوت کند نیز ثواب بدست خواهد آورد یانه؟

جواب: الف: اگر در راه وفات کنند یا حادثه ای،پیش آید ان شاء الله ثواب کامل نزد خداوند برده واجر عظیم خواهند داشت.

ب: ثواب حاصل می کند [1].

ج: اگر برزن حج فرض نباشد وشوهر بر بردنش پافشاری ندارد پس باید زن مذکور از پدر خود اطاعت کند یعنی اکنون به حج نفل نرود در شامی آمده: (اما حج فطاعة الوالدین اولی مطلقاً) [2].

د: ثواب حاصل می شود [3].

جلد ششم به توفیق خداوند عز وجل پایان یافت.

ختم شد



(۱) مشکوٰة کتاب المناسک فصل اول ج۲ ص ۲۲۳. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الهدی ج۲ ص ۳۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۶۲۱. ظفیر

(۳) مشکوٰة کتاب المناسک ص ۲۲۳. ظفیر